فصلنامه علمی - پژوهشی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره: ۴۰ تابستان ۱۳۹۷ شاپا: ۲۲۴x - ۱۷۳۵

صاحب امتیاز: **وزارت ورزش و جوانان**

مدیر مسئول: **محمدرضا فضلی**

سردبیر: **سید نصراله سجادی**

مدیر داخلی و ویراستار: **زهرا کمالیان**

صفحه آرا: **جعفر خدادی**

چاپ و صحافی: **سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی**

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴ ، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹ ، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

سامانه ارسال مقاله: http://faslname.msy.gov.ir

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی ۳/۱۸/۸۰۳۳ از ۱۳۹۳/۱/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام(ISC) نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد جوادی پور

دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیارگروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیاردانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی- پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادتی سیدبگلو، مهدی شکرانی، لقمان کشاورز، مهدی نادری نسب، محمد رسول خدادادی، نادر شکری، علی یلفانی، محمد هادی توکلی، مهدی سلیمی، نصراله محمدی، حسین اکبری یزدی، عبدالرضا امیرتاش، رسول فرجی، فراز موسوی، حسن عبدی، کامبیز کامکاری، کریم زهره وندیان، بهنام نقی پور گیوی، ستار پروین، برزو مروت، امید قادر زاده، مسعود دارابی، مجتبی تمدنی، رضا امیدی، مهدی معینی، ولی رستمی، حسین نوروزی، نازنین راسخ، فهیمه مومنی فر، مریم مختاری دینانی، معصومه کلاته سیفری، زهرا حضرتی صومعه، آذر رشتیانی، سهیلا علیرضانژاد، فهیمه نظری، فریده عقیلی و لیلا میرآقاسی.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست‌ها و برنامه‌های موجود
۲. کمک به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش‌های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه‌ها
٤. انعکاس جدیدترین یافته‌های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
٤.مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات
فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله‌های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش‌های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته‌ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.
۲. حجـم مقاله‌ها باید بیـن ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4(هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به پایین با فونت Blotus 14 تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله‌ها باید شامل اجزای زیر باشد:

- **صفحه عنوان:** ضروری اسـت که عنـوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شـکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
- **چکیده فارسـی و انگلیسـی:** لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسـی و انگلیسی در بر گیرنده بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.
- **مقدمه:** شـامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری‌ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا پرسش‌ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
- **روش:** شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است.
- **یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از روش‌های آماری می‌تواند به صورت متن، جدول (شـماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول‌ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
- **بحـث و نتیجـه گیری:** ضمن مقایسـه یافته‌های حاصل از این تحقیق بـا تحقیقات قبلی از منظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به درستی یا نادرستی فرضیه‌ها و هدف تحقیق اشاره گردد.
- **منابع:** تمامی مقاله‌ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سـقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیسـت، مسئولیت این امر بر عهده نویسـنده مسئول می‌باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی(APA)) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد: **(نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)**– چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۵. معادل غیر فارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها، کوته نوشت‌ها و سر واژه‌ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

الف. کتاب: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) **عنوان مقاله**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر

ب. مقاله: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.

ج. مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.

د. رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) «**عنوان مقاله**». مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.

ه. پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) «**عنوان مقاله**». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

فهرست

راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی ایران

محمد جوادی پور، سمیه رهبری ۹

تعیین انگیزه‌ها و عوامل انگیزاننده جهت مشارکت سالمندان در فعالیت بدنی بین زنان و مردان ایرانی

پروانه خلوصی، فرشاد تجاری، محمدرضا اسمعیلی شازندی ۲۷

بررسی عوامل موثر بر موفقیت و افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر

سعید قربانی، بهمن طیبی، غلامحسن رحمان‌نیا، کیانوش دیلمی ۴۳

تاملی بر نقش و عملکرد دادگاه فوری دیوان حکمیت ورزش و اقدامات آن در خلال بازی‌های المپیک ۲۰۱۶

علی دادگر، مهدی زاهدی، سید قاسم زمانی، آرامش شهبازی ۵۹

مرور سیستماتیک مطالعات اعتیاد به کار

برانوش نیک بین، اکبر حسن پور، سعید جعفری نیا، حسین عباسیان ۷۵

بررسی ارتباط بین حمایت‌های اجتماعی و خودتنظیمی با فعالیت بدنی اوقات فراغت کارگران ایران

مهدیه آیرم، علی زارعی، فرشاد تجاری ۱۰۵

تدوین مدل ارتباطی سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی با میانجی گری خودکارآمدی شغلی در بین کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان اردبیل

نسرین عزیزیان کهن، ماهرخ دهقانی، ایوب بهتاج، غفار کریمیان پور ۱۱۷

بررسی رابطه عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی براساس نقش تعدیل‌کنندگی مهارت سیاسی و اراده سیاسی در صنعت ورزش

رباب مختاری، علی محمد صفانیا، حسین پورسلطان زرندی ۱۳۵

بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب (مورد مطالعه: دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات تهران)

فاطمه دوله، سیف الله سیف الهی، حبیب اله زنجانی ۱۵۳

تحلیلی بر جایگاه حق اشتغال جوانان در قانون اساسی و اسناد فرادستی توسعه ملی

جعفر سطوتی، علی اکبر گرجی ازندریانی ۱۷۷

نگرش دختران جوان پیرامون فرهنگ خواستگاری به شیوه سنتی و جدید (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده رفاه در سال ۹۶-۱۳۹۵)

طاهره جعفری، مریم کوهستانی ۱۹۹

تبیین جامعه شناختی مشارکت فرهنگی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)

اقباله عزیزخانی ۲۱۹

بررسی رابطه رسانه های دیداری خارجی و ارزش های نوجوانان و جوانان شهر شیراز

علی روحانی، سمیه‌هاشمی، مسعود انبارلو ۲۴۱

بررسی تطبیقی انطباق با زندگی شهری در بین جوانان و سالمندان شهر تهران

محمد احمدی زیدکندی، عالیه شکر بیگی، امیدعلی احمدی ۲۶۵

۱

راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی ایران

محمد جوادی پور[۱]
سمیه رهبری[۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۲
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۶/۱۱/۷

هدف از پژوهش حاضر، بررسی راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی ایران بود. پژوهش حاضر از نظر هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از منظر ماهیت داده‌های پژوهشی، جزو تحقیقات طرح آمیخته اکتشافی بود. در بخش کیفی پژوهش، ۱۶ نفر از مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری شدند و به روش استرابرت و کارپنتر(۲۰۱۱) کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردیدند. جامعه آماری در بخش کمی، مدیران فدراسیون ورزش‌های همگانی، روسای کمیته‌های فدراسیون، روسای انجمن‌های تحت پوشش فدراسیون و روسای هیات‌های ورزش همگانی استان‌ها بودند (۲۰۰ نفر) که نمونه‌ها به شیوه تصادفی ساده از میان آنها انتخاب گردیدند. پرسشنامه محقق ساخته، ابزار گردآوری داده‌های پژوهش در این مرحله بود. گویه‌های این پرسشنامه، از مصاحبه نظامند با مدیران و کارشناسان خبره و پیشینهٔ پژوهش استخراج گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه مورد تایید چند تن از اساتید متخصص قرار گرفت و روایی سازه نیز با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد. پایایی پرسشنامه هم با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید (α= ۰/۸۳). تحلیل داده‌ها در این بخش نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و با آزمون ویلکاکسون انجام گردید. طبق نتایج بخش کیفی تحقیق، راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی شامل راهبردهای سازمانی، فرهنگ سازی، راه حل‌های اقتصادی و پژوهش

---

۱. دانشیار، گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Javadipour@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محوری بودند. طبق نتایج بخش کمی، بین وضعیت موجود و مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری مشاهده شد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، راهبرد، برنامه توسعه ورزش و ایران

مقدمه

مدیریت راهبردی یک سازمان از چرخه ای تشکیل شده است که برنامه ریزی راهبردی، برنامه ریزی عملیاتی، بودجه ریزی، نظارت و ارزیابی عملکرد، اجزای اصلی آن هستند. برنامه ریزی راهبردی، فرآیندی است در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش های آن برای نیل به رسالت و اهداف بلند مدت، با توجه به امکانات و محدودیت های درونی و بیرونی هر سازمان. برنامه ریزی عملیاتی نیز راهبردهای یک سازمان را برای پیاده سازی و اجرا به کار می‌بندد. بنابراین، هماهنگی کامل میان چهار جزء اصلی فوق برای تحقق یک مدیریت منسجم الزامی است. اگر چه سابقه مبانی نظری مدیریت راهبردی نسبتًا طولانی است، ولی کاربرد آن در سال‌های اخیر به قدری گسترش یافته است که امروزه تقریباً تمام سازمان‌های پیشروی دنیا اعم از دولتی و خصوصی از مدیریت راهبردی برای راهبری سازمان خود بهره می گیرند. برنامه ریزی عملیاتی، یکی از اجزای اصلی مدیریت راهبردی است(جوادی پور، ۱۳۹۲: ۲۳). از طرفی، توسعه در ابعاد مختلف در دستور کار تمامی کشورهای دنیا قرار دارد. توسعه یک کشور، مفهومی کلی است که با توسعه در محورهای مختلف معنا می یابد (صادقی،۱۳۸٤: ۸). ورزش برای همه به معنای یک راهبرد دولتی طراحی شده به منظور افزایش فعالیت جسمانی در میان مردم است؛ سیاستی که بر این اساس دولت باید از انجام تمرینات جسمانی در میان مردم حمایت کند (بریسگارد و همکاران[1]، ۲۰۰۷: ۲۰۱).

ورزش همگانی به معنی خلق فرصت‌ها و محیط مطلوب از طریق همکاری تمام سازمان‌های درگیر (دولتی و غیر دولتی) برای اینکه هر فردی بدون توجه به جنسیت، سن، توانایی، موقعیت اجتماعی– اقتصادی و نژاد بتواند در فعالیت‌های جسمانی و ورزشی شرکت نماید، می‌باشد. تمام این سازمان‌ها به مسئولیت ملی برای اطمینان از اینکه هر شهروند حق مساوی برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و جسمانی دارند، اشاره می‌کنند. دولت و سازمان‌های غیر دولتی، نقش مهمی در دستیابی به مشارکت در ورزش و فعالیت‌های جسمانی ایفا می‌نمایند (کمیته ورزش‌های همگانی[2]، ۲۰۰۹). به طور کلی، ورزش همگانی به فعالیت‌های ورزشی گوناگون گفته می‌شود که در بیرون از ورزشگاه‌های رسمی که دارای مقررات سخت و دست و پا گیر هستند و به دور از چشم تماشاگران متعصب، در کمال آزادی و سادگی برگزار می‌شود (منسفیلد و پیگین[3]، ۲۰۱٦). این تعاریف نشان می‌دهد که ورزش همگانی نه فقط مورد توجه بسیاری از اشخاص و سازمان‌های حرفه ای و بزرگ ورزشی مانند کمیته بین المللی المپیک قرار دارد، بلکه تمام متخصصان تربیت بدنی و علوم ورزشی در داخل و خارج کشور، ورزش همگانی و یا گسترش و همگانی کردن انواع فعالیت‌های بدنی و ورزشی را وسیله ای ارزشمند برای ارتقای بهداشت جسمانی و روانی آحاد جامعه، توسعه و ترویج فرهنگ ورزش می‌دانند(تقوی تکیار، ۱۳۸۵). بیشترین انگیزه برای رشد و گسترش ورزش همگانی، پر کردن اوقات فراغت و تامین سلامتی شرکت کنندگان است. اساس ورزش همگانی در آغاز با بازی‌های سنتی و مورد علاقه مردم شکل گرفت و با نزدیک شدن به اهداف کشورهای مختلف، سازماندهی رشته‌های مورد علاقه مردم به وسیله مدیریت‌های محلی و ملی گسترش یافته است (حیدری چروده، ۱۳۸۹).

سلامت، یکی از اساسی‌ترین نیازهای همه انسان‌هاست و هیچ یک از افراد جامعه را نمی‌توان از آن بی‌نیاز دانست. سلامت فرد در گرو ارائه خدماتی با کیفیت، مناسب و متناسب با نیاز مردم است (طریقت‌منفرد، ۱۳۸۷).

1. Bergsgard et al
2. Community Sports Committee
3. Mansfield.& Piggin

وینـدر[1] (۲۰۰۱) با ارائه آماری، سرمایه‌گذاری بی‌نتیجه روی ورزش قهرمانی را بدون پرداختن به سلامت جامعه (ورزش همگانی) بیهوده دانسته است. بیشتر جمعیت کشور ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تغذیه، سلامت، مسکن و رفاه مناسب ندارند. همچنین، مشکلاتی در سیاست ورزشی ایران وجود دارد. در این زمینه دوستی و همکاران(۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی سیاست ورزش در ایران» بر روی دو نکته تاکید داشت: ابتدا ایجاد روابط قابل قبول و دوسویه با بدنه‌های دولتی ورزش و دوم، شناسایی محل و دپارتمانی مناسب برای ورزش. تنها در ده سـال گذشـته است که دولت ایران شـروع به توسعه روابط با بدنه‌های دولتی در مورد ورزش‌های المپیکی و فوتبال کرده اسـت. بررسی وضعیت همگانی در کشورهای استرالیا، آلمان، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک نشان می‌دهد که برنامه منظم برای رشد و توسعه ورزش همگانی در این کشورها بیش از ۵۰ سـال سـابقه دارد. عوامل متعددی در این موفقیت نقش دارد که قبل از هر چیز می‌توان به رشـد برنامه ورزش همگانی در چارچوب برنامه‌های ملی این کشـورها و حمایت مؤثر دولت‌ها از این برنامه‌ها اشـاره کرد. داشتن راهبرد و سیاست‌های روشن و مدون برای توسعه ورزش همگانی، یکی از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در این کشورها می‌باشد (جوادی‌پور ،۱۳۹۰؛ دانوارد و راسکیوت[2]، ۲۰۱۰: ۲۰۰).

در تحلیل سوات[3] نهادهای متولی ورزش کشور، فصل سوم طرح اجمالی سند راهبردی ورزش، موارد زیر از جمله ضعف‌های مطرح شده در این تحلیل می‌باشد:

- تعدد مراکز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در ورزش کشور؛
- فقدان هماهنگی و تعادل بین نهادهای ورزشی کشور؛
- فقدان ساز و کارها و تشکیلات مناسب برای توسعه اقتصادی و منابع مالی ورزش کشور؛
- خلاء نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در ورزش ملی و وجود سیاست‌گذاری بخشی؛
- کاستی مدیریت جهت‌مند ورزش کشور؛
- فقدان تفکیک روشن بین تصمیمات کلان، میانی، میدانی و اجرایی؛
- فقدان تناسب هماهنگی برای نهاد متولی ورزش همگانی؛
- وجود تداخلات عیان بین وظایف سازمان تربیت‌بدنی و کمیته ملی المپیک (طرح اجمالی سند ورزش کشور، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب، یکی از راهبردهای توسعه نهادهای ورزش کشور، تمرکز در سیاست‌گذاری و نظارت ملی و عدم تمرکز در مدیریت اجرایی و اجرا می‌باشد. (طرح اجمالی سند ورزش کشور، ۱۳۸۲).

از طرف دیگر، ورزش همگانی برای رشد و توسعه نیازمند ابزارهایی است، از جمله:

۱. تسـهیلات اقتصادی: نگاهی به سیاست‌گذاری‌های کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در کشورهایی مانند انگلستان در ده سال آینده ۱/۵ تا ۲ میلیارد پوند به ورزش همگانی اختصاص می‌یابد.

۲. تغییر در مدیریت و برنامه‌ریزی: سازمان ورزش در بسیاری از کشورها دست به تغییر راهبردهای خود و فضای رشـد ورزش همگانی زده اسـت. چنین تحولاتی به علت تغییرات اجتماعی که در زمینه تربیت بدنی روی می‌دهد، امری اجتناب ناپذیر است.

۳. امکانات ورزشی: یکی از اصلی‌ترین مواد لازم برای مشارکت بیشتر مردم در ورزش، گسترش امکانات ورزشی

1. Winther
2. Downward & Rasciute
3. SWOT

اســت. تعداد مناســب مربی ورزشــی در زمینه آموزش ورزش و همچنین افزایش مراکز، اماکن و زمین‌های ورزشی، از هزینه‌های رشد مشارکت افراد در ورزش به‌شمار می‌رود. این در حالی است که در کشور ما، رشد جمعیت متناسب با امکانات موجود نبوده و نیز تمهیدات لازم برای استفاده کامل از امکانات ورزشی موجود فراهم نشده است. این موضوع و نیز استفاده ناکارآمد از حداقل امکانات موجود موجب عدم برخورداری همه افراد جامعه از امکانات ورزشی شده است- درحالی که بند سوم قانون اساسی به برخورداری رایگان همه مردم از تربیت‌بدنی اشاره می‌کند (احسانی و همکاران،۱۳۹۳: ۹۰).

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش های انجام گرفته در زمینهٔ ورزش همگانی و تفریحات ورزشی در کشورمان نشان می‌دهد که توســعه و تعمیم ورزش با وجود برنامه ریزی ها، هزینه‌ها و تلاش های مختلفی که در سال های اخیر صورت پذیرفته است، به نحو مناسبی گسترش نیافته است و کاستی‌ها و ضعف های عدیده ای دارد (اتقیا، ۱۳۸۷ :۹۷؛ کشکر و سلیمانی،۱۳۹۱ :۱۰۱). این وضعیت در شرایطی بر ورزش عمومی و همگانی جامعهٔ ما حاکم است که بر مبنای تحقیقات به عمل آمده و به استناد شواهد علمی، تمامی دست اندرکاران و مسئولان بر ضرورت تعمیم و همه گیر شدن ورزش و فعالیت های مستمر و منظم بدنی تأکید دارند و آن را امری مهم و لازم در راستای ارتقای سلامت در جامعه می‌دانند (قالیباف، ۱۳۸۹ :۲۳؛ آفرینش و همکاران، ۱۳۸٤ :۲۲).

فولدســی[1] (۱۹۹۱) در پژوهشــی با عنــوان «از ورزش جمعی تــا جنبش ورزش برای همه» در کشــورهای «سوسیالیســتی» (اروپای شرقی) به این مورد می‌پردازد که چگونه کشورها در بلوک شرقی (اروپا) فعالیت‌بدنی مردم خود را ارتقا دادند. وی بیان می‌کند کشورهای مدرن با مشکل جدیدی روبرو هستند: آن‌ها باید فعالیت‌های ورزشی را برای همه شهروندان بدون داشتن نهادهای مناسب آن گسترش دهند. هر یک از دولت‌ها بسته به شرایط سیاســی، اقتصادی و فرهنگی پاســخ‌های متفاوتی برای این چالش ارائه می‌دهند. در بخش اول، زمینه سیاسی و اقتصادی بحث می‌شود. وی ادعا می‌کند که کشورهای بلوک شرقی در مقایسه با کشورهای غربی شرایط بسیار خاصی برای توسعه ورزش برای همه دارند. ورزش برای همه در دولت‌های دموکرات غربی می‌تواند به‌عنوان یک هدف تعیین شود، اما به سختی می‌توان متوجه چنین هدفی شد. کاتوالا[2] (۲۰۰۰) در پژوهش خود در مورد بهسازی و اصلاحات سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بیان می‌کند که اگر بدنه‌های ورزشی می‌خواهند بطور جدی اصلاحات داشته باشند، بهترین و اولین گام برای آن‌ها این است که برای ایجاد انجمن چند-ذینفعی آزاد و شفاف در مورد اداره ورزشی صحیح همکاری کنند. کاتوالا پیشتر توضیح داد که اصلاحات باید مشمولیت داشته باشد؛ یعنی به ذی‌نفعان کلیدی ورزشی برای اصلاح فرایندهای تصمیم‌گیری نقش مرکزی بدهد تا به‌دنبال تطبیق منافع حیاتی خود براســاس ارزش‌های کل ورزش باشــند. به هر حال باید توجه شود که ورزشکاران، ذی‌نفعان مهم فدراســیون‌های بین‌المللی ورزشی هســتند. مقاله‌ای که وی به آن می‌پردازد ماهیتاً اکتشافی می‌باشد و اولین گام مهم در درک نقشــی که ورزشکاران در اداره فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش ایفا می‌کنند را نشان می‌دهد. وی بیان می‌کند که برخی از این سازمان‌های بین‌المللی کمیته‌های ورزشکاری را بوجود آوردند تا مشارکت آن‌ها را در تصمیم‌گیری تضمین کنند، در حالی که سازمان‌های دیگر ورزشکاران را به‌عنوان بخشی از مدیریت خود در

1. Foldesi
2. Katwala

نظر نگرفتند. اندرف[1](۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان «ارتباط ورزش و توسعه اقتصادی» نشان داد که رابطه قوی بین سطح توسعه اقتصادی و سطح توسعه ورزشی آن کشور وجود دارد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با کمبود فعالیت بدنی، فقدان تامین مالی برای ورزش، تعداد محدود امکانات ورزشی و عدم توانایی برای میزبانی رویدادهای مهم ورزشی رو به رو هستند. برآورد مدل تحقیق نشان داد که احتمال کسب مدال برای یک کشور در بازی‌های المپیک با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و جمعیت افزایش می‌یابد. توسعه اقتصادی تنها دستورالعمل پایدار در برابر توسعه نیافتگی ورزشی است. با این حال، راه حل‌های دیگری مانند تلاش یونسکو برای حمایت از ورزش، ورزش برای همه و ورزش‌های سنتی در کشورهای در حال توسعه؛ گرفتن کمک خارجی برای شرکت در مسابقات ورزشی بین المللی و جریمه برای موارد فساد در ورزش ارائه شده است. ویکر و همکاران[2] (۲۰۰۹) به بررسی ارتقای ورزش همگانی با رویکرد ویژه سن گروه‌های هدف: تاثیر زیر ساخت‌های ورزش پرداختند. نتایج نشان داد که وجود زیر ساخت‌های ورزشی که متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف باشد بطور معنی داری تاثیر بسزایی بر روی الگوی فعالیت‌های ورزشی دارد. به عنوان مثال، وجود استخرهای شنا در دوره کودکی و نوجوانی و مراکز تناسب اندام و ژیمنازیوم در دوره جوانی بر روی جذب گروه‌های مختلف سنی تاثیر گذار است. برای سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی باید به توسعه زیر ساخت‌ها با توجه به نیازهای سنین مختلف توجه شود. بارندز[3] (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «برنامه ملی، دانش و نوآوری در ورزش و فعالیت بدنی در کشور هلند»، به سه ابزار اصلی این برنامه اشاره نمود: مشوق‌های ورزشی محله ای(جهت ایجاد انگیزه میان مردم در تمام سنین برای ورزش یا فعالیت بدنی بیشتر)، انگیزش ورزشی یا کمک مالی به پروژه‌های ورزشی و تمرینی (کمک‌های مالی انگیزشی ورزشی برای باشگاه‌های ورزشی، مراکز تناسب اندام و دیگر ارائه دهندگان ورزشی در نظر گرفته شده تا برنامه فعالیت برای گروه‌های با مشارکت پایین یا کم تحرک راه اندازی نمایند) و به اشتراک گذاری تخصص و دانش در سطح ملی و محلی برای ایجاد شبکه در سطح محلی بین سازمان‌های ورزشی و سازمان‌های غیر انتفاعی محلی، مانند مدارس و سایر نهادهای عمومی. نتایج پژوهش سارجیت سینگ[4] (۲۰۱۷) که به سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی پرداخت، حاکی از این بود که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان سه برنامه بزرگ ملی برای افراد در تمام سنین راه‌اندازی کرده است. این سه برنامه،"مالزی متناسب»، «روز ملی ورزش» و«الهام بخشیدن» بودند. این برنامه‌ها در تمام ۱۵ ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازماندهی شده اند و در نتیجه تمام مردم با هرگونه زندگی و سن را در برمی‌گیرند. در نهایت، هدف اصلی این سیاست ورزشی، تبدیل ورزش به یک فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و راهبردهای مشخص شده در این سیاست تضمین می‌کنند که تمام تلاش‌ها در این راستا، همراه با تلاش‌ها برای رسیدن به وضعیت توسعه یافته در کشور مالزی با موفقیت پیاده‌سازی شوند.

جوادی‌پور (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «برنامه راهبردی فدراسیون ورزش‌های همگانی» به بررسی وضعیت ورزش همگانی در کشورهای استرالیا، آلمان، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک پرداخت و نشان داد که برنامه‌های منظم برای رشد و توسعه ورزش همگانی در این کشورها بیش از ۵۰ سال سابقه دارد. عوامل متعددی در پیشرفت

1. Andreff
2. Wicker et al
3. Barendse
4. Sargit Singh

ورزش همگانی نقش دارد که قبل از هر چیز می‌توان به رشد برنامه ورزش همگانی در چارچوب برنامه‌های ملی این کشـورها و حمایت مؤثر دولت‌ها از این برنامه‌ها اشـاره کرد. همچنین، یکی از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در این کشـورها را داشتن راهبرد و سیاست‌های روشـن و مدون برای توسعه ورزش همگانی و نقش بخش خصوصی بیان کرد. هدف از انجام پژوهش شـعبانی و همکاران (۱۳۹۳) مطالعه برنامه‌ها و سیاسـت‌ها و راهبردهای ورزشی همگانی در طرح جامع ورزش کشور بود. یافته‌ای تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین نقاط درونی هر چهار متغیر قوت، ضعف، فرصت و تهدید در ورزش همگانی طرح جامع ورزش وجود دارد که به ترتیب اهمیت در هر متغیر مشخص شده‌اند. گودرزی و همکاران(۱۳۹٤) به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اکتشافی و به صورت کیفی پرداختند. نتایج نهایی این تحقیق بیانگر شناسـایی ۳۳ مؤلفه موثر در سه موضوع اصلی تحقیق (نقش شناختی، هنجاری و تنظمی) و ۳۱ مؤلفه به عنوان عوامل بازدارنده گردید. همچنین ۱۲ مؤلفه نیز شناسایی گردیدند که در نقش‌های سـه گانه جای نگرفتند و در مؤلفه‌های مربوط به تولید برنامه خلاصه شـدند. در پژوهش خداداد کاشی و کریم نیا (۱۳۹۵) تلاش گردید که عوامل موثر بـر میـزان موفقیت کشورها در بازی های المپیک از طریق مدل اقتصاد سنجی لاجیـت ارزیـابی شـود. نتایج دلالت بر آن داشت که شاخص توسعه انسانی، تعداد شرکت کننـدگان، تراز تجـاری، درآمد سرانه و عملکرد ورزشی دوره قبل احتمال موفقیت ورزشـی کشـورها در بـازی هـای المپیـک را افـزایش می‌دهـد. ملک اخلاق و همکاران (۱۳۹٦) به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اجرای راهبردهای سـازمانی در سازمان‌های ورزشی دولتی ایران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد در خارج سازمان ٤ عامل و در داخل سـازمان ٦ عامل، اجرای راهبرد را متأثر خواهند کرد. عوامل خارجی در اجرای راهبردهای سازمانی از اولویت یکسـانی برخوردارند، اما عوامل داخلی اولویت‌بندی متفاوتی داشتند. از میان عوامل داخلی اولویت اول به منابع مالی و اولویت نهایی به سـاختار سـازمان اختصاص یافت. همچنین در مورد اهمیت ورزش می‌توان به بیانات مقام معظـم رهبـری، قـانون اساسـی، سـند چشم انداز و برنامه توسعه و برنامه بودجه اشاره کرد. ارشادات بنیان گـذار جمهـوری اسـلامی ایـران پیرامون اهمیـت، نقـش و تـأثیر ورزش بـر جوانـان حـاکی از ارزش و اهمیـت پرداختن به این امر اسـت. طبق فرمایش ایشـان، «جوانـان ذخیـره کشـور و مایـه امیـد ملـت هستند که موفقیت بیشتر آنها در گرو ورزش در تمامی ابعاد انسانی اسـت». در سـند چشـم انداز ۲۰ ساله کشور، برنامه ششـم توسـعه و طرح جـامع ورزش کشـور نیـز بـه توسـعه ورزش توجه ویژه ای شده اسـت. در خطی مشی برنامه توسـعه ششـم به این مهم توجـه شـد کـه همگانی کردن ورزش و گسترش فعالیت های تربیت بدنی به خصوص بـین جوانـان بـه منظـور پرورش جسم و روح و پربار کردن اوقات فراغت بین عموم مردم سبب ارتقا کمی و کیفـی فرهنگ عمومی جامعه می‌شود (قانون برنامه ششم،۱۳۹٦). از طرف دیگر، امروزه به وضوح روشن است که ساختار سازمان‌ها به گونه ای پیچیده شده که آنها بدون برنامه ریزی های دقیق به هیچ وجه نمی توانند به حیات خود تداوم بخشند. سازمان های ورزشی نیز از این مقوله مستثنی نیستند. برنامه ریزی در یک سازمان ورزشی همانند هر سازمان دیگری به عنوان مهمترین وظیفه مدیریت به شمار می رود. در حقیقت، برنامه ریزی در یک سازمان ورزشی باعث می شود تا اهداف همه فعالیت‌ها و گروهی تعیین شده و نحوه دستیابی به آن اهداف طرح‌ریزی شود (مظفری،۱۳۸۸). به همین منظور تحقیق حاضر سعی دارد که با نگاهی علمی و محققانه به شناخت راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی ایران بپردازد تا سازمان‌های متولی ورزش همگانی کشور از جمله

معاونت ورزش همگانی کشور، فدراسیون ورزش همگانی، شهرداری‌ها و.. ضمن آگاهی از مسیر حرکت، بتواند از هر گونه دوباره کاری، بیراهه رفتن و به هدر رفتن منابع مالی، انسانی، فیزیکی و اطلاعاتی خود پیشگیری کنند.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش آمیخته اکتشافی[1] بود. بدین منظور این مطالعه در ۲ فاز اصلی (بخش اول، کیفی و بخش دوم، کمّی) انجام گردید. پژوهش حاضر از نظر هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از منظر ماهیت داده‌های پژوهشی، جزو پژوهش‌های طرح آمیخته بود. برای اجرای اولین بخش این پژوهش، جامعه آماری متشکل از خبرگانی بود که در زمینه ورزش همگانی تخصص علمی، اجرایی و یا هر دو مورد را داشتند (از جمله اساتید دانشگاه که دارای کتب و یا پژوهش در ورزش همگانی بودند و همچنین مدیران سازمان های مرتبط با ورزش همگانی) که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. آنها ابتدا در جریان موضوع مصاحبه قرار گرفتند و به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود دربارهٔ سؤالات مصاحبه پرداختند. مصاحبه بطور ساختارنیافته با ۱۶ نفر که تمایل به همکاری داشتند، انجام گرفت. نمونه گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت- از نظر استرابرت و کارپنتر(۲۰۱۱) اشباع یعنی ادامه جمع آوری داده‌ها باعث تکرار جمع آوری داده‌های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی حاصل نگردد. از این رو، تعداد مشارکت کنندگان قبل از مطالعه مشخص نمی شود و تصمیم گیری در مورد مشارکت کننده بعدی توسط اطلاعات حاصل از مشارکت کننده‌های قبلی هدایت می‌شود و تا زمانی که کدهای جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج شود و اطلاعات بدست آمده تکراری نباشد، نمونه گیری ادامه می‌یابد. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه ها به روش استرابرت و کارپنتر[2] کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردید- کدگذاری و به عبارتی تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش، براساس جمع آوری اطلاعات از طریق سؤالات و محورهای انتخاب شده انجام گرفت. پس از مصاحبه، محقق صحبت‌های ضبط شده را به متن نوشتاری تبدیل کرد. همچنین، جملات و عبارات و نقل قول هایی که به درک بهتر افراد از موضوع اصلی تحقیق دلالت می‌کردند، مشخص شدند. در مرحله بعد، محقق از عبارات مهم برای دسته بندی معانی استفاده کرد که به دستیابی به زیرمضمون‌ها منجر می‌شد. این زیرمضمون‌ها نیز برای نوشتن آنچه شرکت کنندگان بیان کرده اند، در پوشش مضمون‌ها استفاده شد. جهت تایید روایی و اطمینان‌پذیری داده‌ها، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان ارائه شد و نظراتشان دریافت و دوباره پرسیده شد. گوبا و لینکلن[3] (۱۹۹٤) معتقدند برای تایید روایی و دقت علمی در پژوهش‌های کیفی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد و عناصر چندگانه آن، راهبردهای متعددی نظیر بازبینی در زمین کدگذاری، تایید نتایج با مراجعه به آزمودنی ها، تایید همکاران پژوهشی و.. وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز به کسب نظر اساتید و متخصصان امر در مورد روند پژوهش به منظور افزایش اعتبار پژوهش اقدام گردید. برای تایید دقت علمی، از بازبینی کدگذاری‌ها (پایایی باز آزمون) و تایید همکاران پژوهشی بهره گرفته شد.

جامعه آماری در بخش کمی، مدیران فدراسیون ورزش‌های همگانی، روسای کمیته‌های فدراسیون، روسای انجمن‌های تحت پوشش فدراسیون و روسای هیات‌های ورزش همگانی استان‌ها با سوابق علمی و اجرایی در حوزه ورزش همگانی بودند (۲۰۰ نفر) که در نهایت، حدود ۵۰ نفر به شیوه تصادفی ساده انتخاب و به

1. Exploratory mixed method
2. Streubert & Carpenter
3. Guba & Lincoln

پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته ۶۰سوالی بود. گویه‌های این پرسشنامه، از مصاحبه نظامند با مدیران و کارشناسان خبره و پیشینهٔ پژوهش استخراج گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، مورد تایید چند تن از اساتید متخصص قرار گرفت. روایی سازه نیز با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد. پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید (۰/۸۳ =α). تحلیل داده‌ها در این بخش نیز با استفاده از نرم افزارآماری SPSS و با آزمون ویلکاکسون انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

نتایج بخش کیفی

در این بخش، نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌های بخش کیفی ارائه می‌شود. نظرات شرکت کنندگان در مصاحبه در زمینه راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی مورد بررسی قرار گرفت و مؤلفه‌های راهبردهای سازمانی، فرهنگ سازی، راه حل‌های اقتصادی و پژوهش محور بودن شناسایی شد. مقوله‌های مرتبط با هر کدام در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱: راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی

تحلیل داده‌ها با روش استرابرت و کارپنتر (۲۰۱۱): کدگذاری و مقوله ای کردن	
سؤال ۱: راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی کدام اند؟	
مضمون/ها	مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها
راهبردهای سازمانی	استاندارد سازی انجمن‌ها با قوانین ساده، جهانی فکر کردن و منطقه ای عمل کردن، داشتن سند توسعه و حرکت بر مبنای راهبرد در فدراسیون، ایجاد بستر مناسب جهت بهره برداری از منابع مختلف، راهبرد برای افراد معلول و بیماران خاص، تعریف و تدوین رشته‌ها در راستای ایجاد رقابت و رغبت، ایجاد شورای توسعه ورزش با عملکردی فراتر از وزارت ورزش برای همگون کردن فعالیت ها
فرهنگ سازی	کار گروهی، خانواده محوری و مادر محوری، حرکت جهادی، مشارکت کودکان، استفاده از فضای مجازی، تبلیغات رسانه ای، اولویت دادن به ورزش برای اوقات فراغت
راه حل‌های اقتصادی	حمایت از تولیدکنندگان وسایل و تجهیزات، دسترسی آسان به امکانات، توجه به وضعیت خانواده‌ها، تأمین بودجه و منابع مالی
پژوهش محوری	نیازسنجی و برآورد ذائقه فرهنگی، مزیت نسبی و نیازهای واقعی مردم استان‌های مختلف، همایش‌های علمی و مطالعه مسائل داخلی و خارجی برای رفع مشکلات و ابلاغ همگانی، بررسی مطالعات پیشین و بهره بردن از تجارب و ایده‌های برنامه ریزان و ارزشیابان، بررسی وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات، آنالیز ذی نفعان و جلب مشارکت آنان، مطالعات تطبیقی، بومی سازی تجربیات

هدف سؤال بعدی پژوهش حاضر، ارائه الگوهایی جهت سیاست گذاری در ورزش همگانی بود. طبق بررسی‌های صورت گرفته، مطالعات تطبیقی و بومی سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی و الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، مؤلفه‌های شناسایی شده برای این سؤال هستند. مقوله‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: الگوهایی برای سیاست گذاری در ورزش همگانی

تحلیل داده‌ها با روش استرابرت و کارپنتر (۲۰۱۱): کدگذاری و مقوله ای کردن	
سؤال ۲: به نظر شما از چه الگویی می‌توان برای سیاست گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود؟	
مضمون/ها	**مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها**
مطالعات تطبیقی و بومی سازی	الگوی کشورهای موفق دنیا و مطالعه سیاست‌های واحد آن‌ها جهت همسو کردن فعالیت‌های بخش‌های مختلف، الگوی کشورهایی که وزارت ورزش و بهداشت آنها با هم همکاری می‌کنند، بومی سازی الگوهای موفق جهان
تغییرات ساختاری	اصلاح ساختارها و سهمیه بندی‌ها و برنامه ریزی ها، پذیرش تولیت سیاست گذاری در وزارت ورزش، ایجاد جایگاهی برای طرح اندیشه‌ها، نوآوری ها، ایده‌ها، خلاقیت‌ها و تبدیل آنها به سیاست
الگوهای عملیاتی و اجرایی	مجوز و نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه ای از فعالیت‌های متصل به هم، برنامه ریزی‌های مکمل برای دستگاه‌های اجرایی، تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبردهای کلان نظام
الگوهای فرهنگی و دینی	آموزش و آگاهی سازی، راهکارهای دینی و توصیه‌های معصومین
الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی	مطالعه نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات، مطالعات دقیق با سرشماری

نتایج بخش کمی

در این بخش نتایج به دست آمده از تحلیل پرسشنامه‌ها که با استفاده از ازمون ویلکاکسون انجام گرفت، ارائه می‌شود و در صدد هستیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که آیا وضعیت موجود راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری با وضعیت مطلوب آن‌ها دارد؟ در جدول ۳ ، شکاف موجود میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی آمده است.

جدول ۳: میانگین وضعیتِ موجود و وضعیتِ مطلوبِ راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی و شکاف موجود میان آنها

ردیف	مؤلفه	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	شکاف موجود
۱	راهبردهای سازمانی	۲/۳	٤/٥	-۲/۲
۲	فرهنگ سازی	۲/٤	٤/٥	-۲/۱
۳	راه حل‌های اقتصادی	۲	٤/٤	-۲/٤
٤	پژوهش محوری	۲/٤	٤/٤	-۲
٥	مطالعات تطبیقی	۲/۲	٤/٤	-۲/۲
٦	تغیرات ساختاری	۲/٤	٤/۳	-۱/۹
۷	الگوهای عملیاتی و اجرایی	۲/٥	٤/۲	-۱/۷
۸	الگوهای فرهنگی و دینی	۲/۸	۳/۸	-۱
۹	الگوهای مبتنی بر پژوهش	۲/۲	٤/۲	-۲

طبق نتایج جدول ٤، سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۰۸ می‌باشد که از سطح ۰/۰٥ کوچکتر است. بنابراین با ۹٥ درصد اطمینان میتوان گفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

جدول ٤: آماره‌های بدست آمده از مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبردهای برنامه‌های توسعه ورزش همگانی

	وضعیت مطلوب-موجود
Z	-۲/٦٦۸
P	۰/۰۰۸

بحث و نتیجه گیری

رویکردهای متفاوتی نسبت به پدیده ورزش وجود دارد که برخی از آنها با نگاه قهرمانی و در برخی موارد نگاه سلامت عمومی و نشاط جامعه و در رویکرد دیگر نگاه اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد، اما صرف نظر از همه آنها اهمیت تربیت بدنی و ورزش روز به روز در حال افزایش اســت. ارتباط ورزش با پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاســی و اقتصادی حاکی از اهمیت این پدیده و نقش آن در برنامه‌های توســعه ملی کشورهاست و در یک نگاه کلی توســعه و پیشــرفت ورزش در هر کشور با اقتدار و قدرت آن کشور ارتباط نزدیکی دارد (مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی،۱۳۸۱). یک بخش عمده از ورزش که با سلامتی و نشاط جامعه ارتباط نزدیک

دارد و بسیاری از کارکردهای اساسی ورزش در آن خلاصه می‌شود، ورزش همگانی و یا ورزش برای همه است. بسیاری از کشورهای توسعه یافته از میان رویکردهای مختلف ورزش، ورزش با رویکرد بخش سلامت را پذیرفته و بر اساس آن عمل می‌نمایند. پژوهش حاضر با روش ترکیبی در دو بخش کیفی و کمی به بررسی راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی پرداخت. نتایج این تحقیق در زمینه ارائه راهبردها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی شامل راهبردهای سازمانی، فرهنگ سازی، راه حل‌های اقتصادی و پژوهش محور بودن بود:

از طریق راهبردهای سازمانی نظیر استانداردسازی انجمن‌ها با قوانین ساده، جهانی فکر کردن و طبق استانداردهای جهانی پیش رفتن و در عین حال منطقه ای عمل کردن و بومی سازی استانداردهای جهانی، داشتن سند توسعه و حرکت بر مبنای راهبرد در فدراسیون، ایجاد بستر مناسب جهت بهره برداری از منابع مالی، منابع طبیعی و انسانی متعدد در استان‌های مختلف بر اساس نیازها، توانایی ها، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مردم مناطق مختلف، توجه به افراد معلول و بیماران خاص، تعریف و تدوین رشته‌های متنوع در راستای ایجاد رقابت و رغبت عمومی، ایجاد شورای توسعه ورزش با عملکردی فراتر از وزارت ورزش برای همگون کردن فعالیت‌ها می‌توان در راه توسعه ورزش همگانی گام برداشت. نظر مصاحبه شوندگان در این تحقیق این بود که یک فدراسیون با یک اساسنامه محدود نمی تواند برنامه ریزی کلان و یک کار اساسی انجام دهد. باید ابتدا با توجه به وضعیت موجود راهبرد مشخص شود. همچنین برنامه ای که هر کدام از دستگاه‌های مرتبط به ورزش برای توسعه ورزش دارند مشخص شود که چون اختیار چنین چیزی از یک فدراسیون بالاتر است، باید شورایی فراتر از وزارت ورزش در سطح کشور تشکل شود. به عبارت دیگر، شورایی مانند شورای توسعه ورزش برای همه ایجاد شود تا همه موارد را همگون کند، در غیر این صورت همه کارها مرتب تکرار می‌شود و کار اساسی صورت نمی گیرد. در هزاره سوم سازمان‌های ورزشی نیز مانند اکثر سازمان‌ها و نهادها، برای بقا و دوام در عرصه رقابت جهانی به سازمانی راهبرد محور تبدیل شده اند(ملک اخلاق و همکاران، ۱۳۹۶)؛ به طوری که هم اکنون بسیاری از سازمان‌های ورزشی در کشورهای مختلف بر حسب مأموریت خود راهبرد مورد نیازشان را تهیه و با اجرای آن به موفقیت‌های خوبی دست یافته اند. با چنین اندیشه ای، سازمان‌های مزبور علاوه بر داشتن برنامه راهبردی و چشم انداز شفاف، به دنبال حضوری موفق در عرصه‌های داخلی و خارجی می‌باشند و امیدوارند با اجرای راهبرد مزبور به هدف تعیین شده، با حداقل انرژی و منابع دست یابند. در این زمینه می‌توان به «انجمن المپیک مالزی» اشاره کرد که با اجرای اولین برنامه راهبردی خود (۲۰۰۳-۱۹۹۳) به موفقیت هایی چون: افزایش اعتبار و جایگاه، به کارگیری فن آوری اطلاعات، بهره مندی از نیروی انسانی متخصص، بازسازی تسهیلات و امکانات، اصلاح اساسنامه طبق نیازهای جدید، تقویت بنیه مالی، برگزاری کنفرانس سالیانه و تأسیس آکادمی ملی المپیک نائل شده است (به نقل از کشاورز و همکاران،۱۳۸۸). همچنین، سوابق موفقیت‌های کسب شده در کشورهای موفق در حوزه سلامت نشان می‌دهد برنامه ریزی و تدوین سیاست‌های اثربخش، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. تدوین یک برنامه منسجم در این زمینه سبب حمایت دولت، مسئولان محلی، سهامداران و بخش خصوصی می‌شود. افزون بر این امکان جذب سرمایه و قانون گذاری را افزایش و احتمال ناکامی را کاهش می‌دهد (سالیس و همکاران، ۱۹۹۸؛ بال و همکاران، ۲۰۰٤؛ اسکوپر و همکاران،۲۰۰٦).

مورد بعدی در این زمینه فرهنگ سازی بود. ترویج فرهنگ کار گروهی، خانواده محوری و مادر محور بودن برنامه‌ها و سیاست‌های ورزش همگانی و داشتن برنامه‌های منسجم برای خانواده‌ها و مادران، مشارکت دادن

کودکان، استفاده از فضای مجازی و تبلیغات رسانه ای جهت فرهنگ سازی و آگاه سازی اقشار جامعه نسبت به اهمیت ورزش همگانی، اولویت دادن به ورزش برای اوقات فراغت و حرکت جهادی، از راه‌های توسعه ورزش همگانی می‌باشد. در منابع علمی ما، ورزش را در کنار تفریحات سالم معرفی می‌کنند. ماهیت موضوع نیز همین است. اگر بخواهیم برنامه‌ای در کشور و دنیا نهادینه شود، باید حتما آن را از کانون خانواده شروع کرد. در واقع، خانواده محور توسعه ورزش همگانی است. شعار فدراسیون ورزش‌های همگانی نیز به این صورت تنظیم شده اســت: «مادران عمود خیمه ورزش همگانی هستند.» (مجدآرا، ۱۳۹۶). بر این اساس باید برای مادران و زنان به عنوان عمود خیمه ورزش همگانی کشور برنامه ریزی شود. همچنین، توسعه ورزش و همگانی کردن آن از جمله مؤثرترین روش‌های پیشــگیری از ناهنجاری‌های رفتاری و تقویت ارزش‌های اجتماعی به ویژه در نسل جوان می‌باشد. تربیت بدنی از طریق فعالیت‌های علمی و اصولی نقش مهمی در رشد ابعاد وجودی انسان ایفا می‌کند و می‌تواند موجب بروز خلاقیت‌ها و شکوفایی استعدادها گردد. دولت ها، از یک سو برای کاهش هزینه درمان و بهداشت و رشد سلامت روحی و جسمی افراد جامعه روی ورزش برنامه ریزی می‌کنند و از سوی دیگر، انعکاس بردها و موفقیت‌ها در ورزش قهرمانی اســت که علاوه بر ایجاد غرور ملی و شــادابی جامعه، تحرک افراد را در نقش پذیری و مسئولیت پذیری در بخش‌های مختلف ورزش اعم از همگانی، قهرمانی و حرفه ای بالا می‌برد. لذا تدوین برنامه‌های فرهنگی و تربیتی منطبق با اصول و مبنای اسلامی و ایرانی با استفاده از متخصصین و زبدگان ورزشی، مذهبی، روانشناسی و جامعه شناسی که نگرش ورزشی داشته و نیازهای واقعی جوانان را لمس می‌کنند به منظور توســعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه ای کشــور ضروری می‌نماید، چرا که جامعه از فقر فرهنگ ورزشی لطمه اساسی دیده است (گودرزی و همکاران،۱۳۹٤). در این راستا، رسانه‌های جمعی نیز نقش مؤثری می‌توانند ایفا کنند. دوند و پاتیل(۲۰۱۲) رسانه‌ها را به عنوان سیستم عصبی مرکزی جامعه معرفی کردند و نقش مثبت رسانه‌های جمعی را در توسعه ورزش اثبات نمودند.از دیگر تحقیقات همخوان با نتایج این تحقیق می‌توان به غفوری و همکاران (۱۳۸۲)، گودرزی و همکاران (۱۳۹٤)، آصفی و اسدی(۱۳۹۵) نیز اشاره کرد. گودرزی و همکاران (۱۳۹٤) نشان دادند که تلویزیون ایران نسبت به ورزش همگانی رویکرد مناسبی ندارد و این مسئله نیازمند تغییر نگرش در مدیران سازمان نسبت به این موضوع است. در عین حال با توجه به مطالب پیش رو می توان کاربرد تلویزیون در زمینه توسعه فرهنگ ورزش همگانی را بیشتر نمود. در این زمینه غفوری و همکاران (۱۳۸۲) نیز اعلام می کنند عوامل فرهنگی بر توسعه ورزش همگانی تأثیر گذارند. بنابراین با توجه به اینکه اینگونه هنجارها، ارزش‌ها و سنت‌ها را نمی توان به آسانی تغییر داد، انتظار می رود که در سیما با در نظر گرفتن آن، اقدام به ترویج فعالیت های ورزشی مختلف نمود که متناسب با آن فرهنگ باشد، تا فرهنگ هر منطقه به عنوان مانع تلقی نشود.

راه حل‌های اقتصادی شامل حمایت از تولیدکنندگان وسایل و تجهیزات، دسترسی آسان به امکانات، توجه به وضعیت خانواده‌ها، تأمین بودجه و منابع مالی موجب ترغیب و اشتیاق اقشار مختلف جامعه اعم از فعالان اقتصادی، خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان و افراد میانسال جهت پرداختن به ورزش همگانی و توسعه آن می‌شود. در واقع، منابع مانند عروق حیاتی سازمان عمل می‌کنند که در صورت عدم تأمین، حیات سازمان‌ها را متأثر خواهند کرد. اهمیت تخصیص منابع برای اجرایی شدن راهبردها در اکثر تحقیقات نظیر ملک اخلاق(۱۳۹٦)، غفاریان(۱۳۸۲)، نجفی حقی(۱۳۸۳)، تیلی و همکاران (۲۰۰۰)، گادیش و گیلبرت(۲۰۰۱)، تامســون و اســتریکلند(۲۰۰۳)، بور و گیلبرت(۲۰۰۷) اشــاره شــده اســت که با نتایج تحقیق حاضر همخوان می‌باشد. پیاده سازی راهبرد معمولاً

بـــه منابع گســـترده ای نیاز دارد. حجم و نوع این منابع بســـته بـــه زمینه و ماهیت راهبرد، متفـــاوت بوده و ابعاد اقتصادی، تکنولوژیک، مدیریتی، صنعتی و یا ترکیبی از این موارد را شامل می‌شود. هر چه یک راهبرد دارای ابعاد گسترده‌تری باشد، پیاده سازی آن نیازمند منابع بیشتر و غنی تر خواهد بود و فقدان این منابع در زمان مورد نیاز می‌تواند پیاده سازی راهبرد را با مشکلات جدی مواجه سازد. در اختیار داشتن منابع ضروری یکی از مسائل اصلی پیاده‌سازی راهبرد است. نورتون و کاپالن(۲۰۰۰) نیز بیان می‌کنند که تنها با اتصال فرآیند بودجه بندی به فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی می‌توان از اجرایی شدن راهبردهای سازمانی اطمینان حاصل نمود.

در زمینـــه پژوهـــش محوری می‌توان گفت که برای توســـعه ورزش همگانی لازم اســـت که ذائقه فرهنگی و مزیت‌های نســـبی و نیازهای واقعی مردم استان‌های مختلف نیازسنجی و برآورد شود، وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات بررسی شود و با مطالعات تطبیقی و بررسی مطالعات پیشین و بهره بردن از تجارب و ایده‌های برنامه ریزان و ارزشیابان، تجربیات بومی سازی گردند. همچنین لازم است که همایش‌های علمی برگزار شده و مسائل داخلی و خارجی برای رفع مشکلات، مطالعه گردند و با بررسی و آنالیز ذی نفعان، برای جلب مشارکت آنان اقدام شود. از جمله تحقیقات همسو با این پژوهش می‌توان به آصفی(۱۳۹۲) اشاره کرد که در نتایج تحقیق خود بیان می‌کند واحد تحقیق و توســـعه می تواند در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور کمک کننده باشد و انجام تحقیقات در مورد موانع توسعه ورزش همگانی، نیاز سنجی از افراد، روندهای مشارکت در ورزش همگانی و انجام مطالعات تطبیقی و الگو برداری از کشـــورهای پیشـــرفته در بخش ورزش همگانی، زمینه‌ســـاز رشد و گسترش ورزش همگانی در جامعه است. همچنین آفرینش خاکی و همکاران(۱۳۸٤)، بر لزوم مطالعه، تحقیق و بررســـی راه‌های مختلف در توسعه هر چه بیشـــتر ورزش همگانی تأکید می کنند و گردآوری داده‌های مورد نیاز در این زمینه را نخستین گام در مسیر تصمیم گیری های بعدی می دانند. از مباحث مطرح شده می شود به خوبی اهمیت تحقیق و پژوهش در فرآیند برنامه سازی را درک کرد.

طبق نتایج بخش کمی نیز با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه‌های توسعه ورزش همگانی از جمله راهبردهای ســـازمانی، فرهنگ سازی، راه حل‌های اقتصادی و پژوهش محور، مطالعات تطبیقی و بومی سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی و الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، شکاف مشاهده می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد الگوهایی که می‌توان برای سیاست گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود به شرح زیر هستند:

۱) مطالعات تطبیقی و بومی سازی: بهره گیری از الگوی کشورهای موفق دنیا و مطالعه سیاست‌های واحد آنها جهت همسو کردن فعالیت‌های بخش‌های مختلف و الگوی کشورهایی که وزارت ورزش و بهداشت آنها با هم همکاری می‌کنند و بومی سازی این الگوها می‌تواند برای سیاست گذاری در ورزش همگانی سازنده باشد.

۲) تغییرات ســـاختاری: اصلاح، نوســـازی، اعمال تغییرات با توجه به زمان و مکان و منابع مالی و انســـانی در ساختار ورزش همگانی می‌تواند به عنوان الگویی انحصاری مطرح باشد. اصلاح ساختارها و سهمیه بندی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، پذیرش تولیت سیاســـت گذاری ورزش همگانی در وزارت ورزش، ایجاد جایگاهی برای طرح اندیشه‌ها، نوآوری ها، ایده‌ها، خلاقیت‌ها و تبدیل آنها به سیاست از جمله تغییرات ضروری می‌باشد.

۳) الگوهای عملیاتی و اجرایی: صدور مجوز، نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه ای از فعالیت‌های متصل به هم که در عین استقلال مانع فعالیت‌های تکراری شده، برنامه ریزی‌های مکمل برای دستگاه‌های اجرایی و تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبردهای کلان نظام الگویی است که می‌توان برای سیاست گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود.

٤) الگوهـــای فرهنگی و دینی: آموزش و آگاهی‌ســـازی از راهکارهای دینی و توصیه‌های معصومین، الگوهای فرهنگی و دینی محسوب می‌شوند که از آنها می‌توان برای سیاست گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود. در واقع، مهم ترین روش برای سیاست‌گذاری دین مبین اسلام، استفاده از توصیه‌ها و راهکارهای معصومین هماهنگ با علم و تکنولوژی روز خواهد بود.

۵) الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی: الگوهای علمی و پژوهشـــی و کســـب نتایج از طریق مطالعه نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات و مطالعات دقیق مناطق مختلف با سرشـــماری را می‌توان برای سیاســـت گـــذاری در ورزش همگانی اســـتفاده نمود. از نظر محقق، الگوی مرســـوم(مبتنی بر پژوهش علمی) ما را به جواب می‌رساند. مطالعه وضعیت محیطی بیرونی و درونی، احصای نقاط قوت و ضعف واقعی، فرصت‌ها و تهدیدهای واقعی و استفاده از کارشناسان می‌تواند ما را به تدوین راهبردها و سیاست‌های مناسب رهنمون شود. گر چه نباید انتظار داشت که در تهران سیاست‌هایی را بنویسیم و در همه نقاط کشور جواب بدهد، بلکه باید این کار به صورت منطقه‌ای و استانی صورت پذیرد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱) تهیه و تنظیم قوانین، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ثابت و در عین حال منعطف، یکسان، همسو، کاربردی، منسجم و جامع و ابلاغ آنها به تمام دستگاه‌های ذیربط و نظارت بر اجرای صحیح آنها در کنار تهیه و تنظیم قوانین و دستورالعمل‌ها و سیاست‌های مختص به هر منطقه و فرهنگ.

۲) طراحی نظام ورزش همگانی و گسترش شبکه آن در سطح کشور؛ به طوری که ارتباط و تعامل دستگاه‌های سیاست گذار، برنامه ریز، مجری، پشتیبانی کننده و ناظر در این نظام تعریف و عملیاتی گردد.

۳) بهره گیری از سرمایه‌های مردمی، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در برآورده سازی نیازها و خواسته‌ها، سرمایه‌گذاری، اجرای برنامه‌ها و نظارت بر اجرا.

٤) برطرف کردن چالش‌ها و حفره‌های مدیریتی و سازمانی، تقویت ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی بین نهادهای مسئول و از بین بردن قوانین بازدارنده و محدودکننده و پوشاننده.

۵) ایجاد ارتباط بین ورزش قهرمانی و ورزش همگانی و بهره بردن از ظرفیت‌های انگیزشی ورزش قهرمانی در ایجاد روحیه و فرهنگ ورزش همگانی در بین جوانان و نوجوانان.

٦) تشکیل شورایی متشکل از متخصصان، اساتید دانشگاه، کارشناسان، پیشکسوتان و قهرمانان جهت بهره مندی از علم روز دنیا و ایجاد پلی ارتباطی میان مردم و مسئولان.

۷) ایجـــاد انگیـــزه و فراهم کردن شـــرایط و رفع موانع مشـــارکت بخش خصوصـــی و نهادهای عمومی جهت سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی و رفع مشکلات اقتصادی.

منابع

- اتقیا، ناهید. (۱۳۸۷). «**نیازسنجی ورزشی بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائهٔ راهکارهای کاربردی**». نشریهٔ علوم حرکتی و ورزش. شمارهٔ ۱۱: ۹۷.
- احسانی، محمد؛ صفاری، مرجان؛ امیری، مجتبی و کوزه چیان، هاشم. (۱۳۹۳). «**طراحی مدل ورزش همگانی ایران**». مطالعات مدیریت ورزشی. ٦(۲۷): 108-87.
- آصفی، احمدعلی و اسدی دستجردی، حسن. (۱۳۹۵). «**بررسی موانع توسعهٔ ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائهٔ راهکارهای کاربردی توسعهٔ آن**». نشریه مدیریت ورزشی. ۸(٦):844-823 .
- آفرینش خاکی، اکبر؛ تندنویس، فریدون و مظفری، سید امیراحمد. (۱۳۸٤). «**مقایسه دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی**». نشریهٔ علوم حرکتی و ورزش. جلد اول، شمارهٔ ۵: ۲۲.
- تقوی تکیار، سید امید. (۱۳۸۵). «**بررسی وضعیت اجتماعی – اقتصادی و انگیزه‌های شرکت کنندگان در ورزش های همگانی**». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- جوادی‌پور، محمد. (۱۳۹۰). «**برنامه راهبردی فدراسیون ورزش‌های همگانی**». طرح پژوهشی، فدراسیون ورزش‌های همگانی.
- جوادی‌پور، محمد و سمیع نیا، مونا. (۱۳۹۲). «**تبیین موقعیت راهبردی و ارائه استراتژی توسعه ورزش همگانی در ایران**». پژوهش های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۳(۵)، ۱۵–۲۸.
- جوادی پور، محمد و سمیع نیا، مونا. (۱۳۹۲). «**ورزش همگانی در ایران و تدوین چشم انداز، راهبرد و برنامه‌های آینده**». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۵(۳):۲۱–۳۰.
- حیدری چروده، مجید. (۱۳۸۹). «**بررسی میزان و علل مشارکت شهروندان تهرانی در ورزش های همگانی**» .چکیده مقالات برگزیده دومین همایش ملی توسعه ورزش شهروندی.
- خداداد کاشی، فرهاد و کریم نیا، الهام. (۱۳۹۵). «**بررسی تاثیر عامل‌های اقتصادی و اجتماعی بر موفقیت ورزشی کشورها در بازی‌های المپیک (۲۰۱۲–۱۹۹٦)**». فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی. ۷ (۲۵): ٦۷–٤۳.
- سازمان تربیت بدنی ج.ا.ایران. (۱۳۸۱). **مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی** .سازمان تربیت بدنی ج.ا.ایران، مرور اول.
- سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۱). **طرح اجمالی سند راهبرد توسعه نظام جامع تربیت‌بدنی و ورزش**. سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران، شرکت راد سامانه آذر
- شعبانی، عباس؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۳). «**مطالعه سیاست‌ها و راهبردهای ورزش همگانی نظام جامع توسعه ورزش کشور**». مجله مدیریت ورزشی دانشگاه تهران. ٦ (۲۷): ۱۵–۳۰.
- صادقی، جمشید. (۱۳۸٤). «**توسعه سیاسی و نقش رسانه‌ها(صدا و سیما) در آن**». پایان نامه کارشناسی، دانشکده صدا و سیما.
- طریقت منفرد، محمدحسن. (۱۳۸۷). «**اصول و مبانی سیاست ملی سلامت (مطالعه تطبیقی)**». دفتر

مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس.
●غفاریان، وفا و علی احمدی، علیرضا. (۱۳۸۱). «**بررسی علل شکست برنامه ریزی‌های راهبردک و ارائه دو یافته جدید**». مدرس علوم انسانی. ۳: ۸۳-۹۷
●قالیباف، محمدباقر. (۱۳۸۹). **نگاه راهبردی به نظام ورزش در کشـــور**. انتشارات نگارستان حامد، تهران: موسسهٔ اندیشه و عمل پویا
● قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ـ۱۳۹۶).
●قره، محمد. (۱۳۸۳). «**وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان**». پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
●کشکر، سارا و سلیمانی، مجتبی. (۱۳۹۱). «**نقش برنامهٔ خصوصی سازی بر توسعهٔ ورزش های همگانی از دیدگاه کارشناسان**». نشریهٔ پژوهش های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش. ۱(۲) : ۹۹-۱۰۴.
●کاپالن، نورتون. (۱۳۸۴). «**نقشه راهبرد تبدیل دارایی‌های نامشهود به پیامدهای مشهود**». اکبری، سلطانی و ملکی. چاپ اول، تهران: انتشارات آریانا
●کشاورز، لقمان. (۱۳۹۰). «**تدوین مناظر و نقشه راهبرد کمیته ملی المپیک با کارت امتیازی متوازن**». رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
●گودرزی، محمود؛ اسلامی، ایوب و علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «**شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران**». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. شمارهٔ۳ (۱۵)، ۱۱-۲۷.
●مجدآرا، علی. (۱۳۹۶). «**ورزش یک موضوع خانوادگی**». نشریه علمی، تحقیقی و خبری فدراسیون ورزش همگانی. ۶(۸): ۳۲۸-۳۲۱.
●ملک اخلاق، اسماعیل؛ تسلیمی، زهرا؛ ریحانی، محمد و سلیمی، نسترن.(۱۳۹۶). «**شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اجرای راهبردهای سازمانی در سازمان‌های ورزشی دولتی ایران**». دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش.۶(۱): ۱-۱۸.
●نجفـــی حقی، جواد. (۱۳۸۳). «**روش ارزیابی متوازن؛ رویکرد جدید راهبرد مدیریت**». نشـــریه تدبیر. شماره ۱۵۱ : ۳۷-۳۳.

- Andreff, W. (2007). **"The correlation between economic underdevelopment and sport".** European Sport Management Quarterly, 4(1): 251-279.
- Barendse, P. (2017). **"National Program, Knowledge and Innovation in sport and Physical Activity in the Netherlands"**. Second International Sport for all Conference, Tehran.
- Bergsgard, N. A., Houlihan, B., Mangset, P., Nodland, S. I. (2007). **"Sport policy: A comparative analysis of stability and change"**. Oxford: Butterworth-Heinemann, p: 201.
- Bull FC et al. (2004). **"Developments in National Physical Activity Policy: an International Review and Recommendations towards Better Practice"**. JSci Med Sport, 1(7).
- Community Sports Committee of the Sports Commission. (2009). **"Consultancy Study on**

Sport for All Participation Patterns of Hong Kong People in Physical Activities". Submitted by The Chinese University of Hong Kong Department of Sports Science & Physical Education.

- Dhonde, B. M. , Patil, V. N. (2012). **"Role of Mass Media in Progress of Physical education and Sports"**. Indian Streams Research Journal 2. (8)
- Dousti M., Goodarzi, M. Asadi H . Khabiri M. (2013). **"Sport policy in Iran"**. International Journal of Sport Policy and Politics. Volume 5, Issue 1, 151-158.
- Downward, P., Rasciute, S. (2010). **"The Relative Demands for Sports and Leisure in England"**. European Sport Management Quarterly, 10(2): 189-214.
- Foldesi, G. S. (1991). **"From Mass Sport to the Sport for All Movement in the Socialist Countries in Eastern Europe"**. International Review for the Sociology of Sport. Volume: 26 issue: 4, page(s): 239-257 t
- Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (1994). **"Competing Paradigms in Qualitative Rresearch"**. Handbook of Qualitative Research. London: Sage.
- Katwala S. (2000). **"Democratizing Global Sport".** London: The Foreign Policy Centre.
- Mansfield, L., Piggin, J. (2016). **"Sport, physical activity and public health"**, International Journal of Sport Policy and Politics, 8(4): 533-537.
- Sallis, JF and et al. (1998). **"Environmental and Policy Interventions to Promote Physical Activity".** Am J Prev Med, 15(4).Oaks, CA: Sage Publications Inc.
- Sargit S. (2017). **"Sport Malaysia: Policies and development strategies for the Populace"**. Second International Sport for all Conference, Tehran.
- Schopper D., JD, Lormand, and R. Waxweiler eds. (2006). **"Developing Policies to Prevent Injuries and Violence: Guidelines for Policy-makers and Planners, Geneva: World Health Organization"**.
- Wicker, P. Breuer, C. Pawlowski. T. (2009). **"Promoting Sport for All to Age specific Target Groups: the Impact of Sport Infrastructure".** European Sport Management Quarterly, 9(2):103-118.

۲

تعیین انگیزه‌ها و عوامل انگیزاننده جهت مشارکت سالمندان در فعالیت بدنی بین زنان و مردان ایرانی

پروانه خلوصی[۱]
فرشاد تجاری[۲]
محمدرضا اسمعیلی شازندی[۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۶/٤/۱٤

این پژوهش قصد دارد با توجه به تحقیقات قبلی، یک پایه و اساس در سطح کشور از طریق تحلیل تعیین انگیزه‌ها و عوامل انگیزاننده برای مشارکت سالمندان در فعالیت‌های بدنی بین زنان و مردان ایران به دست آورد. این تحقیق، مطالعه‌ای توصیفی- تحلیلی است که به‌صورت میدانی انجام شده است. ۱۰۲۸ سالمند(۵۰٦ زن و ۵۲۲ مرد) در ۱۵ شهر کشور بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. از پرسشنامه شاخص فعالیت بدنی شارکی و پرسشنامه استاندارد PMQOA کرکبی و همکاران، به ترتیب به‌منظور اندازه‌گیری میزان فعالیت ورزشی و تعیین انگیزه‌ها استفاده شده است. آزمون t برای مقایسه گروه‌ها وبه منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱٦استفاده شد و داده‌ها در سطح معنی‌داری $p<۰/۰۵$ مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. بنا برداده‌های به‌دست‌آمده، تفاوت معنی‌داری در میزان مشارکت در فعالیت بدنی میان زنان و مردان سالمند وجود دارد. همچنین، تفاوت معنی‌داری در بین عوامل انگیزاننده نشان می‌دهد که میانگین نمرات سالمندان زن در هر دو عامل پزشکی و مشارکتی بیشتر از میانگین نمرات سالمندان مرد است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که میزان مشارکت سالمندان مرد در فعالیت بدنی بیشتر از سالمندان زن است. همچنین، عوامل پزشکی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران
۲. استاد، گروه تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Farshad.tojari@gmail.com
۳. دانشیار، گروه تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران

و مشـــارکتی برای ســـالمندان زن با اهمیت‌تر از سالمندان مرد است و بر اساس پرسشنامه PMQOA، سالمندان مهم‌ترین علل مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را حفظ سلامتی، ایجاد آرامش، پیشگیری از کمردرد، بیرون رفتن از خانه، یادگرفتن مهارت‌های جدید و حفظ تناسب‌اندام بیان کردند.

واژگان کلیدی: فعالیت بدنی، سالمند، زنان، مردان، ایرانی، مشارکت و انگیزه

مقدمه

سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر است و توجه به مسائل و نیازهای این مرحله، یک ضرورت اجتماعی است. افزایش جمعیت سالمندان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی قرن بیست و یکم به شمار می‌رود. با توجه به روند پیر شدن جمعیت جهان، جامعه ایران نیز مشمول همین شرایط بوده و در حال پیر شدن است (حکمتی پور و همکاران، ۱۳۹۲). این روند نشان می‌دهد که در ۳۵ سال آینده، ۳۳ درصد جمعیت کشور بالای ٦۰ سال سن دارند و رقم بالای ۲۱ درصد جمعیت سالمند در کشور به معنای انفجار سالمندی است که بر همین اساس باید از همین امروز برنامه‌ریزی و اقدامات لازم را شروع کنیم (محمودی، ۱۳۹۵).

یک زندگی سالم باید در اوایل سالمندی شروع شود و این در حالی است که اغلب سالمندان یک الگوی سلامتی ناسالم دارند. فقدان فعالیت بدنی، یکی از رفتارهای ناسالم سالمندان است (WHO, 2000). کیفیت زندگی در سالمندان با سال‌هایی که خوب و با سلامتی بیشتر زندگی کرده‌اند، تخمین زده می‌شود؛ سال‌هایی بدون محدودیت حرکتی و بدون فشارخون و مشکلاتی از این دسته. فعالیت بدنی ورزش یکی از مهم‌ترین موارد در نیل به این مقصود است که باید از سنین پایین آغاز شود و تا انتهای زندگی افراد با آنان باشد (Fife, 2008) (Dishman, 1994).

این مهم است که بدانیم که فعالیت بدنی و ورزش برای سالمندان مفید است. پیش‌بینی می‌شود که شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت افراد در تمرین و فعالیت‌های ورزشی، امکان افزایش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را فراهم آورد. فعالیت بدنی مناسب باعث می‌شود که فرد سالمند بتواند به‌طور مستقل به زندگی خود ادامه دهد (Kaplan & Saddock, 2007). تحقیقاتی بر روی عوامل انگیزشی مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی انجام شد که نشان دادند نوع فعالیت بدنی و ورزش و سطح آن، عوامل اجتماعی، اقتصادی و جنسیت روی انگیزش اشخاص برای مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی بسیار مؤثرند (Boyette, et al., 2002). علاوه بر آن، تمرین می‌تواند کیفیت خواب سالمندان که همیشه از آن شکایت دارند را بهبود بخشد و از میزان افسردگی در سالمندان بکاهد. کوماتسو و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که ورزش‌های گروهی منظم به حفظ سلامتی افراد مسن در ژاپن کمک می‌کند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌کنندگان از طریق شرکت منظم در فعالیت‌های ورزشی همگانی به سلامتی پایدار و متعادل به لحاظ جسمانی، ذهنی و اجتماعی دست می‌یابند. اسلاوت وهمکاران (۲۰۱۷) در مقاله «تأثیرات میزان قدم در دقیقه پیاده‌روی به‌عنوان ورزش با شدت متوسط در افراد بزرگسال»، هدف اصلی گزارش را برنامه‌هایی دانسته اند که باهدف استفاده از پیاده‌روی جهت افزایش زمان سپری‌شده در ورزش با شدت متوسط برای افراد بزرگسال و سالخورده ارائه شده‌اند و به این نتیجه رسیدند که به‌طورکلی ۱۰۰ قدم در دقیقه برای رسیدن به‌شدت متوسط در میان بزرگسالان توصیه‌شده است، اما برای افراد میان‌سال ممکن است این عدد متفاوت باشد. در تحقیق کیفی ندری و همکاران (۱۳۹۵) پیرامون تعیین‌کننده‌های فعالیت بدنی سالمندان ٧٦–۹۰ سال تهران که از مجموع شرکت‌کننده‌ها ۱۷ نفر مرد (٥٦/٦٧ درصد) و ۱۳ نفر زن (٤۳/۳۳ درصد) بودند، اکثر شرکت‌کنندگان حمایت اجتماعی و درگیر شدن (از قبیل تشویق توسط همسران، کودکان و خویشاوندان یا دوستان) را به‌عنوان انگیزاننده مشارکت در فعالیت بدنی ذکر کردند. مهرا[1] و همکاران (۲۰۱٦) در مقاله «رفتار افراد سالخورده در برنامه‌های ورزش گروهی عمومی» به این نتیجه رسیدند که حفظ خوداتکایی و

1. Mehra

در ارتباط بودن با دیگران، اصلی‌ترین انگیزه جهت شرکت در ورزش‌های همگانی است.

ظفرمند و چریک (۱۳۹٤) در تحقیقی با نام «بررسی نقش ورزش همگانی بر روی سالمندان شهر یاسوج» با جامعه آماری ۵۰ نفر از زنان سالمند ساکن در شهر یاسوج که حداقل یک‌بار در هفته در ایستگاه‌های ورزش همگانی ورزش می‌کردند، به این نتیجه رسیدند که ٦۸ درصد افراد سالمند در فعالیت‌های ورزش همگانی مشارکت و ۳۲ درصد در هیچ‌گونه فعالیت ورزشی مشارکت نمی‌کنند. برزو و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق «تأثیر تمرین‌های ورزشی هوازی بر کیفیت زندگی سالمندان مقیم سرای سالمندان شهرستان اهواز»، به کمک روش بررسی نیمه تجربی که در مراکز سالمندان شهرستان اهواز در سال ۱۳۸۹ انجام شد، ۵۰ سالمند (زن و مرد) دارای توانایی انجام فعالیت ورزشی را انتخاب کردند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که با به‌کارگیری برنامه ورزشی منظم، مداوم و دارای پذیرش خوب از سوی این گروه سنی، می‌توان سطح کیفیت زندگی را در ابعاد مختلف افزایش داد و راه را برای سالم پیر شدن و برخورداری از سلامتی بیشتر در این دوره از زندگی هموار نمود. اسحاقی و همکاران (۱۳۹۰) وضعیت فعالیت بدنی سالمندان شهر اصفهان را بر روی ۳۵۰ نفر سالمند مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج یافته‌ها نشان داد که ۱۳/۷ درصد از سالمندان شهر اصفهان از فعالیت بدنی مناسب برخوردار بودند که این میزان در مردان به‌طور معنی‌داری بالاتر از زنان بود و با سطح درآمد رابطه مستقیم و با افزایش سن رابطه معکوس داشت. در افراد متأهل و بدون شغل، با افزایش میزان فعالیت همراه بود. با سطح تحصیلات ارتباط معنی‌دار دیده نشد. محققان در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که سطح فعالیت بدنی سالمندان در جمعیت شهری اصفهان پایین است. گروه‌های در معرض خطر عدم تحرک بدنی، سالمندان با سن بالاتر، سطح اقتصادی پایین، زنان سالمند، سالمندان تنها و شاغل می‌باشند. کاشفی و همکاران (۱۳۹۳) به بهبود تعادل مردان سالمند در اثر فعالیت دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی اشاره دارد. ایران‌دوست و همکاران (۱۳۹۳) به نتیجه بهبود وضعیت حافظه مردان سالمند در اثر انجام فعالیت‌های استقامتی دست می‌یابند. شیخ و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی عوامل زیست روان اجتماعی مؤثر بر مشارکت ورزشی در مردان سالمند شهر تهران پرداختند و دریافتند که ورزشکاران سالمند به‌منظور داشتن سلامت و عملکرد و عوامل دیگری به‌طور منظم ورزش می‌کنند. افشاری و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی عوامل زیست روان اجتماعی مؤثر بر مشارکت ورزشی در زنان سالمند شهر تهران پرداختند. نتیجه این تحقیق حاکی از آن بود که ورزشکاران سالمند زن به‌منظور داشتن توانایی انجام کارها و با دیگران بودن و عوامل دیگری است که به‌طور منظم ورزش می‌کنند.

گوین[1] و همکاران (۲۰۱٤)، دسی[2] و همکاران (۲۰۰۸) و رایمر[3] و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقات خود نشان داده‌اند که در بین عوامل انگیزاننده سالمندان برای شرکت در فعالیت بدنی و ورزش، دو عامل تناسب‌اندام و کاهش استرس، بالاترین نمرات انگیزشی را کسب کردند. نوربخش و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «مقایسه انگیزه شرکت زنان و مردان سالمند شهر تهران در فعالیت بدنی» انجام دادند. افراد ٦۰ تا ٦۹ ساله انگیزه مشارکتی را برای شرکت در تمرینات ورزشی مهم‌تر از افراد ۷۰ ساله به بالا بیان کردند. کولت و همکاران (۲۰۰٤)، پاکستن[4] و همکاران (۱۹۹۷)، کرکبی[5] و همکاران (۱۹۹۹) باهدف تعیین عوامل انگیزاننده

1. Gavin
2. Dacey
3. Rimmer
4. Paxton
5. Kirkby

شـــرکت‌کنندگان اســـترالیایی مسن بین سن ۵۵ تا ۹۳ که به‌طور منظم ورزش می‌کنند، به این نتیجه رسیدند که بیشترین عامل انگیزشی پزشکی، اجتماعی و مشارکتی بود و بیشترین انگیزه‌هایی که برای مشارکت در ورزش گزارش شدند، عبارت بودند از: افراد دوست داشتند سالم بمانند، دوست داشتند فعالیت داشته باشند، تناسب بدنی‌شان بالا برود و حرکت مفاصل را حفظ کنند. تعدادی از این مطالعات پیشین روی عوامل انگیزاننده زنان مســـن برای مشارکت در ورزش تمرکز داشـــتند و از نمونه‌های نسبتاً کوچک استفاده کردند که شاید قابلیت تعمیم نداشته باشد. به‌علاوه، تحقیقات قبلی اغلب نتوانستند به‌صورت موفقیت‌آمیزی به تعیین عوامل انگیزاننده مشارکت بین گروه‌های مختلف اجتماعی بپردازند. بنا بر نتایج مذکور، تعیین راهکارهای مناسب برای افزایش مشـــارکت ســـالمندان در فعالیت‌های بدنی، اهمیت زیادی دارد و در این راستا شناخت ابعاد انگیزشی مؤثر بر رفتار ورزشی سالمندان گامی مفید و مؤثر محسوب می‌شود.

مطالعـــه اخیر قصد دارد با در نظر گرفتن تحقیقـــات قبلی از طریق تحلیل و ارزیابی انگیزاننده‌ها، الگویی برای مشـــارکت در فعالیت بدنی در یک نمونه بزرگ از ســـالمندان ایران فراهم کند تا مســـیری برای آینده باز شـــود و موجب تشویق افراد مســـن برای مشارکت بیشتر در فعالیت بدنی باشـــد. بدین منظور موضوع اصلی تحقیق، تعیین انگیزه‌ها و عوامل انگیزاننده برای مشـــارکت سالمندان ایرانی در فعالیت‌های بدنی بین گروه‌های مختلف سنی است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی- تحلیلی است که به‌صورت مطالعه میدانی انجام شده است. ازلحاظ هدف، کاربردی و از نظر زمان جمع‌آوری داده‌ها، حال نگر است.

جامعه آماری تحقیق

ســـالمندان زن و مرد ۵۵ ســـال به بالا که حداقل یک روز درهفته در باشـــگاه‌ها و پارک‌ها به فعالیت بدنی می‌پرداختنـــد، بودنـــد. باتوجه به عدم اطلاع ازحجم واقعی جامعه مورد هـــدف و محدود بودن همکاران در امر تحقیق، این شهرها انتخاب شدند: کرمان، یزد، اهواز، مشهد، مازندران، ارومیه، تبریز، شیراز، اصفهان، زنجان، اراک، قزوین، البرز، تهران، همدان،کرمانشاه و قم.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

نمونه‌ها به صورت خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای انتخاب شدند. باتوجه به آمادگی حضور همکاران در امر پژوهش (۸۰ نفر) به هر نفر۲۰پرسشـــنامه داده شـــد که به شهرهای محل زندگی خود مراجعه و باسالمندان مورد مطالعه درپارک‌ها و باشـــگاه‌ها ارتباط برقرار کنند. تعداد ۱۶۰۰ پرسشـــنامه در شـــهرهای در دسترس توزیع گردید که ۱۲۰۰پرسشـــنامه برگشت داده شد و در نهایت، ۱۰۲۸پرسشنامه کامل، مورد ارزیابی قرارگرفت. حجم نمونه را ۵۲۲ نفر مرد و ۵۰۶ نفر زن تشکیل می‌دادند.

ابزار و مقیاس اندازه‌گیری

در این پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است:

- پرسشنامه اطلاعات فردی؛
- پرسشنامه میزان فعالیت جسمانی شارکی (۱۹۹۷)؛
- پرسشنامه استاندارد PMQOA سی آیتمی کرکبی و همکاران (۱۹۹۸ و ۱۹۹۹) که حاوی ۲۹ سؤال با مقیاس سه ارزشی لیکرت مشتمل بر شش انگیزه: اجتماعی (۵ سؤال)، آمادگی جسمانی (۵ سؤال)، شناخته شدن (۵ سؤال)، رقابت – فواید (۷ سؤال)، پزشکی (٤ سؤال) و مشارکتی (۳ سؤال) است. حداقل امتیاز هر انگیزه ۱ و حداکثر امتیاز آن ۳ است.

روایی و پایایی پرسشنامه

این پرسشنامه اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط دکتر مهوش نوربخش و همکاران اعتبار یابی شد و نتایج زیر حاصل گردید. روایی محتوایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش مذکور محاسبه و تأیید شد. پایایی درونی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید. مقدار ضرایب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برای تمامی عوامل انگیزشی بین ۰/٦۰ و ۰/۷۷ بود.

روش جمع‌آوری داده‌ها

در این تحقیق ۸۰ دانشجوی کارشناسی مربیگری ورزش دانشکده فنی و حرفه‌ای دکتر شریعتی دختران تهران از شهرستان‌های مختلف داوطلب همکاری شدند که با تشکیل کلاس‌های توجیهی و به باور رسیدن اهمیت تحقیق، هریک با در اختیار داشتن ۲۰پرسشنامه برای سالمندان زن و مرد به شهرهای محل زندگی خود مراجعه و با سالمندان موردتحقیق در باشگاه‌ها و پارک‌ها ارتباط برقرار کردند. ۱۲۰۰ پرسشنامه برگشت داده شد و در نهایت، ۱۰۲۸ پرسشنامه کامل مورد ارزیابی قرار گرفت. حجم نمونه را ۵۲۲ نفر مرد و ۵۰٦ نفر زن تشکیل می‌دادند. جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱۵ تا تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۰ انجام گرفت.

روش‌های تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

تجزیه‌وتحلیل آماری داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام‌شده است؛ روش توصیفی شامل محاسبه فراوانی‌ها، درصدها، میانگین‌ها و انحراف معیارها بود و از آمار استنباطی برای آزمون فرضیات تحقیق استفاده شد. آزمون t برای مقایسه گروه‌ها و به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱٦ استفاده شد و داده‌ها در سطح معنی‌داری P<۰/۰۵ مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت شناختی

جدول ۱: توزیع فراوانی وضعیت جنسی نمونه‌های تحقیق

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۵۰۶	٤۹/۲
مرد	۵۲۲	۵۰/۸
کل	۱۰۲۸	۱۰۰

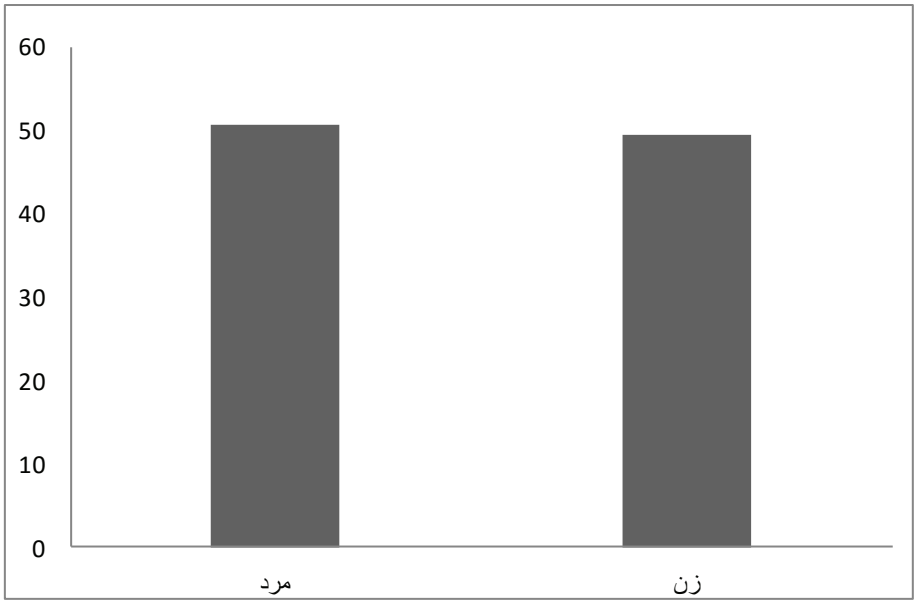

تصویر ۱: توزیع درصدی وضعیت جنسیت نمونه‌های تحقیق

آمار توصیفی سؤالات انگیزه‌های مشارکت در فعالیت بدنی

در جدول زیر درصد پاسخ به هر یک از سؤالات و مقادیر میانگین و انحراف معیار هر سؤال نشان داده شده است. (رتبه‌بندی بر اساس درصد آزمودنی‌هایی که هر سؤال را برای مشارکتشان در تمرین به‌صورت بسیار مهم گزارش کرده‌اند.)

جدول ۲: درصد پاسخ به هر یک از سؤالات و مقادیر میانگین و انحراف معیار هر سؤال

ردیف	سؤالات	اصلاً برایم مهم نیست	برخی موارد برایم مهم است	خیلی برایم مهم است	تعداد	میانگین	انحراف معیار	رتبه بندی
		درصد						
۱	من علاقه‌مندم آمادگی جسمانی‌ام بهبود یابد	۱۸/٤	۳۸/۱	٤۳/٥	۱۰۲۸	۲/۲٥۱	۰/۷٤٥	۱۲
۲	من مایلم با دوستانم باشم	۲۰/۸	٤۰	۳۹/۲	۱۰۲۸	۲/۱۸٥	۰/۷٥۲	۱۷
۳	من تمایل دارم برای حفظ سلامتی، ورزش کنم	۱٦/۲	۲٦/٦	٥٤/۲	۱۰۲۸	۲/۳۸۰	۰/۷٥۰	۱
٤	من می‌خواهم انرژی‌ام را تخلیه کنم	۲٦/۳	٤۲/۱	۳۱/٦	۱۰۲۸	۲/۰٦۱	۰/۸۱۰	۲٤
٥	من می‌خواهم همواره فرم بدنی خوبی داشته باشم	۲۰/۱	۳۳/۷	٤٦/۲	۱۰۲۸	۲/۲٦۲	۰/۷۷۱	۷
٦	احساس مهم بودن را دوست دارم	۲۱/۲	۳٦/۳	٤۲/٥	۱۰۲۸	۲/۲۱۳	۰/۷٦۹	۱۳/٥
۷	من بودن با گروه را دوست دارم	۲۱	۲۰/۲	۳۸/۸	۱۰۲۸	۲/۱۷۸	۰/۷٥۲	۱۸
۸	خانواده و دوستانم تمایل دارند من ورزش کنم	۲۱/۲	٤۲	۳٦/۸	۱۰۲۸	۲/۱٥٦	۰/۷٤٥	۲۰
۹	من به دلایل پزشکی ورزش می‌کنم	۲٦/٤	۳۷/٤	۳٦/۲	۱۰۲۸	۲/۱۲٥	۰/۷۹٦	۲۱
۱۰	تمایل دارم دوستان جدیدی پیدا کنم	۲۹/۷	۳۹/٥	۳۰/۸	۱۰۲۸	۲/۰۱۰	۰/۷۷۸	۲٥
۱۱	من تمایل دارم به کارهایی بپردازم که در آن‌ها خوب هستم	۱۹/٦	۳٥/٥	٤٤/۹	۱۰۲۸	۲/۲٥۲	۰/۷٦۲	۱۰
۱۲	من برای رهایی از فشارها ورزش می‌کنم	۲۷/۱	٤٤/۲	۲۸/۷	۱۰۲۸	۲/۰۱٥	۰/۷٤۷	۲٦
۱۳	من دوست دارم جایزه بگیرم	٤۹/۱	۳۹/۹	۲۰	۱۰۲۸	۱/۷۰۸	۰/۷۷۸	۲۹

۱٤	من مایلم تمرین داشته باشم	۲۳/۸	٤۳/۱	۳۲/۱	۱۰۲۸	۲/۱۲۱	۰/۷۲۲	۲۳
۱۵	من مایلم برای تسکین درد تمرین کنم	۲۰	٤۲/٤	۳۷/۳	۱۰۲۸	۲/۱۷۷	۰/۷۳۸	۱۹
۱٦	من فعالیت ورزشی را دوست دارم	۱٤/۸	۳۷	٤۸/۲	۱۰۲۸	۲/۳٦٤	۰/۷۲۱	۵
۱۷	من جنبه‌های اجتماعی ورزش را دوست دارم	۲۲/۲	۳۵/۲	٤۲/۵	۱۰۲۸	۲/۲۰۲	۰/۷۷۹	۱۳/۵
۱۸	بیرون رفتن از خانه را دوست دارم	۱۷/۲	۳۳/۵	٤۹/۳	۱۰۲۸	۲/۳۵۱	۰/۷۲۳	٤
۱۹	من تمایل دارم برای حفظ تحرک مفاصلم ورزش کنم	۱۷/۱	۳۸/۹	٤٤	۱۰۲۸	۲/۹۵۳	۰/۷۰٤	۱۱
۲۰	من هیجان را دوست دارم	۲۰/۷	۳۹/۸	۳۹/۵	۱۰۲۸	۲/۲۱۸	۰/۷۲۱	۱٦
۲۱	دوست دارم عضو یک گروه باشم	۲۵/۳	٤۲/۳	۳۲/٤	۱۰۲۸	۲/۱۳۳	۰/۷۵۹	۲۲
۲۲	من مایلم ازنظر جسمانی آماده باشم	۲٤/۱	۳۰	٤۵/۹	۱۰۲۸	۲/۳۱۸	۰/۸٤۱	۸
۲۳	من مایلم مشهور باشم	٤۱/۷	۳۳/۵	۲٤/۸	۱۰۲۸	۱/۸٦۷	۰/۷۷۹	۲۷
۲٤	من رقابت را دوست دارم.	۳٦/۸	۳۹/۲	۲٤	۱۰۲۸	۱/۸۷۲	۰/۷٦۹	۲۸
۲۵	من مایلم سرگرمی داشته باشم	۱۷/٤	٤۱/۷	٤۰/۹	۱۰۲۸	۲/۲۳۵	۰/۷۳۲	۱۵
۲٦	من مایلم چیزهای جدیدی یاد بگیرم	۱۷/٦	۳۷/۷	٤٤/۷	۱۰۲۸	۲/۲۷۰	۰/۷٤۱	۹
۲۷	دوستدارم کاری برای انجام دادن داشته باشم	۱٤	۳۸/٦	٤۷/٤	۱۰۲۸	۲/۳۳٤	۰/۷۰۸	٦
۲۸	من مایلم برای پیشگیری از کمردرد ورزش کنم	۱٤/٦	۳٤/۹	۵۰/۵	۱۰۲۸	۲/۳۵۸	۰/۷۲۲	۳
۲۹	من برای آرامش داشتن ورزش می‌کنم	۱٦/٦	۳۲/۳	۵۱/۱	۱۰۲۸	۲/۳٤٤	۰/۷٤۷	۲

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین انگیزه مشارکت سالمندان زن و مرد در فعالیت بدنی تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۳: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه مشارکت در فعالیت بدنی در بین زنان و مردان سالمند

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	sig
سطح تمرین	زنان	۲/۵۷۷	۰/۷۶۵	-۳/۵۹۰	۱۰۱٤	۰/۰۰۱
	مردان	۲/۹٦۰	۱/۵٤۳			
تعداد جلسات تمرین	زنان	۲/۸۸۸	۱/۱۵۰	-۳/۷۹۱	۱۰۰۲	۰/۰۰۱
	مردان	۳/۱٦۰	۱/۱۷۳			
شدت تمرین در هر جلسه فعالیت جسمانی	زنان	۱/۸۲۵	۰/۹۳۵	-٤/۸٤۸	۱۰۰۵	۰/۰۰۱
	مردان	۲/۱۵۰	۰/۹۵٦			
مدت تمرین در هر جلسه فعالیت جسمانی	زنان	۲/۹٦۱	۱/۵٦۷	۵/۵٤۸	۱۰۰٤	۰/۰۰۱
	مردان	۳/٤٤۹	۱/۲۷٤			
مدت کل انجام فعالیت جسمانی و ورزش	زنان	۳/۱٦۲	۱/۵۸۹	۳/۳۳۳	۱۰۰۱	۰/۰۰۱
	مردان	٤/۰۰۰	۱/۳٤۹			

بر اساس نتایج آزمون t مستقل و با توجه به میزان t و سطح معنی‌داری مشخص می‌شود که تفاوت معناداری میزان فعالیت بدنی در متغیرهای آن یعنی سطح تمرین و ورزش، تعداد جلسات تمرین، شدت تمرین، مدت تمرین و مدت کل انجام فعالیت جسمانی و ورزش در زنان و مردان سالمند وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، با توجه به نتایج آزمون t، ($P < ۰/۰۵$) و میانگین‌های به‌دست‌آمده، می‌توان این‌گونه بیان نمود که میزان مشارکت سالمندان مرد در فعالیت بدنی بیشتر از سالمندان زن است.

فرضیه دوم: بین عوامل انگیزشی مشارکت سالمندان زن و مرد در فعالیت بدنی تفاوتی وجود ندارد.

جدول ٤: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه عوامل انگیزشی مشارکت در فعالیت بدنی در بین زنان و مردان سالمند

ابعاد کیفیت زندگی	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	Sig
عامل اجتماعی	زنان	۲/۱۰	۰/۷۰	-۱/٤٦۲	۹٤۷	۰/۱٤٤
	مردان	۲/۱٦	۰/۵٤			
عامل آمادگی جسمانی	زنان	۲/۲٦	۰/۷۲	۰/٤۷٤	۹۵۵	۰/٦۳٦
	مردان	۲/۲٤	۰/٦٦			

عامل شناختی	زنان	۱/۹۵	۰/۵۷	-۱/۵۹۰	۹۵۳	۰/۱۱۲
	مردان	۲/۰۰	۰/۵۲			
عامل چالشی- فواید	زنان	۲/۱۶	۰/٤٦	-۱/٤٦۳	۹۳۵	۰/۱٤٤
	مردان	۲/۲۱	۰/۵٤			
عامل پزشکی	زنان	۲/۹٤	۰/٦۱	-۳/٤۹۵	۹٦۰	۰/۰۱۳
	مردان	۲/۲۱	۰/۸۱			
عامل مشارکتی	زنان	۲/۷٦	۰/٦۹	۲/۸۰٤	۹۵۰	۰/۰۲۱
	مردان	۲/۱۷	۰/۵۷			

بر اساس جدول ٤ و میزان t به‌دست‌آمده در بین عوامل انگیزشی مشارکت سالمندان زن و مرد می‌توان این‌گونه بیان نمود که در بین عوامل اجتماعی، آمادگی جسمانی، شناختی و چالشی/فواید در بین زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P >۰/۰۵)، اما در بین سالمندان زن و مرد در بین عوامل پزشکی و مشارکتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (P< ۰/۰۵)؛ بدین‌صورت که میانگین نمرات سالمندان زن در هر دو عامل پزشکی و مشارکتی بیشتر از میانگین نمرات سالمندان مرد است.

بحث و بررسی

تحقیق حاضر انگیزه‌های مشارکت و عوامل انگیزاننده زنان و مردان سالمند در فعالیت بدنی را مورد ارزیابی قرارداد و به این نتیجه رسید که تفاوت معنی‌داری بین «مشارکت در فعالیت بدنی» در بین زنان و مردان وجود دارد (P >۰/۰۵) و میزان مشارکت سالمندان مرد در فعالیت بدنی بیشتر از سالمندان زن است. در مطالعه حاضر با توجه به نمونه بزرگ آن نشان می‌دهد که عوامل انگیزاننده در گرایش به فعالیت بدنی توسط افراد مسن نقش مهمی بازی می‌کنند و به این نتایج رسیدیم که گروه سنی (۷٦ تا ۸۵) عوامل انگیزشی مشارکتی و انگیزه پزشکی مانند پیشگیری از کمردرد، حفظ تحرک مفصل، بیرون رفتن از خانه و کاری برای انجام دادن داشته باشند، را با اهمیت گزارش کردند. در مجموع، دلایل اصلی سالمندان جهت مشارکت در فعالیت بدنی عبارت بودند از: حفظ سلامتی، آرامش داشتن، پیشگیری از کمردرد، بیرون رفتن از خانه، یادگیری مهارت‌های جدید و حفظ تناسب بدن – که همه آن‌ها در بیش از نیمی از نمونه‌ها خیلی مهم تلقی شده بودند. این نتایج با تحقیقات ظفرمند و چریک (۱۳۹٤)، گوین و همکاران (۲۰۱٤)، فایف[1] (۲۰۰۸)، کاهان[2] (۲۰۱۱)، الکوایز[3] و همکاران (۲۰۰۹)، دسی و همکاران (۲۰۰۸) و برزو و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی داشتند. شرکت در فعالیت بدنی و ورزش، عوامل تناسب اندام، لذت بردن و کاهش استرس، بالاترین نمرات انگیزشی را کسب کردند. همچنین، نتایج تحقیقات اسلاوت و همکاران (۲۰۱۷) در مورد تأثیرات میزان قدم در دقیقه پیاده‌روی به‌عنوان ورزش با شدت متوسط برای افراد بزرگ‌سال و سالخورده و نیز پژوهش کوماتسو و همکاران (۲۰۱۷) درباره تأثیرات مثبت فعالیت بدنی روی عملکرد و سطح زندگی سالمندان همسو با یافته حاضر است. همچنین، این یافته با نتایج تحقیقات امیر ندری و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد؛ چنان که در تحقیق کیفی تعیین‌کننده‌های

1. Fife
2. Kahan
3. AlQuaiz

فعالیت بدنی سالمندان ۷۶-۹۰ سال تهران که از مجموع شرکت‌کننده‌ها ۱۷ نفر مرد (۵۶/۶۷ درصد و ۱۳ نفر زن (۴۳/۳۳ درصد) بودند، اکثر شرکت‌کنندگان انگیزه مشارکتی از قبیل حمایت اجتماعی، تشویق توسط همسران، کودکان و خویشاوندان و یا دوستان و برخی توصیه‌های پزشکان در جهت سلامتی و بهداشت را به‌عنوان انگیزه مشارکت در فعالیت بدنی بیان کردند. همچنین، با تحقیقات کاشفی و همکاران (۱۳۹۳) و ایران‌دوست و همکاران (۱۳۹۳) اسحاقی و همکاران (۱۳۹۰) که انگیزه مردان جهت مشارکت در فعالیت بدنی بیشتر است، همسو بود. نتیجه تحقیقات شیخ و همکاران (۱۳۹۰) که به بررسی عوامل زیست روان اجتماعی مؤثر بر مشارکت ورزشی در مردان سالمند شهر تهران پرداختند، حاکی از آن بود که ورزشکاران سالمند به‌منظور داشتن سلامت و عملکرد بهتر به‌طور منظم ورزش می‌کنند. یافته حاضر با نتایج تحقیقات نوربخش و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «مقایسه انگیزه شرکت زنان و مردان سالمند شهر تهران در فعالیت بدنی» در شرایطی که آزمودنی‌های این پژوهش ۲۴۱ نفر از سالمندان شهر تهران که ۱۲۱ نفر مرد و ۱۲۰ نفر زن بودند، همخوانی داشت. آنها دریافتند میان زنان و مردان سالمند در عوامل پزشکی و شناختی تفاوت معناداری وجود دارد و زنان این عوامل را برای شرکت در تمرینات ورزشی مهم‌تر از مردان گزارش کردند. در مورد اهمیت مشارکت زنان در فعالیت بدنی به لحاظ عوامل پزشکی همخوانی دارد، ولی در مورد عوامل شناختی و تعداد شرکت‌کننده در متغیر جنسیت همخوانی ندارد. یافته حاضر با نتایج پژوهشی کولت و همکاران (۲۰۰۴) همخوانی دارد. آنها این مطالعه را به‌منظور تعیین عوامل انگیزاننده شرکت‌کنندگان استرالیایی مسن که به‌طور منظم ورزش می‌کنند- شامل ۸۱۵ شرکت‌کننده (۳۹۹ مرد، ۴۱۶ زن) که بین سن ۵۵ تا ۹۳ بودند (M=63, SD=7.8)- انجام دادند و دریافتند که علل بهداشتی (پزشکی)، اجتماعی و مشارکتی برای زنان مهم‌تر از مردان بود. بیشترین انگیزه‌های مشارکت در ورزش این بود که افراد دوست داشتند سالم بمانند، دوست داشتند فعالیت داشته باشند، تناسب بدنی‌شان بالا برود و حرکت مفاصل را حفظ کنند، اما در مورد جنسیت، تعداد مشارکت زنان بیشتر گزارش‌شده بود و عوامل اجتماعی با یافته حاضر همخوانی ندارد-آن‌هم به دلیل فضاهای ورزشی در ایران و تفاوت‌های اجتماعی که برای زنان وجود دارد. میلر و لریس (۲۰۰۲) بیان داشته اند که سایر بزرگسالان (۶۲-۹۱ سال) گفته اند که داشتن استقلال عملکردی، رقابت، مراقبت از خود و مشارکت اجتماعی عوامل انگیزاننده در اجرای فعالیت بدنی بودند. یافته حاضر در هر دو عامل پزشکی و مشارکتی با نتایج تحقیقات لوئیس[1] و همکاران (۲۰۰۰) همخوانی دارد. آن‌ها بیان کرده‌اند، بهترین و رضایت‌بخش‌ترین مقیاس‌ها آن‌هایی هستند که بر مبنای دیدگاه‌های نظری تبیین روابط بین متغیرها را انجام می‌دهند؛ چنانکه بیشترین عامل انگیزشی برای مشارکت بانوان میان‌سال و سالمند برای شرکت در ورزش و فعالیت بدنی داشتن اندام متناسب، داشتن مشارکت‌های اجتماعی و در جمع بودن، سلامت ذهنی و لذت بردن بیان شده است. یافته حاضر با نتایج تحقیقاتی کرکبی و همکاران (۱۹۹۹) در عامل مشارکتی که اهم مشارکت زنان سالمند استرالیایی در ورزش می‌باشد، همخوانی دارد. در یکی از مطالعاتی که به ارزیابی فاکتورهای انگیزاننده زنان مسن استرالیایی (میانگین سن ۶۷/۵ سال) پرداخته است، چنین گزارش شده که در یک نمونه ۲۱۸ نفری پیاده‌روی و تمرین فیزیکی در کلاس، بیشترین انگیزاننده‌ها برای مشارکت در ورزش تناسب‌اندام، لذت بردن، تفریح و داشتن تجربه اجتماعی بوده است. یافته حاضر با نتایج پژوهشی پاکستن و همکاران (۱۹۹۷) در عامل مشارکتی که بااهمیت از جانب زنان سالمند و میان‌سال گزارش شد، همخوانی دارد. پژوهشگران بیان کرده‌اند

1. Lewis

بهترین و رضایت‌بخش‌ترین مقیاس‌ها آن‌هایی هستند که برمبنای دیدگاه‌های نظری تبیین روابط بین متغیرها را انجام می‌دهند؛ چنانکه بیشـــترین عامل انگیزشـــی برای مشارکت بانوان میان‌سال و سالمند برای شرکت در ورزش و فعالیت بدنی داشتن اندام متناسب، داشتن مشارکت‌های اجتماعی و در جمع بودن، سلامت ذهنی و لذت بردن بیان‌شده است.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر چندین تفاوت نسبت به تحقیقات پیشین داشت: اولاً، نمونه‌ها حداقل یک روز در هفته به مدت یک سال به فعالیت بدنی مشغول بودند درصورتی‌که نیمی از نمونه‌های مطالعات پیشین ورزش نمی‌کردند؛ ثانیاً، اغلب آن‌ها با محدودیت جنس، تعداد و مکان مواجه بوده و لذا امکان تعمیم وجود ندارد. در پژوهش حاضر میزان مشارکت سالمندان مرد در فعالیت بدنی بیشتر از سالمندان زن است که می‌تواند برگرفته از فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردان در جامعه باشد، چه قبل از دوران سالمندی و چه در دوران سالمندی. زنان وظایف خانه‌داری و نگهداری از اعضای خانواده و نگهداری نوه‌هایشان را بیشتر داشتند و به علل پزشکی و مشارکتی، نمره آنها نسبت به افرادی که کم سن تر بودند، بیشتر بود. محتمل‌ترین علت برای عوامل پزشکی این امر است که احتمال ناتوانی و داشـــتن شـــرایط بد بهداشتی در این گروه سنی نسبت به گروه‌های کم سن تر بیشتر است. (طاهری ،۱۳۹٤) افرادی که در این گروه سنی قرار دارند بیشتر احتمال دارد که به بیماری‌های تهدیدکننده حیات مبتلا شوند و درنتیجه شاید روی فعالیت بدنی و تمرین بدنی به‌عنوان یک استراتژی پیشگیری‌کننده تمرکز کنند. اینکه عامل مشـــارکتی برای زنان ســـالمند مهم است (این نکته عجیب نیست که چنین علت‌هایی در این نمونه توسط زن‌ها بیشتر گزارش‌شده باشد) دلیل آن می‌تواند این باشد در طول روز در خانه هستند با توجه به نقش و مسئولیتی که دارند طبیعی است بیرون رفتن از خانه را دوست داشته باشند. دوست دارند کاری برای انجام دادن داشته باشند و در پاسخ به نیاز حمایت‌های اجتماعی، حمایت‌های خانواده و دوستان که از او بخواهند ورزش کند.

پیشنهادها

۱. بهتراســـت مسئولان و برنامه ریزان ورزش کشـــور، راهکارهایی برای تبلیغ و جذب زنان سالمند به ورزش در نظرگیرند و در مورد فواید ورزش و نیز برنامه‌های مختلفی که در مراکز ورزشی مخصوص زنان سالمند اطلاع‌رسانی شود.
۲. تربیت مربیان به‌منظور کار با زنان و مردان سالمند به‌منظور ارتباط و فرهنگ رفتاری مناسب با آن‌ها انجام پذیرد.
۳. انگیزه و عوامل انگیزاننده زنان و مردان میان‌سال (قبل از دوره سالمندی جهت مشارکت در فعالیت بدنی در نهادهای دولتی و خصوصی) تعیین شود.
٤. انگیزه و عوامل انگیزاننده زنان پیشکسوت و قهرمان سالمند جهت مشارکت در فعالیت بدنی (فدراسیون‌های ورزشی) شناسایی شود.
۵. بهتر اســـت سالن‌ها و مکان‌های ورزشی، بخشی از برنامه‌ریزی ورزشـــی خود را به ورزش‌های مورد علاقه سالمندان زن و مرد تخصیص دهند و هیئت‌های ورزشی نظارت دقیقی بر روی اجرایی شدن این فعالیت‌ها داشته باشند.

منابع

- ایران دوست، خ.؛ طاهری، م. و ثقهٔ الاسلامی، ع. (۱۳۹۳). «**مقایسهٔ اثربخشی تمرینات هوازی در آب و یوگا بر حافظه و تعادل پویای مردان سالمند**». نشریه رشد و یادگیری حرکتی- ورزشی. ٤٦٣-٤٧٣.
- حســن پور دهکردی، ع. و همکاران. (۱۳۸٦). «**تأثیر برنامه ورزشی بر کیفیت زندگی سالمندان شهرستان شهرکرد**». نشریه سالمند. ٤٤٤.
- سید جوادین، ر. (۱۳۸٦). **مبانی سازمان و مدیریت**. تهران: انتشارات نگاه دانش
- شــیخ، م.؛ افشاری، ج. و قاسمی، ر. (۱۳۹-۱۵۸). «**شناسایی و اولویت‌بندی عوامل زیست روان_اجتماعی مؤثر بر مشارکت ورزشی افراد سالمند مرد شهر تهران با روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی (GAHP)**». فصلنامه علوم روانشناختی. ۱۳۹۰.
- کاشــفی، م.؛ عرب عامری، ا. و حومنیان، د. (۱۳۹۲). «**نقش فعالیت ورزشــی و جنســیت در سلامت روان کارکنان جمعیت هلال احمر شهرستان تهران**». فصلنامه علمی- پژوهشی امداد و نجات. ٤٦-٥٤.
- محمدزاده، ع. و آرمن، م. و. (۱۳۷۵). **رفتار سازمانی**. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- محمودی، م. (۱۳۹۰). «**سالخوردگی جمعیت: یک مسئله‌ی اجتماعی جمعیتی**». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق) 19, 183-178. doi:10.22095/jwss.2016.44406،
- ندری، ا. و همکاران. (۱۳۹۵). «**تعیین‌کننده‌های اجرای فعالیت‌های بدنی ســالمندان شــهر تهران**». نشریه سالمندشناسی. ۷۹-٦٦.
- نوربخش، م.؛ فرخی، ا.؛ خاکپور، س. و فراهانی، ه. (۱۳۸۹). «**مقایسه انگیزه شرکت زنان و مردان سالمند شهر تهران در فعالیت بدنی**». نشریه رشد و یادگیری حرکتی ـ ورزشی. ٤٩-٦٩.
- واعظ موسوی، س. و مسیبی، ف. (۱۳۸٦). **روانشناسی ورزشی**. تهران: انتشارات سمت
- متفکر، مصطفی وهمکاران. (۱۳۸٦). «**بررسی اپیدمولوژی میزان فعالیت بدنی در جمعیت شهری استان یزد**». دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۸۱-۷۷.
- Acquis, A., & Tayler, S. (2009). **"Barriers to a healthy lifestyle among patients attending primary care clinics at a university hospital in Riyadh".** Annals of Saudi medicine, 30–35.
- Arab Amari, E., Huainan, D., & Kashia, M. (2014). **"The relationship between exercise and gender in mental health of staff of Red Crescent society of Tehran"**. [Research]. *2, 5*(4), 0-0.
- Borzoi, S., Aristo, A., Ghasemzade, R., Zahednezhad, S., Habibie, A., & Ratify, S. M. (2011). **"Effects of Aerobic Exercise on Quality of Life in Residents of Geriatric Homes, Ahvaz, Iran".** [Research]. Iranian Journal of Ageing, *6*(1).
- Boyette, L. W., Lloyd, A., Boyette, J. E., Watkins, E., Furbish, L., Dunbar, S. B., & Brandon, L. J. (2002). **"Personal characteristics that influence exercise behavior**

of older adults". Journal of rehabilitation research and *development, 39*(1), 95-104.

- Dacey, M., Baltzell, A., & Zaichkowsky, L. (2008). **"Older adults' intrinsic and extrinsic motivation toward physical activity".** American journal of health behavior, *32*(6), 570-582.
- Dishman, R. K. (1994). **"Motivating older adults to exercise".** Southern medical journal, 87(5), S79-82.
- Fife, D. L. (2008). **"Reasons for Physical Activity and Exercise Participation in Senior Athletes".**
- Gavin, J., Keough, M., Abravanel, M., Moudrakovski, T., & Mcbrearty, M. (2014). **"Motivations for participation in physical activity across the lifespan".** International Journal of Wellbeing, 4(1).
- Kaplan, A., & Saddock, S. (2007). **"Synopsis of psychiatry behavioral".** Sciences psychiatry, 254-267.
- Kirkby, R. J., Colt, G. S., Hebel, K., & Adams, J. (1999). **"Exercise in older women: Motives for participation".** Australian Psychologist, 34(2), 122-127.
- Colt, G. S., Driver, R. P., & Giles, L. C. (2004). **"Why older Australians participate in exercise and sport".** Journal of aging and physical activity, 12(2), 185-198.
- Komatsu, H., Yagasaki, K., Saito, Y., & Oguma, Y. (2017). **"Regular group exercise contributes to balanced health in older adults in Japan: a qualitative study".** BMC geriatrics, 17(1), 190.
- Lewis, L. M., Melton, R. S., Succop, P. A., & Rosenthal, S. L. (2000). **"Factors influencing condom use and STD acquisition among African American college women".** Journal of American College Health, 49(1), 19-23.
- Mehra, S., Dadema, T., Kröse, B. J., Visser, B., Engel Bert, R. H., Van Den Helder, J., & Weijs, P. J. (2016). **"Attitudes of older adults in a group-based exercise program toward a blended intervention; a focus-group study".** Frontiers in psychology, 7, 1827.
- Nadri, A., Safania, A. M., & Amritash, A. M. (2016). **"Determinant of the implementation of physical activities in elderly in Tehran".** [Original research]. Journal of Gerontology, 1(2), 66-79. doi: 10.18869/acadpub.joge.1.2.66.
- Patterson, S. L., Rodgers, M. M., Macko, R. F., & Forrester, L. W. (2008). **"Effect of treadmill exercise training on spatial and temporal gait parameters in subjects with chronic stroke: a preliminary report".** Journal of rehabilitation research and development, 45(2), 221.
- Paxton, S. J., Browning, C. J., & O'connell, G. (1997). **"Predictors of exercise program participation in older women".** Psychology and Health, 12(4), 543-552.
- Rimmer, J. H., Wang, E., & Smith, D. (2008). **"Barriers associated with exercise and**

community access for individuals with stroke". Journal of rehabilitation research & development, 45(2).

- Slaght, J., Sénéchal, M., Hrubeniuk, T. J., Mayo, A., & Bouchard, D. (2017). **"Walking cadence to exercise at moderate intensity for adults: a systematic review".** Journal of Sports Medicine, 2017.
- WHO. (2000). **"People in Healthy Communities: A Systematic Approach to Health Improvement: WHO".**

۳

بررسی عوامل موثر بر موفقیت و افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر

سعید قربانی[۱]
بهمن طیبی[۲]
غلامحسن رحمان‌نیا[۳]
کیانوش دیلمی[٤]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹٦/۱۱/۲
تاریخ پذیرش مقاله:۲ /۱۳۹۷/٤

هدف از تحقیق حاضر، شناسایی عوامل موثر بر موفقیت و افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر بود. جامعه آماری شامل کلیه مدیران و کارشناسان ادارات ورزش و جوانان استان گلستان (۱۸۰ نفر که طبق جدول مورگان ۱۱۸ نفر انتخاب شدند و هر دو پرسشنامه موفقیت و افول را پرکردند) و همچنین مسئولان هیئت ها، مربیان و ورزشـــکاران رشته‌های ورزشی مستعد مورد آزمون (٤۸ نفر برای قسمت موفقیت و ۲۸ نفر برای قســـمت افول که همگی آنها پرسشنامه‌های مربوطه را پرکردند) بودند. بنابراین نمونه آماری تحقیق شامل ۱٦٦ نفر برای بخش موفقیت و ۱٤٦ نفر برای بخش افول بودند. برای شناسایی عوامل موثر بر موفقیت و افول از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شد. این پرشسنامه‌ها شامل مولفه‌های توسعه مربیان و نیروی انسانی، انگیزش و حمایت از منابع انسانی، استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران، مسابقات و اردوهای ورزشی، راهکارهای مدیریتی، تجهیزات سخت‌افزاری، بودجه و امور مالی و هماهنگی و ارتباطات بودند. روایی این پرسشنامه‌ها توسط

۱. استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم‌ورزشی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آبادکتول، ایران(نویسنده مسئول)
E-mail: S.ghorbani@aliabadiau.ac.ir
۲. استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران
۳. اداره کل ورزش و جوانان استان گلستان، گرگان، ایران
٤. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

متخصصان امر تایید و پایایی آنها به‌وسیله فرمول آلفای کرونباخ بررسی و ضریب آنها بالاتر از ۰/۸۰ به دست آمد. نتایج نشان داد که مولفه‌های بودجه و امورمالی و هماهنگی و ارتباطات مهمترین مولفه‌های موثر بر موفقیت رشته‌های ورزشی بودند. به علاوه، توسعه مربیان و نیروی انسانی و استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران مهمترین عوامل موثر بر افول رشته‌های ورزشی بودند. درکنار زمینه‌های فنی وحرفه‌ای ضروری، مولفه‌های منابع مالی، نیروی انسانی و استعدادیابی نیز می‌توانند به‌عنوان عوامل تاثیرگذار بر موفقیت و افول رشته‌های ورزشی معرفی شوند.

واژگان کلیدی: موفقیت، افول، رشته‌های ورزشی مستعد و استان گلستان

مقدمه

امروزه فراگیرشدن ورزش به عنوان یک ابزار مهم برای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها مطرح است و تبدیل به جزء جدایی‌ناپذیری از زندگی بسیاری از افراد و جوامع در سراسر جهان گردیده است (آقایی و توکلی انگوت، ۱۳۹۲). یکی از ابعاد ورزش که می‌تواند انگیزه‌های زیادی برای ورزش‌کردن در افراد جامعه به‌ویژه جوانان ایجاد کند، ورزش قهرمانی است. کسب مدال در رویدادهای ورزشی بزرگ ملی و بین المللی که در کانون توجه بسیاری از مردم قرار دارد می‌تواند شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک منطقه جغرافیایی یا یک کشور را تحت تأثیر قراردهد. به همین دلیل، مدیران ورزشی در سازمان‌های ورزشی کشورهای مختلف سعی دارند تا با برنامه‌ریزی دقیق و استراتژیک ورزشکاران استانی و ملی را با آماده‌سازی بهینه به مسابقات ملی و بین‌المللی اعزام کنند تا موفقیت آنها را در رویدادهای بزرگ تضمین نمایند (دی بوسچر[1]، ۲۰۰۸). موفقیت ورزشی به صورت مطلق و نسبی قابل تعریف است. موفقیت مطلق ورزشی به تعداد مدال هایی اطلاق می‌شود که یک کشور در مسابقات المپیک یا جهانی کسب می‌کند، درحالی که موفقیت نسبی به نسبت تعداد مدال‌های کسب شده با توجه به جمعیت و ثروت یک کشور اطلاق می‌شود (دی‌بوسچر، ۲۰۰۷).

موفقیت‌های بین‌المللی و به‌ویژه موفقیت در بازی های جهانی و المپیک، هویت و شخصیت ویژه‌ای به آن کشور می‌دهد و می‌تواند زمینه‌های توسعه را در کشورها به وجود آورد. ازاین‌رو، تصمیم‌گیران در کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری مالی زیادی در ورزش قهرمانی انجام می‌دهند که به نوبه خود به‌گسترش نهادهای مرتبط با ورزش قهرمانی منجر می‌شود (علی دوست‌قهفرخی، سجادی، محمودی، و ساعتچیان، ۱۳۹۳). یکی از زمینه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی مهم برای مدیران و تصمیم‌سازان در سازمان‌های ورزشی می‌تواند ارزیابی عملکرد آن سازمان‌ها در کسب موفقیت و یا افول احتمالی رشته‌های ورزشی و قهرمانان ورزشی در رویدادهای مهم ملی و بین‌المللی باشد. شناسایی این عوامل می‌تواند به برنامه‌ریزی راهبردی مدیران ورزشی برای سال‌های آتی کمک شایانی کند. در واقع، ارزیابی عملکرد در محیط‌های درونی و بیرونی در سازمان‌های ورزشی یکی از مولفه‌های بسیار مهم مدیریتی محسوب می‌شود که می‌تواند به‌طور بالقوه نقاط ضعف و قوت آن سازمان را مشخص نماید و متعاقباً می‌تواند به تصمیم‌گیری مدیران مبنی بر ادامه استراتژی از پیش‌تعیین‌شده، تعدیل و یا تغییر آن منجرشود (میرفخرالدینی، پیمانفر، خطیبی عقدا، و علیمحمدی، ۱۳۹۲).

دی‌بوسچر، دی‌نوپ، وان‌بوتنبورگ، شیبلی و بینقام[2] (۲۰۰۶) رویکرد «عوامل سیاست ورزش منجر به موفقیت‌های بین‌المللی ورزشی (SPLISS[3])» را مطرح کردند که عواملی را که می‌توانند بر موفقیت ورزشی تاثیرگذار باشند، معرفی می‌کند. بر طبق این رویکرد، برخی از عوامل موثر بر موفقیت ورزشی تحت‌کنترل سیاستمداران و برخی از آنها نیز تحت‌کنترل مدیران ورزشی می‌باشند. بر طبق رویکرد SPLISS، نه عامل بر موفقیت ورزشی تاثیر می‌گذارند که شامل حمایت مالی، رویکرد یکپارچه به توسعه، مشارکت، استعدادیابی، حمایت از ورزشکاران، امکانات تمرینی، توسعه و حمایت از مربیان، رقابت‌های ملی و بین‌المللی و تحقیقات علمی می‌باشند. پس از طرح این رویکرد، تحقیقات زیادی به بررسی نقش این عوامل در موفقیت و یا عدم موفقیت رشته‌های ورزشی در کشورهای مختلف دنیا پرداختند.

1. De Bosscher
2. De Bosscher, De Knop, van Bottenburg, Shibli, & Bingham
3. Sport Policy factors Leading to International Sporting Success

دی بوسچر و همکاران (۲۰۰۹) سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش ورزشکاران نخبه در شش کشور را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق عوامل سازماندهی ساختار ورزش، منابع مالی، فراهم‌کردن شرایط برای ورزش‌کردن همه افراد، شناسایی و پرورش استعدادها، حمایت از ورزشکاران در قبل و بعد از دوران ورزشی، فراهم‌کردن شرایط تمرینی مناسب، توسعه و ارتقای دانش مربیان، برگزاری رقابت‌های تدارکاتی و انجام تحقیقات علمی مناسب مورد بررسی قرارگرفت. نتایج نشان‌داد که منابع مالی، حمایت از ورزشکاران، شرایط تمرینی و توسعهٔ دانش مربیان از عوامل اصلی در توسعهٔ ورزشکاران نخبه است. ساتیرادو و شیلبوری [1](۲۰۰۹) نیز ۳۵ سازمان مرتبط با ورزش را در استرالیا در ارتباط با چگونگی پرورش ورزشکاران نخبه مورد بررسی قراردادند. نتایج این تحقیق نشان از اهمیت عوامل اقتصادی، فرهنگی در سطح کلان و استفاده از روش‌های علمی در تربیت ورزشکاران نخبه دارد. شیپی [2] (۲۰۱۲) نیز به بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی که بر موفقیت ورزش قهرمانی در کشورهای کوچک (مانند قبرس) تاثیر می‌گذارد، پرداخت و دریافت که سرمایه‌گذاری اندک برای توسعه زیرساخت‌های ورزشی، توسعه مربیان، توسعه علمی ورزش و بهبود فرصت‌های رقابتی از بزرگترین موانع برای توسعه ورزشکاران نخبه در کشورهای کوچک می‌باشند. سرهاتی و پولان– واتون[3](۲۰۱۳) نیز به بررسی عوامل موثر بر موفقیت بین‌المللی ورزشی در مناطق مختلف اروپا پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که علاوه بر عوامل فنی، عوامل نیروی انسانی، همکاری و هماهنگی و ارتباطات عوامل مهم در موفقیت بین‌المللی ورزشی محسوب می‌شوند. راموس [4] (۲۰۱۷) نیز به بررسی عوامل موثر بر عدم موفقیت ورزشکاران کشور فیلیپین در مسابقات قهرمانی جنوب شرق آسیا پرداخت. ۸۳ ورزشکار شرکت کننده در این تحقیق تمامی عوامل مطرح شده در مدل SPLISS را به عنوان عوامل مهم در عدم موفقیت این ورزشکاران در این مسابقات بیان کردند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که همبستگی معنی‌داری بین این عوامل و عدم موفقیت ورزشکاران در مسابقات وجود دارد. راموس (۲۰۱۷) نتیجه‌گیری کرد که زمانی که عوامل مدل SPLISS در سطح مطلوبی نیستند، نمی‌توان انتظاری برای موفقیت بین‌المللی ورزشی داشت.

در ایران نیز تحقیقات مختلفی به بررسی عوامل موثر بر موفقیت ورزشی پرداخته‌اند. اکبری آرمند (۱۳۷٤) مهمترین علل رکود و عدم پیشرفت در رشتهٔ تنیس را کمبود بودجه، امکانات و تأسیسات رشته تنیس و همچنین کافی‌نبودن منابع‌انسانی متخصص بیان کرد. در زمینه ورزش قهرمانی در ایران، سجادی (۱۳۷۹) برگزاری اردوهای ناکافی و به روش سنتی، عدم امنیت شغلی مربیان، عدم بهره‌گیری از مشاوران علمی و کادر پزشکی در کنار تیم، اشکال در برنامه‌ریزی، سازماندهی و تدارک فدراسیون فوتبال و وجود مشکلات فنی را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل ناکامی تیم‌های فوتبال جوانان ایران در مسابقات قهرمانی جوانان آسیایی طی ۲۰ سال (۱۹۹۸–۱۹۷۸) شناسایی‌کرد. قاسمی (۱۳۸٤) به بررسی راه‌های پیشرفت ورزش قهرمانی در رشته ژیمناستیک پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که ارتقای سطح دانش علمی و فنی مربیان، کنترل و نظارت بر فعالیت مربیان، استعدادیابی نوآموزان به روش علمی و تخصصی، افزایش تاسیسات و سالن‌های تخصصی ژیمناستیک و تجهیز کامل سالن‌ها به امکانات تخصصی و کمک آموزشی، مهم‌ترین عوامل در پیشرفت بعد قهرمانی ورزش ژیمناستیک در ایران

1. Sotiriadou & Shilbury
2. Shippi
3. Cserháti & Polák-Weldon
4. Ramos

می‌باشد. علی دوســت‌قهفرخی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی اولویت‌ها و راهکارهای توسعه ورزش قهرمانی رشــته جودو پرداختند و دریافتند که کنترل و نظارت بر فعالیت‌های مربیان، برنامه‌ریزی مدون تقویم ورزشــی فدراسیون و برگزاری اردوهای بلندمدت از مهمترین عوامل پیشرفت ورزش قهرمانی جودو از دیدگاه صاحبنظران بودند. مشتاقیان، اعتباریان، نمازی‌زاده و افخمی (۲۰۱۲) عوامل مربوط به منابع انسانی که بر ناکامی ورزش ایران در مسابقات المپیک ۲۰۰۸ پکن تاثیر داشتند را مورد بررسی قراردادند. نتایج این تحقیق نشان‌داد که ۳۰/۵ درصد از پاســخ‌دهندگان (شامل مدیران، کارشناسان و ورزشــکاران) عدم به کارگیری مربیان و کادر فنی شایسته را به عنوان اصلی‌ترین دلیل ناکامی در المپیک پکن معرفی‌کردند. همچنین، ۲٤/۵ درصد مدیریت ناکارآمد، ۱٤ درصد غیرورزشی بودن مدیران، ۸ درصد ناکارآمدی فدراسیون‌ها بخصوص کشتی، ٤ درصد چندشغله بودن بسیاری از مدیران، ۲درصد غیرورزشی بودن مدیران، و نهایتا ۱ درصد هم عدم تعامل مدیران با متخصصان را به عنوان عوامل مرثر بر ناکامی در المپیک پکن انتخاب کردند. سیف پناهی شعبانی و حاجی حسنی (۲۰۱۷) نیز به عواملی مانند استعدادیابی، تیم‌های پایه، منابع مالی، مربیان، امکانات و تجهیزات، رقابت‌های ورزشی و ثبات مدیریتی برای موفقیت و ارتقای تیم‌های ملی ایران اشاره کردند.

ســازمان‌های ورزشــی در اســتان گلســتان و در راس آنها اداره کل ورزش و جوانان به عنوان متولی ورزش قهرمانی، از بدو تاسیس تاکنون در راستای اهداف کلان ورزش قهرمانی کشور گام‌های موثری برداشته‌اند. حاصل این برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات، ظهور نســلی از قهرمانان ورزشــی در رشته‌های ورزشی انفرادی و تیمی از جمله کبدی، والیبال‌ساحلی، بسکتبال، قایقرانی، سپک‌تاکرا، بوکس، کشتی، تنیس‌روی‌میز، دوومیدانی، شطرنج، والیبال، بدمینتون، فوتبال و کاراته بود. طبق اعلان وزارت ورزش و جوانان، این رشته‌ها به عنوان رشته‌های ورزشی مستعد در استان گلستان شناخته شده‌اند. در طی سال‌های اخیر شاهد موفقیت‌ها و همچنین ناکامی‌های قهرمانان ورزشی استان گلستان در رشته‌های مذکور در عرصه ملی و بین‌المللی بوده‌ایم که حساسیت‌های زیادی را در بین مسئولان ورزش اســتان ایجاد کرده است. به نظر مــی‌رسد که انتظارات مردم و مسئولان ورزشی و غیرورزشی فزونی یافته و خواستار موفقیــت‌های بیشتر قهرمانان ورزشی اســتان در میادین ملی و بین‌المللی (آسیایی، جهانی و المپیک) هستند. از طرف دیگر، هر زمان نتیجه مطلوب حاصل شده است، این موفقیت به صورت مقطعی بوده و تداومی در موفقیت‌هــا مشاهده نشده است. همچنین در زمان شکست در رقابت‌ها، مربی و سرپرست تعویض‌شده و با مشکلات به‌طوراساسی و ریشه‌ای برخورد نشــده اســت. این چالش در طی سال‌های اخیر همواره برای مدیران ارشــد ورزش استان مطرح بوده که آیا با وجود انتظارات زیاد از ورزش قهرمانی در استان گلستان، راهکارهایی جهــت فراهم‌کردن زمینــه مناسب برای مشاهده موفقیت‌های مداوم و جلوگیری از ناکامی‌ها در ورزش قهرمانی ارائه شده‌است؟

با توجه به نکات ذکرشده و با درنظرگرفتن ظرفیت‌های بالقوه ورزش قهرمانی در استان گلستان، ضروری به نظر می‌رسد که تحقیقاتی جهت شناسایی عوامل موثر بر موفقیت و شکست ورزش‌های مستعد استان گلستان در طی سال‌های اخیر انجام گیرد و درنهایت راهکارهای مناسبی جهت بهبود شرایط آن دسته از رشته‌های ورزشی کــه در سال‌های گذشته موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند و همچنین رشته‌هایی که دچار افول شده‌اند، ارائه شود. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی عوامل موثر بر موفقیت و افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستــان در یک دهه اخیر (بین سال‌های ۱۳۸٤ الی ۱۳۹٤) بپردازد. در تحقیق حاضر موفقیت و افول رشته‌های

ورزشـــی مستعد با توجه به پیشرفت یا پسرفت در عواملـــی از قبیل کسب مدال، حضور در لیگ‌های کشوری، حضور بازیکن در تیم‌های ملی، وضعیت ورزش بانوان، مدارس پایه، و مربیان شاخص تعریف می‌شود.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی- پیمایشی بود که به روش میدانی انجام‌گرفت. براساس اطلاعات به دست آمـــده از کارشناسان آمار اداره کـــل ورزش و جوانان استان گلستان، رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان که به‌وسیله وزارت ورزش و جوانان معرفی شده‌اند شامل رشته‌های دوومیدانی، والیبال، بسکتبال، فوتبال، فوتسال، فوتوالی، سپک‌تاکرا، بدمینتـــون، کاراته، تنیس‌روی‌میز، شطرنج، قایقرانی، کبدی، هاکی، هندبال، ووشو و کشتی می‌باشنـــد. موفقیت یا افول رشته‌هـــای ورزشی نامبرده در یک دهه اخیر با استفاده از یک پرسشنامه بررسی شد کـــه شامل هشت مولفه کسب مدال، حضور در لیگ‌های کشوری، حضور بازیکنان استان در تیم ملی، وضعیت ورزش بانـــوان، مـــدارس پایه، مربیان تخصصی و شاخص، حضور بازیکنان در باشگاه‌های حرفه‌ای و عمومیت رشته ورزشی در استان بود. مسئولان هیئت‌های ورزشی نامبرده شامل ۱۱ نفر به صورت حضوری به این سوالات پاسخ دادند. نتایج این بررسی در جدول ۱ خلاصه شده است. با توجه به نتایج به دست آمده رشته‌های ورزشی کبدی، تنیس‌روی‌میز، والیبال، قایقرانی و دوومیدانی به‌عنوان رشته‌های ورزشی مستعد که دارای موفقیت بوده‌اند و رشته‌های فوتبال و بدمینتون به عنوان رشته‌های ورزشی مستعد که دچار افول شده‌اند، انتخاب شدند.

جدول ۱: ارزیابی موفقیت یا افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان

رشته ورزشی	مدال	حضور در لیگ‌های کشوری	حضور بازیکن در تیم ملی	وضعیت ورزش بانوان	مدارس پایه	مربیان شاخص	حضور بازیکن در باشگاه‌های حرفه‌ای	عمومیت رشته ورزشی
دوومیدانی	بیشتر	بیشتر	بیشتر	–	بیشتر	کمتر	بیشتر	کمتر
والیبال	کمتر	بیشتر	کمتر	بهتر	بیشتر	–	بیشتر	بیشتر
بسکتبال	کمتر	–	کمتر	بهتر	بیشتر	بیشتر	–	بیشتر
فوتبال	کمتر	کمتر	بیشتر	بهتر	بیشتر	کمتر	کمتر	کمتر
سپک تاکرا	بیشتر	بیشتر	بیشتر	–	–	–	بیشتر	–
بدمینتون	کمتر	–	کمتر	کمتر	بیشتر	بیشتر	کمتر	کمتر
کاراته	بیشتر	بیشتر	–	–	کمتر	کمتر	بیشتر	–
تنیس روی میز	بیشتر	بیشتر	بیشتر	بهتر	بیشتر	–	بیشتر	–

کبدی	بیشتر	بیشتر	بیشتر	بهتر	بیشتر	بیشتر	بیشتر	بیشتر
کشتی	کمتر	بیشتر	کمتر	–	–	–	–	–
قایقرانی	بیشتر	بیشتر	بیشتر	–	بیشتر	بیشتر	بیشتر	بیشتر

پس از شناسایی رشته‌های موفق و افول کرده، بر اساس مدل SPLISS و برگرفته از پرسشنامه علی دوست قهفرخی و همکاران (۱۳۹۳) و براساس نظر متخصصان رشته، پرسشنامه‌های عوامل موثر بر موفقیت و افول طراحی شد. برای هر دو پرسشنامه، قسمت اول شامل اطلاعات جمعیت شناختی بود که شامل جنسیت، سن، سمت، سابقه مدیریتی، و مدرک تحصیلی بود. بخش دوم شامل سوالات اختصاصی برای سنجش موفقیت و یا افول بود. سوالات مربوط به پرسشنامه‌های موفقیت و افول به طور یکسان شامل ٤٤ سوال بود که ۸ مولفه توسعه مربیان و نیروی انسانی (۷ گویه)، انگیزش و حمایت از منابع انسانی (۷ گویه)، استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران (٦ گویه)، مسابقات و اردوهای ورزشی (٦ گویه)، راهکارهای مدیریتی (۷ گویه)، تجهیزات سخت‌افزاری (۳ گویه)، بودجه و امور مالی (۲ گویه)، و هماهنگی و ارتباطات (٦ گویه) را مورد ارزیابی قرار می‌داد. سوالات مربوط به پرسشنامه موفقیت به صورت جملات مثبت و سوالات مربوط به پرسشنامه افول به صورت جملات منفی بیان شده‌اند. سوال مطرح‌شده برای هرگزینه این عبارت بود: عامل زیر تا چه حد در موفقیت/افول رشته‌های ورزشی مستعد در یک دهه اخیر موثر بوده است. پرسشنامه حاضر از مقیاس ۵ ارزشی لیکرت با دامنه خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) برای ارزیابی پاسخ‌های آزمودنی‌ها استفاده می‌کند. برای روسا و کارکنان هئیت ها، مدیران، مربیان و ورزشکاران رشته‌های ورزشی منتخب توضیح داده شد که این پرسشنامه برای موفقیت/افول رشته ورزشی شما طراحی شده است.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران و کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان گلستان (شامل ۱۸۰ نفر)، روسا و کارکنان هیئت ها، مدیران، مربیان و ورزشکاران رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان بود. نمونه آماری تحقیق شامل مدیران و کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان، روسا و کارکنان هئیت ها، مدیران، مربیان و ورزشکاران حرفه‌ای رشته‌های ورزشی مربوط می‌شوند که در زیر به تفکیک شرح داده شده است. برای سنجش عوامل موفقیت، تعداد ۱۱۸ نفر از مدیران و کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان گلستان (این تعداد بر اساس جدول مورگان از بین ۱۸۰ عضو این ادارات به طور تصادفی انتخاب شدند) و تعداد ٤۸ نفر از روسا و کارکنان هئیت ها، مدیران، مربیان و ورزشکاران رشته‌های ورزشی کبدی، تنیس روی میز، والیبال، قایقرانی و دوومیدانی بودند که پرسشنامه موفقیت را کامل کردند. بنابراین، آزمودنی‌های بخش موفقیت شامل در مجموع ١٦٦ نفر بودند. در بخش افول، تعداد ۱۱۸ نفر از مدیران و کارکنان ادارت ورزش و جوانان استان گلستان (این افراد هر دو پرسشنامه موفقیت و افول را کامل کردند) و تعداد ۲۸ نفر از روسا و کارکنان هئیت ها، مدیران، مربیان و ورزشکاران رشته‌های ورزشی فوتبال و بدمینتون بودند که پرسشنامه افول را کامل کردند. بنابراین، در مجموع ١٤٦ نفر پرسشنامه افول را کامل کردند.

تجزیه و تحلیل آماری

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده گردید. از روش آمـاری آزمون رتبه‌ای فریدمن به منظور رتبه‌بنـدی عوامل موثر بر موفقیت و افول بهره گیری شد. در پژوهش حاضر برای انجام تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری نشان داد که بیشتر آزمودنی‌ها مردان بودند (۵۷ درصد مردان در مقابل ۴۳ درصد زنان برای گروه موفقیت و ۵۶ درصد مردان در برابر ٤٤ درصد زنان برای گروه افول). میانگین سن آزمودنی‌ها در این تحقیق برای گروه موفقیت ٤٦ و ٤٠ سال به ترتیب برای مردان و زنان و برای گروه افول ۴۳ ســال و ٤١ سال به ترتیب برای مردان و زنان بود. میزان تحصیلات افراد مشارکت‌کننده بیشتر کارشناسی و بالاتر بود. آمار مربوط به سمت آزمودنی‌های تحقیق در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: آمار مربوط به سمت آزمودنی ها

سمت	تعداد		درصد فراوانی	
	موفقیت	افول	موفقیت	افول
معاون اداره	۳	۳	٪۱	٪۲
رئیس اداره	۵	۵	٪۳	٪۳
کارشناس	۱۱۰	۱۱۰	٪٦٧	٪۷۵
مربی	۱۱	۵	٪٦	٪٤
ورزشکار	۲۳	۱۵	٪۱٤	٪۱۰
مسئول هیئت	۱٤	۸	٪۹	٪٦

نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن در جدول ۳ و همچنین نمودارهای ۱ و ۲ آمده است.

جدول ۳: نتایج آزمون رتبه بندی مولفه‌ها و گویه‌های مورد تحقیق

گویه	رتبه (موفقیت)	رتبه (افول)
مولفه اول: توسعه مربیان و نیروی انسانی	**۳/۱۰**	**٤/۹۸**
۱. سطح بالا/پایین دانش علمی و فنی مربیان	٤/۳۵	۳/٦٦
۲. وجود/فقدان مربی صاحب‌نام	٤/۵۷	٤/۰۳

۳. کنترل و نظارت مناسب/نامناسب بر فعالیت‌های مربیان	٤/۳۵	۳/۳۲
٤. وجود/فقدان کارشناس تغذیه برای ورزشکاران	۲/٦٤	٤/۳۱
۵. وجود/فقدان مربی بدنساز برای ورزشکاران	٤/۱٤	٤/۵۱
٦. وجود/فقدان روانشناس برای ورزشکاران	۳/٤۷	٤/۵۹
۷. وجود/فقدان افراد متخصص و تحصیلکرده رشته تربیت بدنی وعلوم ورزشی	٤/٤۸	۳/۵۸
مولفه دوم: انگیزش و حمایت از منابع انسانی	**۳/۵۷**	**٤/٤٤**
۱. حمایت مالی مناسب/نامناسب از مربیان	٤/۱۸	۳/۳٦
۲. حمایت معنوی مناسب/نامناسب از مربیان نظیرتقدیرنامه و پاداش غیرنقدی	٤/۳۸	۳/٤۳
۳. حمایت مالی مناسب/نامناسب از ورزشکاران نظیرحقوق ماهیانه و پاداش نقدی	٤/۳۱	٤/۲٤
٤. حمایت معنوی مناسب/نامناسب از ورزشکاران نظیراعزام به اردوهای تفریحی و...	۳/٦۵	۳/٦٦
۵. تامین/عدم تأمین آینده شغلی ورزشکاران	۳/۸٦	٤/۲۰
٦. فراهم بودن/نبودن شرایط ادامه تحصیل ورزشکاران در رده‌های کارشناسی به بالا	٤/۱۹	۳/۷۳
۷. تامین/عدم تأمین آینده ورزشکاران تیم ملی ازلحاظ مسکن	۳/٤۲	۵/۱۱
مولفه سوم: استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران	**٤/۲٦**	**٤/۸٦**
۱. سطح بالا/پایین استعدادیابی نوآموزان به روش علمی وتخصصی	۳/٤۹	۳/۸۵
۲. سطح بندی/عدم سطح بندی ورزشکاران به لحاظ میزان آمادگی جسمانی و مهارتی	۳/۳۵	۲/۸۵
۳. افزایش/کاهش ساعات وتعداد جلسات تمرین ورزشکاران	٤/۳۱	۳/۱۲
٤. توسعه/عدم توسعه رشته‌های ورزشی مستعد استان در مدارس ابتدایی	۳/٤۲	٤/٤۳
۵. تاسیس/عدم تأسیس مدارس و پایگاه‌های ورزش قهرمانی	۳/۷۳	۳/۵۹
٦. برگزاری/عدم برگزاری همایش‌های علمی با محوریت رشته‌های ورزشی مستعد استان	۲/٦۹	۳/۱٦
مولفه چهارم: مسابقات و اردوهای ورزشی	**٤/۸۰**	**٤/۷۰**
۱. افزایش/کاهش برگزاری اردوهای بلند مدت	۳/۲۲	۳/۲۹
۲. برگزاری/عدم برگزاری مستمرمسابقات درون استانی	۳/۲۷	۲/۹۳
۳. برگزاری/عدم برگزاری مستمر مسابقات برون استانی	۳/۵۷	۳/٦٦
٤. افزایش/کاهش برگزاری اردوهای تدارکاتی مشترک با استان‌های صاحب‌نام	۳/۷۳	٤/۰٤
۵. برگزاری/عدم برگزاری منظم لیگ استانی	۳/٤۳	۳/۳۸
٦. افزایش/کاهش برگزاری مسابقات قهرمانی در شهرستان‌ها	۳/۷۸	۳/٦۹

مولفه پنجم: راهکارهای مدیریتی	**٤/٣٦**	**٤/٥٨**
۱. بهره گیری/عدم بهره‌گیری ازسیستم آموزشی یکپارچه برای مربیان سراسر استان	۳/٦۳	۲/۹٥
۲. وجود/عدم وجود برنامه‌ریزی مناسب در امور ورزشی	۳/۸٤	٤/۳۲
۳. وجود/فقدان مدیران اهل فن، مجرب و کاردان به عنوان روسای هئیت‌های ورزشی	٤/٥۹	٥/۳۰
٤. وجود/فقدان یک برنامه ثابت و مدون در تقویم سالیانه هئیت‌های ورزشی	٤/۲۱	۳/۸۸
٥. وجود/فقدان تحقیقات علمی در زمینه رشته‌های ورزشی	۳/۱۰	۳/٦۰
٦. ثبات/عدم ثبات مدیریت در هئیت‌های ورزشی	٤/۳۰	۳/۹۳
۷. ایجاد/عدم ایجاد نظام نظارت و کنترل در هیئت‌های ورزشی شهرستان	٤/۳۳	٤/۰۳
مولفه ششم: تجهیزات سخت افزاری	**٥/۱۷**	**٤/۲۳**
۱. تجهیز/عدم تجهیز کامل سالن‌ها به امکانات تخصصی و کمک آموزشی	۲/۰۸	۲/۱۸
۲. وجود/فقدان تأسیسات و سالن‌های تخصصی	۲/۲۸	۲/۰٦
۳. توسعه/عدم توسعه وسایل کمک آموزشی	۱/٦٤	۱/۷٥
مولفه هفتم: بودجه و امور مالی	**٥/۳۷**	**٤/٤۰**
۱. تخصیص بودجه مناسب/نامناسب به هئیت‌های ورزشی	۱/٥۲	۱/٤۹
۲. جذب/عدم جذب اسپانسرهای ورزشی(حامیان مالی)	۱/٤۸	۱/٥۱
مولفه هشتم: هماهنگی و ارتباطات	**٥/۳٦**	**۳/۸۲**
۱. همسو بودن/نبودن اهداف مربیان، ورزشکاران و مسئولین هئیت‌های ورزشی	۳/۷۷	۳/۷۷
۲. وجود/فقدان تبلیغات گسترده در رسانه‌های عمومی نسبت به رشته‌های ورزشی	۲/٦۲	۳/۳۹
۳. گسترش/عدم گسترش ارتباطات با فدراسیون‌های ورزشی	۳/۹۹	۳/۱۳
٤. وجود/عدم پشتیبانی و حمایت همه جانبه از طرف اداره کل ورزش و جوانان استان	۳/۹۸	۳/۲٥
٥. تعمل/عدم تعامل با استان‌های دیگر	۳/۲٦	۳/۲۲
٦. کسب/عدم کسب کرسی‌های مهم فدراسیون‌های ورزشی	۳/۳۸	٤/۲۳

نتایج تحقیق نشان داد که مولفه بودجه و امور مالی با رتبه ۵/۳۷ بیشترین تاثیر را بر موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. پس از این، مولفه هماهنگی و ارتباطات با رتبه ۵/۳٦ بیشترین تاثیـــر را بر موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. مولفه‌های تجهیزات سخت‌افزاری، مسابقات و اردوهای ورزشی، راهکارهای مدیریتی، استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران، انگیزش و حمایت از منابع انسانی و توسعه مربیان و نیروی انسانی نیز به ترتیب با رتبه ۵/۱۷ ، ٤/۸۰ ، ٤/۳٦ ، ٤/۲٦ ، ۳/٥۷ و ۳/۱۰ بیشترین تاثیر را بر موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته‌اند.

در بین گویه‌های مورد تحقیق نیز وجود مربی صاحب‌نام (برای مولفه اول)، حمایت معنوی مناسب از مربیان نظیر تقدیرنامه و پاداش غیرنقدی (برای مولفه دوم)، افزایش ساعات و تعداد جلسات تمرین ورزشکاران (برای مولفه سوم)، افزایش برگزاری مسابقات قهرمانی در شهرستان‌ها (برای مولفه چهارم)، وجود مدیران اهل فن، مجرب و کاردان به عنـوان روسای هئیت‌های ورزشی (برای مولفه پنجم)، وجود تأسیسات و سالن های تخصصی (برای مولفه ششم)، تخصیـص بودجه مناسب به هئیت‌های ورزشی (برای مولفه هفتـم) و گسترش ارتباطات با فدراسیون‌های ورزشی (برای مولفه هشتم) بیشترین تاثیر را بر موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است.

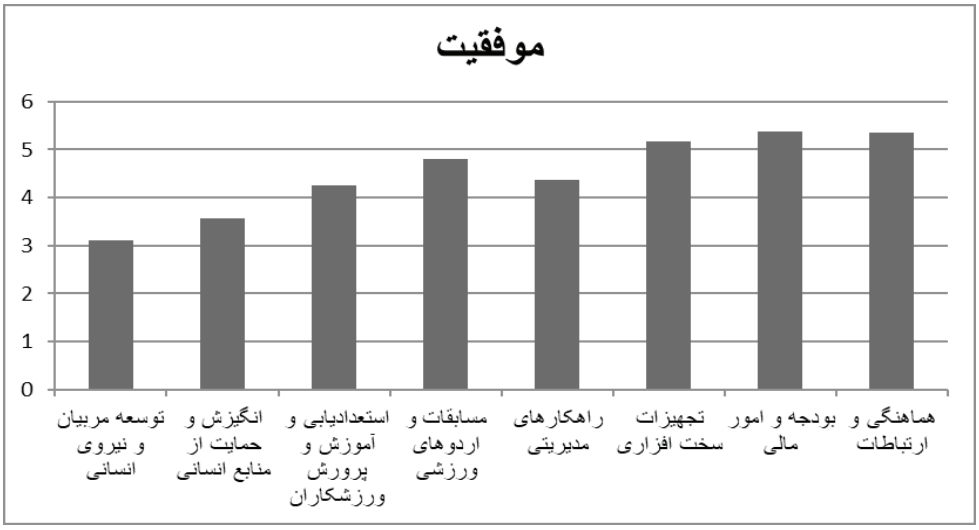

نمودار ۱: وزن رتبه‌ای مولفه‌های هشتگانه پرسشنامه موفقیت

به علاوه، نتایج نشان داد که مولفه توسعه مربیان و نیروی انسانی با رتبه ٤/٩٨ بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. پس از این عامل، استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران با رتبه ٤/٨٦ بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. مولفه‌های مسابقات و اردوهای ورزشی، راهکارهای مدیریتی، انگیزش و حمایت از منابع انسانی، بودجه و امور مالی، تجهیزات سخت افزاری و هماهنگی و ارتباطات نیز به ترتیب با رتبه ٤/٧٠ ، ٤/٥٨ ، ٤/٤٤ ، ٤/٤٠ ، ٤/٢٣ و ٣/٨٢ بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان در یک دهه اخیر داشته است.

در بیـن گویه‌های مورد تحقیق نیـز فقدان روانشناس برای ورزشکاران (برای مولفـه اول)، عدم تأمین آینده ورزشکاران تیم ملی از لحاظ مسکن (برای مولفه دوم)، عدم توسعه رشته‌های ورزشی مستعد استان در مدارس ابتدایـی (بـرای مولفه سوم)، کاهش برگزاری اردوهای تدارکاتی مشترک بـا استان‌های صاحب‌نام (برای مولفه چهارم)، فقدان مدیران اهل فن، مجرب و کاردان به عنوان روسای هئیت‌های ورزشی (برای مولفه پنجم)، عدم تجهیز کامل سالن‌ها به امکانات تخصصی و کمک آموزشی (برای مولفه ششم)، عدم جذب اسپانسرهای ورزشی (برای مولفه هفتم)، و عدم کسب کرسی‌های مهم فدراسیون‌های ورزشی (برای مولفه هشتم) بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است.

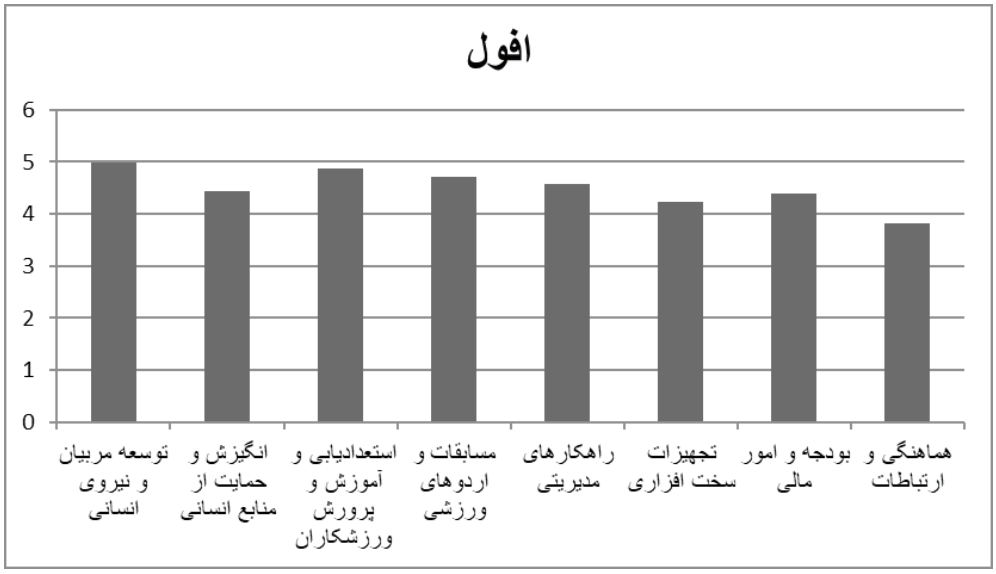

نمودار۲: وزن رتبه‌ای مولفه‌های هشتگانه پرسشنامه افول

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش، مولفه بودجه و امور مالی با رتبه ۵/۳۷ بیشترین تاثیر را بر موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. این نتیجه تعجب برانگیز نبود؛ به دلیل اینکه یکی از مهمترین عوامـــل موفقیت در ورزش منابـــع مالی می‌باشد. دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۰۹)، سیف پناهی شعبانی و حاجی حسنی (۲۰۱۷) و راموس (۲۰۱۷) در این مورد دریافتند که منابع مالی برای توسعه و موفقیت رشته‌های ورزشی ضروری است. همچنین، ساتیرادو و شیلبوری (۲۰۰۹) گزارش دادند که یکی از راه‌های جذب افراد با استعداد برای شرکت و فعالیت در رشته‌های ورزشی این است که آنها درآمد مالی داشته باشند. دلیل اهمیت این مولفه از نظر صاحب نظران می‌تواند این باشد که وجود منابع مالی کافی برای پیشبرد اهداف ادارات کل ورزش و جوانان و همچنین تأمین مالی ورزشکاران فعال در استان گلستان بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشد- ورزشکاران رشته‌های مختلف ورزشی در این استان شرایط اقتصادی مناسبی ندارند و اهمیت عوامل اقتصادی مانند کمک های مالی و پاداش های نقدی می‌تواند انگیزهٔ زیادی در بین آنان ایجاد کند.

پـــس از این، مولفه هماهنگی و ارتباطات با رتبه ۵/۳۶ بیشترین تاثیر را بر موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. غفوری (۱۳۸۸) و سرهاتی و پولان- واتون (۲۰۱۳) مولفه هماهنگی و ارتباطـــات و گسترش رسانه‌ها و توسعهٔ پخش تلویزیونی رشته‌هـــای ورزشی غیرفوتبالی را در توسعهٔ ورزش قهرمانـــی آن رشته‌ها، با اهمیت ذکر کرده‌اند. بنابراین، توجه بـــه ارتباط و تعامل مناسب مربیان و مدیران استان با ورزشکاران می‌تواند در موفقیت آنان مؤثر باشد. علاوه بر این، یک دلیل بالقوه برای انتخاب این عامل به عنوان یـــک مولفه مهم در موفقیت رشته‌های ورزشی مستعـــد می‌تواند وجود روابط و تعامل قوی در استان گلستان با فدراسیون‌هـــا و همچنین کسب کرسی‌های مدیریتی مهـــم در فدراسیون‌های مربوطه باشد. وجود این ارتباطات

می‌توانـد در معرفـی بازیکنان به تیم‌های ملی، اخذ بودجه بیشتر، دعوت از تیم‌های برتر برای برگزاری اردو در سطح استان تاثیر مهم و بسزایی داشته باشد.

مولفه‌های تجهیزات سخت افزاری و مسابقات و اردوهای ورزشی نیز به ترتیب با رتبه ۵/۱۷ و ٤/۸۰ بیشترین تاثیـر را بر موفقیت رشته‌هـای ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته‌انـد. در این راستا، برخی از مطالعـات نشان دادند که استاندارد سـازی ورزشگاه‌ها و امکانات ورزشی عامل مهمی در توسعه و موفقیت رشته‌های ورزشی است (دی بوسچر، ۲۰۰۹). ایجاد امکانات مناسب و امکان دسترسی آسان به امکانات ورزشی در دهه گذشته در سطح استان گلستان احتمالاً توانسته است به موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد در سطح استان کمـک شایانی کند؛ بـه طوری که این عامل به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم از نظر آزمودنی‌ها برای موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان در یک دهه قبل بوده است.

در مورد مولفه مسابقات و اردوهای ورزشی که به عنوان چهارمین مولفه مهم از دیدگاه صاحبنظران شناخته شده، نیـز تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. دی بوسچر (۲۰۰۹)، سیف پناهی شعبانی و حاجی حسنی (۲۰۱۷) و رامـوس (۲۰۱۷) افزایش شرکت ورزشکـاران در رقابت های بین‌المللی را از عوامل مهم پیشرفت و موفقیت در ورزش بیان کردند. سجادی (۱۳۷۹) برگزاری اردوهای ناکافی و نامنظم را از جمله عوامل موثر بر ناکامی تیم ملی فوتبال جوانان نام برد. یکی از عوامل موفقیت ورزشکاران در رویدادهای بزرگ، تدارک اردوها و مسابقات دوستانهٔ متعدد است. در سال‌های گذشته در استان گلستان شاهد این امر بوده‌ایم که اردوهای مشترک و همچنین مسابقات منظم درون استانی در رشته‌هایی از جمله کبدی، والیبال و غیره برگذار شده‌اند که می‌تواند در انتخاب مولفه مسابقات و اردوهای ورزشی به عنوان یکی از موثرترین مولفه‌ها از دیدگاه صاحبنظران نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین، از دلایل احتمالی اهمیت آن از دیدگاه صاحب‌نظران، درگیرکردن ورزشکاران در اردوها و برگزاری مسابقـات در تمام طـول سال است، زیرا در کشورهای توسعه یافته، بعد از اتمام مسابقات بزرگی مانند المپیک، ورزشکار به حال خود رها نمی‌شود و فدراسیون‌های ورزشی برای مسابقات پیش روی خود، برنامه‌های مدونی دارد. مولفه‌های راهکارهای مدیریتی، استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران، انگیزش و حمایت از منابع انسانی و توسعه مربیان و نیروی انسانی نیز با رتبه‌های ٤/۳٦ ، ٤/۲٦ ، ۳/۵۷ و ۳/۱۰ در رده‌های بعدی اهمیت از دیدگاه صاحبنظران قرار داشتند.

به علاوه، نتایج نشان داد که مولفه توسعه مربیان و نیروی انسانی با رتبه ٤/۹۸ بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان گلستان در یک دهه اخیر داشته است. قاسمی (۱۳۸٤)، دی بوسچر (۲۰۰۹)، سیف پناهی شعبانـی و حاجـی حسنی (۲۰۱۷) و راموس (۲۰۱۷) افزایـش و ارتقای سطح دانش مربیان را از عوامل توسعهٔ و موفقیـت ورزش قهرمانی برشمرده‌اند. همچنین، مظفری (۱۳۸۸) ایجاد نظام مربیگری نوین را از راهکارهای افزایش پیشرفت نظام توسعهٔ ورزش قهرمانی در کشور می‌داند. بنابراین رسیدگی به وضعیت معیشتی و مشکلات مربیان از جمله عواملی است که می‌تواند موجب بهبود فرایند پرورش ورزشکاران نخبه شود. بهره‌گیری از مربیان و کارشناسان غیرماهر در تیم‌های ورزشی ممکن است دلیل این امر باشد که چرا صاحبنظران این مولفه را به عنوان مهمترین مولفه در افول رشته‌های ورزشی مستعد انتخاب کرده‌اند.

پس از این مولفه، استعدادیابی و آموزش و پرورش ورزشکاران با رتبه ٤/۸٦ مولفه بعدی از دیدگاه صاحبنظران بود که بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان در یک دهه اخیر داشته است. قاسمی (۱۳۸٤)

استعدادیابی نوآموزان به روش های علمی را از مهمترین عوامل مؤثر در توسعهٔ ورزشی قهرمانی ژیمناستیک بیان کرد. همچنین، ساتیرادو و شیلبوری (۲۰۰۹)، سیف پناهی شعبانی و حاجی حسنی (۲۰۱۷) و راموس (۲۰۱۷) کشف افراد علاقه مند و با استعداد را از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه و موفقیت ورزش قهرمانی بیان کردند. غفوری (۱۳۸۸) نیز در شناسایی عوامل اثرگذار بر توسعهٔ ورزش قهرمانی به این نتیجه رسید که استعدادیابی یکی از شاخـــص هـــای مهم در توسعهٔ ورزش قهرمانی است. بنابراین غفلت از این عامل می‌تواند نتیجه معکوسی را داشته باشد و به ناکامی در یک رشته ورزشی منجر شود. شاید از جمله دلایل اهمیت این متغیر از نظر صاحبنظران ایـــن باشد کـــه در سال‌های اخیر در این استان فعالیت‌های مفیدی در زمینه استعدادیابی در رشته‌های افول کرده انجام نگرفته است. بنابراین، توجه و اهمیت به آموزش پایه و اصولی ورزش به عنوان دومین مولفه مهم از دیدگاه صاحبنظران بود.

مولفه‌های مسابقات و اردوهای ورزشی و راهکارهای مدیریتی نیز به ترتیب با رتبه ٤/٧٠ و ٤/٥٨ بیشترین تاثیر را بر افول رشته‌های ورزشی مستعد استان در یک دهه اخیر داشته‌اند. دی بوسچر (۲۰۰۹)، شیپی (۲۰۱۲) و سیف پناهی شعبانی و حاجی حسنی (۲۰۱۷) افزایش شرکت ورزشکاران در رقابت های بین‌المللی را از عوامل مهم پیشرفت و موفقیت در ورزش قهرمانی عنوان کرد. عدم برگزاری اردوها و مسابقات تدارکاتی در درون استان و در سطح کشوری می‌تواند از دلایلی باشد که صاحبنظران این عامل را به عنوان یک عامل مهم در افول رشته‌های ورزشی مستعد استان در نظر گرفته‌اند. انگیزش و حمایت از منابع انسانی، بودجه و امور مالی، تجهیزات سخت افزاری و هماهنگی و ارتباطات نیز با رتبه‌های ٤/٤٤ ، ٤/٤٠ ، ٤/٢٣ و ٣/٨٢ در رده‌های بعدی اهمیت از دیدگاه صاحبنظران قرار داشتند.

به طور خلاصه، با توجه به متغیرهای مختلفی که از دیدگاه صاحبنظران در موفقیت و یا افول رشته‌های ورزشی مستعـــد استان گلستان در یک دهه اخیر تاثیرگذار بوده‌اند، می‌توان گفت که عوامل مالی و برقراری ارتباطات با فدراسیون‌هـــای ورزشی می‌توانند بر موفقیت و عوامل نیروی انسانی و استعدادیابی در افول رشته‌های ورزشی مستعد در سطح استان‌ها تاثیر بسزایی داشته باشند. این نتیجه می‌تواند ملاحظات کاربردی بسیار مهمی برای آینده ورزش استان به‌همراه داشته باشد. پیشنهاد می‌گردد مدیران ارشد ورزشی استان، منابع مالی بیشتری را برای ورزش استـــان جـــذب کنند تا بدین وسیله بتوان برنامه‌های عملیاتی جهت موفقیت رشته‌های ورزشی مستعد استان در آینده را اجرا کرد. همچنین، مدیران ورزشی در استان می‌توانند با برقراری ارتباط بهتر با فدراسیون‌های ورزشی مربوطه و تعامل حداکثری با آنها مسیر جذب منابع مالی، معرفی بازیکنان به تیم‌های ملی و برگزاری اردوهای بهتر را میسر کنند.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد مدیران ورزشی استان با بکارگیری نیروی انسانی مجرب و استعدادیابی علمی و اصولی، پتانسیل‌های موجود در ورزش استان را به بالفعل تبدیل کنند و آینده خوبی را برای ورزش استان رقم بزنند.

منابع

- آقایی، نجف و توکلی انگوت، سخاوت. (۱۳۹۲). «**شناسایی عوامل موثر بر موفقیت دوچرخه سواران حرفه ای آذربایجان شرقی در مسابقات بین المللی و جاده ای ایران**». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۹(۱۸)، ۵۵-۶۸.
- اکبری آرمند، علی. (۱۳۷٤). «**توصیف وضعیت ورزش تنیس روی میز مردان کشور**». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- سجادی، سید نصرالله. (۱۳۷۹). «**بررسی علل ناکامی تیمهای ملی فوتبال جوانان در مسابقات آسیایی ۱۹۹۸-۱۹۷۸**». طرح پژوهشی، پژوهشکدهٔ تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۸). «**شناسایی شاخص‌ها و عوامل اثرگذار بر توسعهٔ ورزش قهرمانی با تأکید بر عوامل ساختاری**». چکیده مقالات هفتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- علی دوست قهفرخی، ابراهیم؛ سجادی، سید نصرالله؛ محمودی، احمد و ساعتچیان، وحید. (۱۳۹۳). «**بررسی اولویت‌ها و راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی جودوی کشور**». مدیریت ورزشی. دوره ٦ شماره ۲، صص ۲٤٦-۲۳۱.
- قاسمی، محمدهادی. (۱۳۸٤). «**مقایسهٔ دیدگاه ورزشکاران، مربیان و صاحبنظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش ژیمناستیک کشور**». پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۸). «**شناسایی شاخص‌ها و عوامل اثرگذار بر توسعهٔ ورزش قهرمانی با تأکید بر عوامل ساختاری**». CD چکیده مقالات هفتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- مشتاقیان، سهیل؛ اعتباریان، اکبر؛ نمازی زاده، مهدی و افخمی، مهرداد. (۱۳۹۲). «**بررسی تجارب مدیران، کارشناسان، و ورزشکاران در مورد دلایل ناکامی ایران در مسابقات المپیک ۲۰۰۸ پکن در حیطه منابع انسانی و مالی**». مدیریت ورزشی. ۵(۳). ۷۱-۹۷.
- مظفری، سید امیراحمد و الهی، علیرضا. (۱۳۸۸). «**راهبردهای توسعهٔ نظام ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران**». CD چکیده مقالات هفتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- میرفخرالدینی، سید حیدر؛ پیمان فر، محمد حسن؛ خطیبی عقدا، عبدالنبی و علیمحمدی، حسین. (۱۳۹۲). «**ارزیابی عملکرد سازمان‌های ورزشی با استفاده از مدل منسجم** BSC-TOPSIS **(مطالعه موردی اداره کل تربتی بدنی استان یزد)**». مدیریت ورزشی. ۱٦. ۷۷-۹٦.
- Cserháti, G., Polák-Weldon, R. (2013). **"Success factors of international sporting events in different regions of Europe".** APSTRACT: Applied Studies in Agribusiness and Commerce, 1, 25-30.
- De Bosscher, V. (2007). **Sports Policy Factors Leading to International Sporting success.** Published Doctoral thesis, Vrije Universiteit Brussel, Brussel, VUBPRESS.
- De Bosscher, V., De Knop, P., & van Bottenburg, M. (2008). **"Sports, culture and society: Why the Netherlands is successful in elite sports and Belgium is not? A comparison of elite sport policies".** Kinesiologia Slovenica, 14(2): 21-40.

- De Bosscher, V., De Knop,P., van Bottenburg, M., Shibli, S., Bingham, J (2009). **"Explaining international sporting success: An International comparison of elite sport systems and policies in six Countries".** Sport Management Review, 12: 113-136.
- Ramos, R. (2017). **"Critical factors influencing international sporting success of the Philippines: the athletes' perspective".** Asia Pacific Journal of Sport and Social Science, 6(2), 143-159.
- Seifpanahi Shabani, J., Haji Hasani, M. (2017). **"The Effective Factors in Promoting of Iranian Sport National Teams".** Annals of Applied Sport Science, 5(4), 77-84.
- Shippi, P. (2012). **"Social and political factors affecting sporting success in small countries: The case of Cyprus".** Biomedical Human Kinetics, 4: 38-44.
- Sotiriadou, K. & Shilbury, D. (2009). **"Australian Elite Athlete Development: An organizational perspective".** Sport Management Review, 12: 137-148.

۴

تاملی بر نقش و عملکرد دادگاه فوری دیوان حکمیت ورزش و اقدامات آن در خلال بازی‌های المپیک ۲۰۱۶

علی دادگر[۱]
مهدی زاهدی[۲]
سید قاسم زمانی[۳]
آرامش شهبازی[٤]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۵/۱۲/۱۷

افزایــش میزان اهمیت بُعد اقتصادی ورزش در عصر حاضر و گسترش روش‌های ارتباطی در سرتاسر جهان بر تعداد اختلاف‌ها و تعارضات دنیای ورزش افزوده است. این موضوع به خصوص در سطح بین المللی بیشتر مشاهــده می‌شــود. از این رو، صاحب نظران حوزه ورزش به ویــژه حقوق ورزش تصمیم گرفتند که مرجعی بین‌المللی، بیطرف و آگاه را برای حل و فصل اختلاف‌های ورزشی تاسیس کنند و آن را «دیوان داوری ورزش» (CAS[5]) بنامنــد. بــروز اختلاف‌های جدید با موضوعات متنوع در سطح بین الملل سبب شد که نسبت به رفع احتمال وابستگی این مرجع اقدام شود و شاخه ای از آن جهت قضاوت در مسابقات بین المللی تاسیس شود. این شاخه به نام بخش ویژه (Ad Hoc Division از سال 1996 م. همزمان با بازی‌های المپیک آتلانتا) به منظور حل و فصل اختلاف‌های مطرح شده در حین بازی‌های المپیک و مسابقات بین المللی آغاز به کار کرد. هدف از این پژوهش بررسی عملکرد این شاخه از دیوان داوری ورزش و نقش آن در حقوق بین الملل ورزش است. اقدامات

---

۱. دکترای حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. دانشیار، دانشکده حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E- mail: Mehdii_zahedii@yahoo.com
۳. دانشیار، دانشکده حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
٤. استادیار، دانشکده حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

5. Court of Arbitration for Sport

این دادگاه به شکل گیری Lex Sportiva کمک کرده است و از لحاظ سرعت رسیدگی به دعاوی و صراحت در امر دادرسی، می‌تواند به عنوان یک الگوی سودمند برای حقوق بین الملل مورد توجه قرار گیرد. همچنین، اقدامات این دادگاه در بازی‌های المپیک ۲۰۱٦ و تاسیس شاخه جدید ضد دوپینگ دیوان حکمیت ورزش (Anti-Doping Division) مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیـــدی: حقوق ورزش، دیوان داوری ورزش، بخش ویژه CAS ، دادگاه ضد دوپینگ CAS و حقوق بین الملل

مقدمه

جوهره ورزش رقابت است. روحیه رقابتی ورزشکار است که سبب می‌شود با ورزشکار دیگر مسابقه بدهد تا معلوم شود که کدامیک برترند. زیربنای این نمایش رقابتی را احترام متقابل و بازی جوانمردانه تشکیل می‌دهد، اما امروزه انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی سایه سیاه خود را بر زمین‌های بازی افکنده است. نخستین دوره بازی‌های المپیک در سال ۱۸۹۶م. در آتن برگزار شد. باور رایج آن زمان این بود که شرکت کردن در مسابقات المپیک یک افتخـــار است، ولی اکنون برنده شـــدن اهمیت دارد. در عصر حاضر، هیجان برنده شدن بر هیجان شرکت کردن در مسابقات غالب شده است و ورزشکار المپیکی به خصوص برنده مدال طلا می‌خواهد با انعقاد یک قرارداد سودآور آینده خود را بسازد (McLaren,2001,P:379).

اهمیت اقتصادی ورزش و پخش مسابقات از طریق شبکه‌های گسترده تلویزیونی و ماهواره ای مرزبندی‌ها را از میان برداشته است؛ به طوری که میلیون‌ها نفر در سرتاسر نقاط جهان می‌توانند به طور همزمان مسابقات ورزشی را تماشا کنند و از نتایج آن‌ها با خبر شوند. بنا بر ارزیابی رسانه‌های مختلف، مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک ریو را نزدیک به ۳۵۰ میلیون نفر در دنیا تماشا کرده اند. همچنین، از ۷/٤ میلیارد نفر جمعیت جهان، نزدیک به ۳/۷ میلیارد نفر تعامل فعال با این رویداد جهانی و عظیم برقرار کردند (ورزش ۳ ، ۱۳۹۵، کد خبر ۱۳۵۲۲۰۸).

با اهمیت شدن بُعد اقتصادی ورزش و نقش فن آوری‌های نوین در انتشار اخبار و تبلیغات ورزشی سبب شده است که دیگر ورزش به عنوان وسیله ای برای سرگرمی به شمار نرود، بلکه ابزاری باشد برای کسب شهرت و درآمد بیشتر برای ورزشکاران، از یک سو و برای باشگاه‌های ورزشی، تولید کنندگان وسایل و تجهیزات ورزشی، مربیـــان، برگزار کنندگان بازی‌های ملی و بین المللی و پشتیبانان مالی از سوی دیگر. همین موضوع به افزایش تعداد اختلاف‌ها و تعارضات بین اعضای جامعه ورزش، با هر نقشی که ایفا می‌کنند و در هر موقعیتی که هستند، انجامیده است.

بیشتـــر سازمان‌های ورزشی خصوصی هستنـــد. در نتیجه بیشتر اختلاف‌های سازمان‌های ورزشی بر مبنای اصول قراردادی حل و فصل می‌شود. سیستم‌های قضایی و اصول حقوقی مختلف برای حل اختلاف‌ها از سوی جامعـــه ورزش به کار گرفته می‌شـــود، اما با وجود تفاوت هایی که قوانین کشورها و حتی رشته‌های ورزشی با یکدیگـــر دارند، امکـــان دادرسی منصفانه فراهم نیست. از سوی دیگر ماهیت ورزش نیازمند حل و فصل سریع اختلاف هاست، به خصوص در زمان برگزاری مسابقات بین المللی که چشمان همه علاقمندان در سرتاسر جهان نتایج بازی‌ها را پی گیری می‌کنند. بدین ترتیب، نیاز جامعه ورزش به یک مرجع قضایی بی طرف و متخصص و معتبر منجر به تاسیس دیوان داوری ورزش (CAS[1]) گردید. دیوان داوری ورزش در دوران فعالیت خود دچار تحولاتی شد که به شکل گیری و توسعه حقوق بین الملل ورزش انجامید. یکی از نو آوری‌های این مرجع عالی قضایی، تشکیل بخش ویژه یا Ad Hoc Division در حین برگزاری مسابقات المپیک است.

پژوهـــش حاضـــر به روش توصیفی– تحلیلی و با استفاده از مقالات و منابع مرتبط موجود در کتابخانه‌ها و اینترنت و به روش نمونه گیری از پرونده‌های بررسی شده در بازی‌های المپیک ریو (۲۰۱٦) توسط بخش ویژه (Ad Hoc Division) و بخش ضد دوپینگ (Anti Doping Division) دیوان داوری ورزش انجام شده است.

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش و عملکرد بخش ویژه CAS و مواردی است که در حین بازی‌های

1. Court of Arbitration for Sport

المپیک ۲۰۱٦ ریو به این مرجع قضایی ارجاع داده شده است. بررسی انجام شده نشان داد که در مورد این موضوع مقالات متعددی به زبان انگلیسی نوشته شده است؛ از جمله:

مقاله اول:

"The legal framework of the CAS Ad Hoc Division at the Rio Olympic Games" توسط کریستین کیدل[1] و الکساندر النگل هارد[2] (٤ آگوست ۲۰۱٦) که در آن به ماده ٦١ منشور المپیک و ارجاع اختلاف‌های ورزشکاران در بازی‌های المپیک به بخش ویژه دیوان داوری ورزش اشاره شده است.

مقاله دوم:

"A summary of CAS Ad Hoc Division decisions at the Rio Olympic Games" توسط مارتین راس[3] و مارک ربون[4] (۱۵ سپتامبر ۲۰۱٦) نوشته شده است. در مقاله دوم پس از معرفی دادگاه ویژه دیوان داوری ورزش، خلاصه تصمیمات و پرونده‌های مرتبط با نقض قوانین بازی- که قابل طرح در دادگاه ویژه CAS نیست- از جمله پرونده بهداد سلیمی وزنه بردار ایرانی ، مولر شناگر فرانسوی و چند ورزشکار دیگر شرح داده شده است. همچنین ، تاسیس بخش ضد دوپینگ برای اولین بار در بازی‌های ریو و پرونده دوپینگ روسیه پیش از بازی‌های المپیک ریو بیان شده است.

مقاله سوم:

"The rules Governing the CAS Anti-Doping and Ad Hoc Divisions at the Olympic Games, including the CAS jurisprudence from the Rio Olympics"

این مقاله توسط دکتر دِسپینا ماوروماتی[5] که ریاست بخش پژوهش و میانجیگری CAS را برعهده دارد نوشته و به عملکرد بخش‌های ویژه به خصوص بخش ضد دوپینگ در المپیک ریو اشاره نموده است (اول سپتامبر ۲۰۱٦) :

وی در این مقاله به معرفی قوانین بخش ضد دوپینگ پرداخته و نحوه رسیدگی به پرونده‌ها و انتقال پرونده به بخش ویژه (AHD) در صورت لزوم، سرعت رسیدگی به پرونده‌ها، ارتباط بین طرفین دعوی و بخش ضددوپینگ دیوان داوری ورزش، به کار گیری موازین حقوقی در رسیدگی به دعاوی و صدور آرا را شرح می‌دهد.

مقالات فوق نحوه عملکرد بخش‌های ویژه دیوان داوری ورزش را در حین مسابقات المپیک ریو مطلوب و مثال زدنی بیان کرده اند.

گزارش عملکرد دیوان داوری ورزش در بازی‌های ریو نیز طبق معمول ، در اول آگوست ۲۰۱٦ منتشر شده است.

در این مقاله موضوعات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- هدف از تاسیس دیوان داوری ورزش؛
- شورای بین المللی دادگاه عالی ورزش(ICAS)؛
- تاسیس بخش ویژه (Ad Hoc Division)؛

1. Christian Keidel
2. Alexander Engelhard
3. Martin Ross
4. Mark Lebbon
5. Dr. Despina Mavromati

- قرارداد ورزشکاران و قضاوت دیوان داوری ورزش در مسابقات المپیک؛
- قوانین بخش ویژه دیوان داوری ورزش (AHD)؛
- بخش ویژه و حقوق بین الملل ورزش؛
- اقدامات بخش ویژه در بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱۶؛
- رابطه بخش ویژه با سایر نهادهای بین المللی ورزش.

هدف از تاسیس دیوان داوری ورزش

دادگاه عالی ورزش با هدف تسهیل روند حل و فصل اختلاف‌های ورزشی تاسیس شده که مبتنی بر محافظت از حقوق طرفین و استقلال دادگاه است. فلسفه تاسیس دادگاه عالی ورزش را دادگاه فدرال سوئیس به شرح زیر بیان کرده است:

«... در یک ورزش رقابتی به خصوص مسابقات المپیک، هم برای ورزشکاران و هم برای تسهیل روند برگزاری مسابقات لازم است که اختلافات موجود به سرعت، ساده، انعطاف پذیر و ارزان قیمت توسط متخصصان آشنا با موضوعات حقوقی و ورزشی حل و فصل شود». (Quirk, 2013 ,p:44)

در واقــع، افزایــش تعداد اختلاف‌های ورزشی در سطوح ملی و بین المللی و فقدان یک مرجع حل اختلاف بی‌طرف و متخصص در امور ورزش سبب شد که صاحب نظران دنیای ورزش اقدام به حل این موضوع کنند. بدین ترتیب، دادگاه عالی ورزش تحت فشارهای موجود در دهه ۱۹۸۰ م. در جهت پیدا کردن راه حلی بی طرفانه، معتبر و نهایی برای حل اختلاف‌های بین ورزشکاران و فدراسیون‌های ملی و بین المللی ورزشی، کمیته‌های ملی المپیک و برگزار کنندگان مسابقات تاسیس شد. در حقیقت، جنبش المپیک تصمیم گرفت که یک مرجع داوری نهایی و استوار برای حل اختلاف‌ها ی ورزشی به ویژه دوپینگ که در آن دوران رواج زیادی داشت، تاسیس شود.

حقوق بین الملل ورزش مانند سایر حقوق بین الملل مبتنی بر نظارت معاهدات بین المللی، عرف جهانی و تا حدود کمی برگرفته از اصول حقوق عمومی پذیرفته شده توسط ملل متمدن است. جنبش المپیک نهاد مسلط بر حوزه حقوق بین الملل ورزش است که خود توسط کمیته بین المللی المپیک (IOC[1]) اداره می‌شود.

کمیته بین المللی المپیک در سال ۱۹۸۱م. در رم تشکیل جلسه داد و در آن خوان آنتونیو سامارانش[2]، ریاست کمیتــه بیــن المللی المپیک، به موضوع تاسیس دادگاه عالی ورزش اشــاره نمود. همچنین، مقرر شد که یکی از اعضای IOC به نام کبا امبای[3] که یک قاضی بین المللی بود گروهی را جهت تدوین اساسنامه یا مقررات دادگاه عالی ورزش تشکیل دهد. IOC همه هزینه‌های دادگاه را تقبل کرد. اساسنامه دادگاه عالی ورزش در سال ۱۹۸۳ م. تصویب شد و دادگاه از ۳۰ ژوئن ۱۹۸٤ م. کار خود را آغاز کرد (tas-cas.org/history).

در ابتدای شروع فعالیت دادگاه عالی ورزش، دو نوع دادرسی انجام می‌گرفت: بدوی و استیناف. اختلاف‌های مربوط به قراردادها یا عملکرد خطا در دادگاه بدوی بررسی می‌شد و دادگاه استیناف به حل اختلاف‌های مرتبط با تصمیم‌های فدراسیون‌ها یا انجمن‌های ورزشی می‌پرداخت. سپس ارائه خدمات مشاوره ای و میانجیگری نیز به وظایف CAS اضافه شد.

1. International Olympic Committee
2. Juan Antonio Samaranch
3. Keba mbaye

با وجود رشد و موفقیت دیوان داوری ورزش، برخی از فدراسیون‌های بین المللی با آن موافق نبودند و ترجیح می‌دادند که از متخصصان خود برای حل و فصل اختلاف‌ها بهره ببرند، ولی مشکل این بود که قضات دادگاه‌ها مستقل نبودند(McLaren ,2001,p: 390).

شورای بین المللی داوری ورزش(ICAS[1])

در سال ۱۹۹٤ م. طبق توافقنامه پاریس تصمیم گرفته شد که «شورای بین الملل داوری ورزش» تاسیس شود. این تصمیم به امضای اعضای بلند پایه دنیای ورزش از جمله ریاست کمیته بین المللی المپیک (IOC)، انجمن فدراسیون‌های بین المللی المپیک تابستانی، انجمن فدراسیون‌های بین المللی المپیک زمستانی و انجمن کمیته‌های ملی المپیک رسید- وظیفه این شورا حفظ بی طرفی و استقلال دادگاه عالی ورزش است. از آن پس مقرر شد که همه اختلاف‌های مرتبط با ورزش به دیوان داوری ورزش (CAS[2]) ارجاع داده شود.

در کنفرانس بین المللی دوپینگ در ورزش که در سال ۲۰۰۳ م. برگزار شد، جنبش المپیک و دولت‌های متعدد دیوان داوری ورزش را به عنوان مسئول رسیدگی به پرونده‌های دوپینگی در حوزه ورزش تعیین کردند. این موضوع در ماده ۱۳ کُد ضد دوپینگ منتشر شده از سوی WADA[3] ذکر شده است (tas-cas.org/history).

تاسیس بخش ویژه (Ad Hoc Division)

جنبش المپیک- که منشور المپیک را تدوین کرده، از استقلال کامل برخوردار است و تابع یا بخشی از هیچ یک از نهادهای حقوقی محلی به شمار نمی رود- در ماده ٦١ منشور المپیک تعیین کرده است که هر گونه اختلاف مرتبط با بازی‌های المپیک باید به دیوان داوری ورزش ارجاع داده شود. قضاوت در مورد کمیته‌های ملی المپیک طبق مواد ۳/۲ و ۲۸ منشور المپیک و قضاوت در باره فدراسیون‌های بین المللی طبق قانون ۳/۳ از مواد ۲٦ و ۲۷ منشور المپیک قابل اجراست. بدین ترتیب به ورزشکاران اطمینان داده می‌شود که حقوقشان نادیده گرفته نشده و در صورت بروز اختلاف، استحقاق تشکیل یک دادگاه منصفانه و بی طرف را دارند (McLaren,2010,p:76).

در سال ۱۹۹٦ م. ICAS تحت پوشش دیوان داوری ورزش، اقدام به تاسیس بخش ویژه (Ad Hoc Division) کرد که وظیفه حل و فصل نهایی اختلاف‌ها در بازی‌های المپیک آتلانتا در مدت ۱۰ روز برگزاری مسابقات را بر عهده داشت. هیئت رئیسه این دادگاه از دو نفر تشکیل شده بود که همراه با ۱۲ قاضی در شهر میزبان مستقر شدند. در بازی‌های المپیک آتلانتا فقط ٦ مورد به بخش ویژه مراجعه کردند. سپس در سال ۱۹۹٦ م. بخش ویژه برای ارائه دادرسی در مسابقات المپیک تابستانی و زمستانی هم تشکیل گردید. این شاخه از CAS در بازی‌های مشترک المنافع نیز حضور داشت. بخش ویژه در مسابقات قهرمانی جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۰ م. و جام جهانی فوتبال ۲۰۰٦ م. نیز تشکیل شد. حضور مقتدرانه این بخش سبب افزایش شهرت و اعتبار دیوان داوری ورزش شده است.

هدف از تشکیل این دادگاه حل اختلاف‌ها در محل برگزاری مسابقات به روش منصفانه و بی طرفانه است که حق دادرسی منصفانه و عادلانه را حفظ کند و نیاز به متوسل شدن به دادگاه‌های ملی را حذف نماید.

1. International Council of Arbitration for Sport
2. Court of Arbitration for Sport
3. World Anti- Doping Agency

داوری بخش ویژه در سند و فرم ورود به مسابقات المپیک نوشته شده است و شرکت کنندگان توافق می‌کنند که اختلاف‌های مطرح شده در مسابقات المپیک را به بخش ویژه دیوان داوری ورزش (Ad Hoc Division) ارجاع دهند. تصمیمات این دادگاه اصولا» نهایی و غیر قابل استیناف است. در موارد خاص فقط استیناف به دادگاه فدرال سوییس قابل قبول است. برای نخستین بار در تاریخ بخش ویژه، فدراسیون هاکی زمینی آذربایجان اعتراض خود نسبت به رای صادره از سوی بخش ویژه در بازی‌های المپیک پکن را به دادگاه فدرال سوییس ارجاع داد. این در مواقعی است که دادگاه تحت شرایط خاص و وجود احتمال آسیب جبران ناپذیر، از دادرسی صرف نظر کند و به دنبال یک راه حل موقتی باشد. در هر صورت بخش ویژه دادگاه نهایی برای حل اختلاف‌ها در حین بازی‌های المپیک است. (McLaren,2010 ,p: 77).

قرارداد ورزشکاران و قضاوت دیوان داوری ورزش در مسابقات المپیک

کمیته بین المللی المپیک از سال ۲۰۰٤ م. – مقارن با برگزاری بازی‌های المپیک آتن– از ۱۱ هزار نفر ورزشکار شرکت کننده در این دوره از مسابقات درخواست کرد که ماده قانونی مندرج در فرم ثبت نام بازی‌های المپیک را امضا کنند و دیوان داوری ورزش را مسئول رسیدگی به اختلاف‌های ورزشی در حین برگزاری مسابقات المپیک تعیین نمایند. این ماده به شرح زیر است:

«من موافقم که هر نوع اختلاف، مشاجره یا ادعایی که در رابطه با/ ناشی از.. یا به دلیل بازی‌های المپیک ایجاد شـود را حـل و فصل نکنم، مگر آن که مراحل قانونی آن در فدراسیون بین المللی....که مسئولیت رشته ورزشی مـن....را بـر عهده دارد طی شود و IOC منحصرا از حق ارجـاع اختلاف به CAS برای داوری نهایی و قطعی برخوردارست. CAS باید داوری کند و با صلاحیت و قدرت انحصاری خود رای صادر کند و اقدامات احتیاطی و موقتی را انجام دهد. تصمیم‌های CAS نهایی و قطعی است و من هیچ ادعایی در باره داوری یا دادخواهی ندارم و به دنبال هیچ نوع بررسی در دادگاه‌ها یا هیئت‌های حل اختلاف دیگر نیستم.» (Yi, 2006,p: 8)

قوانین بخش ویژه دیوان داوری ورزش (AHD)

طبـق مـاده ۱ قوانین AHD، پیش از ارائه دادخواست به بخش ویژه ، لازم است که خواهان به همه مراجع قضایی موجود و درون سازمانی مراجعه کند، مگر آن که مدت زمان لازم را در اختیار نداشته باشد و سبب بی‌تاثیر شدن عملکرد بخش ویژه شود.

محل استقرار بخش ویژه، لوزان سوییس است. البته دادگاه به منظور شرکت در بازی‌های المپیک و مسابقات دیگـر ، قضـات را به صورت مامور به محل برگزاری مسابقات اعزام می‌کند (قضاوت نیز طبق فصل ۱۲ قانون سوییس در باره حقوق بین الملل خصوصی انجام می‌شود).

هـر فـرد حقیقی یا حقوقی که بخواهد دادخواست خود را به بخـش ویژه ارائه دهد باید فرم مخصوص را تکمیـل کند(طبق ماده ۱۰ قوانین AHD). تصویر رای صـادر شده که مورد شکایت خواهان می‌باشد باید تهیه شـود. خلاصه‌ای از حقایق و توافق‌های حقوقـی در مورد شکایت، درخواست خواهان مبنی بر انجام دادرسی، هر موضوعی که باید به اطلاع دادگاه برسد به صورت کتبی ذکر شود، نشانی الکترونیکی خواهان و در صورت امکان، نشانی الکترونیکی خوانده باید درج شود تا در جهت تبادل نتایج بررسی‌ها و اطلاعات مورد نیاز به کار

رود(ماده ۱۰ قوانین AHD).

دادگاه باید تصمیم خود را در مدت ٢٤ ساعت پس از دریافت دادخواست خواهان اعلام کند. در موارد خاص به صلاحدید ریاست بخش ویژه، مدت زمان تصمیم گیری طولانی تر خواهد شد (ماده ۱۸ قوانین AHD).

تصمیمات اتخاذ شده توسط بخش ویژه، نهایی تلقی شده و قابل استیناف نیست (ماده ۲۱ قوانین AHD).

دادرسی بخش ویژه برای حل اختلاف هایی است که در مدت زمان برگزاری بازی‌های المپیک یا در مدت ۱۰ روزه از روز افتتاحیه تا پایان بازی‌ها بروز می‌کنند. طبق ماده ۱۷ قوانین بخش ویژه دادگاه باید طبق منشور المپیک، حقوق اجرایی، اصول عمومی حقوق و قوانین حقوقی که به نظر مناسب باشد، به حل اختلاف‌ها بپردازد. اعضای این شاخه از دیوان داوری ورزش توسط شورای بین المللی داوری ورزش (ICAS) تعیین می‌شوند (طبق ماده ۳ قوانین AHD). آن‌ها از قضاتی هستند که نامشان در فهرست عمومی دیوان داوری ورزش درج شده است. ریاست و دستیار وی نیز توسط ICAS انتخاب می‌شود (ماده ٤ قوانین AHD). بی طرفی، تخصص و تجربه آن‌ها در زمینه حل و فصل اختلافات ورزشی و حقوق عمومی مورد توجه قرار دارد. علاوه بر این ها، محل زندگی و استقرار آن‌ها در نقاط مختلف جهان در نظر گرفته می‌شود. به طور مثال، در بازی‌های المپیک تورین (ایتالیا ، ۲۰۰٦) ۹ نفر قاضی از کشورهای مختلف و چهار قاره جهان جهت داوری در مسابقات دعوت شدند(Rigozzi: 454).

در مسابقات المپیک ریو (۲۰۱٦) قضات بخش ویژه از کشورهای استرالیا، کانادا، گینه جدید، کاستاریکا، آلمان، انگلستان، برزیل، کره، اسپانیا، مصر، عراق و سوییس دعوت شده بودند. (tas-cas.org,2016)

طبق ماده ۱۳ قوانین AHD، در صورت وجود احتمال وابستگی قاضی، لازم است که خودِ قاضی به طور داوطلبانه واجد شرایط نبودن خود را اعلام کند. ریاست بخش ویژه موظف است که صلاحیت قضات را در هر دادرسی بررسی نماید(ماده ۱۳ قوانین AHD).

بدین ترتیب، ورزشکاران، مربیان، مسئولان و فدراسیون‌ها ی شرکت کننده در مسابقات المپیک مطمئن هستند که در طول مدت برگزاری مسابقات، به یک مرجع قضایی دسترسی دارند. قضات در مدت چند ساعت رای صادر می‌کنند. این امر حاکی از برقراری عدالت فوری و قابل اجرا در بازی‌های المپیک است. این دادگاه به منظور تقویت ورزشکاران تشکیل می‌شود، نه تضعیف آن ها.

بخش ویژه (Ad Hoc Division) و حقوق بین الملل ورزش (Lex Sportiva)

تصمیمات اتخاذ شده در بازی‌های المپیک بسیار متنوع است و انواع موضوعات در رشته‌های مختلف ورزشی را در بر می‌گیرد. صاحب نظران حقوق ورزش، اختلاف‌های مطرح شده در بازی‌های المپیک و بخش ویژه را عاملی مهم در شکل گیری حقوق بین الملل ورزش می‌دانند که به طور کلی شامل موارد زیر است:

- تعیین صلاحیت ورزشکار؛
- تعیین هویت ملی ورزشکار؛
- بررسی رای تعلیق ورزشکار از سوی فدراسیون‌های بین المللی؛
- دوپینگ و مصرف مواد ممنوعه؛

- حل و فصل موضوعات مربوط به تبلیغات و رسانه‌ها؛
- بررسی احتمال دستکاری در قوانین ورزشی جهت به دست آوردن نتایج استراتژیک (McLaren , 2001,pp: 533-538)

ریچارد مک لارن[1]، عضو هیئت رییسه آژانس بین المللی ضد دوپینگ، المپیک سیدنی در سال ۲۰۰۰ م. را بهتریـــن زمـــان برای تدوین Lex Sportiva می‌داند، زیرا در این دوره انواع اختلاف‌های حقوقی در زمان پیش از شروع بازی‌ها و در حین برگزاری مسابقات مطرح شد. گستره اختلاف هایی که بخش ویژه CAS در این دوره از مسابقات بررسی کرد، بسیار متنوع و شامل موارد انتخاب ورزشکار پیش از شروع بازی ها، تعیین ملیت ورزشکار، قوانین بازی و موارد تجاری بود (McLaren , 2001,p : 391).

از منظر حقوق بین الملل، این حقیقت که بخش ویژه CAS می‌تواند به منصفانه بودن رسیدگی در مدت ۲٤ ساعت، دادرسی را انجام دهد و رای صادر کند، قابل توجه و تحسین است؛ به طوری که این تسریع در رسیدگی نباید مانع دقت در آن شود. این روش دادرسی به خصوص در موارد دادرسی‌های فوری می‌تواند الگویی برای قضاوت‌های بین المللی باشد. هر چند نهادهای قضاوت بین المللی، اقدامات خود در جهت تشکیل بخش ویژه را از سال ۲۰۰۹ آغاز کرده اند. قضات دادگاه‌های فوری یا ویژه همواره با موضوعاتی سر و کار دارند که نیاز به مصلحت اندیشی [2] دارد. حداقل زمان رسیدگی به پرونده به قوانین اجرایی نهاد مربوطه بستگی دارد. این مدت می‌توانـــد از ۵ تـــا ۱۵ روز پس از دریافت دادخواست تعیین شـــود. مرکز قضاوت بین المللی سنگاپور SIAC[3] (۲۰۱۱) که در قوانین اجرایی خود مدت زمان دادرسی را تعیین نکرده است در گزارش سالانه خود با استناد به نمونه زیر اظهار می‌دارد:

دادخواســـت مرتبط با یک محموله در بندر چین بود که در معرض خراب شدن و از بین رفتن کیفیت کالای تجـــاری قرار داشت. خواهـــان صبح با ما تماس گرفت. در ساعت ۲ بعد ازظهر همـــان روز فرم دادخواست را تکمیـــل کـــرد و تا ساعت ۵ بعد ازظهر قاضی بی طرف (وکیل با تجربه در زمینه کشتیرانی) جهت داوری تعیین گردید. قاضی دستورات مقدماتی را صادر کرد و در همان زمان ساعت دادرسی روز بعد تعیین و دستور صادر شد (Kantoron , 2012, p:3).

الیزابت کانتورون می‌نویسد که از ٤ نفر قاضی دعوت شده برای رسیدگی به پرونده ، ۲ نفر از آن‌ها در مدت ۵ روز ، یک نفر در مدت ٦ روز و نفر آخر در مدت ۱۲ روز بعد تصمیم گیری می‌کند. در مقایسه با بخش ویژه CAS، این زمان طولانی است. به طور مثال، بخش ویژه در بازی‌های المپیک لندن (۲۰۱۲م.) پرونده Elliott – دونـــده زن– را در مـــدت ۳ ساعت و ٤۵ دقیقه بررسی کرده است (Kantoron). در مسابقات المپیک ریو، کوتاه ترین زمان رسیدگی به پرونده به مورد کمیته ملی المپیک و انجمن ورزش وانواتو و فدراسیون بین المللی والیبال و کمیته برگزاری مسابقات ریو مربوط بود که در مدت ۳ ساعت و ۲۰ دقیقه بررسی شد.

قضاوت بخش ویژه در بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱٦

در مسابقات المپیک ریو بیش از ۱۰ هزار ورزشکار در ۳۱ رشته ورزشی به رقابت پرداختند. ورزشکاران از ۲۰۷

1. Richard H. McLaren (۱۹٤۵-)
2. Expediency
3. Singapore International Arbitration Center

کشور با هم رقابت کردند که ۷۸ کشور حداقل به یک مدال و ۵۹ کشور به مدال طلا دست یافتند (ورزش ۳).

یکـی از مهم ترین مسائل المپیک ریـو گزارشی بود که مک لارن منتشر کرد. وی تاکید کرد که در جریان بازی‌هـای المپیک سوشی (۲۰۱٤ م.) روسیه با کمـک امکانات دولتی دوپینگ کرده و مسئولان این کشور روی دوپینگ ورزشکاران خود سرپوش گذاشته اند. خبرگزاری دویچه وله آلمان هم نوشت که یا آزمایشگاه مسکو برای محافظت از ورزشکاران به درخواست دولت نتایج را جعل کرده یا آزمایشگاه سوشی نمونه‌های آزمایـش را عـوض کرده است. همچنین، وزیر ورزش روسیه جعل نتایج آزمایشات دوپینگ و نمونه‌ها را زیر نظـر داشتـه و کنترل کرده است و سازمان امنیت روسیه و مرکز تربیت بدنی روسیه هم در این رسوایی نقش داشته اند. از بین ورزشکاران روسیه ۱۱۷ نفر در رشته وزنه برداری، ۲۸ نفر در رشته کشتی، ۲۷ نفر در رشته قایقرانی کانو و ۲٦ نفر در رشته دوچرخه سواری، ۳۷ ورزشکار غیر المپیکی و ۳۵ نفر ورزشکار پارالمپیکی آلـوده به دوپینگ شناخته شدند- اسامی آن‌ها بر اسـاس مدارک در اختیار خبرنگاران قرار گرفت(همشهری آنلاین ، ۱۳۹۵ ، کد خبر : ۳٤۰۵۵۱).

ایـن موضوع سبب شـد که دیوان داوری ورزش (CAS) در کنار بخـش ویژه، یک شاخه دیگر را تشکیل دهد. بنابراین، برای نخستین بار در تاریخ بازی‌های المپیک، دادگاه بدوی[1] مربوط به دوپینگ با عنوان شاخه ضد دوپینـگ CAS[2] تشکیـل شد. این دادگاه به طور مستقیم موضوعـات دوپینگی را بررسی می‌نماید و می‌تواند تعلیقات نظارتی وضع کند.

پیـش از ایـن، طبق ماده ۲۱ منشور المپیک، ریاست دادگـاه AHD در بازی‌های المپیک حق داشت که یک کمیسیون انضباطی[3] تشکیل دهد که به موضوعات دوپینگی در بازی‌های المپیک بپردازد و توصیه‌های لازم را به هیئت تخصصی کمیته بین المللی المپیک ارائه دهد.(McLaren, Cowper, 2010 ,P:75 , 102) .

رابطه بخش ویژه با سایر نهادهای بین المللی ورزش

دیـوان داوری ورزش (CAS) کـه هسته اصلی قضاوت درباره اختلاف‌های بیـن المللی ورزشی را تشکیل می‌دهد، بر مبنای اصول منشور المپیک و کمیته بین المللی المپیک تاسیس شده است. درخواست جهت ارجاع پرونده‌هـای ورزشکاران در بازی‌های المپیک یا مسابقات بین المللی در فـرم ورودی ورزشکاران به بازی‌های المپیک و مسابقات جهانی و همچنین در مقررات سازمان‌های ورزشی ذکر شده است. در ماده ۳ قوانین بخش ویـژه آمـده است که ICAS مسئول انتخاب قضات است. مقر بخـش ویژه لوزان سوییس است ولی مسئولیت تعیین محل دفتر بخش ویژه در مسابقات جهانی و المپیک نیز بر عهده CAS می‌باشد. از آن جا که بخش ویژه زیر مجموعه دیوان داوری ورزش است، فدراسیون‌های بین المللی ورزشی، کمیته‌های ملی المپیک و IOC که نمایندگانشان بخشی از اعضای CAS را تشکیل می‌دهند، با این مرجع حقوقی در ارتباط هستند.

در مسابقات المپیک ریو (۲۰۱٦ م.) ۲٦ مورد پرونده به بخش ویژه و ۸ مورد پرونده به شاخه ضد دوپینگ ارجـاع شـد. ریاست گروه قضاوت بر عهده مایکل لنارد[4] از کشور آمریکا و الن گراسی نورث فیلت[5] از کشور

1. First – instance authority
2. CAS Anti Doping Division (ADD)
3. Disciplinary Commission
4. Michael Lenard
5. Ellen Gracie Northfleet

برزیل بود(ADH report,2016). موارد بررسی شده توسط بخش ویژه در مسابقات المپیک ریو به طور خلاصه، طبق گزارش CAS به شرح زیر است :

۱- شناگران روسی Viladimir Morozov و Nikita Lobintsev

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی در روز ۳۱ جولای ۲۰۱۶ م. انجام شد. IOC این دو ورزشکار را پس از مشاوره با فدراسیون بین المللی شنا FINA و کارشناس حقوقی CAS واجد صلاحیت دانست. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۲۷ ساعت)

۲- IINUR Zakarin, IOC, ROC, UCI

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادخواست دوچرخه سوار روسی رد شد.(مدت زمان رسیدگی به پرونده ۵۲ ساعت)

۳- Yulia Efimova, ROC, IOC, FINA

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی دو بار در اول و چهارم آگوست ۲۰۱۶ انجام شد. از IOC درخواست شد تا صلاحیت شناگر روسی را بپذیرد و اجازه شرکت در مسابقات المپیک را به وی بدهد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۳۰ ساعت)

٤- Mangar Makur Chuot Chep, SSA, SSNOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

از آن جا که ورزشکار به موقع در بازی‌های مقدماتی شرکت نکرده بود، کمیته ملی المپیک سودان به ناچار ورزشکار دیگری را انتخاب نموده بود که دادخواست رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۸۳ ساعت)

۵- Victor Lebedev, IOC, ROC, UWW

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادخواست رد شد و کشتی گیر روسی واجد صلاحیت شناخته نشد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۵۰ ساعت)

٦- Jason Morgan , JAAA

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

ورزشکار پرتاب دیسک جامایییکایی از انتخاب نشدن برای بازی‌های المپیک اعتراض داشت. از آن جا که ۱۰ روز پیش از شروع مسابقات به وی اطلاع داده شده بود که نمی تواند در مسابقات حضور یابد، این اختلاف مرتبط با زمان پیش از بازی‌ها شناخته شده و دادرسی انجام نشد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۰٤ ساعت)

۷- RWF, IWF

موضوع: انضباطی

اعتراض فدراسیون وزنه برداری روسیه به فدراسیون بین المللی وزنه برداری در مورد عدم شرکت در مسابقات المپیک ریو، دادگاه به سبب نقض قوانین ضد دوپینگ و بی آبرو کردن ورزش وزنه برداری توسط این فدراسیون دادخواست این فدراسیون را رد کرد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۵۱ ساعت)

۸- Andrey Kraytor و فدراسیون بین المللی کانو

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

IOC با تجدید نظر پرونده ورزشکار به دادگاه اطلاع داد که ورزشکار می‌تواند در مسابقات شرکت کند. (مدت

زمان رسیدگی به پرونده ۷۹ ساعت)

۹- Daniil Andreinko و ۱۶ ورزشکار دیگر و فدراسیون بین المللی قایقرانی و IOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادگاه تشکیل و درخواست تجدید نظر ورزشکاران روسی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۲۵ ساعت)

۱۰- Ivan Balandin و فدراسیون بین المللی شنا

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادگاه تشکیل شد. از آن جا که نام ورزشکار در فهرست ورزشکاران دوپینگی روسیه درج شده بود، درخواست تجدید نظر وی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۵۰ ساعت)

۱۱- Anastasia Karabelshikova, Ivan Padshivalov, FISA, IOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

به سبب وجود سابقه دوپینگ و با وجود اتمام دوران محرومیت، درخواست هر دو ورزشکار رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۲۷ ساعت)

۱۲- Karen Pavicic و فدراسیون بین المللی اسب سواری

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادگاه تشکیل نشد. پاویسیچ اعتراض داشت که داور به عمد نمره بیشتری به سوارکار دیگر داده است تا امتیاز وی برای شرکت در مسابقات ریو کم شود. قاضی انحصاری درخواست وی را نپذیرفت، زیرا وی پیش از مراجعه به بخش ویژه به هیچ یک از مراجع قانونی داخلی مراجعه نکرده بود. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ٤ ساعت)

۱۳- Tjipekapora Herunga v. Namibian National Olympic Committee (NNOC)

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی انجام نشد. قاضی انحصاری رای داد که ۱۰ روز پیش از برگزاری مسابقات کمیته ملی المپیک نامیبیا به وی اطلاع داده است که نمی تواند در بازی‌های المپیک شرکت کند. بنابراین، این اختلاف به بخش ویژه مربوط نمی شود. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۷۰ ساعت)

۱٤- Daria Ustinova v. FINA, ROC & IOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی انجام شد. IOC به دادگاه اطلاع داد که ورزشکار می‌تواند در بازی‌ها شرکت کند. رای صادر و ابلاغ شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۹۷ ساعت)

۱۵- Tima Turieva and 3 other weightlifters v. International Weightlifting Federation (IWF) & IOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

درخواست وزنه برداران روسی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۲۹ ساعت)

۱٦- Kiril Sveshnikov and 2 other riders v. UCI & IOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی انجام نشد. دادخواست دوچرخه سواران روسی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۵۰ ساعت)

۱۷- Natalia Podolskaya & Alexander Dyachenko v. International Canoe Federation (ICF):

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی انجام شد و با توجه به مدارک فدراسیون بین المللی کانو، ورزشکار آلوده به دوپینگ شناخته شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۷۸ ساعت)

۱۸- Vanuatu Association of Sports and National Olympic Committee (VANASOC) & Vanuatu Beach Volleyball Association v. Fédération Internationale de Volleyball (FIVB) & Rio 2016 Organizing Committee

کمیته ملی المپیک و انجمن ورزش وانواتو و فدراسیون بین المللی والیبال و کمیته برگزاری مسابقات ریو

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

ورود ورزشکار دوپینگی به تیم ملی والیبال که دادرسی انجام نشد. درخواست رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۳ ساعت)

۱۹- Elena Aniushina & Alexey Korovashkov v. ICF & Russian Canoe Federation (RCF):

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

درخواست Elena مبنی بر اجازه شرکت در بازی‌ها پذیرفته شد، ولی دادخواست ورزشکار دیگر به دلیل وجود نام وی در فهرست ورزشکاران محروم روسیه، رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۲۸ ساعت)

۲۰- Czech Olympic Committee (COC) & Czech Cycling Federation (CCF) v. UCI

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی انجام شد. از آن جا که اختلاف تخصیص سهمیه مربوط به پیش از مسابقات بوده و قابل بررسی در بخش ویژه نبوده، دادخواست رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ٦٦ ساعت)

۲۱- Ihab Abdelrahman v. Egyptian National Anti-Doping Organization

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

نمونه آزمایش ورزشکار مصری حاوی تستوسترون بوده و قبل از مسابقات معلق شده است. وی هیچ اقدامی در جهت رفع تعلیق خود نکرده است و از آن جا که هیچ مدرکی دال بر نقص آزمایشگاهی یا استاندارد روش انجام آزمایش وجود ندارد، درخواست وی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۹۸ ساعت)

۲۲- Darya Klishina v. International Association of Athletics Federations (IAAF)

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرسی انجام شد. مدارک نشان داد که ورزشکار آزمایشات دوپینگ خود را در خارج از روسیه انجام داده است و می‌تواند در مسابقات المپیک ریو شرکت کند. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ٤٠ ساعت)

۲۳- World Anti-Doping Agency (WADA) v. Narsingh Yadav & National Anti-Doping Agency of India

موضوع: دوپینگ

دادرسی انجام گرفت. نتیجه آزمایش دوپینگ ورزشکار دو بار مثبت شده، اما وی در انجام آن دخیل نبوده است. موضوع بین المللی نبود ورای دادگاه مبنی بر ٤ سال تعلیق وی صادر شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۲۵ ساعت)

۲٤- CAS OG 16/26 Carvin Nkanata v. IO

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

ورزشکـــار نسبت به ممانعـــت از ورود وی به دهکده المپیک اعتراض کرد. دادگاه تشکیل شد و از آن جا که ورزشکار نتوانسته است ملیت کنیایی خود را ثابت کند دادخواست وی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۹ ساعت)

۲۵- Fédération Française de Natation (FFN), Aurélie Muller & Comité National Olympique et Sportif Français (CNOSF) v. FINA

موضوع: اختلاف در حین مسابقه

مولر در مسابقات شنای زنان در پایان مسابقه با فشار دست خود به شناگر ایتالیایی (راشل برونی) مانع از رسیدن وی بـــه خـــط پایان شده است. دادرسی انجام شد و از آن جا که مدرکی وجود نداشت، وی مقصر شناخته نشد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۵۳ ساعت)

۲۶- Behdad Salimi & National Olympic Committee of the Islamic Republic of Iran (NOCIRI) v. IWF

موضوع: اختلاف در حین مسابقه

وزنه بردار ایرانی بهداد سلیمی و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران نسبت به رای هیئت داوران اعتراض کردند. دادخواست وی رد شد، زیرا بخش ویژه CAS رای داوران را نهایی شمرد و آن را قابل بررسی و تجدید نظر در دادگاه ندانست. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۵۶ ساعت)

شاخه ضد دوپینگ (CAS Anti Doping Division (CAS)

۱- Pavel Sozykine & Russian Yachting Federation (RYF) v. World Sailing (WS) and IOC

موضوع: بررسی صلاحیت ورزشکار

دادرســـی انجام گرفت. موضوع مرتبط با زمان برگزاری مسابقات المپیک شناخته نشد و رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۲۹۱ ساعت)

۲- Tomasz Zielinsk

موضوع: دوپینگ

وزنه بردار وزن ۹۴ کیلوگرم قبل از مسابقات به دلیل مصرف ناندرولون تعلیق شده بود. درخواست وی رد شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۱۸ ساعت)

۳- IOC v. Kleber Da Silva Ramos

موضوع: دوپینگ

دوچرخه سوار برزیلی اقدام عامدانه خود در مصرف مواد ممنوعه را پذیرفت و دادخواست ارائه نکرد. دادگاه همـــه نتایـــج به دست آمده در بازی‌های المپیک ریو توسط وی را نا معتبر دانست و مدال وی پس گرفته شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۲۲۲ ساعت)

۴- IOC v. Silvia Danekova

موضوع: دوپینگ

ورزشکار بلغارستانی به دلیل مثبت بودن نتیجه آزمایش دوپینگ (B) از شرکت در مسابقات المپیک ریو محروم شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۷۴ ساعت)

۵- IOC v. Xinyi Chen
موضوع: دوپینگ
شناگر چینی به دلیل مصرف هیدروکلرتیازید، دوپینگی شناخته شد و صلاحیت شرکت در بازی‌های المپیک ریو را نیافت. (مدت زمان دادرسی ۱۷۱ ساعت)

۶- IOC v. Kleber Da Silva Ramos
موضوع: دوپینگ
(EPO CERA) ورزشکـــار از شرکـــت در بازی‌های المپیک ریو محروم شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۲۱۵ ساعت)

۷- IOC v. Izzat Artykov
موضوع: دوپینگ
آزتیکوف وزنه بردار وزن ۶۹ کیلوگرم به دلیل مصرف استریکنین دوپینگی شناخته شد و مدال برنز وی پس گرفته شد. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۱۳۷ ساعت)

۸- IOC v. Chagnaadorj Usukhbayar
موضوع: دوپینگ
اوسوخ بایار وزنه بردار ۵۶ کیلوگرم به دلیل مصرف تستوسترون دوپینگی شناخته شد و مقرر گردید که جوایز وی پس گرفته شود. (مدت زمان رسیدگی به پرونده ۴۳ ساعت)

نتیجه گیری

بخش‌های ویژه AHD و ADD با هدف حل اختلاف‌های ورزشی که در حین بازی‌های المپیک بروز می‌کنند، تشکیـــل شده است. ایـــن دادگاه در مسابقات کشورهای مشترک المنافع، مسابقات فوتبال جام اروپا و مسابقات جام جهانی فوتبال نیز تشکیل می‌شود. ورزشکاران همانند هیئت‌های ورزشی می‌توانند اطمینان داشته باشند که هر نوع اختلافی که در بخش ویژه مطرح می‌شود، تحت اصول زیربنایی عدالت و دادرسی منصفانه همراه با به کار گیری حقوق بین الملل ورزش بررسی خواهد شد. دیوان داوری ورزش سیر تحول و تکاملی خود را طی می‌کند. از زمان شروع فعالیت‌های خود به عنوان مرجع حقوقی در دنیای ورزش، با تاسیس ICAS به عنوان ناظر بـــر اقدامـــات این دادگاه و سپس بخش ویژه (AHD) جهت بررسی اختلاف‌های مطرح شده در حین برگزاری مسابقات المپیک و رویدادهای ورزشی بین المللی و سرانجام تاسیس دادگاه ضد دوپینگ (ADD)، توانسته است به اعتبار و شهرت خود در زمینه داوری در ورزش بیفزاید.

مراجعه موارد حقوقی مختلف در زمینه‌های گوناگون به CAS و بخش ویژه منجر به گسترش و تکامل تدریجی حقوق بین الملل ورزش شده است. روش دادرسی بخش ویژه در مدت زمان کوتاه، رایگان و با حضور قضات با تجربه و بی طرف الگویی برای قضاوت در حوزه حقوق بین الملل به شمار می‌رود که می‌تواند برای حکمیت در موارد اضطراری مورد استفاده قرار گیرد؛ به شکلی که قضاوت منصفانه قربانی تصمیم گیری سریع قضات نشود.

بدین ترتیب، تنوع موضوعات حقوقی و تعدد مسابقات بین المللی در دنیای ورزش سبب معرفی راهکارهایی کارآمـــد از جانـــب بخش ویژه خواهد شد که نه فقط به رشد و افزایش کیفیت کـــار دیوان داوری ورزش منجر می‌شود، بلکه می‌تواند مورد استفاده جامعه حقوق بین الملل قرار گیرد.

منابع

- ورزش سه. **باور نکردنی از ریو.** ۹۵/۶/۱ ، کد خبر : ۱۳۵۲۲۰۸ /٤٠
- همشهری آنلاین. **محرومیت روسیه از المپیک ریو.** ۳۰ تیر ۱۳۹۵ ، کد خبر : ۳٤٠٥٥١

- Kantoron Elizabeth. (2012). **"Performance – Enhanced Arbitration? The CAS Ad Hoc Division".** Herbert Smith Freehills LLP
- McLaren H. Richard. (2001). **"Introducing the CAS for Sport: The Ad Hoc Division at the Olympic Games".** Marquette Sport Law Review, Vol. 12, Issue 1, P: 515-542
- McLaren H. Richard, Cowper –Smith, Geoff. (2010). **"The Beijing Summer Olympic Games: Decisions from the CAS and IOC".** Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, Vol. 10, Issue 1 , 2010 ,p : 69-115.
- McLaren H. Richard. (2001). **"The Court of Arbitration for sport: An Independent Arena for World`s Disputes".** Valparaiso University Law Review, Vol. 35, No. 2, p: 379-405.
- Quirk, Iain. (2013). **"The Games of the XXX Olympiad in London, Ad Hoc Arbitrators".** Sport and the Law Journal, Vol. 20, Issue 2/3 , p: 44-52.
- Rigozzi, Antonio. (2006). **"Decisions Rendered by the CAS Ad Hoc Division at the Turin Winter Olympic Games".** Journal of International Arbitration, Vol 23, No. 5, p: 453 – 466.
- Tas – Cas.Org. (2016). **"General information / history".**
- Tas – Cas.Org. (2016). **"Report on Activities of the CAS Divisions at the Olympic Games Rio".**
- Yi H. Daniel. (2006). **"Turning medals into metals, evaluating the court of arbitration of sport as an international tribunal".** Yale Law School Papers, May, page: 2-64.

۵

مرور سیستماتیک مطالعات اعتیاد به کار

برانوش نیک بین[۱]
اکبر حسن پور[۲]
سعید جعفری نیا[۳]
حسین عباسیان[٤]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/٤/٦
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/٤/۱۲

با توجه به اهمیت کار در زندگی امروز و بروز عواقب ناشی از آن همچون اعتیاد به کار، از یک سو و با توجه به نبود توافق لازم در بین محققان مختلف در مورد مفهوم اعتیاد به کار از نظر ماهیت، پیشایندها و پیامدهای این مفهوم از سویی دیگر، هدف این تحقیق مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده پیرامون اعتیاد به کار می‌باشد. در این راستا با تکیه بر روش پریزما، بعد از شناسایی ۱۲۲ مقاله و غربال ٦۷ مقاله، ۵۵ مقاله جهت بررسی انتخاب شد. مطابق با نتایج حاصل می‌توان بر تئوری‌ها و رویکردهایی همچون: تئوری محافظت از منابع، تئوری خود تعیین گری، تئوری تمرکز نظارتی، تئوری اشتیاق، تئوری سرایت – توسعه و تئوری وضعیت خلقی به عنوان ورودی و قوانین توقف را از جمله مهم ترین تئوری‌های تبیین گر رابطه اعتیاد به کار با متغیرهای دیگر دانست. همچنین، نتایج گویای دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲) و اسکات و همکاران(۱۹۹۷) و محققانی همچون بورک و شوفلی به عنوان برجسته ترین دید گاه‌ها و صاحبنظران در زمینه اعتیاد به کار می‌باشد. در نهایت، مدلی فرایندی با تکیه بر پیشایندها و پیامدهای اعتیاد به کار ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اعتیاد به کار، مرور سیستماتیک و پریزما

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رفتاری، پردیس بین الملل تهران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Beranooshnikbin@yahoo.com

۲. استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳. استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
٤. استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

در طول دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، نگرانی هایی درباره افت ارزش کار و جایگزینی فعالیت‌های تفریحی با اخلاق کاری سنتی درجامعه غرب ایجاد شد و برای حل مسائل و مشکلات مطرح شده تلاش شد تا با ارائه تدابیری، درگیری و مشارکت کارکنان را در فعالیت‌های کاری افزایش داد. تا اینکه به دلیل افزایش علاقه افراطی بـــه کار کردن در افـــراد، پدیده اعتیاد به کار شکل گرفت (هارپاز و اسنیر، ۲۰۰۳). پدیده یاد شده که از ٤٠ سال پیش توجه عموم را به خود جلب نموده، نشانه عدم تعادلی بود که در زندگی کاری افراد ایجاد می‌شد و اغلب باعـــث ایجاد استرس و مشکلات جسمی و روانی برای آنان می‌شـــد (عزیز و ترونزو، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، می‌توان این گونه بیان نمود که در حال حاضر سازمان‌ها همه جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها را در بر گرفته است؛ سازمانی که باید ابزاری برای نیل انسان به اهدافش باشد، انسان را به ابزاری برای مقاصدش تبدیل کرده است. انسان، سازمان را خلق می‌کند تا به وی خدمت کند، اما پس از مدتی چنان شیفته و غرق در آن می‌شود که گویی خادم سازمان است. شرایط کاری در سازمان‌های امروز به گونه ای است که موجب می‌شود که افراد بخش اعظمی از انرژی و اوقات خود را به کار اختصاص دهند. این وضعیت می‌تواند پیامدهای مثبتی داشته باشد، اما در عین حال عوارض و پیامدهای منفی نیز خواهد داشت. از این رو، اخیرا تحقیقاتی در زمینه موضوع صرف میزان فراوانی از وقت خود به کار و امورات مرتبط با کار تحت عنوان مفهوم «اعتیاد به کار» شکل گرفته است. از طرف دیگر، زندگی کاری در طول ۱۰۰ سال گذشته دستخوش تغییرات شگرفی شده است. افزایش پیچیدگی کارها و رقابت جهانی، از هم پاشیدگی کلیت مفهوم کار به لحاظ زمانی و مکانی و در کنار همه این موارد، سرعت بالای نوآوری‌ها منجر به محیط‌های کاری شده که روز به روز تقاضاهای جدیدی در آن شکل گرفته و مطرح می‌شود (فـــرس ۲۰۰۸). عـــلاوه بر این، پیشرفت فناوری به کارکنان این امکان را می‌دهد که با بهره گیری از ارتباطات با سرعت بالا از طریق تلفن‌های همراه یا لپ تاپ در هر زمان و هر مکانی قادر به انجام کارشان باشند (وان بیک و همکاران ۲۰۱۲). به طور کلی، چنین تغییرات تکنولوژیکی، زمینه ساز تشویق کارکنان به کار کردن سخت و شدیـــد و در طـــی ساعت‌های طولانی تری خواهد بود (وان ویژه و همکـــاران ۲۰۱۱). در واقع، با وجود چنین شرایطـــی در محیـــط حاکم بر سازمان ها، امروزه کارکنان ساعات کاری زیادی را کار می‌کنند. همچنین، به نظر می‌رسد که فشارهای اقتصاد جهانی و رقابت فزاینده توام با آن، سازمان‌ها را تحریک به پاداش دهی به کارکنان در جهت سخت کار کردن به منظور عاملی در جهت موفقیت در مسیر شغلی شان می‌نماید (بلیر–لوی و جاکوبز، ۲۰۰۳؛ شابراک و کوپر، ۲۰۰۰). چنین پیشرفت‌ها و تغییراتی، کارکردن در ساعات طولانی را برای کارکنان فراهم تر می‌نماید.

در واقـــع، کار را می‌توان لازمه زندگی فردی قلمداد نمود که افراد مختلف به دلایل مختلفی انگیزه کار کردن می‌یابند– این انگیزه می‌تواند ناشی از عوامل درونی یا بیرونی باشد. اما مشکلی که در این زمینه وجود دارد این است که برخی از افراد وابستگی غیرمتعارفی به کارشان – نوعی دید مبتنی بر پرستش کارشان– پیدا می‌کنند و اعتقاد دارند این کار است که به آنها زندگی و یا مرگ را هدیه می‌دهد. در واقع، برخی اوقات اهمیت کار خیلی بالا رفته و به عنوان خدای فرد قرار می‌گیرد تا جایی که فرد بدون آن نمی تواند زندگی کند و به عبارتی، به کار اعتیاد پیدا می‌کند. اعتیاد به کار، اعتیادی است که برای فرد می‌تواند لذت بخش یا خسته کننده و دردسرساز باشد. عـــده ای ایـــن حالت را یک بیماری وسواس گونه قلمداد می‌کنند که در دسته اختلالات وسواسی قرار می‌گیرد.

مشکل این افراد این است که اعتقاد دارند اگر کار نکنند، دنیا بر سرشان خراب می‌شود. آنها لزوما عاشق کار خود نیستنـد، تعلق خاطر کاری ندارنـد و تلاشی برای رسیدن به مدارج بالاتر از خود نشان نمی دهند. اگر شخصی تصور کند که خودش تنها کسی است که می‌تواند این کار به خصوص را انجام دهد، به احتمال زیاد یک فرد معتاد بـه کار محسوب می‌شود (بورک، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر، در فضای کاری سازمان‌های مختلف کشور می‌توان دو حالـت عمـده را تصور کرد: یکی اینکه دائما شنیده می‌شود که مقایسه‌هایی در مورد میزان ساعات کار مفید کارکنان سازمان‌های مختلف کشور با سایر کشورها می‌شود و از پایین بودن ساعت کار مفید در سطح سازمان‌ها و شرکت‌های بویژه دولتی کشور انتقاد می‌گردد. از طرف دیگر، برخی از مشاغل همچون مشاغل مدیریتی شرایطی را برای متصدیان آنها فراهم می‌کند که علاوه بر انگیزه‌های مادی و پاداش‌های بیرونی، انگیزه‌های درونی نیز برای متصدیـان این قبیل مشاغل انگیزاننده است. براین اساس، ایـن افراد تمایل زیادی به سپری کردن بخش زیادی از ساعـات یـک روز را در سر کار دارند و به تدریج شرایط علی و زمینه ای کاری نیز در سازمان ها، فضایی را ایجاد می‌کند که برخی از کارکنان به سختی حاضر به جدایی از محیط کار و رفتن به محیط زندگی خانوادگی شان هستند. از طرف دیگر، یکی از پرکاربردترین مضامینی که می‌توان در مقالات مختلف مرتبط با اعتیاد به کار به آن اشاره شده، عدم توافق محققان مختلف نسبت به ماهیت، پیشایندها و پیامدهای اعتیاد به کار است. براین اساس، انجام تحقیقی با رویکرد مرور سیستماتیک به منظور روشنی بخشی هرچه بیشتر به شرایط حاکم بر حوزه تحقیقاتی مرتبط با این مفهوم الزامی است. تحقیق حاضر با رویکرد مطالعه ای سیستماتیک و با تکیه بر رویکرد پریزما به تشریح مهم ترین محورهای مرتبط با اعتیاد به کار که در مقالات مختلف مورد تاکید بیشتر قرار گرفته، پرداخته است.

رویکرد مورد استفاده در بررسی ادبیات تحقیق

به طور کلی در اوایل دهه ۱۹۹۰میلادی، گروهی از متخصصان شامل اپیدمیولوژیست‌ها و سردبیران مجله‌های پزشکـی، دستورالعمل هایـی را برای بهبود کیفیت گـزارش مقاله‌های پژوهشی بهداشتـی تدوین کردند. این دستورالعمل‌ها معمولا در قالب یک چک لیست، نمودار جریانی و یا یک متن صریح می‌باشند. دستورالعمل‌های گزارش نویسی، شامل عنوان‌های ضروری است که برای انجام یک پژوهش روشن و شفاف مورد استفاده قرار می‌گیرند و بر مسائلی که ممکن است سبب تورش در پژوهش شوند، تمرکز دارند. این دستورالعمل‌ها می‌توانند به عنوان ابزار نگارش مقالات با کیفیت لازم به نویسندگان کمک کنند. شکل اولیه پریزما را می‌توان در دستورالعمل کیفیت گزارش مقاله‌های فراتحلیل مشاهده کرد و بعد از آن در سال ۲۰۰۹ دستورالعمل کواروم به منظور بهبود بیشتـر در گـزارش نویسی مقالات با هدف فراتحلیل و مرورهای سیستماتیک، مـورد بازبینی قرار گرفت و به پریزما تغییر نام یافت (آثار و همکاران، ۱۳۹۵؛ صدیقی و همکاران، ۱۳۹٤). در این تحقیق نیز جهت مرور پیشینه موضـوع، از روش مـرور سیستماتیک پیشنهادی هایگینز و اس جی (۲۰۱۱) استفاده شده است. در این راستا با انتخاب کلیدواژه‌های اعتیاد به کار و workaholism و work addiction ، جستجو در پایگاه‌های فارسی و لاتین شامـل sid.ir، magiran، ensani.ir، noormags،Sciencedirect، emerald، sage، wiley انجام شد و با تکیه بر مراحل شناسایی منابع، غربال گری و انتخاب منابع مناسب در روش پریزما (صدیقی و همکاران، ۱۳۹٤؛ آثار و همکاران، ۱۳۹۵؛ هایگینز و اس جی ۲۰۱۱؛) در مجموع، ۹۷ مقاله فارسی و لاتین شناسایی و پس از غربال گری

۴۲ مقالــه، در نهایــت ۵۵ مقاله بر مبنای نمودار پریزما که در شکل ۱ نشان داده شده، انتخاب گردید. مهم ترین محورهای مقالات در جدول ۱ آورده شده و در ادامه مورد بحث و نقد و تلخیص قرار گرفته است.

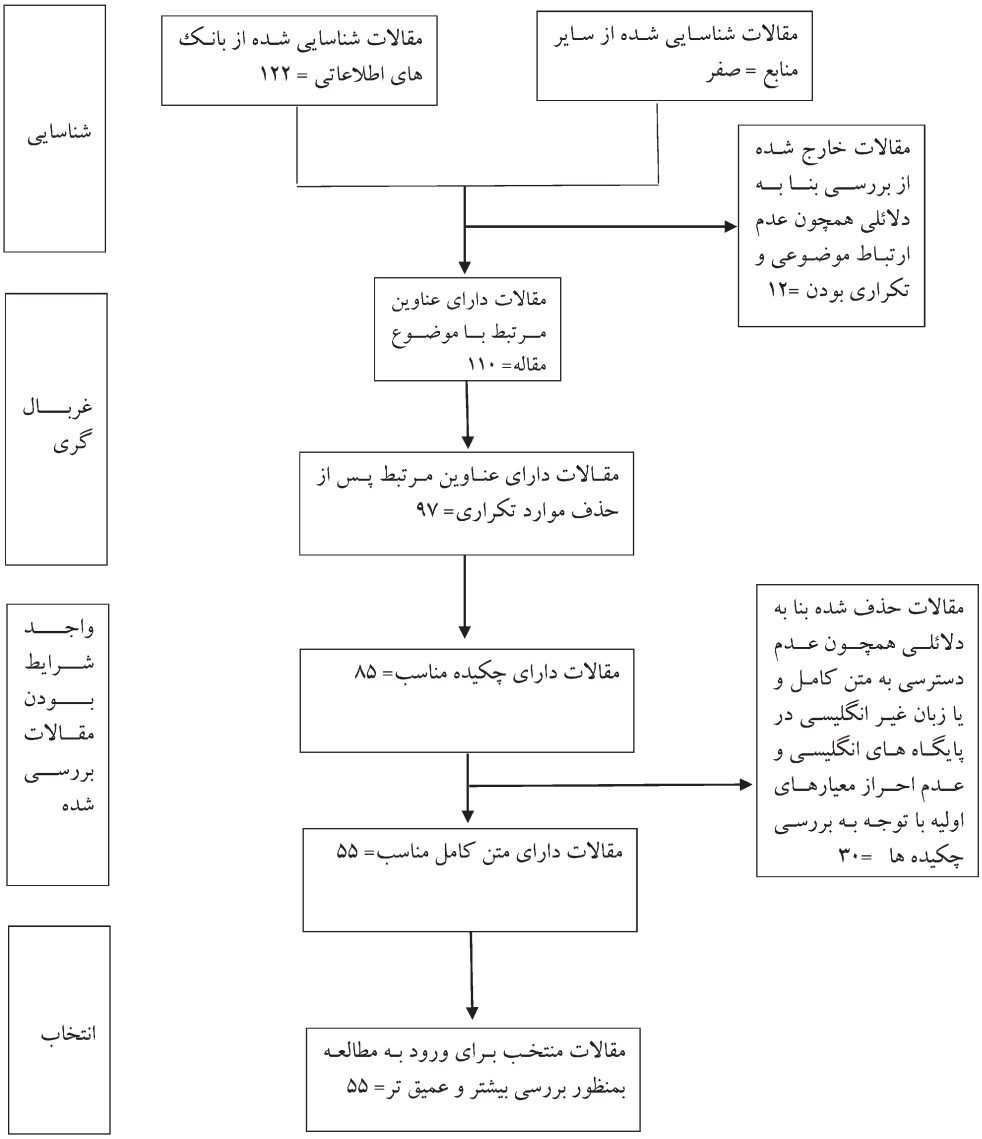

شکل ۱: نمودار جریانی پریزما برای مطالعه ادبیات موضوع

جدول ۱: مقالات انتخاب شده برای بررسی

عنوان پژوهش	پژوهشگر-سال- نوع تحقیق	ابزار اندازه گیری	جامعه آماری	حجم نمونه و روش نمونه گیری	روایی	پایایی	مولفه‌های اعتباد به کار	روش‌های تحلیل داده‌ها
مقالات فارسی								
نقش عوامل شخصیتی در شکل گیری اعتیاد به کار (مورد مطالعه: اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران)	پرویز احمدی،رضا طهماسبی، جبار باباشاهی،مهدی فتاحی (۱۳۸۹)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	اعضای هیات علمی دانشگاه تهران	۲۳۰ نفر- تصادفی-فرمول جامعه محدود	روایی محتوا و روایی عاملی	آلفای کرونباخ		آزمون همبستگی اسپیرمن با اس پی اس اس و مدل معادلات ساختاری با لیزرل
نتیجه	تایید رابطه معنادار ویژگی های شخصیتی همچون وظیفه شناسی ، برون گرایی و گشودگی، با اعتیاد به کار عدم تایید رابطه معنادار بین ابعاد شخصیتی روان رنجوری و سازگاری با اعتیاد به کار							
مطالعه رابطه بین اعتیاد به کار و رفتار شهروندی سازمانی (مورد مطالعه: پرستاران شهر تهران)	احمدعلی خائف الهی، عباس نرگسیان، جبار باباشاهی (۱۳۹۱)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	پرستاران شاغل در بیمارستان‌های شهر تهران	۳۶۰نفر- تصادفی ساده – حدول مورگان	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن باکار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی اسپیرمن با اس پی اس اس و مدل معادلات ساختاری با لیزرل
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار و ابعاد آن یعنی عجین شدن با شغل، تمایل درونی به کار و لذت ازکار با رفتار شهروندی سازمانی							
ارتباط بین مؤلفه‌های رهبری امنیت مدار و امنیت روانی با ابعاد اعتیاد به کار: دیدگاه کارکنان دانشگاه ارومیه	محمد حسنی، مریم شهودی (۱۳۹۲)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	تمامی کارکنان دانشگاه ارومیه به استثنای کارکنان حراست و خدمات	۲۱۴نفر- جدول مورگان	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن باکار، احساس اشتیاق به کار، لذت از کار	تحلیل مانوا، تحلیل رگرسیون چندگانه و رگرسیون خطی با اس
نتیجه	تایید رابطه معنادار رهبری امنیت مدار و امنیت روانی با اعتیاد به کار							
بررسی رابطه اعتیاد به کار با ابعاد سلامت عمومی در کارکنان یک شرکت صنعتی در اصفهان	آزاده عسگری، ابوالقاسم نوری (۱۳۹۰)- کمی	آزمون خطر اعتیاد به کار یا WART توسط رابینسون در سال ۱۹۹۶	کارکنان یک شرکت خدماتی در استان اصفهان	۱۰۰ نفر- فرمول کوکران	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ		همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه مثبت اعتیاد به کار با افزایش اضطراب ، افسردگی، علایم جسمی و در مجموع کاهش سلامت عمومی							
ارتباط بین اعتیاد به کار و کیفیت زندگی کاری استادان تربیت بدنی دانشگاه‌های ایران	غلامرضا شعبانی بهار، علی تلخابی (۱۳۹۰)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	استادان تربیت بدنی دانشگاههای تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۶۳نفر- تصادفی ساده- کرجسی و مورگان	روایی صوری	آلفای کرونباخ		همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با کیفیت زندگی کاری استادان							
بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی افراد و اعتیاد به کار کارکنان یک سازمان دولتی	ناصر پورصادق، اصغر جهانگیر، سعید بروشکی (۱۳۹۰)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کارکنان یک سازمان دولتی	۸۸ نفر- جدول مورگان	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ		همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس

نتیجه	تایید رابطه معنادار بین بین ویژگی های شخصیتی (خود باوری، خود شیفتگی و کانون کنترل) کارکنان و اعتیاد به کار آنها							
تاثیر اعتیاد به کار و کمال گرایی بر استرس زناشویی و مهارت‌های اجتماعی پرستاران	مسلم عباسی، شهریار درگاهی، محمدرضا رحمتی، مریم محمدی، ذبیح پیرانی (۱۳۹۶)- کمی	پرسشنامه خطر ابتلا به اعتیاد به کار توسط راینسون در سال ۱۹۹۹	تمام پرستاران بیمارستان ها، کلینیک‌ها و مطب‌های شهر اراک	۲۲۰ نفر- نمونه گیری خوشه ای	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	تمایل وسواسی به کار، کنترل، تخریب روابط و جذب در خود، ضعف در به عهده گرفتن نقش‌های خود، خود ارزشی	همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه معنادار کمال گرایی خویشتن مدار، کمال گرایی دیگر مدار، کمال گرایی کلی، تمایل وسواسی به کار، کنترل، خودارزشی و متغیر اعتیاد به کار کلی با مهارت‌های اجتماعی پرستاران							
اعتیاد به کار چالش جدید مدیریت منابع انسانی سازمان ها	آرین قلی پور، عباس نرگسیان، رضا طهماسبی (۱۳۸۷)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	پرشکان زن و مرد شاغل در بیمارستان‌های تهران	۴۹۳نفر- تصادفی ساده- فرمول جامعه نامحدود	اعتبار سازه با نظرات متخصصان و اعتبار عاملی با لیزرل	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون اسپیرمن برای آزمون همبستگی بین متغیرها و مدل معادلات ساختاری برای روابط علی
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با ویژگی‌های شخصیتی							
بررسی رابطه بین اعتیاد به کار و تعهد سازمانی	غلامرضا عنایتی، غلام عباس شکاری، رضا طهماسبی، حسن غفاری، مهدی شعبانی (۱۳۹۱)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کارکنان و مدیران اداره آموزش و پرورش شهرستان کاشمر	۸۶نفر- فرمول جامعه محدود	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون رتبه ای اسپیرمن برای آزمون همبستگی بین متغیرها
نتیجه	تایید رابطه معنادر اعتیاد به کار و ابعاد آن با تعهد سازمانی							
بررسی تاثیر اعتیاد به کار در بهره وری نیروی انسانی با تعدیل گری سرمایه فکری کارکنان دانشگاه لرستان	سعید فرح بخش،طاهره محمدی (۱۳۹٤)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	تمامی کارکنان دانشگاه لرستان	۲۰۱ نفر- نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبی- جدول کرجسی و مورگان	اشاره نشده	اشاره نشده	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی پیرسون با اس پی اس اس و مدل معادلات ساختاری با لیزرل
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار و بهره وری منابع انسانی و نقش سرمایه فکری در تشدید این رابطه							
بررسی رابطه بین معنویت سازمانی و اعتیاد به کار در پرستاران بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد	روح الله عسگری، مرتضی دولتیان، راضیه منتظر الفرج، حسین فلاح زاده (۱۳۹٤)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کلیه پرستاران بیمارستان های آموزشی شهر یزد	۱۷۰نفر- طبقه ای متناسب	اشاره نشده	اشاره نشده	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار و معنویت سازمانی							
بررسی تأثیر فرسودگی شغلی و اعتیاد به کار بر تعهد سازمانی	عبدالعلی کشته گر، مهتا جود زاده، مرضیه فردین، مهین راشکی قلعه نو (۱۳۹۳)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	پرستاران بیمارستان شهرستان زهک	۱۳۱نفر- جدول مورگان	اشاره به کاربرد در تحقیقات قبل	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	تحلیل مسیر با لیزرل

نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با تعهد عاطفی و هنجاری و عدم رابطه معنادار با تعهد مستمر و عدم رابطه معنادار فرسودگی شغلی با تعهد سازمانی							
تبیین رابطه اعتیاد به کار با کیفیت زندگی کاری معلمان ابتدایی کهنوج	فرامرز سابقی، اسحاق رئیسی آهوان (۱۳۹۳)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کلیه معلمان دوره ابتدایی شهر کهنوج	۳۰۰نفر- تصادفی- کوکران	روایی روایی صوری با تایید اساتید دانشکده	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با کیفیت زندگی کاری معلمان							
رابطه اعتیاد به کار با تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی	ناصر ناستی زایی، حسین جنا آبادی، فاطمه رخشانی مهر (۱۳۹٤)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کلیه دبیران مدارس متوسطه شهر زاهدان	۳۰۰نفر- تصادفی خوشه ای و طبقه ای متناسب- فرمول کوکران	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	ضریب همبستگی پیرسون ورگرسیون چندگانه
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار و مولفه‌های آن هم با تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی							
الگویابی تاثیر کیفیت زندگی کاری بر اعتیاد به کار اعضای هیات علمی دانشگاه	حسین جنا آبادی، بهاره عزیزی نژاد (۱۳۸۷)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	اعضای هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان	۳۵۰نفر-تصادفی ساده و جدول مورگان	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	مدل معادلات ساختاری با لیزرل
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین کیفیت زندگی کاری و اعتیاد به کار							
تأثیر حمایت اجتماعی بر رفاه کارکنان با میانجی گری اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری	احمد عیسی خانی و لاله برازنده (۱۳۹۵)-کمی	پرسشنامه ۱۰ گویه ای دی لیبانو و همکاران(۲۰۱۰)	سازمان ملی استاندرد	۲۰۰نفر- با فرمول حجم نمونه بین پنج برابر تعداد سوالات و پانزده برابر تعداد سوالات	روایی محتوا با تحلیل عاملی تاییدی و روایی همگرا با AVE	آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی		ضریب همبستگی پیرسون با اس پی و معادلات ساختاری با لیزرل
نتیجه	تایید تاثیر منفی اعتیاد به کار بر رضایت شغلی و تاثیر مثبت آن بر استرس درک شده و اختلالات خواب و تاثیر مثبت تعلق خاطر کاری بر رضایت شغلی و تاثیر منفی آن بر استرس درک شده و اختلالات خواب							
بررسی رابطه رضایت از زندگی و فرسودگی شغلی با توجه به نقش تعدیل گر رهبری تحول آفرین و اعتیاد به کار	امین زارع، سعید سپهری، سید عبدالرسول حسینی (۱۳۹۵)-کمی		زنان شاغل فرهنگی در آموزش و پرورش منطقه ۳ شهر شیراز	۱۲۲نفر- فرمول جامعه محدود کوکران	روایی همگرا و روایی تشخیصی	پایایی ترکیبی		مدل معادلات ساختاری با پی ال اس
نتیجه	تایید تاثیر مثبت اعتیاد به کار بر رابطه بین رضایت از زندگی و فرسودگی شغلی							
اعتیاد به کار: بستری برای تقویت رفتارهای شهروند سازمانی یا پدیده ای منفی برای سازمان‌های دولتی	علی رضائیان، مجتبی غریبی، الهام عرفانی آداب (۱۳۹۲)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کلیه کادر درمانی بیمارستان شهید بهشتی کاشان	۲۳۰نفر- تصادفی ساده	روایی محتوا و صوری با نظرات متخصصان	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی رتبه ای اسپیرمن و مدل معادلات ساختاری با لیزرل

نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با رفتار شهروندی سازمانی							
همبستگی اعتیاد به کار با تنش شغلی و فرسودگی شغلی پرستاران	حسین جنا آبادی، محمودرضا امیری، پرویز رضا میر لطفی (۱۳۹۶)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	پرستاران شاغل در بیمارستانهای آموزشی شهر زاهدان	۳۵۰نفر-فرمول کوکران- تصادفی طبقه ای	روایی محتوا با تکیه به تحقیقات قبلی	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی و رگرسیون
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با تنش شغلی و فرسودگی شغلی							
بررسی رابطه اعتیاد به کار و مولفه‌های بهره وری نیروی انسانی در بین کارکنان ستادی ادارات آموزش و پرورش شهر اصفهان	عالیه شفیعی، سعید رجائی پور، حمیدرضا عریضی (۱۳۹٤)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کلیه کارکنان ستادی ادارات آموزش و پرورش شهر اصفهان	۲۰۲۰نفر- جدول مورگان- تصادفی طبقه ای متناسب	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	ضریب همبستگی پیرسون
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار با مولفه‌های بهره وری منابع انسانی به جز مولفه سازگاری محیطی							
بررسی رابطه بین اعتیاد به کار با ویژگی‌های رفتاری قضاوت و وکلای دادگستری استان تهران	غلامرضا طالقانی،عباس نرگسیان،محمد جعفر زرین نگار، جواد نرگسیان (۱۳۹۱)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	وگلا و قضات شاغل در دادگستری استان تهران	۳٦۰نفر- تصادفی ساده	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی رتبه ای اسپیرمن و تحلیل رگرسیون
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار قضات و وکلا با ویژگی‌های رفتاری آنها و رابطه معنادار تحلیل رفتگی و تعهد سازمانی با اعتیاد به کار							
تعیین رابطه بین اعتیاد به کار و تحلیل رفتگی شغلی دبیران تربی تبدنی شهر کرمانشاه	غلامرضا شعبانی بهار و زینب محمودیان (۱۳۹۱)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	دبیران تربیت بدنی شهر کرمانشاه	۹۰نفر- جدول مورگان- تصادفی ساده	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با تحلیل رفتگی شغلی دبیران تربیت بدنی							
رابطه بین اعتیاد به کار و تعهد سازمانی در بین کارکنان دانشگاه علوم انتظامی امین	مریم پسنده، رضوان نوری علویجه، فاطمه نوری علویجه(۱۳۹۲)		کلیه کارکنان دانشگاه علوم انتظامی امین	۱۸۱نفر- جدول مورگان- تصادفی ساده	روایی عاملی با آزمون KMO و بارتلت	آلفای کرونباخ		ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار و تعهد سازمانی در بین کار کنان دانشگاه علوم انتظامی							
تعیین رابطه بین اعتیاد به کار و کیفیت زندگی دبیران زن تربیت بدنی شهر کرمانشاه : با تاکید بر مدل مفهومی وار و شربورن	غلامرضا شعبانی بهار، ابوالفضل فراهانی، حمیده لطفی (۱۳۹۱)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	معلمان زن تربیت بدنی دوره متوسطه شهر کرمانشاه	۸۰نفر- جدول مورگان- تصادفی ساده	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن

نتیجه	تایید رابطه معکوس معنی داری قوی بین اعتیاد به کار و کیفیت زندگی دبیران							
تأثیر کارشیفتگی (اعتیاد به کار) بر اخلاق حرفه ای	علی بابائیان، حسین علیزاده، کوروش عزیزی (۱۳۹۵)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کارکنان فرماندهی انتظامی استان قزوین	۱۵۱نفر- فرمول کوکران- تصادفی ساده	روایی سازه و روایی تشخیصی	پایایی ترکیبی	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	مدل معادلات ساختاری با پی ال اس
نتیجه	تایید تاثیر کارشیفتگی بر اخلاق حرفه ای							
بررسی رابطه اعتیاد به کار و سکوت سازمانی با فرسودگی شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران	فاطمه عرب، مجتبی رضایی راد، کامبیز اسماعیل نیا (۱۳۹٤)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران	۳۰۲نفر- جدول کرجسی ومورگان- تصادفی طبقه ای	روایی محتوا و روایی صوری	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون
نتیجه	تایید رابطه معنادار منفی بین اعتیاد به کار و فرسودگی شغلی کارکنان							
طراحی و آزمون الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم اعتیاد به کار در کارکنان شرکت گاز	عبدالزهرانعامی، نسرین ارشدی، زهرا خادم دزفولی، مهدی رضایی منش (۱۳۹۲)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	تمامی کارکنان رسمی شرکت گاز اهواز	۲۲۰نفر- تصادفی ساده	اشاره به اعتبار در تحقیقات قبل	اشاره به اعتبار در تحقیقات قبل	دلبستگی به کار، احساس کشش و اجبار در کار، لذت در کار	مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تایید رابطه مثبت بین برون گرایی و بعد مثبت اعتیاد به کار، رابطه مثبت بین وجدانی بودن و بعد مثبت اعتیاد به کار، رابطه مثبت و معنادار بین وجدانی بودن و بعد منفی اعتیاد به کار، رابطه منفی و معنادار بین فشار کار و بعد مثبت اعتیاد به کار، رابطه مثبت و معنادار بین فشار کار و بعد منفی اعتیاد به کار، رابطه مثبت و معنی دار بین حمایت سرپرست و بعد مثبت اعتیاد به کار، رابطه مثبت و معنی دار بین خشنودی شغلی و بعد مثبت اعتیاد به کار،							
	مقالات خارجی							
تاثیر تعلق خاطر و اعتیاد به کار بر رفاه کارکنان	جیسنس و همکاران(۲۰۱٤)- کمی	پرسشنامه دل لیبانو و همکاران (۲۰۱۰)	دانشجویان دکترای یک دانشگاه در بلژیک	٤۲۵ نفر- روش اشاره نشده	روایی محتوا و روایی عاملی	آلفای کرونباخ	شامل ابعاد کار اجباری و کاربیش از حد و وسواسی	مدل معادلات ساختاری
نتیجه	تایید تاثیر واسطه ای اعتیاد به کار بر رابطه بین حمایت ادراک شده از سوی همکار و رضایت شغلی، استرس ادراک شده و مشکلات خواب							
اعتیاد به کار در سازمان ها: نقش ارزش های سازمانی	بورک (۲۰۰۱)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	فارغ التحصیلان رشته ام بی ای در کاناد	۵۳۰ نفر- تصادفی از روی لیست فارغ التحصیلان-	اشاره نشده	اشاره نشده	عجین شدن باکار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی
نتیجه	تایید بیشتر بودن ارزش های سازمانی حمایت کننده از عدم تعادل کار-زندگی در بین افراد معتاد به کار نسبت به افراد غیر معتاد به کار							
تاثیر اعتیاد به کار بر رضایت در بین مدیران در آمریکا	لوی (۲۰۱۵)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	فارغ التحصیلان زن رشته ام بی ای شاغل در آمریکا	۳۵۰ نفر- روش اشاره نشده	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	عجین شدن باکار، احساس اشتیاق به کار، لذت از کار	تحلیل رگرسیون چندگانه

نتیجه	تایید تبین بخش معناداری از واریانس رضایت شغلی و حرفه ای توسط اعتیاد به کار، تایید تعدیلگری حمایت اجتماعی در رابطه بین رضایت شغلی و اعتیاد به کار							
رابطه کار و سلامتی	شهناز عزیز و همکاران (۲۰۱۷)- کمی	آزمون ریسک اعتیاد به کار یا WART توسط رابینسون در سال ۱۹۹۶	کارکنان شاغل در مشاغل سازمانی منطقه جنوب شرق آمریکا	۱۹٤ نفر- روش اشاره نشده	اشاره نشده	اشاره نشده	تمایل وسواسی به کار، کنترل، تخریب روابط و جذب در خود، ضعف در به عهده گرفتن نقش‌های خود، خود ارزشی	همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با سابقه بیماری‌های متابولیسم خانواده							
از اعتیاد به کار تا فرسودگی: سرمایه روانشناختی به عنوان میانجی	موبر و همکاران(۲۰۱۷)- کمی	پرسشنامه عزیز و همکاران (۲۰۱۳)	کارکنان و اعضای هیات علمی دانشگاه جنوب شرقی آمریکا	٤۰۰نفر- ارسال ایمیل با نرم افزار listserve	اشاره شنده	آلفای کرونباخ		همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه منفی اعتیاد به کار با سرمایه روانشناختی و رابطه مثبت اعتیاد به کار با فرسودگی							
تعلق خاطر در برابر اعتیاد به کار: تست مدل گسترش- تقاطع	باکر و همکاران (۲۰۱۳)-کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۹)	زوج‌های ژاپنی داری فرزند پیش دبستان	۳۹۸ نفر- اشاره نشده	اشاره نشده	آلفای کرونباخ		مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تایید رابطه معنادار تعلق خاطر کاری با تسهیل رابطه کار- خانواده و رابطه معنادار اعتیاد به کار با تضاد رابطه کار – خانواده							
رابطه اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری با عمکلرد کارآفرینی	گرجیوسکی و همکاران (۲۰۱٤)- کمی	پرسشنامه DUWAS لیبانو و همکاران (۲۰۱۰)	کارآفرینان اسپانیا	۱۸۰ نفر- روش گلوله برفی	روایی واگرا همگرا با AVE	پایایی ترکیبی		مدل معادلات ساختاری با پی ال اس
نتیجه	تایید بر وجود دو راه متفاوت برای اثرگذاری بر عملکرد از طریق تعلق خاطر کاری و اعتیاد به کار بصورت مثبت و منفی							
اعتیاد به کار و سلامت: پیشنهاداتی برای سازمان ها	مک میلان و همکاران (۲۰۰٤)- کمی	پرسشنامه WorkBAT مک میلان و همکاران (۲۰۰۲)	کارکنان پنج سازمان در نیوزلند	٤۲۱ نفر- اشاره نشده	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	دوبعدشامل : تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی
نتیجه	تاکید بر عدم تاثیر آن چنان مضر اعتیاد به کار بر روی سلامتی و رفاه کارکنان در مقایسه با دیدگاه موجود مبنی بر مضر بودن مطلق اعتیاد به کار							
اعتیاد به کار، زندگی سازمانی و رفاه سازمانی در بین پرستاران نروژی	بورک و همکاران(۲۰۰٦)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	پرستاران پنج مرکز در نروژ	٤۹٦نفر- روش اشاره نشده	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی
نتیجه	تایید رابطه معنادار ابعاد پنج گانه شخصیتی، اعتیاد به کار با رضایت شغلی و فرسودگی							
اعتیاد به کار، استرس، عدم تعادل کار و زندگی؛ نقش جنسیت	شهناز عزیز و جانینگام (۲۰۰۸)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کارکنان حرفه ای تمام وقت شاغل در شرکت‌های مشاوره ای، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های چنوب شرقی آمریکا	۱۹۹ نفر- به طور مشخص اشاره نشده و لی هدفمند می‌باشد	اشاره به تایید روایی در تحقیقات قبلی	اشاره نشده	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	آزمون همبستگی

نتیجه	تایید رابطه تنش شغلی و عدم تعادل کار و زندگی با اعتیاد به کار بدون توجه به متغیر جنسیت							
خودکارآمدی و اعتیاد به کار به عنوان پیشایندهای مدل تقاضاها و منابع شغلی	جاگلیلمی و همکاران(۲۰۱۲)- کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۹)	مدیران مدارس	۲۲٤ نفر- اشاره نشده	اشاره نشده	آلفای کرنباخ		مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تاکید بر نقش واسطه ای تقاضاهای شغلی در رابطه بین اعتیاد به کار و فرسودگی و نقش واسطه ای منابع شغلی در رابطه بین تعلق خودکارآمدی و تعلق خاطر کاری و فرسودگی							
اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری با تاکید بر نقش وضعیت خلقی و قوانین متوقف کننده	وایژ و همکاران(۲۰۱۱)- کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۸)	کارکنانی از چند سازمان و شرکت	۱۷۳ نفر- اشاره نشده	اشاره به کاربرد در تحقیقات قبل	آلفای کرونباخ	شامل ابعاد کار اجباری و کاربیش از حد و وسواسی	مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با وضعیت خلقی منفی و استفاده افراد معتاد به کار از قانون توقف کافی بودن برای توقف فعالیت و کار							
اعتیادبه کار، کار و رضایت شغلی بیش از حد و رفاه روانشناختی در بین اساتید ترکیه ای	بورک و همکاران (۲۰۰۸)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	اعضای هیات علمی در هفت منطقه ترکیه	٤۰٦ نفر- اشاره نشده	اشاره به کاربرد در تحقیقات قبل	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی با اس پی اس اس
نتیجه	تایید رابطه معنادار دو جزء اعتیاد به کار یعنی تمایل درونی به کار و لذت از کار با رفتارهای شغلی و رابطه معنادار لذت از کار با رفاه روانی							
رابطه بین اعتیاد به کار و رفتارهای پرخاشگرانه کاری	بالدوک و همکاران (۲۰۱۲)-کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۸)	دو موردشامل: یک سازمان بهداشتی در شمال ایتالیا و یک سازمان حفاظت از محیط زیست در مرکز ایتالیا	۵۷٤ نفر و ۲۸۲ نفر- روش اشاره نشده	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	شامل ابعاد کار اجباری و کاربیش از حد و وسواسی	تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با رفتارهای پرخاشگرانه و حالت عاطفی مرتبط با شغل							
همبستههای شخصیتی با اعتیاد به کار	بورک و همکاران (۲۰۰٦)-کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	پنج مرکز مراقبت پرستاری	٤۹٦ نفر-نمونه ناهمگن از پنج بخش ولی روش نمونه گیری اشاره نشده و ارسال ۱۰۲۲ پرسشنامه از طریق ایمیل شرکتی	اشاره نشده	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی
نتیجه	تایید رابطه معنادار خودکارآمدی کلی با هر سه مولفه اعتیاد به کار، رابطه معنادار برون گرایی با عجین شدن با کار و لذت از کار							
شخصیت و اعتیاد به کار	جکسون و همکاران (۲۰۱٦)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	سازمان ملی استاندرد	٤٦٤ نفر برای مطالعه اول و ۱۰۵ نفر از آمریکا – گردآوری اینترنتی داده‌ها	اشاره نشده	آلفای کرونباخ		ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون

نتیجه	تاکید بر عدم ارتباط اعتیاد به کار با شخصیت توام با اعتیاد و ارتباط رویکرد دستیابی با لذت از کار و ارتباط رویکرد اجتناب با تمایل درونی به کار در کارکنان تمام وقت							
محیط رقابتی و اعتیاد به کار؛ ابعاد منفی آینده محوری	کلر و همکاران (۲۰۱۶)-کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۸)	کارکنانی از بخش خصوصی آلمان	۸۱۲ نفر- توزیع اینترنتی پرسشنامه‌ها	اشاره نشده	آلفای کرونباخ		تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی
نتیجه	تایید تاثیر معنادار فضای رقابتی بر اعتیاد به کار و تشدید این رابطه با لحاظ کردن عامل آینده نگری							
فرسودگی، تعلق خاطر کاری و اعتیاد به کار	اینانن و همکاران (۲۰۱۴)-کمی	چهار سوال از پرسشنامه ریسک اعتیاد به کار(WART) رابینسون ۱۹۹۹	دانشجویان فنلاندی	۲۹۲ نفر- روش اشاره نشده	روایی سازه، روایی همگرا و روایی واگرا	آلفای کرونباخ		تحلیل رگرسیون لجستیک
نتیجه	تاکید بر سطح تجربه بالای انرژی و مجذوب شدن در کار در افراد دارای سطح بالای تعلق خاطر کاری و سطح تجربه بالای بدبینی و خستگی در افراد دارای سطح بالای اعتیاد به کار							
کافی، کافی است؛ پیشایندهای شناختی اعتیاد به کار	وایژ و همکاران (۲۰۱۴)-کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۹)	کارکنان یک دانشگاه در هلند	۱۹۱ نفر-توزیع اینترنتی در دو مرحله به فاصله شش ماه- روش اشاره نشده	روایی سازه با تحلیل عاملی	آلفای کرونباخ	شامل ابعاد کار اجباری و کاربیش از حد و وسواسی	مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تاکید بر نقش قابل اهمیت پیشایندهای شناختی در جلوگیری از اعتیاد به کار و خستگی							
اعتیاد به کار، سلامتی و پذیرش خویشتن	چمبرلن و ژانگ (۲۰۰۹)-کمی	پرسشنامه ریسک اعتیاد به کار رابینسون (۱۹۹۹)	دانشجویان دانشگاه midwestern	۲۷۹ نفر- نمونه گیری تصادفی	روایی همگرا و اشاره به اثبات روایی در تحقیقات قبلی	آلفای کرونباخ		ضریب همبستگی پیرسون
نتیجه	تایید رابطه معنادار بین اعتیاد به کار والدین و دانشجویان و تایید رابطه اعتیاد به کار، پذیرش خویشتن و رفاه روانشناختی							
اعتیاد به کار، تعلق خاطر کاری و پیامدهای کار- خانواده	کلارک و همکاران (۲۰۱۳)-کمی	پرسشنامه ریسک اعتیاد به کار رابینسون (۱۹۹۹)	دانشجویان مدیریت و روانشناسی یک دانشگاه در جنوب شرقی آمریکا	۳۴۰ نفر- گلوله برفی	اشاره اثبات روایی در تحقیقات قبلی	اشاره اثبات پایایی در تحقیقات قبلی و آلفای کرونباخ		تحلیل مسیر با ام پلاس ورژن ۶
نتیجه	تاکیر بر نقش واسطه ای احساسات منفی در رابطه بین اعتیاد به کار و تضاد کار و زندگی و نقش واسطه ای احساسات مثبت در رابطه بین تعلق خاطر کاری و تسهیل کار و زندگی							
اعتیاد به کار، فرسودگی و تعلق خاطر کاری	شوفلی و همکاران (۲۰۰۸)-کمی	بعد کار اجباری از پرسشنامه ریسک اعتیاد به کار رابینسون ۱۹۹۹ و تمایل درونی به کار از پرسشنامه اسپنس و رابینز ۱۹۹۲	مدیران میانی یک شرکت فناوری در هلند	۵۸۷ نفر- روش اشاره نشده	روایی واگرا	آلفای کرونباخ	کار اجباری و تمایل درونی به کار	مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تاکید بر تمایز سه حوزه اعتیاد به کار، تعلق خاطر کاری و فرسودگی از همدیگر							
اعتیاد به کار و پیامدهای بالقوه در رفاه و سلامت	اندرسون و همکاران (۲۰۱۰)- کمی	پرسشنامه اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)	کارکنان نروژی از پنج صنعت مختلف	۶۶۱ نفر- توزیع اینترنتی –روش اشاره نشده	اشاره به تحقیقات قبلی	آلفای کرونباخ	عجین شدن با کار، تمایل درونی در کار، لذت از کار	تحلیل رگرسیون با نرم افزار استاتا

نتیجه	تایید رابطه مثبت لذت از کار با رضایت شغلی و رضایت از زندگی و رابطه منفی آن با علائم سلامتی ضعیف؛ و رابطه مثبت عجین شدن با کار و تمایل درونی به کار با رضایت شغلی							
جهت گیری نظارتی و رفاه در سازمان؛ نقش اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری	کارلو و همکاران (۲۱۰۴)-کمی	پرسشنامه DUWAS شوفلی و همکاران (۲۰۰۹)	کارکنان یک سازمان ایتالیایی	۲۳۳ نفر- اشاره نشده	روایی واگرا با تحلیل عاملی تاییدی	آلفای کرونباخ	کار اجباری و کار بیش از حد	تحلیل رگرسیون و مدل معادلات ساختاری
نتیجه	تایید رابطه معنادار جهت گیری نظارتی با فرسودگی و فشار روانشناختی و نقش واسطه ای اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری در این رابطه							
مدل دو وجهی از اشتیاق به کار، روایی اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری	کاترین و بوچ (۲۰۱۴)-کمی	پرسشنامه DUWAS	کارکنان دو سازمان متفاوت در نروژ	۳۸۵ نفر- اشاره نشده	روایی سازه با تحلیل عاملی تاییدی روایی واگرا و همگرا	آلفای کرونباخ	کار اجباری و کار بیش از حد	تحلیل رگرسیون و مدل معادلات ساختاری
نتیجه	تایید رابطه به ترتیب مثبت و منفی اشتیاق سازگار با رضایت از زندگی و فرسودگی و رابطه به ترتیب منفی و مثبت اشتیاق اجباری با رضایت از زندگی و فرسودگی با کنترل متغیرهای تعلق خاطر کاری و اعتیاد به کار؛							
همبسته‌های شغلی و جمعیت شناختی اعتیاد به کار	تاریس و همکاران (۲۰۱۲)-کمی	پرسشنامه DUWAS	کارکنان هلندی	۹۱۶۰ نفر در ۹ مرحله- اشاره نشده	اشاره نشده	اشاره نشده	کار اجباری و کار بیش از حد	تحلیل واریانس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با نوع کار فرد و مشخص شدن میانگین اعتیاد به کار بالا برای کارکنان شاغل در بخش‌های کشاورزی، ساخت و ساز، ارتباطات، مشاوره و کسب و کار و میانگین اعتیاد به کار پایین برای کارکنان شاغل در بخش‌های بخش دولتی، شرکت‌های خدماتی، پرستاران و امداد رسانی							
نحوه تاثیرگذاری اعتیاد به کار بر سلامت و عملکرد کارمند	شیمیزو و همکاران (۲۰۱۰)-کمی	پرسشنامه DUWAS	کارکنان یک شرکت اتومبیل سازی در غرب ژاپن	۷۵۷ نفر- ارسال به تمامی کارکنان و بازگشت این تعداد	اشاره به اعتبار در تحقیقات قبل	آلفای کرونباخ	کار اجباری و کار بیش از حد	مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با مواجهه فعال، کاهش سلامتی و افزایش عملکرد شغلی							
اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری؛ دو پیش بینی کننده متفاوت عملکرد و رفاه آینده	شیمیزو (۲۰۱۴)- کمی	پرسشنامه DUWAS	کارکنان یک شرکت اتومبیل سازی در توکیو	۱۲۷۳نفر-دعوت از تمامی کارکنان و پاسخگویی این تعداد	اشاره به تحقیقات قبلی+	آلفای کرونباخ+اشاره به تحقیقات قبلی	کار اجباری و کار بیش از حد	مدل معادلات ساختاری با آموس
نتیجه	تایید رابطه معنادار اعتیاد به کار با کاهش سلامتی و کاهش رضایت از رندگی و رابطه معنادار تعلق خاطر کاری با افزایش رضایت از زندگی و عملکرد شغلی و سلامتی.							

بــه طــور کلی، بعد از شناسایی و غربال گری و انتخاب ۵۵ مقاله واجد شرایط برای بررسی در بین مقالات فارسی و لاتین بر مبنای روش پریزما، وضعیت موجود مقالات در جدول ۱ آورده شده و در ادامه با رویکردی کــل نگرانــه به جمع بندی و تلخیص و نقد محورهای مهم مقالات مطالعه شده پرداخته شده است. با توجه بــه تحلیل همه مقــالات بررسی شده بر مبنای روش شناسی کمی، تبیین روابط متغیرها با اعتیاد به باید مبتنی بر تئوری‌های مستحکمی باشد که براین اساس یکی از دغدغه‌های اصلی محقق بررسی عمیق این مساله در مقــالات موجود و استخراج این تئوری‌ها بوده اســت. توجه به چارچوب‌های استفاده شده درجهت سنجش اعتیــاد بــه کار در مقالات نیز یکــی دیگر از محورهای مورد بررسی در مقالات بــوده و در این راستا به ارائه مهــم ترین چارچوب‌های استفاده شده در مقــالات بررسی شده اقدام گردیده است. همچنین، مطابق با مرور سیستماتیک انجام شده در ادبیات تحقیق می‌توان ادعا داشت که بورک و شوفلی به عنوان مهم ترین نویسندگان مقالات، دارای بیشترین تعداد مقاله درباره اعتیاد به کار به صورت تک نویسنده و یا مشترک با سایر نویسندگان می‌باشند. شوفلی به منظور اندازه گیری اعتیاد به کار شاخص اعتیاد به کار هلندی را ارائه نمود که به اختصار با عنوان duwas[1] شناخته شده و دارای دو بعد کار اجباری و کار بیش از حد می‌باشد. در نهایت، به عنوان یکی از مهم ترین خروجی‌های تحقیق، برمبنای مقالات بررسی شده داخلی و خارجی، مدلی فرایندی از متغیرهای پیشایندی و پسایندی اعتیاد به کار ارائه شده است.

تئوری‌های زیربنایی تبیین گر اعتیاد به کار

بــه طور کلــی، یکی از نقدهای وارده بــه تحقیقات مبتنی بر روش شناسی کمی، عــدم بنای فرضیه‌های مفــروض شــده در تحقیق بر تئوری‌های زیر بنایی مربوطه و کمــک نگرفتن از تئوری‌های مستحکم نظری در جهــت تبییــن فرضیه‌های طرح شده می‌باشد. به عبارت دیگر، در بیشتــر تحقیقات مطالعه شده به ویژه درتحقیقــات داخلی، در مرحله تبیین فرضیه‌های تحقیق صرفا اشــاره ای اجمالی به تحقیقات انجام گرفته قبلــی شده و به تئوری‌های زیر بنایی که می‌توان از آنهــا در جهت تبیین رابطه متغیرهای مفروض در مدل تحقیق بهره گرفت، اشاره ای نشده است. درحالی که توجه به این نکته ضروری است که در روش شناسی کمــی و در بخش تبیین فرضیه‌های تحقیق حتی می‌توان با بهره گیری از تئوری‌های سایر حوزه‌های علمی در تبییــن فرضیه‌هــای طراحی شده در یک حوزه علمی دیگر نظیر تحقیقات حوزه سازمان و مدیریت بهره جســت. براین اساس و با توجه مشاهده چنین نقصی بویــژه در تحقیقات داخلی، یکی از محورهای مورد توجه در این پژوهش، جستجوی تئوری‌های زیربنایی تبین گر رابطه اعتیاد به کار با مفاهیم نزدیک به اعتیاد بــه کار به لحاظ نظری همچون تعلق خاطــر کاری، تعادل کار- زندگی، فرسودگی و تحلیل رفتگی و سایر متغیرهای بررسی شده در ادبیات تحقیق می‌باشد.

تئوری سرایت - توسعه

بــه طور کلــی، دو روش برای توجیه چگونگی رابطه کار و خانواده وجود دارد. اثر گسترش و سرایت[2] را می‌توان مرتبط با سرایت و یا گسترش درون فردی یا بین حوزه ای تقاضاها و در نتیجه فشارهای ناشی از آن از حــوزه کاری به حوزه‌های غیرکاری دانست (بایرون ۲۰۰۵). این حالت را می‌توان با تعارض کار- خانواده

1. the Dutch Work Addiction Scale
2. Spillover

نیـز مرتبط دانست کـه در طی آن، کار با زندگی شخصی تداخل و یا تعارض پیـدا می‌کند و به عنوان مثال، فشارهای مرتبط با کار از حوزه کاری یک فرد به حوزه زندگی خصوصی و خانوادگی آن فرد منتقل می‌شود. از سـوی دیگـر، اثر تقاطعی[1] را می‌توان مرتبط با تقاطع بین افراد مختلـف دانست که در طی آن، تقاضاهای شغلـی و فشارهای برآمده از آن با تقاضاها و شرایـط افراد نزدیک فرد مثل اعضای خانواده و یا دوستان فرد تقاطع پیدا می‌کند (باکر و همکاران ۲۰۰۹؛ وستمن و همکاران ۲۰۰۱). به طور کلی، مدل گسترش-تقاطع[2] با ترکیب ادبیات مرتبط با گسترش و تقاطع، بر این نکته تاکید دارد که در گام اول، استرس یا فشارهای محیط کار یک فرد از حوزه کاری کارکنان به حوزه خانوادگی همان فرد انتقال و یا سرایت می‌یابد و در گام بعدی با تقاضاهای شریکان آن کارمند در محیط خانوادگی تقاطع پیدا می‌کند. این امر نشان دهنده آن است که افرادی که تمایل به کار بیش از حد دارند، به همان میزان نیز تمایل به انتقال کار و الزامات مرتبط با کار به محیط خانه نشان می‌دهند و بی شک، باز هم به همان میزان تمایل کمتری در جهت کمک به شریک خود در محیط خانه خواهنـد داشت. مطالعات زیاد دیگری نیز با تاکید بر این نکته کـه مواردی همچون: اعتیاد به کار، فشارهای مرتبط با کار و فعالیت‌های کاری در گام اول به محیط خانه و خانواده سرایت وگسترش پیدا می‌کنند و درگام بعـدی بر شریک یک کارمند در محیط خانه تاثیر می‌گذارنـد، شواهدی در تایید مدل گسترش- تقاطع ارائه نموده اند (باکر و همکاران ۲۰۰۸؛ شیمیزو و همکاران ۲۰۱۱).

تئوری «وضعیت خلقی به عنوان ورودی[3] و قوانین توقف»[4]

به طور کلی، این تئوری برآمده از حوزه روان شناسی می‌باشد و یکی از نکات مهم قابل توجه این است که می‌توان از مبانی نظری مرتبط با آن برای تبیین رفتارهای اجباری وسواسی شغلی نظیر اعتیاد به کار بهره گرفت. همچنیـن، بـا توجه به وجود ابهام در تداخل برخی از جنبه‌های اعتیاد به کار با مفهوم تعلق خاطر کاری، تا به حال در تحقیقات اندکی به بررسی تفاوت‌های پیامدهای شغلی مهمی همچون تعلق خاطر کاری و اعتیاد به کار پرداخته شده است. با این حال می‌توان به دنبال فراهم نمودن مدارکی دال بر روایی واگرای بین این دو مفهوم بود (شوفلی و همکاران ۲۰۰۶b و شوفلی و همکاران ۲۰۰۹b). براین اساس، تئوری وضعیت خلقی به عنوان ورودی (مارتین و دویویس، ۱۹۹۸) می‌تواند فراهم آورنده مکانیزم انگیزاننده زیربنایی متفاوت برای دو مفهوم اعتیـاد به کار و تعلق خاطر کاری باشد. بـه عبارت دیگر، می‌توان چنین بیان نمود که با توجه به این تئوری، مـردم تمایل به تفسیر وضعیت خلقـی[5] خود به عنوان یک ورودی متناسب، به منظور ارزیابی میزان پیشرفت خود در جهت اهدافشان دارند. با این وجود، اینکه اثرات مثبت یا منفی چگونه تفسیر خواهند شد، بستگی به اهدافی دارند که با آن احساسات همراه خواهند بود(مارتین و استونر،۱۹۹۶) یا به طور ویژه بستگی به استفاده افراد از قوانین متوقف کننده[6] دارد. به عنوان مثال، کارکنان ممکن است تصمیم به توقف یک فعالیت بنمایند به این دلیل که دیگر از آن فعالیت لذت نمی برند که این وضعیت اشاره به قانون توقف لذت دارد. همچنین

1. crossover
2. spillover-cross-over model
3. The mood as input approach
4. Stop rules
5. mood state
6. stop rules

افراد ممکن است تصمیم به توقف یک فعالیت داشته باشند، به این دلیل که اعتقاد دارند که به اندازه کافی آن فعالیت انجام گرفته است- این وضعیت نیز اشاره به قانون توقف کافی بودن دارد. تئوری وضعیت خلقی به عنـوان یک ورودی (مارتیـن ۲۰۰۱) فرض می‌کند که درصورت استفاده یک فرد از قانون توقف کافی بودن، افرادی که در یک وضعیت خلقی مثبت باشند، احساسات مثبت خود را به عنوان نشانه ای مبنی بر کافی بودن انجام آن فعالیت خواهند دانست. به عبارت دیگر، افراد به نتیجه خود رسیده و دیگر تمایلی به ادامه آن فعالیت نخواهند داشت. به همین ترتیب افرادی که در وضعیت خلقی منفی باشند، ممکن است این گونه تعبیر داشته باشند که احساساتشان نشانه ای بر عدم ارضای آنها از انجام آن کار بوده و این وضعیت نیز منجر به تقویت استمراروزی آنها بر آن فعالیت شود. در این راستا نیز در صورت استفاده از قانون توقف لذت بردن، می‌توان گفت که افرادی که در وضعیت خلقی منفی باشند، انتظار می‌رود که احساسات منفی شان را به عنوان نشانه‌ای مبنـی بـر عدم لذت بردن از آن فعالیت بدانند و بر این اساس اقدام به دست کشیدن از آن فعالیت می‌نمایند. در حالـی کـه در صورت انطباق قانون توقف لذت بردن برای شرایط فردی با یک وضعیت خلقی مثبت، این فرد وضعیت و احساسات مثبت خود را به عنوان نشانه ای مبنی بر لذت بردن از آن فعالیت می‌داند و تمایل به استمرار و تداوم انجام آن فعالیت خواهد داشت. در این راستا مطابق با کلارک و همکاران (۲۰۱۰) وضعیت خلقی مثبت را با تعلق خاطر کاری و وضعیت خلقی منفی را با اعتیاد به کار می‌توان مرتبط دانست. همچنین از سویـی دیگر، می‌توان چنین انتظار داشـت که قانون توقف کافی بودن دارای رابطه مثبت با اعتیاد به کار و قانون توقف لذت دارای رابطه مثبت با تعلق خاطر کاری می‌تواند باشد. در نهایت با تکیه بر خطوط زیربنایی تئوری وضعیت خلقی به عنوان ورودی می‌توان این گونه بیان داشت که نحوه تفسیر افراد معتاد به کار و دارای تعلق خاطر کاری از وضعیت خلقی مثبت یا منفی شان مبتنی بر قوانین توقف شان، می‌تواند تقویت کننده نوع تداوم آنها به کار از نوع اعتیاد به کار یا تعلق خاطر کاری باشد.

تئوری اشتیاق[1]

بـه طور کلی، با در پیش گرفتن رویکردی دو وجهی به بحث اشتیاق، می‌توان شاهد دو روی یک سکه در بحث اشتیاق بـود (والراند، ۲۰۰۸). براین اساس می‌توان گفت که اشتیاق می‌تواند بصورت وضعیتی سازگار و یا بصورت وضعیتی اجباری باشد و متناسب با نوع اشتیاق موجود در یک فرد از نوع سازگار و یا اجباری، می‌توان انتظار پیامدهای عملکردی متفاوتی نیز در سازمان داشت. اشتیاق به فعالیت ها، به عنوان یک تمایل قوی نسبت به یک فعالیتی که مردم آن را دوست دارند، برای آنان مهم است و براین اساس وقتشان را به طور مداوم صرف آن فعالیت می‌نمایند، تعریف شده است (والراند، ۲۰۰۸؛ والراند و همکاران ۲۰۰۳). به طور کلی، دو نوع از اشتیاق را می‌توان تعریف کرد که عبارت اند از: اشتیاق سازگار و اشتیاق اجباری[2] در اشتیاق از نوع سازگار، فرد فعالیت را کنترل می‌کند و فعالیت موردنظر، بخشی معنادار و قابل توجه- اما نه بیش از حد- از زندگی فرد را به خود اختصاص می‌دهد. می‌توان گفت که افراد دارای اشتیاق از نوع سازگار به عنوان افرادی در نظـر گرفته می‌شوند که دارای احساسی مثبت قبل، در حین و بعد از انجام فعالیت مورد نظر خواهند بود. تحقیقات تجربی نیز حمایت کننده چنین فرضیه ای می‌باشند (والراند و همکاران ۲۰۰۳). در مورد اشتیاق از

1. passion
2. harmonious passion and obsessive passion.

نوع اجباری در افراد می‌توان گفت که فعالیت‌ها افراد را کنترل می‌کنند، چراکه این فعالیت‌ها بخشی نامتقارن و نامتناسب از هویت فرد را به خود اختصاص می‌دهند و منجر به ایجاد تعارض با سایر امور و حوزه‌های زندگی فرد می‌شوند. اشتیاق از نوع اجباری مرتبط با احساسات منفی ای است که نه تنها در هنگام عدم درگیری در یک فعالیت (مانند نا امیدی و آشفتگی) بلکه در هنگام درگیری در یک فعالیت (مانند احساس شرمندگی و گناه) نیز بروز می‌کند.

براساس طبقه بندی دو بعدی اشتیاق می‌توان این گونه ادعا داشت که تقارن و تشابه بسیار زیادی بین دو مفهوم اشتیاق از نوع وسواسی یا اجباری و اشتیاق از نوع سازگار به ترتیب با دو مفهوم روانشناسی کار و سازمانی یعنی اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری برقرار می‌باشد. اشتیاق از نوع وسواسی و سازگار را می‌توان به عنوان فرایندهایی مقدم بر دو بحث به ترتیب اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری در نظر گرفت (والراند و همکاران ۲۰۰۳). در واقع، اشتیاق از نوع سازگار را می‌توان دارای رابطه مثبتی با ویژگی‌های مرتبط با تعلق خاطر کاری همچون: تعهد عاطفی، سلامتی ذهنی، برآورده شدن نیازهای روانی، انعطاف پذیری و کنترل داشتن بر فعالیت‌های زندگی حرفه ای و لذت بردن از فعالیت‌های کاری در نظر داشت. در مقابل، اشتیاق از نوع اجباری یا وسواسی را می‌توان با ویژگی‌های مرتبط با اعتیاد به کار همچون: استرس و اضطراب و ناراحتی، بردن کار به منزل و فضای خانه و فکر کردن به فعالیت‌های کاری حتی در زمان عدم حضور فیزیکی در محیط کار قلمداد نمود. به عبارت دیگر، با الهام بخشی از ادبیات مرتبط با بحث اشتیاق می‌توان با دیدگاهی متفاوت‌تر نسبت به مطالعه در مورد دو مفهوم اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری اقدام نمود. در واقع، از سویی دیگر متناسب با دو مفهوم اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری می‌توان مسیرهای عاطفی و مشتاقانه متفاوتی مبتنی بر اشتیاق اجباری و سازگار، به سمت نتایج و پیامدهای فردی و سازمانی از جمله عملکرد فردی و سازمانی ارائه نمود و انتظار ارائه راهکارهای متفاوتی را نیز داشت.

تئوری محافظت از منابع

به طور کلی مطابق با تئوری محافظت از منابع می‌توان توجیه بهتری در زمینه چرایی تاثیرگذاری منفی حمایت اجتماعی ادراک شده در محیط کار بر روی اعتیاد به کار ارائه داد. یکی از مفاهیم اصلی نهفته در تئوری محافظت از منابع را می‌توان این گونه بیان نمود که افراد دارای منابع بیشتر، آسیب پذیری کمتری در جهت از دست دادن منابع دارند و در عوض قادر به ایجاد فرصت هایی در جهت اکتساب منابع جدید خواهند بود (هاکانن و رود ۲۰۲۰). براین اساس، حمایت اجتماعی ادراک شده دارای قابلیت تاثیرگذاری هم بر روی مطابقت و سازگاری بهتر و منطقی تر کارکنان با شرایط استرس زا همچون وجود نقش‌های چندگانه (نیک لین و مک نال، ۲۰۱۳) و هم برروی مقابله و اجتناب کارکنان از کاهش و تقلیل منابع در اختیارشان (سومچ و دراچ-زهوی، ۲۰۱۳) می‌باشد. براین اساس، حمایت اجتماعی ادراک شده در محیط کار به عنوان یک منبع انرژی زا و فعال کننده د ر محیط کار می‌تواند زمینه ساز غلبه و یا مواجهه اصولی کارکنان با تمایلشان به سخت کار کردن یا اعتیاد به کار باشد. براین اساس، محققان قبلی نیز بر این نکته تاکید ویژه داشته اند که حمایت اجتماعی ادراک شده از سوی سرپرست و همکاران می‌تواند زمینه ساز سطوح پایین تری از اجبار یا وسواس در کار باشد(جان استون و جان استون، ۲۰۰۵).

مطابق با تئوری محافظت از منابع هاجینز ۱۹۹۷ برخلاف اعتیاد به کار که با تمرکز اجتناب[1] در ارتباط بود، تعلق خاطر کاری را می‌توان با تمرکز ترفیع[2] مرتبط دانست که به این معناست که برخلاف افراد دارای اعتیاد به کار که به وجود یا عدم وجود پیامدهای منفی حساس می‌باشند، افراد داری تعلق خاطر کاری نسبت به وجود یـا عدم وجود پیامدهای مثبت حساسیت خواهند داشـت. همچنین، در برداشت دیگری از این یافته می‌توان گفـت که افراد دارای تعلق خاطر کاری بر خلاف افـراد دارای اعتیاد به کار که تمایل به استفاده از استراتژی اجتنـاب دارند، تمایل به استفـاده از استراتژی دستیابی[3] دارند و و براین اساس تمایل به استفاده از رویکردی خواهند داشت که متناسب با اهداف معطوف به آرمان‌ها و آرزوها و امیدهای آنها باشد (وان بیک و همکاران ۲۰۱٤). در مجمـوع، افـراد دارای تعلق خاطر کاری، دارای احساسی مبنی بـر ارتباطی فعالانه و پر انرژی با کارشان هستند، با لذت زیادی مجذوب کارشان می‌باشند و در زمانی که در سر کارشان نیستند، احساس گناه نخواهند داشت (شوفلی و همکاران ۲۰۰۸).

تئوری خود تعیین گری[4] و تمرکز نظارتی[5]

افـراد دارای اعتیاد بـه کار، بخش قابل توجهی از زمان خود را به کـار اختصاص می‌دهند (وان بیک و همکاران ۲۰۱۱). این افراد دارای تجربه یک نیاز یا محرک درونی شدید و غیرقابل کنترل و یا نوعی اجبار بـه سخـت و شدید کار کردن می‌باشند و این حالت لزوما به دلیـل فاکتورهای بیرونی همچون دستیابی به موقعیـت مالـی بهتر و یا چشم اندازی بهتر در مسیر شغلی فرد نمی باشـد (شوفلی و همکاران ۲۰۰٦). به طـور ویـژه و با تکیه برتئوری خود تعیین گری (دسی و رایـان ۱۹۸۵) وان بیک و همکاران (۲۰۰۲) نشان داده انـد کـه افراد داری اعتیاد به کار با نوعی از مقـررات و استانداردهای درونی سازی شده[6] که در واقع نوعـی از انگیزاننده‌های بیرونی می‌باشند، تحریک و برانگیخته می‌شود(وان بیک و همکاران ۲۰۱۲). اخیرا نیـز وان بیک وهمکـاران (۲۰۱٤) براساس تئوری تمرکز نظارتی هایچینـز (۱۹۹۷) بیان داشته اند که افراد دارای اعتیـاد بـه کار، دارای سطح بالای از تمرکز اجتناب[7] می‌باشند؛ به ایـن معنا که این قبیل افراد نسبت بـه حضور و یا عدم حضور پیامدهـای منفی حساس هستند و از استراتژی‌های اجتناب استفاده می‌کنند. از مجموع چنین گفته‌هایی، می‌توان این ایده را مورد حمایت قرار داد که افراد دارای اعتیاد به کار بنا به دلایلی همچـون اجتنـاب از احساساتی همچون احساس گناه، شرم و اضطراب یا به منظور افزایش احساس غرور شان، سخت کار می‌کنند(وان بیک و همکاران ۲۰۱۲ و ۲۰۱٤).

دیدگاه‌ها نسبت به اعتیاد به کار

بـه طور کلـی، در مورد اعتیاد به کار باید به این نکته توجه داشت که در حوزه مطالعاتی مرتبط با این مفهوم چارچـوب هایی به منظـور اندازه گیری اعتیاد به کار ارائه شده که مهم ترین آنها شامل ابزار اندازه گیری مبتنی

1. Prevention or avoidance
2. promotion
3. approach
4. Self-determination theory
5. Regulatory focus theory
6. introjected regulation
7. prevention focus

بـــر دیدگاه اسکات و همکـــاران(۱۹۹۷) و ابزار اندازه گیری مبتنی بر دیدگاه اسپنـــس و رابینز(۱۹۹۲) می‌باشد. همچنین دیدگاه‌های دیگری که در مقالات بررسی شده با فراوانی بالاتری به آنها اشاره شده بود را می‌توان شامل دیدگاه‌های رابینسون و ناقتون در نظر گرفت.

دیدگاه اسپنس و رابینز

یکـــی از مشهورتریـــن و شناخته شده ترین ابزارهای اندازه گیری اعتیاد بـــه کار را می‌توان مبتنی بر دیدگاه اسپنـــس و رابینـــز (۱۹۹۲) نسبت به اعتیاد به کار در نظر گرفت کـــه بر اساس میزان و درجه سه مولفه عجین شدن با کار[1] ، تمایل درونی به کار[2] و لذت از کار[3] مشخص می‌شود(بورک، ۲۰۰۶). در واقع، مطابق با دیدگاه اسپنـــس و رابینـــز (۱۹۹۲) اعتیاد به کار را می‌توان بر اساس میزان و درجه سه مولفه عجین شدن با کار شامل تعهـــد فـــرد به کار و اختصاص دادن وقـــت آزاد خود به فعالیت‌ها و وظایف کـــاری مربوط دانست. میزان و وسعتی که افراد علیرغم مسئولیت‌های دیگرشان وقف کارشان می‌کنند و همچنین اشاره به اعتقادی اصولی و هنجاری درباره ارزش کار در زندگی فرد، مفهومی گسترده تر از دلبستگی شغلی دارد. تمایل درونی یا احساس کشـــش و اجبار به کار یعنی اینکه فشـــاری درونی نسبت به کار است حتی وقتی که کار لذت بخش نباشد و لـــذت از کـــار یعنی انجام کار بیش از حد مورد انتظار فقط به دلیل اینکه از آن لذت می‌برد. به عبارتی، شور و هیجان و لذتی است که یک فرد در کار خود تجربه می‌کند و همین امر منجر به کار کردن بیش از حد مورد انتظار می‌شود. (عزیز و همکاران، ۲۰۱۸؛ جکسون و همکاران، ۲۰۱۶؛ رضائیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ طالقانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ فرح بخش ومحمدی، ۱۳۹۴؛ بولنز و پولمنز، ۲۰۰۴؛ اسنیر و هارپاز، ۲۰۱۲، کلر و همکاران ۲۰۱۶؛ هارپاز و اسنیر ۲۰۰۳).

دیدگاه اسکات

اسکـــات و همکارانش (۱۹۹۷) با دیدگاهی انتقـــادی نسبت به سنخ شناسی اسپنس و رابینز، اعتیاد به کار را پدیده‌ای رفتاری می‌دانند تا نگرشی (بورک، ۲۰۰۷، ص ۲۶۱). در وهله اول آنها استدلال می‌کنند که برای اینکه بتوان به یک فرد، معتاد به کار گفت باید وی در درجه اول زمان قابل توجهی را صرف فعالیت‌های کاری اش کند، در فکر کار و فعالیت‌های کاری اش باشد- حتی زمانی که کار نمی کند- و کار را در صدر اولویت‌ها و فراتر از احتیاجات اقتصادی و سازمانی قلمداد نماید (وایز و همکاران، ۲۰۱۱؛ گئورگیوسکی و همکاران، ۲۰۱۴؛ عزیز و همکاران، ؛ ۲۰۱۸؛ کلارک و همکاران، ۲۰۱۶).

مطابـــق بـــا مرور انجام شده در ادبیات موضوع، طبقه بندی اسکـــات از اعتیاد به کار را می‌توان شامل سه الگـــوی رفتـــاری دانست: وسواسی افراطی؛ کمـــال گرا ؛ توفیق طلب و موفقیت طلب یـــا دستاورد گرا. در نظـــر آنها معتادان به کار وسواس، اضطراب و اســـترس زیادی دارند و کارشان موجب مشکلات جسمی و روانی زیادی برایشان می‌شود. رضایت پایینی از زندگی و شغل خودشان دارند و عملکرد شغلی آنها پایین اســـت. معتادان بـــه کار کمال گرایی، استرس و مشکلات جسمی و روانـــی بالایی دارند، روابط میان فردی خصمانـــه و غیـــر اثربخشی را پیدا می‌کنند، غیبت و ترک خدمت داوطلبانه زیادی دارند و رضایت شغلی و عملکـــرد شغلـــی پایین نیز دارند. در نهایت، معتادان به کار توفیق طلب، رضایت شغلی، رضایت از زندگی،

1. work involvement
2. feeling of being driven to work
3. work enjoyment

سلامت جسمی و روانی، عملکرد شغلی و رفتارهای شهروندی سازمانی بالا و استرس و ترک خدمت داوطلبانه کمی دارند. اسکات و همکاران (۱۹۷۷) بیان کرده اند که اعتیاد به کار نمی تواند نوعی نگرش باشد و در واقع الگویی رفتاری است. این بدان معناست که فرد زمان زیادی را به فعالیت‌های کاری خود اختصاص می‌دهد- حتی زمانی که در محل کار خود حضور ندارد- و در خارج از سازمان نیز پیوسته به کار فکر می‌کند. (اسنیر و هارپاز، ۲۰۱۲؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ برگیس و همکاران ۲۰۰۶؛ برادی و همکاران ۲۰۰۸؛ شوفلی وهمکاران ۲۰۰۸؛ رضائیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ طالقانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱؛ هارپاز و اسنیر، ۲۰۰۳).

دیدگاه‌های رابینسون و ناقتون

علاوه بر دیدگاه‌های اسکات و همکاران(۱۹۹۷) و اسپنس و رابینز (۱۹۹۲)، رابینسون و ناقتون دو تن از دیگر صاحبنظرانی بودند که در مقالات مرور شده به دیدگاه‌های آنها اشاره‌های زیادی شده بود. از دیدگاه رابینسون، اعتیاد به کار را با چهره ای اعتیادگونه می‌توان در نظر گرفت که دارای زیربنای تئوریکی مشابهی با انواع دیگر اعتیادها از قبیل اعتیاد به الکل است و دارای ماهیتی پیشرونده می‌باشد. آن را می‌توان تلاشی ناهوشیار در جهت رفع نیازهای روانی که ریشه خانوادگی دارند، دانست و می‌تواند منجر به زندگی‌های بدون سرپرست، اختلال در روابط خانوادگی، مشکلات شدید جسمی وحتی مرگ شود. (پتروسکی و ودانویچ، ۲۰۰۸)

ناقتون(۱۹۸۷) نیز سنخ شناسی اعتیاد به کار را براساس ابعاد تعهد شغلی و انگیزه وسواس و اجبار ارائه داده و براین اساس، چهار نوع اعتیاد به کار را تعریف کرده است که شامل افراد دارای اعتیاد به کار عجین شده در کار، افراد دارای اعتیاد به کار وسواسی، غیر معتادان به کار و غیر معتادان به کار وسواس به کار می‌باشد.

جمع بندی دیدگاه‌های مختلف

در جمع بندی نظرات متعدد در زمینه «اعتیاد به کار» می‌توان سه رویکرد را در نظر گرفت:

اول اینکه اعتیاد به کار را می‌توان نشات گرفته از عشق به کار دانست و آن را معادل با تمایل ذاتی به کار زیاد و سخت قلمداد نمود که می‌تواند زمینه ساز رفتارهای کاری مثبتی همچون: افزایش تعهد سازمانی و بروز رفتارهای شهروندی سازمانی باشد و به عنوان رویکرد مثبت به اعتیاد به کار طبقه بندی گردد.

در رویکرد منفی نیز اعتیاد به کار به عنوان تعهدی غیرمنطقی به کار بیش از حد و به عنوان یک نوع بیماری اعتیاد گونه قلمداد می‌شود.

در رویکرد سوم، می‌توان سنخ شناسی‌های مختلفی را که از دیدگاه‌های گوناگون اعتیاد به کار را طبقه بندی نموده اند، قرار داد؛ همچون: دیدگاه‌های اسپنس و رابینز(۱۹۹۲)، اسکات(۱۹۹۷) و ناقتون (۱۹۸۷). در جدول ۲ جمع بندی نقطه نظرات پژوهشگران مختلف در مورد اعتیاد به کار ارائه شده است (هارپاز و اسنیر، ۲۰۰۳؛ کلارک و همکاران، ۲۰۱۶؛ طالقانی و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول۲: جمع بندی دیدگاه‌های ارائه شده در مورد اعتیاد به کار

اعتیاد به کار به عنوان پدیده ای مثبت	اعتیاد به کار به عنوان پدیده ای منفی	انواع متفاوت افراد معتاد به کار
اعتیاد به کار به عنوان پدیده ای منبعث از عشق به کار (کانتارو، ۱۹۷۹)	اعتیاد به کار به عنوان پدیده ای توام با تعهدی غیر منطقی به کار بیش از حد (چرینگتون، ۱۹۸۰)	درگیری شغلی، وسواس گونه (ناگتن، ۱۹۸۷)
اعتیاد به کار به عنوان تمایل درونی به کار کردن سخت و طولانی (ماچلویتز، ۱۹۸۰)	اعتیاد به کار به عنوان نوعی اعتیاد دارای ویژگی هایی شبیه به سایر اعتیادها (کلینگر، ۱۹۹۱؛ اوتس ۱۹۷۱؛ پورتر ۱۹۹۶؛ رابینسون ۱۹۸۹ و ۱۹۹۷؛ شف و فاسل، ۱۹۸۸)	معتاد به کار ، مشتاق به کار (اسپنس و رابینز، ۱۹۹۲)
		وسواسی، کمال گرا، موفقیت طلب (اسکات و همکاران،۱۹۹۷)

در واقــع، دیدگاه‌هــای افرادی که پدیده اعتیاد به کــار را با دیدی مثبت در نظر می‌گیرند را می‌توان متمایل به ارتباط پدیده اعتیاد به کار با پیامدهای مثبت سازمانی همچون عملکرد سازمانی و از نظر فردی نیز متمایل به تعلق خاطر کاری در نظر گرفت. در حالی که در طرف مقابل محققان دارای دیدگاهی منفی نسبت به اعتیاد به کار، این مفهوم را هم از نظر فردی و هم از نظر سازمانی مرتبط با پیامدهای منفی همچون سطح عملکرد پایین و تعارض کار با زندگی تلقی می‌کنند. بر این اساس و با توجه به تاکید موجود در ادبیات تحقیق مبنی بر عدم وجود توافق کافی در رفتار یا نگرش و منفی یا مثبت بودن اعتیاد به کار، می‌توان انتظار شفافیت بخشی هرچه بیشتر نسبت به چنین ابهاماتی در اثر انجام تحقیقات بیشتر به لحاظ نظری و ارائه راهکارهایی علمی تر به لحاظ عملی داشت. در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که اعتیاد به کار می‌تواند هم دارای پیامدهای مثبت و سازنده نظیر رفتارهای شهروندی سازمانی و هم دارای پیامدهای منفی نظیر تحلیل رفتگی برای کارکنان سازمان‌ها باشد. بنابر این مدیران سازمان‌ها باید این پدیده را در جهت بروز پیامدهای مثبتش مدیریت نمایند.

مدلی فرایندی از پیشایندها و پیامدهای اعتیاد به کار

بررســی انتقادی نتایج حاصل از روابط بررسی شده متغیرهای مختلف با اعتیاد به کار مطابق با مدل فرایندی آورده شــده در جــدول ۳، بیانگر نوعی عدم نظم کافی در درک مفهوم اعتیاد به کار و پیشایندها و پیامدهای آن است. به عبارت دیگر، علیرغم بررسی روابط متغیرهای مختلف با مفهوم اعتیاد به کار هنوز در مورد برخی متغیرها همچون: تعلق خاطر کاری، فرسودگی شغلی و..... توافق کافی صورت نگرفته است. نتایج پژوهش‌ها نیز گویای آن است که متغیرهایی همچون: فرسودگی شغلی، تعلق خاطر کاری، تعهد سازمانی، رفتار شهروندی سازمانی، کیفیــت زندگــی کاری و.. در برخی تحقیقات به عنوان متغیر مستقل و در برخی تحقیقات دیگر به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده اند. یکی از دلایل اولیه چنین وضعیتی را می‌توان در عدم توافق کافی محققان و جامعه علمی در درجه اول در ماهیت مفهوم متغیر اصلی یعنی اعتیاد به کار و در درجه بعدی چگونگی تاثیرپذیری آن از متغیرهای پیشایندی و تاثیر گذاری آن بر متغیرهای پسایندی قلمداد نمود.

متغیرهای پیشایندی			
تعلق خاطر کاری	تغییرات محیط اقتصادی	مشخصات جمعیت شناختی	فرسودگی شغلی
ویژگی‌های شخصیتی	فضای رقابتی در محیط کار	خودکارآمدی	حجم کار بالا
باورها و ترس ها	ارزش‌های سازمانی	رفتارهای شغلی	ویژگی‌های محیط کار
امنیت روانی	سبک رهبری مدیران	معنویت در محیط کار	تعهد سازمانی
کیفیت زندگی کاری	حمایت اجتماعی ادراک شده	فرسودگی شغلی	کانون کنترل بیرونی
شرایط کاری	تمایل به جهت گیری نظارتی	رفتار شهروندی سازمانی	شرایط زندگی سازمانی

اعتیاد به کار

متغیرهای پسایندی			
فرسودگی شغلی	تحلیل رفتگی شغلی	تعهد سازمانی	مهارت‌های اجتماعی
رفتار شهروندی سازمانی	رفاه روانی و جسمانی	رضایت شغلی	عدم تفویض اختیار
استرس شغلی	سلامت عمومی	سلامت جسمانی	انزوا و تعاملات کاری و خانوادگی پایین
سلامت ذهنی و روانی	پذیرش خویشتن	وضعیت خلقی	رفتارهای پرخاشگرانه کاری
تعلق خاطر کاری	کیفیت زندگی کاری	بهره وری نیروی کار	اضافه کار و ساعات کار بالا
عملکرد شغلی	عملکرد کارآفرینانه	اخلاق حرفه ای	کار گروهی پایین
عدم رضایت خانوادگی، عدم رضایت دوستانگی، کمال گرایی	تعارض کار به زندگی و تعارض زندگی به کار	استرس زناشویی	درگیری شغلی

همچنین، در جمع بندی متغیرهای پیشایندی مرتبط با اعتیاد به کار می‌توان در مجموع این متغیرها را در دو دسته متغیرهای مرتبط با شرایط خود فرد یا متغیرهای فردی– همچون ویژگی‌های شخصیتی که دارای فراوانی بالایی در بین متغیرهای پیشایندی می‌باشد– و متغیرهای مرتبط با شرایط سازمانی یا متغیرهای سازمانی– همچون ارزش‌های سازمانی و یا وجود فضای رقابتی جهت کار در سازمان– طبقه بندی نمود. در مورد پیامدهای اعتیاد به کار نیز مطابق با دسته بندی‌های انجام شده پیرامون ماهیت خود مفهوم اعتیاد به کار و منفی یا مثبت و نگرشی یا رفتاری قلمداد نمودن ماهیت اعتیاد به کار، مطابق با نتایج حاصل از مدل فرایندی استخراج شده شامل نتایج منفی همچون سلامت روانی و جسمانی پایین و تعارض کار– خانواده و سرایت و تقاطع شرایط ناشی از کار توام با شرایط اعتیاد گونه به کار مطابق با تئوری سرایت – تقاطع، رضایت شغلی پایین و نتایج مثبت همچون عملکرد بالا می‌باشد. با این حال و با تکیه بر نتایج تحقیقات انجام شده می‌توان وزن نتایج منفی اعتیاد به کار را بیشتر از نتایج مثبت در نظر گرفت.

در بخش روش شناسی تحقیقات انجام شده، در رویکرد مورد استفاده در زمینه مدل سازی معادلات ساختاری سه روش مبتنی بر لیزرل، آموس و پی ال اس مورد استفاده قرار گرفته و برای توجیه چرایی استفاده از پی ال اس یا روش حداقل مربعات جزئی، کوچک بودن تعداد نمونه مطرح شده که برای این موضوع به طور کلی نمی توان مبنای درست علمی در نظر گرفت. همچنین در برخی موارد بدون اشاره به نرمال یا غیر نرمال بودن و پارامتریک یا ناپارامتریک بودن داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شده است، در حالی که مبنای استفاده این دو ضریب همبستگی در تحلیل داده‌ها متفاوت می‌باشد. همچنین فرایند نمونه گیری و اینکه دقیقا از چه روش نمونه گیری استفاده شده در اغلب تحقیقات مشخص نیست و نمی توان برای شرایط مشابه از روش شناسی مقالات در زمینه روش نمونه گیری به عنوان راهنما استفاده کرد– یا در مواردی که جامعه آماری شامل کارکنان و مدیران است، از روش مناسب استفاده نشده است.

یکی دیگر از معیارهای ارزیابی مهم دیگر در تحقیقات مبتنی بر پارادایم، کمی اشاره به نحوه اطمینان از روایی و پایایی ابزارهای اندازه گیری مورد استفاده در تحقیقات می‌باشد. در ٤٤ مورد از ضریب آلفای کرونباخ و در ٤ مورد از پایایی ترکیبی برای اطمینان از پایایی ابزار اندازه گیری مورد استفاده در تحقیقات استفاده شده است. همچنین برای اطمینان از روایی در ۹ مورد از روایی همگرا و واگرا و در ٦ مورد از روایی سازه و تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. در برخی از تحقیقات نیز جهت اطمینان از پایایی یا روایی و یا هر دو صرفا به اثبات روایی و پایایی در تحقیقات قبلی اشاره شده است. در بسیاری از تحقیقات نیز علیرغم مهم بودن روایی نسبت به پایایی، صرفا به ضریب آلفای کرونباخ ابزارها اشاره شده و از روایی و نحوه بررسی آن در تحقیقات سخنی به میان نیامده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به شرایط کاری کارکنان در سازمان‌ها بویژه در سطوح میانی و عالی و زمینه‌های ارتقای تمایل افراد به کار در ساعت‌های طولانی، به تدریج می‌توان شاهد بروز عواقب ناشی از آن همچون اعتیاد به کار بود. از طرف دیگر، نبود توافق لازم در بین محققان مختلف در مورد مفهوم اعتیاد به کار از نظر ماهیت، پیشایندها و پیامدهای آن، ضرورت بررسی عمیق این مفهوم در محیط‌های کاری رانمایان می‌سازد. در این تحقیق با تکیه بر اهمیت چنین خلا تحقیقاتی و به منظور آگاهی از شرایط موجود در حوزه پژوهش پیرامون اعتیاد به کار، اقدام به مرور سیستماتیک ادبیات موجود در مورد اعتیاد به کار شده و نقاط محوری مبتنی بر داده‌های نظری گردآوری شده

مورد نقد و تلخیص قرار گرفت. علاوه بر ارائه تئوری‌های زیر بنایی تبیین گر رابطه اعتیاد به کار با سایر متغیرها همچون تئوری محافظت از منابع و بررسی دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم اعتیاد به کار همچون دیدگاه اسپنس و رابینز، مدلی فرایندی مبتنی بر پیشایندها و پسایندهای اعتیاد به کار ارائه شده است. یکی از نتایج مهم برآمده از مرور انجام شده در مورد ادبیات موضوع اعتیاد به کار بویژه در تحقیقات داخلی بر مبنای روش شناسی کمی، عدم تبیین رابطه متغیرهای مختلف با اعتیاد به کار با تکیه بر تئوری‌های نظری بوده است. پس شناسایی و معرفی تئـوری هایـی همچون تئوری محافظت از منابع، تئوری وضعیت خلقی به عنوان یک ورودی و قوانین متوقف کننده، تئوری خود تعیین گری و تمرکز نظارتی به عنوان تئوری‌های زیربنایی تبیین گر رابطه اعتیاد به کار با سایر متغیرها، می‌تواند راهگشای تحقیقات آتی مبتنی بر روش شناسی کمی پیرامون اعتیاد به کار باشد.

یکی دیگر از موارد قابل توجه در این تحقیق، کاربرد با فراوانی بالای چند دیدگاه خاص از جمله دیدگاه اسپنس و رابینـز در انـدازه گیری اعتیاد به کار در تحقیقات مختلف است که با تکیه بر این نکته، از یک سو و توجه به محدودیت چارچوب‌های طراحی شده در جهت توجه به تمامی ابعاد یک مفهوم در تمامی محیط‌های کاری با شرایط مختلف از سویی دیگر، ضرورت انجام تحقیقاتی با تکیه بر روش شناسی کیفی در جهت مفهوم سازی بهبود یافته از اعتیاد به کار بویژه با لحاظ شرایط سازمان‌های ایرانی احساس می‌گردد. همچنین با توجه به مدل فرایندی مستخرج از بررسی بعمل آمده در زمینه متغیرهای پیشایندی و پسایندی اعتیاد به کار، بخشی از عوامل موثر بر بروز اعتیاد به کار را می‌توان مرتبط با عوامل و شرایط فردی کارکنان در نظر گرفت. پس اتخاذ تدابیری از سوی خود کارکنان در درجه اول و در درجه بعدی با تکیه بر مفهوم تعادل کار و زندگی از سوی سازمان‌ها در جهت کمک به کارکنان سازمان به منظور مدیریت هرچه بهتر شرایط زندگی فردی و سازمانی شان از جمله توجه بیش از پیش به آموزش‌های عمومی مرتبط با زندگی، ضرورتی است که بیش از پیش احساس می‌گردد. در واقع با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، عدم توجه جدی سازمان‌ها به عوامل موثر بر اعتیاد به کار و عدم مدیریت درست فرایند شکل گیری اعتیاد به کار در کارکنان می‌تواند زمینه ساز گریبانگیر شدن آنها با پیامدهای منفی اعتیاد به کار از جمله کاهش سطح سلامت عمومی کارکنان گردد به عبارت دیگر، علیرغم در نظر داشتن این امر که مطابق با نتایج حاصل از تحقیق، اعتیاد به کار در کنار پیامدهای منفی نظیر تحلیل رفتگی برای کارکنان سازمان ها، دارای پیامدهای مثبت و سازنده ای نظیر رفتارهای شهروندی سازمانی هم می‌تواند باشد. با این حال، نکته نگران کننده در این خصوص بالا بودن وزن پیامدهای منفی اعتیاد به کار و قلمداد نمودن آن به عنوان نوعی رفتار و نگرش کاری نادرست در بیشتر تحقیقات انجام شده می‌باشد. بر این اساس، ضروری است مدیران سازمان‌ها نسبت به مدیریت این پدیده با در نظر داشتن فرایند شکل گیری اعتیاد به کار از پیشایندها تا پسایندهای اعتیاد به کار در جهت بهره برداری از پیامدهای مثبت آن و کاهش تبعات ناشی از پیامدهای منفی اش اقدام نمایند.

همچنین، با توجه به بستر فراهم شده در اثر مرور جامع این تحقیق پیرامون فرایند شکل گیری اعتیاد به کار و نیز عدم توافق کافی در مورد مفهوم اعتیاد به کار، مثبت یا منفی بودن آن برای سازمان ها، عوامل موثر بر اعتیاد به کار و عوامل سازمانی و فردی اثر پذیر از آن، می‌توان وضعیت تحقیقات انجام شده در مورد اعتیاد به کار را مستعد انجام تحقیق با رویکرد مبتنی بر دیدگاه‌های مشارکت کنندگان در تحقیق و با رویکردی مبتنی بر پارادایم کیفی به منظور ارائه نظریه ای مشتمل بر تمامی شرایط پیشایندی و پسایندی ناشی از اعتیاد به کار به منظور ارائه طریقی روشن برای سازمان‌ها در جهت مدیریت هرچه بهتر شرایط کارکنان در معرض ابتلا به اعتیاد به کار قلمداد نمود.

منابع

- احمـدی، پرویز؛ طهماسبـی، رضا؛ باباشاهی، جبار و فتاحی، مهدی. (۱۳۸۹). «**نقش عوامل شـخصیتی در شکل گیری اعتیاد به کار (مورد مطالعه: اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران)**». پژوهش نامه مدیریت تحول. دوره ۲، شماره ۳، صص. ٤٦-٦٧.
- بابائیان، علی؛ علیزاده، حسین و عزیزی، کوروش. (۱۳۹۵). «**تأثیر کارشیفتگی (اعتیاد به کار) بر اخلاق حرفه ای**». فصلنامهٔ علمی - پژوهشی مدیریت منابع در نیروی انتظامی. شماره ١٦، صص.
- پورصادق، ناصر؛ جهانگیر، اصغر و بروشکی، سعید. (۱۳۹۰). «**بررسـی رابطه ویژگی های شخصیتی افراد و اعتیاد به کار کارکنان یک سازمان دولتی**». مدیریت دولتی. دوره۲، شماره ۱، ۲۲. ۵۳-۷۳.
- پسنده، مریم؛ نوری علویجه، رضوان و نوری علویجه، فاطمه. (۱۳۹۲). «**رابطه بین اعتیاد به کار و تعهد سـازمانی در بین کارکنان دانشـگاه علوم انتظامی امین**». توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی. شماره ۲۷، صص. ۷-۳۲.
- حسنی، محمد و شهودی، مریم. (۱۳۹۲). «**ارتباط بین مؤلفه‌های رهبری امنیت مدار و امنیت روانی با ابعاد اعتیاد به کار: دیدگاه کارکنان دانشـگاه ارومیه**». پژوهشنامه مدیریت تحول. دوره ۵، شماره ۱۰، صص. ۸۵-۱۰٦.
- خائف الهی، احمدعلی؛ نرگسیان، عباس و باباشاهی، جبار. (۱۳۹۱). «**مطالعه رابطه بین اعتیاد به کار و رفتار شـهروندی سازمانی (مورد مطالعه: پرستاران شهر تهران)**». پژوهشنامه مدیریت تحول. دوره ٤، شماره ۷، صص. ۲۱-۳۷.
- شعبانـی بهار، غلامرضا و تلخابی، علـی. (۱۳۹۰). «**ارتباط بین اعتیاد به کار و کیفیت زندگی کاری استادان تربیت بدنی دانشگاه‌های ایران**». مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان. دوره ۱، شماره ۲، صص. ٦٧-٥٧.
- عباسی، مسلم؛ درگاهی، شهریار؛ رحمتی، محمدرضا؛ محمدی، مریم و پیرانی، ذبیح. (۱۳۹٦). «**تاثیر اعتیاد به کار و کمال گرایی بر استرس زناشویی و مهارت‌های اجتماعی پرستاران**». سلامت و مراقبت. دوره ۱۹، شماره ۱، صص. ۵۰-٦۱.
- عسگری، روح الله؛ دولتیان، مرتضی؛ منتظر الفرج، راضیه و فلاح زاده، حسین. (۱۳۹٤). «**بررسی رابطه بین معنویت سـازمانی و اعتیاد به کار در پرستاران بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد**». دوماهنامه دانشکده بهداشت یزد(طلوع بهداشت). شماره ٦، صص.
- عسگری، آزاده و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). «**بررسی رابطه اعتیاد به کار با ابعاد سلامت عمومی در کارکنان یک شرکت صنعتی در اصفهان**». سلامت کار ایران. دوره ۸، شماره ۲، صص. ۳۱-۳۸.
- عنایتی، غلامرضا؛ شکاری، غلام عباس؛ طهماسبی، رضا؛ غفاری، حسن و شعبانی، مهدی. (۱۳۹۱). «**بررسی رابطه بین اعتیاد به کار و تعهد سازمانی**». نشریه فرایند مدیریت و توسعه. دوره ۲۵، شماره ۱، صص. ۱۱٤-۹۳.
- عیـدی، حسیـن؛ لقمانی، محسن و سرارودی، اکبر. (۱۳۹٤). «**پیش بینی رضایت شـغلی کارمندان بر اساس رفتار اخلاقی مدیران ادارات ورزش و امور جوانان استان کرمانشاه**». پژوهش نامه مدیریت ورزشی ورفتار حرکتی. سال یازدهم، شماره بیست و دوم، صص. ۲۰۱-۲۱۰.
- فـرح بخـش، سعید و محمدی، طاهره. (۱۳۹٤). «**بررسـی تاثیر اعتیاد بـه کار در بهره وری نیروی**

انسانی با تعدیل گری سرمایه فکری کارکنان دانشگاه لرستان». مهندسی تصمیم. شماره ۲، صص. ۱۷۰-۱٤۷.

- قلی پور، آرین؛ نرگسیان، عباس و طهماسبی، رضا. (۱۳۸۷). «**اعتیاد به کار: چالش جدید مدیریت منابع انسانی سازمان ها**». نشریه دانش مدیریت. دوره ۲۱، شماره ۸۱، صص. ۹۱-۱۱۰.
- کشتـــه گر، عبدالعلی؛ جـــود زاده، مهتا؛ فردین، مرضیه و راشکی قلعه نو، مهین. (۱۳۹۳). «**بررســـی تأثیر فرســـودگی شغلی و اعتیاد به کار بر تعهد سازمانی**». پژوهش‌های مدیریت عمومی. دوره ۷، شماره ۲۵، صص. ۱٦۷-۱۸۸.
- سابقـــی، فرامرز و رئیسی آهوان، اسحاق. (۱۳۹۳). «**تبیین رابطه اعتیاد به کار با کیفیت زندگی کاری معلمان ابتدایی کهنوج**». مطالعات روانشناسی تربیتی. شماره ۲۰، صص. ۱۰۱-۱۱٦.
- جنا آبادی، حسین و عزیزی نژاد، بهاره. (۱۳۹۵). «**الگویابی تاثیر کیفیت زندگی کاری بر اعتیاد به کار اعضای هیات علمی دانشگاه**». پژوهش در نظام‌های آموزشی. دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص. ۱۰۱-۱۱٦.
- عیسی خانی، احمد و برازنده، لاله. (۱۳۹۵). «**تأثیر حمایت اجتماعی بر رفاه کارکنان با میانجی گری اعتیاد به کار و تعلق خاطر کاری**». پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی. شماره ۲۵، صص. ۸۳-۱۰۸.
- زارع، امین؛ سپهری، سعید و حسینی، سید عبدالرسول. (۱۳۹۵). «**بررســـی رابطه رضایت از زندگی و فرسودگی شغلی با توجه به نقش تعدیل گر رهبری تحول آفرین و اعتیاد به کار**». فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه. دوره ۷، شماره ۳، صص. ۹۳-۱۱٤.
- رضائیـــان، علی؛ غریبی، مجتبـــی و عرفانی آداب، الهام. (۱۳۹۲). «**اعتیاد به کار: بســـتری برای تقویت رفتارهای شـــهروند ســـازمانی یا پدیده ای منفی برای ســـازمان‌های دولتـــی**». فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی. دوره ۱، شماره ۳، صص. ۳۵-٤۲.
- جنا آبادی، حسین؛ امیری، محمودرضا و میر لطفی، پرویز رضا. (۱۳۹٦). «**همبستگی اعتیاد به کار با تنش شغلی و فرسودگی شغلی پرستاران**». نشریه مدیریت ارتقای سلامت. دوره ٦، شماره ٤، صص. ۲۰-۲۵.
- شفیعی، عالیه؛ رجائی پور، سعیدو عریضی، حمیدرضا. (۱۳۹٤). «**بررسی رابطه اعتیاد به کار و مولفه‌های بهره وری نیروی انســـانی در بین کارکنان ســـتادی ادارات آموزش و پرورش شـــهر اصفهان**». رهبری و مدیریت آموزشی. شماره ۲، صص.
- طالقانی، غلامرضا؛ نرگسیان، عباس؛ زرین نگار، محمد جعفر و نرگسیان، جواد. (۱۳۹۱). «**بررسی رابطه بین اعتیاد به کار با ویژگی‌های رفتاری قضاوت و وکلای دادگســـتری اســـتان تهران**». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی. دوره ۲، شماره ۲، صص. ۸۷-۱۰۲.
- شعبانـــی بهار، غلامرضا و محمودیان، زینب. (۱۳۹۱). «**تعیین رابطه بین اعتیاد به کار وتحلیل رفتگی شغلی دبیران تربی تبدنی شهر کرمانشاه**». مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. دوره ۸، شماره ۱٦، صص. ۱۲۹-۱٤۷.
- شعبانی بهار، غلامرضا؛ فراهانی، ابوالفضل و لطفی، حمیده. (۱۳۹۱). «**تعیین رابطه بین اعتیاد به کار و کیفیت زندگی دبیران زن تربیت بدنی شهر کرمانشاه: با تاکید بر مدل مفهومی وار و شربورن**». پژوهش های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش. دوره۱، شماره ۱، صص. ٤۹-۵۸.
- عرب، فاطمه؛ رضایی راد، مجتبی و اسماعیل نیا، کامبیز. (۱۳۹٤). «**بررسی رابطه اعتیاد به کار و سکوت سازمانی با فرسودگی شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران**». مجله تحقیقات سلامت در

جامعه. دوره ۱، شماره ٤، صص. ۲۱-۲۷.
- ناستی زایی، ناصر؛ جنا آبادی، حسین و رخشانی مهر، فاطمه. (۱۳۹٤). «**رابطه اعتیاد به کار با تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی**». نوآوری‌های مدیریت آموزشی. دوره ۱۰، شماره ۲، صص.۸۹-۱۰۲.
- نعامی، عبدالزهرا؛ ارشدی، نسرین؛ خادم دزفولی، زهرا و رضایی منش، مهدی. (۱۳۹۲). «**طراحی و آزمون الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم اعتیاد به کار در کارکنان شرکت گاز**». مجله روانشناسی. دوره ۱۷، شماره ٦٥، صص. ٦٧-۸۲.
- Aziz Shahnaz, Zamary Shannon and Wuensch, Karl. (2018). **"The endless pursuit for self-validation through attainment: An examination of self-esteem in relation to workaholism".** Personality and Individual Differences 121 (2018) 74–79.
- Aziz, Shahnaz and Tronzo, Casie L. (2011). **"Exploring the Relationship Between Workaholism Facets and Personality Traits: A Replication in American Workers".** The Psychological Record: Vol. 61 : Iss. 2.
- Bakker, A.B., Demerouti, E. and Burke, R. (2009). **"Workaholism and relationship quality: a spillover-crossover perspective".** Journal of Occupational Health Psychology, Vol. 14, pp. 23-33.
- Bakker, A.B., Demerouti, E. and Dollard, M. (2008). **"How job demands influence partners' experience of exhaustion: integrating work-family conflict and crossover theory".** Journal of Applied Psychology, Vol. 93, pp. 901-911.
- Brady, B. R., Vodanovich, S. J., & Rotunda, R. (2008). **"The impact of workaholism of workfamily conflict, job satisfaction, & perception of leisure activities".** The Psychologist- Manager Journal, 11, 241_263.
- Blair-Loy, M. (2003). **Competing devotions: Career and family among women executives.** Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Burke, R. J., Matthiesen, S. B., & Pallesen, S. (2006). **"Personality correlates of workaholism".** Personality and Individual Differences, 40, 1223_1233.
- Byron, K. (2005). **"A meta-analytic review of work-family conflict and its antecedents".** Journal of Vocational Behavior, Vol. 67, pp. 169-198.
- Clark, M.A., Lelchook, A.M. and Taylor, M.L. (2010). **"Beyond the Big Five: how narcissism, perfectionism, and dispositional affect relate to workaholism".** Personality and Individual Differences, Vol. 48 No. 7, pp. 786-91.
- Clark Malissa A., Gregory W. Stevens, Jesse S. Michel, Lauren Zimmerman. (2016). **"Workaholism among Leaders: Implications for Their Own and Their Followers' Well-Being".** In The Role of Leadership in Occupational Stress. 1-31.
- Frese, M. (2008). **"The changing nature of work".** *In Chmiel, N. (Ed), An Introduc-*

tion to Work and Organizational Psychology. Blackwell publishing, Oxford, pp. 397-414.

- Hakanen, J.J. and Roodt, G. (2010). **"Using the job demands-resources model to predict engagement: analysing a conceptual model".** *In Bakker, A.B. and Leiter, M.P. (Eds), Work Engagement: A Handbook of Essential Theory and Research.* Psychology Press, New York, NY, pp. 85-101.
- Harpaz Itzhak and Snir, Raphael. (2003). **"Workaholism: Its definition and nature".** Human Relations, 56(3): 291–319.
- Jackson Sandy S., Fung Man-Chung, Marie-Anne C.Moore, Jackson Chris J. (2016). **"Personality and Workaholism".** Personality and Individual Differences, 95 (2016) 114–120.
- Scott, K. S., Moore, K. S., & Miceli, M. P. (1997). **"An exploration of the meaning and consequences of workaholism".** Human Relations, 50, 287–314.
- Schaufeli, W.B., Shimazu, A. and Taris, T.W. (2009b). **"Being driven to work excessively hard. The evaluation of a two-factor measure of workaholism in The Netherlands and Japan".** Cross-Cultural Research, Vol. 43 No. 4, pp. 320-48.
- Schaufeli, W.B., Taris, T. and Bakker, A.B. (2006). **"Dr. Jekyll or Mr. Hyde: on the differences between work engagement and workaholism".** *In Burke, R.J. (Ed), Research Companion to Working Time and Work Addiction,* Edward Elgar Publishing, Cheltenham, pp. 193-217.
- Schaufeli, W.B., Taris, T.W. and van Rhenen, W. (2008b). **"Workaholism, burnout, and work engagement: three of a kind or three different kinds of employee well-being?".** Applied Psychology: An International Review, Vol. 57 No. 2, pp. 173-203.
- Shimazu, A., Demerouti, E., Bakker, A.B., Shimada, K. and Kawakami, N. (2011). **"Workaholism and well-being among Japanese dual-earner couples: a spillover-crossover perspective".** Social Science and Medicine, Vol. 73, pp. 399-409.
- Snir, R., & Harpaz, I. (2012). **"Beyond workaholism: Towards a general model of heavy work investment".** Human Resource Management Review, 22, 232_243.
- Somech, A. and Drach-Zahavy, A. (2013). **"Organizational citizenship behaviour and employee's strain: examining the buffering effects of leader support and participation in decision making".** European Journal ofWork and Organizational Psychology, Vol. 22 No. 2, pp. 138-149.
- Spence, J.T. & Robbins, A.S. (1992). **"Workaholism: Definition, measurement, and preliminary results".** Journal of Personality Assessment, 58(1), 160–78.
- Machlowitz, M. (1980). **Workaholics: Living with Them**. Simon & Schuster, New York, NY.

- Martin, L.L. and Davies, B. (1998). **"Beyond hedonism and associationism: a configural view of the role of affect in evaluation, processing and self-regulation".** Motivation and Emotion, Vol. 22 No. 1, pp. 33-52.
- Martin, L.L. and Stoner, P. (1996). **"Mood as input: what we think about how we feel determines how we think".** *In Martin, L.L. and Tesser, A. (Eds), Striving and Feeling: Interactions Among Goals, Affect and Self-Regulation.*Lawrence Erlbaum Associates, Hillsdale, NJ, pp. 279-301.
- Martin, L.L. (2001). **"Mood as input: a configural view of mood effects".** *In Martin, L.L. and Clore, G.L. (Eds), Theories of Mood.*
- Nicklin, J.M. and McNall, L.A. (2013). **"Work-family enrichment, support, and satisfaction: a test of mediation".** European Journal and Cognition: A User's Guidebook, Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah, NJ, pp. 135-57.
- Spence, J.T. and Robbins, A.S. (1992). **"Workaholism: definition, measurement, and preliminary results".** Journal of Personality Assessment, Vol. 58 No. 1, pp. 160-78.
- Westman, M., Etzion, D. and Danon, E. (2001). **"Job insecurity and crossover of burnout in married couples".** Journal of Organizational Behavior, Vol. 22, pp. 467-481.
- Vallerand, R.J. (2008). **"On the psychology of passion: in search of what makes people's lives most worth living".** Canadian Psychology, Vol. 49, pp. 1-13.
- Vallerand, R.J., Blanchard, C., Mageau, G.A., Koestner, R., Ratelle, C., Le´onard, M. and Gagne´, M. (2003). **"Les passions de l'aˆme: on obsessive and harmonious passion".** Journal of Personality and Social Psychology, Vol. 85, pp. 756-767.
- van Beek, I., Taris, T.W. and Schaufeli, W.B. (2011). **"Workaholic and work engaged employees: dead ringers or worlds apart?".** Journal of Occupational Health Psychology, Vol. 16 No. 3, pp. 468-482.
- van Beek, I., Taris, T.W., Schaufeli, W.B. and Brenninkmeijer, V. (2014). **"Heavy work investment: its motivational make-up and outcomes".** Journal of Managerial Psychology, Vol. 29 No. 1, pp. 46-62.
- van Beek, I., Hu, Q., Schaufeli, W.B., Taris, T.W. and Schreurs, B.H.J. (2012). **"For fun, love, or money: what drives workaholic, engaged, and burned out employees at work?".** Applied Psychology: An International Review, Vol. 61 No. 1, pp. 30-55.
- van Wijhe, C., Peeters, M., Schaufeli, W.B. and Van den Hout, M. (2011). **"Understanding workaholism and work engagement: the role of mood".**

۶

بررسی ارتباط بین حمایت‌های اجتماعی و خودتنظیمی با فعالیت بدنی اوقات فراغت کارگران ایران

مهدیه آیرم[۱]
علی زارعی[۲]
فرشاد تجاری[۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۵/۳/۱۲

هـدف از مطالعهٔ حاضر، بررسی ارتباط حمایت اجتماعی با خودتنظیمـی و رابطه آن با فعالیت بدنی اوقات فراغت کارگران ایران می‌باشد. این پژوهش توصیفی – پیمایشی است. جامعه آماری آن، کارگران ایران و نمونه آمـاری بـه روش تصادفی طبقه ای ساده از ۱۵ استان، به تعداد ۳۸۸ کارگر می‌باشد. جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامـه «مشارکـت در فعالیت بدنی اوقات فراغت»، «حمایت اجتماعـی» و «خودتنظیمی» (کائی گانگ لی ،۲۰۱۰) انجام شد. برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی و برای تحلیل روابط از رگرسیون تک متغیره و چند گانه استفاده شد (p<۰/۰۵). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان داد بین حمایت اجتماعی وخودتنظیمی، ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. لذا حمایت‌های اجتماعی و کمک هایی که از سوی دوستان و به ویژه اعضای خانواده می‌شود، تاثیر بسزایی در افزایش خودتنظیمی دارد. همچنین، بین خودتنظیمی و فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت رابطه مثبت و معنی دار برقرار است؛ یعنی اگر افراد بخواهند در زمان فراغت شان بیشتر و به طور مداوم به فعالیت‌های بدنی بپردازند، باید اهدافشان را مدیریت و سازماندهی نمایند. لذا پیشنهاد می‌گردد که آحاد جامعه به منظور برخورداری از فواید مشارکت در فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت و افزایش سلامت جسمانی، برنامه ریزی را در فرایند روزمره خود مورد تاکید قرار دهند.

واژگان کلیدی: حمایت اجتماعی، خودتنظیمی، فعالیت بدنی اوقات فراغت،کارگران و ایران

۱. دکترای مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشگاه پیام نور و دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
E-mail: Mahdieh_irom@yahoo.com
۲. دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. استاد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در دهــه اخیر، مقوله سلامت و تندرستی افراد جامعه بخصوص شاخــص اضافه وزن و امراض ناشی از آن، توجــه بسیاری را به خود جلب کــرده است. از این رو، مشارکت در فعالیت‌هــای بدنی و اتخاذ سبک زندگی فعــال از اهمیتــی دوچندان برخوردار گردیده و متعاقبا افــرادی که از نظر بدنی فعالترند، از سلامت بیشتری نیز برخوردارنــد. بسیاری از آثار نامطلوب محیط اجتماعی، اقتصادی، وضع خانوادگی، وراثت و مانند آن از طریق ورزش و فعالیت‌های بدنی کاهش می‌یابد یا حتی به طور کامل از بین می‌رود (پارسامهر و همکاران،۱۳۹٤: ۱۸٦). متغیرحمایت اجتماعی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، مفهومی چند بعدی است که به اشکال و طرق مختلفــی تعریف شده است. برخی از پژوهشگــران حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبــت، احترام، توجه و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستــان و دیگران تعریف کرده اند (هریس الکساندرا ،۲۰۱۲: ۷۱٤)[1]. حمایت‌های اجتماعی خانواده و دوستان می‌توانــد نقش اساسی در حل مشکلات اجتماعــی و به تبع آن در تامین سلامت جسمانی و روانی افراد داشته باشد. متغیرخودتنظیمی نیز یکی از عوامل کلیدی تئوری شناختی اجتماعی است که در انجام فعالیت بدنی، نقش تعیین کننده ای دارد وشامل مهارت هایی چون: تعیین هدف، برنامه ریزی، سازماندهی و مدیریت فعالیت‌های بدنی است (اندرسون ، ۲۰۰٦: ۵۱۱، بندورا ، ۲۰۰٤: ۱۵۰، اولیوریا ، ۲۰۱۱: ۱۲۰)[2]. به طور منطقی می‌توان گفت از محرک‌هــای لازمــه جهت شروع فعالیت‌های بدنی، داشتن انگیزه و اعتماد به نفس در اجرای آن می‌باشد، اما بــرای حفظ و انجام فعالیت‌های بدنی در طولانی مدت،کافی نیستند. برای حفظ حرکات در طولانی مدت، فرد باید قادر باشد تا اجرای فعالیت‌ها را کنترل نماید که می‌توان کنترل اجرای فعالیت‌ها را به خود تنظیمی نسبت داد(بندورا ، ۲۰۰٤: ۱۵۱).

در بررســی مطالعــات انجام شده در این زمینه می‌توان به تحقیقی اشاره نمود که رابطه بین الگوهای شناختی اجتماعی و ارتقای انگیزه انجام فعالیت بدنی در بین دانشجویان دانشگاه یزد را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های تحقیق نشان داد که حمایت اجتماعی دوستان با ، رابطه مثبت و معنی داری دارد، اما بین حمایت اجتماعی خانواده و انجام فعالیت بدنی به علت اینکه دانشجویان در محیط خوابگاه و به دور از خانواده بودند، ارتباط معنی داری یافت نشد. همچنین، یافته‌های رگرسیون گام به گام نشان داد که حمایت اجتماعی دوستان در قدم اول از عوامل اصلی در مدل ارائه شده برای شناخت رفتار فعالیت بدنی در این نمونه می‌باشند (پارسامهر و همکاران ،۱۳۹٤: ۱۹۱). مطالعه آقاخانبابایی و همکارانش نیز نشان داد که بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن یعنی خانواده و دوستان با مشارکت در فعالیت‌های بدنی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (آقاخانبابایی و همکاران، ۱۳۹۵: ٦۸). در بررســی ارتباط فعالیت فیزیکی، حمایــت اجتماعی و خستگی سالمندان شهر ایلام نیز محققان نشان دادند بین فعالیت فیزیکی، حمایت اجتماعی و خستگی ارتباط آماری معنی داری وجود دارد و با افزایش حمایت اجتماعی درک شده سالمندان، بر میزان فعالیت فیزیکی آنها افزوده و از میزان خستگی آنها کم می‌شد(برجی،متقی،۱۳۹٦: ٥٤). درتحقیقی دیگرکه به بررسی عوامل محیطی و روانشناختی–اجتماعی همبسته با فعالیت جسمانی در اوقات فراغــتِ دانش آمــوزان دختر مقطع متوسطه شهر کرمانشاه پرداخته شده بود، یافته‌هــا حاکی از آن بود که همهٔ

1. Harris, Wilson Alexandra
2. Anderson, Bandura, Oliveira

متغیرهای محیطی و روانی – اجتماعی، به‌طور معنی‌داری با هم همبستگی متقابل داشته و با فعالیت جسمانی رابطهٔ معناداری دارند و عوامل حمایت اجتماعی دوستان، دارای ضریب تأثیر معنادار و پیش‌بینی‌کننده فعالیت جسمانی در اوقات فراغت بود(یوسفی و همکاران،۱۳۹۳: ۹۸). درمطالعه ای دیگر، حمایت اجتماعی از دوستان، خانواده و حریف تمرینی، با سطوح بالایی از فعالیت بدنی ارتباط مستقیم داشت و فاکتورهای اجتماعی منفی، منجر به کاهش یا مانع مشارکت افراد به فعالیت بدنی می‌گردید (روگرز و همکاران،۲۰۰۵: ۸۱۱)[1]. گزارش‌های تحقیقی دیگــر حاکی از آن بود که سطح کم حمایت اجتماعی خانــواده یا دوستان، در میان دانشجویان منجر به کاهش فعالیت بدنی می‌گردد (اولوریا وهمکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۱). در بررسی مطالعات مرتبط با متغیر خودتنظیمی نیز نتایج تحقیق گروهی از محققان که به بررسی رابطه خودتنظیمی با اعتماد به تعادل در سالمندان مرد فعال و غیر فعال پرداختند، نشان داد خودتنظیمی به افراد فعال این امکان را می‌دهد که خود را با محیط اجتماعی و فیزیکی سازگار کنند و ارتباط بین خودتنظیمی و اعتماد به تعادل در افراد فعال مثبت و معنادار بود(حسینی،حاتم نژاد،۱۳۹۶: ٤٧٨). همچنین، پژوهشگران خودتنظیمی را به عنوان یک متغیر نهفته در دو مقیاس تعیین هدف و برنامه ریزی مورد ارزیابی قرار دادند که یافته‌های آنان نشان داد خودتنظیمی تاثیر مهمی بر اجرای فعالیت بدنی بزرگسالان جوان دارد و نشان دهنده این است که مهارت‌های خودتنظیمی مانند تعیین هدف، خودنظارتی، برنامه ریزی و حل مسئله به شدت به سطوح بالایی از فعالیت بدنی منجر می‌شود(رونیاک وهمکاران،۲۰۱۰: ۱۵۲)[2]. تحقیقی دیگر به ارتباط بالای(r= ۰/۵۲) میان خودتنظیمی و فعالیت بدنی در دانش آموزان یک کالج اشاره می‌کند (پتوسا و همکاران ، ۲۰۰۸: ۱۵۹)[3]. در مطالعه دیگر که متغیرهای جمعیت شناختی، خودکارآمدی وخودتنظیمی در افراد مسن مورد بررسی قرار گرفت، نشان داده شد که میان استفاده از استراتژی‌های خودتنظیمی با مشارکت در فعالیت‌های بدنی ارتباط معنی داری وجود دارد(ویلکاکس وهمکاران،۲۰۰۸: ۳۳۱)[4].

همچنین، روابط بین مهارت‌های خود تنظیمی و فعالیت بدنی در افراد چاق مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شــد که بین خودتنظیمی و فعالیت بدنی جامعه مورد تحقیــق ارتباط معنی دار بود (آن نسی،۲۰۱۰: ٦٥٨)[5]. دریــک مطالعــه طولی نیز که طی مدت دو سال انجام شد، محقق به این نتیجه رسید که والدینی که مهارت‌های خودتنظیمی را در نظر گرفتند، خطر چاقی را در کودکان خود کاهش دادند (گارسیا و همکاران،۲۰۱۳: ۱۱٤۰)[6]. همچنین، مطالعات محقق دیگری نیز نشان داد که ارتباط مثبت و قوی میان مهارت‌های خودتنظیمی (تعیین هدف، برنامه ریزی و سازماندهی) و فعالیت بدنی اوقات فراغت وجود دارد(کائی گانگ لی،۲۰۱۰: ۸۰٦)[7].

با نگاهی چالشی بر آمار منابع علمی موجود در کشور همچون پژوهش ها، پایان نامه‌ها و مطالعات صورت گرفته در حوزه معلولان و کارگران می‌توان ضعف و عملکرد نامطلوب بخش علمی و پژوهشی کشور در زمینه بررسی و تحلیل مسائل، مشکلات و چالش‌های مترتب بر اقشار فوق را احصا نمود. به هر حال، این نکته بسیار تأمــل بر انگیز است که بــا وجود مشکلات و چالش‌های متعدد جوامع یاد شده در حوزه‌های مختلف از جمله

1. Rogers
2. Rovniak
3. Petosa
4. Wilcax
5. Annesi
6. Garcia
7. Kaigang Li

مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی، ورزش و سلامتی و.. متاسفانه تا کنون خیزش و حرکت بنیادینی در راستای انجام پژوهش‌ها و مطالعات علمی به ویژه در زمینه ورزش، فعالیت بدنی و رفاه جامعه کارگری صورت نگرفته و وضعیت مباحثی از این قبیل در هاله ای از ابهام قرار دارد. طبق آمار اخذ شده از حوزه آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جمعیت کارگران در ایران بالغ بر یازده میلیون نفر برآورد گردیده است. اکنون با عنایت به وسعت چشمگیر جامعه آماری موصوف و لزوم رسیدگی و توجه به امر ورزش و سلامت کارگران، پیاده سازی طرح‌ها و الگوهای پیشرفت در امور ورزش و سلامت جامعه کارگری، امری اجتناب ناپذیر تلقی می‌گردد. لذا محقق برآن است تا به تحلیل ارتباط حمایت اجتماعی دوستان و خانواده، همچنین رابطه خودتنظیمی از دو بعد برنامه ریزی و تعیین اهداف با فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت کارگران ایران بپردازد و بررسی نماید که آیا این متغیرها بر میزان مشارکت کارگران در فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت اثرگذار است یا خیر؟

روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش که بررسی رابطه بین متغیرهای پیش بین مد نظرومشارکت در فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت کارگران می‌باشد، این پژوهش با رویکرد کمی و به روش توصیفی- پیمایشی انجام شده است. همچنین این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی است. جامعه آماری آن کلیه کارگران ایران بودند و نمونه آماری تحقیق به صورت تصادفی طبقه ای ساده و بر اساس جدول مورگان، به تعداد ۳۸۸ نفر انتخاب شدند. تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در ۵ منطقه کشور (شمال- جنوب- شرق- غرب- مرکز) و در ۱۵ استان توزیع شد که در نهایت داده‌های ۳۸۸ پرسشنامه قابل قبول، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه اطلاعات فردی، مشارکت در فعالیت بدنی اوقات فراغت، حمایت اجتماعی و خودتنظیمی (کائی گانگ لی ، ۲۰۱۰) بوده است. پرسشنامه اطلاعات فردی شامل پرسش در مورد جنسیت، سن، وضعیت شغلی و وضعیت سلامتی(بیماری هایی چون: فشارخون، قلب وعروق، مبتلابودن به بیماری‌های خاص، دیابت، تیروئید و..) بوده است. در پرسشنامه مشارکت در فعالیت‌های بدنی سطح شدید نیز از شرکت کنندگان سوال شد که آیا در هفت روز گذشته، فعالیت بدنی شدیدی که حداقل به مدت بیست دقیقه بوده و باعث شده تا میزان تنفس و تعداد ضربان قلب آنها افزایش یابد- به طوری که صحبت کردن برایشان مشکل شده باشد- انجام داده اند؟ در صورتی که جواب شان بلی بود، بایستی سوال بعد را که پر کردن جدولی بود تا مدت زمان آن فعالیت بر حسب ساعت و دقیقه را مشخص نمایند، را نیز پاسخ می‌دادند. در سطح متوسط نیز طرح سوال به همان صورت مذکور بود و تنها تفاوت آن در مدت زمانش یعنی سی دقیقه عنوان گردید. در نهایت، با جمع فعالیت‌های مربوطه در هفت روز گذشته، به طور کلی سه گروه برای این مقادیر در نظر گرفته شد:

- کمتر از ۱۵۰ دقیقه در هفته (داشتن سطح کمی از فعالیت بدنی اوقات فراغت)
- ۱۵۰-۲۹۹ دقیقه در هفته(داشتن سطح متوسطی از فعالیت بدنی اوقات فراغت)
- بیشتر یا مساوی با ۳۰۰ دقیقه در هفته (سطح شدیدی از فعالیت بدنی اوقات فراغت).

برای بررسی پایایی مقیاس‌ها، از آلفای کرونباخ استفاده گردید که در جدول زیر، تعداد گویه‌ها و ضرایب آلفای کرونباخ هر مقیاس و خرده مقیاس پرسشنامه بیان شده است و نشان می‌دهد که پرسشنامه‌ها از پایایی لازم برخوردار هستند. برای پاسخگویی به سوالات مربوط به هر یک از شاخص ها، از طیف پنج درجه ای لیکرت استفاده گردیده است.

جدول ۱: اطلاعات مقیاس و خرده مقیاس‌های پرسشنامه

مقیاس	خرده مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
حمایت اجتماعی	دوستان	۵	۰/۷۱
	خانواده	٦	۰/۸٦
خودتنظیمی	هدف	٤	۰/۷۱
	برنامه	٤	۰/۸۰
مشارکت در فعالیت بدنی اوقات فراغت		٤	۰/۸۲

طبـق تعاریف دپارتمان خدمـات بهداشتی و انسانی ایالات متحده آمریکا، منظور از فعالیت‌های بدنی اوقات فراغـت دراین پژوهش، فعالیت هایی همچون: تمریـن، ورزش، فعالیت‌های تفریحی یا سرگرمی است که با فعالیت‌هـای منظم و وظایف شغلی، کارهـای خانه یا تردد روزمره، مرتبط نمی باشد(سازمان خدمات بهداشتی آمریکا، ۲۰۰۸)[1]. این فعالیت ها، طی یک هفته مورد بررسی قرار گرفت. به منظور توصیف داده‌ها از روش‌های آمـار توصیفـی و برای تحلیل روابط از رگرسیون تک متغیره و چند گانه استفاده شد (p<۰/۰۵ ۰). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است.

یافته‌های پژوهش

در این بررسی از ۳۸۸ کارگر، بر اساس میزان مشارکت در فعالیت‌های بدنی،۱۰۲ نفر زن و ۲۸٦ نفر مرد بودند که در پنج رده سنی طبقه بندی شدند.

جدول۲: متغیرهای جمعیت شناختی کارگران

		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۸٦	۷۳/۷
	زن	۱۰۲	۲٦/۳
سن	۱۸ تا ۲٤ سال	۳۱	۸
	۲۵ تا ۳٤ سال	۹۰	۲۳/۲
	۳۵ تا ٤٤ سال	۱٦۸	٤۳/۳
	٤۵ تا ۵٤ سال	۵۸	۱٤/۹
	۵۵ تا ٦٤ سال	٤۰	۱۰/۳
	بالاتر از ٦۵ سال	۱	۰/۳

1. U. S. Department of Health and Human Services

وضعیت سلامت	ضعیف	۲۹	۷/۵
	مناسب	۱۱۸	۳۰/٤
	خوب	۱۰٤	۲٦/۸
	خیلی خوب	۱۱۷	۳۰/۲
	عالی	۲۰	۵/۱
وضعیت شغلی	استخدام تمام وقت	۸۹	۲۲/۹
	استخدام پاره وقت	۱۱۳	۲۹/۱
	قراردادی	۹۳	۲٤
	پیمانی	۵٤	۱۳/۹
	سایر موارد	۳۹	۱۰/۱
وضعیت مشارکت در فعالیت بدنی	غیر فعال	۵٦	۱٤/٤
	کمتر از ۱۵۰ دقیقه	٦٦	۱۷
	بین ۱۵۰ تا ۲۹۹ دقیقه	۱۵۷	٤۰/۵
	بیشتر از ۳۰۰ دقیقه	۱۰۹	۲۸/۱

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد اکثر آزمودنی‌ها در رده سنی ۳۵-٤٤سال (٤۳/۳درصد)، با وضعیت شغلی پـاره وقـت (۲۹/۱ درصد) و از نظر وضعیت سلامتی نیز ۳۰/٤ درصد آنها در وضعیت سلامت مناسب و ٤۰/۵ درصد آزمودنی‌ها دارای سطح متوسطی از فعالیت بدنی اوقات فراغت بودند.

بـا توجه به نتایج حاصله از تحلیـل رگرسیون تک متغیری جهت تعیین ارتبـاط متغیر حمایت اجتماعی با خودتنظیمی (R= ۰/٤۸۳ ، R_2 = ۰/۲۳٤ وضریب تعیین تعدیل شده =۰/۲۳۲) و اطلاعات جدول زیر و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «حمایت اجتماعی» و «خودتنظیمی» وجود دارد. همچنین، با توجه به نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون جند متغیری جهت تعیین ارتباط حمایت اجتماعی دوستان و خانواده با مولفه خودتنظیمی (R= ۰/٤۹۵ ، R_2 = ۰/۲٤۵ وضریب تعیین تعدیل شده =۰/۲٤۱) ارتباط معنی‌داری بین «مولفه‌های حمایت اجتماعی» و «خودتنظیمی» در سطح α=۰/۰۵ مشاهده می‌شود:

جدول ۳: رگرسیون تک متغیری وچند متغیری جهت تعیین ارتباط حمایت اجتماعی و مولفه‌های آن با خودتنظیمی

	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزانF	سطح معنی داری
حمایت اجتماعی	رگرسیون	۱۲۶۰۷/۲۹۱	۱	۱۲۶۰۷/۲۹۱	۱۱۷/۳۹٤	۰/۰۰۱
	باقیمانده	٤۱۳٤٦/۱۵۱	۳۸۵	۱۰۷/۳۹۳		
	کل	۵۳۹۵۳/٤٤۲	۳۸٦			
مولفه‌های آن (دوستان و خانواده)	رگرسیون	۱۳۲۳۸/۲۱۳	۲	٦٦۱۹/۱۰٦	٦۲/٤۲۷	۰/۰۰۱
	باقیمانده	٤۰۷۱۵/۲۲۹	۳۸٤	۱۰٦/۰۲۹		
	کل	۵۳۹۵۳/٤٤۲	۳۸٦			

براساس ضریب تعیین تعدیل شده می‌توان اذعان داشت ۲۳/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خودتنظیمی) به وسیله متغیر حمایت اجتماعی و ۲٤/۱ درصد توسط مولفه‌های حمایت اجتماعی (دوستان و خانواده) تبیین می‌شـود. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون نیز ارائه شود:

جدول ٤: ضرایب رگرسیون متغیر حمایت اجتماعی و مولفه‌های آن

متغیر ملاک	حمایت اجتماعی	ضریب بتا	ضریب استاندارد شده بتا	میزانt	سطح معنی‌داری
خودتنظیمی	حمایت اجتماعی	۰/۳۹٤	۰/٤۸۳	۱۰/۸۳۵	۰/۰۰۱
	حمایت اجتماعی دوستان	۰/۱۹۱	۰/۱۱٦	۲/۱۰٤	۰/۰۳٦
	حمایت اجتماعی خانواده	۰/۵٤۸	۰/٤۱۷	۷/۵۳٦	۰/۰۰۱

قضاوت در مورد سهم متغیر حمایت اجتماعی و مولفه‌های آن در تبیین متغیر ملاک بر اساس ضریب بتا- که با توجه به اطلاعات جدول فوق، ضریب بتای حمایت اجتماعی ۳۹/٤ درصد و ضریب بتای حمایت اجتماعی خانواده ۵٤/۸ درصد است- به مراتب بیشتر از ضریب بتای حمایت اجتماعی دوستان می‌باشد. لذا سهم و نقش حمایت اجتماعی و مولفه خانواده در تبیین متغیر ملاک بسیار بیشتر است.

نتایج حاصلـه از تحلیل رگرسیون تک متغیری جهت تعیین ارتباط متغیرخودتنظیمی با فعالیت بدنی اوقات فراغـت (R= ۰/۳۸۳ ، R_2 = ۰/۱٤۷ وضریـب تعیین تعدیل شـده =۰/۱٤٤) واطلاعات جدول ۵ نشان داد که ارتبـاط معنی‌داری بیـن «خودتنظیمی» و «فعایت بدنی اوقات فراغت» وجـود دارد. همچنین، با توجه به نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون چند متغیری جهت تعیین ارتباط مولفه‌های خودتنظیمی با فعالیت بدنی اوقات فراغت

(R= ۰/٤١٤ ، R_2 = ۰/۱۷۱ وضریب تعیین تعدیل شده =۰/۱٦۷) ارتباط معنی‌داری بین «مولفه‌های خودتنظیمی» و «فعالیت بدنی اوقات فراغت» در سطح α=۰/۰۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۵: رگرسیون تک متغیری وچند متغیری جهت تعیین ارتباط خودتنظیمی و مولفه‌های آن با فعالیت بدنی اوقات فراغت

	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Fمیزان	سطح معنی داری
خودتنظیمی	رگرسیون	٥٦/٤٧٧	۱	٥٦/٤٧٧	٦٦/۱۱۷	۰/۰۰۱
	باقیمانده	۳۲۸/۸٦۲	۳۸٥	۰/۸٥٤		
	کل	۳۸٥/۳۳۹	۳۸٦			
مولفه‌های آن (اهداف و برنامه‌ها)	رگرسیون	۷٦٥/۹۱۸	۲	۳۲/۹٥۹	۳۹/٦۲۳	۰/۰۰۱
	باقیمانده	۳۱۹/٤۲۰	۳۸٤	۰/۸۳۲		
	کل	۳۸٥/۳۳۹	۳۸٦			

براســاس ضریب تعیین تعدیل شده می‌توان اذعان داشت ۱٤/٤درصد از تغییرات متغیر وابسته (فعالیت بدنی اوقات فراغت) به وسیله متغیر خودتنظیمی و۱٦/۷درصد توسط مولفه‌های خودتنظیمی (اهداف و برنامه‌ها) تبیین می‌شــود. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون نیز ارائه شود:

جدول ٦ : ضرایب رگرسیون متغیر خودتنظیمی و مولفه‌های آن

متغیر ملاک	متغیرخودتنظیمی	ضریب بتا	ضریب استاندارد شده بتا	tمیزان	سطح معنی‌داری
فعالیت بدنی اوقات فراغت	خودتنظیمی	۰/۰۳۲	۰/۳۸۳	۸/۱۳۱	۰/۰۰۱
	اهداف	۰/۰۰٥	۰/۰۳٦	۰/٥٥٥	۰/٥۷۹
	برنامه‌ها	۰/۰٦۸	۰/۳۸۸	٦/۰۰٥	۰/۰۰۱

بــا توجه به اطلاعــات جدول فوق، در مورد سهم متغیر خودتنظیمی و مولفه‌های آن در تبیین متغیر ملاک بر اساس ضریب بتا، می‌توان گفت ضریب بتای خودتنظیمی ۳/۲ درصد و ضریب بتای مولفه برنامه ٦/۸ درصد، به مراتب بیشتر از ضریب بتای مولفه اهداف است. لذا سهم و نقش متغیر خودتنظیمی و مولفه برنامه ریزی آن، در تبیین متغیر ملاک بسیار بیشتر است. همچنین، داده‌های جدول و ضرایب رگرسیون به دست آمده، نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌داری بین «مولفه برنامه» با «فعالیت بدنی اوقات فراغت» مشاهده می‌شود(p<۰/۰٥)، ولی ارتباط معنی‌داری بین «مولفه اهداف» با «فعالیت بدنی اوقات فراغت» مشاهده نمی‌گردد(p>۰/۰٥).

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش رابطه میان حمایت اجتماعی و خودتنظیمی با فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت در بین کارگران مـورد بررسی قرار گرفـت. نتایج تحقیق نشان داد بین حمایت اجتماعی و مولفه‌هـای آن (دوستان و خانواده) بـا خود تنظیمی رابطـه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، سهم و نقـش حمایت اجتماعی به ویژه مولفه خانواده در تبیین متغیر ملاک(خودتنظیمی) برتر بود. یافته‌های این پژوهش، تایید مجددی بر یافته‌های پژوهشی (آقاخانبابایی و همکـاران،۱۳۹۵ : ٦٨)، (برجی،متقی،۱۳۹٦ : ٥٤)، (پارسامهر و همکاران،۱۳۹٤: ۱۹۱)، (یوسفی و همکـاران،۱۳۹۳: ۹۸)، (روگرز و همکاران، ۲۰۰۵: ۸۱۱)، (اولوریا و همکاران،۲۰۰۸ : ۱۲۱) و (کای گانگ لی ،۲۰۱۰: ۸۰٦)که به بررسی رابطه بین متغیرهای نظریه شناختی اجتماعی با متغیر فعالیت بدنی پرداخته اند، بوده است. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان داد بین خودتنظیمی و مولفه برنامه با فعالیت بدنی اوقات فراغت رابطه مثبت و معناداری وجود داردکه این نتایج نیز با نتایج تحقیقات (حسینی ،حاتم نژاد،۱۳۹٦ : ٤٧٨)، (روونیاک و همکـاران ،۲۰۱۰: ۱۵۲)، (پتوسـا و همکاران،۲۰۰۸: ۱۵۹)، (ویلکاکس و همکـاران ، ۲۰۰۸: ۳۳۱)، (آن نسی و همکاران،۲۰۱۰ : ٦٥٨)، (گارسیا و همکاران،۲۰۱۳: ۱۱٤۰) و (کای گانگ لی ،۲۰۱۰: ۸۰۷) شباهت داشته است. به طور کلی، بر اساس نتایج تحقیق می‌توان بیان نمود حمایت‌های اجتماعی و کمک هایی که از سوی دوستان و به ویژه اعضای خانواده می‌شود، تاثیر بسزایی در افزایش خودتنظیمی دارد. در واقع، خودتنظیمی می‌تواند نقش میانجی در انجام فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت داشته باشد. از طرفی اگر افراد بخواهند در زمان فراغت شان بیشتر و به طور مداوم به فعالیت‌های بدنی بپردازند، باید اهدافشان را مدیریت و سازماندهی نمایند. بدیهی است که توجه افراد به ویژه به برنامه ریزی می‌تواند در دستیابی به اهداف فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت نقش موثری داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که آحاد جامعه به منظور برخورداری از مزایا و فواید مشارکت در فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت در فرایند روزمره خود، برنامه ریزی را مورد تاکید قرار دهند.

همچنیـن، بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گـردد با رفع موانع و ایجاد شرایط و تسهیلات بهینه جهت مشارکت بیشتر افراد در انجام فعالیت‌های بدنی در محیط‌های کاری و بهبود فاکتورهای روانشناختی، به افزایش انجـام فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت و ارتقای سلامـت آنان اهتمام ورزیده شود. همچنین، ضروری است تا کارفرمایان و نهادهای مسئول در امور رفاهی و ورزشی کارگران نسبت به تدوین و اجرای برنامه‌های مدون در راستای برگزاری و اجرای فعالیت‌های ورزشی در محیط کار بویژه در اوقات فراغت کارگران تصمیمات جدی اتخاذ نمایند.

در انجـام این پژوهش محدودیت هایی وجود داشت؛ ازجمله: میزان صحت و دقت پاسخگویی به سوالات توسط کارگران زن و مرد. برخی از شرایط اثرگذار بر نتایج تحقیق (فرهنگی،اجتماعی،اقتصادی و..) نیز در اختیار محقق نبوده است. همکاری برخی از کارگران در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها هم محدود بود.

منابع

- آقاخانبابایی، مریم؛ مظفری، سیداحمد و پورسلطانی زرندی، حسین. (۱۳۹۵). «**نقش میانجی گری خودکارآمدی دررابطه بین حمایت اجتماعی و مشارکت در فعالیت بدنی دانشجویان**». نشریه پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. دوره ٦ ، شماره ١١ ، ص ٧١-٦٣.
- برجی،میلاد و متقی، مینو. (١٣٩٦).«**بررسی ارتباط فعالیت فیزیکی حمایت اجتماعی و خستگی سالمندان شهر ایلام**». نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری. دوره٣، شماره٤، ص ٥٧-٥٠.
- پارسامهر، مهربان ، نیک نژاد، محمدرضا ، حدت ،اله.(١٣٩٤). «**بررسی رابطه الگوهای شناختی اجتماعی و ارتقای انگیزه انجام فعالیت بدنی دربین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه یزد**». پژوهش نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی ،سال یازدهم شماره ٢١، ص ١٨٥ -٩٣.
- حسینی،فاطمه سادات،حاتم نژاد،امید.(١٣٩٦). «**رابطه بین خودتنظیمی با اعتماد به تعادل در سالمندان مرد فعال و غیرفعال**». مجله سالمندی ایران. دوره٤،شماره١٢،ص ٤٨١-٤٧٠.
- یوسفی بهرام ، صابونچی رضا ، سنگ سفیدی بیتا ، عسگری مریم. (١٣٩٣). «**عوامل محیطی و روانشناختی- اجتماعی همبسته با فعالیت جسمانی در اوقات فراغت دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرمانشاه**». نشریه پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی.دوره ٤ ، شماره ٨ ، ص ١٠١-٩٣.
- Anderson, E. S., Wojcik, J. R., Winett, R. A., & Williams, D. M. (2006). **"Social–cognitive determinants of physical activity: The influence of social support, self-efficacy, outcome expectations, and self-regulation among participants in a church-based health promotion study".** Health Psychology, 25(4),510-520.
- Annesi, J. J. (2010). **"Relationships between self-regulation skills and physical activity and fruit and vegetable consumption in obese adults: mediation of mood and self-efficacy".** International Journal of Obesity, 34, 633–641.
- Bandura, A. (2004). **"Health Promotion by Social Cognitive Means".** Health Education and Behavior, 31(2),143-164.
- Garcia, Bengoechea Enrique, Ruiz Juan Francisco, and Louise Bush Paula. (2013). **"Delving Into the Social Ecology of Leisure-Time Physical Activity Among Adolescents From South Eastern Spain".** Journal of Physical Activity and Health, No: 10, 1136-1144.
- Harris, Wilson Alexandra. (2012). **"The Role of Relational Efficacy Beliefs on Adolescent's leisure time physical activity".** Psychology of Sport and Exercise, 13(6):713-720.
- Kaigang, Li. (2010). **"An explicative model of leisure-time physical activities among church-goingAfrican Americans in Indianapolis".** Am J Health Behav.No :36(6), 797-810.
- Oliveira, Adair, Claudia L., Ponce de Leon A., Rostila2 M., Griep R. , Werneck G. and Faerstein, E. (2011). **"Social support and leisure-time physical activity:longitudinal evidence from the Brazilian".** International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity, No : 8,77,115-124.

- Petosa, R. L., Hortz, B. V., Cardina, C. E. & Suminski, R. R. (2005). **"Social cognitive theory variables associated with physical activity among high school students".** International Journal of Sports Medicine, 26,158-163.
- Rogers, L., Shah, P., Dunnington, G., Greive, A., Shanmugham, A., Dawson, B., et al. (2005). **"Social cognitive theory and physical activity during breast cancer treatment".** Oncol Nurs Forum, 32(4),807-815.
- Rovniak, L. S., Anderson, E. S., Winett, R. A., & Stephens, R. S. (2010). **"Social cognitive determinants of physical activity in young adults: A prospective structural equation analysis".** Annals of Behavioral Medicine, 24(2),149-156.
- U. S. Department of Health and Human Services. (2008). **Physical activity guidelines for Americans.** Hyattsville, MD: US Department of Health and Human Services.
- Wilcox, S., Bopp, M., Oberrech, L., Kammermann, S., & McElmurray, C. T. (2008). **"Psychosocial and perceived environmental correlates of physical activity in rural and older African American and White women".** Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences, 58B(6),329-337.

۷

تدوین مدل ارتباطی سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی با میانجی گری خودکارآمدی شغلی در بین کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان اردبیل

نسرین عزیزیان کهن[۱]
ماهرخ دهقانی[۲]
ایوب بهتاج[۳]
غفار کریمیان پور[٤]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹٦/۹/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹٦/۱۰/۳۰

هــدف این پژوهش، تدوین مدل ارتباطی سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی با میانجی گری خودکارآمدی شغلــی بــود. پژوهش از نظر هدف، کاربــردی و ازلحاظ روش توصیفی، از نــوع همبستگی به روش معادلات ساختــاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارکنــان اداره کل ورزش وجوانان اردبیل بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای ۱٤٥ نفر از کارکنان اداره کل ورزش وجوانان اردبیل به عنوان نمونه انتخاب شدنــد. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌هــای «سرمایه‌ی روانشناختی»، «پرسشنامه خودکارآمدی شغلی» و «پرسشنامه اشتیاق شغلی» استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها مورد تایید قرار گرفته و پایایی آنها به ترتیب

۱. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Nasrinazizian@yahoo.com
۲. استادیار رفتار حرکتی، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی،اردبیل، ایران
۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تبریز، ایران
٤. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۰/۷۸، ۰/۸۸ و ۰/۷۲ بـه دسـت آمده است. بـرای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افـزار spss (میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون کولموگروف اسمیرنوف) و LISREL استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که اثر مستقیم سرمایه روانشناختی بر خودکارآمدی شغلی با بتای ۰/۳۹ و بر اشتیاق شغلی با بتای ۰/۳۶ معنی‌دار است و همچنین خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی با بتای ۰/۲۵ اثر مستقیم دارد. نقش واسطه‌ای خودکارآمدی شغلی در رابطه بین سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی کارکنان نیز با بتای ۰/۰۹ معنی‌دار بـود. بنابرایـن می‌توان گفت که سرمایه روانشناختی و خودکارآمدی شغلی از متغیرهای مهم و مرتبط با اشتیاق شغلی در کارکنان هستند.

واژگان کلیدی: سرمایه روانشناختی، خودکارآمدی شغلی و اشتیاق شغلی

مقدمه

در سالیـــان اخیـــر توجه به اشتیاق شغلی[1] به عنوان یک مولفه روانشناختـــی در سازمان ها، بحث‌ها و مطالعات بسیـــاری را به وجـــود آورده است و به عنوان عنصری حیاتی در اثر بخشی سازمان مورد توجه رهبران و مدیران سازمان‌ها قرار گرفته است (بدارکر و پاندیتا[2]، ۲۰۱۳). مکلود و کلارک[3] (۲۰۰۹) معتقدند اشتیاق شغلی کارکنان از پارادایم‌های جدید حوزه منابع انسانی بوده و به دلیل راه‌های متنوع بهره برداری از آن تعاریف مختلفی را داراست. اشتیـــاق شغلی یک وضعیت کاری انگیزشی و احساسی مثبت در هنگام کارکردن است که با سه بعد نیرومندی، وقف خود و جذب مشخص می‌شود (شافلی و بیکر[4]، ۲۰۰۴). اشتیاق شغلی یک مفهوم روان شناختی مثبت است و به عنوان شاخص بهزیستی و سلامت روانشناختی در محیط کار شناخته می‌شود (هالبرگ و شائوفلی[5]، ۲۰۰۶). از اشتیاق شغلی به عنوان یک پدیده روان شناختی که حالت گونه شناختی- عاطفی دارد، یاد می‌شود (استیومن و لوتانـــز[6]، ۲۰۱۰). اشتیاق شغلی به عنوان توانایی تسخیر ذهن، قلب، احساس و روح کارکنان جهت القای تدریجی میل و شور و شوق درونی برای تعالی تعریف می‌شود (فلیمینگ. آسپولد[7]، ۲۰۰۷). اندیشمندان برای اشتیاق شغلی سه بعد جذب، نیرومندی و وقف ذکر کرده اند. جذب به میزان تمرکز و غرق شدن فرد در کار خود اشاره دارد. در این حالت فرد سرسختانه درگیر کار خود می‌شود، زیرا تجربه کاری برای او بسیار لذت بخش است. در بعد نیرومندی، فرد در راستای انجام کار خود تلاش قابل ملاحظه ای اعمال می‌کند و در موقعیت‌های دشوار پافشاری بیشتری می‌نماید. کارکنانی که از نیرومندی بالایی برخوردارند، بیشتر به واسطه کار خود برانگیخته می‌شود و در هنگـــام وقوع مشکلات و بروز تعارضات بین فردی مقاومت بیشتـــری از خود نشان می‌دهند (سالانوا، آگوت و پیرو[8]، ۲۰۰۵). سومین بعد اشتیاق شغلی، وقف در کار می‌باشد که با درگیری شدید روانی کارکنان در کار مشخص شـــده و ترکیبی از احساس معنـــی داری، اشتیاق و چالش است. این بعد با مفهوم دلبستگی شغلی، وجه مشترک بسیـــاری دارد و بـــه درجه ای که فرد از لحاظ روانی خود را وابسته به شغل خود می‌داند، اطلاق شود (کارملی و فروند[9]، ۲۰۰۵). اشتیاق شغلی، مفهومی است که با پیامدهای مثبتی همچون: عملکرد شغلی، تقویت رفتارهای مدنی سازمانی و خشنودی شغلی رابطه مثبت و مستقیم دارد و با قصد ترک شغل رابطه منفی دارد (هاکانن، هاکانن، بیکر و دمروتـــی[10]، ۲۰۰۵). کارکنان دارای اشتیاق شغلی، احساس قدرتمندی و ارتباط موثر با کارشان دارند و خود را برای برآوردن مسئولیت‌های شغلشان توانمند می‌بینند (شوفلی، سالانوا، گونزالس-روما و باکر[11]، ۲۰۰۲). شواهد زیادی وجود دارد که در نبود سایر منابع کاری، تنها وجود کارکنان بر انگیخته، دستیابی به اهداف سازمان را میسر می‌سازد. بر اساس پژوهش باکر و لیتر[12] (۲۰۱۰) کارکنان مشتاق به طور کامل مجذوب شغلشان می‌شوند و تکالیف

1. Work engagement
2. Bedarkar & Pandita
3. MacLeod & Clarke
4. Schaufeli & Bakker
5. Hallberg & Schaufeli
6. Sweetman & Luthans
7. Fleming & Asplund
8. Salanova, Agut & Peiro
9. Carmeli & Freund
10. Hakanen, Hakanen, Bakker & Demerouti
11. Schaufeli, Salanova, Gonzalez-Romá & Bakker
12. Bakker & Leiter

شغلی را به طرز مطلوبی به انجام می‌رسانند. کارکنان با اشتیاق شغلی بالا در شغل خود دست به خلاقیت و ابتکار عمل می‌زنند (سالانوا، آگوات، پیرو[1]، ۲۰۰۵) و در برابر کنش‌ها واکنش نشان می‌دهند و خودکارآمدی آنها افزایش می‌یابد و در نتیجه سازمان را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند (لورنس، شائوفلی، باکر، سالانوا[2]، ۲۰۰۷). اشتیاق شغلی نه تنها یک نقش حیاتی برای فهم رفتارهای سازمانی مثبت بازی می‌کند، بلکه در هدایت مدیریت منابع انسانی و سیاست‌های سازمان نیز نقش مهمی دارد (سالانوا و شافلی[3]، ۲۰۰۷). بنابراین، اشتیاق شغلی به عنوان یک منبع مطلوب ممکن است به چرخه ای مثبت از منابع و در نتیجه آثار مثبت بر سلامت منجر شود (هوبفال و شیروم[4]، ۲۰۰۱) که پیامد آن در انجام درست وظایف شغلی محوله و یا رفتارهایی فراتر از آن نمایان می‌شود. با توجه به پیامدهای مثبت اشتیاق شغلی، شناسایی عوامل موثر بر آن ضروری است.

مرور پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که یکی از عوامل پیش‌بین اشتیاق شغلی، خودکارآمدی شغلی[5] است که به‌طور وسیع در زمینه‌های آموزشی، اجتماعی و سازمانی بکار می‌رود (ساکس[6]، ۱۹۹۵). باورهای خودکارآمدی از طریق فرآیندهای شناختی، انگیزشی، کارایی و گزینشی بر عملکرد تأثیر می‌گذارند (پاجارس[7]، ۲۰۰۲). خودکارآمدی به معنی داشتن باور به توانایی انجام کار در موقعیت‌های مختلف شغلی می‌باشد (الله‌توکلی، شهامت و اوجی‌نژاد، ۱۳۹٤). منشأ پیدایش خودکارآمدی پژوهش، نظریه شناختی- اجتماعی بندورا است. مطابق دیدگاه شناختی- اجتماعی، انسان‌ها موجوداتی فعال در نظر گرفته می‌شوند که قادر به خود نظم‌دهی و تنظیم رفتار خود هستند، نه موجودات منفعلی که نیروهای ناشناخته محیطی یا تکانه‌های درونی آنها را کنترل کنند. آنها به‌طور فعال در تحول خویشتن شرکت می‌کنند و می‌توانند با رفتارشان وقایع و رویدادها را تحت کنترل خود درآورند. به باور بندورا، خودکارآمدی باعث ترغیب انگیزش و منابع شناختی فرد می‌شود و عاملی برای اعمال کنترل بر رویدادهای معین است. باور خودکارآمدی پایه‌ای برای انگیزش، بهزیستی و دستاوردهای فردی در همه حیطه‌های زندگی است (سیماراصل، فیاضی و قلی‌پور، ۲۰۱۰). خودکارآمدی شغلی به عنوان یک «برچسب عمومی از قضاوت‌های کارآمدی شخصی در رابطه با دامنه وسیعی از رفتارهای درگیر در انتخاب شغل و سازگاری» توصیف شده است (لنت و هاکت، ۱۹۸۷؛ به نقل از میرندا و آم‌هوفر، ۱۹۹۸؛ به نقل از رجبی، عطاری و شکرکن، ۱۳۸۳). تجربیات ناشی از موفقیت و یا شکست کارکنان در طول سال‌های خدمت، تصورات آنان را در رابطه با توانایی‌هایشان نسبت به انجام وظایف شغلی تحت تأثیر قرار می‌دهد. معمولا افراد فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی را می‌جویند و با شور و شوق به آنها گرایش دارند که احساس کنند می‌توانند خود را با آنها سازگار نمایند یا از پس آنها برآیند- در حالی که از فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی که فکر می‌کنند توانایی مقابله کردن با آنها را ندارند، دوری می‌جویند (ریو، ۱۳۸٦). در واقع، خودکارآمدی به احساس شایستگی در کنترل داشتن بر محیط خود تأکید دارد (بندورا[8]، ۱۹۹٦). اساساً، ادراک فرد از خود، توانایی‌اش در کنترل عواطف و حس مسئولیت شخصی باعث می‌شود وضعیت شغلی را درک و نسبت به آن واکنش نشان دهد (کارد، مس، موریتی و ساز[9]،

1. Salanova, Agut & Peiro
2. Lorens, Bakker, Schaufeli & Salanova
3. Salanova & Schaufeli
4. Hobfoll & Shirom
5. Job self -efficiency
6. Saks
7. Pajares
8. Bandura
9. Card, Mas, Moretti & Saez

۲۰۱۰). مطالعه فراتحلیلی از ٦٨ پژوهش منتشر شده در زمینه خودکارآمدی که بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۸۹ انجام شده‌اند، نشان داده است که باورهای خودکارآمدی به طور مثبت با اقدامات افراد ارتباط دارند (احمدیان، ۱۳۸٤). در حقیقت، خودکارآمدی شغلی در رابطه با متغیرهایی مانند انتخاب‌های شغلی و تحصیلی (بتز و هاکت[1]، ۱۹۸۱)، هویت شغلی (روبینز[2]، ۱۹۸۵)، سازگاری شغلی (بتز و فیتزجرالد[3]، ۱۹۹۳)، پیشرفت تحصیلی و پافشاری (لنت، براون و لارکین[4]، ۱۹۸٦) و تصمیم‌های شغلی (تایلور و پوپما[5]، ۱٦۹۹۰) مورد بررسی قرار گرفته است (به نقل از رجبی، عطاری و شکرکن، ۱۳۸۳: ۷۲). سکاوفیلی و ماریسا[6] (۲۰۰۷) در پژوهش خود رابطه معناداری بین خودکارآمدی و شاخص‌های مثبت روان‌شناختی به‌دست آوردند. نتایج پژوهش نشان داد، افراد با خودکارآمدی بالا کمتر مضطرب و ناامید می‌شوند و در برابر موقعیت‌های تنش‌زا کمتر شاکی هستند و از خوش‌بینی بیشتری نسبت به آینده برخوردارند. مطالعه عبدلی، سلطان احمدی، عیسی زادگان، غلامی، محمودی و امانی (۱۳۹۱) نیز نشان داد که باورهای کارآمدی با رضایت شغلی رابطه مثبت و معناداری دارد.

از طرف دیگر، خودکارآمدی شغلی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. پژوهش مرعشیان و نادری (۱۳۹۲)، پالو[7] (۲۰۱۵) و سیمون و بویتنداک[8] (۲۰۱۰) به رابطه بین سرمایه روانشناختی[9] و خودکارآمدی شغلی اشاره کرده‌اند. سرمایه روانشناختی مفهومی است که عمدتاً از تئوری و تحقیق در حیطه روانشناسی مثبت به دست آمده و در محیط کار مورد استفاده قرار گرفته است (اووی، ریچارد، لوتانز، ماتری[10]، ۲۰۱۱). این سازه یکی از مفاهیم جدیدی است که به عنوان یک سازه مثبت گرا مطرح شده و می‌توان از آن در مدیریت اثربخش ابعاد عاطفی، انگیزشی، نگرشی، شناختی و رفتاری افراد در محیط کار استفاده کرد (لوتانز، یوسف،آولیو[11]، ۲۰۰۷) و از آن به عنوان مزیت رقابت سازمانی یاد می‌شود (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷). سرمایه روانشناختی، یکی از شاخص‌های روانشناسی مثبت گرایی است که با ویژگی هایی از قبیل باور فرد به توانایی هایش برای دست یابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اِسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکلات تعریف می‌شود (لوتانز، یوسف[12] ۲۰۰٤). ارزیابی مثبت از شرایط و احتمال رسیدن به موفقیت، مبتنی بر تلاش انگیزه محور و همراه با پشتکار را سرمایه روانشناختی مثبت می‌نامند (اوی و همکاران[13]، ۲۰۱۰). در واقع، سرمایه روانشناختی جنبه مثبت زندگی انسان‌ها و مبتنی بر درک شخصی خود، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات است (سلیگمن[14]، ۲۰۰۲).

سرمایه روانشناختی می تواند به عنوان وضعیتی که شامل چهار مؤلفه اعتماد به نفس(اعتقاد

1. Betz
2. Robbins
3. Jerald
4. Lent, Brown & Larkin
5. Tailor & popma
6. Schaufeli & Marisa
7. Palo
8. Simons, & Buitendach
9. Psychological Capital
10. Avey, Reichard, Luthans & Mhatre
11. Luthans, Youssef & Avolio
12. Luthans & Youssef
13. Avey et al
14. Seligman

فرد بر توانایی هایش برای بسیج منابع انگیزشی و شـناختی و راهکارهـای مـورد نیـاز بـرای اجـرای موفقیت‌آمیز وظایف خـاص)، امیدواری (وضعیتی شناختی یا تفکری است که افراد را قـادر مـی سـازد کـه اهـداف واقعـی، امـا چالش برانگیز و قابـل پـیش بینـی را مـدون سـازند و سپس به آن اهداف از طریق اراده معطوف بـه خـود، انرژی و ادراک کنترل درونی شده دسـت یابنـد (اسنایدر[1]، ۱۹۹۴)، خوش بینـی (سبک تفسیری که اتفاقات مثبت را بـه علـل دائمی، شخصی و فراگیر و اتفاقات منفی را بـه علـل خارجی، موقتی و شرایط خاص نسـبت مـی دهـد (سـلیگمن،۱۹۹۸) و انعطاف پذیری (ظرفیـت روانشناختی که به وسیله آن افـراد می توانند به طور موفقیت آمیـزی بـرای مقابله با تغییـر، بحـران و ریسـک و مشـکلات ازآن اسـتفاده کننـد) تعریف شوند (لوتانز، یوسف، آولیو، ۲۰۰۷). این مولفه‌ها در یک فرآیند تعاملی و ارزشیابانه به زندگی فرد معنی می‌دهد و تلاش فرد در برابر تغییر موقعیت‌های فشارزا را تدوام می‌بخشد، او را برای ورود به صحنه عمل آماده می‌نماید و مقاومت و سرسختی وی در تحقق اهداف را تضمین می‌کند (جاج و بونو[2]، ۲۰۰۱). سرمایه روانشناختی، روشی مهم برای افزایش قدرت رقابت سازمان‌ها و حفظ مزیت‌های رقابت با سازمان هاست که نقش مهمی در تغییرات سازمانی ایفـا می‌کند (وانگ[3]، ۲۰۱۵). بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سرمایه روانشناختی، ارزش افزوده بیشتری در عملکرد کارکنان نسبت به ویژگی‌های جمعیت شناختی، ویژگی‌های خودارزیابی و ابعاد شخصیتی فرد دارد (اوی، لوتانز و همکاران، ۲۰۰۸). لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند که سرمایه روانشناختی با تکیه بر متغیرهای روانشناسی مثبت همچون امیدواری و اعتماد به نفس منجر به ارتقای سرمایه انسانی و روابط بین آنها می‌شود. سرمایه روانشناختی منبع درونی برای تلاش، فعالیت و جهت گیری نسبت به دنیای اطراف است و هرچه میزان اعتمـاد بـه نفس، تاب آوری، امیدواری و خوش بینی بالاتر باشد فرد منبع روانی قابل اتکا و بادوام تری را برای زندگـی و حرکت در مسیر اهداف زندگی و شغلی خود احساس می‌کند (پترسـون و بایرون[4]، ۲۰۰۷، یوکول، گانیـرون[5]، ۲۰۱۲). در سرمایه روانشناختی بر توان دست یابی بـه اهداف، نیازها و آرزوها، امیدواری در نیل به اهداف و داشتن پشتکار و انعطاف پذیری در دستیابی به اهداف و ارزش‌ها همراه با اتخاذ رویکردی خوش بینانه و مثبت گرا در مواجهه با مسائل تاکید قابل توجهی دارد (مک گی[6]، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان داده اند که سرمایه روان شناختی نیز بر متغیرهای فردی و سازمانی همچون: رفتار شهروندی، تعهد سازمانی، رضایت شغلی، استرس شغلی، بهروزی کارکنان، عملکرد شغلی، بدبینی، نیت خروج از سازمان، رفتار انحرافی، اشتیاق شغلی، غیبت از کار تأثیر می‌گذارد (سردیویو و سرینیوزا[7]، ۲۰۱۲). لوتانز و آولیو (۲۰۰۷) به بررسی تاثیر سرمایه روانشناختی بر عملکرد کارکنان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کارکنانی که سرمایه روانشناختی بالاتری دارند، عملکرد بهتری دارند. از ایـن رو، بـا توجه به قابلیت آموزش و توسعه سرمایه روانشناختـی و رابطه آن با متغیرهای مطلوب فردی و سازمانی سرمایه روانشناختی باید جزو برنامه‌های توسعه و آموزش کارکنان باشد (ساکس و گرومان[8]، ۲۰۱۰).

1. Snyder
2. Judge & Bono
3. Wang
4. Peterson & Byron
5. Ucol & Ganiron
6. Mac Gee
7. Sridevi, G., & Srinivasan
8. Saks & Jamie, Gruman

در مورد متغیرهای پژوهش، تحقیقاتی انجام شده است. پیک، اسکوکرت، کیم، لی[1] (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان تاثیر سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی و اخلاق کارکنان به این نتیجه رسیدند که سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی کارکنان تاثیر دارد. سیمون و بوینتداک[2] (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه روانشناختی، اشتیاق شغلی و تعهد سازمانی» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه روانشناختی با اشتیاق شغلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. پالو (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «اشتیاق شغلی و سرمایه روانشناختی» به این نتیجه رسیدنـد که بین سرمایه روانشناختی با اشتیاق شغلی رابطه مثبـت و معنی‌داری وجود دارد. فراهانی و جعفری (۱۳۹۳) در پژوهـش خـود با عنـوان «نقش سرمایه روانشناختی و سرمایه اجتماعـی در اشتیاق شغلی معلمان در مـدارس متوسطـه دولتی دوره اول و دوم دخترانه منطقه چهار تهـران» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه روانشناختی با اشتیاق شغلی کارکنان رابطه معنی دار وجود دارد. میرحیدری، سیادت، هویدا و عابدی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «رابطه یادگیری سازمانی و خودکارآمدی مسیر شغلی با اشتیاق کاری مدیران» به این نتیجه رسیدند که بین خودکارآمدی مسیر شغلی با اشتیاق کاری مدیران رابطه معنی داری وجود دارد. افشار(۱۳۹۰) در پژوهـش خود با عنوان «رابطه سرسختی روانشناختی، حمایت سازمانی ادراک شده، خودکارآمدی مسیر شغلی بـا اشتیاق شغلـی در کارخانه گوهربافان» به این نتیجه رسید که بین خودکارآمدی مسیر شغلی با اشتیاق شغلی کارکنان رابطه معنی دار وجود دارد. یاکین و اردیل[3] (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «رابطه بین خودکارآمدی و اشتیاق شغلی» به این نتیجه رسیدند که بین خودکارآمدی و اشتیاق شغلی رابطه معنی دار وجود دارد. مرعشیان و نادری (۱۳۹۲) در بررسی رابطه فرهنگ سازمانی، هوش هیجانی و سرمایه روان‌شناختی با خودکارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی در کارکنان سازمان آب و برق خوزستان نشان دادند که بین فرهنگ سازمانی، هوش هیجانی و سرمایه روان‌شناختی با خودکارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی رابطه معنادار وجود دارد.

نیروی انسانی در سازمان ها، همواره از عوامل کلیدی تحقق اهداف سازمان‌ها بوده اند. از طرف دیگر، اشتیاق شغلی به عنوان یکی از متغیرهای تاثیر گذار بر بهبود عملکرد سازمانی مطرح شده و و پژوهش‌های انجام شده پیامدهـای مثبت آن را برای سازمان نشـان داده اند. مرور پژوهش‌های انجام شده در حوزه اشتیاق شغلی نشان می‌دهـد که متغیر اشتیاق شغلی در سازمـان ورزش و جوانان اردبیل مورد غفلت قرار گرفته است. لذا با توجه بـه پیامدهای مثبت اشتیاق شغلی برای سازمان‌های امـروزی، شناسایی عوامل موثر بر آن از اهمیت فوق العاده ای برخـوردار می‌باشـد. این پژوهش به بررسی روابط بیـن سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی با میانجیگری خودکارآمدی شغلی کارکنان سازمان ورزش و جوانان پرداخت و فرضیه‌های زیر را مورد بررسی قرار داد:

- سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی کارکنان سازمان ورزش و جوانان اردبیل اثر مستقیم دارد.
- خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی کارکنان سازمان ورزش و جوانان اردبیل اثر مستقیم دارد.
- سرمایه روانشناختی بر خودکارآمدی شغلی کارکنان سازمان ورزش و جوانان اردبیل اثر مستقیم دارد.
- سرمایه روانشناختی از طریق خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی کارکنان سازمان ورزش و جوانان اردبیل اثر غیرمستقیم دارد.

1. Paek, Markus, Kim, Lee
2. Simons & Buitendach
3. Yakin & Erdil

روش شناسی پژوهش

ایـــن پژوهش از نظر هدف، از نـــوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش پژوهـــش در زمره پژوهش‌های همبستگـــی بـــه روش معادلات ساختاری (SEM) است. جامعه آماری پژوهـــش شامل تمامی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان شهر اردبیل به تعداد ۱۹۹ نفر می‌باشد. نمونه مطلوب برای پژوهش، با توجه به جدول مورگان ۱۲۷ نفـــر می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌هـــا از پرسشنامه استفاده شد. محقق با استفاده ار روش نمونه گیری در دستـــرس و برای جلوگیری از کاهش ریزش آزمودنی‌ها و افزایش تعمیم پذیری نتایج پژوهش، ۱۵۰ پرسشنامه را توزیـــع و در نهایت ۱٤٥ پرسشنامه سالم گردآوری شد. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به اشتیاق شغلی، از «پرسشنامـــه اشتیـــاق شغلی» سالوناوا و شوفلی (۲۰۰۱) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۷ سؤال و در سه بعد توانایی، وقف خود و جذب می‌باشد. برای سنجش سرمایه روانشناختی از «پرسشنامه سرمایه روانشناختی» لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲٤ سئوال در چهار زیرمقیاس اعتماد به نفس، خوش بینی، امیـــدواری و تـــاب آوری می‌باشد. برای اندازه گیری خودکارآمدی شغلـــی از پرسشنامه ریگز و نایت (۱۹۹٤) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳۱ سئوال و در چهار مولفه باورهای خودکارآمدی فردی، انتظار پیامدهای فردی، باورهای کارامدی جمعی و انتظار پیامدهای جمعی می‌باشد. نمره گذاری پرسشنامه‌ها در مقیاس پنج درجه ای لیکرت از کاملا مخالف (۱) تا کاملا موافق (۵) بود. روایی محتوایی پرسشنامه توسط ۱۵ تن از اساتید مدیریت ورزشی مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن‌ها در این پژوهش با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۸و۰/۲۷ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده از نرم افزار spss و روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و آزمون‌های نرمال بودن داده‌ها) و در روش معادلات ساختاری از نرم افزار Lisrel برای مدلسازی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، تعداد ۱۲۹ نفر مرد معادل ۸۸/۹٦ و ۱٦ نفر زن معادل ۱۱/۰۳ درصد مشارکت داشتند. میانگین و انحـــراف استاندارد سرمایه روان‌شناختی برابر با (۹۲/۱۲±۱۳/۲۰)، میانگین و انحراف استاندارد خودکارآمدی شغلی برابر با (۱۱۰/۱۵±۱٤/۳۱) و میانگین و انحراف استاندارد اشتیاق شغلی برابر با (٦۱/۸±۱٦/۲۰) بود. پیش فرض نرمال بودن داده‌ها نیز با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	k-s	Sig
سرمایه روانشناختی	۹۲/۱۲	۱۳/۲۰	۰/۷۵	۰/۱٤
خودکارآمدی شغلی	۱۱۰/۱٤	۱۵/۳۱	۰/۸۳	۰/۲۱
اشتیاق شغلی	٦۱/۱٦	۸/۲۰	۰/۷۹	۰/۱۱

بـــا توجـــه به نتایج جدول ۱ از آزمون K-S چنین نتیجه گرفته می‌شـــود که مقادیر سطح معنی‌داری برای متغیرهای پژوهش بزرگتر از سطح آزمون یعنی α= ۰/۰۵ می‌باشند. همچنین، نرمال بودن داده‌ها با ارزیابی چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت. چولگی و کشیدگی متغیرها بین بازه (۲+ و ۲-) بود که حاکی از نرمال بودن داده‌هاست. بنابراین هر سه متغیر دارای توزیع طبیعی هستند. بنابراین جهت انجام آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۳	۲	۱
سرمایه روانشناختی	۰/۵۲ **	۰/۳۸ **	۱
خودکارآمدی شغلی	۰/٤٥ **	۱	
اشتیاق شغلی	۱		

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین سرمایه روانشناختی با اشتیاق شغلی (r=۰/۵۲ ، p≤ ۰/۰۱)، بیـــن سرمایـــه روانشناختی با خودکارآمدی شغلی (r=۰/۳۸ ، p≤ ۰/۰۱) و بین خودکارآمدی شغلی با اشتیاق شغلی (r=۰/٤٥ ، p≤ ۰/۰۱) رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. قبل از آزمون فرضیه‌ها، تحلیل عاملی تاییدی سه پرسشنامه انجام و نتیجه در شکل ۱ ارائه شده است.

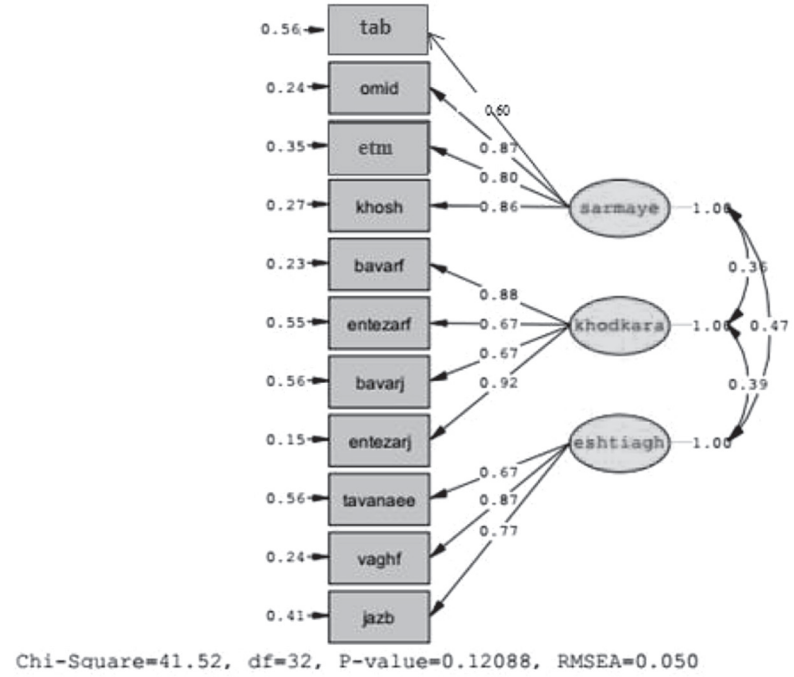

شکل ۱: تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه‌های پژوهش

بـــرای بررسی فرضیه‌های تحقیق، ابتـــدا نمودارهای خروجی نرم افزار لیـــزرل در حالت ضرایب استاندارد و ضرایب معنی داری t ارائه می‌شود و سپس به تایید و رد فرضیه‌های پژوهش خواهیم پرداخت.

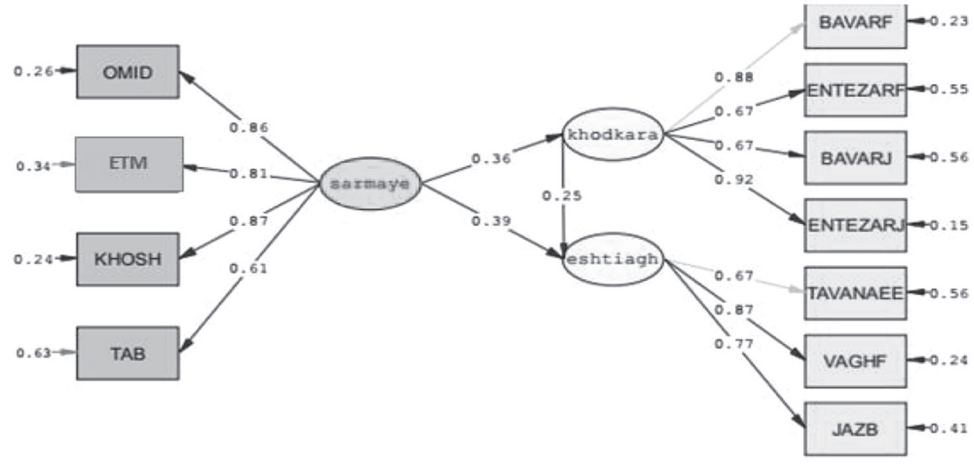

شکل ۲: ضرایب تخمین استاندارد مدل ساختاری پژوهش

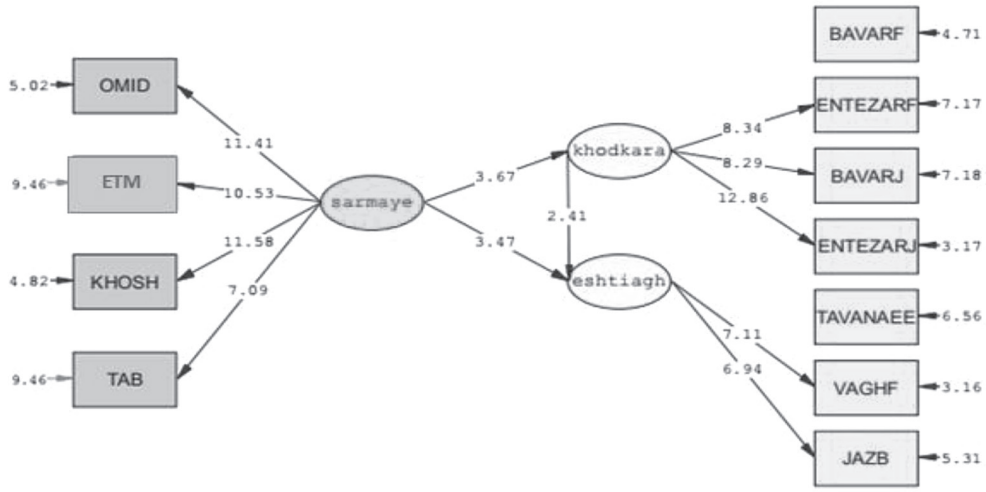

شکل ۳: اعداد معنی‌داری مدل ساختاری پژوهش

جدول ۳: ضرایب اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر		اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	T
از متغیر	به متغیر			
سرمایه‌ی روانشناختی	اشتیاق شغلی	۰/۳۹	۰/۳۹×۰/۲۵ =۰/۰۹	۳/٤۷
خودکارآمدی شغلی	اشتیاق شغلی	۰/۲۵	–	۲/٤۱
سرمایه‌ی روانشناختی	خودکارآمدی شغلی	۰/۳٦	–	۳/٦۷

بـر اساس جـدول ۳ می‌توان گفت که اثر مستقیم سرمایـه روانشناختی بر اشتیاق شغلی با بتـای (۰/۳۹) و (t=۳/۳٤۷) در سطـح اطمینـان (۹۵ درصد)، اثر مستقیم خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی با بتای (۰/۲۵) و (t=۲/٤۱) در سطح اطمینان (۹۵ درصد) و اثر مستقیم سرمایه روانشناختی بر خودکارآمدی شغلی با بتای (۰/۳٦) و (t=۳/٦۷) در سطح اطمینان (۹۵ درصد) معنی‌دار است. نتایج خروجی مدل در شکل ۱ و ۲ ارائه شده است. برای بررسی تاثیر غیر مستقیم سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی با نقش میانجی خودکارآمدی شغلی باید ضریب اثر غیرمستقیم (حاصل ضرب اثر مستقیم سرمایه روانشناختی بر خودکارآمدی شغلی در اثر مستقیم خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی) را محاسبه کرد. ضریب اثر غیر مستقیم سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی ۰/۰۹ می‌باشد که نشان می‌دهد نقش واسطه خودکارآمدی شغلی در رابطه بین سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی معنی دار است.

جدول٤: برازش مدل پژوهش بر اساس شاخص‌های برازندگی

شاخص‌های برازش	Model fit	مقدار	مقادیر ایده آل	وضعیت
خی دو	X2	۵۰/٤۷	> ۰/۵۰	مطلوب
درجه آزادی	df	٤۲	–	–
خی دو/درجه آزادی	X2/df	۱/۲۰	< ۳	مطلوب
ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	RMSEA	۰/۰٤	< ۰/۰۸	مطلوب
نیکویی برازش	GFI	۰/۹٤	> ۰/۹۰	مطلوب
نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۱	> ۰/۹۰	مطلوب
برازش مقایسه ای	CFI	۰/۹۸	> ۰/۹۰	مطلوب
برازندگی هنجار شده	NFI	۰/۹۵	> ۰/۹۰	مطلوب
برازش افزایشی	IFI	۰/۹۸	> ۰/۹۰	مطلوب

نتایــج جدول ٤ نشان می‌دهد که ضریب شاخص ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب RMSEA برابر با (۰/۰٤)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۸، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹٤، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر با ۰/۹۱، شاخص شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۵ و شاخص خی دو بر روی درجه آزادی (X2/df) برابر با ۱/۲۰، دلالت بر برازش مناسب و متوسط مدل مفهومی مورد نظر دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، تدوین مدل ارتباطی سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی با نقش میانجی خودکارآمدی شغلی بود. تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی کارکنان اثر مثبت و مستقیم دارد. ایــن نتیجه با نتایج پژوهش‌های پیک، اسکوکرت، کیم، لــی[1] (۲۰۱۵)، سیمون و بوینتداک (۲۰۱۰)، پاولو (۲۰۱۵) و فراهانی و جعفری (۱۳۹۳) مبنی بر رابطه مثبت بین سرمایه روانشناختی و اشتیاق شغلی کارکنان همسو می‌باشد. شواهد اوی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده که سرمایهٔ روان‌شناختی در گروه نمونهٔ مختلف با عملکرد شغلی در ارتباط است. فراتحلیل آنها با عنوان «نقش سرمایهٔ روان‌شناختی بر نگرش‌ها، رفتار و عملکرد» حاکی از وجود رابطهٔ بین سرمایهٔ روانشناختی و عملکرد شغلی بوده است (آووی، لوتانز، جنسن[2]، ۲۰۰۹). در تبیین این یافته می‌توان گفت که شاخهٔ جدید روان‌شناسی مثبت، نقشی مهم در ارائهٔ اطلاعات و تحقیق در مورد جنبه‌هایی از زیستن انسانی دارد که رویکردهای دیگر آن را نادیده گرفته‌اند. برای نمونه، بررسی سلیگمن[3] در مورد نیروهای شاخصــه کــه به ما کمک کند تا فضایل و نیروهای منشی یک فــرد را فهرست کنیم. این رویکرد به جای تاکید بــر آسیب‌شناسی و نقایص منِشی، بر توانایی بالقوه تاکید می‌کند. اگر در پی نظام‌مند کردن روان‌شناسی هستیم، می‌توانیم به‌خوبی این کار را در سیاقی مثبت انجام دهیم و به افراد کمک کنیم به منظور به حداکثر رساندن این نیروها، کاری که در آن بهترین هستند را به روشنی بیان کنند (سلیگمن، ۲۰۰۲). بنابراین، از دیدگاهی که درباره رشد نیروهای مثبت و خودکارآمدی و نیروهای شاخصهٔ درونی صحبت می‌کند و بر توانایی بالقوه و استفاده از حداکثــر توانایی‌هــا سخن به میان می‌آورد، چنین انتظار می‌رود که بر سازگاری فرد در زندگی به طور کلی و بر سازگــاری شغلی به طور خاص تاثیرگذار باشد. حتی در روان‌شناسی مثبت ثابت شده که این دیدگاه و مفاهیم مبتنی بر آنها بر سلامت و شادکامی و بهزیستی ذهنی و روانی افراد تاثیرگذار هستند (داینر[4]، ۲۰۰۰). می‌توان با تکیه بر مولفه‌ها ی تشکیل دهنده سرمایه روان شناختی نتیجه به دست آمده در بررسی فرضیه اول را به صورتی دقیق تر تبیین کرد. اعتماد به نفس به معنای اعتقــاد فرد به توانایی هایش برای یافتن راهکارهــای مــورد نیــاز به منظور اجــرای موفقیت آمیز وظایف، عنصر انتظاری بسیار مهمی برای ارتقای عملکرد افراد در محیط‌های کار است. این ارتقا باعث می‌شود تا روند اجرای وظایف کارکنان منجر به موفقیت گردد که این عامل به نوبه خود باعث احساس رضایتمندی و اشتیاق شغلی می‌شود. امیدواری به معنای وضعیتی شناختی که افراد را قــادر مــی ســازد تا اهــداف واقعــی و قابــل پــیش بینــی را مــدون ســازند و از طریق اراده و انرژی ادراک شده به این اهداف دســت یابنــد نیز باعث می‌شود کارکنان اهدافی قابل دستیابی در چهارچوب وظایف خود تعریف نمایند و در جهت نیل به آنها

1. Paek, Schuckert, Kim &Lee
2. Avey, Luthans & Jensen
3. Seligman
4. Diener

حرکت کنند. این قابلیت از احتمال ناکامی در اجرای وظایف وکسب تجربه منفی می‌کاهد. خوش بینـی به معنای یک سبک تفسیری که اتفاقات مثبت را به علل دائمی، شخصی و فراگیر و اتفاقات منفی را بـه علـل خارجی، موقتی و شرایط خاص نسـبت مـی دهـد و بالاخره تاب آوری در معنای ظرفیـت روانشناختی که به وسیله آن افـــراد می توانند به طور موفقیت آمیزی برای مقابله بحـــران و ریســـک و مشـــکلات ازآن اســـتفاده کننـــد، باعث می‌شوند که کارکنان در شرایط سخت وپرتنش محیط کار احساس شکست وافسردگی نکنند واشتیاق به کار و اجرای وظایف خود را از دست ندهند. بنابراین کارکنان دارای سرمایه روانشناختی بالا، می‌توانند نسبت به بقیه همکاران خود نسبت به شغل و سازمان خود اشتیاق بیشتری داشته باشند و با شور و شوق بیشتری در محل کار خود حاضر شوند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا اداره کل ورزش و جوانان با توجه به آموزش پذیر بودن سرمایه روانشناختی تمهیدات لازم را برای برگزاری کارگاه‌های سرمایه روانشناختی فراهم آورد.

تحلیـــل داده بـــرای بررسی فرضیه دوم پژوهش نشان داد که خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی اثر مثبت و مستقیـــم دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های هویدا و عابـــدی (۱۳۹۱)، افشار(۱۳۹۰) و یاکین و اردیل (۲۰۱۲) مبنـــی بر رابطه مثبت بیـــن خودکارآمدی شغلی و اشتیاق شغلی همسو می‌باشد. ایـــن رابطه مثبت و مستقیم را می‌توان اینگونه تبیین کرد که خودکارآمدی در واقع یک ساختار شناختی است که در هر کاری از جمله در کار و حرفه به عنوان یک واسطه بین ویژگی ها، نگرش ها، دیدگاه و تبدیل آنها به رفتار و عمل ایفای نقش می‌کند. کارکنان با خودکارآمدی بالا به علت باور و اعتمادی که به توانایی خود در مسیر شغلی دارند، توانایی سازگاری با چالش‌های پیش آمده در شغل خود را نیز دارند. حل این چالش‌ها و کسب موفقیت در زمینه شغلی خود، انگیزه آنهـــا را جهـــت حضور مشتاقانه تر در محل کار بالا می‌برد. در واقع، باور کارکنان مبنی بر توانایی انجام کارها و پاسخگویی به انتظارات و وظایف شغلی، جرات و اعتماد به نفس لازم را به آنها می‌دهد تا با اشتیاق بیشتری در محل کار خود حاضر شوند. افرادی که کارایی شخصی زیادی دارند معتقدند که می‌توانند به طور موثر با رویدادها و شرایطـــی که مواجه می‌شوند، برخورد کننـــد. از آن جایی که آن‌ها در غلبه بر مشکلات انتظار موفقیت دارند، در تکلیف‌هـــا استقامت می‌نماینـــد و اغلب در سطح بالایی عمل می‌کنند. این افراد از اشخاصی که کارایی کمی دارند، به توانایی‌های خود بیشتر اطمینان و کمتر تردید دارند و مشکلات را چالش می‌بینند نه تهدید و فعالانه موقعیت‌های جدید را جستجو می‌کنند. در واقع، خودکارآمدی شغلی انرژی لازم برای مواجهه با وظایف شغلی را به عنوان یکی از ابعاد اشتیاق شغلی فراهم می‌کند. از طرف دیگر، افرادی که در زمینه کاری خود کارآمدی و کفایت داشته باشند یا احساس کنند در انجام کار کفایت دارند، احساس مثبت تری نسبت به شغل خود دارند و بیشتر جذب کار خود می‌شود.

آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان داد که سرمایه روانشناختی تاثیر مثبت و مستقیمی بر خودکارآمدی شغلی کارکنان دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مرعشیان و نادری (۱۳۹۲) مبنی بر اثرات و رابطه سرمایه روانشناختی بر خودکارآمدی شغلی کارکنان همسو می‌باشد. سرمایه روانشناختی که به‌صورت باور فرد به توانایی‌هایش برای دست‌یابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکـــلات در نظر گرفته شده است، همواره یکی از عوامل موثر بر خودکارامدی افراد در موقعیت‌های مختلف می‌باشد (گوهل[1]، ۲۰۰۲). بنابراین کارکنانی که از سرمایه روانشناختی بالایی برخوردار هستند، دارای قابلیت‌ها،

1. Gohel

توانایی‌ها، مهارت‌ها و عملکرد مؤثر می‌باشند و این امر به آنها کمک می‌کند تا در برابر درخواست‌ها و فشارهای محیطی محل کار خود موفق‌تر عمل کنند و در نتیجه از احساس کارآمدی و موفقیت بالایی نیز برخوردار باشند (اقدمی باهر، نجارپور، لیوارجانی، ۱۳۸۸). افراد با اتکا به سرمایه روانشناختی خود در انجام وظایف بیشتر تلاش می‌کنند و در هنگام مواجهه با مشکلات، جدیت مضاعف از خود نشان می‌دهند.

کارکنانی که سرمایه روانشناختی بالایی دارند، امیدوارانه اهداف خود را دنبال می‌کنند، در دستیابی به اهداف خود واقع بین هستند و کارآمد بودن خود باور دارند. این باور کارآمد می‌تواند به سایر حوزه‌ها به خصوص حوزه شغل و وظایف شغلی تعمیم یابد و و خودکارآمدی شغلی کارکنان را افزایش دهد.

نتایج بررسی داده‌ها برای تحلیل فرضیه چهارم نشان داد که اثر غیر مستقیم سرمایه روانشناختی بر اشتیاق شغلی از طریق خودکارآمدی شغلی معنی دار است. با توجه به اثرات مثبت و مستقیم سرمایه روانشناختی بر خودکارآمدی شغلی و اثر مستقیم خودکارآمدی شغلی بر اشتیاق شغلی این اثر غیر مستقیم نیز قابل تبیین و توجیه می‌باشد.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه روانشناختی و خودکارآمدی شغلی از متغیرهای مرتبط با اشتیاق شغلی کارکنان می‌باشد و بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود مدیران سازمان‌ها برای افزایش اشتیاق شغلی کارکنان، بستر و زمینه‌های لازم را جهت بالا بردن سرمایه روان‌شناختی در افراد که به افزایش خودکارآمدی نیز می‌انجامد، تلاش نمایند. به این منظور، با توجه به آموزش پذیر بودن سرمایه روانشناختی نسبت به برگزاری کارگاه‌های سرمایه روانشناختی فعالانه اقدام کنند. همچنین، پیشنهاد می‌گردد که با فراهم کردن چالش‌های بیشتر در حوزه شغلی، مشارکت دادن همه کارکنان در انجام وظایف سازمانی به طور فعال و تقسیم متوازن و متعادل وظایف بین آنان و کمک به کارکنان در جهت غلبه بر این چالش‌ها به افزایش خودکارآمدی شغلی کارکنان کمک کنند. این رویکرد باعث می‌شود تا همه کارکنان به شکلی فعال و اثر گذار در انجام وظایف و اجرای پروژه‌های سازمانی درگیر شوند و پس از حصول نتیجه و دستیابی به اهداف سازمانی، تجربه ای مثبت از اجرای نظام مند وگروهی یک کار را در خود احساس کنند. این تجربه مثبت، متغیرهای سرمایه روانشناختی، احساس خودکارآمدی و اشتیاق شغلی را هم به صورت مستقل تقویت می‌کند وهم بر طبق فرضیه‌های اثبات شده در تحقیق حاضر، به واسطه تاثیرات مستقیم وغیرمستقیم که بر هم دارند، باعث هم افزایی عوامل یاد شده می‌گردد. در این راستا با توجه به جامعه پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد مسئولیت برگزاری برخی از رویدادهای ورزشی ملی وبین المللی به عنوان پروژه‌های چالش برانگیز برای کارکنان، به ادارت کل استان‌های کشور واگذار گردد. نظر به اینکه جامعه آماری تحقیق حاضر تجربه‌های خوبی در برگزاری رویدادهای ورزشی بین المللی کسب کرده است و نتایج این تحقیق نیز صحت تاثیر این را ثابت می‌کند، پیشنهاد مطرح شده موضوعیت جدی تری می‌یابد.

در پایان شایان ذکر است که پژوهش حاضر در بین کارکنان اداره کل ورزش و جوانان انجام گرفته است، لذا در تعمیم نتایج به سایر جوامع لازم است جانب احتیاط رعایت گردد. با وجود این، انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه اشتیاق شغلی و ارائه راهکارهای کاربردی در راستای افزایش آن، یافته‌های پژوهش حاضر را قوت خواهد بخشید.

منابع

- احمدیان، فاطمه. (۱۳۸٤). «**رابطه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی.
- افشار، فهمیه. (۱۳۹۰). «**رابطه سرسختی روانشناختی، حمایت سازمانی ادراک شده، خودکارآمدی مسیر شغلی با اشتیاق شغلی در کارخانه گوهربافان**». پایان نامه چاپ نشده دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (واحد خوراسگان). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- اله‌توکلی، غلامرضا؛ شهامت، نادر و اوجی‌نژاد، احمدرضا. (۱۳۹٤). «**رابطه هوش سازمانی با خودکارآمدی و رضایت شغلی دبیران متوسطه شهر جیرفت**». رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ٦(۱)، ۲۲۷- ۲۱۳.
- رجبی، غلامرضا؛ عطاری، یوسفعلی و شکرکن، حسین. (۱۳۸۳). «**اعتباریابی و مقایسه انتظارات خودکارآمدی شغلی در دانشجویان پسر و دختر دانشگاه شهید چمران اهواز**». مجله علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، ۱۱(۱و۲) ، صص ۱۰۰- ۷۱.
- ریو، جان‌مارشال. (۱۳۸٦). **انگیزش و هیجان**. یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش
- سیماراصل، نسترن و فیاضی، مرجان. (۱۳۸۸). «**سرمایه روانشناختی مبنایی نوین برای مزیت رقابتی**». ماهنامه تدبیر. سال نوزدهم، پایگاه مقالات علمی مدیریت.
- عبدلی سلطان احمدی، جواد؛ عیسی‌زادگان، علی؛ غلامی، محمدتقی؛ محمودی، حجت و امانی، جواد. (۱۳۹۱). «**رابطه باورهای کارآمدی جمعی و باورهای خودکارآمدی با رضایت شغلی دبیران مرد دوره متوسطه شهر قم**». فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی. ٤ (۱۰)، ۱۲٤- ۱۰۵.
- فراهانی، بهاره و جعفری، پریوش. (۱۳۹۳). «**نقش سرمایه روانشناختی در اشتیاق شغلی معلمان در مدارس متوسطه دولتی دوره اول و دوم دخترانه منطقه چهار تهران**». فصلنامه نوآوری‌های اموزشی. ۱۰(۱). ۱۳۷-۱۲۱.
- مرعشیان، فاطمه سادات و نادری، فرح. (۱۳۹۲). «**رابطه فرهنگ سازمانی، هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی با خودکارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی در کارکنان سازمان آب و برق خوزستان**». دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ٤(۳)، ۱۲۱- ۱۱۲.
- میرحیدری، اشرف؛ سیادت، سیدعلی؛ هویدا، رضا و عابدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «**رابطه یادگیری سازمانی و خودکارآمدی شغلی با اشتیاق کاری مدیران**». رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۳(۲). ۱۵۳-۱۳۹
- Avey, J.; Reichard, R.; Luthans, F., & Mhatre, K. (2011). **"Meta-analysisof the impact of positive psychological capital on employee attitudes, behaviors and performance".** Human resource Development Quarterly, 22(2),127-152.
- Avey, J. B., Luthans, F., & Jensen, S. M. (2009). **"Psychological capital: A positive resource for combating employee stress and turnover".** Hum Resour Manage, 48(5), 677-693.
- Avey, J.B., Luthans, F. Youssef, C.M. (2009). **"The Additive Value of Positive Psychologi-**

cal Capital in Predicting Work Attitudes and Behaviors". Journal of Management, 36(2), 430-452.

- Avey, James B.; Luthans, Fred; Smith, Ronda M.; Palmer, Noel F. (2010). **"Impact of positive psychological capital on employee well-being over time".** Journal of Occupational Health Psychology, Vol 15(1), 17-28.
- Bakker A.B., Schaufeli W. B., Leiter MP, Taris T. W. (2008). **"Work engagement: An emerging concept in occupational health psychology".** Work & Stress.22(3):187-200.
- Bakker, A.B., & Leiter, M.P. (Eds.). (2010). **"Work engagement: A handbook of essential theory and research".** New York: Psychology Press.
- Bedarkar, Madhura, Pandita, Deepika. (2013). **"A study on the drivers of employee engagement impacting employee performance".** Procedia - Social and Behavioral Sciences. 133, 106-115.
- Bue, Lo, Salvatore; Taverniers, John; Mylle, Jacques; Euwema, Martin. (2013). **"Hardiness promotes work engagement, prevents burnout, and moderates their relationship".** Military Psychology. 25(2). 105-115.
- Card, D., Mas, A., Moretti, E., Saez, E. (2010). **"Inequality at work: The Effect of Peer Salaries on Job Satisfaction".** NBER Working Paper No. 16396.
- Fleming, J. H. & Asplund, J. (2007). **"Human Sigma".** New York: Gallup. Forbringer
- Goyal, saumya, ajawani, j.c. (2016). **"Role of hardiness in employee engagement of male and female it professionals".** Zenith international journal of multidisciplinary research. 6(6). 112-117.
- Hakanen, J., Hakanen, A., Bakker, B., & Demerouti, E. (2005). **"How dentists cope with their job demands and stay engaged: the moderating role of job resource".** European journal of oral science, 113. 479-487.
- Hallberg, E.U., Schaufeli, B.W. (2006). **"Same but different? Can work engagement be discriminated from job involvement and organizational commitment?".** Journal of Psychology, 11(2), 119-127.
- Lorens, S., Bakker, A.B., Schaufeli, W.B., & Salanova, M. (2007). **"Testing the robustness of the job demands - resources model: Erratum".** International Journal of Stress Management, 14, 224-225.
- Luthans, F. Youssef, C.M. & Avolio, B.J. (2007). **Psychological capital: developing the human competitive edge.** New York: Oxford University Press
- Luthans, F., Avey, J. Avolio B, & Patera, J. (2008). **"Experimental Analysis of a Web-based**

Intervention to Develop Positive Psychological Capital". Academy of Management Learning and Education, 7(2); 209-221.

- Mac Gee, E.A. (2011). **"An examination of the stability of positive psychological capital using frequency-based measurement".** PhD dissertation, University of Tennessee.
- Mac Leod, D & Clarke, N. (2009). **"Engaging for Success: Enhancing performance through Employee Engagement".** London: Department for Business Innovation and Skills.
- Maddi S.R., Khoshaba D.M. (2005). **"Resilience at work: How to succeed no matter what life throws at you".** American: Amacom Div American Mgmt Assn.
- Paek, Soyon, Markus Schuckert, Taegoo Terry Kim, Gyehee Lee. (2015). **"Why is hospitality employees' psychological capital important? The effects of psychological capital on work engagement and employee morale".** International Journal of Hospitality Management, Volume 50,9-26.
- Palo, M.J. (2015). **"Work engagement and psychological capital in a south african platinum mining company".** Thesis submitted for the degree Doctor of Philosophy in Industrial Psychology at the Vaal Triangle Campus of the North-West University.
- Peterson, S. J., & Byron, K. (2007). **"Exploring the role of hope in job performance: Results from four studies".** Journal of Organizational Behavior, 29(6), 785–803.
- Saks, Alan M. & Jamie, Gruman, A. (2010). **"Organizational Socialization and Positive Organizational Behaviour: Implications for Theory, Research, and Practice".** Journal of Administrative Sciences / Revue Canadienne des Sciences de l'Administration, 28(1) 14-26.
- Schaufeli W.B. & Marisa S. (2007). **"Efficacy or inefficacy, that's the question: Burnout and work engagement, and their relationships with efficacy beliefs, Anxiety, Stress, and Coping".** 20(2), 177_196.
- Simons, J.C., & Buitendach, J.H. (2013). **"Psychological capital, work engagement and organisatonal commitment amongst call centre employees in South Africa".** SA Journal of Industrial Psychology/SA Tydskrif vir Bedryfsielkunde, 39(2),
- Sridevi, G., & Srinivasan, P. T. (2012). **"Psychological capital: a review of evolving literature".** Colombo Business Journal, 3(1), 25-39.
- Sweetman, D. & Luthans, F. (2010). **"The power of positive psychology: psychological capital and work engagement".** Work engagement: A handbook of essential theory and research. (54-68) New York: Psychology press.
- Ucol-Ganiron, T. (2012). **"The additive value of psychological capital in predicting structural project success and life satisfaction of structural engineers".** International Journal of

Social Science and Humanity, *4*(2), 291-295.

- Wang, Lingjuan (2015). **"The Relationship between Employee Psychological Capital and ChangeSupportive Behavior—Mediating Effect of Cognitive of Change".** Open Journal of Social Sciences, 2015, 3, 125-13.
- Yakin, Mustafa. Erdil. Oya. (2012). **"Relationships between Self-Efficacy and Work Engagement and the Effects on Job Satisfaction: A Survey on Certified Public Accountants".** Procedia - Social and Behavioral Sciences 58. 370 – 378.
- Youssef CM, Luthans F. (2010). **"An integrated model of psychological capital in the workplace".** *In P.A. Linley, S. Harrington, & N.* Garcea (Ed.), Oxford handbook of positive psychology and work (pp. 277-288). Oxford: Oxford University Press

۸

بررسی رابطه عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی براساس نقش تعدیل کنندگی مهارت سیاسی و اراده سیاسی در صنعت ورزش

رباب مختاری[۱]
علی محمد صفانیا[۲]
حسین پورسلطان زرندی[۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۰

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی براساس نقش تعدیل‌گر مهارت سیاسی و اراده سیاسی در صنعت ورزش بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع طرح همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان وزارت ورزش کشور و فدراسیون‌ها بود که بالغ بر ۱۵۰۰ نفر می‌باشند. از بین فدراسیون‌ها، ٤ فدراسیون ورزش تیمی و ٤ فدراسیون ورزش انفرادی به علت پر طرفدار بودن از بین سایر فدراسیون‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۵۰ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب گردیدند. جهت سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه استفاده گردید. در بررسی الگوی پیشنهادی، روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-19 و PLS به کار گرفته شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که رابطه عوامل درون سازمانی، مهارت سیاسی و اراده سیاسی با رفتار سیاسی معنی‌دار نبود. رابطه عوامل درون سازمانی با مهارت سیاسی و اراده سیاسی معنی‌دار بود. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که مهارت سیاسی و اراده سیاسی رابطه بین عوامل درون سازمانی و رفتار سیاسی را تعدیل کردند. با توجه به نتایج این پژوهش، به مدیران و مسئولان سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود که نقش اثرگذار عوامل درون سازمانی، مهارت سیاسی و اراده سیاسی بر روی ابعاد مختلف سیاست سازمانی را مورد توجه قرار دهند.

واژگان کلیدی: عوامل درون سازمانی، رفتار سیاسی، مهارت سیاسی و اراده سیاسی

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی تربیت بدنی، واحد علوم وتحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استاد، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم وتحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Dr.safania@yahoo.com
۳. استادیار، دانشگاه پیام نور ،کرج، ایران

مقدمه

شناخت رفتارهای سیاسی در سازمان، حاصل کمک علوم سیاسی به رفتار سازمانی است. در دنیای امروز، نمی‌توان سازمان‌ها را جدای از رفتار سیاسی درون آن‌ها مطالعه کرد. تصور این‌که افراد سازمان تنها برای اهداف و مقاصد سازمان گام برمی‌دارند، بسیار خوش‌بینانه است. بسیاری تصدیق می‌کنند که سازمان‌ها به‌طور ذاتی عرصه‌های سیاسی هستند. به دلیل وجود گروه‌های ذینفع رقیب و منابع کمیاب، بهره‌گیری از رفتار سیاسی بهترین روش بقا و موفقیت در این محیط‌ها می‌باشد (فرح‌بخش، نیک‌پی و شجاعی، ۱۳۹۵: ۸).

در طول بیشتر از سه دهه، رفتار سیاسی در سازمان حوزهٔ پژوهش مهمی بوده است (عزیزی‌نژاد، عباس‌زاده و حسنی[1]، ۲۰۱۱: ٦٦). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد این رفتارها بخش اجتناب‌ناپذیر هر فعالیت انسانی است (اولکرلدیز[2]، ۲۰۰۹: ۳۲). هنگامی که از کارکنان دربارهٔ رفتار سیاسی در محیط کار سؤال می‌شود، اغلب آن را به عنوان نشانه‌هایی از رفتارهای خوش خدمتی محسوب می‌کنند و آن را به عنوان عملی زشت در نظر می‌گیرند که اهداف شخصی را به هزینه دیگران محقق می‌کند و ممکن است برای اهداف سازمان یا افراد مضر باشد. بنابراین، چنین رفتاری تهدید بالقوه‌ای برای اثر بخشی و کارایی سازمانی در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، هنگامی که کارمندی به پست با مسئولیت بالاتر ارتقا می‌یابد– در شرایطی که افراد شایسته‌تری وجود دارند و او با برخوردهای شخصی موجب آسیب رسانی به شهرت و موقعیت آن‌ها شده است– پیامدهای غیرکارکردی آن برای سازمان بسیار زیاد است. اگر کارمند شایسته احساس کند سیاست‌های سازمانی او را فریب داده است، ممکن است واکنش‌های منفی مانند نارضایتی، دلسردی، اضطراب و جابجایی نشان دهد (سومیا و پانچاناسم[3]، ۲۰۰۸: ۱۰).

رفتار سیاسی، نفوذ ارادی و آگاهانه‌ای است که توسط افراد یا گروه‌ها به منظور افزایش و حفاظت از منافع خود (کوتاه مدت و بلندمدت) به هنگام وجود راه‌حل‌های متضاد صورت می‌گیرد (میلر، بیرنه، روسرفورد و هانسن[4]، ۲۰۰۹: ۲۳۷؛ ویگودا– گادوت، وینارسکی–پرتز و بن زیون[5]، ۲۰۰۹: ٧٦٦). بنابراین رفتار سیاسی ۱– خارج از شرح شغل مشخص فرد است و ۲– تلاش برای استفاده از پایگاه‌های قدرت فرد را طلب می‌کند. این تعریف در بسیاری از مطالعاتی که رفتار سیاسی را به عنوان رفتاری غیرکارکردی در سازمان در نظر می‌گیرند، مورد توجه قرار گرفته و بر یک معنای ضمنی[6] منفی دلالت دارد و با درک کلی کارکنان در مورد این پدیده سازگار است (دولدور[7]، ۲۰۱۱: ۳۹٤).

به طور کلی، رفتار سیاسی به یک رفتار خودخدمتی اشاره دارد که منافع دیگران را تهدید می‌کند (شاغنزی، تردوی، برلند و پرو[8]، ۲۰۱٦: ۳؛ محمد[9]، ۲۰۰۷: ۲۳۹) و اساساً یک رفتار نفوذ است که از طریق آن افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها تلاش می‌کنند بر رفتار یا نگرش دیگران (فرد، گروه یا سازمان) در مورد موضوعی که مهم و مطلوب است نفوذ کنند. رفتار خودخدمتی احتمالاً در محیط‌هایی بیشتر وجود دارد که بی‌اعتمادی و عدم اطمینان در

1. Azizinejat, Seied Abbaszade, & Hassani
2. Ulkeryildiz
3. Sowmya & Panchanatham
4. Mliller, Byrne, Rutherford, & Hansen
5. Vigoda-Gadot, Vinarski-Peretz, & Ben-Zion
6. Connotation
7. Doldor
8. Shaughnessy, Treadway, Breland, & Perrewe
9. Muhammad

آن‌ها بسیار زیاد است و افراد به دلیل عدم برخورداری از حمایت اجتماعی کافی به چنین رفتاری روی می‌آورند (گوتسیس، کورتزی[1]، ۲۰۱۱: ٤٦٠).

شیخی‌نـــژاد (۱۳۹۲) بر اساس یک مدل علّی، به تبیین رفتار سیاسی کارکنان در صنعت آب کشور پرداخت. بر اساس این مدل، عوامل فردی (شامل ماکیاول‌گرایی، خودنظارتی و کانون کنترل)، عوامل شغلی/ کاری (شامل استقـــلال، بازخورد، تنوع مهارت و ارتباط با مدیر) و عوامل سازمانی (شامل تمرکز، رسمیت، عدالت رویه‌ای و مشارکت در تصمیم‌گیری) به عنوان پیش‌بین‌های مهم رفتار سیاسی می‌باشند (شیخی‌نژاد، ۱۳۹۲).

منظـــور از عوامـــل شخصی، مجموعه صفات مشخصه و نیازهایی می‌باشنـــد که بر رفتار سیاسی افراد تأثیر می‌گذارنـــد (بوکانان[2]، ۲۰۰۸). ماکیاول‌گرایی[3] یکی از عوامل شخصی است که با رفتار سیاسی در سازمان رابطه مثبتـــی دارد (بیبرمن[4]، ۱۹۸۵؛ پورتر، آلن، آنجل[5]، ۱۹۸۱؛ به نقـــل از شیخی‌نژاد، ۱۳۹۲). ماکیاول‌گرایی به معنای عقایـــد بدبینانه درباره ماهیت انسان و اخلاق و بـــه کارگیری تاکتیک‌های فریباکارانه برای برآورده کردن اهداف شخصی است (باکسر[6]، ۲۰۰٤). ماکیاول‌گرایی دلالت بر استفاده از تاکتیک‌های حیله‌گرانه، منحرفانه و نهایی دارد (بوکانان، ۲۰۰۸: ۵۰). بیبرمن (۱۹۸۵) بیان کرد ماکیاول‌گرایی به طور مثبت با سیاست سازمانی درک‌شده ارتباط دارد؛ ماکیاولیسم اغلب با سیاست به خصوص با تاکتیک‌های سیاسی ضد اجتماعی در ارتباط است (به نقل از شیخی‌نژاد، ۱۳۹۲). خودنظارتی[7] یکی دیگر از عوامل شخصی مرتبط با رفتار سیاسی است که به تمایل و توانایی افـــراد برکنترل رفتار خود اشـــاره دارد که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا برتصورات سایر مردم تاثیر بگذارند (دولدور، ۲۰۱۱). فریـــس[8] (۱۹۸۹) بـــه این نتیجه رسید که خودنظارتی با درک سیاست سازمانی مرتبط است. افراد دارای خودپایشی بالا در رفتار سیاسی مهارت دارند و به نشانه‌های اجتماعی حساس‌اند (اوکانر و ماریسون[9]، ۲۰۰۱). کانون کنترل[10] نیز میزانی است که افراد احساس می‌کنند وقایع توسط نیروهای درونی شخص یا به دلیل نیروهای بیرونی که خارج از کنترل شخص است، ایجاد می‌شوند. مابرگ[11] (۱۹۷۸) به این نتیجه رسید که کانون کنترل، ارتباط مثبتی با ادراک سیاست دارد. کسانی که احساس کنترل بیشتری بر کار خود دارند به اندازه افرادی که کنترل کمتری دارند، احساس درماندگی ندارند و به میزان کمتری سیاست سازمانی را تجربه می‌کنند (به نقل از اوکانرو ماریسون، ۲۰۰۱). برعکس، افرادی که احساس کنترل کمتری بر کار خود دارند، ارتباطی بین رفتار خود و پیامدها درک نمی‌کنند و تصور می‌کنند که پاداش‌ها و تنبیه‌ها نتیجه نیروهای ناپایدار مانند شانس، احتمال یا هوی و هوس افراد قدرتمند است (باکسر، ۲۰۰٤). بر این اساس، مطالعات نشان داده است که تمایل به سیاست به‌طور مثبت با کانون کنترل بیرونی بودن ارتباط دارد (دولدور، ۲۰۱۱).

در طبقه عوامل شغلی/کاری، متغیرهای استقلال، بازخورد، تنوع مهارت و تعامل با مدیر مد نظر قرار گرفتند.

1. Gotsis & Kortezi
2. Bokanan
3. Machiavelli
4. Bibrman
5. Porter, Allen, & Angel
6. Baxer
7. Self-presentation
8. Freese
9. O'Connor & Morrison
10. Locus Of Control
11. Maberg

به‌نظر دفت[1] (۱۹۸۹) افراد قدرت را به عنوان کارکردی از وظایف خود به دست می‌آورند؛ استقلال بیشتر، تنوع مهارت و بازخورد، بازنمایی‌هایی از مسئولیت فزاینده و اهمیتی است که سازمان برای شخص قائل است و ممکن اســت به‌عنوان قدرت شخصی تعبیر شود. افرادی که چنین قدرت و کنترلی ندارند، ممکن است احساس کنند سرنوشت آن‌ها توسط فرایندهای سیاسی تعیین می‌شود از این رو، گرایش بیشتری به سمت رفتارهای سیاسی از خود نشان می‌دهند (وال و پرو[2]، ۲۰۰۰). اوکانر و موریسون (۲۰۰۱) معتقدند استقلال شغلی به طور منفی با درک فعالیت سیاسی مرتبط است. فقدان استقلال یا تنوع مهارت حاکی از آن است که دیگران کارمند را کنترل می‌کنند و به احساس بی‌قدرتی و افزایش رفتار سیاسی می‌انجامد. همچنین، کارکنانی که بازخورد سازنده دریافت می‌کننــد، شفافیــت نقش بیشتر و کنترل بیشتری بر محیط کار خود دارنــد و در نهایت به رفتار سیاسی کمتری می‌انجامد (آتینک، دارات، فولر و پارکر[3]، ۲۰۱۰: ۴۹۹). علاوه بر این، کارکنانی که روابط مبتنی بر اعتماد مثبتی با مدیران خود دارند، رفتار سیاسی کمتری را در سازمان از خود نشان می‌دهند. بر اساس نظریه مبادله رهبر– عضو[4] رهبران سبک مشابهی برای رفتار با زیردستان خود به کار نمی‌گیرند، بلکه با هر زیردستی رابطه یا تبادل متفاوتی برقرار می‌کنند (کاکمار، بوزمن، دنیس، آنتونی و ویلیام[5]، ۱۹۹۹). زیردستانی که روابط مبادله‌ای با کیفیت کمتری با سرپرست خود دارند، معتقدند طرفداری[6] نشان داده شده به اعضای درون گروه، مبتنی بر عوامل سیاسی است و نه شایستگی. در نتیجه، تمایل این افراد به نشان دادن رفتار سیاسی از خود نسبت به کارکنانی که کیفیت روابط خود با مدیرانشان را مطلوب ارزیابی می‌کنند، بیشتر است (آتینک و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۰۱).

بر اساس مدل‌های نظری، عوامل سازمانی مختلفی نیز بر رفتار سیاسی کارکنان اثرگذار هستند. در این مطالعه تمرکز[7]، رسمیت[8]، عدالت رویه‌ای[9] و مشارکت در تصمیم‌گیری به عنوان عوامل سازمانی مؤثر بر رفتار سیاسی مورد بررسی قرار گرفتند. تمرکز، اشاره به میزان قدرت و کنترل در زنجیره بالای سازمان دارد و حدی است که بر اساس آن قدرت اتخاذ تصمیم در سراسر سازمان توزیع می‌شود (محمد، ۲۰۰۷). بنابراین، هنگامی که قدرت تصمیم‌گیری در بالای سازمان جمع می‌شود، رفتار سیاسی ممکن است به منظور نفوذ بر تصمیم گیرندگان انجام شود (آتینک و همکــاران،۲۰۱۰؛ محمد، ۲۰۰۷). رسمیت، نشان‌دهنده میزانی است که دستورالعمل‌ها، قواعد و رویه‌ها نوشته می‌شوند و به طور شفاف به کارکنان بیان می‌شوند. با فراهم کردن قواعد و خط مشی‌های مناسب، کارکنان فرصت کمتری برای ادراک سیاست سازمانی دارند (محمد، ۲۰۰۷). سازمان‌هایی با رسمیت بالا تمایل بــه داشتن کارکنانــی دارند که شفافیت نقش بالا و دانش و کنترل مناسبی بر محیط خود دارند که این عوامل به رفتار سیاسی کمتر می‌انجامد (آتینک و همکاران، ۲۰۱۰). پژوهش‌های گذشته از این ارتباط منفی فرضی حمایت می‌کننــد (آندرو[10] و کاکمــار، ۲۰۰۱؛ آریی، چن و بودوار[11]، ۲۰۰۴: ۲). عدالت رویه‌ای بر لزوم رعایت انصاف و

1. Daft
2. Valle & Perrewe
3. Atinc, Darrat, Fuller, & Parker
4. LMX
5. Kacmar, Bozeman, Dennis, Anthony, & William
6. Favoritism
7. centralization
8. formalization
9. procedural justice
10. Andrew
11. Aryee, Chen, & Budhwar

عدالت در رویه‌هـــای اتخاذ تصمیم صحه می‌گذارد؛ یعنی تصمیم‌های عادلانه تصمیم‌های حاصل از رویه‌هایی منصفانه‌اند. در میان اصول عدالت رویه‌ای می‌توان به بی‌طرفی، حق اظهارنظر یا فرصت برای شنیده شدن سخنان و مشارکـــت در تصمیم‌ها اشاره کرد (امیرخانی و پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۲). هنگامی که افراد وجود عدالت رویه‌ای را درک می‌کننـــد، احساس می‌کنند کنترل بیشتری دارند که ایـــن داشتن کنترل بیشتر باید ادراک سیاست را در سازمـــان کاهش دهد. پژوهش‌ها ارتباط منفی عدالت رویـــه‌ای و رفتار سیاسی را نشان می‌دهند (محمد، ۲۰۰۷؛ آریی و همکاران، ۲۰۰٤: ۹). مشارکت در تصمیم‌گیری نیز توزیع قدرت در سازمان را منعکس می‌کند. کارکنانی که مشارکت بیشتری در تصمیم‌گیری دارند، نفوذ بیشتری بر تصمیم‌ها و فرایندها در کار دارند که ممکن است بـــه احساس عدالت و انصاف منجر شـــود و رفتار سیاسی کمتر را به همراه دارد (ویگودا و کهن[1]، ۲۰۰۲: ۳۱۲). هنگامی که مشارکت در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد، رفتار سیاسی باید کاهش یابد، زیرا مشارکت ابهام را کاهش می‌دهد و احساس کنترل و انصاف را افزایش می‌دهد (ویگودا و کوهن، ۲۰۰۲: ۳۱٤).

در پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی رابطه میان عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی، نقش تعدیل‌گر برخی از متغیرها در این رابطه مورد بررسی قرار گرفته است. به اعتقاد کروپانزانو و گرینبرگ[2] (۱۹۹۷)، محیط کار ممکن است به عنوان یک بازار اجتماعی مفهوم سازی شود که افراد مختلف در تعاملات متعدد شرکت می‌کنند و هرکدام در جستجوی برگشت مطلوب سرمایه‌گذاری خود هستند. بر اساس این دیدگاه، محیط‌های سیاسی محیط‌های پرمخاطـــره‌ای را ایجاد می‌کنند که هیچ فرصتی بـــرای مصون ماندن از تبعات نامطلوب آن وجود ندارد. بنابراین کارکنـــان رغبتی به سرمایه‌گذاری در چنین محیط سازمانی از خود نشان نمی‌دهند. مینتزبرگ[3] (۱۹۸۳) استدلال کرد که بازیگران سیاسی کارآمد باید دو ویژگی عمده را نشان دهند: مهارت سیاسی[4] و اراده سیاسی[5] (به نقل از دولدور، ۲۰۱۱: ۳۹۷).

مهارت سیاسی به معنای درگیر شدن کامل در سیاست‌هاست (دولدور، ۲۰۱۱: ۳۹۷). مهارت سیاسی به عنوان «توانایـــی درک دیگران به طور مؤثر در محل کار و استفـــاده از چنین دانشی برای نفوذ در دیگران برای افزایش اهداف شخصی و یا سازمانی» تعریف شده است (فریس، دیویدسون و پرو[6]، ۲۰۰۵). مهارت سیاسی، چیزی است که کارکنان را به درک بافت اجتماعی سازمان، تنظیم رفتار خود در ایجاد کنترل و اعتماد به نفس قادر می‌سازد (کاپوتسیس، پاپ الکساندیس، تریدوی و بنتلی[7]، ۲۰۱۵: ۲). فریس و همکاران (۲۰۰۵) گزارش نمودند که مهارت سیاسی کارکنان، رابطه رفتار سیاسی و کار احساسی کارمند را تعدیل می‌کند. کارمندان دارای مهارت سیاسی پایین، سطـــوح بالاتری از کار احساسی را به دلیل رفتار سیاسی تجربه می‌کنند (فریس و همکاران، ۲۰۰۵؛ شیخی‌نژاد، ۱۳۹۲؛ فانی، شیخی‌نژاد، دانایی‌فرد و حسن‌زاده، ۱۳۹۳).

مفهوم اراده سیاسی توسط مینتزبرگ (۱۹۸۳) به عنوان ظرفیت افراد برای گسترش انرژی به منظور دستیابی به یک هدف خاص تعریف شد. وی بیان کرد افراد قبل از درگیر شدن در رفتار سیاسی نیاز به نشان دادن تمایل یا

1. Vigoda & Cohen
2. Cropanzano & Greenberg
3. Mintesrberg
4. political skills
5. political will
6. Ferris, Davidson, & Perrewe
7. Kapoutsis, Papalexandris, Treadway, & Bentley

انگیزش برای گسترش منابع شخصی دارند. انگیزه‌ها، چراهای رفتار هستند و جهت کلی رفتار هر فرد را معین می‌کنند. انگیزه‌ها را گاهی به عنوان نیازها، تمایلات، سائقه‌ها یا محرک‌های درونی فرد تعریف می‌کنند (لیو، جان و وو[1]، ۲۰۱۰). در حالی‌که مهارت سیاسی توانایی درگیر شدن در سیاست به‌طور شایسته می‌باشد، اراده سیاسی به تمایل برای افزایش انرژی به منظور پیگیری اهداف سیاسی اشاره دارد که موجب می‌شود برخی افراد در مقایسه با دیگران تمایل بیشتری به درگیر شدن در رفتار سیاسی داشته باشند (کول[2]، ۲۰۰۷؛ فانی و همکاران، ۱۳۹۳).

به‌طـور کلی، رفتار سیاسی در زمره واقعیت‌های بسیار مهـم و اجتناب‌ناپذیر حیات سازمانی قرار می‌گیرد. اگرچه رفتار سیاسی ممکن است پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد، اما بخش اعظم تحقیقات برجنبه تاریک آن تمرکز کرده و بیان می‌دارد که این رفتارها از نظر سازمان تأیید نمی‌شوند (نامشروع) و براساس نفع شخصی مشخـص می‌گردند (مانند بدست آوردن اعتبار از کار دیگران، تشکیل ائتـلاف، حمله به دیگران، رقابت برای دستیابی به منابع مشترک) (آتینک و همکاران، ۲۰۱۰: ٤٩٤) و به دلیل برخورداری از توان بالقوه برای اثرگذاری بر ارزیابی عملکرد، تخصیص منابع و تصمیم‌گیری مدیریتی و در نهایت، از بین بردن کارایی و اثربخشی سازمان، غیرکارکـردی محسوب می‌شوند (سالیماکی و جیمسـن[3]، ۲۰۱۰: ۲۳۱). محققان دریافته‌اند که رفتار سیاسی در سازمـان با پیامدهای منفی از قبیل افزایش تمایل به تـرک سازمان، اهمال کاری[4]، تعارض بر سر منافع، افزایش رقابت منفی، کاهش رضایت شغلی، کاهش بهره‌وری و عملکرد شغلی ضعیف مرتبط است. همچنین، از آنجا که این رفتارها اغلب با فریبکاری[5]، تهمت[6]، اعمال توطئه‌گرانه و روش‌های نامشروع استفاده از قدرت همراه است، ممکن است ماندگاری کارمند در کار را کاهش دهد و بر استرس کارمند بیفزاید (تاتارکا[7]، ۲۰۰۹).

در حالی که پژوهش‌های پیشین بر اهمیت رفتار سیاسی در سازمان تأکید داشته‌اند، شناسایی عوامل پیش‌بینی کننده چنین پدیده‌ای بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است، به خصوص در سازمان‌های ورزشی که هیچگونه مطالعه‌ای تاکنون در مورد علل پیش‌بینی کننده رفتار سیاسی در سازمان صورت نگرفته است. در مطالعات مربوط به رفتار سیاسی، به رفتار سیاسی واقعی توجه شده است. همچنین، بررسی تأثیر مهارت سیاسی و اراده سیاسی بر رفتار سیاسی در پژوهش‌ها بسیار کم می‌باشد و تاکنون در حوزه ورزش هیچ پژوهشی در این زمینه‌ها صورت نگرفته است. بنابراین، در پژوهش حاضر سعی بر این است تا خلأ نظری موجود در این حوزه پر شود. این امر اهمیت و ضرورت پژوهش در این زمینه را از نظر نظری توجیه می‌کند. همچنین، از دیدگاه اهمیت و ضرورت کاربردی پژوهش به نظر می‌رسد بررسی و شناخت سیاست‌ها و رفتارهای سیاسی و عوامل تأثیر گذار بر آن در عرصـه ورزش ایران- به دلیل نقش بازدارندگی رفتار سیاسی در دستیابی به عملکرد بهینه سازمان- ضروری و مهم می‌باشد و به یقین مطالعات در این زمینه به مدیران ورزشی در مدیریت هر چه بهتر سازمان‌ها کمک خواهد کرد. از این رو، هدف غایی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال محوری است که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده رفتار سیاسی در سازمان‌های ورزشی کدام اند و آیا مهارت سیاسی و اراده سیاسی قادر به تعدیل رابطه میان این

1. Liu, Jun, & Wu
2. Coole
3. Salimaki & Jamsen
4. Negligence
5. Manipulation
6. Defamation
7. Tatarka

عوامل با رفتار سیاسی هستند یا خیر؟ مدل مفهومی پژوهش حاضر با اقتباس از مدل شیخی‌نژاد (۱۳۹۲)، در شکل ۱ نشان داده شده است.

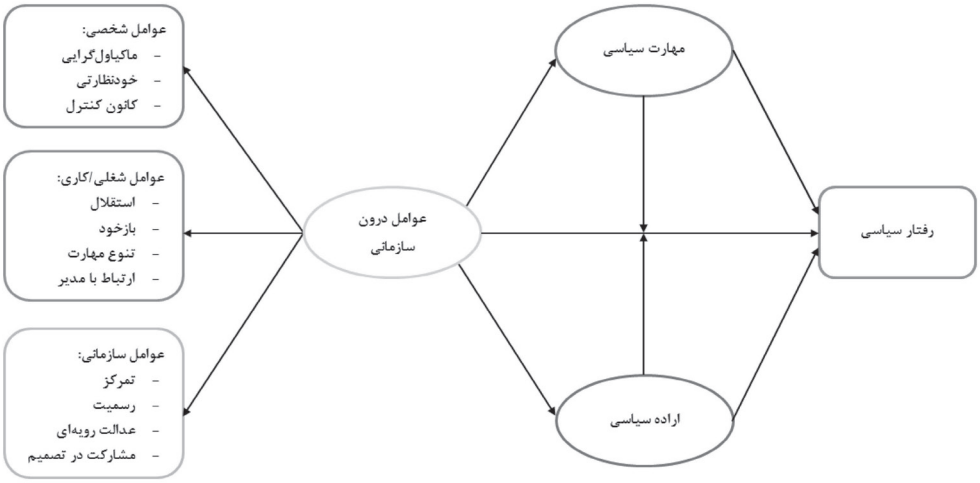

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (اقتباس شده از مدل شیخی‌نژاد، ۱۳۹۲)

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع طرح همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارکنان شاغل در وزارت ورزش کشـور و فدراسیون‌هـا در سال ۱۳۹۵ است کـه بر اساس گزارش ارائه شده، تعداد آن‌ها بالغ بـر ۱۵۰۰ نفـر می‌باشد. از بین فدراسیون‌ها، ٤ فدراسیون ورزش تیمی (فوتبال، والیبال، هندبال و بسکتبال) و ٤ فدراسیون ورزش انفرادی (وزنه‌برداری، کشتی، تکواندو، جانبازان و معلولین) به علت پر طرفدار بودن از بین سایر فدراسیون‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. هدف پژوهشگران این است تا نمونه‌ای حتی الامکان معرف جامعه انتخاب شود. برای این منظور از فرمول کوکران استفاده شد. خروجی این فرمول برای حجم جامعه N=۱۵۰۰، برابر با ۳۸٤ نفر می‌باشد. بر این اساس، ۳۸٤ آزمودنی به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها میان آنان توزیع گردید. در نهایت، از میان ۳۸٤ پرسشنامه، تنها ۳۵۰ پرسشنامه قابل تحلیل برگشت داده شدند که این تعداد، نمونه نهایی پژوهش حاضر را تشکیل دادند (نرخ بازگشت ۹۱/۲ درصد).

ابزار تحقیق

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه است که روی مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای قرار داشتند و در جدول ۱ خلاصه مشخصات آن‌ها آورده شده است.

جدول ۱: ابزار پژوهش

بُعد اصلی	زیرابعاد	تعداد سؤالات	منبع	بُعد اصلی	زیرابعاد	تعداد سؤالات	منبع
عوامل شخصی	ماکیاول گرایی	۲۰	کریستی و همکاران[1] (۱۹۷۰)	عوامل سازمانی	تمرکز	۵	دی‌وار و همکاران[2] (۱۹۸۰)
					رسمیت	۵	هاکمن و اولدم (۱۹۸۱)
	خودنظارتی	۱۳	لناکس و ولف[3] (۱۹۸٤)		عدالت رویه‌ای	٦	نیهاف و مورمن[4] (۱۹۹۳)
	کانون کنترل	۲٤	لونسون[5] (۱۹۷۲)		مشارکت در تصمیم‌گیری	٤	ایکن و هیج[6] (۱۹۹۳)
عوامل شغلی/ کاری	استقلال شغلی	٤	هاکمن و اولدهام[7] (۱۹۸۰)	مهارت سیاسی	–	۱۸	فریز و همکاران[8] (۲۰۰۵)
	بازخورد	٦		اراده سیاسی	نیاز به موفقیت	٤	لیو، لیو و وار[9] (۱۹۹۳)
	تنوع مهارت	۵			نیاز به قدرت	٤	ترمبلی و همکاران[10] (۱۹۹۹)
	ارتباط با مدیر	۷	اسکندورا و همکاران[11] (۱۹۸٦)		انگیزش درونی	۳	ترمبلی و همکاران[12] (۲۰۰۹)
				رفتار سیاسی	–	۳۹	کیپنیس و همکاران (۱۹۸۰) آشفورد و لی (۱۹۹۰)

1. Christie, Geis, & Berger
2. Dewar, Whetten & Boje
3. Lennox & Wolf
4. Niehoff & Moorman
5. Levenson
6. Aiken & Hage
7. Hackman & Oldham
8. Treadway, Kolodinsky, Hochwarter, Kacmar, Douglas, & Frink
9. Liu, Liu, & Wu
10. Tremblay, Blanchard, Taylor, & Pelleti
11. Scandura, Graen, & Noval
12. Tremblay, Blanchard, Taylor, Pelletier, & Villeneuve

در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی پایایی گویه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای متغیرهای زیر چنین گزارش شده است: ارتباط با مدیر ۰/۰۷۱، استقلال ۰/۸۲۳، بازخورد ۰/۹۲۱، تمرکز ۰/۸۹۹، تنوع مهارت ۰/۹۲۰، خودنظارتی ۰/۷۸۰، رسمیت ۰/۸۱٦، عدالت رویه ای ۰/۷۹۲، ماکیاول گرایی ۰/۹۰٤، مشارکت در تصمیم گیری ۰/۹۱۱، کانون کنترل ۰/۸۰۱، رفتار سیاسی ۰/٦۹، مهارت سیاسی ۰/۷۲ و اراده سیاسی ۰/٦٦ - که نتایج پایایی تمام مقیاس‌ها مطلوب بود. روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط اساتید و متخصصان مورد تأیید قرار گرفت.

در پژوهش حاضر پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌های گردآوری شده، بر اساس مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرها کدگذاری شد و با نرم افزار SPSS19 و PLS پردازش و تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌های پژوهش

مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۳۵۰ نفر از کارکنان شاغل در وزارت ورزش کشور و فدراسیون‌ها بودند که دارای میانگین سنی ۳۷/۱۲ سال و سابقه کاری ۱۲/۰۳ سال بودند. از بین مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۱۳۵ نفر زن (۳۸/٦ درصد) و ۲۱۵ نفر مرد (٦۱/٤ درصد) بودند که توزیع سطح تحصیلات در میان آنان به این صورت بود: ۳۲ نفر دیپلم (۹ درصد)، ٤۰ نفر کاردانی (۱۱/٤ درصد)، ۱۷۵ نفر کارشناسی (۵۰ درصد)، ۹۵ نفر کارشناسی ارشد (۲۷/۲ درصد) و ۸ نفر دکترا (۲/٤ درصد).

در جدول۲ نتیجه فرضیات آورده شده است.

جدول ۲: خلاصه نتیجه فرضیه‌ها

فرضیه	متغیر پیش بین		متغیر ملاک	ß	T-Value	نتیجه
۱	عوامل درون سازمانی	–	رفتار سیاسی	۰/۰۹۸	۱/٤٦۷	غیرمعنی‌دار
۲	عوامل درون سازمانی	–	مهارت سیاسی	۰/۵۸۲	۱٤/۸۸٦	معنی‌دار
۳	عوامل درون سازمانی	–	اراده سیاسی	۰/۳٤٦	٦/۵۸۵	معنی‌دار
٤	مهارت سیاسی	–	رفتار سیاسی	۰/۰۳٤	۰/٦۱۳	غیرمعنی‌دار
۵	اراده سیاسی	–	رفتار سیاسی	۰/۱۵٦	۱/۹۱۸	غیرمعنی‌دار
٦	عوامل درون سازمانی	مهارت سیاسی	رفتار سیاسی	-۰/۲۵۸	۱/۹۷۷	معنی‌دار
۷	عوامل درون سازمانی	اراده سیاسی	رفتار سیاسی	۰/۳۵٦	۲/٦٤۹	معنی‌دار

ملاک معناداری t در سطح ۹۵ درصد، ۱/۹٦± می باشد.

همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، رابطه عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی (t=۱/٤٦)، رابطه مهارت سیاسی با رفتار سیاسی (t=۰/٦۱) و نیز رابطه مهارت سیاسی با اراده سیاسی(t=۱/۹۱) غیر معنی‌دار هستند.

بررسی برازش مدل

در جدول ۳ ، واریانس مستخرج از سازه‌ها و پایایی آن‌ها آورده شده است.

جدول ۳: واریانس مستخرج از سازه‌ها و پایایی آن‌ها

متغیرها	واریانس مستخرج از سازه‌ها	پایایی ترکیبی	ملاک	نتیجه	ضریب آلفای کرونباخ	ملاک	نتیجه
عوامل درون سازمانی	۰/٤۷	۰/۷۰	۰/۷۰	قابل قبول	۰/۸۲	۰/۷۰	قابل قبول
مهارت سیاسی	۰/۵۱	۰/۷۱			۰/۸۰		
اراده سیاسی	۰/٤٤	۰/۷۳			۰/۷۱		
رفتار سیاسی	۰/٤۸	۰/۷۱			۰/۸٤		

فورنل و لارکر (۱۹۸۱) ملاک واریانس مستخرج از سازه‌ها (AVE) را ۰/۵۰ و مگنر و همکاران (۱۹۹٦) ملاک را بالای ۰/٤۰ در نظر می‌گیرند. بنابراین واریانس مستخرج از سازه‌ها قابل قبول است. همچنین، پایایی ترکیبی (ضریب دیلون – گلداشتاین) و ضریب آلفای کرونباخ سازه‌ها قابل قبول می‌باشند. در نتیجه، روایی همگرایی مدل و پایایی مدل قابل قبول است.

جدول٤ نیز واریانس مستخرج از سازه‌ها و همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول٤: واریانس مستخرج از سازه‌ها و همبستگی بین آن‌ها

متغیرها	عوامل درون سازمانی	مهارت سیاسی	اراده سیاسی	رفتار سیاسی	میانگین
عوامل درون سازمانی	۰/٦۸٦				۲/۷۵
مهارت سیاسی	۰/۵۸۲	۰/۷۱٤			۲/۳۳
اراده سیاسی	۰/۳٤٦	۰/٤۸۱	۰/٦٦۳		۲/۵۰
رفتار سیاسی	۰/٤۲٤	۰/۲۹۳	۰/۳۲۷	۰/٦۹۳	۳/۰۵

اعداد در قطر جدول ٤ جذر واریانس هر سازه می‌باشد. اگر جذر واریانس مستخرج از هر سازه از مقدار رابطه هر سازه با سازه دیگر بیشتر باشد، روایی واگرای مدل مورد تایید است. پس روایی واگرای مدل مورد تایید است.

آزمون مدل عملیاتی نقش تعدیل‌گر

آزمون مدل عملیاتی نقش تعدیل‌گری «مهارت سیاسی و اراده سیاسی» در رابطه علی عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی در شکل ۲ و ۳ آورده شده است. همچنین، در جدول ٦ ضرایب بارهای عاملی و معناداری آن‌ها در مدل طراحی شده آورده شده است.

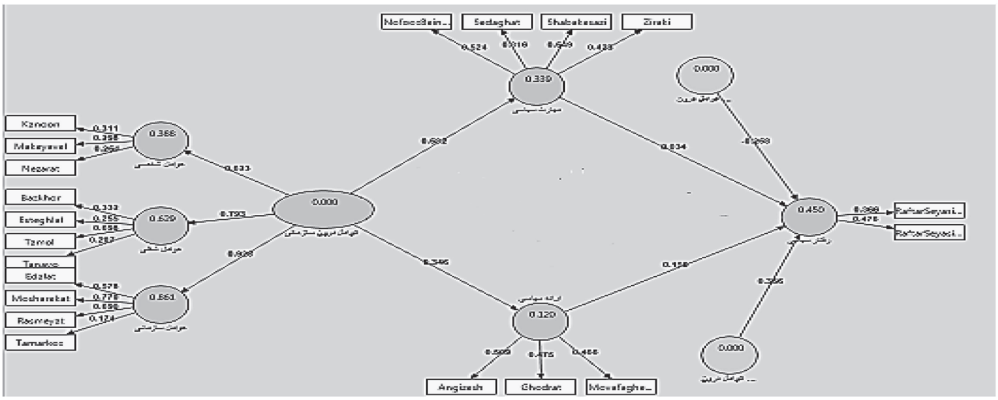

شکل۲: مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

در شکل ۲، مدل در حالت ضرایب استاندارد شده نشان داده شده است. این ضرایب، نشان‌دهنده بارهای عاملی می‌باشند و هرچه بار عاملی بزرگتر و به عدد یک نزدیکتر باشد، یعنی متغیر مشاهده‌شده بهتر می‌تواند متغیر مکنون یا پنهان را تبیین نماید. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته می‌شود. با توجه به شکل ۲ و نیز نتایج جدول ٦، تمامی بارهای عاملی از ۰/۳ بیشتر می‌باشند.

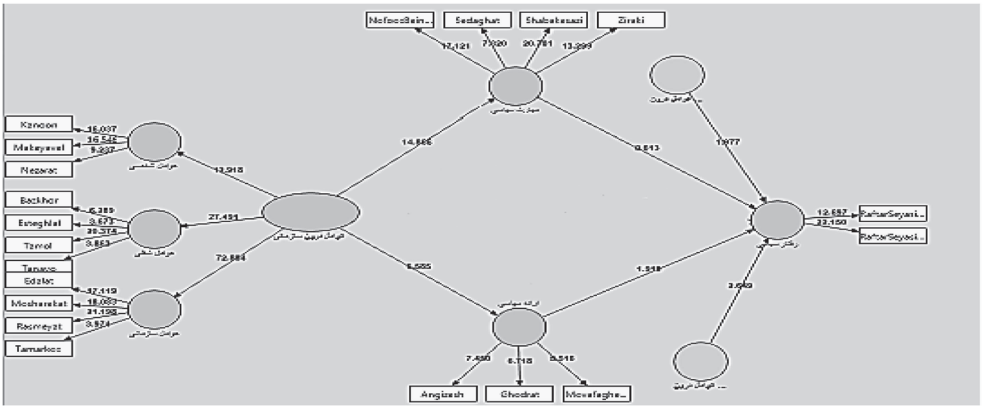

شکل ۳: مدل در حالت عدد معناداری

شکل ۳، مدل در حالت عدد معناداری را نشان داده است. در حالت معناداری، ارزش t (ضریب مسیر در حالت معناداری) مورد بررسی قرار می‌گیرد که باید این ارزش بیشتر از ۱/۹٦ باشد تا رابطه بین هر متغیر مشاهده شده و مکنون مورد نظر معنادار باشد. با توجه به شکل ۳ و نیز نتایج جدول ٦، تمامی مقادیر t بیشتر از ۱/۹٦ می‌باشند.

جدول۵: مقدار ضرایب تعیین مدل(R۲) و کیو دو(Q۲)

متغیر	R^2	ملاک	وضعیت	نتیجه	Q^2	ملاک	وضعیت	نتیجه
مهارت سیاسی	۰/۳۳۹	۰/۱۹(ضعیف)	متوسط	برازش مدل ساختاری در حد قوی است	۰/۱۴۱	۰/۰۲(ضعیف)	متوسط	قدرت پیش بینی مدل ساختاری در حد متوسط است
اراده سیاسی	۰/۱۲۰	۰/۳۳(متوسط)	ضعیف		۰/۱۴۲	۰/۱۵(متوسط)	متوسط	
رفتار سیاسی	۰/۴۵۰	۰/۶۷(قوی)	قوی		۰/۲۱۰	۰/۳۵(قوی)	متوسط	

بر اساس نتایج جدول ۵، برازش مدل ساختاری در حد قوی است. همچنین، قدرت پیش بینی مدل ساختاری (پیش بینی عوامل درون سازمانی) در حد متوسط است.

جدول ٦: ضرایب بارهای عاملی و معناداری آن‌ها در مدل طراحی شده

بُعد اصلی	زیرابعاد	مؤلفه‌ها	عوامل درون سازمانی	مهارت سیاسی	اراده سیاسی	رفتار سیاسی
عوامل درون سازمانی	عومل شخصی	ضرایب بارهای عاملی	۰/۶۲۳			
		T-Value	۱۲/۹۱۸			
	عوامل شغلی	ضرایب بارهای عاملی	۰/۷۹۳			
		T-Value	۲۷/۴۹۱			
	عوامل سازمانی	ضرایب بارهای عاملی	۰/۹۲۶			
		T-Value	۷۲/۸۰۴			
مهارت سیاسی	زیرکی اجتماعی	ضرایب بارهای عاملی		۰/۴۲۳		
		T-Value		۱۳/۲۹۹		
	نفوذ بین فردی	ضرایب بارهای عاملی		۰/۵۲۴		
		T-Value		۱۷/۱۲۱		
	توانایی شبکه سازی	ضرایب بارهای عاملی		۰/۵۴۹		
		T-Value		۲۰/۷۰۱		
	صداقت آشکار	ضرایب بارهای عاملی		۰/۳۱۶		
		T-Value		۷/۳۲۰		

اراده سیاسی	انگیزش درونی	ضرایب بارهای عاملی				۰/۵۹۹	
		T-Value				۷/٤٥۰	
	نیاز به قدرت	ضرایب بارهای عاملی				۰/٤۷۵	
		T-Value				٦/۷۱۸	
	نیاز به موفقیت	ضرایب بارهای عاملی				۰/٤٦٦	
		T-Value				۵/۵۱٦	
رفتار سیاسی	فعال	ضرایب بارهای عاملی					۰/۳۳٦
		T-Value					۱۲/٦۹۷
	انفعالی	ضرایب بارهای عاملی					۰/٤۷٦
		T-Value					۲۲/۱۵۰

بر اساس نظر هالند[1] (۱۹۹۹)، ملاک پذیرش ضرایب بارهای عاملی ۰/٤۰ است. بنابراین در مجموع، ضرایب بار عاملی بالاتر از این مقدار، مقادیر t-value ضرایب مذکور در سطح ۹۵ درصد و بیشتر دامنه۱/۹٦± می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که عوامل درون سازمانی بر رفتار سیاسی سازمان‌های ورزشی اثر مثبت و معنی‌داری ندارد. این یافتــه با نتایج پژوهش‌های کرمی و یوسفــی (۱۳۹۲) و شاهی و همکاران (۲۰۱۵) همسو و هماهنگ است و با نتایج شیخی‌نژاد (۱۳۹۲)، محمد (۲۰۰۷) و ابراهیمی (۲۰۱۵) ناهمسوست. می‌توان درباره رفتارهای تأثیرگذار بر رفتار سیاسی سازمان‌های ورزشی نیز قضاوت نمود و عوامل مؤثرتر دیگری از عوامل درون سازمانی از جمله نیاز به قدرت، حالات عاطفی مثبت و منفی و.. و نیز تأثیر عوامل دیگری به غیر از عوامل درون سازمانی- یعنی تأثیر عوامل فرا سازمانی از قبیل فرهنگ ملی- را بر رفتارهای سیاسی اثرگذار دانست.

نتایــج نشان داد که عوامل درون سازمانی بر مهارت سیاســی و اراده سیاسی سازمان‌های ورزشی اثر مثبت و معنــی‌داری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های شاغنــزی و همکاران (۲۰۱٦)، کاپوتسیس و همکاران (۲۰۱۵)، شیخی‌نــژاد (۱۳۹۲)، محمــد (۲۰۰۷) و فریس و همکاران، (۲۰۰۵) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان به نظر کاپوتسیس و همکاران (۲۰۱۵) مبنی بر این که در داخل سازمان‌ها، «تأثیرگذاران و مسائل خود را انتخاب کنید، تمرکز خود را بر روی مهم‌ترین موارد قرار دهید و این چهارچوبی است که در کانون رساله قدرت در داخل و پیرامون سازمان قرار دارد» تکیه کرد و اثر عوامل درون سازمانی را بر مهارت‌های سیاسی بسیار مهم دانست. می‌توان تبیین کرد که مشارکت در تصمیم‌گیری، توزیع قدرت در سازمان را منعکس می‌کند. همچنین، وقتــی سازمــان عوامل درون سازمانی از جمله عوامل شغلی و سازمانی را فراهم کند و افراد از نظر شخصی نیز مستعد باشند، احتمال اینکه ظرفیت افراد برای گسترش انرژی به منظور دستیابی به هدفی خاص افزایش یابد وافر

1. Hulland

است. لذا این افزایش ظرفیت که از آن به عنوان ارادهٔ سیاسی یاد می‌شود موجب می‌گردد برخی افراد در مقایسه با دیگران تمایل بیشتری به درگیرشدن در رفتار سیاسی داشته باشند.

نتایــج تجزیــه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مهارت سیاسی بر رفتــار سیاسی سازمان‌های ورزشی اثر مثبت و معنــی‌داری ندارد. بنابراین، این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت. این یافته با نتایج پژوهش‌های دولدور (۲۰۱۱)، بوچانون (۲۰۰۸) و فریس و همکاران (۲۰۰۵) ناهمسو و ناهماهنگ است. وقتی افراد در محل کار توانایی درک دیگــران را به طور مؤثر داشته باشند، توانایی نفوذ در دیگران به منظور افزایش اهداف شخصی و یا سازمانی را نیز دارند. علاوه بر این، هر مهارت سیاسی به رفتار سیاسی منجر نمی‌شود و عوامل تأثیرگذار دیگری در ایجاد رفتار سیاسی نسبت به مهارت سیاسی نقش دارند. گذشته از این، عدم آموزش کافی در مورد مهارت سیاسی در سازمان‌ها و به خصوص سازمان‌های ورزشی و در نتیجه اعمال مهارت‌های سیاسی نادرست و ناشیانه می‌تواند پاسخی بر این عدم معناداری باشد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که اراده سیاسی بر رفتار سیاسی سازمان‌های ورزشی اثر مثبت و معنی‌داری ندارد. بنابراین، این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت. این یافته با نتایج پژوهش‌های لیو و همکاران (۲۰۱۰) و فریس و همکاران (۲۰۰۵) ناهمسو و ناهماهنگ است. وقتی افراد تمایل به صرف انرژی در راستای نیل به اهداف سیاسی را دارند، این انرژی زمینه‌ساز ضروری برای درگیر شدن در رفتار سیاسی تلقی می‌شود، اما در صورتی که شرایط برای اعمال رفتارهای سیاسی فراهم باشد برای دخیل شدن در رفتار سیاسی، کارکنان باید قدرت سازمانی را بکار گیرند. طبق تئوری خودتعیینی که مبنایی برای بررسی تأثیر انگیزش درونی بر رفتار سیاسی است، پیگیری اهداف درونی به طور مثبتی بر نیازهای افراد برای شایستگی و داشتن ارتباط اثر می‌گذارد- در صورتی که عوامل مزاحم دیگر کمتر باشند. به دلیل این که اثبات شایستگی افراد فی نفسه با پاداش همراه است، افرادی که از نظر انگیزش درونی پایین هستند، برای اطمینان از این که شایستگی آن‌ها شناخته می‌شود در رفتار سیاسی درگیر نمی‌شوند.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که نقش تعدیل‌گری مهارت سیاسی در رابطه علّی عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی معنی‌دار است. بنابراین، این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با نتایج فریس و همکاران (۲۰۰۵)، لیو و همکاران (۲۰۱۰) و شیخی نژاد (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ است. این رابطه منفی در سازمان‌های ورزشی به دلیل حضور بیش از حد سیاسیون در این سازمان‌هاست که باعث ایجاد ذهنیت و برداشت‌های متفاوت در افراد و در نهایت باعث ایجاد رابطه منفی بین عوامل درون سازمانی و رفتار سیاسی شده است. افرادی که از مهارت سیاسی زیادی برخوردارند در مورد ارتباطاتی که با دیگران شکل می‌دهند، کاملاً حسابگر و زیرک هستند.

همچنین، متغیر اراده سیاسی توانست بر رابطه دو متغیر عوامل درون سازمانی و رفتار سیاسی تأثیر زیادی داشته باشد و این رابطه را به شدت تعدیل کند. این نتیجه با مطالعه شیخی نژاد (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ است. افرادی که نیاز زیادی به موفقیت دارند، در جستجوی تعالی در عملکرد هستند، در فعالیت‌های کاری رقابتی می‌باشند و از جستجوی راه‌حل‌ها برای مشکلات و دشواری‌ها لذت می‌برند. از آنجا که رفتار سیاسی اغلب به کشف منابع ارزشمند کمک می‌کند، روش‌های جدیدی برای حل مشکلات به همراه دارد و عملکرد شغلی را افزایش می‌دهد. بنابرایــن نیاز بالا به موفقیت ممکن است افــراد را به درگیر شدن در رفتارهای سیاسی هدایت کند. داشتن اراده سیاسی از طریق گسترش انرژی در پیگیری اهداف سیاسی به عنوان عامل ضروری بروز چنین رفتارهایی شناخته می‌شــود. چنین انگیزشی ممکن است ریشه در ساختار نیازهای فرد داشته باشد؛ نیازهای شخصی رفتارها را از طریق وضع ارزش‌ها و اهداف برانگیخته می‌کنند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با نتایج مدل معادلات ساختاری نهایی منطبق بود و کلیه فرضیات بجز سه فرضیه (تأثیر عوامل درون سازمانی بر رفتار سیاسی، تأثیر مهارت سیاسی بر رفتار سیاسی و تأثیر اراده سیاسی بر رفتار سیاسی) در سطح ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت. لذا با توجه به این یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های ورزشی توجه ویژه‌ای به عوامل درون سازمانی در جهت دسترسی به مهارت سیاسی و اراده سیاسی داشته باشند، چرا که توجه به عوامل درون سازمانی می‌تواند موجبات مهارت سیاسی و اراده سیاسی را فراهم سازد.

همچنین، پیشنهاد می‌گردد مدیران منابع انسانی در هنگام انتخاب پرسنل علاوه بر توجه به مدارج تحصیلی و تجارب شغلی، ویژگی‌های شخصیتی افراد را نیز مورد اهتمام قرار دهند. آن‌ها می‌توانند از طریق استفاده از آزمون‌های شخصیت در فرایند کارمندیابی و انتخاب پرسنل، سطح ماکیاول گرایی افراد را بررسی کنند و از ورود افراد ماکیاول گرای شدید به سیستم سازمانی جلوگیری به عمل آورند.

مدیران می‌توانند با گردش شغلی، مهارت‌های کارکنان را در انجام مشاغل مختلف افزایش دهند. چنین محیطی آگاهی کارمند از رویدادها را افزایش و عدم اطمینان سازمانی را کاهش می‌دهد - همه این عوامل منجر به ادراک کمتر سیاست می‌شود. همچنین، مدیران می‌توانند با فراهم نمودن توسعه شغلی و غنی‌سازی شغلی سطوح بیشتر استقلال، بازخورد و تنوع مهارت را در مشاغل جدید یا باز طراحی شده برای شاغلان فراهم کنند. لازم است که مدیران در بازخورد دادن به کارکنان رویه‌ها و انتظارات صریح و ثابتی ایجاد کنند و مسئولیت‌های شغلی را روشن و شفاف نمایند. همچنین، مدیران باید اطلاعات کافی در مورد اهداف شغلی، مسئولیت‌های شغلی و نقش‌ها و پیامدهای عملکرد شغلی برای افراد فراهم کنند و کارکنان را در تصمیمات سازمانی مشارکت دهند و از تجارب و دانش سازمانی آن‌ها برخوردار شوند.

نتایج تحقیق نشان داد که مهارت سیاسی و اراده سیاسی نقش تعدیل‌گری در رابطه علّی عوامل درون سازمانی با رفتار سیاسی سازمان‌های ورزشی دارند. از این رو پیشنهاد می‌شود برای افزایش مهارت سیاسی، جلسه‌های کارورزی، مربی‌گری اجرایی و کتاب‌های رهبری برای افرادی که درصدد کسب مهارت‌های سیاسی هستند، برگزار گردد. علاوه بر این، با توجه به این‌که مهارت‌های سیاسی با توجه به نوع سازمان متفاوت است، لازم است اطلاعات لازم به مدیران در این زمینه داده شود تا درک مفهومی کافی از مهارت سیاسی کسب گردد. در زمینه اراده سیاسی نیز از آنجا که نیاز به قدرت (از ابعاد اراده سیاسی) یکی از نیازهایی است که نقش چشم‌گیری در بروز رفتار سیاسی کارکنان دارد، مدیران باید نیازها و تمایلات کارکنان را تشخیص دهند و در مورد این نیازها و راه‌های برطرف کردن آن‌ها با کارمندان گفت و گو کنند. همچنین، در مورد کارکنان دارای سطوح بالای نیاز به موفقیت پیشنهاد می‌گردد در سازمان کارراهه شغلی افراد به طور واضح و روشن تعریف شود و معیارهای ارتقای افراد و شرایط احراز آن در حوزه‌های مختلف تعریف گردد. از آنجا که این قبیل افراد به دنبال کارهای چالشی هستند، در هنگام انتخاب افراد باید به این خصیصه توجه داشت و تناسب لازم بین شغل و شاغل را مورد توجه قرار داد.

این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها، با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است؛ چنان که تک مرکزی بودن جامعه پژوهش می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش را محدود کند. علاوه بر این، استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی نیز یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش بود؛ چراکه این نوع از ابزارهای اندازه‌گیری می‌توانند همراه با خطاها و اشتباهاتی باشند. لذا با توجه به این محدودیت‌ها پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی از چندین جامعه آماری جهت نمونه‌گیری استفاده شود. همچنین، پژوهش‌های بعدی ابزارهای سنجش دیگری همچون مصاحبه و یا روش مشاهده را بکار گیرند.

منابع

- امیرخانی، طیبه و پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۷). «**تأملی بر امکان توسعه سرمایه اجتماعی در پرتو عدالت سازمانی در سازمان‌های دولتی**». نشریه مدیریت دولتی. دوره ۱، شماره ۱.
- شیخی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۲). «**کنکاشی پیرامون عوامل موثر بر شکل گیری رفتار سیاسی در سازمان**». پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- فانی، علی اصغر؛ شیخی‌نژاد، فاطمه؛ دانایی‌فرد، حسن و حسن‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۳). «**بررسی اثرات تعدیل‌کننده مهارت سیاسی و اراده سیاسی در ارتباط بین درک سیاست‌های سازمانی و رفتار سیاسی مورد مطالعه: صنعت آب ایران**». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران. دوره ۱۸، شماره ۱.
- فرح‌بخش، سعید؛ نیک‌پی، ایرج و شجاعی، عظیمه. (۱۳۹۵). «**بررسی رابطه بین رفتار سیاسی مدیران با تعهد سازمانی کارکنان با تعدیل‌گری عدالت سازمانی در دانشگاه لرستان**». اندیشه‌های نوین تربیتی. دوره ۱۲، شماره ۳.
- کرمی، فرزانه و یوسفی، بهرام. (۱۳۹۲). «**ارتباط اعتماد بین فردی و رفتارهای سیاسی با سبک‌های حل تعارض در میان کارکنان ادارات کل تربیت بدنی استان‌های منتخب**». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۱.
- Andrews, M. C., Kacmar, K. M. (2001**). "Discriminating among organizational politics, justice and support"**. Journal of Organizational Behavior, 22.
- Aryee, S., Chen, A. X., Budhwar, P. S. (2004). **"Exchange fairness and employee performance: An examination of the relationship between organizational politics and procedural justice"**. Organizational Behavior and Human Decision Processes, 94.
- Atinc, G., Darrat, M., Fuller, B., Parker, B. W. (2010). **"Perceptions of organizational politics: A metaanalysis of theoretical antecedents"**. Journal of Management, 22(4).
- Azizinejad, B., Abbaszade, M. M., Hassani, M. (2011). **"Organizational political tactics in universities"**. Canadian Center of Science and Education, 1(2).
- Baxer, D. (2004). **"Perception of organizational politics and workplace innovation an investigation of the perceptions and behavior of staff in an Australian IT Services Organization (online)"**.
- Buchanan, D. A. (2008). **"You stab my back, I'll stab yours: Management experience and perceptions of organization political behavior"**. British Journal of Management, 19(1).
- Coole, D. R. (2007). **"Expansion and validation of the Political Skill Inventory (PSI): An examination of the link between charisma, political skill, and performance"**. PHD Dissertation, University of South Florida
- Cropanzano, R., Greenberg, J. (1997). **"Progress in organizational justice: Tunneling through the Maze"**. In I. T. Robertson & C. L. Cooper (Eds.), NY: Wiley.
- Doldor, E. (2011). **"Examining political will, political skill and their maturation among male and female managers"**. dspace.lib.cranfield.ac.uk, 11.

- Drory, A., Vigoda-Gadot, E. (2010). **"Organizational politics and human resource management: A typology and the Israeli experience"**. Human Resource Management Review, 20.
- Ebrahimi, M. A. (2015). **"Review of power, politics and political behavior in organizations"**. Visi Journal Academic, 1.
- Ferris, G. R., Buckle, G., Schneider, P. B., Kramer, J., Zettler, I., Solga, Meurs, J. A. (2008). **"Political skill construct and criterion-related validation: A two-study investigation"**. Journal of Managerial Psychology, 23(7).
- Ferris, G. R., Davidson, S. L., Perrewe, P. L. (2005). **"Political skill at work: Impact on work effectiveness"**. Mountain View, CA: Davies-Black Publishing.
- Gbadamosi, L., Chinaka, N. J. (2011). **"Organizational politics, turnover intention and organizational commitment as predictors of employees"**. Efficiency and Effectiveness in Academia. Proceedings of Informing Science & IT Education Conference, 14.
- Gotsis, G., Kortezi, Z. (2011). **"Bounded self-interest: a basis for constructive organizational politics"**. Management Research Review, 34(4).
- Jun, L., Guang-tao, Y., Gang, L. (2009). **"A moderation model of political behavior. In Management Science and Engineering"**. International Conference on, 9.
- Kacmar, K., Bozeman, M., Dennis, P., Anthony, S., William, P. (1999). **"An examination of the perceptions of organizational politics model: Replication and extension"**. Human Relation, 52(3).
- Kapoutsis, I., Papalexandris, A., Treadway, D. C., Bentley, J. (2015). **"Measuring political will in organizations: Theoretical construct development and empirical validation"**. Journal of Management, 20(10).
- Liu, Y., Liu, J., Wu, L. (2010). **"Are you willing and able? Roles of motivation, power, and politics in career growth"**. Journal of Management, 36(6).
- Miller, B. K., Byrne, Z. S., Rutherford, M. A., Hansen, A. M. (2009). **"Perceptions of organizational politics: A demonstration of the reliability generalization technique"**. Journal of Managerial Issues, 13.
- Muhammad, A. H. (2007). **"Antecedents of organizational politics perceptions in Kuwait business organizations"**. Competitiveness Review, 17(4).
- O'Connor, W. E., Morrison, T. G. (2001). **"A comparison of situational and dispositional predictors of perceptions of organizational politics"**. J Psychol, 135(3).
- Salimaki, A., Jamsen, S. (2010). **"Perceptions of politics and fairness in merit pay"**. Journal of Managerial Psychology, 25(3).
- Shahi, S., Mehni, O., Yazdanshenas, F., Mohammadi, A., Mahmoudi, G. H. (2015). **"Studying**

the relationship between organizational trust and political behavior of employees (Case Study: Shahid Chamran University)". Visi Journal Academic, 51-56.

- Shaughnessy, B. A., Treadway, D. C., Breland, J. W., perrewe, P. L. (2016). **"Informal leadership status and individual performance, the roles of political skill and political will"**. Journal of leadership and organization, 11.
- Sowmya, K. R., Panchanatham, N. (2008). **"Organizational politics-behavioral intention of Bank employees"**. The Journal of Commerce, 3(1).
- Tatarka, C. J. (2009). **"The perceptions of organizational politics in the national guard"**. PHD Dissertation, North-central University, Faculty of the School of Business and Technology Management.
- Treadway, D. C., Wayne A. H., Charles J. K., Gerald R. F. (2005). **"Political will, political skill, and political behavior"**. Journal of Organizational Behavior, 26(3).
- Ulkeryildiz, R. E. (2009). **"Political tactics in building construction industry from the architect's perspective. Master of science"**. Izmir Institute of Technology, School of Engineering and Science.
- Valle, M., Perrewe, P. (2000). **"Do politics perceptions relate to political behaviors? Tests of an implicit assumption and expanded model"**. Human Relations, 53(3).
- Vigoda, E., Cohen, A. (2002). **"Influence tactics and perceptions of organizational politics: A longitudinal study"**. Journal of Business Research, 55(4).
- Vigoda-Gadot, E., Vinarski-Peretz, H., Ben-Zion, E. (2009). **"Politics and image in the organizational landscape: An empirical examination among public sector employees".** Journal of Managerial Psychology, 18(8).

۹

بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب (مورد مطالعه: دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات تهران)

فاطمه دوله [۱]
سیف الله سیف الهی [۲]
حبیب اله زنجانی [۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۱
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۵/۹

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد که از آن میان، ۳۸۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه تعیین شدند. در مبانی نظری از نظریه‌های مرتبط با این حوزه استفاده شد و در پایان، مدل نظری تحقیق طراحی گردید. این تحقیق از نظر نوع هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی، یک بررسی مقطعی است. از نظر روش شناسی، کمی و از نوع همبستگی می باشد که با پیمایش و ابزار پرسشنامه استاندارد- که بعد از برآورد اعتبار و روایی، در بین پاسخگویان توزیع گردید- صورت گرفته است. داده‌های تحقیق بعد از گرد آوری با استفاده از نرم افزار Spss۱۸ در دو سطح آمار توصیفی و آمار استباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که فرضیه مبنی بر تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب (با میزان β=۰/۹۳۱ و R^2=۰/۸۶۶ و Sig=۰/۰۰۰) تایید شد و بیانگر قدرت ۸۶ درصدی سرمایه اجتماعی در پیش بینی حکمرانی خوب بوده است. از بین فرضیات تایید شده دال بر تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی، سرمایه ساختاری(با میزانβ=۰/۷۶۵ و R^2=۰/۵۸۶ و Sig=۰/۰۰۰) دارای ۵۸ درصد

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی(توسعه اقتصادی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mali: Dr.seyfollahi@rped-almizan.ir
۳. دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

توان پیش بینی کنندگی تغیرات حکمرانی خوب بوده است و از بین فرضیات مبنی بر تاثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد حکمرانی خوب بیشترین توان تبیین کنندگی سرمایه اجتماعی برای بعد نتیجه گرایی(با میزان ۰/۶۲۰=β و R^2=۰/۳۸۵ و Sig=۰/۰۰۰) با ۳۸ درصد بوده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، نتیجه گرایی، سرمایه ساختاری، اثربخشی نقش و وظایف

مقدمه

حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و ایده آل همواره هدفی مهم در زندگی انسان‌ها در بیشتر جوامع بوده است. از این رو، جوامع همیشه در پی دست یابی به وضعیت مطلوب بوده و برای نیل به آن برنامه ریزی کرده اند. برنامه‌های توسعه نیز برای رهایی از وضعیت نامطلوب جامعه به وضعیت مطلوب صورت گرفته است و تحقق توسعه موزون در یک جامعه نیازمند ارائه و پیاده کردن الگوهای مناسب است.

حکمرانی خوب[1] به عنوان یکی از الگوهای یاد شده، موضوعی تازه در ادبیات توسعه است که در دو دهه اخیر در علوم مختلف وارد شده و مورد توجه و بررسی کارشناسان و پژوهشگران و برنامه ریزان درسطوح گوناگون قرار گرفته است.

حکمرانی خوب به عنوان الگویی تازه در توسعه، توسط بانک جهانی[2] و برنامه توسعه سازمان ملل[3] در سال ۱۹۸۹ مطرح و وارد مبانی نظری مدیریت، توسعه و حاکمیت گردید. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از: مدیریت امور عمومی برای حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت داری(استو،۱۹۹۲:۳۹۲).

در حکمرانی خوب، هیچ نسخه از پیش تعیین شده ای دوای درد کشورها نیست و تنها مردم یک کشور هستند که می‌توانند مسیر رسیدن به توسعه را انتخاب کنند(میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). حکمرانی خوب به خودی خود شکل نمی گیرد و علل و عوامل گوناگونی در شکل گیری آن نقش دارند. این الگو، نه محدود به یک بخش یا بُعد، بلکه الگویی فراگیر است که وجود آن در همه بخش‌های یک جامعه ضرورت دارد و تحقق آن به هماهنگی و آمادگی همه بخش‌ها نیازمند است. «حکمرانی خوب به عنوان الگویی نوین در توسعه پایدار انسانی با ساز و کار تعاملی سه بخش، دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به شمار می‌رود. در چنین وضعیتی، روابط هم افزا بین بازیگران و همکاری و همراهی آنان با یکدیگر تضمین کننده حکمرانی خوب در جامعه است(الوانی،۱۳۸۵). این روابط مناسب می‌تواند در قالب سرمایه اجتماعی یک جامعه تعریف شود که به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه جانبه استفاده کنند و جامعه مدنی مستحکم به همراه دولتی مدرن، قوی و توسعه‌خواه، می‌تواند زمینه‌های ایجاد حکمرانی خوب و در نتیجه توسعه همه جانبه را با کمترین زمان و آسیب ممکن به پیش ببرد» (رزمی،۱۳۹۱:۱). از این رو، حکمرانی خوب یا شایسته یکی از موضوعاتی است که با هدف توسعه یافتگی و توازن جامعه در مسیر بهبود و توسعه دنبال و به کار گرفته می‌شود؛ به عبارتی، با استقرار اجزای حکمرانی خوب، می‌توان زمینه لازم را برای پویایی جامعه و حرکت آن به سمت توسعه فرهم کرد.

بـــه هر اندازه جامعـــه از روابط اجتماعی مطلوب تر، انسانی تر و عادلانه تر برخـــوردار باشد، نحوه مدیریت جامعه مطلوب تر و مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی[و سیاسی] با همبستگی، وفاق، همکاری و همیاری بهینه اجتماعی [و سیاسی] صورت می گیرد. بر عکس، هر اندازه روابط اجتماعی[و سیاسی] بر بنیان زور، سلطه‌گری، حیله و تزویر شکل گرفته و تداوم یابد، امور و فعالیت‌های اجتماعی در جامعه با مسائل، مشکلات، تنگناها و بحران هایی از قبیل بحران مدیریت و مشارکت‌های مردمی مواجه می‌شود. از سوی دیگر، به هر نسبتی که جامعه از نظر توسعه و تکامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مراحل پیشرفته تری را طی کرده باشد،

1. Good Goverance
2. World Bank
3. United Nation Development Programme

از پیچیدگی‌هـــای بیشتری برخوردار و روابط اجتماعـــی دارای کنش و واکنش‌ها و ارتباطات متقابل عمیق تر و درهم تنیده تری می‌شود. در نتیجه، اعمال مدیریت و مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی به نظم و نسق، قانونمندی ها، ضوابط و مقررات دقیق تر، مدون تر و فراجناحی تر نیاز پیدا می‌کند. پیدایش چنین شرایطی در هـــر جامعـــه به قانونمند شدن رفتار و روابط اجتماعی می‌انجامد که از شاخص‌ها و ویژگی‌های جامعه مدنی است(سیف اللهی،۱۳۸٦: ۱٦۱-۱٦۰).

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه با مسائل زیادی در زمینه حکمرانی خوب روبروست که مهم ترین آنها قانون گریزی و فساد فزاینده در لایه‌های مختلف جامعه به ویژه مسئولان است و همین امر افزون بر آنکه جریان توسعه و پایداری آن را در کشور به چالش می‌کشد و با شکست روبرو می‌کند، در سطح جهانی و بین المللی نیز تابلویی زشت از ایران را به جهانیان می‌نمایاند. بهبود و برون رفت از این وضعیت نامطلوب نیازمند فراهم ساختن بسترها و برنامه ریزی در عرصه‌هایی است که از نقش و ضریب تاثیر بالایی در ایجاد مطلوبیت و به عبارتی توسعه متوازن و حکمرانی خوب برخوردارند. در این میان، تقویت سرمایه اجتماعی[1] جامعه مدنی و بخصوص میان اقشار تحصیل کرده همچون دانشگاهیان جامعه نقشی پررنگ و موثر را در پیاده نمودن حکمرانی خوب دارد. توسعه در ایـــران همچنان ناموزون و ناپایدار حرکت می‌کند و مسائلی در جامعه ایجاد شده است که نمونه‌های توسعه نیافتگی و مصادیقی برای توسعه حکمرانی بد هستند تا حکمرانی خوب.

هم اکنون جامعه ایران درگیر مسائل و چالش‌های بسیاری به لحاظ خلاء شاخص‌های حکمرانی خوب است. مـــروری بر اخباری که در سال‌های اخیر در مورد پرونده‌های کلان قضایی از رسانه‌ها منتشر شد، نشان می‌دهد کـــه فســـاد اقتصادی، رانت، رابطه سالاری و خـــاص گرایی در بهره گیری از امکانـــات و اموال عمومی و ملی، خبرسازترین موضوعاتی است که نظام اداری، اقتصاد و سیاست کشور را به چالش کشیده و بدبینی مردم را نسبت به توزیع و اجرای عدالت در کشور به دنبال داشته است. انحصارگری اقتصادی از فرصت‌های کلان تا کالاهای اساســـی و مـــورد نیاز مردم در کشور همواره مسئله آفرین بوده اســـت. فسادهای شبکه ای چند هزار میلیاردی، وام‌های کلان بدون بازگشت، اختلاس در بانک ها، صندوق‌ها و فیش‌های حقوقی به اصطلاح نجومی، مصادیقی از انحصارگری هایی است که در لایه‌های مختلف جامعه هم به صورت عمودی و هم به صورت افقی مشاهده می‌شود؛ مسئله ای که سدی در برابر تحقق عدالت اجتماعی- اقتصادی است و علاوه بر این، ریشه بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود.

به طور کلی مبارزه با فساد و رفع مشکلات اقتصادی، اجتمای و سیاسی و تحقق حکمرانی خوب، برنامه ای فرآیندی و گام به گام است و در صورت تعهد، مشارکت و اراده عمومی جامعه اعم از ساختار سیاسی تا بخش خصوصی و از نخبگان دانشگاهی تا شهروندان عادی ممکن می‌شود.

مطالعـــه و بررسی این موضوع که جامعه ما تا چه حـــدودی از مشارکت مردمی و مدنی، مدیریت مشارکتی، مدیریت متولی گرا و.. در اداره امور جامعه برخوردار است و زمینه‌های شکل گیری و تعمیم جامعه مدنی قانونمند در ایران و توسعه پایدار و موزون تا چه حدودی فراهم است و چه پیشنهادهای راهبردی- کاربردی در این زمینه می‌توان ارائه داد، یکی از مباحث راهبردی- کاربردی در شرایط کنونی جامعه ماست (همان: ۱۵۸).

سرمایه اجتماعی مفهومی است که در دهه ۹۰، به شدت مورد توجه محققان و دانشگاهیان قرار گرفت. لین[2]

1. Social capital
2. Lin

(۱۹۹۹) از سه نوع سرمایه نام برده است: انسانی، فرهنگی و اجتماعی. وی سرمایه اجتماعی را سرمایه گذاری در روابط اجتماعی با انتظار بازگشت سود می‌داند. این نوع از سرمایه را می‌توان شبکه مبتنی بر اعتماد متقابل میان آحاد جامعه دانست. سرمایه اجتماعی، اقدامات جمعی و روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند و به افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری مردم می‌انجامد. به عقیده سازمان سلامت جهانی[1] (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی نمایانگر درجه انسجام اجتماعی است که در جوامع وجود دارد. این مقوله به فرآیندهای بین افراد اشاره دارد که به ایجاد شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی می‌پردازد و هماهنگی و همکاری برای منافع را تسهیل می‌کند(طبرسا،۱۳۹٤:۱۸٦).

در جامعه ایران به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر به دلایلی رو به کاهش است و این موضوع می‌تواند در ارتباط با فرآیند توسعه و انسجام اجتماعی پیامدهای منفی و جبران ناپذیری داشته باشد. لذا باید با یک رویکرد سیستمی، همه افراد و شهروندان و گروه‌های اجتماعی برای التیام بخشیدن به انسجام و تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد سازی بین حکومت و جامعه و بین گروه‌ها با یکدیگر و بین افراد با یکدیگر، تلاش جدی داشته با شند و هم افزایی کنند (سردارنیا،۱۳۹۳:۹۰).

بر اساس نتایج پژوهش سردارنیا (۱۳۸۸)، کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۸)، ساعی و همکاران (۱۳۹۰)، نصر اصفهانی و دیگران (۱۳۹۰)، سامتی و همکاران (۱۳۹۰)، بیدختی و همکاران (۱۳۹۱)، طبرسا و همکاران (۱۳۹٤) و صادقی و همکاران (۱۳۹٤) می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی و پایین بودن سرمایه اجتماعی و عدم تحقق حکمرانی خوب از جمله مسائل اصلی جامعه ایران است. به علاوه، مردم ایران با توجه به گستردگی ارتباطاتشان در عصر حاضر و دسترسی آنها به وسایل ارتباطی از سطح پایینی از سرمایه اجتماعی برخوردارند؛ به طوری که یافته‌های تحقیق سعادت (۱۳۸۵) و همینطور شعبانی و سلیمانی (۱۳۸۷) که بیانگر پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی استان‌های کشور و میانگین ۵۸/٤۳ (از ۱۰۰) می‌باشد، موید همین گفته است. با نگاهی به تحقیقات انجام شده با محوریت حکمرانی خوب نیز می‌توان گفت که حکمرانی خوب در ایران محقق نشده است و محقق شدن آن نیازمند مولفه‌های بسیاری است که یکی از مهمترین آنها بالا بردن سرمایه اجتماعی می‌باشد.

براساس گزارش های آماری بانک جهانی، شاخص کیفیت حکمرانی در کشورهای توسعه یافته ای مانند دانمارک ۹٦ ، نروژ ۹٦ ، سوئد ۹۷ و آلمان ۹۱ است. این شاخص در کشورهای درحال توسعه ای مانند کره جنوبی۷۱/۳، مالزی ٦۲ ، تایلند ۵۳ ، ترکیه ۵۰/۷٦، برزیل ۵۰/۱۲، هند ٤۵/۳۲، روسیه ۳۹/٦٤، ایران ۳۷/٦۰ ارمنستان ۳۸، پاکستان ۲۸، عراق ۳/۸ و نیجریه ۱۵/۳۸ است(گزارش های آماری بانک جهانی، ۲۰۱۰). بر پایه این آمار، تفاوت امتیاز کشور ایران با کشور سوئد بیش از ٦۰ واحد است و همین آمار خود چراهای زیادی ایجاد کرده است و ضرورت انجام این پژوهش را برای پژوهشگر آشکارتر می‌سازد.

وجود آمارهایی از این دست و همچنین وجود مسائلی همچون قانون گریزی، نبود پاسخگویی، تفسیر قوانین به نفع خود در بین مردم و مسوولان، نبود شفافیت،گسترش فساد، نبودن تعهد و مسوولیت پذیری و به طور کلی نبود حکمرانی خوب از مسائل حاد در جامعه است. از این رو، با توجه به نیاز به الگوی حکمرانی خوب و اهمیت این الگو در جامعه، ضرورت دارد که نقش عوامل موثر بر حکمرانی خوب مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد که از جمله این عوامل سرمایه اجتماعی است. در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب تاثیر دارد و کدامیک از ابعاد سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب نسبت

1. World Health Organization

به دیگر ابعاد اولویت دارند؟

لــذا با توجه به سوالات فوق، هــدف این پژوهش عبارت است از: بررسی و تبیین تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و بررسی تفاوت و اولویتبندی ابعاد سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب به صورت جداگانه.

پیشینه پژوهش

در مورد سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب پژوهش‌های چندی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در اینجا به برخی از پژوهش‌های مرتبط به اختصار اشاره می‌شود.

صادقی و همکاران (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در شرکت توزیع نیروی برق استان قم» با استفاده از روش پیمایشی به این نتیجه رسیده اند که مولفه‌های حکمرانی خوب قابلیت پیش بینی سرمایه اجتماعی را دارند و زمامداری خوب، ارتباط معنادار و مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد. طبرسا و همکاران(۱۳۹٤) با استفاده از روش پیمایشی به بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از تاثیرگذاری حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی بوده است و از میان ابعاد حکمرانی خوب نیز حاکمیت قانون بیشترین تاثیر را بر سرمایه اجتماعی داشته است. صالحی و همکاران(۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین سرمایه و حکمرانی مطلوب شهری نسیم شهر» به این نتیجه رسیده اند که رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی مطلوب شهری وجود دارد؛ به عبارتی، افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان در محدوده مورد مطالعه شاخص‌های حکمرانی مطلوب شهری را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش میرزا آقانسب و تقوی (۱۳۹۳) با عنوان «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب که در بین کشورهای درحال توسعه(۲۰۱۰-۱۹۹٦)» که با استفاده از روش داده‌های تابلویی انجام گرفته حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی بر روی حکمرانی خوب تاثیر مثبت و معنادار دارد. خدائی(۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و حکمرانی مطلوب شهری در دو شهر اردبیل» با استفاده از روش پیمایشی به این نتیجه رسیده است که بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب رابطه مثبت ومستقیم وجود دارد. ساعی و همکاران(۱۳۹۰) در تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری(۲۰۰۸-۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب را بررسی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که سرمایه اجتماعی، ۷۲ درصد از فضای حکمرانی خوب را پوشش می‌دهد. سردارنیا (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب» بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی با آموزش دادن شهروندان در زمینه‌های مشارکتی و حکمرانی، راهی برای برداشت از حکومت در عرض و کنار اجتماعات فراهم می‌سازد و این نکته را برجسته می‌سازد که حکومت در انحصار کسانی ویژه نیست و باید شهروندان پاسخگو باشنــد. همچنین، به گونه فشــرده نقش سرمایه اجتماعی در پیوند با حکمرانی خــوب را عبارت از کاآمدی و پاسخگویی حکومت در برابر خواست‌های و نقدهای سرمایه اجتماعی، زمینه سازی برای نزدیکی و تعامل بیشتر میان شهروندان و حکومت و گسترش دادن فضایل مدنی در میان شهروندان می‌داند. واتی ابراهیم والاراج[1] (۲۰۱٤) در تحقیقی با عنوان «بررسی تجربی تأثیر شیوه‌های حکومتداری خوب بر اعتماد عمومی به دولت لبنان در میان شرکت‌های کوچک در بیروت» با روش پیمایش و با استفاده از نرم افزار SPSS و SEM به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های حکمرانی خوب، تاثیر مثبت و معناداری بر اعتماد عمومی مردم به دولت در لبنان دارد. ریتر[2] (۲۰۱۳)

1. Alaaraj & Wati Ibrahim
2. Ritter

در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. دوفور و همکاران[1] (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب» بیان می‌کنند که منابع حاصـــل از محیط‌های اجتماعی متعدد، تاثیر درخور توجهی بر دستاوردهای آکادمیک در میان دانشجویان دارد. یکی از عوامل مهم و موثر که به نظر می‌رسد بر سرمایه اجتماعی افراد و به تبع آن، میزان موفقیت‌های دانشگاهی آنان و در نتیجه، موفقیت‌های بعدی آنها در زندگی شخصی و شغلی موثر باشد، نحوه حکمرانی جامعه است. کاردوس[2] (۲۰۱۲) معتقد است در جوامعی که به دنبال راه حلی برای توسعه پایدارند، حکمرانی خوب همواره به عنوان ابزاری حیاطی برای پیشبرد توسعه پایدار و عنصری مهم در استراتژی توسعه پایدار به حساب می‌آید.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده در این حوزه- با توجه به اینکه عنوان پژوهش‌ها مشابه هم می‌باشند- این است که جامعه آماری و شاخص‌های متغیرهای حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی با هم تفاوت دارند؛ جامعه آماری پژوهش‌های یاد شده کارکنان ادارات، شهروندان یا دانشجویان هستند که به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته اند، در صورتی که در پژوش حاضر جوانان دانشجو مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامـــی واحد علوم و تحقیقات، بررسی شده اند که همه ویژگی‌های مطرح در نمونه‌های آماری پژوهش‌های قبلی را دارند. در مورد تفاوت شاخص‌های متغیرها می‌توان گفت ابعاد مورد سنجش برای متغیر سرمایه اجتماعی در پژوهش حاضر سرمایه ارتباطی، ساختاری و شناختی می‌باشند که در پژوهش‌های قبلی هر سه بعد آنها در نظر گرفته نشده و با توجه به نوع جامعه آماری شاخص‌های دیگری همچون مشارکت، اعتماد و انسجام را برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته اند.

مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

مفهوم سرمایه اجتماعی به قرن هجدهم باز می‌گردد، اما از سال‌های دهه ۱۹۹۰، این مفهوم توجه زیادی را به خود جلب کرد. از این زمان به بعد ، مفهوم سرمایه اجتماعی رونق گرفت و دانشگاهیان از رشته‌های گوناگون راجع به آن مطالب متعددی نگاشتند(Temple,2001).

بوردیو[3] (۱۹۸۶) تلاش کرد تا اولین مطالعه نظام مند سرمایه اجتماعی را انجام دهد که کلمن[4] (۱۹۸۸) با مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و حضور در مدرسه در ایالات متحده و بعدها پاتنام[5] (۱۹۹۳) با مطالعه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، این مطالعات را به اوج خود رساند- در واقع، پاتنام اولین کسی بود که به بررسی آثار سرمایه اجتماعی بر حکمرانی و سطح توسعه پرداخت و راهنمای دیگر پژوهشگران شد.

پاتنـــام، بـــر این باور است که سرمایه اجتماعی به حکمرانی خـــوب و بهبود کارکردهای حکومت می‌انجامد. ویژگی‌ها و اجزای آموزه پاتنام عبارت است از:

۱-شهروندان در فضایی داوطلبانه[6] به عنوان اعضای انجمن‌های کلیسایی، ورزشی، محلی، حزبی و گروه‌های

1. Dufur et al
2. Kardos
3. Bourdieu
4. Coleman
5. Putnam
6. Voluntary associations

فعـــال اجتماعـــی و سیاسی کار می‌کنند. در این فضا، اعتماد[1] و همکـــاری[2] افزایش می‌یابد و هنجارها و قواعد مشترک بر روابط افراد در شبکه‌های اجتماعی[3] حاکم است و بدین سان، بر سر هم سرمایه اجتماعی پا می‌گیرد.

۲- اعتمـــاد و همکـــاری خود تقویت کننده[4] و انباشتی[5] است و به ایجاد حلقـــه ای از اعتماد به سطوح بالاتر همکاری و درگیرشدگی مدنی[6] می‌انجامد.

۳- اعتمـــاد، همکـــاری و درگیرشدگی مدنی بیشتر، به حکمرانی بهتر می‌انجامـــد. شهروندان با عضویت در گروه‌هـــا و انجمن‌هـــای مدنی[7] و ابراز خواسته‌هـــای خود و اعمال فشار، حکومت را بـــه پاسخگویی و کارایی بیشتر وا می‌دارند (Putnam,1994;177). سرمایه اجتماعی برای اثرگذاری بیشتر بر حکمرانی و پاسخگو ساختن حکومت، باید توانمندی چشمگیری در ایجاد و انتقال مقوله‌های احساسی- اجتماعی داشته باشد(Robinson & Flora,2003;1188-1190).

سرمایـــه اجتماعـــی پیوندهای بین افراد(شبکه‌های اجتماعی) و هنجارهـــای اعتماد و کنش و واکنش متقابلی اســـت که از این پیوندها ناشی می‌شود(پاتنـــام،۱۳۸۰:۲۹۷). از دیدگـــاه وی ،سرمایه اجتماعی مواردی همچون میزان مشارکت در امور اجتماع محلی و زندگی سازمانی، مشارکت در امور عمومی، رفتار داوطلبانه، فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی و سطح اعتماد بین افراد را در برمی گیرد که سنجه مورد نظر پاتنام دو عامل اساسی مشارکت انجمنـــی و اعتماد را شامل می‌شود(Putnam,1993). فوکویاما[8](۱۹۹۷) نیز آن را نمونه ای از هنجار غیررسمی می‌داند که به ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌پردازد. به طور کلی سرمایه اجتماعی در پیوند با حکمرانی عبارت است از:

۱-کارآمدسازی و پاسخگوسازی حکومت در برابر خواسته‌ها و نقدهای سرمایه اجتماعی؛

۲-زمینه سازی برای نزدیکی و تعامل بیشتر میان شهروندان و حکومت؛

۳-گسترش دادن فضایل مدنی.

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که نظریه سرمایه اجتماعی نیز به عنوان عاملی در شکل گیری حکمرانی خـــوب مـــورد تاکید پاتنام، کلمن، آلموند و وربـــا[9] و.. دارای دو بعد اساسی است: اعتماد اجتماعی[10] و مشارکت مدنـــی[11]. اعتماد اجتماعی، آمادگـــی و زمینهٔ بالقوه شهروندان برای همکاری و آمادگی آنها را برای وارد شدن در فعالیت‌هـــای مدنـــی را نشان می‌دهد. با این نگاه، در سطح خُرد، در پرتو سرمایه اجتماعی، اعضای جامعه به هم اعتمـــاد می‌کننـــد و بر مبنای این اعتماد به تشکیل گروه‌ها و سازمان های جدیـــد و همکاری در چارچوب آنها مبادرت می‌ورزند. در سطح کلان نیز با بالارفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل مردم با دولت افزایش می‌یابد و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکززدایی از قدرت ایجاد خواهد شد؛ به

1. Trust
2. Cooperation
3. Social Networks
4. Self-reinforcing
5. accumulative
6. Civic engagement Walter
7. Civil associations
8. Fukuyama
9. Alomond and verba
10. Social Trust
11. Civil Cooperation

گونه ای که سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت فعال شهروندان در سیاست شده و این فرصت را به شهروندان فراهم می‌کند که خودشان مشارکت فعالی در تصمیم گیری‌ها داشته باشند. در این شرایط، کنش های جمعی به راحتی منجر به نتیجه می‌گردد. با افزایش اعتماد اجتماعی و بالارفتن مشارکت مدنی شهروندان، هزینه‌های اجرای قوانین و سیاست های حکومت کاهش می‌یابد و مردم با مشارکت در مدیریت جامعه، همکاری مطلوب با دولت خواهند داشت. با افزایش سرمایه اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، مشارکت مدنی در بین شهروندان نهادینه می‌شود و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند. درواقع، از طریق تبادل ارتباطات و اعتماد بین دولت و شهروندان، یک چرخه عقلانی ناظر بر تبادل اطلاعات و انرژی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی شکل می‌گیرد. این چرخه عقلانی به بالا رفتن همزمان کارایی جامعه و دولت منجر می‌گردد.

سرمایه اجتماعی مدل‌های مختلفی دارد که یکی از معروف ترین آن ها، مدل سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) است. ناهاپیت و گوشال سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالفعل و بالقوه، دسترس پذیر و پدید آورنده شبکه ای از روابط تعریف کرده اند که فرد یا واحد اجتماعی کسب می‌کند (Nahapiet&Ghoshal,1998;244). بر اساس نظر این دو، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده سه بعد است: بعد ساختاری[1]، بعد شناختی[2] و بعد رابطه ای[3] (فیضی و رونقی، ۱۸۹:۱۳۹۰). بعد ساختاری به ویژگی‌های نظام اجتماعی اشاره می‌کند و به عنوان یک کل، به شبکه روابط مربوط می‌شود. همچنین پیکره غیرشخصی پیوند بین افراد یا واحدها را توضیح می‌دهد(Wasserman & Faust,1994;76). ناهاپیت و گوشال وجوه مهم بعد ساختاری را سه بعد پیوند شبکه، ترتیبات شبکه، و ثبات شبکه می‌دانند(Ong koh,2011) که محدوده تعریفی هر یک بدین شرح می‌باشد؛ پیوندهای موجود در شبکه که در بردارنده شیوه‌های خاصی است که اعضای واحد اجتماعی با یکدیگر مرتبط شده اند و با یکدیگر همکاری می‌کنند. پیوند شبکه به طور کلی شامل وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه می‌باشند (گودرزوند، ۸:۱۳۹۰). ترتیبات شبکه، تعیین کننده الگوی های پیوند میان اعضای واحدهای اجتماعی است و شامل سلسله مراتب شبکه، میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه می‌باشد. ثبات شبکه در بردارنده میزان نزدیکی و شباهت افراد در یک واحد اجتماعی است. به طور کلی این بعد در بردارنده این است که تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای یک هدف خاص ممکن است برای اهداف دیگر استفاده شود(الوانی و شیروانی، ۵۶:۱۳۸۵). بعد شناختی به منابعی اشاره دارد که تصاویر، تفسیرها و نظام معنایی مشترک میان اعضا را نشان می‌دهد. بعد ارتباطی نیز ماهیت ارتباط افراد هر سازمان را نشان می‌دهد (Ongkoh& Rowlinson,2011؛ صادقی و همکاران،۱۳۹٤). مهمترین جنبه‌های این بعد زبان مشترک، ابزاری است که از آن طریق افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و اطلاعات را تبادل می‌نمایند. زبان مشترک، قابلیت ترکیب اطلاعات را افزایش می‌دهد و حکایت‌های مشترک، یعنی داستان‌ها و استعاره‌هایی است که در یک جامعه موجب حفظ مجموعه‌های معانی می‌شود (فیضی و رونقی، ۱۸۹:۱۳۹۰). بعد رابطه‌ای، روابط شخصی که مردم در میان خودشان به واسطه سوابق تقابلات پرورش می‌دهند، می‌باشد. ناهاپیت و گوشال برای سنجش بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی به اعتماد، هنجارها و تحریم ها، تعهدات، التزام‌ها و انتظارات و احساس تعلق توجه نموده اند. به اعتقاد آنها، این بعد به روابط عاطفی بین افراد اشاره دارد که از طریق دوست داشتن، اعتماد، احساس تعلق و تقابل دوسویی بوجود می‌آید (.Nahapiet&Ghoshal,1998;259)

1. Intellectual Capital
2. Cognitive Capital
3. Relationship Capital

مفهوم حکمرانی، مفهوم جدیدی نیست و قدمت آن به قدمت تاریخ تمدن بشر بر می‌گردد. سیاستگذاران در موقعیت‌های گوناگونی از واژه حکمرانی استفاده می‌کنند، اما هنوز تعریفی واحد از آن وجود ندارد(Kaufmann et al,2010). تا قبل از سال ۱۹۹۰، حکمرانی مترادف با حکومت در نظر گرفته می‌شد. در واقع، لغت و مفهوم حکمرانی، اشاره به پاسخگو بودن هم در سیاست گذاری و هم در اجرا دارد. با وجود این، بنا به گستردگی مفهوم حکمرانی، موجب تفسیرها و تعبیرهای مختلف از آن شده است.

حکمرانی خوب نه تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود. حکمرانی خوب روایتگر توسعه انسان محور است. اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نموده، بانک جهانی است که در گزارشی در سال ۱۹۸۹ آن را به عنوان «ارایه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ گو تعریف نموده است» (استو،۱۹۹۲:۳۹۲).

تعاریف متعددی از حکمرانی از سوی صاحبنظران این حوزه مطرح شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

کارلیک[1] حکمرانی خوب را مدیریت کارآمد امور عمومی از راه بر پا کردن یک حکومت و قواعد مشروع و قانونی در راستای پیشبرد ارزش اجتماعی افراد و گروه‌ها می‌داند(Plumptre&Graham,1999;2). در این تعریف تنها به بعد هنجاری توجه شده است و بعد سیاسی و فنی- اداری حکمرانی خوب از نظر دور مانده است، زیرا که حکمرانی نه تنها نهادهای حکومتی را در بر می‌گیرد، بلکه مکانیسم‌های غیر رسمی و غیر حکومتی را نیز شامل می‌شود. مکانیسم هایی که اشخاص و سازمان‌ها از طریق آن نیازهایشان را تامین می‌کنند و خواسته‌هایشان را برآورده می‌سازند(Atkinson,1998;3).

بر اساس تعاریف برنامه عمران سازمان ملل متحد، حکمروایی خوب عبارت است از: مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری(اسماعیل زاده و صرافی،۱۳۸۵:۶). بانک جهانی نیز از شاخص هایی چون حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب، اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و انتخابات آزاد و منصفانه را برای سنجش حکمرانی خوب در کشورها استفاده کرده است(Kaufmann&et all,2007;11). یکی از اهداف اصلی رویکرد حکمروایی این است که ساکنان شهرها از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسوولیت پذیر تبدیل شوند. در این نگرش، شهروندان اشیای بی جان نیستند، بلکه عاملانی فعال هستند و دولت باید آنها را فعالانه در تمامی مراحل سیاستگذاری دخالت دهند. در واقع، با فراهم کردن فضای رقابتی، از شهروندان انتظار می‌رود که در مدیریت و اداره امور خود مسوولیت پذیر باشند و اقدامات ضروری جهت بهبود امور خویش را به انجام رسانند(Dekker&Kempen,2000).

کمیسیون مستقل حکمرانی خوب در خدمات دولتی با همکاری مشترک نهاد صاحب امتیاز مالیه و حسابداری دولتی و سازمان مدیریت دولتی در لندن در سال ۲۰۰۳ اصول و شاخص‌ها و استانداردهای حکمرانی خوب را در سازمان‌های دولتی و خدماتی، طی بیانیه ای منتشر کردند که پژوهشگران جهت سنجش حکمرانی خوب در

1. Charlick

سازمان‌ها از مولفه‌های نتیجه گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش ها، شفاف سازی، ظرفیت سازی و پاسخگویی استفاده نموده اند که با توجه به اهمیت مفهومی تعریف مولفه‌ها در زیر به اختصار آورده شده اند:

پاسخ گویی یعنی الزام به اینکه مقامات بر اساس قدرت و وظایفشان به دی نفعان جواب دهند، بر مبنای انتقادات و الزامات عمل کنند و مسئولیت شکست، بی کفایتی یا نقایص را بپذیرند(UNDP,2009). پاسخگویی را می‌توان دارای دو بعد دانست: جوابگویی و قابلیت مجازات که گاهی به آن قابلیت کنترل می‌گویند(Oneil,et al,2007& UNDP,2009).

شفافیت، نقطه مقابل پنهان کاری در تصمیم گیری است. شفاقیت عبارت است از: وجود اطلاعات قوی و قابلیت دسترسی به آنها برای بازیگران داخل و خارج از عملیات دولت. این اطلاعات در ارزیابی عملکرد موسسات موثر است(Bauhr Grimes,2012). کافمن و دیگران (۲۰۱۰) معتقدند که شفافیت علاوه بر تاکید بر وجود اطلاعات، بر اعتبار و دسترسی این اطلاعات برای نمایندگان بالقوه نیز تاکید می‌کند.

اثربخشی نقش‌ها و وظایف عبارت است از: استفاده مناسب از منابع موجود برای تامین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم.(undp,2000,1).

ظرفیت سازی متوجه افرادی با مهارت‌های بالا می‌باشد که بتوانند به نحو موثری اهداف را کنترل و راهنمایی کنند.

در ارتقای ارزش ها، نشانه حکمرانی خوب در توسعه ارزش‌های مشترک این است که خط مشی‌ها و زیرساخت‌های رفتاری را از کارگزاران به تمام کارکنان و اعضای سازمان انتقال دهد.

در نتیجه گرایی، داشتن یک هدف روشن نشانه حکمرانی خوب است. اگر این هدف به طور موثری تدوین شده باشد، می‌تواند فعالیت‌ها و تصمیمات افراد را در سطوح، هدایت و مدیریت کند(صادقی و همکاران،۱۳۹٤:۹).

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه طی سالیان متمادی با مسائلی روبرو بوده که نه تنها در مسیر توسعه واقعی و همه جانبه حرکت نکرده، بلکه در مسیر توسعه نامتوازن قرار گرفته و با وجود ترسیم برنامه‌های توسعه از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون این برنامه‌ها حتی در کوتاه مدت نیز هنوز در کشور پیاده و اجرایی نشده است. توسعه در ایران همچنان ناموزون و ناپایدار حرکت می‌کند و مسائلی در جامعه ایجاد شده است که نمونه‌های توسعه نیافتگی و مصادیقی برای توسعه حکمرانی بد هستند تا حکمرانی خوب.

با توجه به چهارچوب نظری که تلفیقی از نظریات مرتبط این حوزه است و با توجه به متغیرهای اصلی و نقش آنها در فرآیند پژوهش می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی یه عنوان متغیر مستقل دارای سه بعد ساختاری، شناختی و رابطه ای است و حکمرانی خوب به عنوان متغیر وابسته با مولفه‌های نتیجه گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش ها، شفاف سازی، ظرفیت سازی و پاسخگویی مشخص شده است. متغیرها و نقش آنها و ابعاد هر یک که بیانگر تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در بین جوانان دانشجوی مورد مطالعه است، در الگوی نظری و تحلیلی تحقیق اینگونه ارائه شده است:

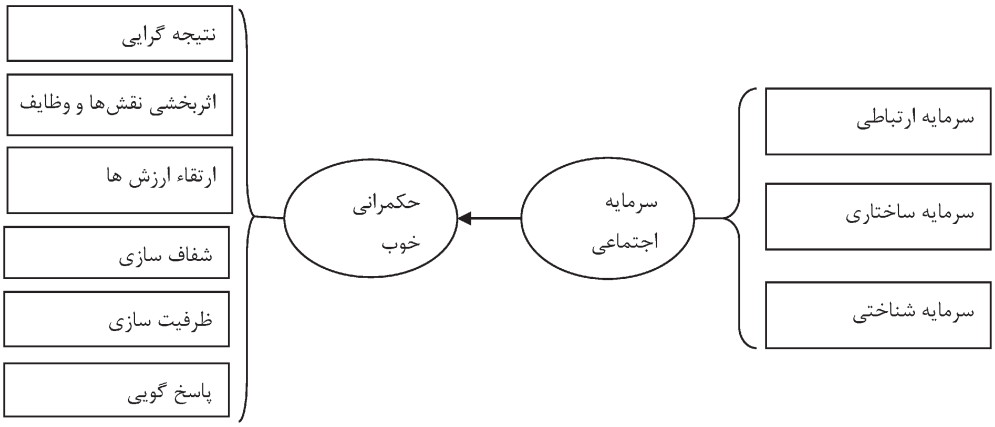

نمودار۱: الگوی نظری و تحلیلی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب تاثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی

- سرمایه ارتباطی بر حکمرانی خوب تاثیر دارد.
- سرمایه ساختاری بر حکمرانی خوب تاثیر دارد.
- سرمایه شناختی بر حکمرانی خوب تاثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر نتیجه گرایی تاثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر اثربخشی نقش‌ها و وظایف تاثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر ارتقای ارزش‌ها تاثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر شفاف سازی تاثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر ظرفیت سازی تاثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی تاثیر دارد.
- ابعاد حکمرانی خوب از نظر اولویت بندی با هم تفاوت معناداری دارند.
- ابعاد سرمایه اجتماعی از نظر اولویت بندی با هم تفاوت معناداری دارند.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

حکمرانی خوب

تعریف نظری: حکمرانی خوب شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها به شهروندان، گروه‌هـــا و نهادهـــای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را پیگیری و تعهداتشان را برآورده می‌سازند

و تفاوتشـــان را تعدیل می‌کننـــد(UNESCAP,2002). از نظر برنامه توسعه سازمـــان ملل متحد (UNDP,1997) شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب عبارت اند از: نتیجه گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش ها، شفاف سازی، ظرفیت سازی و پاسخگویی.

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر حکمرانی خوب به عنوان متغیر وابسته بر اساس اصول و شاخص‌ها و استانداردهای حکمرانی خوب در سازمان‌های دولتی و خدماتی که از سوی کمیسیون مستقل حکمرانی خوب در خدمات دولتی با همکاری مشترک نهاد صاحب امتیاز مالیه و حسابداری دولتی و سازمان مدیریت دولتی در لندن در سال ۲۰۰۳ منتشر شده ، عملیاتی شده است. این شاخص‌ها عبارت اند از: مولفه‌های نتیجه گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش ها، شفاف سازی، ظرفیت سازی و پاسخگویی که با توجه به اهمیت مفهومی تعریف مولفه‌ها در ذیل به اختصار آورده شده اند:

پاســخ گویی یعنـــی الزام به اینکه مقامات بر اســـاس قدرت و وظایفشان به ذی نفعـــان جواب دهند، بر مبنـــای انتقادات و الزامات عمل کننـــد و مسئولیت شکست، بی کفایتی یا نقایص را بپذیرند. شفافیت، نقطه مقابـــل پنهـــان کاری در تصمیم گیـــری و عبارت است از: وجود اطلاعات قـــوی و قابلیت دسترسی به آنها بـــرای بازیگران داخل و خـــارج از عملیات دولت- این اطلاعات در ارزیابی عملکرد موسسات موثر است. اثربخشی نقش‌ها و وظایف عبارت است از: استفاده مناسب از منابع موجود برای تامین نیازهای شهروندان، ارائـــه خدمات شهری و رضایت مردم. ظرفیت سازی متوجه افـــرادی با مهارت‌های بالا می‌باشد که بتوانند بـــه نحـــو موثری اهداف را کنتـــرل و راهنمایی کنند. در ارتقای ارزش‌ها نشانـــه حکمرانی خوب در توسعه ارزش‌هـــای مشترک این اســـت که خط مشی‌ها و زیرساخت‌های رفتاری را از کارگزاران به تمام کارکنان و اعضـــای سازمـــان انتقال دهد. در نتیجه گرایی، داشتن یک هدف روشـــن نشانه حکمرانی خوب است. اگر ایـــن هـــدف به طور موثری تدوین شده باشد، می‌تواند فعالیت‌ها و تصمیمات افراد را در سطوح، هدایت و مدیریت کند(صادقی و همکاران،۱۳۹٤:۹).

سرمایه اجتماعی

تعریف نظری: سرمایه اجتماعی مجموعه منابع بالفعل و بالقوه، دسترس پذیر و پدیدآورنده شبکه ای از روابط است که فرد یا واحد اجتماعی کسب می‌کند(Nahapiet&Ghoshal,1998;244).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی بر اساس نظریه و ابعاد مطرح شده برای سرمایه اجتماعی از سوی ناهاپیت وگوشال (۱۹۹۸) عملیاتی شده است. ابعاد سرمایه اجتماعی بر اساس نظریه ناهاپیت وگوشال عبارت اند از: بعد ساختاری، بعد شناختی و بعد رابطه ای؛ بعد ساختاری پیکره غیرشخصی پیوند بین افراد یا واحدها را توضیح می‌دهد. بعد شناختی به منابعی اشاره دارد که تصاویر، تفسیرها و نظام معنایی مشترک میان اعضا را نشان می‌دهد. بعد ارتباطی نیز ماهیت ارتباط افراد هر سازمان را نشان می‌دهد(Ong koh& Rowlinson,۲۰۱۱ ؛ صادقی و همکاران،۱۳۹٤).

متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق در دو بخش متغیر مستقل و متغیر وابسته مورد برررسی قرار گرفته اند. متغیر مستقل پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی است که دارای ابعاد ساختاری، شناختی و رابطه ای می‌باشد و متغیر وابسته نیز حکمرانی

خوب می‌باشد که دارای شاخص‌های نتیجه گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش ها، شفاف سازی، ظرفیت سازی و پاسخگویی می‌باشد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی، یک بررسی طولی(در فاصله سال‌های ۱۳۹٤-۱۳۹۷ هجری شمسی به اجرا درآمده) است. از نظر روش شناسی، کمی و از نوع همبستگی می باشد که با پیمایش و ابزار پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی (ناهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸) و حکمرانی خوب[1] مورد بررسی وسنجش قرار گرفته است. از نظر مکانی و موقعیت جغرافیایی، این پژوهش»تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب را در بین جوانان» مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، کلیه دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۳۹٤-۱۳۹۷ بود که با توجه به اینکه تعداد آنها از سوی دانشگاه دقیقا اعلام نشد، تعداد کل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران که بر اساس آماراعلام شده از سوی دانشگاه، ۳۰۰۰۰ دانشجو بودند، به عنوان جمعیت جامعه آماری در نظر گرفته شد و بر اساس این جمعیت، حجم نمونه محاسبه گردید.

روش نمونه گیری و حجم نمونه

حجم نمونه محاسبه شده با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۰ نفر به دست آمد. با توجه به روش نمونه گیری مورد استفاده در پژوهش که نمونه گیری خوشه ای می‌باشد، ابتدا از بین ۲۰ دانشکده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات که متعلق به گروه‌های اصلی تحصیلی در این دانشگاه می‌باشد، از هر یک از گروه‌های اصلی، یک دانشکده انتخاب شد که عبارت اند از: دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشکده شیمی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده هنر و معماری، دانشکده فنی و مهندسی. در مرحله توزیع پرسشنامه با در نظر گرفتن دانشجویان جوان (۲۹-۱۸) سال، بعد از طی مراحل اولیه نمونه گیری، پرسشنامه در اختیار دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده‌های مذکور قرار داده شد و بعد از تکمیل، پرسشنامه‌ها جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

تمامی مراحل استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پیمایش در این پژوهش با استفاده از نرم افزار Spss18 در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. جهت اطمینان بیشتر از روایی محتوا، در موقع ساختن ابزار با توجه به استاندارد بودن ابزار و اینکه از نظر اعتبار تایید شده است سعی شد که سوال‌های تشکیل دهنده ابزار، معرف قسمت‌های محتوای انتخاب شده باشد- جهت حصول این اطمینان ابزار در اختیار افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه قرار داده شد که با توجه به استاندارد بودن ابزار پژوهش، ابزار مورد تایید آنها قرار گرفت. برای سنجش پایایی ابزار پژوهش، پرسشنامه روی یک جمعیت ۳۰ نفری از جمعیت نمونه اجرا گردید و آلفای کرونباخ همه مولفه‌های آن بالای ۰/۷ به دست آمد.

---

۱. پرسشنامه حکمرانی خوب بر اساس نظریه کمیسیون مستقل حکمرانی خوب در خدمات دولتی است که توسط مقیمی و رمضان(۱۳۹۰) ترجمه شده است.

جدول۱: مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش و مولفه‌های آنها

متغیر	حکمرانی خوب	نتیجه گرایی	اثربخشی نقش‌ها و وظایف	ارتقاء ارزش ها	شفاف سازی	ظرفیت سازی	پاسخگویی	سرمایه‌اجتماعی	سرمایه رابطه ای	سرمایه‌ساختاری	سرمایه‌شناختی
تعداد گویه	۳۵	۵	۸	۵	۵	٦	٦	۲۰	۷	۷	٦
آلفای کرونباخ	۰/۸۹	۰/۸۲	۰/۷۸	۰/۷٦	۰/۷۲	۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۸٦	۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۷٦

بعــد از تایید اعتبار ابزار گردآوری اطلاعات و گــردآوری داده‌های پژوهش، با استفاده از نرم افزار spss18 به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی وآمار استنباطی پرداخته شد.

یافته‌های توصیفی

نتایج آمار توصیفی

پرسشنامه در میان ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از دانشکده‌های دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست دانشکده شیمی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده هنر و معماری و دانشکــده فنــی و مهندسی توزیع شــد. ٦۰/۵ درصد از پاسخگویان را مــردان و ۳۹/۵ درصد را زنان به خود اختصــاص داده اند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۹ ســال است- کم سن ترین پاسخگو ۲۱ سال و بالاترین سن متعلــق بــه دانشجویان ۲۹ سال بود. ۵۳/۵ درصد از جمعیت نمونه را مجردان و ٤٦/۵ درصد را متاهلان تشکیل می‌دادند. ۳۱/۵ درصد از پاسخگویان دانشجوی لیسانس، ۳۹/۵ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۲۹ درصد هم دانشجوی دکتری بودند. از نظر توصیف متغیرهای اصلی تحقیق می‌توان گفت که حکمرانی خوب از دیدگاه ۹ درصد(۳٤ نفر) از جوانان دانشجو در سطح پایین، ٤۲/۳٦ درصد(۱٦۱ نفر) متوسط و ٤۸/٦٤ درصد(۱۸۵ نفر) در سطــح بالا بیان گردیده است و سرمایه اجتماعی ۷/۱۱ درصد(۲۷ نفــر) در سطح پایین، ۳۷/۱۱ درصد(۱٤۱ نفر) در سطح متوسط و ۵۵/۷۸ درصد(۲۱۲ نفر) در سطح بالا قرار دارد. همانطور که مشخص است حکمرانی خــوب و سرمایه اجتماعی جوانان در سطح متوسط و متوسط به بالا می‌باشد. شاخص‌های حکمرانی خوب و ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان تفاوت دارد که این تفاوت برای حکمرانی خوب به ترتیب در ابعاد اثربخشی نقش‌ها و وظایف، پاسخگویی، ظرفیت سازی، شفاف سازی، ارتقای ارزش‌ها و نتیجه گرایی و برای سرمایه اجتماعی به ترتیب، سرمایه ساختاری، سرمایه شناختی و سرمایه ارتباطی می‌باشد.

یافته‌های تبیینی(آمار استنباطی)

جهـــت بررسی فرضیات تحقیق و مشخص شدن نوع آزمون‌هـــای مربوطه ابتدا به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیر وابسته تحقیق(حکمرانی خوب) پرداخته شد و نتایج حاصل از آزمون کولموگروف- اسمیرنف (جـــدول۲) بیانگر آن بود که سطح معنـــاداری آزمون بیشتر از Sig≥0/05 است. لـــذا جهت آزمون فرضیات از آزمون‌های پارامتریک استفاده شده است.

جدول۲: آزمون بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیر وابسته حکمرانی خوب

نام متغیر	آماره کولموگروف-اسمیرنف	سطح معناداری(sig)
حکمرانی خوب	۰/۲۶۳	۰/۰۸۷

بـــرای بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی در حکمرانی خوب (و ابعاد آن) و همینطور تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب با توجه به نوع فرضیات پژوهش از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است؛ به عبارتی، با استفاده از این آزمون به برآورد میزان توانایی سرمایه اجتماعی(متغیر مستقل) جهت تبیین تغییرات حکمرانی خوب (متغیر وابسته) پرداخته شده است.

جدول ۳: نتیجه آزمون فرضیه تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و ابعاد آن

شاخص	R(ضریب همبستگی پیرسون)=Beta	(ضریب پیش بین) R^2	آماره F	سطح معناداری	تایید یا رد فرضیه
سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب	۰/۹۳۱	۰/۸٦٦	۱۲۸۱/۵۳۵	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه اجتماعی بر نتیجه گرایی	۰/٦۲۰	۰/۳۸۵	۱۲۳/۸۵٤	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی	۰/۵۵٤	۰/۳۰۷	۸۷/۷٤۳	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه اجتماعی بر اثربخشی نقش‌ها و وظایف	۰/۵۲۹	۰/۲۸۰	۷٦/۸٤۲	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه اجتماعی بر ارتقای ارزش ها	۰/٤۸۲	۰/۲۳۳	٦۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه اجتماعی بر ظرفیت سازی	۰/٤۵٤	۰/۲۰٦	۵۱/٤۲۲	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه اجتماعی بر شفاف سازی	۰/٤۳۲	۰/۱۸٦	٤۵/۳۷۷	۰/۰۰۰	تایید

طبق اطلاعات جدول ۲، در فاصله اطمینان ۹۹ درصد(خطای یک درصد) سطح معناداری آزمون فرضیه تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و ابعاد آن کمتر از پنج صدم (Sig≤0/05) است که بیانگر تایید فرضیات مبنی بر تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و ابعاد آن می‌باشد. با توجه به مقدار ضریب پیش بین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی بـه میزان ۸۶ درصد توانایی پیش بینی تغییرات حکمرانی خـوب را دارا است و این توانایی سرمایه اجتماعی در پیش بینی تغییرات ابعاد حکمرانی خوب به ترتیب برای نتیجه گرایی(۳۸ درصد)، پاسخگویی(۳۰ درصد)، اثر بخشی نقش‌ها و وظایف(۲۸ درصد)، ارتقای ارزش ها(۲۳ درصد)، ظرفیت سازی(۲۰ درصد) و شفاف سازی(۱۸ درصد) می‌باشد.

جدول ٤: نتیجه آزمون فرضیه تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب

شاخص	R(ضریب همبستگی پیرسون)=Beta	(ضریب پیش بین) R^2	آماره F	سطح معناداری	تایید یا رد فرضیه
سرمایه ساختاری برحکمرانی خوب	۰/۷۶۵	۰/۵۸۶	۲۸۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه شناختی بر حکمرانی خوب	۰/۶۹۱	۰/۴۷۸	۱۸۱/۰۶۳	۰/۰۰۰	تایید
سرمایه ارتباطی بر حکمرانی خوب	۰/۶۴۹	۰/۴۲۱	۱۴۳/۸۷۹	۰/۰۰۰	تایید

طبق اطلاعات جدول ۳، در فاصله اطمینان ۹۹ درصد (خطای یک درصد) سطح معناداری آزمون فرضیه تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب کمتر از پنج صدم (Sig≤0/05) است که بیانگر تایید فرضیات مبنی بر تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی(سرمایه ساختاری، سذمایه شناختی و سرمایه ارتباطی) بر حکمرانی خوب می‌باشد. با توجه به مقدار ضریب پیش بین می‌توان گفت که بیشترین توان پیش بینی کنندگی تغییرات حکمرانی خوب را سرمایه ساختاری به میزان ۷۶ درصد و کمترین را سرمایه ارتباطی داراست که بیانگر اهمیت پیوند، ترتیبات و ثبات شبکه سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان می‌باشد که عاملی موثر در حکمرانی خوب می‌باشد.

جدول۵: رتبه بندی ابعاد حکمرانی خوب وسرمایه اجتماعی

مقادیر	اثربخشی وظایف و نقش‌ها	پاسخگویی	ظرفیت سازی	شفاف سازی	ارتقای ارزش ها	نتیجه گرایی	سرمایه ساختاری	سرمایه شناختی	سرمایه ارتباطی
میلگین رتبه‌ها	۶/۰۰	٤/٤۳	٤/٤۲	۲/۱۱	۲/۰٤	۲/۰۰	۲/۳۸	۲/۱٤	۱/٤۸
آماره‌ها	کای اسکوئر (۸۶۷/۱٤۰)، سطح معناداری (۰/۰۰۰) درجه آزادی(۵)	کای اسکوئر(۹۶۷/۱٤۱)، سطح معناداری (۰/۰۰۰)، درجه آزادی(۲)							

طبــق اطلاعات جدول٤، در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری آزمون تفاوت ابعاد حکمرانی خوب و تفــاوت ابعاد سرمایه اجتماعی کمتر از پنج صدم(Sig≤0/05) است. با توجه به اطلاعات فوق و نظر به میانگین رتبه‌ها می‌توان گفت که ابعاد حکمرانی خوب و ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان تفاوت معناداری دارد که این تفاوت برای حکمرانی خوب به ترتیب در ابعاد اثربخشی نقش‌ها و وظایف، پاسخگویی، ظرفیت‌سازی، شفــاف ســازی، ارتقای ارزش‌ها و نتیجه گرایی و برای سرمایه اجتماعــی به ترتیب، سرمایه ساختاری، سرمایه شناختی و سرمایه ارتباطی می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

درک و شناخت عمیق مفهوم حکمرانی خوب می تواند معیارهای ارزشمندی را فراهم کند که به دولت‌ها و جوامع کمک کند تا درک بهتری از رابطه بین اشکال مختلف نهادی و راه‌های فراهم آوردن سلامت اجتماعی- اقتصادی برای شهروندان به دست آورند.

امــروزه، ارتقای سرمایه اجتماعی به هدف قابل تحققی در اسناد توسعه مبدل شده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به عنوان مجموعه ای برای توسعه موضوعات سیاستگذاری در بین کشورهای توسعه یافته که نه تنها شامل کشورهایی از جمله فرانسه، انگلیس و آلمان است، بلکه تازه واردانی مانند مکزیک و کره جنوبی را نیز شامل می‌شود، این مفهوم را گسترش داده است(سردارنیا، ۱۳۸۸ به نقل از صادقی وهمکاران،۱۳۹٤). حکمرانی خوب در پی شکست پارادایم دولت کارآمد یا دولت حداقل در برآوردن برخی از عناصر مورد نیاز جامعه مانند عدالت اجتماعی، اعتماد و کاهش فقر مطرح شد. یکی از دلایل طرح پارادایم جدید مدیریت را می‌توان کاهش سرمایه‌هــای اجتماعی دانست که تحقیقات زیادی نیز تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی را در ارتقای حکمرانی خوب و برعکس مورد تایید قرار داده اند.

بــا توجــه به عنوان تحقیق و قرار گرفتن دو مفهوم حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در دایره سازمانی و با توجه به جامعه هدف که دانشجویان جوان(۲۹-۱۸ سال) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوده اند و با در نظر گرفتن نظریات مطرح شده در این حوزه می‌توان گفت که فرضیات مبنی بر تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و همینطور تاثیر ابعاد آن‌ها بر یکدیگر مورد تایید قرار گرفت که خود تایید کننده نظریات ذکر شده می‌باشد.

مقدار ضریب پیش بین گزارش شده در فرضیه تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب حاکی از توانایی پیش بینی ۸٦ درصدی سرمایه اجتماعی برای حکمرانی خوب است که با توجه به مقدار آن می‌توان از توانایی بالای متغیر سرمایه اجتماعی در تبیین حکمرانی خوب صحبت نمود. از آنجا که هر کدام از متغیرهای تحقیق دارای ابعاد هستند، با سنجش تاثیرات جداگانه آنها این نتیجه حاصل شد که به ترتیب سرمایه اجتماعی توانایی پیش بینی ۳۸ درصد از تغییرات بعد نتیجه گرایی، ۳۰ درصد پاسخگویی، ۲۸ درصد اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ۲۳ درصــد ارتقای ارزش هــا، ۲۰ درصد ظرفیت سازی و ۱۸ درصد شفاف سازی را دارا بود که همین خود موید اهمیت ابعاد حکمرانی خوب از دیدگاه پاسخگویان بوده است. از سوی دیگر، در مورد تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی می‌توان گفت که سرمایه ساختاری به میزان ۵۸ درصد، سرمایه شناختی به میزان ٤۷ درصد و سرمایه ارتباطی به میزان ٤۲ درصد توانایی پیش بینی تغیرات حکمرانی خوب را داراست.

با توجه به نتایج بدست آماده و بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب و تایید فرضیه تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب می‌توان از همخوان بودن نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات سردارنیا (۱۳۸۸)، ساعی و همکاران (۱۳۹۰)، خدایی (۱۳۹۲)، صالحی و همکاران (۱۳۹۳)، میرزاآقانسب و تقوی (۱۳۹۳)، دوفور و همکاران (۲۰۱۳) و ریتر(۲۰۱۳) حکایت داشت. تایید نظریه اصلی پژوهش همخوان با نظریه پاتنام در مورد تاثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب و نظریات مطرح شده در حوزه حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با نظر به تایید فرضیات و همخوان بودن نتایج آن با پیشینه‌های تجربی پژوهش این تفاوت را دارد که جامعه آماری آن علاوه بر داشتن ویژگی هایی چون جوان و دانشجو بودن، در ادارات دولتی نیز شاغل هستند که همین نکته می‌تواند در تعمیم نتایج به جمعیت جوان و دانشجو به پژوهشگران بعدی کمک کند. از جهت تطابق با نظریات نیز نتایج پژوهش حاضر با نظریات پاتنام به عنوان صاحبنظر و اولین کسی که به بررسی آثار سرمایه اجتماعی بر حکمرانی و سطح توسعه پرداخت، همخوان می‌باشد. این نظریه مورد تاکید کلمن، آلموند و وربا و.. نیز قرار گرفت و بر دو بعد اساسی تاکید دارد: اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی. اعتماد اجتماعی، آمادگی و زمینهٔ بالقوه شهروندان برای همکاری و آمادگی آنها را برای وارد شدن در فعالیت های مدنی را نشان می‌دهد. با این نگاه، در سطح خُرد، در پرتو سرمایه اجتماعی، اعضای جامعه به هم اعتماد می‌کنند و بر مبنای این اعتماد به تشکیل گروه‌ها و سازمان های جدید و همکاری در چارچوب آنها مبادرت می‌ورزند. در سطح کلان نیز، با بالارفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل مردم با دولت افزایش یافته و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکززدایی از قدرت ایجاد خواهد شد؛ به گونه ای که سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت فعال شهروندان در سیاست شده و این فرصت را به شهروندان فراهم می‌کند که خودشان مشارکت فعالی در تصمیم گیری‌ها داشته باشند. در این شرایط، کنش های جمعی به راحتی منجر به نتیجه می‌گردد. با افزایش اعتماداجتماعی و بالارفتن مشارکت مدنی شهروندان، هزینه‌های اجرای قوانین و سیاست های حکومت کاهش می‌یابد و مردم با مشارکت در مدیریت جامعه، همکاری مطلوب با دولت خواهند داشت. با افزایش سرمایه اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، مشارکت مدنی در بین شهروندان نهادینه می‌شود و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند. درواقع، از طریق تبادل ارتباطات و اعتماد بین دولت و شهروندان، یک چرخه عقلانی ناظر بر تبادل اطلاعات و انرژی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی شکل می‌گیرد. این چرخه عقلانی به بالا رفتن همزمان کارایی جامعه و دولت منجر می‌گردد.

حکمرانی خوب مفهومی است که به منظور نقش روزافزون دیگر بازیگران وسهامدارانی که علاوه بر دولت در رشد و توسعه شهرها نقش دارند، عمومیت یافته است. حکمرانی، تعامل پویا بین حکومت، بازار و بازیگرانی اجتماعی است که هریک از طریق فرآیندهای رسمی و غیر رسمی بر اعمال تصمیمات دیگران تاثیر می‌گذارند. در واقع، حکمرانی خوب شامل حکومت است، اما با در برگرفتن بخش‌های غیر دولتی و خصوصی جامعه جامعه مدنی، دارای نقشی بیش از حکمرانی می‌شود. در این رویکرد، جامعه مدنی، کنش متقابل سیاسی و اجتماعی را از طریق بسیج گروه‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تسهیل می‌کند. هدف اصلی، حمایت از حکمرانی شایسته، تشویق کنش متقابل سازنده میان «دولت»، «بخش‌های غیر دولتی» و «جامعه مدنی» است.

در تحقق حکمرانی خوب جدا از پیش فرض هایی که مطرح شد، سرمایه اجتماعی نیز بسیار موثر است؛ سرمایه اجتماعی، مهمترین سرمایه معنوی هر کشور است که زمینه ساز اتحاد، همبستگی و توسعه پایدار می‌شود،

اما همین سرمایه خود تحت تاثیر شرایط و زمینه‌هایی شکل می‌گیرد که از جمله آنها آموزش و دادن آگاهی به مردم و شهروندان است. مردم برای اینکه بتوانند به سرمایه اجتماعی برسند باید در فرآیند جامعه پذیری به ویژه در نهادهای آموزشی همچون مدرسه و دانشگاه با این موضوع آشنایی یابند. در طول این فرآیند، سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش و مولفه مهم در فرهنگ جامعه قرار گیرد. سرمایه اجتماعی در بسترها و زمینه‌های خاصی ممکن است تقویت یا تضعیف شود؛ سرمایه اقتصادی مهمترین این بسترها است. با قوی شدن حوزه‌های اقتصادی، سطح رفاه شهروندان نیز بالاتر می‌رود و این موضوع زمینه ساز اعتماد، مشارکت و انسجام در آنها خواهد شد. از طرفی تضعیف بازار، بخش خصوصی و به طور کلی بخش‌های اقتصادی، وضعیت معیشتی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود که سرمایه اجتماعی در آنها کاهش یابد.

با توجه به آنچه گفته شد، آموزش و آگاهی بخشی در محیط‌های آموزشی همچون دانشگاه از بسترهایی تقویت سرمایه اجتماعی وحکمرانی خوب خواهد بود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

- ایجاد بسترهای فرهنگی و نهادی لازم به منظور اعمال حق اظهار نظر و پاسخ گویی؛ اتخاذ روش هایی که سبب بالا بردن سرمایه رابطه ای می‌شود که به تبع آن سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و باعث عملی شدن و ارتقای سطح حکمرانی خوب می‌شود؛
- ایجاد کارگروه‌های علمی و فرهنگی در دانشگاه‌ها و تشویق دانشجویان به مشارکت و کار گروهی تا از این طریق به ارتقای ارزش‌ها و تقویت نقش‌ها و وظایف پرداخت؛
- کاهش قوانین زائد و دست و پاگیر و آگاه سازی و شفافیت دانشجویان درباره قوانین دانشگاه؛
- تقویت مولفه‌های سرمایه ساختاری و شناختی در جهت ارتقای حکمرانی خوب؛
- ایجاد کانال‌های ارتباطی با دانشجویان جهت پیاده سازی حکمرانی مطلوب- خود کانال‌های ارتباطی در مقوله سرمایه ارتباطی قرار می‌گیرد که بیانگر نقش کلیدی سرمایه اجتماعی به عنوان عامل تاثیرگذار در حکمرانی مطلوب می‌باشد.

منابع

- اسماعیل زاده، حسن و صرافی، مظفر.(۱۳۸۵). «**جایگاه حکمرانی خوب برنامه ریزی شـهری طرح متروی تهران**». ویژه نامه جغرافیا. تهران.
- الوانـی، سید مهدی و شیروانی، علیرضا. (۱۳۸۵). **سـرمایه اجتماعی،مفاهیم، نظریه‌های و کاربردها.** اصفهان: نشر مانی
- بیدختـی، علی اکبر؛ جعفری، سکینه؛ نوروزی، نصرالله و خسروی نیا، معصومه. (۱۳۹۱). «**تاثیر سـرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی**». دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت های مدنی.** محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات سلام
- پاتنام، رابرت و دیگران. (۱۳۸٤). **سـرمایه اجتماعی،اعتماد و دموکراسی و توسعه.** گرد آورنده کیان تاجبخش، افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: انتشارات شیرازه
- خدایی، سارا. (۱۳۹۲). «**سـرمایه اجتماعی و حکمرانی مطلوب شهری(نمونه مورد مطالعه: منطقه دو شـهر اردبیل)**». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای برنامه ریزی شهری- روستایی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی.
- رزمـی، محمـد جواد و صدیقی، سمیه. (۱۳۹۱). «**الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دسـتیابی به توسعه انسانی**». چهارمین همایش ملی اقتصاد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
- فیضی،کامران و رونقی، محمد حسین. (۱۳۹۰). «**ارزیابی سـرمایه‌های فکری و اجتماعی شرکتهای رتبه بندی شده توسط شورای عالی انفورماتیک ایران**». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فن آوری اطلاعات. ایران. دوره ۱(۲)،۱۸۹.
- گودرزوندچگینی، مهرداد. (۱۳۹۰). «**تاثیر عدالت سـازمانی بر سـرمایه اجتماعی در صنعت بیمه ایران**». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی.۲: ۱۲-.۱
- میرزاآقا نسب گردرودباری، ایمان و تقوی، مهدی. (۱۳۹۳). «**سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب(مطالعه موردی: کشورهای درحال توسعه۲۰۱۰-۱۹۹٦)**». فصلنامه اقتصاد کاربردی. سال چهارم. ص۱٤-۱.
- سامتـی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت. (۱۳۹۰). «**تحلیل تاثیر شـاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی(مورد مطالعه: کشورهای جنوب شرقی آسیا)**». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. سال اول. شماره ٤. ص۲۲۳-۱۸۳.
- ساعـی، علی؛ کبیری، افشار؛ کسرایـی، محمد سالار و صادقی، حسین. (۱۳۹۰). «**سـرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشـوری از سـال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸**». فصلنامه مسایل اجتماعی ایران. سال دوم. شماره ۲. ص۹٤-٦۳.
- سعادت، رحمان.(۱۳۸۵). «**تخمین سـطح و توزیع سـرمایه اجتماعی اسـتان ها**». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره ۲۳.
- سردارنیا، خلیل. (۱۳۸۸). «**اثر سـرمایه اجتماعی بر حکمرانی خـوب**». فصلنامه سیاسی- اقتصادی. شماره ۲٦-۲۵۹. ص۱٤۵-۱۳۲.
- سردارنیا، خلیل اله. (۱۳۹۳). «**راهبردهایی برای بهسـازی سـرمایه اجتماعـی در ایران**». فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی. سال ۲۸. شماره ی ۲(پیاپی ۲۹٦).ص۹۹-۸۸.
- سلاطین، پروانه. (۱۳۸۸). «**تاثیر حکمرانی خوب بر رشـد اقتصادی در گروه کشـورهای منتخب**

OPEC". پایان نامه دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- سیف اللهی، سیف الله و حافظ امینی، حمیرا. (۱۳۸۸). «**برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران**». پژوهش نامه علوم اجتماعی. دوره۳. شماره۲. ص۹۸-٦۷.
- شعبانی، احمد و سلیمانی، محمد. (۱۳۸۷). «**سنجش و رتبه بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور**». مطالعات اقتصاد اسلامی. شماره ۲. ص ۱۱۹-۹۵.
- صادقی، یوسف؛ مصطفوی پور، منیره و ایرانی، محمد. (۱۳۹٤). «**بررسی ارتباط حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در شرکت توزیع نیروی برق استان قم**». کنگره بین المللی توانمندسازی جامعه در حوزه مدیریت.اقتصاد، کارآفرینی و مهندسی فرهنگی.
- صالحی، رضا؛ نعمتی، مرتضی و امان پور، سعید. (۱۳۹۳). «**بررسی سازو کار و تاثیر شاخص ای سرمایه اجتماعی در حکمرانی مطلوب شهری(مورد مطالعه: شهر نسیم شهر)**». فصلنامه برنامه ریزی فضایی. دوره٤. شماره۱. ص٢٤-۱.
- طبرسا، غلامعلی؛ قوچانی، فرخ و بادین دهش، مهران. (۱۳۹٤). «**بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی**». فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره ۲. شماره ۲.ص۱۹۷-۱۷۷.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۳). **حکمرانی خوب بنیان توسعه**. چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- نصر اصفهانی، علی؛ انصاری، محمد اسماعیل؛ شائمی برزکی، علی وآقا حسینی، حسین. (۱۳۹۰). «**بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان(با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی)**». جامعه شناسی کاربردی. دوره۲۲. شماره ۱(پیاپی٤۱)،ص۱۳٤-۱۰۷.
- Alaaraj,H., Wati Ibrahim, f. (2014). **"Does Practicing Good Governance Enhance the Public Trust Towards the Lebanese Government?".** International Journal of Scientific and Research Publications, Volume 4, Issue 10, October 2014 1 ISSN 2250-3153.
- Atkinson, Rob. (1998). **"The New Urban Governance and Urban Regeneration: Managing Community Participation".**
- Bauhr, M., & Grimes, M. (2012). **"What is Government Transparency? New Measures and Relevance for Quality of Government".** The Quality of Government Institute.
- Dufur, M. J., Parcel, T. L., & Troutman, K. P. (2013). **"Does Capital at Home Matter More Than Capital at School? Social Capital Effects on Academic Achievement".** Research in Social Stratification and Mobility, 31, 1-21.
- Dekker K. and Kempen R. (2000). **"Urban governance within the big Cities policy".** Journal of cities, Vol 21 No 1, 55
- Kaufmann, D. and Mastruzzi A. (2007). **"Governance Matters: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2006".** Washington: World Bank.
- Kaufmann Daniel, Kraay Aart and Massimo Mastruzzi. (2010). **"The Worldwide Governance Indicators, Methodology and Analytical Issues".** The World Bank, Macroeconomics and

Growth Team, September 2010. Development Research Group

- Kardos, M. (2012). **"The Reflection of Good Governance in Sustainable Development Strategies".** Social and Behavioral Science, 1166-1173.
- Nah apiet, J. & Ghoshal, S. (1998). **"Social capital, intellectual capital, and the organizational Advantage".** Academy of Management Review, 2, 242-267.
- O'neil, T., Floresti, M., & Hudson, A. (2007). **"Evaluation of Citizens' Voice & Accountability".** Review of the Literature & Donor Approaches Report. London: Department for International Development (DFID).
- ong Koh ,T., Rowlinson, S. (2011). **"Relational approach in managing construction project safety".** Journal of A social capital perspective, Accident Analysis and Prevention.
- Putnam, R. D. (1993). **Making Democracy Work.** New Jeersey: Princeton University Press.
- Putnam, Robert. (1994). **Making Democracy work in Italy.** Princeton, Priceton University Press.
- Plumptre, Tim & Graham, John. (1999). **"Governance & Good Governance".** Institute on Governance, DecembeR.
- Ritter, T. (2013). **"Social Capital as a Determinant for Good Governance -An Empirical Analysis of the 27 EU Member State-".** EGPA Annual Conference. Edinburgh Scotland - UK.
- Robinson, Linda. (2003). **"The Social Capital Paradigm".** American Agricultural Economies Associations, Vol. 85, No.5.
- Stowe, Keneth. (1992). **"Good Piano Won't Play Bad Music: Administrative Reform and Good Governance".** Public Administration, 70, pp. 387-394.
- Temple, J. (2001). **"Growth Effects of Education and Social Capital in the OECD Countries".** OECD economic Studies, 33.
- UNDP. (2000). **Characteristics of Good Governance.**
- UNDP. (2010). **Voica and Accountability for Improved Service Delivery.**
- Wasserman, S., Faust, K. (1994). **Social network analysis: methods and applications.** Cambridge: Cambridge university press.

۱۰

تحلیلی بر جایگاه حق اشتغال جوانان در قانون اساسی و اسناد فرادستی توسعه ملی

جعفر سطوتی[۱]
علی اکبر گرجی ازندریانی[۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/٤/۲۷

حق اشتغال جوانان از جمله حقوقی است که در زمره حقوق اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد و در بسیاری از اسناد حقوق بین‌الملل از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن و سایر اسناد حقوق بین‌المللی در زمینه توسعه و جوانان مورد توجه قرار گرفته است. این حق در عمده اسناد حقوق داخلی شامل قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مصوبات سایر نهادها و مراجع حقوقی ذی‌صلاح نیز مورد توجه قرار گرفته و از جایگاه مشخصی در نظام حقوقی کشور برخوردار است.

در این مقاله که یک پژوهش کاربردی بوده و با روش اسنادی انجام شده است، موضوع جایگاه حق اشتغال جوانان به طور خاص فقط در بخشی از نظام حقوقی ایران شامل قانون اساسی و اسناد فرادستی توسعه کشور مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هدف تحقیق نیز شناسایی وضعیت حق اشتغال جوانان در این بخش از نظام حقوقی و ارائه راهکارهایی برای نیل به الگوی مطلوب می‌باشد.

از جمله یافته‌های تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

---

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: J.setvati@msy.gov.ir

۲. دانشیار، حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۱-حــق اشتغال جوانان در قانون اساسی ایــران به نحو شایسته مورد شناسایی قرار گرفته و در مقایسه با قانون اساسی سایر کشورها به طور کامل بیان شده است.
۲-حــق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی نظام نیز مــورد توجه قرار گرفته است و در این سطح از مقررات، خلاء حقوقی نداریم.
۳-حــق اشتغال جوانــان در قالب احکام پیش‌بینی شــده در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعــه در انطباق با سیاست‌های کلی نظام مورد توجه قرار گرفته است، اما در ارائه راهکارهای قانونی که به تحقق این حق کمک نماید برخی از راهکارها از جمله ارتقای اشتغال‌پذیری و حمایت از سرمایه گذاری خطر پذیر مغفول واقع شده که شایسته بود در این قانون تصریح گردد.

واژگان کلیدی: جوانان، حق اشتغال، قانون اساسی و اسناد فرادستی توسعه ملی

مقدمه

اگر تحولات اجتماعی قرن بیستم را مورد مطالعه و مداقه قرار دهیم، متوجه این نکته خواهیم شد که به موازات شیوع و استمرار پدیده‌هایی همچون شهرنشینی و صنعتی شدن که محصول مدرنیته بوده‌اند، پدیده یا مقوله‌ای با عنوان جوان و جوانی نیز مطرح می‌شود. تغییرات در نظام آموزشی و نظام تولید که منجر به طولانی شدن دوران تحصیل و آموزش و تأخیر در اشتغال و تشکیل خانواده شد موجب شکل‌گیری مفهوم جدیدی از جوان و جوانی در نزد اندیشمندان و برنامه‌ریزان اجتماعی شد و این تغییرات تا پایان قرن بیستم ادامه داشته و تا به امروز که به تعبیر برخی از متخصصان و نظریه‌پردازان مطالعات اجتماعی و فرهنگی، دوران مدرنیته متأخر یا پسامدرن است، نیز استمرار یافته است.

امروزه در عمده کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مقوله جوانان به عنوان یک مقوله اجتماعی به رسمیت شناخته شده است و بیشتر اندیشمندان و متخصصان علوم اجتماعی اقدام به اجرای طرح‌ها و مطالعات میان رشته‌ای برای شناخت و تحلیل هر چه بهتر مسائل جوانان نموده‌اند. همراستا با کارهای مطالعاتی و پژوهشی میان رشته‌ای، سیاستگذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان نیز مقوله جوانان را به عنوان یک مقوله خاص به رسمیت شناخته و متناسب با ویژگی‌های خاص این موضوع اقدام به وضع و یا اصلاح قوانین و مقررات، اتخاذ رویکردها و سیاست‌های کلان فرابخشی و تدوین و تصویب برنامه‌های ملی اعم از بخشی و فرابخشی نموده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر کشورهای جهان، مقوله جوانان به عنوان یک مقوله خاص هم مورد توجه محققان و اندیشمندان علوم اجتماعی اعم از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، جمعیت‌شناسان، حقوقدانان و متخصصان علوم تربیتی و مطالعات فرهنگی بوده است و هم مورد توجه و عنایت سیاستگذاران، قانونگذاران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و تنظیم مقررات قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که یک بررسی اجمالی در قوانین و مقررات و سیاست‌ها و سایر اسناد حقوقی کشور این ادعا را تأیید می‌کند.

اما آیا می‌توان مدعی شد که جایگاه مقوله جوانان در نظام حقوقی کشور، جایگاهی کامل و بدون نقص است؟ مسلما پاسخ به این سؤال کلیدی، نیازمند یک کار مطالعاتی جامع و عمیق است؛ به گونه‌ای که تمامی نهادها، اسناد، مصوبات و ساختارهای حقوقی مرتبط مورد بررسی قرار گرفته و جایگاه مقوله جوانان به تفکیک موضوعات و مسائل مرتبط با آن از جمله اشتغال، آموزش، ازدواج، مسکن، اوقات فراغت، رفاه و تأمین اجتماعی، هویت، مشارکت و.. مورد تحلیل قرار گیرد. در عین حال، می‌توان هر یک از موضوعات مرتبط را به طور جداگانه و به عنوان یک موضوع مطالعاتی خاص انتخاب نمود و در مورد آن یک مطالعه و پژوهش مستقل انجام داد– البته مشروط به این که نگاه کل‌نگر[1] و لحاظ متغیرهای تأثیرگذار بر آن را نادیده نگیریم.

در این نوشتار موضوع اصلی تحقیق حق اشتغال جوانان است که قصد داریم آن را نه در کل نظام حقوقی کشور که در بخشی از این نظام حقوقی که صرفاً شامل قانون اساسی و اسناد توسعه ملی باشد مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار دهیم. در واقع، هدف اصلی تحقیق این است که جایگاه و ویژگی‌های نظام حقوقی حاکم بر موضوع «حق اشتغال جوانان» را در سطح اسناد فرادستی و اسناد توسعه ملی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. در راستای این هدف کلی برخی از اهداف اختصاصی نیز به شرح زیر مد نظر محقق می‌باشد:

- تبیین آخرین وضعیت نظام حقوقی حاکم بر موضوع حق اشتغال جوانان در اسناد فرادستی و اسناد توسعه؛

1. Holistic

- شناخت نقاط قوت و ضعف مربوط به جایگاه حق اشتغال جوانان در قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و آخرین قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه.
- نیل به برخی از راهکارها برای دستیابی به الگوی مطلوب نظام حقوقی حاکم بر موضوع حق اشتغال جوانان در سطح اسناد فرادستی و اسناد توسعه کشور.

بی تردید، زمانی می‌توان به اهداف فوق دست یافت که در خلال مباحث تحقیق بتوان به پرسش‌های مرتبط با آن پاسخ داد. این پرسش‌ها نیز شامل دو دسته می‌شود:

پرسش اصلی تحقیق

نظام حقوقی حاکم بر اشتغال جوانان در سطح اسناد فرادستی و اسناد توسعه کشور چه ویژگی‌ها و مختصاتی دارد؟

پرسش‌های فرعی

۱-تعریف مد نظر تحقیق از کلید واژه‌های اسناد فرادستی، اسناد توسعه و جوانان و حق اشتغال چیست؟

۲-آیـا جایگاه موضوع حق اشتغال جوانان در قانون اساسی و سیاست‌های کلی و قانون برنامه ششم توسعه به درستی تبیین و شناسایی شده و چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

۳-نظـام حقوقـی حاکم بر اشتغال جوانان در سطح اسناد فرادستی نظـام و اسناد توسعه کشور چه ویژگی‌ها و مختصاتی باید داشته باشد؟

٤- برای رسیدن به الگوی مطلوب این نظام حقوقی چه راهبردها و راهکارهایی پیشنهاد می‌شود؟

روش‌شناسی پژوهش

روش بـه کـار رفته در این تحقیق که یـک پژوهش کاربردی[1] است، روش توصیفـی- تحلیلی می‌باشد؛ به طوری که در گردآوری اطلاعات از روش اسنادی[2] یا کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابزارهایی همچون کتاب‌ها، فصلنامه‌ها، بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مربوط به مراجع مقررات‌گذار و قانونگذار شامل وب سایت مقام معظم رهبری، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت حقوقی رئیس جمهور، مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر بانک‌های اطلاعات مرتبط در کشور از جمله ابزارهای گردآوری اطلاعات بوده‌اند. در تحلیل اطلاعات نیز از روش تحلیل محتوا استفاده شده و با مطالعه و بررسی و تحلیل محتوای اسناد فرادستـی اعـم از قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌های کلـی برنامه‌های پنج ساله توسعه، قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه به یافته‌های مورد نیاز برای تحلیل و ارائه پیشنهاد دست یافته‌ایم.

قلمرو زمانی تحقیق نیز از زمان تشکیل وزارت ورزش و جوانان به موجب ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامـی در ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ و آغـاز به کار رسمی آن در تابستان ۱۳۹۰ محاسبه شده و قلمرو مکانی آن نیز کشور ایران می‌باشد. هر چند در مواردی به نمونه‌های خارجی اشاره شده است، اما نباید فراموش کرد که قلمرو مکانی تحقیق کشور ایران است. لذا آن دسته از قوانین و مقررات موجود در نظام حقوقی ایران که در این تحقیق استفاده و مـورد استنـاد قرار گرفته است، بیشتر شامل مواردی می‌شود که از زمـان تأسیس وزارت ورزش و جوانان به

1. Applied Research
2. Documentary

عنوان متولی امور جوانان تصویب شده‌اند و قوانین و مقرراتی که به موجب قوانین و مقررات جدیدتر منسوخ و ملغی‌الاثر شده‌اند مورد استناد قرار نگرفته است.

بـرای این که بتوان بر اساس روش‌شناسی یاد شـده و کار بست اطلاعات مرتبط، به پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌هـای تحقیق دست یابیـم لازم است تحقیق در قالب یک ساختار مناسب سازماندهی شود. بدین منظور ساختار تحقیق شامل چهار مبحث با عناوین زیر طراحی شده است:

۱- مـرور ادبیات؛ ۲- حق اشتغـال جوانان در قانون اساسی؛ ۳- حق اشتغـال جوانان در سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه؛ ٤- حق اشتغال جوانان در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور.

در خاتمه، در مبحث نتیجه‌گیری و پیشنهادها، با استفاده از یافته‌های تحقیق نسبت به تبیین آخرین وضعیت نظام حقوقی حاکم بر حق اشتغال جوانان در قانون اساسی و اسناد توسعه ملی اقدام شده و در نهایت پیشنهادهای مناسب برای ارتقای جایگاه حق اشتغال جوانان در نظام حقوقی ارائه گردیده است.

ادبیات پژوهش

حـق اشتغال از جمله موضوعاتی اسـت که از گذشته‌های دور در نزد ملت‌ها مورد احتـرام بوده و در اسناد بین‌المللـی چـه در اسناد مربوط به دوران جامعه ملل و چه در اسناد دوران سازمان ملل متحد تا به امروز مطرح شـده و در زمـره حقوق اولیه بشر محسوب گردیده است؛ به گونه‌ای که هیچ ملت و کشوری در شناسایی این حق، تردید ندارد. مطالعه در اسناد داخلی و بین‌المللی چند دهه اخیر نشان می‌دهد که توجه ملی در کشورمان به موازات توجهات بین‌المللی ادامه داشته و در اسناد خاص جوانان به شکلی پر رنگ‌تر دیده می‌شود. از جمله اسناد داخلی ویژه ساماندهی امور جوانان در کشور که در سه دهه اخیر حق اشتغال جوانان را به صراحت و یا به طور ضمنی به رسمیت شناخته و بر آن تأکید داشته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اصول (۵۰)، (۵۳)، و (٥٤) منشور تربیتی نسل جوان[۱]- مصوب شورای عالی جوانان؛

۲. فصل (۷) منشور ملی حقوق جوانان- مصوب شورای عالی جوانان[۲]؛

۳. فصل (۸) سند سیاست ملی جوانان در جمهوری اسلامی ایران- مصوب شورای عالی جوانان[۳]؛

٤. یکی از اقدامات اساسی مندرج در برنامه ملی ساماندهی امور جوانان- مصوب هیئت وزیران[٤].

همچنیـن، بایـد اذعان داشت که حق اشتغال که یکی از حقوق اجتماعـی مطرح در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی- مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ١٦ دسامبر ١٩٦٦ است[٥]- در اسناد بین‌المللی خاص جوانان در چهار دهه اخیر نیز مطرح شده و به طور صریح یا ضمنی به رسمیت شناخته شده است. برخی از این اسناد که متن آن به فارسی نیز ترجمه شده، به شرح زیر است (سطوتی، ۱۳۸۲: ۲۱۱-۱۵۳):

۱. برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن – مصوب مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۹۵؛

۲. اعلامیه لیسبون- مصوب نخستین کنفرانس جهانی وزرای مسئول امور جوانان در سال ۱۹۹۸؛

۳. استراتـژی داکار در مورد توانمندسازی جوانان- مصوب چهارمین همایش جوانان نظام ملل متحد (سنگال،

---

۱. بخشنامه رئیس جمهور به شماره ۸۳۸۷ مورخ ۱۳۷۳/٦/٦ و مصوبه جلسه ششم شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۷۳/۳/۲٤.

۲. مصوبه جلسه شانزدهم شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۰.

۳. مصوبه جلسه بیست و سوم شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸٤/۲/۷.

٤. تصویب نامه هیئت وزیران به شماره ٦٥٠١٠/ت ۳۱۲۰۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲٦.

5. http://www.unic-ir.org/hr/covenant-ec.htm.

داکار، ۱۲–۸ آگوست ۲۰۰۱).

همان طور که از مباحث فوق برداشت می‌شود، برخی از اسناد ملی و بین‌المللی که خاص امور جوانان بوده‌اند، حق اشتغال جوانان را به طور صریح و یا ضمنی به رسمیت شناخته‌اند و برای تحقق این حق راهکارها و تدابیری را نیز پیشنهاد داده‌اند.

اینـــک، باید دید که این راهکارها و اقدامات را تحت تأثیر چه پارادایم ها، رویکردها و اصول نظری می‌توان تبیین و تحلیل کرد؟ در این مبحث پس از این که مفاهیم کلیدی تبیین و تعریف شد، چارچوب نظری مناسب را ترسیم می‌کنیم.

تعریف مفاهیم

مفاهیم کلیدی شامل موارد زیر است که به جهت رعایت اختصار فقط تعریف مد نظر تحقیق ارائه می‌شود:

جوانان

امروزه تعاریف متعددی از مفهوم جوان و جوانی ارائه می‌شود و متخصصان امور اجتماعی با رویکرد خاص خود و حسب رشته تخصصی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. به همین گونه گروه‌هایی همچون سیاستگذاران، قانونگذاران و مراجع مقررات‌گذار نیز با رویکرد و اهداف خاص خود اقدام به ارائه تعریف برای این مفهوم نموده‌اند.

بعضی از محققان تلاش کرده‌اند تا رویکردهای رایج در تعریف جوان و جوانی را دسته‌بندی نمایند و تعریف ارائه شده بر اساس هر رویکرد را از تعاریف دیگر متمایز سازند. در این دسته‌بندی ۹ رویکرد ارائه شده است: ۱– رویکرد روان‌شناختی، ۲– رویکرد جامعه‌شناختی، ۳– رویکرد جمعیت‌شناختی، ٤– رویکرد حقوقی، ٥– رویکرد زیست تنکرد شناختی، ٦– رویکرد دینی– اسلامی، ۷– رویکرد عرفانی، ۸– رویکرد پسامدرنیستی و ۹– رویکرد جامع‌نگر. رویکرد تلفیقی عمدتاً از سوی سیاستگذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان اتخاذ می‌شود. اما یک تفاوت بین رویکرد مد نظر گروه‌های یاد شده با متخصصان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی وجود دارد و آن را باید در این نکته دانست که این گروه‌ها نظر به اینکه باید در تعیین سیاست‌ها و وضع قوانین و مقررات کلی و عام شمول برای کل گروه جوانان، کلیه مسائل و نیازهای تمامی زیرگروه‌های جوانان را لحاظ نمایند، اقدام به اتخاذ رویکرد جامع‌نگر و یا تلفیقی نموده‌اند. (سطوتی، ۱۳۹۲: ۱۵–۱۱).

در عیـــن حال که عموم سیاستگذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در تعریف جوان رویکرد تلفیقی را اتخاذ نموده‌اند، شاهد تفاوت در تعریف ملی[1] از مفهوم جوانان در کشورهای مختلـــف و همچنین در نـــزد سازمان‌های بین‌المللی هستیم. از آنجا که تمرکز تحقیق حاضر در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران است، تعریف ملی ارائه شده در جمهوری اسلامی ایران، یعنی گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله را که به تصویب مرجع مقررات‌گذار امور جوانان کشور رسیده است را به عنوان تعریف مد نظر تحقیق می‌پذیریم. در مصوبه شورای عالی جوانان چنین آمده است[2]:

«.. ۲– پس از بحث و بررسی پیرامون نظرات مربوط به دامنه سنی جوانی و تعریف جوان در جمهوری اسلامی ایران، گروه سنی ۱۵–۲۹ ساله به عنوان گروه سنی جوانان در جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید قرار گرفت و مقرر گردید سازمان ملی جوانان مطالعات تکمیلی در مورد این دامنه سنی را انجام دهد و به شورا ارائه نماید».

1. National Definition

۲. مصوبه جلسه بیست و سوم شورای عالی جوانان، مورخ ۱۳۸٤/۲/۷.

حق اشتغال

امروزه دیدگاه‌های حقوقی در مورد حقوق مربوط به اشتغال به طور شفاف در متون و منابع مختلف بیان شده است و حتی اسناد بین‌المللی نیز نسبت به این حقوق توجه داشته و آن را در قالب دسته بندی‌های کلی‌تر مطرح نموده و مورد شناسایی قرار داده‌اند. اما از میان حقوق مربوط به اشتغال، «حق اشتغال و کار» بیشتر به نیازهای نسل جوان مربوط می‌شود. اما آیا این حق را باید یک حق اقتصادی و اجتماعی دانست یا صرفاً یک حق اجتماعی؟

برخـــی از حقوقدانـــان، حق اشتغال را یکی از حقوق اقتصادی و اجتماعی مربوط به کار دانسته‌اند که در کنار مقـــولات دیگـــری از جمله آزادی کار، منع کار اجباری، نفی بهره‌کشی، آزادی سندیکایی و حق اعتصاب مطرح می‌شوند. این افراد برای تحقق حق اشتغال بر لزوم سیاستگذاری کلی اشتغال، حمایت افراد از طریق راهنمایی و آموزش فنی و حرفه‌ای، حمایت افراد از طریق کاریابی و اشتغال و حمایت از بیکاران تأکید دارند. (هاشمی، ۱۳۸٤: ٤٨٦-٤٦٦).

در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان حق اشتغال را یکی از حقوق اقتصادی نمی‌دانند و حقوق اقتصادی مربوط به کار را شامل حق داشتن حداقل رفاه و امکانات در زندگی، حق آزادی کسب و کار و حق مالکیت می‌دانند. از نظر این افراد «حق اشتغال و داشتن کار» در کنار آزادی کار (حق کار کردن، حق انتخاب کار و شغل، حق تغییر کار و شغل)، و حق دریافت مزد برابر برای کار برابر، حق آزادی عمل سندیکایی، حق پیوستن یا نپیوستن به یک سندیکا، حق اعتصاب، و حق مشارکت کارگران در تعیین شرایط کار و مدیریت شرکت به طور جمعی در زمره حقـــوق اجتماعی قرار دارد. (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۳٦-۲۷۱). ایـــن افراد حق اشتغال یا داشتن کار را ضمن اشاره به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان مشهور و اسناد حقوق بین‌الملل چنین تعریف کرده‌اند:

«حـــق داشتـــن کار، نتیجه منطقی آزادی کار و به معنی حق به دست آوردن شغل برای همه افراد داوطلب کار کردن در جامعه و در صورت نداشتن آن، استفاده از یک مستمری به منظور جبران محرومیت از کار می‌باشد. هر کســـی حـــق دستیابی به یک شغل را دارد، زیرا هر کس مکلف به کار کردن است. در واقع، تکلیف به کار کردن و حق داشتن کار دو چهره یک اصل می‌باشند که یکی به کارکرد اجتماعی کار (تکلیف به کار کردن) و یکی به کارکرد فردی کار (حق داشتن کار) بر می‌گردد (ژرژ ودل و ژان ریورو).

دولت خود می‌تواند به استخدام افراد در مشاغل دولتی بپردازد و یا این که شرایط، قوانین و مقررات را چنان تنظیم کند که زمینه اشتغال همه افراد ملت در بخش خصوصی امکان‌پذیر شود. در کشوری که مسئله کار و اشتغال حل نشده و بیکاری گسترده در آن وجود دارد، حق کار کردن معنا ندارد. ولی در هر حال، دولت موظف است با برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای همه مردم داوطلب، زمینه کار را فراهم کند تا افراد امکان اشتغال به کار مفید و مولد را پیدا نمایند. داشتن کار، یعنی این که فرد از نظر مادی و اقتصادی تأمین باشد و از بیم آینده، بیکاری و گرسنگی از پذیرش هر گونه عملی که کرامت و حیثیت او را زیر سؤال ببرد و او را تحقیر نماید، آزاد گردد.

داشتن کار مفید بدین معناست که شخص آن را به عنوان اعانه و صدقه از سوی جامعه به خود تلقی نکند و خویش را یک عضو بیهوده و سربار جامعه نشمرد تا عزت نفس و حیثیت او محفوظ بماند. داشتن کار و اشتغال مولد و تولید کننده نیز بدین معنی است که درآمد حاصل از کار حداقل استانداردهای لازم برای زندگی فرد را تأمین کند و یک نظام تأمین اجتماعی از او در برابر بیکاری، پیری، از کارافتادگی، حوادث، بیماری و.. حمایت

نماید» (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

قانون اساسی

در مــورد تعریف مفهوم قانون اساسی، برخی از اندیشمندان حقوق معتقدند کــه می‌توان آن را از دو دیدگاه بررسی کرد: یکی از لحاظ مادی و محتوایی و دیگر از حیث شکل ظاهری:

«۱- قانون اساسی مادی (ماهوی): با عطف توجه به ماهیت قواعد که آیا جنبه اساسی دارند یا نه می‌توان با دید مادی به قانون اساسی یک کشور نگریست. آنچه که مربوط به ساختار سیاسی، بنیان و استخوان‌بندی دولت- کشور باشد، جزئی از قانون اساسی آن کشور است. بنابراین، جوامع سیاسی که مرحله آغازین تحول خود را پشت سر نهاده باشند و به درجه بلوغ و انسجام کشوری برسند، لزوماً دارای قانون اساسی هستند. حال چه متن مشخص و مصوبی زیر این عنوان وجود داشته باشد و یا مقررات و قوانین مختلفی (موضوعه یا عرفی) چنین مفهومی را القا نماید.

۲-قانون اساسی شکلی: در این مفهوم، توجه ما معطوف به شکل قانون است، نه محتوا و ماهیت آن. قانون اساسی مجموعــه‌ای است متضمن اصول و قواعــد رفتاری یا سازمانی که در یک متن رسمی و تشریفاتی به وسیله مقامات صالح به تصویب رسیده بر افراد و سازمان‌ها و متصدیان امور و قوانین عادی حاکم است. آنچه که در این متن مصوب وجود داشته باشد دارای خصلت قانون برتر است و سایر قوانین و مقررات و مجریان اداری و قضایی باید از آن تبعیت کنند و بدان سر بسپارند» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۰: ٤٠).

برخی دیگر از حقوقدانان نیز تعریف دیگری ارائه می‌کنند که در آن به یکی از وجوه مشترک قوانین اساسی در بیشتــر کشورها، یعنی تعییــن و شناسایی حقوق شهروندان در متن این قانون توجه نموده‌اند. در یکی از این تعاریف چنین آمده است:

«هر جامعه سیاسی دارای مجموعه‌ای از قواعد نوشته یا نانوشته به منظور تعیین روش‌های رسیدن به قدرت سیاســی و اعمــال و انتقال آن است. مجموعه این قواعد، قانون اساسی را تشکیل می‌دهد. معمولاً همه کشورها دارای قانون اساسی و غالب آنها دارای قانون اساسی نوشته می‌باشند. قانون اساسی، مجموعه‌ای از قواعد حقوقی برتری است که قوای عمومی را سازماندهی، وضعیت حقوقی حکومت‌کنندگان (چگونگی انتخاب و صلاحیت آنان) و روابط میان آنها و حکومت شوندگان را تعیین می‌کند. معمولاً یکی از مسائلی که مورد توجه قانون اساسی می‌باشد، جایگاه دولت در جامعه و وظایف و تکالیف آن نسبت به شهروندان است...» (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

هر چند تعریف اول را باید صحیح دانست، ولی تعریف اخیر به موضوع اصول مرتبط با حقوق شهروندان در قانون اساسی نیز اشاره دارد که به محتوای این تحقیق نزدیک‌تر است و جمع دو تعریف را ملاک قرار می‌دهیم.

اسناد فرادستی توسعه ملی

در ارائه تعریف از اصطلاح «اسناد فرادستی توسعه ملی» در این تحقیق چهار مشخصه را برای تبیین این مفهوم در نظــر گرفته‌ایــم. نخست این که این اسناد از جنس قوانین و مقررات هستند؛ یعنی به تصویب مراجع رسمی مقررات‌گذاری (سیاستگذاران) و یا قانون‌گذاری رسیده‌اند. دوم اینکه این اسناد در زمره اسناد بالادستی هستند و به تصویب عالی‌ترین سطوح مقررات‌گذاری و قانونگذاری در نظام حقوقی رسیده‌اند. سوم این که به طور خاص برای هدایت، مدیریت و نظارت بر فرایند توسعه کشور تنظیم شده‌اند و جهت‌گیری اصلی در این اسناد معطوف به توسعه ملی در کلیه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و.. می‌باشد. چهارم این که در چارچوب

برنامه‌ریـــزی میان مدت معمولاً چهار یا پنج ساله برای فرایند توسعه زمان‌بندی و تنظیم می‌شوند. در جمهوری اسلامی ایران، این اسناد در دو شکل وجود دارد؛ یکی در شکل سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه که پس از تنظیم و تصویب پیش‌نویس آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تأیید و تصویب مقام معظم رهبری می‌رسد و توسط ایشان ابلاغ می‌شود و دوم در شکل قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه که پس از ارائه لایحه آن از سوی دولت، به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد و سپس برای اجرا ابلاغ می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

هرچند مطالعه در اسناد تاریخی نشان می‌دهد که در گذشته‌های دور و قبل از اینکه مباحثی همچون حقوق بشر به شکل امروزی آن مطرح باشد، برخی از حقوق اولیه بشر همچون حق اشتغال و حقوق مربوط به این موضوع به رسمیت شناخته شده بودند، اما باید حق اشتغال جوانان را در پیوند با مقوله دیگری دانست که موضوع جوانان را به طور غیرمستقیم در کانون توجهات قرار داد. این مقوله که خود اهمیتی بیش‌تر و فراگیرتر از موضوع جوانان یافت، همانا مقوله توسعه است.

همزمـــان بـــا چهار برنامه توسعه ملل متحد که تحت هدایت و رهبـــری سازمان ملل متحد و با هدف توسعه کشورهـــای جنوب از دهه ۱۹۶۰ آغاز و تا پایان دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت، صاحبنظران ملی و بین‌المللی توسعه در مـــورد ایـــن مقوله نظراتی را ارائه نمودند که از یک روند تکاملی در زمینه توسعه برخوردار بوده است. در واقع، نظریات مربوط به توسعه از خلال یک جریان جهانی تکامل یافت و پارادایم‌های نوین جای مکاتب و نظریات قدیمی را گرفتند و این جریان جهانی نیز تحت تأثیر تجارب جهانی حاصله از چهار برنامه توسعه ملل متحد بوده اســـت. در دهـــه اول توسعه ملل متحد (۱۹۶۰) سیاست‌هایی برای نیل به رشد اقتصادی حداقل ۵ درصد ترسیم شد و اعلامیه «توسعه و پیشرفت اجتماعی» نیز در سال ۱۹۶۹ تصویب و بر وابستگی متقابل توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی تأکید شد. در دهه دوم (۱۹۷۰) استراتژی بین‌المللی توسعه در سال ۱۹۷۰ تصویب و خواستار ارتقای همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی بر اساس عدالت و برابری شد. در این دهه مجمع عمومی ملل متحد «منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها» را تصویب کرد. در دهه سوم (۱۹۸۰) استراتژی بین‌المللی توسعه برای دهه سوم در ۱۹۸۰ تصویب و خواهان ایجاد تغییراتی در اقتصاد جهان شد که باید از طریق مذاکرات جهانی صورت گیرد. اما در دهه چهارم (۱۹۹۰) اعلامیه همکاری اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر احیای رشد اقتصادی و استراتژی بین‌المللی توسعه برای دهه چهارم تصویب شد. این استراتژی چهار حوزه اولویت‌دار– فقر و گرسنگی، توسعه منابع انسانی، توسعه نهادی، جمعیت و محیط زیست– را مشخص نمود (United Nations, 1998: 127).

مطالعه در اسناد حقوق بین‌الملل از دهه ۱۹۶۰ تا به امروز (دهه ۲۰۱۰) که شامل قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد، قطعنامه‌های شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مصوب مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی بین‌الدولی می‌شود، نیز حاکی از این سیر تحول در نظریات و پارادایم‌های مربوط به توسعه است. همان طور که ذکر شد در پایان دهه ۱۹۶۰ صاحبنظران توسعه به این نتیجه رسیدند که توسعه را نمی‌توان صرفاً بر اساس شاخص رشد اقتصادی ارزیابی کرد و لازم است در سنجش توسعه بـــه شاخص‌هـــای اجتماعی هم توجه شود. لذا در دهـــه ۱۹۷۰ توسعه اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و مقولاتی همچون عدالت، رفع تبعیض، رفع فقر و نابرابری مد نظر برنامه‌ریزان ملی و بین‌المللی توسعه قرار گرفت.

ایـــن توجه به ابعاد اجتماعی توسعه ادامه یافت تا اینکـــه در دهه ۱۹۹۰ توجه به مقوله توسعه انسانی در توسعه غلبه یافت و مقولات دیگری همچون محیط زیست، جمعیت، توسعه نهادی و مبارزه با فقر و گرسنگی به عنوان اولویت‌های توسعه مطرح شدند. در این دهه است که می‌توان مدعی شد که پارادایم توسعه پایدار بروز و ظهور یافته و یک اجماع بین‌المللی میان صاحبنظران توسعه شکل می‌گیرد. لذا آخرین نظریه‌ها در زمینه توسعه در ذیل پارادایم توسعه پایدار مطرح شده و اغلب بر مقولاتی همچون توسعه انسانی و حفاظت از محیط زیست و توازن بین ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه و نیز آمایش سرزمین توجه نموده‌اند.

برخـــی از محققان و صاحبنظران حوزه توسعه در ایران، با استناد به آخرین رویکردها و نظریات که عمدتاً از خـــلال مجامع و اسناد بین‌المللی مورد اجماع و پذیرش متخصصـــان و مسئولان اعم از متخصصان و مشاوران سازمان‌هـــای بین‌المللی و متخصصان و مسئولان ملـــی کشورهای مختلف قرار گرفته است، مؤلفه‌هایی را برای توسعـــه پایـــدار قائل شده‌اند. از نظر ایـــن افراد مؤلفه‌های توسعه پایدار عبارت انـــد از: ۱- انسان، ۲- کودکان و جوانان، ۳- محیط زیست، ٤- زنان، ٥- فرهنگ، ٦- آموزش، ۷- علم، ۸- اخلاق، ۹- امنیت، ۱۰- مشارکت و ۱۱- حکمرانی مطلوب (نوابخش و ارجمند سیاهپوش، ۱۳۸۸: ۱۲٤-٤۳).

لذا موضوعی همچون موضوع اشتغال جوانان که از مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه انسانی محسوب می‌شود را بایـــد در ذیل پارادایـــم توسعه پایدار با محوریت توسعه انسانی مورد بررسی و تحلیـــل قرار داد. لذا توجه و برنامه‌ریزی و تنظیم مقررات برای تحقق حق اشتغال جوانان نیز به تبع این رویکرد نظری از جمله اقدامات اساسی معطوف به توسعه پایدار محسوب می‌شود که باید در اسناد توسعه یک کشور جای خود را پیدا کند.

گذشته از نظریات معطوف به توسعه پایدار و توسعه منابع انسانی که توجه به جوانان و موضوعاتی همچون اشتغال، بهداشت و سلامت، و آموزش جوانان را مورد تأکید قرار می‌دهند، نظریه‌های مربوط به حقوق بشر نیز بر لزوم توجه به حق اشتغال به عنوان یکی از حقوق اجتماعی بشر تأکید داشته‌اند. برخی از حقوقدانان معتقدند که حقوق اجتماعی شامل دسته‌ای از حقوق نسل دوم حقوق بشر است که به منظور تنظیم روابط اجتماعی، رفع بی‌عدالتی‌هـــا و اجحافات اجتماعی و اقتصادی ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه برای شهروندان در نظر گرفته شده است. به نظر این حقوقدانان، حقوق اجتماعی بیشتر شامل حقوق و آزادی‌های مربوط به کار و کارگران، حق تأمین اجتماعی، حق سلامت، حق داشتن مسکن و حق تشکیل خانواده و زندگی با آن می‌شود و در ذیل حقوق مربوط به کار مباحثی همچون حق آزادی کار، حق کار کردن، حق انتخاب کار و شغل، حق تغییر کار و شغل، ممنوعیت کار اجباری، منع تبعیض در استخدام و اشتغال، حق داشتن کار و اشتغال و حق دستیابی به یک حرفه و انجام آن را مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۱۱-۲۹۵).

تدوین‌کننـــدگـــان و تصویب‌کنندگان میثاق بین‌المللی حقـــوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی- مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۱٦ دسامبر ۱۹٦٦- نیز با این رویکرد در مواد (٦) و (۷) و (۸) این میثاق به تبیین و شناسایی حقوق مربوط به اشتغال و کار پرداخته‌اند[1].

به طور کلی، می‌توان اصول زیر را اجزای تشکیل دهنده چارچوب نظری این تحقیق دانست:

۱. توسعه انسانی، یکی از مهمترین مؤلفه‌هایی است که از سوی عمده نظریه‌پردازان توسعه پایدار مورد توجه واقع شده و در اکثر اسناد ملی و بین‌المللی توسعه جایگاهی خاص برای آن در نظر گرفته شده است.

1. http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/2200(XXI

۲. یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه انسانی، اشتغال است که در کنار شاخص‌های دیگری همچون بهداشت و آموزش مطرح می‌شود و مورد تأکید تمامی صاحبنظران توسعه قرار دارد.
۳. جوانان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که سرمایه‌گذاری برای توسعه انسانی آنان می‌تواند شتاب بیشتر و پایدارتری را برای فرایند توسعه پایدار ایجاد کند.
٤. تحقق و ایفای حق اشتغال جوانان می‌تواند به توسعه انسانی آنان کمک نماید و در پی خود توسعه پایدار جامعه را تسهیل نماید.
۵. برای اینکه حق اشتغال جوانان تحقق یابد، لازم است ابتدا این حق هم در اسناد بالادستی و هم در اسناد حقوق بشر و هم در اسناد توسعه یک کشور به رسمیت شناخته شود و مجریان مکلف به اجرای سیاست‌ها و قوانین مرتبط شوند.

حق اشتغال جوانان در قانون اساسی

در مقدمــه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد به عنوان وسیله‌ای معرفی شده است که معطوف به هدف اصلی یعنی رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل وی می‌باشد و از این وسیله انتظاری جز کارایی بهتــر برای نیل به هدف نمی‌رود. با این دیدگاه، نقــش برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

در بند (۱۲) اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف شده است محرومیت در زمینه کار را رفع کند:

«۱- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه».

در اصل بیست و هشتم قانون اساسی چنین تصریح شده است:

«هــر کس حق دارد شغلی را که بــدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزینــد. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغــل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

در اصل چهل و سوم نیز وقتی که قانونگذار اساسی ضوابط لازم برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت را ذکر می‌کند، به موضوع اشتغال در بندهای (۲) و (٤) و (۷) توجه نموده است:

«۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همــه کسانــی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونــی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد...

٤- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری .. ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور».

در مورد بند اخیر پر واضح است که نسل جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله با توجه به ویژگی‌هایی از جمله خلاقیت، قدرت فراگیری بالا، پویایی و انرژی سرشار و نیز تعلق بیشتر آنها به آینده بهترین افراد جامعه برای سرمایه‌گذاری در زمینه فرصت‌های شغلی و طرح‌های توسعه در یک کشور محسوب می‌شوند.

چنانچه اصول فوق را با اصول مشابه در قانون اساسی سایر کشورها مقایسه کنیم، متوجه خواهیم شد که توجه به حق اشتغال جوانان در قانون اساسی جمهوری سالامی ایران کمتر از توجه به این حق در قانون اساسی کشورهایی همچون آلمان و انگلستان و سنگال نیست.

در قانون اساسی آلمان ذیل اصل دوازدهم با عنوان کار، کار اجباری، بندهای زیر به این موضوع پرداخته است:

«۱- تمامی آلمانی‌ها حق انتخاب آزادانه شغل، محل کار، محل مطالعه یا محل تحصیل (آموزش) خود را دارند. به موجب قانون موضوعه می‌توان اشتغال به حرفه مورد نظر را نظام‌مند کرد.

۲- هیچ کس را نمی‌توان جز در چارچوب خدمات اجباری جامعه محلی که به طور عمومی و یکسان برای همه اعمال می‌شود به انجام کاری معین وادار نمود.

۳- به موجب حکم دادگاه کار اجباری فقط برای اشخاص محروم از آزادی (افراد بازداشت شده) تحمیل می‌شود» (امور توافق‌های بین‌المللی، ۱۳۹۲).

در قانون اساسی بریتانیا نیز مواردی در ذیل بخش بیست و پنجم با عنوان کار[1] مطرح شده است:

«۱- همه افراد از حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل با شرایط عادلانه و مطلوب کار و از حق حمایت در قبال بیکاری برخوردارند.

۲- همه افراد بدون اعمال هیچ گونه تبعیضی از حقوق برابر در قبال کار برابر برخوردار هستند..

۵- اداره کاریابی، نهاد اجرایی سازمان استخدامی است که به بیکاران کمک می‌کند از طریق امور کاریابی و خدمات دیگر کار پیدا کنند و حقوق و مزایا به آنهایی که استحقاق آن را دارند پرداخت گردد».

در قانون اساسی سنگال توجه به موضوع اشتغال با عنوان کار در اصل بیستم صورت گرفته است:

«هر کس از حق کار کردن و حق درخواست اشتغال برخوردار است. هیچ کس نباید در کار خود به علت اصالت، عقاید یا باورهای دینی خود زیان ببیند.. قوانین خاص، شرایط کمک‌رسانی و حمایتی را که جامعه به کارگران اعطا می‌نماید تعیین می‌کنند». (مرکز امور حقوقی بین‌الملل، ۱۳۸۸)

همان طور که ملاحظه می‌شود توجه به «حق اشتغال» در قانون اساسی به عنوان بالاترین سند قانونی و ملی یک کشور در عمده کشورها صورت گرفته و این حق به رسمیت شناخته شده است. مقایسه قانون اساسی ایران با چند کشور فوق حاکی از این است که این حق از جمله حقوق اولیه و اساسی بشر است که در عمده کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه جدی قرار گرفته است. مقایسه توجه به این حق با برخی از حقوق جمعی بشر که حقوق متاخر محسوب می‌شوند حاکی از قدمت بیشتر آن دارد و همان طور که در مبحث چارچوب نظری مطرح شد برخی حقوقدانان حق اشتغال را در زمره حقوق اجتماعی و متعلق به نسل دوم حقوق بشر می‌دانند و حقوق همچون حق توسعه، حق بر محیط زیست و حق همبستگی را در زمره حقوق نسل سوم قرار داده‌اند. اما جایگاه حق اشتغال جوانان به عنوان یک گروه خاص اجتماعی نیز در همین چارچوب کلان قابل تحلیل است. اگر حق اشتغال برای تمامی شهروندان به رسمیت شناخته شده باشد، بدون شک برای نسل جوان

1. work

اعم از این که چه گروه سنی خاصی برای آن تعریف شده باشد، نیز به رسمیت شناخته شده است. در عین حال که باید اذعان نمود استیفای چنین حقی بیشتر در دوران جوانی اتفاق می‌افتد که شخص برای تکامل ابعاد هویتی و ورود به دنیای بزرگسالی به دنبال کسب شغل و اشتغال به یک کار مشخص است که از سوی مراجع قانونی و عرف جامعه به رسمیت شناخته شده باشد.

حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه

سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه نیز همچون سایر سیاست‌های کلی موضوع اصل (۱۱۰) قانون اساسی از جمله اسناد بالادستی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. این سیاست‌ها از زمان برنامه دوم توسعه از سوی سیاستگذار کلان کشور تصویب و ابلاغ شد و تا به امروز ادامه یافته و هر پنج سال یک بار برای دور جدید برنامه‌های توسعه در کشور تدوین، تصویب و ابلاغ می‌شود. طبق مقررات مصوب از سوی مقام معظم رهبری، قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه و سایر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باید با سیاست‌های کلی انطباق داشته و مغایرتی نیز با این سیاست‌ها نداشته باشند و نظارت بر رعایت این انطباق و عدم مغایرت توسط معظمٌ له به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض شده است. (معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، ۱۳۹۲: ۳۵).

موضوع حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی نظام هم در قالب سیاست‌های کلی موضوعی و هم در قالب سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه مورد توجه قرار گرفته است. سیاست‌های کلی موضوعی شامل سیاست‌های کلی اشتغال می‌شود که در ۲۸ تیرماه ۱۳۹۰ تصویب و از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. این سیاست‌ها که در ۱۳ بند تنظیم شده است، حق اشتغال جوانان را در بیشتر حوزه‌های ممکن مورد توجه قرار داده است[1]. در این مبحث که در صدد تحلیل وضعیت حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه هستیم، با عنایت به قلمرو زمانی تعیین شده برای تحقیق، این سیاست‌ها را از زمان برنامه پنجم توسعه به این سو مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

در این سیاست‌ها که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، بندهای ذیل را می‌توان از جمله سیاست‌هایی دانست که تحقق آن می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به تحقق «حق اشتغال جوانان» شود.

«۱-بند (۳) سیاست‌ها: تقویت قانونگرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در تولید.

۲- بند (۸) سیاست‌ها: تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقای کیفی آن بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.

۳- بند (۱۳) سیاست‌ها: تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه

1. http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16716

به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان.

٤- بند (۳۱) سیاست‌ها: ارتقا و هماهنگی میان اهداف توسعه‌ای: آموزش، بهداشت و اشتغال به طوری که در پایان برنامه پنجم، شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا برسد.

۵-بند (۳-۳٤) سیاست‌ها: انجام اقدامات ضروری برای رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد.

٦-بند (۸-۳۵) سیاست‌ها: توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه به نحوی که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد»[1].

حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

در ایـــن سیاست‌ها که در تاریخ ۱۳۹٤/٤/۹ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، حق اشتغال جوانان در قالب بندهای ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

«۱- بند (۱) سیاست‌ها: رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به‌گونه‌ای که با بسیج همه امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.

۲- بند (۲) سیاست‌ها: بهبود مستمر فضای کسب وکار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.

۳- بنـــد (۱۹) سیاست‌هـــا: تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستایی.

٤-بنـــد (۲۰) سیاست‌ها: اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایری (کانون تولید و ارزش‌آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقای شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌هـــای جدید اقتصادی و حمایت‌های ویـــژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند (۹) سیاست‌های کلی کشاورزی.

۵- بنـــد (٤۱) سیاست‌ها: توانمندســـازی و خوداتکایی اقشار و گروه‌های محروم در برنامه‌های مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی.

٦-بند (۷٦) سیاست‌ها: افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزشی کشور.

۷-بنـــد (۷۸) سیاست‌ها: تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه‌ی جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال»[2].

بـــا کمی تأمل در محتوای سیاست‌های فوق، می‌توان اذعان داشت که سیاستگذار عالی در صدد بوده است تا زمینه لازم برای تحقق یکی از حقوق اولیه و بنیادین جوانان یعنی حق اشتغال را فراهم سازد، اما در برخی از بندها ایـــن اراده سیاستگذار به طور شفـــاف در منطوق سیاست اعلامی قابل درک است و در برخی از بندها از مفهوم سیاست می‌توان پی به این اراده برد. در عین حال، به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت آماری بیکاری جوانان، میزان توجـــه سیاستگذار عالی به لزوم اتخاذ سیاست‌هایی برای تحقق حق اشتغال جوانان و رفع بیکاری در سال‌های زمان تدوین دو برنامه پنجم و ششم توسعه متفاوت بوده است. طبق آمار ارائه شده از مراجع رسمی نرخ بیکاری

1. http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=5389
2. http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128

جوانـــان ۱۵ تـــا ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۰ به میزان ۲۳ درصد و در سال ۱۳۹۵ به میزان ۲۵/۲ درصد بوده است[۱]. در عین حال، مطالبات عمومی به ویژه مطالبات نسل جوانان برای بهبود وضعیت اشتغال و دسترسی به فرصت‌های شغلی، دولت و کل نظام را در سال ۱۳۹٤ و ۱۳۹۵- که زمان تدوین سیاست‌های کلی و لایحه برنامه پنج ساله ششم توسعه بود- تحت فشار بیشتری برای توجه به اشتغال‌زایی قرار داد[۲]. لذا این که سیاستگذار در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه توجه بیشتری به موضوع اشتغال نماید، امری طبیعی است.

حق اشتغال جوانان در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه

گذشتـــه از سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه کشور، قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه نیز به موضوع حق اشتغال جوانان توجه داشته است. نظر به اینکه احکام مندرج در این قوانین یگ گام به عمل نزدیک‌تر بوده است بایـــد این دسته از قوانین را مهمترین اسناد توسعه کشـــور دانست، چرا که عمده احکام مذکور تکالیفی را برای دستگاه‌هـــای دولتی و نهادهای عمومی در راستای تحقق حق اشتغـــال و سایر حقوق جوانان و دیگر گروه‌های اجتماعی تعیین نموده است. در عین حال، باید متذکر شد که اجرای بسیاری از احکام مندرج در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه که به مقولاتی همچون توسعه بخش انرژی، بخش صنعت، بازرگانی، بخش کشاورزی، توسعه تعاونی‌هـــا و مؤسسات بخش خصوصی، نظـــام تأمین اجتماعی و توسعه صنعت بیمه، توسعه صادرات، توسعه صنایع فرهنگی، توسعه صنعت گردشگری، اقتصاد ورزش و.. می‌پردازد به طور غیرمستقیم و علی‌العموم منجر به تحقق حق اشتغال می‌شده است، لکن در این مبحث به طور خاص احکامی ذکر می‌شود که توجه مستقیم به موضوع اشتغال‌زایی و صیانت از حق اشتغال جوانان داشته‌اند.

در ذیل احکام مربوط به حق اشتغال جوانان در قوانین برنامه‌های توسعه از زمان برنامه پنج ساله پنجم به این سو مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

حق اشتغال جوانان در قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه

ایـــن قانـــون که در هشت فصل و (۲۳۵) ماده تنظیم شده است، در موارد زیر به ارائه احکامی برای تحقق حق اشتغال جوانان پرداخته است:

« ماده ۲۱ ـ دولت مکلف است به منظور گسترش شایستگی حرفه‌ای از طریق افزایش دانش و مهارت با نگرش به انجام کار واقعی در محیط، اصلاح هرم تحصیلی نیروی کار و ارتقا و توانمندسازی سرمایه‌های انسانی، کاهش فاصله سطح شایستگی نیروی کار کشور با سطح استاندارد جهانی و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و حرفه‌ای برای جوانان و ارتقای جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و علمی ـ کاربردی کشـــور اعم از رسمی، غیررسمـــی و سازمان‌نایافته، ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون در محورهای زیر سازوکارهای لازم را تهیه و با پیش‌بینی الزامات مناسب اجرا کند:

الف ـ استمرار نظام کارآموزی و کارورزی در آموزش‌های رسمی متوسطه و عالی، غیررسمی فنی و حرفه‌ای و علمی ـ کاربردی.

۱. مرکز آمار ایران، نتایج نیروی کار سال‌های ۱۳۸٤ و نیمه اول سال ۱۳۹۵.

۲. لازم به ذکر است که اجرای قوانین هر دو برنامه پنجم و ششم توسعه که علی‌القاعده باید در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹٤ آغاز می‌شدند به علت تأخیر در تدوین و تصویب لوایح برنامه‌های پنج ساله پنجم و ششم توسعه با یک سال تأخیر تصویب و برای اجرا ابلاغ شدند.

ب ـ فراهم‌سازی ارتقای مهارت در کشور از طریق اعطای تسهیلات مالی با نرخ ترجیهی و تأمین فضاهای فیزیکی و کالبدی با شرایط سهل و زمینه‌سازی حضور فعال و مؤثر بخش غیردولتی در توسعه آموزش‌های رسمی و غیررسمی مهارتی و علمی ـ کاربردی کشور.

ج ـ افزایش و تسهیل مشارکت بهره‌برداران از آموزش فنی و حرفه‌ای در بخش‌های دولتی و غیردولتی.

د ـ هماهنگی در سیاستگذاری و مدیریت در برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کشور به عنوان یک نظام منسجم و پویا متناسب با نیاز کشور.

هـ ـ کاربست چهارچوب صلاحیت‌های حرفه‌ای ملی به صورت منسجم برای ارتباط صلاحیت‌ها، مدارک و گواهینامه‌ها در سطوح و انواع مختلف در حوزه حرفه و شغل در جهت به رسمیت شناختن یادگیری مادام‌العمر و تعیین شایستگی‌های سطوح مختلف مهارتی.

و ـ نیازسنجی و برآورد نیروی انسانی کاردانی مورد نیاز و صدور مجوز لازم و حمایت به منظور تأسیس و توسعه مراکز آموزش دوره‌های کاردانی در بخش خصوصی و تعاونی و ایجاد ظرفیت‌های مورد نیاز تا سال چهارم برنامه.

ز ـ رتبه‌بندی مراکز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اساس شاخص‌های مدیریت اجرایی، فرآیند یاددهی ـ یادگیری، نیروی انسانی، تحقیق و توسعه منابع و شاخص پشتیبانی فراگیران.

ماده ۶۹ ـ به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اتاق تعاون، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط با هماهنگی معاونت و در چهارچوب بودجه‌های سنواتی، ضوابط و سیاست‌های تشویقی لازم از جمله اهداء جوایز یا اعطاء تسهیلات یا کمک‌های مالی، برای استفاده کالاها و خدمات از نام و نشان تجاری در بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی با حفظ حقوق معنوی صاحب نشان را تا پایان سال اول برنامه تهیه و برای اجرا ابلاغ نماید.

ماده ۸۰ ـ به دولت اجازه داده می‌شود در راستای ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو اقدام‌های زیر را انجام دهد:

الف ـ حمایت مالی و تشویق توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌های تولیدی، ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط، بزرگ (اعطاء کمک‌های هدفمند) و انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی- مهندسی- تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی در بنگاه‌های کوچک و متوسط و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها.

ب ـ رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر.

ج ـ گسترش کسب و کار خانگی و مشاغل از راه دور و طرح‌های اشتغال‌زای بخش خصوصی و تعاونی به ویژه در مناطق با نرخ بیکاری بالاتر از متوسط نرخ بیکاری کشور.

د ـ حمایت مالی و حقوقی و تنظیم سیاست‌های تشویقی در جهت تبدیل فعالیت‌های غیرمتشکل اقتصادی خانوار به واحدهای متشکل.

هـ ـ حمایت مالی از بخش غیردولتی به منظور توسعه و گسترش آموزش‌های کسب و کار، کارآفرینی، فنی و حرفه‌ای و علمی ـ کاربردی.

و ـ اعمـال تخفیـف پلکانی و یا تأمین بخشی از حق بیمه سهـم کارفرمایان کارگاه‌هایی که با تأیید و یا معرفی واحدهای وزارت کار و امور اجتماعی در جهت به کارگیری نیروی کار جدید مبادرت می‌نمایند، به شرط آن که واحد تازه تأسیس بوده و یا در سال قبل از آن کاهش نیروی کار نداشته باشد"[۱].

حق اشتغال جوانان در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه

این قانون که در بیست بخش و (۱۲٤) ماده تنظیم شده است، در موارد ذیل به طور مستقیم و غیرمستقیم به ارائه احکامی برای تحقق حق اشتغال جوانان پرداخته است:

« بنـد «ت» مـاده ۲- موضوعات خاص کلان فرابخشی در مورد بهبود محیط کسـب و کار، اشتغال، فضای مجـازی، بهره‌وری تأمین منابـع مالی برای اقتصاد کشور، نظام عادلانه پرداخـت و رفع تبعیض، توانمندسازی محرومـان و فقرا (با اولویت زنان سرپرست خانوار)، بیمه‌های اجتماعـی و ساماندهی و پایداری صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانی- اسلامی.

بند «ت» ماده ٤- افزایش مهارت و تخصص نیروی کار به ویژه فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها، هنرستان‌ها تا مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با ارائه آموزش‌های مهارتی، تخصصی و فنی و حرفه‌ای با استفاده از ظرفیت‌های خدمت زیر پرچم و کارورزی دانشجویان.

بنـد «ز» مـاده ٤- دولت مکلف است به منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت نسبت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی، مهارت‌افزایی و ارتقای دانش حرفه‌ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش‌بنیان مبتنـی بـر سند ملی کار شایسته که حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون و سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، اقدام نماید. سند مزبور باید مبتنی بر کاهش نرخ بیکاری به میزان حداقل هشت‌دهم درصد (۰/۸٪) سالانه در طول سال‌های اجرای قانون برنامه باشد.

ماده ۲٤- دولت مکلف است با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران حداکثر تا پایان اجرای قانون برنامه، تمهیدات قانونی لازم را جهت دستیابی سهم تعاون در اقتصاد به بیست و پنج درصد (۲۵٪)، با رویکرد کارآفرینی، اشتغال‌زایی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و دانش‌بنیان به‌عمل آورد.

بنـد «ب"ماده ۳۹- به منظور ایجاد شفافیت در اجرای قانـون، دولت مکلف است دریافت‌ها و پرداخت‌های مرتبـط بـا قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را در جدول جداگانه‌ای حاوی اقلام زیر همراه با بودجه‌های سنواتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند:

۱. کل دریافتی‌های حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها
۲. مالیات بر ارزش افزوده مرتبط با آن
۳. سهم شرکت‌های تولید و توزیع کننده انرژی به تفکیک هر شرکت
٤. سهـم سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها به‌منظور اختصاص به پرداخـت یارانه نقدی و غیرنقدی به خانوارها، کمک به بخش سلامت و حمایت از تولید و اشتغال از طریق تأمین اعتبارات مربوط به اجرای قانون اصلاح

۱. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹٤-۱۳۹۰)، چاپ ششم، ویرایش سوم، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران، ۱۳۹۱.

الگوی مصرف انرژی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/٤ و قانون توسعه حمل و نقل و مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸٦/۹/۱۸.

بند (۳) ماده ٤۸- در جهت اجرایی‌شدن سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی دولت موظف است فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه را تقویت نماید و ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی را تبیین و ترویج نماید.

ماده ۷۱- برای ترغیب کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی و تعاونی به جذب نیروی‌کار جوان، چنانچه طی اجرای قانون برنامه نسبت به جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با مدرک حداقل کارشناسی به صورت کارورزی اقدام نمایند، از پرداخت سهم بیمه کارفرما برای مدت دوسال از تاریخ شروع به کار معاف می‌باشند«.

همان طور که از مقایسه محتوای دو قانون برنامه پنجم و ششم توسعه می‌توان تحلیل نمود، تقویت رویکرد اقتصاد مقاومتی و جذب مشارکت حداکثری بخش خصوصی و تعاونی در فرایند اشتغال‌زایی در قانون برنامه ششم توسعه است. شرایط ناشی از کاهش رشد اقتصادی در اوایل دهه ۱۳۹۰ منجر به بیکاری بیشتر در کشور گردید که برای رفع بحران بیکاری، بیش از جذب سرمایه‌های خارجی نیاز به اتخاذ تدابیری برای بسیج ظرفیت‌ها و منابع ملی موجود در بخش خصوصی و تعاونی داریم.

نتیجه‌گیری

همان طور که در خلال مباحث این نوشتار مطرح شد، موضوع حق اشتغال را باید از جمله حقوق بنیادین بشر دانست که در دوران جوانی نمود و تحقق بیشتری می‌یابد و لذا در نظریات مربوط به جوان و جوانی نیز از جمله موضوعات اساسی مورد بحث می‌باشد.

بررسی در نظریات اجتماعی دوران مدرن نشان می‌دهد که چگونه موضوعی همچون کار و اشتغال در کنار موضوعات دیگری همچون آموزش تحت تأثیر تغییرات ناشی از صنعتی شدن و شهرنشینی دچار تحول شده و در زمره دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی قرار گرفته است. در شرایط کنونی که برخی از آن به دوران مدرنیته متأخر یا پسامدرن تعبیر می‌کنند نیز موضوعاتی همچون آموزش و اشتغال جوانان کماکان از جمله موضوعات چالشی هستند که بر زندگی افراد در دوران جوانی تأثر گذاشته و شکل دهنده آینده می‌باشند.

بدون شک، نظرات حقوقدانان در مورد بسیاری از دیده‌ها و مقوله‌های اجتماعی نیز تحت تأثیر واقعیت‌های اجتماعی و نظریات جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان، روانشناسان و سایر متخصصان و اندیشمندان بوده و باید اذعان نمود که عمده مسائل اجتماعی باید از ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی قرار گیرد که یکی از این ابعاد، بعد حقوقی مسئله می‌باشد. امروزه رسیدگی به عمده مسائل جوانان در موضوعات مختلف از جمله موضوع اشتغال نیاز به مطالعات میان رشته‌ای و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های فرابخشی دارد و نمی‌توان با اتکا بر یک رشته علمی خاص پی به واقعیت و زوایای مختلف این قبیل مسائل برد. همچنین نمی‌توان با تدوین و اجرای برنامه در یک بخش خاص و محدود مدعی حل مسئله شد.

بنابر این، اگر به طور خاص بر موضوع اشتغال و حق کار و اشتغال جوانان متمرکز شویم باید ضمن پذیرش این نکته که موضوع اشتغال یک موضوع فرابخشی است، به دنبال تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های فرابخشی برای رسیدگی به این موضوع باشیم و در قانونگذاری نیز این واقعیت را مد نظر قرار دهیم. مخاطبان اصلی قوانینی که در یک جامعه وضع می‌شود، قوه مجریه یا دستگاه اجرایی آن است که با در اختیار داشتن ساختار و منابع لازم برای اداره جامعه باید قوانین را به مورد اجرا بگذارد. قانونگذار با لحاظ این نکته تلاش دارد تا در احکام قانونی کـه تصویـب و صادر می‌کند، فرایند اجرا را نیز مد نظر قرار دهد تا به نوعـی قوانین صادره از ضمانت اجرای حداقلی برخوردار گردد.

در این نوشتار موضوع حق اشتغال جوانان که می‌توانست در کل نظام حقوقی کشور مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار گیرد در چارچوب قانون اساسی و اسناد بالادستی توسعه کشور شامل سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه و قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح و بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های حاصل از این تحلیل را می‌توان به شرح زیر مد نظر قرار داد:

۱. حق اشتغال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلفی همچون اصول سوم، بیست و هشتم و چهل و سوم مورد توجه قانونگذار اساسی قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است. مقایسه قانون اساسی کشورمان با قانون اساسی چند کشور دیگر نشان می‌دهد که این توجه به نسبت کامل و بدون نقص صورت گرفته است.

۲. حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی نظام در دو شکل مورد توجه قرار گرفته است؛ یکی در سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی ۱۳۹۱ که در قالب یک بسته سیاستی خاص اشتغال صورت گرفته است- و از چارچوب بحـث این مقاله خارج اسـت- و دیگر در قالب سیاست‌های کلی برنامه‌های پنـج ساله توسعه که کاملاً در چارچوب بحث این مقاله است. در شق اخیر، حق اشتغال جوانان در قالب بندهایی هم در سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله پنجم توسعه و هم در بندهایی از سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم توسعه مورد توجه قرار گرفته است. مقایسه محتوای دو سند اخیر نشان می‌دهد که حق اشتغال جوانان در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه با حساسیت بیشتر و با عطف توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است.

۳. حـق اشتغـال جوانان در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه که از دیگر اسناد بالادستی توسعه ملی هستند نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و تلاش شده است در این قوانین سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه مد نظر قرار گیرد. مقایسه محتوای احکام مربوط به حق اشتغال در این قوانین نیز نشان می‌دهد که حق اشتغال جوانان در هـر دو قانون مورد توجه ویژه قانونگـذار قرار گرفته، اما این توجه در قانون برنامه ششم کمی پر رنگ‌تر بوده است- شاید علت آن را در شرایط زمانی تدوین هر یک از این دو برنامه باید دانست، چرا که وضعیت آماری مربوط به بیکاری در زمان تدوین لایحه قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه به نسبت بدتر و کشور با نرخ بیکاری بیشتری مواجه بوده است.

٤. حق اشتغال به طور کل و حق اشتغال جوانان به طور خاص در مقایسه با سایر حقوق مربوط به کار بنیادی‌تر و دامنه شمول بیشتری دارد و لذا دولت‌ها این حق را در مقایسه با سایر حقوق مربوط به کار همچون دستمزد برابر برای کار برابر اشخاص و حق دسترسی به کار مورد علاقه و حق برخورداری از محیط کاری ایمن و امن

و حق دستمزد برابر برای کار برابر زن و مرد و حق عضویت در سندیکاها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای با حساسیت و جدیت بیشتری دنبال می‌کنند. بدون شک، حق اشتغال فراگیر بوده و تمامی افراد یک جامعه که به سن اشتغال رسیده باشند را در برمی گیرد و تقاضای عمومی برای تحقق آن بسیار بیشتر است. لذا طبیعی است که تمامی دولت‌ها تمرکز و تأکید خود را بر ایجاد فرصت‌های شغلی بگذارند.

۵. وجه مشترک در تمامی اسناد مورد مطالعه در این تحقیق از قانون اساسی گرفته تا سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و سپس قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه، توجه به برخی از راهبردهای نوین معطوف به اشتغال‌زایی بوده است. برای نمونه، به حمایت از کارآفرینی می‌توان اشاره کرد که از این طریق دولت به دنبال افزایش فرصت‌های شغلی است. توجه ویژه به جلب مشارکت بخش خصوصی و بخش تعاونی در اقتصاد بر اساس همین راهبرد صورت گرفته است، چرا که ظرفیت‌های کارآفرینی در این بخش‌ها بیش از بخش دولتی است. در عین حال، برخی از راهبردهای نوین از جمله ارتقای اشتغال‌پذیری که باید از دوران کودکی برنامه‌ریزی شود و نیازمند بسیج تمامی ظرفیت‌های ملی اعم از دولتی وغیردولتی و همکاری تمامی بخش‌ها و نهادها اعم از خانواده، آموزش و پرورش، فرهنگ، صنعت و رفاه می‌باشد کمتر مورد توجه قرار گرفته و خلاء مقررات در این زمینه احساس می‌شود.

در مجموع، باید اذعان داشت که موضوع حق اشتغال جوانان در کلیه اسناد مورد بحث در این مقاله به درستی مطرح و مورد توجه قرار گرفته و به عبارتی به نحو شایسته به رسمیت شناخته شده و از طریق اتخاذ سیاست‌ها و وضع و اصلاح قوانین، خلاءهای حقوقی مرتفع شده است. همچنین باید بر این نکته تأکید نمود که تا زمانی که ساختار و سازوکارها و برنامه‌های عملیاتی برای اجرای سیاست‌ها و قوانین طراحی و اجرا نشود نمی‌توان انتظار داشت که حق اشتغال جوانان تحقق یابد. لذا گذشته از مقررات‌گذاری در این زمینه، لازم است که برنامه‌ریزان حوزه ساماندهی امور جوانان در کشور با استناد به این اسناد بالادستی تدابیر لازم برای تدوین و اجرای برنامه‌های ملی جهت ساماندهی اشتغال جوانان را در دستور کار خود قرار دهند.

استفاده از ظرفیت‌های موجود در شورای عالی اشتغال، شورای عالی جوانان و ستاد ملی ساماندهی امور جوانان از جمله مواردی است که برای اجرای سیاست‌ها و قوانین بالادستی معطوف به حق اشتغال جوانان باید به طور جد از سوی متولیان اشتغال، از یک سو و متولیان ساماندهی امور جوانان، از سوی دیگر مد نظر قرار گیرد. این نهادها به عنوان حلقه واسط برای اجرایی شدن سیاست‌های کلی و اسناد بالادستی نظام عمل می‌نمایند و تکلیف مجریان در سطوح ستادی و صف را مشخص می‌کنند. بدون شک تا زمانی که مجریان از طریق برنامه‌های عملیاتی و مقررات پایین دستی از جمله آیین نامه‌های اجرایی، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌ها و پروژه‌های سالانه و کوتاه مدت مکلف نشوند نمی‌توان انتظار داشت که اسناد بالادستی در حوزه حق اشتغال جوانان اجرا شود.

پیشنهادها

چنانچه بخواهیم راهکارهایی را برای طراحی یک نظام حقوقی مطلوب که معطوف به اجرای صحیح اسناد بالادستی مربوط به حق اشتغال و به تبع آن تحقق حق اشتغال جوانان باشد را پیشنهاد دهیم موارد زیر توصیه می‌شود:

- پیش‌بینی بندهایی در سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه، در انطباق با سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی

۱۳۹۱ به طور مستمر در برنامه‌های آینده در یک افق حداکثر ۱۵ ساله.

- بازنگری و اصلاح سیاست‌های کلی اشتغال متناسب با مطالعات آینده‌پژوهانه و با لحاظ آینده‌های محتمل پس از یک دوره ۱۰ و یا حداکثر ۱۵ ساله.
- پیش‌بینی موضوع اشتغال جوانان در «سیاست‌های کلی فرابخشی جوانان» در انطباق با سیاست‌های کلی اشتغال.
- پیش بینی احکام معطوف به تحقق اشتغال جوانان در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه به گونه‌ای که انطباق لازم بـا اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی اشتغال، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه و سیاست‌های کلی فرابخشی جوانان داشته باشد. از سوی دیگر، بر اساس مطالعات آینده پژوهانه در حوزه اشتغال تنظیم شده باشد.
- اصلاح و تقویت ساختارها و نهادها و مقررات لازم برای اجرای قوانین پنج ساله توسعه و سایر قوانین مرتبط با اشتغال از جمله تقویت شورای عالی اشتغال، شورای عالی جوانان و کمیسیون‌های ملی و ستادهای اجرای مرتبط با اشتغال جوانان.
- تنظیم و تصویب و اجرای مقرات پایین دستی معطوف به تقویت حضور و مشارکت هدفمند و مؤثر نهادهای جامعه مدنی و مؤسسات بخش خصوصی و تعاونی‌ها در اقتصاد کشور در انطباق با احکام مرتبط با اشتغال در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه.
- مقررات‌گذاری در سطوح میانی و فرودستی برای توسعه کارآفرینی، مهارت‌آموزی، آینده پژوهی و آینده‌نگاری و انطباق نظام آموزشی با نیازهای حال و آینده بازار کار معطوف به اجرای احکام مرتبط در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه.
- مقررات‌گـذاری لازم بـرای تقویت ساختارهـا، نهادها و سازوکارهای اجرایـی و نظارتی مرتبط با اشتغال و کارآفرینی در قالب وضع و اصلاح قوانین، آیین‌نامه‌ها، و دستورالعمل‌های اجرایی ذی‌ربط.

منابع

- امور توافق‌های بین‌المللی. (۱۳۹۲). **قانون اساسی آلمان.** فرزانه کشاورز و مهدی رستگار اصل. تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
- سطوتی، جعفر. (۱۳۸۲). **جوانان در نظام ملل متحد.** تهران: مجمع ملی جوانان
- سطوتی، جعفر. (۱۳۹۲). «**مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون مفهوم جوان و جوانی**». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۱۹.
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۰). **حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین.** تهران: نشر دادگستر
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۳). **مبانی حقوق عمومی.** تهران: نشر دادگستر
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). **بایسته‌های حقوق اساسی**. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاه پوش، اسحاق. (۱۳۸۸). **مبانی توسعه پایدار شهری.** تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- مرکز امور حقوقی بین‌الملل (دفتر توافق‌های بین‌المللی). (۱۳۸۸). **قانون اساسی سنگال.** مهدی رستگار. تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). **نتایج نیروی کار سال‌های ۱۳۸٤ و نیمه اول سال ۱۳۹۵.**
- معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات. (۱۳۹۱). **قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹٤-۱۳۹۰).** چاپ ششم، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
- معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری. (۱۳۹۲). **سیاست‌های کلی نظام**. چاپ دوم، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸٤). **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.** تهران: نشر میزان
- بخشنامه رئیس جمهور به شماره ۸۳۸۷ مورخ ۱۳۷۳/٦/٦ و مصوبه جلسه ششم شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۷۳/۳/۲٤.
- مصوبه جلسه شانزدهم شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۰.
- مصوبه جلسه بیست و سوم شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸٤/۲/۷.
- تصویب‌نامه هیئت وزیران به شماره ٦۵۰۱۰/ت ۳۱۲۰۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲٦.
- United Nations Department of Public Information. (1998). **Basic Facts.** New York: United Nations Publications

۱۱

نگرش دختران جوان پیرامون فرهنگ خواستگاری به شیوه سنتی و جدید (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده رفاه در سال ۹۶-۱۳۹۵)

طاهره جعفری[۱]
مریم کوهستانی[۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۵/۱۰

مقاله حاضر برگرفته از تحقیق دانشگاهی با عنوان «نگرش دختران جوان پیرامون فرهنگ خواستگاری به شیوه سنتـــی و جدید» می‌باشد. مراسم خواستگـــاری، مقدمه ای برای ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد. خواستگاری در گذشته به صورت سنتی اجرا می‌شده است، اما با گذشت زمان و پیچیده شدن جوامع، خواستگاری سنتی به خواستگاری جدید تغییر شکل یافته است. هدف از انجام مطالعه حاضر، بررسی نگرش دختران جوان پیرامون فرهنـــگ خواستگاری به شیوه سنتـــی و جدید است.چهارچوب نظری استفاده شده در این مطالعه، نظریه کنش متقابل نمادین، تئوری انتخاب، نظریه مخاطرهٔ گیدنز و دیدگاه اسلام می‌باشد. به همین منظور از بین دانشجویان دانشکده رفاه ۱۵۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و با روش پیمایشی از نوع توصیفی- تبینی مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌های مطالعه، از آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل آزمون‌های کای اسکوئر و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. مهم ترین نتایج حاکی از آن است که دختران جوان بیشتر تمایل دارند به روش جدید خواستگاری شوند و برگزاری مراسم نیز به روش جدید صورت گیرد. از بین نمونهٔ ۱۵۰ نفری دانشجویان، ۹۰ درصد دانشجویان با نگرش جدید و ۱۰ درصد از دانشجویان با نگرش سنتی موافق هستند.همچنین، ٦٤/٧ درصد شیوه خواستگاری جدید و حدود ۳۲ درصد شیوه خواستگاری سنتی را ترجیح می‌دادند.

واژگان کلیدی: فرهنگ خواستگاری، خواستگاری سنتی، خواستگاری جدید و نگرش دختران

---

۱. دکترای جامعه شناسی، گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده غیر انتفاعی رفاه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mali: Jafari.749@gmail.com
۲. کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده غیر انتفاعی رفاه، تهران، ایران

مقدمه

ازدواج و تشکیـــل خانواده، خدمتی است بـــرای پدید آمدن یک کانون آسایش و خوشبختی و نشاط طبیعی، ارضای غریزه جنسی، لذت بردن از زندگی، بهره مندی از محبت و تعاون و مددکاری و سرانجام امتزاج دو روح در افق محبت و هماهنگی و اتصال دو دریا از نیرو و قدرت، حیاط و نشاط به هم برای رسیدن به هدفی متعالی (استادان طرح جامع آموزش خانواده،۱۳۹۳:۱۱۶). ازدواج و تشکیل خانواده در همه مراحل تاریخ، آثاری گسترده بر ابعاد مختلف زندگی بشر داشته است و نمی توان تاثیرهای آن را به زمینه ای خاص محدود ساخت (سالاری فـــر،۱۳۹۳:٤٥). در جوامع گوناگـــون در امر ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف وانگیزه‌های متعددی وجود داشته است. در جوامع اولیه، علت اقتصادی را مهمترین عامل تلقی می‌کردند. علاوه بر نیاز اقتصادی، عوامل دیگری نظیر زاد و ولد و تمایل به داشتن فرزند، ارضای غریزه ی جنسی، رفع نیازهای عاطفی و رهایی از تنهایی و در جوامع امروزی و عشق و محبّت را از جمله اهداف ازدواج و تشکیل خانواده می‌دانند (بیابانگرد،۱۳۸۱:۱۳۷). در گذشته، خانواده یکی از عناصر ثابت و مهم در امر ازدواج و مراسم خواستگاری بوده است. در خواستگاری‌های سنتی، خانواده پسر پس از انتخاب دختر مناسب، خود و پسرشان به خواستگاری دختر می‌رفتند و هیچ شناختی بیـــن دختر و پسر وجود نداشت- حتـــی از خصوصیات اخلاقی و رفتاری خود نسبت به هم آگاه نبودند. شیوه آشنایـــی قبـــل از ازدواج در زندگی مدرن با ورود وسایل ارتباطی بین جوانان مانند شبکه‌های اجتماعی و فضای اینترنت تا حد زیادی تغییر کرده است. جوانان هم به عنوان قشر تأثیر پذیر به سرعت تحت تأثیر این تکنولوژی‌ها و تغییرات قرار گرفته اند.

طـــی سال‌های گذشته بـــه موازات تغییرات اقتصادی و سیاسی که در جامعه ما روی داده، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهـــای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونـــی شده است. این هنجارها که به آرامی جای خود را در میان باورها و اعتقادات مردم باز می‌کنند، ممکن است با باورهای گذشته همخوانی چندانی نداشته باشند و حتی در تعارض با آن‌ها قرار گیرند. تغییرات به وجود آمده در زمینه شیوه‌های همسریابی و ازدواج جوانان، از جمله مواردی است که بسیاری از خانواده‌ها را با مسائل متعددی روبه رو کرده است (ساروخانی،۱۳۹۳: ۱۵).

هنـــوز در فرهنـــگ ما خواستگاری رواج دارد و رسم معمول بدین منوال اســـت که فردی خانواده دختر را به خانـــواده پسر معرفی می‌کند. این انتخاب بر اساس جاذبه فیزیکی دختر و شرایط خانوادگی و مسائل اقتصادی، اجتماعـــی، فرهنگی و قومی استـــوار است و معمولا در خواستگاری فرد واسط از همترازی خانواده‌ها اطلاعات کافـــی دارد. گاهی وظیفه یافتـــن زوج مناسب بر دوش مادر و خواهر داماد قرار می‌گیرد تا برای وی زن مناسبی انتخاب کنند. آنان پرسان پرسان آدرس دختران دم بخت را به دست می‌آورند و به خانه دختر می‌روند. در صورت رضایت، در مرحله بعد پسر را به همراه می‌برند. این رسوم در شهرهای کوچک و روستاها با قوت بیشتری ادامه دارد. بعد از مراسم خواستگاری در برخی خانواده‌ها، رسم است که دختر و پسر را برای مدتی با یکدیگر نامزد می‌کنند تا با هم آشنا شوند و از طرف دیگر زمان لازم برای تهیه مقدمات ازدواج فراهم شود (موسوی،۱۳۹۵:۱۳).

پدیده ای که به تدریج وارد فرهنگ ایران شده است، انتخاب همسر توسط دختر و پسر و از طریق آشنایی آنان با یکدیگر است. هنوز این روش مورد تأیید همه خانواده‌ها نیست و معمولا مردان خانواده در جریان این روابط نیستند (موسوی،۱۳۹۳:۵۲).

با توجه به این مسئله که نسل جوان بخش مهمی از جامعه هستند، جامعه و خانواده باید تعاملات بهتری را با

این نسل داشته باشند و ضرورت بررسی نگرش دختران نسبت به موضوع خواستگاری سنتی و جدید می‌تواند به عنوان عامل مهمی در تعاملات بین دختران و خانواده‌های آنها به شمار رود و با توجه به پررنگ شدن حضور دختران در عرصه‌های مختلف اجتماعی و به وجود آمدن راه‌های مختلف آشنایی دختران و پسران در دانشگاه‌ها و محل کار و فضای مجازی و.. نقش مهمی را داشته باشد. مطالعه این موضوع می‌تواند برای والدین و جوانان راهگشـا باشد و چون هیـچ مطالعه ای در این زمینه انجام نشده است، نتیجه ایـن مطالعه می‌تواند در اختیار ارگان‌های مربوط به خانواده و جوانان قرار بگیرید.

مسئله ای که در این مطالعه مطرح می‌شود این است که با توجه به تغییرات اجتماعی و گسترش فضای مجازی و تغییر شکل ارتباطات، نحوه آشنایی جوانان با یگدیگر از طرق مختلف– محل کار، دانشگاه، پارک و...– و نحوه خواستگاری دچار تغییراتی شده است. در مراسم خواستگاری به شیوه جدید می‌توان به عواملی مانند کم رنگ شدن نقش والدین، تجمل گرایی و تشریفاتی بودن مراسم خواستگاری، پررنگ شدن نقش فردی و تنوع طلبی افراد اشاره کرد. در این مطالعه با توجه به نگرش دانشجویان درصدد آن هستیم که ببینیم دانشجویان تا چه حد تمایل به برگزاری مراسم خواستگاری به شیوه سنتی و یا جدید دارند.

پیشینه پژوهش

رازقی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی جامعه شناختی نگرش جوانان نسبت به ازدواج در فضای مجازی پرداخته اند. روش انجام این مطالعه، پیمایش می‌باشد و نتایج نشان داد که ٥٤/٥ درصد از پاسخ دهندگان نگرش منفی و ۱۵ درصد نگرش مثبت و ۳۰/۵ درصد نیز نگرش بی طرفانه به ازدواج در فضای مجازی داشتند.

ضرغـام حاجبی و همکاران (۱۳۹٦) به بررسی مقایسه رضایـت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و مدرن بین دانشجویـان متاهل شهر تهران پرداخته اند. هدف این مطالعه، مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و مدرن بین دانشجویان متاهل شهر تهران می‌باشد. روش این مطالعه از نوع توصیفی– تحلیلی می‌باشد. مهم ترین نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که بین رضایت زنانی که به سبک مدرن ازدواج کرده اند با زنانی که به شیوه سنتی ازدواج کرده اند، تفاوت معناداری وجود دارد.

روشن نیا (۱۳۹۵) به بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی دوستی و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج پرداختـه انـد. روش انجام این مطالعه از نوع پیمایشی است. نتایج نشان داد که بین عوامل مستقلی چون عوامل جمعیتی– اجتماعی، فرهنگی و روانی با متغیر وابسته که نگرش دانشجویان نسبت به دوستی و معاشرت با جنس مخالـف در قبـل از ازدواج بوده است، رابطه معنادار وجـود دارد. عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و روانی در نگرش دانشجویان نسبت به دوستی و معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج تأثیر گذار بوده اند.

بهادری جاهرمی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی پیش بینی گرایش جوانان به معیارهای غیرسنتی همسرگزینی بر اساس عوامل شکاف نسلی پرداخته اند. هدف از انجام این مطالعه، پیش بینی گرایش جوانان به معیارهای غیرسنتی همسرگزینی بر اساس عوامل شکاف نسلی می‌باشد و با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انجام شده اسـت. نتایـج حاصل از این مطالعه نشان داد که نگرش ابزاری به ازدواج، آزادی‌های اجتماعی و ازدواج از طریق آشنایی در فضای مجازی با گرایش به معیارهای غیر سنتی همسرگزینی رابطه مثبت و معناداری دارد و ازدواج از طریق آشنایی در آشنایان و اقوام با گرایش به معیارهای غیرسنتی همسرگزینی رابطه منفی و معناداری دارد.

بحرانـــی (۱۳۹٤) به بررسی اثر آشنایی همسایگان بر فرآیند انتخاب همسر پرداخته است. هدف از انجام این مطالعه، مقایسه چگونگی پیوندهای همسایگی در بین شهروندان شیراز به عنوان یک کلان شهر و ٤ شهر دیگر استان فارس در زمینه فرایند انتخاب همسر جوانان می‌باشد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی می‌باشد. نتایج ایـــن مطالعه نشان داد که ارتباطات همسایگی در کلان شهر شیراز با شهرهای دیگر این استان تفاوت معناداری دارد، میزان همسرگزینی از بین همسایگان نیز در شیراز نسبت به شهرستان‌های دیگر استان کمترین میزان بوده و گرایش به انتخاب همسر در بین اقوام نزدیک در طی دو نسل متوالی افزایش یافته است.

مهدیزاده و همکاران (۱۳۹٤) طی یک مطالعه پیمایشی، دست به تحقیقی با عنوان «بررسی نگرش جوانان به استفاده از سایت‌های همسریابی و عوامل مؤثر بر آن» زدند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین نگرش خانواده و نگـــرش دوستان به استفاده از سایت‌های همسریابی، دینـــداری، گمنامی فضای مجازی، اعتماد به سایت‌های اینترنتی، در دسترس بودن اینترنت با متغییر زمینه ای جنسیت با متغیر وابسته وجود دارد.

سیار و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنّتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران با روش علّی مقایسه ای پرداخته اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بین زنان با ازدواج سنّتی و زنان با ازدواج مدرن بـه لحاظ توانایی حل مسئله تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین زنان با ازدواج سنّتی و زنـان بـا ازدواج مدرن به لحاظ توانایی برقراری ارتباط، ایفای نقش، پاسخ دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معناداری وجود دارد.

آخوندان (۱۳۸۸) به بررسی همسریابی اینترنتی از نظر انگیزه و اعتماد در معیارهای همسرگزینی از منظر کاربران سایت‌های همسریابی پرداخته است. روش انجام این مطالعه روش آمیخته(کمی-کیفی) می‌باشد. نتایج این مطالعه نشـــان داد که بیشتر کاربران با هـــدف ازدواج دائم عضو این سایت‌ها می‌شوند. بررسی معیارهای همسر گزینی کاربران شباهت با معیارهای همسرگزینی در دنیای واقعی را نشان داد، انگیزه عضویت کاربران بر میزان رضایت واعتماد آنها به سایت‌ها تأثیرگذار بوده و جنسیت متغیر تأثیر گذاری در فضای این سایت هاست.

پیشینه‌های بررسی شده در این مطالعه بیشتر در حوزهٔ نگرش جوانان نسبت به ازدواج در فضای مجازی، اثر آشنایی همسایگان بر فرآیند انتخاب همسر، دوستی و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، بررسی نگرش جوانان به استفاده از سایت‌های همسریابی و عوامل موثر بر آن، مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و مدرن، مقایسهٔ کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن است.

موضـــوع مورد بررســـی در این مقاله، نگرش دختران جوان به فرهنگ خواستگـــاری به شیوه سنتی و جدید می‌باشد.

چارچوب نظری پژوهش

در این مقاله موضوع خواستگاری بر اساس نظریاتی مانند نظریه کنش متقابل نمادین، تئوری انتخاب، نظریه مخاطره گیدنز و نظریاتی که در اسلام وجود دارند بررسی شده است.

- **نظریه کنش متقابل نمادین**[1]

نظریـــه کنـــش متقابل بر اهمیت کنشگر و جامعه همزمان تأکید دارد. در نظر گرفتن کنشگر و جامعه به عنوان فراگرد پویا و نه ساختار ایستا، مطرح است. مطابق با نظریه کنش متقابل، هر چند پدیده‌های اجتماعی در سطح

1. symbolic reciprocity theory

کلان وجود دارد، اما بر آگاهی رفتار افراد به عنوان افراد مستقل نقش تعیین کننده ای ندارد. در این دیدگاه، عاملان افرادی هستند که هنجار، باورها و نقش‌های اجتماع را بر حسب منافع شخصی خود می‌پذیرند یا رد می‌کنند و یا تعدیل یا تعریف می‌نمایند (ریتزر،۱۳۹۳:۲٦۹).

فرهنگ هر جامعه رابطهٔ مستقیم با بسیاری از عوامل همچون مسائل اقتصادی، سیاسی، مذهبی، ناحیه ای و.. موجود در جامعه دارد. هر کدام از عوامل بالا در کنش با همدیگر می‌باشند و می‌توانند مسیر همدیگر را تعیین کننـد یـا تغییر دهند. این مسیر بسیار سرنوشت ساز است و جامعه را به سویی می‌کشاند که بر نسل آینده تأثیر گـذار خواهـد بود- نتایج این بر هم کنش‌ها می‌تواند مثبت یا منفی باشـد (ابراهیم زاده اسمین، ایراوانی محمد آبادی،۱۳۹۳).

براسـاس این نظریـه، ازدواج و درخواست خواستگاری یک امر دو طرفه است و با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم و شرایط و مقتضیات هر جامعه ای متفاوت است. افراد با توجه به منافع خود تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کننـد و به پیشنهاد خواستگاری فکر می‌کنند. شرایـط و موقعیت خود را می‌سنجند، آنگاه تصمیم می‌گیرند کـه چـه پاسخی به کنش فرد مقابل خود بدهند. با توجه به اینکه کنش به فرد برمی گردد، کنش‌ها باعث شکل گیری رفتار می‌شوند. وقتی کنش‌ها دچار تحول بشوند، نگرش‌ها تغییر می‌کند و طبق آن رفتار تغییر می‌نماید. وقتی رفتار تغییر کند، ساختار هم تغییر می‌کند و تغییر ساختار باعث تغییر نظر فرد می‌شود. دختر و پسر دیگر مانند گذشته رفتار نمی کنند و از خود یک نوع کنش خاص را نشان نمی دهند، بلکه امروزه به دلیل رشد سریع فناوری، افزایش سطح آگاهی، حضور فعال دختران و پسران در عرصه‌های مختلف کاری و دانشگاهی، آشنایی و کنش‌های مختلفی در محیط کار، فضای دانشگاه، شبکه‌های مجازی و عکس و.. به وجود می‌آید و کم کم این تغییرات باعث تغییر سنت‌های گذشته و خواستگاری‌های سنتی می‌شود.

● تئوری انتخاب[1]

بر اساس تئوری انتخاب، همه رفتارهایی را که از ما سر می‌زند، «رفتار کلی» می‌نامیم. هنگامی که می‌گوییم همه رفتارها، کلیه رفتارهای آگاهانه‌ای است که هدفمند هستند. تمامی رفتارهای ما از اختلاف بین آنچه در یک زمان می‌خواهیم و آنچه در همان زمان داریم ناشی می‌شود (صاحبی،۱۳۹٦:۱۷۹).

قدرت تئوری انتخاب در این است که به ما کمک می‌کند با دیگران به ویژه نزدیکانمان، خوب کنار بیاییم. یک ازدواج خوب شاید بهترین وسیله تأمین نیاز به عشق و احساس تعلق باشد، با وجود این هنوز دسترسی به این نیازها به سادگی ممکن نیست، زیرا بر خلاف نیاز به بقا، برای تأمین این نیاز وجود یک فرد دیگر نیز ضروری است (صاحبی،۱۳۹٦:۷٤-٦۰).

در نظریه انتخاب انسان‌ها دارای ۵ نیاز اصلی و اساسی هستند که این نیازها منجر به ایجاد کنش و واکنش‌های افراد می‌شوند و افراد در هر لحظه از زندگی خود با توجه به اهمیت و شدت و ضعف نیازهای خود رفتارهای خود را انتخاب می‌کنند و بر طبق آنها زندگی می‌کند. تئوری انتخاب به افراد یاد می‌دهد که چگونه در روابط بین فردی خود دست از کنترل کردن دیگران بردارند و با انتخاب رفتار خود یک رابطه پایدار و مناسب را ایجاد کنند. می‌توان گفت ماهیت خواستگاری به نوعی یک انتخاب دو سویه بین دختر و پسر است. این دختر و پسر هستند که باتوجه به موقعیت و نیازهای خود، انتخاب خود را شکل می‌دهند.

1. The choice theory

• نظریه مخاطره گیدنز[1]

جهانی که بیشتر با مخاطرات ساخته انسان ساختاربندی شده است، کمتر فضایی را برای نفوذ نیروهای الهی یـا دست کم برای پادرمیانی جـادوی نیروها یا ارواح کیهانی باقی می‌گذارد. بـرای مدرنیت این مهم است که مخاطرات را اصولاً بتوان بر حسب دانش تعمیم پذیر راجع به خطرهای احتمالی ارزیابی کرد؛ دیدگاهی که در آن، برداشت‌هـای راجـع به سرنوشت بیشتر به شکل صورت‌های حاشیه ای خرافات باقی می‌مانند. هر کجا که مخاطره فی نفسه مخاطره شناخته می‌شود، به صورتی است که متفاوت از شرایطی که در آن بر داشته سرنوشت رواج دارند، تجربه می‌شود (گیدنز،۱۳۹٤:۹٦).

مخاطرات پرپیامد ولی کم احتمال در جهان نوین ناپدید نخواهد شد، گرچه به یک روایت خوشبینانه ممکن است کمتر گردند. خصلت بسیار ضد واقعی بیشتر مخاطره‌های پرپیامد، با آن بی تفاوتی که فهرست این مخاطرات برمی انگیزد، ارتباط نزدیکی دارد (گیدنز،۱۳۹٤:۱۱۵).

تماس‌های روزانه با دیگران در محیط‌های پیش از مدرن معمولاً بر نوعی آشنایی استوار بودند که تا اندازه ای از گرایش به ماهیت مکان سرچشمه می‌گرفت. با این همه، تماس‌های با دیگران آشنا شاید به ندرت باعث تسهیل آن نوع صمیمیتی می‌شدند که با روابط شخصی و جنسی امروزی همراه است. آن «تبدیل شکل صمیمیت» که گیدنز از آن سخن گفته است، بستگی به همان فاصله گیری دارد که مکانیسم‌های از جا کنده در ترکیب با محیط‌های اعتماد دگرگون شده لازمه این محیط ها، به ارمغان می‌آورند. شیوه‌های بسیار آشکاری وجود دارند که از طریق آنها صمیمیت و نظام‌های انتزاعی کنش متقابل دارند (گیدنز،۱۳۹٤:۱۲۲).

• دیدگاه اسلام

از آنجا که یک انتخاب صحیح و معقول در مرحله همسرگزینی می‌تواند ثبات زندگی خانوادگی را تا حد زیادی تضمین کند، بخش قابل توجهی از مباحث علمی و مضامین دینی، معطوف به ارائه راهکارهایی است که به افراد و خانواده‌ها کمک می‌کنند تا گزینه‌های برتر را برای همسری انتخاب نمایند (بستان،۱۳۹٤:۱۷۵).

ازدواج[2] مرحله مهمی برای تشکیل خانواده به شمار می‌رود و از جنبه‌های متعدد زیستی، اجتماعی و فردی بر افراد تأثیر می‌گذارد. اسلام ازدواج را قراردادی با شرایط ویژه می‌داند و نسبت به ملل و ادیان دیگر، برای مسلمانان در ازدواج شرایط بیشتری مقرر کرده است– هر چند ازدواج سایر فرهنگ‌ها را در ظرف و قالب خود به رسمیت می‌شناسد. نکته دوم، استحکام این قرارداد است. در قرآن از ازدواج به عنوان "پیمانی محکم» یاد شده است. پیمان زناشویی محکم ترین قرارداد اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از دوستی شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست (سالاری فر،۱۳۹۳:۲۲–۲۱).

یکی از واقعیت‌های مربوط به همسرگزینی[3] در همهٔ جوامع گذشته و حال، این است که پیشنهاد ازدواج اغلب از سوی مردان صورت می‌گیرد. منشأ این امر چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت واقعیت تفاوت‌های جنسی طبیعی، احتمال دخالت عوامل زیستی در این امر را تا حدّ زیادی تقویت می‌کند. تردیدی نیست که تمایل به جنس مخالف در مردان و زنان به صورت یکسان بروز نمی کند و ما با دو نوع تمایل متفاوت یعنی تمایل انگیزشی یا فعّالانه و تمایل پذیرشی یا منفعلانه روبرو هستیم. شایان ذکر است که در متون دینی اسلام توصیه صریح و اکیدی

1. Giddens' Hazard Theory
2. Marriage
3. Choosing a wife

در مورد این رسم وارد نشده است، «همان گونه که نسبت به زنان پیشنهاد دهندهٔ ازدواج، نکوهشی صورت نگرفته است (وسائل الشیعه،ج ۱۹۵:۱٤و ۲۰۲)؛ بلکه برحسب منابع روایی و تاریخی، ازدواج پیامبر اکرم (ص) و خدیجه (س) با پیشنهاد خدیجه (س) صورت گرفته است که برخی از تاریخ نویسان این پیشنهاد را بی واسطه و برخی دیگر آن را با واسطهٔ زنی دیگر دانسته‌اند.(بحارانوار،ج ۳:۱٦ و الحمیری،ج ۱،۱۸۹:۱۹۸۵)» (جعفری،۵۳:۱۳۹٤).

بنابراین، پیشنهاد ازدواج توسط زن از نظر دینی ناهنجار تلقی نمی شود و اگر این شیوه با مکانیزم واسطه گری که در اسلام بر آن تأکید شده(وسائل الشیعه،ج۱٤: ۲٦–۲۷) تلفیق گردد– به این صورت که زن پیشنهاد ازدواج[1] را توسط برخی نزدیکان خود به اطلاع مرد مورد نظر برساند– شائبهٔ مغایرت با حیثیت و احترام زن نیز در کار نخواهد بود (جعفری،۵۳،۱۳۹٤).

بر اساس دیدگاه استاد مطهری، خلاف حیثیت و احترام زن است که به دنبال مرد بدود. برای مرد قابل تحمل است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و آنگاه از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خود را به همسری با او اعلام کند، اما برای زن که می‌خواهد محبوب و معشوق و مورد پرستش باشد و از قلب مرد سر در آورد تا بر سراسر وجود او حکومت کند، قابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود (مطهری، ۱۳٦٦ :٤۷).

روش شناسی پژوهش

در این مطالعه از روش پیمایشی استفاده شده است. تکنیک جمع آوری اطلاعات در این مطالعه پرسش نامه محقــق ساخته و سوالات باز و بسته شامل تعدادی گویــه بوده است که از مقیاس لیکرت برای بررسی نگرش دانشجویان و میزان ترجیح آنها به روش سنتی وجدید ستفاده شد. همچنین، برای بررسی نگرش دانشجویان به شیوه خواستگاری سنتی و شیوه جدید گویه‌هایی تعریف گردید که به روش نمونه گیری تصادفی بین ۱۵۰ نفر از دانشجویــان دانشکــده رفاه توزیع گردید. روایی این پرسش نامه از روش صوری و با توجه به نظرات اساتید مرتبط با موضوع بررسی شد. پایایی این پرسش نامه توسط ضریب آلفای کرونباخ برای متغییرهای نگرش سنتی، نگرش جدید، ترجیح سنتی و ترجیح جدید به دست آمده است. نتایج نشان داد نگرش سنتی با ضریب آلفای کرونباخ ۷۹/۵ درصد و نگرش جدید ۸۰ درصد و ترجیح جدید ۸۳/٦ درصد و ترجیح سنتی ۵ /۸۰ درصد بودند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مطالعه حاضر در دو بخش توصیفی و استنباطی در ادامه گزارش شده است.

آمار توصیفی

با توجه به اینکه پاسخگویان دانشجویان دانشکده رفاه بوده اند، از بین ۱۵۰ نفر پاسخگو، بیشترین فراوانی پاسخگویــان مربوط به گروه سنی تا ۳۰ سال بــا فراوانی ۱۰۹ می‌باشد. همچنین، بیشترین فراوانی پاسخگویان مربــوط به مقطع تحصیلی کارشناسی با درصد فراوانــی ۷٤/۷ درصد می‌باشد. بیشترین فراوانی وضعیت تأهل بــا فراوانی۹۲ و درصد فراوانــی٦۱/۳ درصد مربوط به دانشجویان مجرد می‌باشــد. بالاترین میزان پاسخگویی دانشجویان دانشکده مربوط به رشته روان شناسی با فراوانی۳۷ نفر و درصد فراوانی۲٤/۷ درصد و کمترین میزان پاسخگویی دانشجویان مربوط به رشته حقوق خانواده با فراوانی ٤ و درصد فراوانی ۷/۲ درصد می‌باشد. با توجه

1. marriage proposal

به سطح درآمدی دانشجویان ۲۸/۷ درصد دارای درآمد متوسط و ۱۶درصد دارای درآمد کم می‌باشند.

توزیع گویه‌های شیوه سنتی خواستگاری

در ایـــن جدول گویه‌های شیوه سنتی خواستگـــاری به همراه طیف سنجش آن شامل کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافق آمده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پاسخ سوالات شیوه سنتی خواستگاری(درصد)

گویه‌های شیوه سنتی	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	کل
نظارت خانواده بر اجرای مراسم خواستگاری نقش اساسی در تداوم ازدواج دارد	٪ ۱/۳	٪ ۰/۷	٪ ٦/۰	٪ ۳۸/۷	٪ ۵۳/۳	۱۰۰
بهتر است در مراسم خواستگاری، پایبند به سنتهای مرسوم در خانواده خود باشیم	۷	٪ ۷/۳	٪ ۱٤/۰	٪ ٤٤/۰	٪ ۳٤/۰	۱۰۰
بهتر است خانواده در جریان شروع رابطه آشنایی زوجین قبل از ازدواج باشند	٪ ۱/۳	٪ ۱/۳	٪ ۵/۳	٪ ۲۹/۳	٪ ٦۱/۳	۱۰۰
احترام به نظر پدر و مادر در نوع مراسم خواستگاری در گذشته مهم بوده است	٪ ۲/۷	٪ ٦/۰	٪ ۹/۳	۳۸,۰	٪ ٤۲/۷	۱۰۰
حضور شخص معرف در مراسم خواستگاری الزامی است	٪ ۱۰/۰	٪ ۲۲/۷	٪ ۲۹/۳	٪ ۲٤/۷	٪ ۱۲/۷	۱۰۰
حضور بزرگترهای فامیل در جلسات آشنایی ضرورتی ندارد	٪ ٤/۰	٪ ۲۰/۷	٪ ۱۳/۳	٪ ۳٤/۷	٪ ۲٦/۷	۱۰۰
فامیل، گزینه‌های خوبی برای معرفی زوجین به هم هستند	٪ ۸/۰	٪ ۱۳/۳	٪ ۲۸/۰	٪ ۳۷/۳	٪ ۱۰/۷	۱۰۰
در خواستگاری‌های گذشته معنویت پر رنگ تر از مراسم خواستگاری امروزی بوده است	٪ ۰/۷	٪ ٦/۷	٪ ۲٦/۰	٪ ۳٦/۷	٪ ۲۹/۳	۱۰۰
در خواستگاری‌های گذشته تجملات نقش کم تری داشت	٪ ۰/۷	٪ ٦/۰	۱٤٪ /۰	٪ ٤۱/۳	٪ ۳۸/۰	۱۰۰
خانواده در گذشته به عنوان پشتوانه محکمی برای جوانان در امر خواستگاری محسوب می‌شد	٪ ۲/۷	٪ ٦/۰	٪ ۱۲/۷	٪ ۳۸/۰	٪ ٤۰/۰	۱۰۰
همسایه‌ها گزینه‌های خوبی برای معرفین زوجین به هم هستند	٪ ٤/۷	٪ ۱۸/۰	٪ ۳٤/۰	٪ ۳۷/۳	٪ ٤/۷	۱۰۰
همکاران گزینه‌های خوبی برای معرفی زوجین به هم هستند.	٪ ۲/۷	٪ ۱۱/۳	٪ ۳٤/۰	٪ ٤۲/۰	٪ ۹/۳	۱۰۰

توزیع گویه‌های شیوه مدرن خواستگاری

در جدول۲، گویه‌های شیوه سنتی خواستگاری به همراه طیف سنجش آن شامل کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافق آمده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب پاسخ به سوالات شیوه مدرن خواستگاری (درصد)

گویه‌های شیوه مدرن	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	کل
بهتر است آشنایی اولیه توسط خود فرد صورت بگیرد	٪۸/۷	٪۲۰/۰	٪۲٤/۷	٪۳٤/۷	٪۱۲/۰	۱۰۰
جوانان با والدین خود در اجرای مراسم خواستگاری اختلاف سلیقه دارند	٪۵/۳	٪۲٤/۰	٪۲۰/۰	٪۳۸/۷	٪۱۰	۱۰۰
تحمیل نظر خانواده در مراسم خواستگاری خوشایند نیست	٪۱/۳	٪۸/۰	٪۱۰/۷	٪٤۱/۳	٪۳٦/۷	۱۰۰
امروزه بیشتر انتخاب همسر آینده، توسط خود جوانان صورت می‌گیرد	٪٤/۰	٪۵/۳	٪۸/۰	٪۵۸/۰	٪۲٤/۰	۱۰۰
در صورتی که برای ازدواج به نتیجه رسیدیم لازم است به خانواده بگوییم	٪۷/۳	٪۱۲/۷	٪۹/۳	٪۳۰/۷	٪٤۰/۰	۱۰۰
دوستان گزینه‌های خوبی برای معرفی زوجین به هم هستند	٪۳/۳	٪۱۰/۰	٪۳۰/۰	٪٤۵/۳	٪۸/۷	۱۰۰
بهتر است فقط مادر را در جریان آشنایی با فرد موردنظر قرار دهیم	٪۸/۷	٪۳۹/۳	٪۱۹/۳	٪۲۲/۰	٪۸/۷	۱۰۰
دوستان بهتر می‌توانند راز ما را حفظ کنند	٪۲٦/۷	٪۳۲/۷	٪۱۷/۳	٪۱۳/۳	٪٤/۷	۱۰۰
اگر خانواده را در جریان هر آشنایی قرار بدهیم اعتمادشان به ما از بین می‌رود	٪۲۹/۳	٪۳۲/۷	٪۱۷/۳	٪۱۳/۳	٪۲/۷	۱۰۰
این روزها به جز زوجین ضرورت ندارد کسی در جریان خواستگاری آنها باشد	٪۳٦/۰	٪۳۷/۳	٪۱۲/۷	٪۱۰/۰	٪۲/۰	۱۰۰
ضرورت ندارد در هر آشنایی خانواده را نگران کنیم	٪۲۷/۳	٪٤۰/۷	٪۱۷/۳	٪۱۱/۳	٪۲/۷	۱۰۰

با توجه به اطلاعات جدول بالا هر کدام از گویه‌های شیوه مدرن خواستگاری با طیف لیکرت، همراه درصد فراوانی خود آورده شده است.

توزیع گویه‌های ترجیح خواستگاری سنتی

جدول ۳ : توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پاسخ به سوالات مبنی بر گویه‌های ترجیح خواستگاری (درصد)

گویه‌های ترجیح سنتی	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	کل
خواستگاری از طریق معرف غریبه	٪۲۲/۰	٪۱۹/۳	٪۳۲/۷	٪۲۲/۰	٪۰/۷	۱۰۰
خواستگاری در جلسات و مهمانی ها	٪۶/۷	٪۱۱/۳	٪۲۲/۷	٪۵۰/۷	٪۴/۷	۱۰۰
خواستگاری در بازار و امکان عمومی و پارک و تفریحگاه‌ها	٪۳۰/۰	٪۲۶/۰	٪۲۸/۰	٪۱۱/۳	٪۰/۷	۱۰۰
خواستگاری در جلسات مذهبی و اماکن مذهبی	٪۸/۷	٪۱۵/۳	٪۲۲/۰	٪۳۹/۳	٪۱۰/۷	۱۰۰
خواستگاری از طریق همکار در محیط کار	٪۴/۰	٪۹/۳	٪۲۴/۷	٪۵۴/۰	٪۴/۰	۱۰۰
خواستگاری از طریق فامیل و آشنایان	٪۲/۷	٪۷/۳	٪۱۶/۰	٪۶۰/۷	٪۱۰/۰	۱۰۰
خواستگاری از طریق همسایه‌ها	٪۳/۳	٪۱۶/۷	٪۱۸/۷	٪۵۲/۷	٪۵/۳	۱۰۰

با توجه به اطلاعات آمده در جدول بالا، گویه‌های ترجیح خواستگاری سنتی به همراه طیف سنجش آن کاملاً مخالف، مخالف، بی نظر، موافق و کاملاً موافق، به همراه درصد فراوانی خود آمده است.

توزیع گویه‌های ترجیح خواستگاری مدرن

جدول ٤: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب پاسخ به سوالات گویه‌های ترجیح خواستگاری مدرن(درصد)

گویه‌های ترجیح مدرن	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	کل
خواستگاری از طریق اینترنت(سایت‌های همسریابی)	٪۷۰/۷	٪۱۶/۰	٪۶/۷	٪۳/۳		۱۰۰
خواستگاری در شبکه‌های مجازی	٪۶۹/۳	٪۲۰/۰	٪۶/۷	٪۰/۷		۱۰۰
خواستگاری از طریق شرکت در مجامع علمی و فرهنگی(مشارکت‌های علمی و نشست‌های مختلف و...)	٪۶/۰	٪۱۳/۳	٪۲۲/۰	٪۴۴/۷	٪۱۰/۰	۱۰۰
خواستگاری از طریق همکلاسی ها	٪۲/۷	٪۱۵/۳	٪۲۱/۳	٪۵۱/۳	٪۵/۳	۱۰۰
خواستگاری از طریق دوستان	٪۶/۷	٪۱۳/۳	٪۱۵/۳	٪۵۵/۳	٪۵/۳	۱۰۰
خواستگاری ازطریق چت کردن	٪۵۳/۳	٪۳۰/۰	٪۸/۰	٪۳/۳	٪۰/۷	۱۰۰
خواستگاری از طریق مراکز همسریابی	٪۴۸/۷	٪۲۱/۳	٪۱۵/۳	٪۹/۳		۱۰۰
خواستگاری از طریق عکس	٪۵۶/۷	٪۲۷/۳	٪۸/۰	٪۲/۷		۱۰۰
خواستگاری در مراکز آموزشی و دانشگاه	٪۸/۰	٪۱۰/۷	٪۲۴/۰	٪۴۶/۷	٪۶/۷	۱۰۰

در جدول بالا گویه‌های ترجیح خواستگاری مدرن به همراه طیف سنجش آن شامل کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافق آمده است.

نگرش خواستگاری

در جدول۵، نگرش خواستگاری به روش سنتی و روش مدرن همراه با فراوانی و درصد فراوانی آمده است. بیشتریـــن درصـــد فراوانی(۹۰ درصد) و فراوانی ۱۳۵ نفر، مربوط بـــه روش مدرن و کمترین درصد فراوانی(۱۰ درصد) و فراوانی ۱۵ نفر مربوط به روش سنتی می‌باشد.

جدول ۵: نگرش خواستگاری

نگرش خواستگاری	فراوانی	درصد
روش سنتی	۱۵	٪۱۰/۰
روش مدرن	۱۳۵	٪۹۰/۰
کل	۱۵۰	٪۱۰۰/۰

ترجیح شیوه خواستگاری

در جـــدول ٦ ،ترجیـــح شیوه خواستگاری بـــه روش سنتی و روش مدرن همراه بـــا فراوانی و درصد فراوانی آمـــده اســـت. بیشترین ترجیح خواستگاری با درصد فراوانی٦٤/٧ درصـــد و فراوانی ۹۷ مربوط به ترجیح شیوه خواستگـــاری مدرن می‌باشد و کم ترین ترجیح شیوه خواستگاری مربوط به روش سنتی با درصد فراوانی ۳۲/۰ درصد و فراوانی ٤٨ نفر می‌باشد.

جدول ٦: ترجیح شیوه خواستگاری

ترجیح شیوه خواستگاری	فراوانی	درصد
روش سنتی	٤٨	٪۳۲/۰
روش مدرن	۹۷	٪٦٤/۷
کل	۱۵۰	٪۱۰۰/۰

آمار استنباطی

در این پژوهش از آزمون T مستقل(به دلیل دو گروه مستقل) استفاده شده است که هر کدام به صورت جداگانه با کدهایی وارد نرم افراز شدند. همچنین نگرش افراد به خواستگاری که شامل نگرش سنتی و جدید و ترجیح افراد به شیوه‌های خواستگاری به صورت کاملاً مخالف، مخالف، بی نظر، موافق و کاملاً موافق وارد spss شد و وجود رابطه معنا داری این دو با آزمون T مستقل سنجیده شده است.

جدول ۷: توزیع فراوانی نوع ترجیح پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک سن(درصد)

سن / ترجیح	سنتی	مدرن	کل
تا ۳۰ سال	٪۷۲/۹	٪۷٤/۰	٪۷۳/٦
۳۹-۳۱ سال	٪۱٤/٦	٪۱۹/۸	٪۱۸/۱
٤٦-٤۰ سال	٪ ۱۲/۵	٪ ٦/۳	٪۸/۳
کل	٪ ۱۰۰/۰	٪ ۱۰۰/۰	٪ ۱۰۰/۰
	Sig= ۰/۳۷۱	Df= ۲	X2= ۱/۹۸۵

با توجه به اطلاعات جدول بالا، در گروه سنی تا ۳۰ سال ترجیح سنتی برابر با ۷۲/۹ درصد و ترجیح مدرن برابـر بـا ۷٤/۰ درصد بود و به لحاظ سنی، رابطه معناداری بین سن و ترجیح شیوه خواستگاری وجود نداشت- سطح معناداری ۰/۳۷۱ شده که این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ بیشتر است.

جدول۸ : توزیع فراوانی نوع ترجیح پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک درآمد(درصد)

درآمد / ترجیح	سنتی	مدرن	کل
درآمد بالا	٪۲٤/۱	٪۳۱/۳	٪۲۸/٦
درآمد متوسط	٪۵۸/٦	٪٤۷/۹	٪۵۱/۹
درآمد کم	٪۱۷/۲	٪۲۰/۸	٪۱۹/۵
کل	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰
	Sig= ۰/٦۸۵	Df= ۲	X2= ۸/۳۸

بـا توجه به اطلاعات جدول بالا، پاسخگویان با درآمد متوسط ۵۸/٦ درصد دارای ترجیح شیوه خواستگاری سنتی و ٤۷/۹درصد دارای ترجیح شیوه خواستگاری به شیوه مدرن هستند. سطح معناداری ۰/٦۸۵ شده است که از سطح معناداری ۰/۰۵ بیشتر شده است. پس می‌توان گفت بیشتر افراد پاسخ دهنده دارای درآمد متوسط بودند و به همین علت تفاوت چشمگیری از لحاظ درآمدی وجود ندارد و رابطه معناداری بین ترجیح شیوه خواستگاری و درآمد دیده نمی شود.

جدول۹: توزیع فراوانی نوع ترجیح پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک مقطع تحصیلی (درصد)

مقطع / ترجیح	سنتی	مدرن	کل
کارشناسی	٪۸۱/۳	٪۷۳/۲	٪۷۵/۹
کارشناسی ارشد	٪۱۸/۸	٪۲۶/۸	٪۲۴/۱
کل	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰
	Sig= ۰/۲۸۶	Df= ۲	X2= ۱/۱۳۸

با توجه به اطلاعات جدول بالا، در مقطع تحصیلی لیسانس ترجیح شیوه خواستگاری به صورت سنتی برابر با ۸۱/۳ درصد و ترجیح شیوه خواستگاری به صورت مدرن برابر با ۷۳/۲ درصد و سطح معناداری ۰/۲۸۶ می‌باشد کـه بیشتـر از سطح معناداری ۰/۰۵ است. پس، می‌توان گفت تفاوت معناداری بین ترجیح شیوه خواستگاری و مقطع تحصیلی وجود ندارد- به این علت که بیشتر افراد پاسخگو در مقطع کارشناسی و تنها تعداد کمی در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند.

جدول ۱۰: توزیع فراوانی نوع ترجیح پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک وضعیت تأهل (درصد)

ترجیح وضع تأهل	سنتی	مدرن	کل
مجرد	٪۷۱/۷	٪۵۹/۴	٪۶۳/۴
متأهل	٪۲۸/۳	٪۴۰/۶	٪۳۶/۶
کل	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰
	Sig= ۲/۰۴۸	Df= ۱	X2= ۰/۱۵۲

با توجه به اطلاعات جدول بالا، در گروه مجردها ترجیح شیوه خواستگاری به صورت سنتی ۷۱/۷ و ترجیح شیوه خواستگاری به صورت مدرن ۵۹/۴ می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ شده است، می‌توان گفت که رابطه معناداری بین تأهل و ترجیح شیوه خواستگاری سنتی و مدرن وجود ندارد- بیشتر افراد پاسخگو مجرد هستند.

جدول ۱۱: توزیع فراوانی نوع نگرش پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک وضعیت تأهل (درصد)

وضع تأهل / نگرش	سنتی	مدرن	کل
مجرد	٪۷۸/٦	٪٦۰/۹	٪٦۲/٦
متأهل	٪۲۱/٤	٪۳۹/۱	٪۳۷/٤
کل	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰
	Sig= ۰/۱۹٤	Df= ۱	X2= ۱/٦۸۹

با توجه به اطلاعات جدول بالا که سطح معناداری بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ شده است، می‌توان گفت رابطــه معنــاداری بین تأهل و نگرش افراد به خواستگــاری سنتی و مدرن وجود ندارد. نگــرش افراد مجرد به خواستگاری سنتی۷۸/٦ درصد و نگرش افراد متأهل به خواستگاری مدرن ٦۰/۹ درصد می‌باشد.

جدول ۱۲: توزیع فراوانی نوع نگرش پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک سن(درصد)

سن / نگرش	سنتی	مدرن	کل
تا ۳۰ سال	٪۸٦/۷	٪۷۱/٦	٪۷۳/۲
۳۹-۳۱سال	٪٦/۷	٪۲۰/۱	٪۱۸/۸
٤٦-٤۰ سال	٪٦/۷	٪۸/۲	٪۸/۱
کل	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰
	Sig= ۰/٤۱۵	Df= ۲	X2= ۱/۷٦۱

بــا توجــه به اطلاعات جدول بالا، در گروه سنی تا ۳۰ سال، نگرش سنتی به خواستگاری ۸٦/۷ درصد و نگرش مدرن به خواستگاری ۷۱/٦ درصد است. با توجه به اینکه دامنه سنی دانشجویان تقریباً کم بوده است و از نظر سنی مشابه بودند، تفاوتی درنظراتشان به چشم نمی خورد و رابطه ی معناداری بین سن و نگرش افراد به خواستگاری سنتی و مدرن وجود ندارد.

جدول ۱۳: توزیع فراوانی نوع نگرش پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک درآمد(درصد)

درآمد / نگرش	سنتی	مدرن	کل
بالا	٪ ۲۷/۳	٪ ۲۷/۱	٪ ۲۷/۲
متوسط	٪ ۷۲/۷	٪ ۵۰/۰	٪ ۵۳/۱
کم	٪۰/۰	٪ ۲۲/۹	٪ ۱۹/۸
کل	٪ ۱۰۰/۰	٪ ۱۰۰/۰	٪ ۱۰۰/۰

در گروه درآمدی بالا، ۲۷/۳ درصد از افراد نگرش سنتی و ۲۷/۱ درصد از افراد نگرش مدرن به خواستگاری دارنـد. در گـروه درآمدی متوسـط، ۷۲/۷ درصد از افراد نگرش سنتی و ۵۰/۰ درصـد از افراد نگرش مدرن به خواستگاری دارند. در گروه درآمدی کم، ۰/۰ درصد از افراد نگرش سنتی و ۲۲/۹ درصد از افراد نگرش مدرن به خواستگاری دارند. پس می‌توان گفت افراد پاسخ دهنده تقریباً در یک سطح از لحاظ درآمدی با درآمد متوسط هستند و بین درآمد و نگرش افراد به خواستگاری سنتی و جدید رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ١٤: توزیع فراوانی نوع نگرش پاسخگویان در روش خواستگاری به تفکیک مقطع تحصیلی (درصد)

نگرش/ مقطع	سنتی	مدرن	کل
کارشناسی	٪۹۳/۳	٪۷۲/٦	٪۷٤/۷
کارشناسی ارشد	٪٦/۷	٪۲۷/٤	٪۲۵/۳
کل	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰
	Sig= ۰/۰۸۰	Df= ۱	X2= ۳/۰۷۰

با توجه به اطلاعات جدول بالا، نگرش افراد به خواستگاری سنتی در مقطع تحصیلی کارشناسی ۹۳/۳ درصد و نگرش افراد در همین مقطع تحصیلی به خواستگاری مدرن۷۲/٦ درصد و سطح معناداری ۰/۰۸۰ می‌باشد که از سطح معناداری ۰/۰۵ بیشتر است.پس، رابطه معناداری بین مقطح تحصیلی و نگرش افراد به خواستگاری سنتی و مدرن وجود ندارد.

بحث ونتیجه گیری

بیشتریـن درصـد فراوانی مربوط به گروه سنی تا ۳۰ سال بـا ۷۲/۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ٤٠-٤٦ سال با ۸ درصد می‌باشد.

بیشترین فراوانی مربوط به مقطع تحصیلی کارشناسی با فراوانی ۷٤/۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد با فراوانی ۲۵/۳ درصد می‌باشد.

بیشترین فراوانی وضعیت تأهل با فراوانی۹۲ و فراوانی۶۱/۳ درصد مربوط به دانشجویان مجرد است.

بالاترین میزان پاسخگویی دانشجویان دانشکده مربوط به رشته روان شناسی با فراوانی۳۷ نفر و فراوانی۲٤/۷ درصد و کمترین میزان پاسخگویی دانشجویان مربوط به رشته حقوق خانواده با فراوانی ٤ و فراوانی ۷/۲ درصد می‌باشد.

با توجه به سطح درآمدی دانشجویان، ۲۸/۷ درصد دارای درآمد متوسط و ١٦ درصد دارای درآمد کم می‌باشند.

با توجه به فرضیه مطالعه که دختران جوان نگرش مثبت تری به برگزاری خواستگاری به شیوه جدید دارند و براساس دیدگاه کارکردگرایی، می‌توان گفت که خانواده، نهادی است که حفظ و پایداری آن بستگی به وظایف و کارکردهای ساختاری موجود دارد.

از آنجـا کـه جمعیت نمونه مطالعه ما دانشجویانی هستند که از لحاظ سنی و اعتقادی تا حدودی شبیه به هم هستند، در مورد متغییرهای زمینه ای نتیجه معناداری در این مطالعه دیده نمی شود.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که از بین نمونه ۱۵۰ نفری دانشجویان دانشکده، ۹۰ درصد دانشجویان با نگرش جدید و ۱۰ درصد از آنان با نگرش سنتی موافق هستند. همچنین، ٦٤/۷ درصد ترجیح خواستگاری به

شیوه جدید و حدود ۳۲ درصد ترجیح خواستگاری به شیوه سنتی را داشتند.

نظر دانشجویان دانشکده به این سوال که آیا به نظر شما این روزها شیوه خواستگاری از سنتی به مدرن تغییر کرده است، به صورت اجمالی در ۸ دسته زیر آمده است:

- پاسخ‌های مربوط به تغییر فرهنگ، تغییر فرهنگ‌های خواستگاری و...
- پاسخ‌های مربوط به گسترش روابط مجازی، پیشرفت وسایل جمعی ارتباطات، استفاده از شبکه‌های ماهواره ای و...
- پاسخ‌های مربوط به غرب زدگی، تغییر سبک زندگی، تقلید از کشورهای غربی، کم رنگ شدن آداب و رسوم و سنت‌های گذشته، کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی و...
- پاسخ‌هـــای مربوط به استقـــلال جوانان، جوانان فقط به خودشان فکر می‌کنند، راحت طلبی جوانان، بالا رفتن سطح انتظارات جوانان، خود کفا شدن جوانان و...
- پاسخ‌های مربوط به افزایش تجملات در زندگی، افزایش پدیده چشم و همچشمی در بین دوستان و...
- پاسخ‌های مربوط به آموزش و تربیت نادرست، تغییر نحوه تربیت فرزندان، نظارت نداشتن بر اعمال آنها و...
- پاسخ‌های مربوط به پیشرفت جوامع، دگرگونی‌های اجتماعی و...

مسئله اصلی در این مطالعه، آگاهی از نحوه نگرش دختران جوان به خواستگاری به شیوه سنتی و جدید است. با توجه به تحقیقات پیشین در زمینه همسر گزینی، ازدواج و خواستگاری، در مطالعه حاضر بین متغییر نگرش خواستگـــاری (نگرش سنتی، نگرش مدرن) و متغییرهای سطـــح درآمد، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل و سن دانشجویان ارتباط معنی داری نیافته است.

بین متغییر ترجیح شیوه خواستگاری (ترجیح سنتی، ترجیح مدرن) و متغییرهای سطح درآمد، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل و سن دانشجویان ارتباط معنی داری دیده نشده است.

همـــان طوری که نتایج مطالعه حاضر نشـــان داد بین متغییرهای زمینه ای وضعیت تأهل، سن، درآمد، شغل و نگرش و ترجیح رابطه معناداری دیده شده است.

نتایج این مطالعه تقریبا مشابه نتایج گذشته است. کنعانی (۱۳۹۳) که به بررسی نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف و متغییرهای نشان گر میزان و نحوه استفاده از اینترنت پرداخته است، نشان داد که استفاده از اینترنت در نگرش مثبت به دوستی اینترنتی با جنس مخالف تاثیر گذار بوده است. رابطه مثبت مشاهده شده بین سن و نگرش اینترنتی، نشان گر نقش عامل زمان و فضا بر روی تغییر نگرش هاست؛ اما بین متغییرهای نگرش و ترجیح و متغییرهای سن، وضع تاهل، سطح درآمد، مقطع تحصیلی دانشجویان رابطه ای دیده نمی شود.

نتایج این مطالعه تقریبا شبیه به مطالعه سیار و همکاران (۱۳۹۱) است؛ چنان که در ضمن این مطالعه گزارش کردند که در خانواده‌های گسترده جامعه قبل از مدرنیته، ازدواج‌ها به صورت سنتی انجام می‌شده است، اما امروزه در جامعه مدرنیته ازدواج‌ها بیشتر به صورت مدرن انجام می‌گیرد.

از دیگر نتایج این مطالعه بر می‌آید که دختران جوان نگرش مثبت تری به برگزاری خواستگاری به شیوه جدید دارند و این فرضیه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تأیید شده است؛ به عبارت دیگر، دختران بیشتر دوست دارند که به روش جدید خواستگاری شوند.

از آنجا که جمعیت نمونه مطالعه ما دانشجویانی هستند که از لحاظ سنی و اعتقادی تا حدودی شبیه هم هستند، در مورد متغییرهای زمینه ای نتیجه معناداری در این پژوهش دیده نمی شود.

در مدل نهایی این مطالعه نگرش به دو صورت سنتی و جدید می‌باشد. مؤلفه‌های نگرش سنتی شامل نظارت خانواده، پایبندی به سنت‌های مرسوم در خانواده، خانواده به عنوان پشتوانه محکمی برای جوانان محسوب می‌شود و مؤلفه‌های نگرش جدید آشنایی توسط خود جوانان، انتخاب سلیقه جوانان با والدین انتخاب همسر توسط خود جوانان و همچنین ترجیح شیوه خواستگاری به دو صورت سنتی و جدید می‌باشد. ترجیح شیوه خواستگاری به صورت سنتی از طریق معرف غریبه، خواستگاری از طریق فامیل و آشنایان، خواستگاری در جلسات مذهبی و اماکن مذهبی، ترجیح شیوه خواستگاری به صورت جدید خواستگاری از طریق اینترنت سایت‌های مجازی و خواستگاری از طریق عکس می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه و نگرش مثبت دختران جوان به برگزاری مراسم جدید در خواستگاری و بروز تغییر جدی در سبک زندگی آنها پیشنهاد می‌گردد تا اقدامات زیر صورت پذیرد:

۱-برنامه ریزی‌های آموزشی و برگزاری کارگاه‌های شیوه صحیح انتخاب همسر توسط سیاستگزاران آموزشی؛

۲-آگاه سازی جوانان نسبت به معایب و مزایای هر یک از این شیوه‌ها در امر خواستگاری،

۳-تمرکز رسانه‌ها بر بحث انتخاب و شیوه‌های همسرگزینی و برگزاری مراسم به شیوه صحیح در قالب فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی.

منابع

- ابراهیم زاده اسمین، حسین و ایراوانی محمد آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۳). **مردم شناسی محیطی، ابعاد و کارکردهای آن**. تهران: سخنوران
- استادان طرح جامع آموزش خانواده. (۱۳۸۹). **جوان و تشکیل خانواده**. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- آخوندان، زهره. (۱۳۸۸). «**همسریابی اینترنتی: بررسی انگیزه، اعتماد در معیارهای همسرگزینی از منظر کاربران سایت‌های همسریابی**». پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء- دانشکده علوم اجتماعی- اقتصادی، اسفند ماه ۱۳۸۸.
- بحرانی، محمود. (۱۳۹٤). **بررسی اثر آشنایی همسایگان بر فرآیند انتخاب همسر**. دو فصلنامه مشاوره کاربردی. ۲۲-۱(۲)۵، ۱۳۹٤.
- بستان(نجفی)، حسین. (۱۳۹٤). «**جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی**». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- بهادری جهرمی، ثمینه؛ جهانبخش، اسماعیل و بهیان، شاپور. (۱۳۹۵). «**پیش بینی گرایش جوانان به معیارهای غیر سنتی همسر گزینی بر اساس عوامل شکاف نسلی**». مجله روان شناسی اجتماعی. سال ۱۱،شماره ٤۱، زمستان ۱۳۹۵، ٤۷-۳۹.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۱). «**جوانان و ازدواج(اهداف، ملاک ها، روش ها، موانع و راهکارها)**». تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- جعفری، علی. (۱۳۹٤). **آسیب شناسی بازنمایی ازدواج در سینمای ایران(دیدگاهی اسلامی)**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- رازقی، نادر؛ علیزاده، مهدی و محمدی سنگ چشمه، سمیه. (۱۳۹٦). «**بررسی جامعه شناختی نگرش جوانان نسبت به ازدواج در فضای مجازی**». جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۸، شماره پیاپی(٦۵)، شماره اول ، بهار ۱۳۹٦، صص٦۷-۸٦.
- روشن نیا، مریم. (۱۳۹۵). «**بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی دوستی و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج**». مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. دوره اول، شماره اول، آبان ۱۳۹۵،صص۵۱-٤۲.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی**. تهران: علمی
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانوده(با تجدید نظر و اضافات)**. تهران: سروش
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۹۳).**خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سیار، ثریا؛ راهب، غنچه و اقلیما، مصطفی. (۱۳۹۱). «**مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران**». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۱۲، شماه ٤۷.
- ضرغام حاجبی، مجید؛ کمالیان، تهمینه و ارجمند، سوگند.(۱۳۹٦). «**مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و مدرن بین دانشجویان متاهل شهر تهران**». فصلنامه علمی- تخصصی روان شناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی. دوره ۱، شماره ۲، پاییز ۹٦، صص۹٦-۸٤.
- کنعانی، محمد امین؛ محمد زاده، حمیده و محمد زاده، فاطمه. (۱۳۹۳). «**بررسی رابطه استفاده از اینترنت با نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه گیلان)**». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۷، شماره ٤، زمستان ۱۳۹۳، صص۸٤-٦۳.
- گلسر، ویلیام. (۱۳۹٦). **ازدواج بدون شکست/حل معمای ازدواج با تئوری انتخاب**. علی صاحبی. تهران:

سایه سخن

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹٤). **پیامدهای مدرنیت**. محسن ثلاثی. تهران: مرکز
- مطهری، مرتضی. (۱۳٦٦). **نظام حقوق زن در اسلام**. تهران: صدرا
- موسوی، اشرف السادات. (۱۳۹۵). **مشاوره قبل از ازدواج با نگاه کاربردی**. تهران: مهر کاویان
- مهدیزاده، شراره و شمس بیرانوند، عاطفه. (۱۳۹٤). «**بررسی نگرش جوانان به استفاده از سایت‌های همسریابی و عوامل موثر بر آن**». فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹

۱۲

تبیین جامعه شناختی مشارکت فرهنگی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)

اقباله عزیزخانی[۱]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۸/۳۰
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۶/۱۱/۱۶

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی مشارکت فرهنگی در بین جوانان شهر خلخال و عوامل اجتماعی مرتبط با آن انجام شده است. در این پژوهش آنچه مورد توجه است، ضرورت اهمیت دادن به مشارکت فرهنگی است. چارچوب نظری و مدل نظری با استفاده از نظریه‌های ژان بودریار، لیک و هاچفلد، دورکیم و هانتیگتون و نلسون ارائه شد. این پژوهش به روش پیمایشی انجام و از اعتبار صوری و سازه ای استفاده شد و قابلیت اعتماد نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. جامعه آماری پژوهش را جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر خلخال تشکیل می‌دادند که تعداد آنان طبق آمار اداره ثبت احوال ۲۲۶۳۶ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو شیوه آمار توصیفی و استنباطی با بهره‌گیری از نرم‌افزار spss استفاده شده است. پس از تهیه جدول ماتریس، اطلاعات در قالب جداول یک‌بعدی و دوبعدی تنظیم گردیده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن هستند که متغیرهای مستقل حمایت اجتماعی، احساس شهروندی، اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی و رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته مشارکت فرهنگی رابطه معنی‌داری دارند.

واژگان کلیدی: مشارکت فرهنگی، حمایت اجتماعی، احساس شهروندی، اعتماد و پیوند گروهی

---

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
E-mail: Azizkhani_aukh@yahoo.com

مقدمه

مشارکت عبارت است از: فعالیت های ارادی و داوطلبانه ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی سهیم می شوند (محسنی تبریزی،۱۳۷۳ :۱۰). پدیده مشارکت، یکی از مهم ترین ابعاد توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعــه اقتصادی و توسعه سیاسی در هر جامعه و بخصوص جامعه رو به رشد ایران است و برخی از مشکلات ساختاری و عملکرد برنامه‌های توسعه، ناشی از نارسایی‌های موجود در این حوزه است. در این میان، آنچه بر دامنه مسائل موجود می افزاید، این است که نه مفهوم مشارکت و ابعاد آن در جامعه ما به خوبی تعریف شده و نه عوامل تقویت کننده و در طیف دیگر، تضعیف کننده آن موضوع مورد بررسی جدی قرار گرفته است (محسنی،۱۳۸۲:۱۱).

مشارکت به عنوان یکی از مفاهیم اساسی جامعه شناسی، از ارکان اصلی هر نظام دموکراتیک است. در واقع، دوام و قوام دموکراسی به مشارکت همه آحاد و افراد جامعه در امور و مسائل مربوط به حیات اجتماعی خودشان وابسته است. این مفهوم با آنکه مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی و رفتاری پیشینه ای دیرین دارد، به طور جدی از نیمه دوم قرن بیستم مورد بحث و تحقیق صاحب نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. تحقیق پیرامون مشارکت به طور گسترده از زمانی آغاز شد که اهل تحقیق به مطالعه توسعه و علل و آثار دگرگونی‌ها بر تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداختند. بدین ترتیب، مفهوم و موضوع مشارکت جزء لاینفک تئوری‌های توسعــه گردیــد و تقریبا از نیمه دوم قرن بیستم مجامع، سازمان هــا، ارگان‌ها و موسسات تحقیقاتی متعددی به بررســی، شناخت و مطالعه ابعــاد و وجوه مختلف مشارکت پرداخته اند. توجه بــه مشارکت در نیمه دوم قرن گذشته سبب گردیده است که دامنه تحقیقات در مورد وجوه و ابعاد مختلف و صور و اشکال گوناگون آن اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظایر آن گسترده باشد و اطلاعات جامعی در باب اتیولوژی (شناخت علــل و اسباب)، اپیدمیولوژی (همه گیر شناسی)، سطوح، الگوها، انواع و اشکال مشارکت حاصل آید(محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۲).

مشارکت فرهنگی یعنی شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان های تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه جانبه حیات فرهنگــی است. شرکت داوطلبانــه، ارادی و آگاهانه به این معناست که حضــور در عرصه مشارکت فرهنگی، حضــور فعالانــه با انگیزه، فارغ از الزامات و تعین های تحمیلی و مبتنی بر تصمیم گیری عاقلانه و آگاهانه و با اتکا به شناخت برون داده‌ها و تاثیرات مشارکت فرهنگی است. بنابراین، مقید نمودن تعریف مشارکت فرهنگی به ویژگی‌های شرکت داوطلبانه ارادی و آگاهانه، این نوع از فعالیت‌ها را از سایر فعالیت های معمولی و روزمره زندگی که ممکن است بنای آن بر پیروی کورکورانه از قیود، سنت‌ها و تعین های اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و سنتی در اجتماعات شهری، محلی، روستایی و عشایری باشد متمایز می کند.

با توجه به آمار و ارقام به دست آمده و طبق مشاهدات محقق، مشارکت فرهنگی در بین جوانان شهر خلخال پایین است. بنابراین، بدیهی است که آگاهی از میزان مشارکت جوانان در امور و فعالیت های فرهنگی شهر خلخال و فراینــد تصمیم گیری از اهمیت شایان توجهی برخوردار باشد. از این رو شناخت این عوامل تاثیر گذار بر این فرایند، موضوعی است که نیازمند بررسی و تحقیق می‌باشد تا راهکارهای مناسبی برای دستیابی به درک واقع گرایانه ازعوامل مرتبط با فعالیت فرهنگی جوانان ارائه گردد.

بـــا توجـــه به مطالب بالا، سوال اصلی تحقیق ناظر بر آن است که عوامل موثر بر مشارکت فرهنگی در جامعه مطالعاتی کدام اند و سهم هر یک از عوامل موثر در هر یک از صور مذکور به چه میزان است؟

هدف‌های پژوهش

هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت فرهنگی جوانان در شهر خلخال می‌باشد.

اهداف فرعی

اهدافی که در این پژوهش به دنبال آن می‌باشیم عبارت اند از:

- تعیین رابطه بین میزان مشارکت فرهنگی جوانان با میزان حمایت اجتماعی؛
- تعیین رابطه بین میزان مشارکت فرهنگی جوانان با میزان احساس شهروندی؛
- تعیین رابطه بین میزان مشارکت فرهنگی جوانان با میزان اعتماد اجتماعی؛
- تعیین رابطه بین میزان مشارکت فرهنگی جوانان با میزان پیوند گروهی؛
- تعیین رابطه بین میزان مشارکت فرهنگی جوانان با میزان استفاده آنان از رسانه‌ها.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

امـــروزه بـــه مشارکت به‌عنوان مولفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود. توسعه در معنای عام، فرایند تحولی پیچیده و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده است که در زندگی اجتماعی- اقتصادی و سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند. پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی‌های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی و حسابگری و برنامه‌ریـــزی نهفتـــه است؛ به‌طوری‌که بـــرای تنظیم روند هر نوع توسعه، لازم است کـــه بین اهداف و وسایل دست‌یابی به آن‌ها هماهنگی ایجاد شود و از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به‌صورت مطلوب و حساب‌شده بهره‌برداری شود و تمامی این منابع در ابعاد مختلف خود ارزش گذاشته شود.

به‌عبارتی، مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال و خلاق و اثربخش مردم در روند توسعه توجه دارد. «در واقع، مشارکت فرایندی است که دربر گیرنده انواع کنش‌هـــای فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امری عمومی است» (زاهدی، ۱۳۸۹).

در دهه‌های اخیر توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تا حد بسیاری ناشی از تجربه شکست برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می‌باشد. در بررسی برنامه‌ها، عدم بهره‌منـــدی از مشارکت مردم به‌عنوان عامل اصلی شکســـت برنامه‌ای توسعه ارزیابی شده است. آنچه از جریان برنامه‌ریزی توسعه در دهه‌های گذشته برمی‌آید، بیانگر این امر است که این برنامه عمدتاً مبتنی‌بر طراحی متمرکز (Blue print) و از بالا به پایین (Up-to-Down) بوده است. نارسایی این رهیافت‌ها آن بوده است که عموماً اغلب مردم به‌ندرت در برنامه‌ریزی توسعه شرکت داده شده‌اند و معمولاً نقش فعالی در برنامه‌های توسعه نداشتند. در دهه ۱۹۸۰ توجه بسیاری از اندیشمندان برنامه‌ریزی اجتماعی به طراحی جدید با عنوان از پایین به بالا (Down

UP- to-) و یا مشارکت معطوف گردیده است (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۸).

مطالعــه موضوع مشارکت فرهنگی در بین جوانان شهر خلخــال ضرورت تلاش فرهنگی بیشتر برای ارتقا و تعمیق مشارکت فرهنگی در بین جوانان را گوشزد می‌کند. لذا مسئولان فرهنگی و متولیان امر باید بیش از پیش در این زمینه تلاش کنند. نتایج تحقیق حاضر باعث خواهد شد تا مسئولان مرتبط با امور جوانان، از میزان مشارکت پایین جوانان در امور فرهنگی آگاهی یابند و راهکارهایی را جهت افزایش میزان مشارکت جوانان ارائه نمایند.

همچنیــن، لازم است مسئولان فرهنگی با توجه به علایق جوانان، از ابزارها و رسانه‌های جدید و مورد علاقهٔ آنان بیشتر استفاده کنند.

پیشینه پژوهش

اسداله بابایی فرد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران» رابطهٔ بین توسعهٔ فرهنگــی و توسعهٔ اجتماعی را با استفــاده از روش تحلیل ثانویهٔ داده‌ها مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش متکی به رویکرد جامعه شناختی پارسونز، یعنی کارکردگرایی ساختی است. در این پژوهش از دو روش پژوهش اسنــادی و روش مرور و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. داده‌های آماری این پژوهش از یافته‌های پژوهش های تجربی سال های اخیر، به ویژه پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی ایرانیان در سال ۱۳۷۸و پیمایش های ملی ارزش‌ها و نگرش های ایرانیان در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲استخراج شده اند. برای سنجش توسعهٔ فرهنگی عناصری همچون دانش، آگاهی و اطلاعات گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به واسطهٔ مطالعه یا استفاده از رسانه‌های ارتباطی گوناگون به دست می آیند، مورد بررسی قرار گرفته اند. برای سنجش توسعهٔ اجتماعی نیز عناصری همچون میزان روحیهٔ مشارکت جویی در گروه‌ها و تشکل های اجتماعی، تحقق عدالت، آزادی، امنیت، آسایش و رفاه در جامعه و احساس تحقق چنین عناصری در جامعه از سوی افراد جامعه، وفاداری افراد به جامعه و تلاش برای آبادانی آن مورد نظر بوده اند. این پژوهش نشان می دهد که توسعهٔ فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیهٔ فردگرایی، در معنای اصالت فردیت، فقدان شرایط تکثر فکری و فرهنگی و ضعف سرمایهٔ فکری و فرهنگی، مواجه است. بی تردید، چنین پدیده‌ای می‌تواند نقش اساسی در عدم توسعهٔ اجتماعی داشته باشد. در ایران زمینه‌های فرهنگی لازم برای توسعه، به ویژه توسعهٔ اجتماعی، فراهم نشده است. در تحقق توسعهٔ اجتماعی در ایران نیز وجود سرمایهٔ اجتماعی، با مؤلفه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، مــی تواند نقش اساسی داشته باشد. در حالی که جامعهٔ کنونی ایران دچار ضعف سرمایهٔ اجتماعی است و چنین پدیده ای در فقدان اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی ایرانیان در حوزه‌های گوناگون علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش اساسی بازی می کند، نتیجهٔ چنین فرآیندی فقدان توسعه در ابعاد گوناگون به ویژه توسعهٔ اجتماعی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ یک متغیر بسیار مهم در دگرگونی های اجتماعی است؛ در نتیجه، تحقق توسعهٔ فرهنگی پیش شرط بنیادی توسعهٔ اجتماعی است. دیدگاه‌های نظری و یافته‌های پژوش های تجربی در ایران به ویژه پژوهش حاضر، نیز این قضیه را مورد تأیید قرار داده اند (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ٥٦-۷).

زاهد و رجبی (۱۳۸۷) تحقیقی به منظور بررسی عوامل موثر بر مشارکت فرهنگی زنان در استان فارس انجام داده اند. در این بررسی از نظریه‌های کالینز، بوردیو، فمینیسم و هویت اجتماعی استفاده شده است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع آوری گردیده است. حجم نمونه ۱۳٤۰

نفر است که از بین زنان سه شهر (شیراز، آباده و فیروزآباد) در استان فارس، انتخاب شدند. برای سنجش عوامل موثــر بر مشارکت فرهنگی زنان در استان فــارس، از متغیرهای جامعه پذیری، خودپنداره، نقش های جنسیتی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و ویژگی های جمعیتی (سن، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر پاسخگویان) استفاده شده است. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، خودپنداره، نقش های جنسیتی و وضعیت تاهل، به ترتیب، بیشترین تاثیر را در مشارکت فرهنگی زنان داشته اند.

دهقان و غفاری (۱۳۸٤) تحقیقی با عنوان «تبیین مشارکت اجتماعی– فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران» انجام داده اند. شکل گیری و چگونگی مشارکت دانشجویان در نهادها و تشکل‌های دانشجویی تحت تاثیر عوامل و متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی است.در این مقاله با هدف تبیین بخشی از عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی– فرهنگی دانشجویان، چگونگی تاثیر و ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و اعتماد اجتماعی دانشجویــان با مشارکت اجتماعی– فرهنگی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی‌های شخصیتی در قالب متغیرهای عام گرایی، بیگانگی اجتماعی،آینده گرایی و موقعیت کنترل، اعتماد اجتماعی در دو سطح اعتماد بین فردی و اعتماد در قالب روحیه مشارکتی، میزان مشارکت و فعالیت مشارکتی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، غالب بودن جهت گیری‌های عام گرایانه،آینده گرایی، موقعیت کنترل و نیز فقدان بیگانگی اجتماعی در فرد موجب آمادگی بیشتر در بروز رفتارهای مشارکتی است.

آوریده و علمی (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور (بررسی موردی: پیام نور مرکز رشت)» انجام داده اند. این پژوهش با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایش انجام گرفت و برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه که پیش آزمایش شده بود، استفاده گردید. پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌های گردآوری شده، بر اساس مقیاس های اندازه گیری متغیرها کدگذاری و با نرم افــزار spss پردازش و تجزیه و تحلیــل شده اند. داده‌های به دست آمده از این پژوهش به صورت آمار توصیفی ارائه گشته و نتایج تحلیل آن در آمار استنباطی با استفاده از آزمون T.test و پیرسون انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای احساس تعلق اجتماعی و مشکلات اقتصادی و عضویت در تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی رابطه معناداری مشاهده شده است. اما تاثیر میزان تحصیلات بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختــر همــواره قابل تایید نیست و می تواند وجهی سلبی به خود بگیرد و از مشارکت مورد انتظار آنان بکاهد. با کاهش مشکلات اقتصادی میزان مشارکت دانشجویان افزایش چشم گیری داشته، افزایش احساس تعلق اجتماعی و عضویــت در تشکــل های اجتماعی هم کمک شایانی به میزان مشارکت دانشجویان کرده است. افزایش سطح تحصیلات بر میزان مشارکت دانشجویان تاثیر معناداری نشان نداد. بنابراین تلاش برای اصلاح و تغییر قوانین حاکم بر شئون دختران جامعه تحصیل کرده دانشگاه نسبت به مساله مشارکت و هم چنین کاهش مشکلات اقتصادی و گسترش احساس تعلق اجتماعی، پیش شرط اساسی برای ارتقای مشارکت آنان است.

لارس آلوو[1] و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین مشارکت فرهنگی و سلامت در میان یک گروه کنترل که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، پرداخته اند. ۱۰۱ نفر از جامعه آماری شامل اعضای اتحادیه کارمندان دولــت محلی در خدمات بهداشتــی درمانی در اومئوی سوئد که یک بار در هفته به مدت ۸ هفته به این آزمون

1. Lars Olov

دعوت شده بودند به عنوان نمونه انتخاب شدند. آنها رفتن به فیلم، کنسرت‌ها و یا بازدید از نمایشگاه هنری، آواز خواندن در گروه کر را انتخاب نمودند و سپس به صورت تصادفی به۵۱ مورد تقسیم شده و بلافاصله کار را شروع کردند و ۵۰ نفر هم در گروه کنترل بعد از آزمون این کار را انجام دادند. سلامت این افراد قبل از انتخاب تصادفی و بعد از دوره آزمون و با استفاده از ابزار سنجش درک شده مورد سنجش قرار گرفتند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که سلامت فیزیکی در میان گروه مداخله بهبود یافته است، اما در میان گروه کنترل در طول آزمون کاهش یافته بود. عامل کارکرد اجتماعی نیز در میان گروه ماخله و آزمون بهتر از گروه کنترل بود. یافته‌های این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که هنرهای زیبا موجب تقویت سلامت درک شده فیزیکی، کارکرد اجتماعی و نشاط افراد شده بود.

بررسی پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که برخی پژوهش‌های داخلی و خارجی در این درباره انجام گرفته است. با وجود مطالب جدید بسیاری که در هریک از این مطالعات وجود دارد، ولی می‌توان چندین نقد را به هریک از آن‌ها وارد نمود. نخستین و اساسی‌ترین نقدی که می‌توان به بیشتر این مطالعات وارد نمود این است که برخی از این محققان در بررسی‌های خود فرضیه‌هایی را مطرح نموده‌اند که از پشتوانه نظری برخوردار نیست. دومین نقد اینکه محققان پیشین بیشتر به متغیرهای مشارکت اجتماعی و سیاسی پرداخته اند و متغیر مشارکت فرهنگی در تحقیقات آن بررسی نشده است.

چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت از تحقیق از نظریه‌های ژان بودریار، لیک و هاچفلد، دورکیم و هانتیگتون و نلسون به عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است.

از دیدگاه جامعه شناسان، جامعه پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد. به عبارت دیگر، فرآیندی است که طی آن هر فردی راهکارهای ارائه شده از جانب یک اجتماعی معلوم یا گروه‌های اجتماعی را یاد می‌گیرد تا بتواند در آن جامعه کارکرد داشته باشد. در جامعه ما نگاه جنسیتی باعث می‌شود تا به رغم تبلیغات گسترده ای که برای مشارکت فرهنگی و سیاسی زنان صورت می‌گیرد، تغییرات چندانی را در این زمینه شاهد نباشیم و مشارکت در سطح بسیار پایینی قرار گیرد. آنچه در این مبحث به آن توجه می‌شود هنجارهای اجتماعی با تأکید بر مسئله جنسیت است که افراد در طول زندگی خود و بر اثر جامعه پذیری با آنها آشنا می‌شوند و تأثیری است که این هنجارها در مشارکت فرهنگی زنان ایفا می‌کنند. در واقع، جامعه پذیری یکی از عوامل موثر در مشارکت و یا عدم مشارکت زنان در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹).

از اندیشمندان علوم اجتماعی که بر نقش رسانه در نهادینه شدن ارزش‌های مشارکت جو تأکید می‌کند، ژان بودریار است. بودریار در خلق دنیای «وانموده» تاکید ویژه ای بر رسانه‌ها دارد و انتقادات تندی بر رسانه‌ها وارد می‌کند. وی معتقد است: «این رسانه هستند که نقش اصلی را در مخدوش کردن واقعیات بازی می‌کنند. وی ریشه وانموده‌ها را در صحنه پردازی و تبلیغات رسانه تشخیص می‌دهد» (ریتزر: ۱۳۸٦: ٤۱٦). فراواقعیت در نظر بودریار نوعی توهم گسترده است که به یاری مکانیسم‌های پیشرفته جهان مدرن یعنی رسانه‌های الکترونیک و همچنین تمامی امکانات تکنولوژیک تغییر واقعیت ساخته می‌شود» (فکوهی ، ۱۳۸٦ : ۳۲۱).

لیــک و هاچفلد دریافتند که فعالیت‌های فرهنگی، محصول تعاملات اجتماعی در داخل یک شبکه اجتماعی می‌باشــد. آنها همچنین گزارش می‌دهند که تولید سرمایه اجتماعی، تابع سه امر مهم است: (۱) میزان تخصص اجتماعــی آن شبکــه، (۲) فرکانس تعاملات در داخل شبکــه، و (۳) اندازه یا گستردگی شبکه (لیک و هاچفلد، ۱۹۹۸: ٥٦٧).

بنا به اعتقاد دورکیم، وقتی حس تعلق به جامعه در افراد وجود داشته باشد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل مشغولی‌ها و منافع مشترک افراد را به هم پیوند می دهد که نتیجه آن افزایش و تشدید تماس های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است و این مهمترین ابزار برای یک مدیریت خوب بویــژه در کشورهــای جهان سوم است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل قرار گرفتن در دوران گذار، بسترها و عوامل ایجاد احساس تعلق اجتماعی، دچار تغییر می شود، چراکه در دوران گذار بنا به نظر دورکیم، هنجارهای موجود در جامعه در معرض تغییر و تحول قرار خواهند گرفت که در نتیجه آن احتمال کم رنگ شدن تعلقات اجتماعی افراد به جامعه و به تبع آن تغییر الگوهای همکاری در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ..قوت خواهد یافت (محسنی وجارالهی،۱۳۸۲ :۱۱).

ساموئل هانتینگتون و نلسون مدعی اند که مشارکت سیاسی و فرهنگی بیشتر متأثر از مداخله و همکاری فرد در فعالیت ها، تشکل‌ها و سازمان هاست؛ یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن ها، جماعت‌ها و نهادهــای مردمــی و احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسئولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می کند. ازاین رو، تداوم همکاری و مشارکت برای او ضرورت یا حتی وظیفه و تکلیف انسانی قلمداد می شود (سبکتگین ریزی و روهنده،۱۳۹٤:۷۱).

عوامل عمده و موثر بر مشارکت فرهنگی از دیدگاه نظریه پردازان جامعه شناسی

نظریه پرداز	متغیرها	فرضیه‌ها
دورکیم	حمایت اجتماعی	بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
هانتینگتون و نلسون	احساس شهروندی	بین میزان احساس شهروندی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
لیک و هاچفلد	اعتماد اجتماعی	بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
دورکیم	پیوند گروهی	بین میزان پیوند گروهی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
بودریار	رسانه‌های جمعی	بین میزان استفاده آنان از رسانه‌ها و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

مدل نظری پژوهش

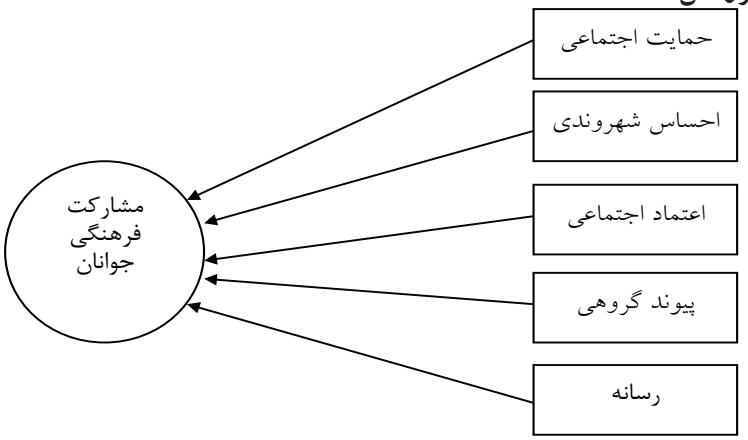

فرضیه‌های پژوهش

در پرتو مروری بر پیشینه مطالعات و مبانی نظری و چارچوب تبیینی تحقیق، فرضیه‌های زیر تنظیم شده اند:

- بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس شهروندی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان پیوند گروهی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده آنان از رسانه‌ها و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را جوانان ۱۵– ۲۹ سال شهر خلخال تشکیل می‌دهند. حجم جمعیت آماری طبق آمار اداره ثبت احوال ۲۲۶۳۶ نفر است. حجم نمونه در این تحقیق شامل ۳۸۰ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمد. در قسمت روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به کار گرفته شد؛ بدین صورت که در مرحله اول شهر خلخال به منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم و در مرحله بعد، از هر منطقه دو محله به صورت خوشه مشخص گردید. سپس از هر کدام از محله‌ها، چند کوچه انتخاب و از هر کوچه، چند خانه و از هر خانه، یک فرد برای پاسخگویی به پرسشنامه انتخاب شد. در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه که رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق پیمایشی است استفاده گردید. در این تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار سازه ای استفاده شد و بـــرای بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه تحقیق، ابتدا نمونه‌ای شامل سی پرسشنامه در بین جوانان ۱۵–۲۹ شهر خلخال که به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند پخش گردید (پیش‌آزمون)، سپس از طریق نرم‌افزار (spss) برای مشارکت فرهنگی و متغیرهای مستقل، گویه‌های آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

	مقدار آلفا	آلفای کل
حمایت اجتماعی	۰/۸۷٤	۰/۷۳۷
احساس شهروندی	۰/۸٥٤	
اعتماد اجتماعی	۰/۸٤۰	
پیوند گروهی	۰/۸۱۳	
رسانه‌های جمعی	۰/۹٤٥	
مشارکت فرهنگی	۰/۷۰۱	

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته

اعتماد اجتماعی

تعریف نظری: دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی شان دارند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق متغیر اعتماد اجتماعی با گویه‌هایی چون اطمینان به ادارات دولتی، روحانیون، نیروی انتظامی و.. از طریق پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد.

رسانه‌های جمعی

تعریف نظری: وسایل ارتباط جمعی به ابزارهایی اشاره دارد که کار انتقال پیام به جمع زیادی از افراد را بر عهده دارد. وسایل ارتباط جمعی یعنی تلویزیون، رادیو و روزنامه و (اخیرا ماهواره) بیش از همه مورد توجه سیاست مداران و ارتباط گران سیاسی است. سیاست مداران از وسایل ارتباط جمعی سه بهره متفاوت می‌برند؛ نخست: ارائه اطلاعات، دوم: شخص یت پردازی، سوم: شکل دادن افکار عمومی و آماده کردن و جهت دادن به آن(علوی،۱۳۷٥: ۹٤).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق متغیر رسانه‌های جمعی با گویه‌هایی چون میزان استفاده از رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و.. از طریق پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد.

حمایت اجتماعی

تعریف نظری: حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی که سایر افراد یا گروه‌ها به فرد ارزانی می‌دارند، گفته می‌شود. این حمایت را ممکن است منابع گوناگونی مانند همسر، نامزد، خانواده، اقوام، دوستان، همکاران، پزشک یا سازمان‌های اجتماعی به عمل آورند. بنابراین کسانی که از حمایت اجتماعی برخوردارند، احساس می‌کنند کسی دوستشان دارد، به آن‌ها اهمیت داده می‌شود، دیگران آن‌ها را افرادی محترم، با عزت و باارزش به‌شمار می‌آورند و خود را بخشی از شبکه اجتماعی مانند خانواده، گروه و انجمن یا سازمان اجتماعی می‌دانند که می‌توانند منبع کمک‌های مادی و معنوی و خدمات دوجانبه در هنگام نیاز باشد (سارافینو، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق متغیر حمایت اجتماعی با گویه‌هایی چون میزان حمایت از طریق خانواده، اقوام، دوستان و.. از طریق پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد.

احساس شهروندی

تعریف نظری: مارشال شهروندی را موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع می‌داند. تمام افراد دارای این موقعیت، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنان با هم برابرند (شیانی، ۱۳۸۱: ٦٦).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق متغیر احساس شهروندی با گویه‌هایی چون احترام به قوانین جامعه، مشارکت فعال در مسائل شهروندی، حفظ محیط زیست و.. از طریق پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد.

پیوند گروهی

تعریف نظری: پیوند گروهی عبارت است از حس دلبستگی، وابستگی و وفاداری به جامعه که موجب همبستگی بین افراد و ایجاد پیوستگی یا »احساس ما» شده؛ به نحوی که فرد، خود را بخش جدایی ناپذیری از جامعه می‌داند (پولینی، ۲۰۰۰؛ به نقل از بیدل و محمود زاده، ۱۳۹۱: ٤٧).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق متغیر پیوند گروهی با گویه‌هایی چون شرکت در کارهای گروهی، شرکت در کارهای عمومی و.. از طریق پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد.

مشارکت فرهنگی

تعریف نظری: شرکت داوطلبانه و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان های تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه برای رسیدن به توسعه پایدار و همه جانبه زندگی فرهنگی (کوثری، حسینی، ۱۳۷۹ : ۲۹).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق متغیر مشارکت فرهنگی با شاخص هایی چون شرکت در مسابقات فرهنگی، جشن‌های مذهبی، استفاده از اینترنت و.. از طریق پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

مطابق با یافته‌های تحقیق ۵۱/۸ درصد از کل پاسخگویان مرد و دارای بیشترین درصد بوده‌اند. همچنین، ٤٨/٢ درصد از پاسخگویان زن و دارای کمترین درصد می‌باشند. کمترین سن برابر با ۱۵ سال و بیشترین سن ۲۹ سال و بالاتر بوده است. بیشتر پاسخگویان نیز در مقطع سنی ۲۸-۳۷ قرار دارند. ٦٠/٥ درصد از کل پاسخگویان متاهل و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۰/۵ درصد از پاسخگویان نیز وضعیت تاهلشان را همسر فوت شده اعلام کرده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند. ۳۲/۹ درصد را در این بررسی پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که دارای سطح تحصیلات کارشناسی بوده و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و ١/٦ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات قدیم- نهضت سوادآموزی بوده و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. ٤٩ نفر (۱۲/۹درصد) از افراد نمونه شغل شان را آزاد ، ٦ نفر (١/٦ درصد) از افراد نمونه کارگر و... کمترین میزان درآمد برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ٦/١ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با بالای ۳۵۰۱ هزار تومان با ۰/۸ درصد می‌باشد.

تفکیک نمونه بر حسب متغیر حمایت اجتماعی
آماره‌های توصیفی

	میانگین	مد	انحراف استاندارد
حمایت اجتماعی	۲/۸۳٤۲	۳	۱/۰٦٥۸٥

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت حمایت اجتماعی دارای میانگین ۲/۸۳٤۲ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی حمایت اجتماعی از میانگین، ۱/۰٦٥۸٥ است.

جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان حمایت اجتماعی

	فراوانی	درصد
زیاد	۱۰۹	۲۸/۷
متوسط	۱۳۷	۳٦/۱
کم	۱۳٤	۵۷/۷
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیازات حمایت اجتماعی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/۳٦/۱) مربوط به رده سوم (متوسط) می‌باشد.

تفکیک نمونه بر حسب متغیر احساس شهروندی
جدول آماره‌های توصیفی

	میانگین	مد	انحراف استاندارد
احساس شهروندی	۰/۸٤۲	۲	۱/۹٤۸

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت احساس شهروندی دارای میانگین ۱/۹٤۸ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی احساس شهروندی از میانگین، ۰/۸٤۲ است.

جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب احساس شهروندی

	فراوانی	درصد
زیاد	۳۲۳	۰/۸۵
متوسط	۵۱	۱۳/٤
کم	٦	۱/٦
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیازات احساس شهروندی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/۵۵/۰) مربوط به رده دوم (موافقم) می‌باشد.

تفکیک نمونه بر حسب متغیر اعتماد اجتماعی

جدول آماره‌های توصیفی

	میانگین	مد	انحراف استاندارد
اعتماد اجتماعی	۳/۰۸۴۲	۳	۰/۹۱۵۰۰

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت اعتماد اجتماعی دارای میانگین ۳/۰۸۴۲ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی اعتماد اجتماعی از میانگین، ۰/۹۱۵۰۰ است.

جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد اجتماعی

	فراوانی	درصد
زیاد	۱۲٤	۳۲/۷
متوسط	۱٦۵	٤۳/٤
کم	۹۱	۲۳/۹
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیازات اعتماد اجتماعی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/٤۳/٤) مربوط به رده سوم (متوسط) می‌باشد.

تفکیک نمونه بر حسب میزان پیوند گروهی

جدول آماره‌های توصیفی

	میانگین	مد	انحراف استاندارد
پیوند گروهی	۳/۱۸۱٦	۳	۰/۸۹٦۳۰

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت پیوند گروهی دارای میانگین ۱/۹٤۸ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی پیوند گروهی از میانگین، ۰/۸٤۲ است.

جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان پیوند گروهی

	فراوانی	درصد
زیاد	۳۱	۸/۲
متوسط	۱٦۸	٤٤/۲
کم	۱۸٤	٤۸/٤
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

بـا توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیـازات پیوند گروهی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/٤٤/۲) مربوط به رده سوم (تا حدی موافقم) می‌باشد.

تفکیک نمونه بر حسب رسانه‌های جمعی

جدول آماره‌های توصیفی

	میانگین	مد	انحراف استاندارد
رسانه‌های جمعی	۱/۸۷۱۱	۲	۰/۷۳۱۲۹

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت رسانه‌های جمعی دارای میانگین ۱/۸۷۱۱ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی رسانه‌های جمعی از میانگین، ۰/۷۳۱۲۹ است.

جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

	فراوانی	درصد
بیش از ۹ ساعت	۳	۰/۸
۸-۷ سعات	۸	۲/۱
٦-۵ ساعت	۳۸	۱۰/۰
٤-۳ ساعت	۲۱۹	۵۷/٦
کمتر از ۲ ساعت	۱۱۲	۲۹/۵
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیازات رسانه‌های جمعی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/۵۷/٦) مربوط به رده چهارم(٤-۳ ساعت) می‌باشد.

تفکیک نمونه بر حسب میزان مشارکت فرهنگی

جدول آماره‌های توصیفی

	میانگین	مد	انحراف استاندارد
مشارکت فرهنگی	۲/۹۵۵۳	۳	۰/۹٤٤۷۰

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت مشارکت فرهنگی دارای میانگین ۲/۹۵۵۳ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی مشارکت فرهنگی از میانگین، ۰/۹٤٤۷۰ است.

جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت فرهنگی

	فراوانی	درصد
زیاد	۱۱۰	۰/۲۹
متوسط	۱٤۳	۳۷/٦
کم	۱۲۷	۳۳/٤
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیازات مشارکت فرهنگی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/۳۷/٦) مربوط به رده سوم (متوسط) می‌باشد.

یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌های تحقیق)

آزمون کلموگروف ـ اسمیرونوف

جدول ۱: نتایج آزمون کلموگروف ـ اسمیرونوف

	مشارکت فرهنگی	حمایت اجتماعی	احساس شهروندی	اعتماد اجتماعی	پیوند گروهی	رسانه‌های جمعی
کل	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۰/۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰
میانگین	۲/۹۵۵۳	۲/۸۳٤۲	۱۵/٤٦۱۷	۳/۰۸٤۲	۳/۱۸۱٦	۱/۸۷۱۱
انحراف معیار	۰/۹٤٤۷۰	۱/۰٦۵۸۵	۲/۵٤۸۰۵	۰/۹۱۵۰۰	۰/۸۹٦۳۰	۰/۷۳۱۲۹
مطلق	۰/۱٤۸	۰/۱۱۵	۰/۲۱۲	۰/۱۲٦	۰/۱٦٤	۰/۱۵۱
مثبت	۰/۱۰٦	۰/۰۷۷	۰/۱۳۱	۰/۱۲٦	۰/۱٦٤	۰/۰۹۰
منفی	-/۱٤۸	-/۱۱۵	-/۲۱۲	-/۱۰٤	-/۱۱۰	-/۱۵۱
کلموگروف– اسمیرونوف	۱/۸۸٤	۱/۲۳٤	۱/۱۳٦	۱/٤٦۰	۱/۱۹۵	۱/۹۳۲
سطح معنی‌داری	۰/۱۵۸	۰/۵۲۱	۰/٦۲۱	۰/٤٦۰	۰/۲۷۰	۰/۳۷۱

در این قسمت از تحقیق با استفاده از آزمون کلموگروف – اسمیرونوف، نرمال بودن داده‌ها بررسی شد و به دلیل اینکه سطح معنی داری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمد، از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۲: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت فرهنگی و حمایت اجتماعی

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
حمایت اجتماعی	مشارکت فرهنگی	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۷۳ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: بین میزان احساس شهروندی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت فرهنگی و میزان احساس شهروندی

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
احساس شهروندی	مشارکت فرهنگی	۰/۱۰۵	۰/۰٤۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۰۵ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه سوم: بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ٤: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت فرهنگی و میزان اعتماد اجتماعی

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی	مشارکت فرهنگی	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۲۸ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: بین میزان پیوند گروهی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت فرهنگی و میزان پیوند گروهی آنان

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
پیوند گروهی	مشارکت فرهنگی	۰/۱۷۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۱ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۷۷ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه پنجم: بین میزان استفاده آنان از رسانه‌ها و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ٦: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت فرهنگی و میزان استفاده آنان از رسانه‌ها

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان استفاده از رسانه‌ها	مشارکت فرهنگی	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالامشاهده می‌شود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۸۵ بین دو متغیر رابطه معنی داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

معادله رگرسیون به منظور تاثیر متغیرهای مستقل بر مشارکت فرهنگی

معادله رگرسیون به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل (حمایت اجتماعی، احساس شهروندی، اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی) و متغیر وابسته (مشارکت فرهنگی) بررسی می‌شود. مقدار ضریب تعیین بیان کننده این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. با کمک ضرایب بتا می‌توان معادله رگرسیون را نوشت. همچنین، ضرایب بتای استاندارد شده در تعیین سهم نسبی هر متغیر در تغییرات متغیر وابسته مؤثر است. ضریب بتای هر متغیر مستقلی که بیشتر باشد، به معنای این است که سهم نسبی بیشتری در تغییرات متغیر وابسته دارد.

خلاصه مدل

ضریب تعیین R Square	ضریب همبستگی R
۰/۲٤۳	۰/٤۹۳

با توجه به جدول بالا، مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی برابر ۰/٤۹۳ است. مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۲٤۳ است؛ یعنی ۰/۲٤/۳ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.

آنالیز واریانس(Anova)

سطح معنی‌داری	مقدار آماره F
۰۰۰/۰	۹/۸٤۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت مدل برازش داده شده مدل مناسبی است و رابطه رگرسیون خطی است.

جدول ۷: ضریب رگرسیون

	ضریب بتا	ضریب بتای استاندارد شده	سطح معنی‌داری
حمایت اجتماعی	۰/۳۳۵	۰/۱۹۲	۰/۰۰۰
احساس شهروندی	۰/۲۵۰	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰
اجتماعی اعتماد	۰/۲۳۲	۰/۱۳۹	۰/۰۶۲
پیوندگروهی	۰/۳۱۵	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰
رسانه‌های جمعی	۰/۶۵۸	۰/۱۸۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری چهار متغیر مستقل کمتر از ۰/۰۵ است و وارد مدل رگرسیونی می‌شوند؛ اما سطح معنی داری متغیر مستقل اعتماد اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و وارد مدل رگرسیونی نمی شود.

تحلیل مسیر

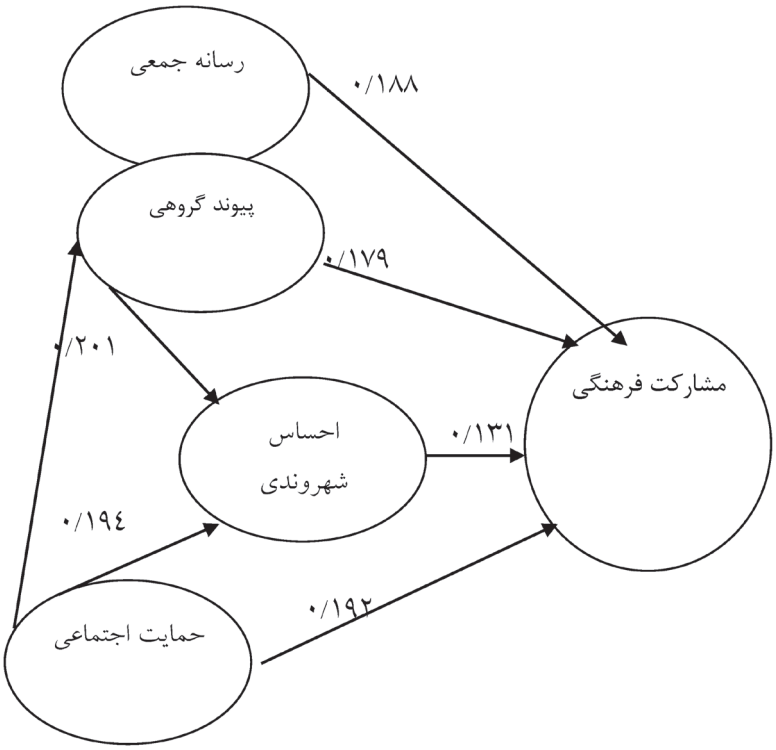

الگوسازی معادلات ساختاری باکاربرد Amos graphics

مـدل زیر به آزمون اعتبار سازه ای متغیرهای مستقل (میزان حمایت اجتماعی، پیوند گروهی و میزان استفاده از رسانه‌ها) با متغیر وابسته میزان مشارکت فرهنگی وآزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه گیری همچنانکه از مدل برمی‌آید، بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون به طور نسبتاً مناسب روی آنها بار شـده و البتـه متغیرهایی که بار گویهٔ پایینی داشتند، از معادله خارج شده اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیر حمایت اجتماعی با میزان ۰/٦۷ بیشترین مقدار واریانس میزان مشارکت را تبیین کرده است.

شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه ای وسیلهٔ اندازه گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. کلیه شاخص‌های تطبیقی مدل نیز مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می‌دهنـد کـه به معنای توان مدل از فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده برمبنای معیارهای تعریف شده برای آنهاست. از آنجا که معیارهای۰/۹۱٤=AGFI، ۰/۹۲۱=TLI و۹۲۵/=IFI ۰ نزدیـک بـه یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیـار ۰/۰۷٦ =RMSEA، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

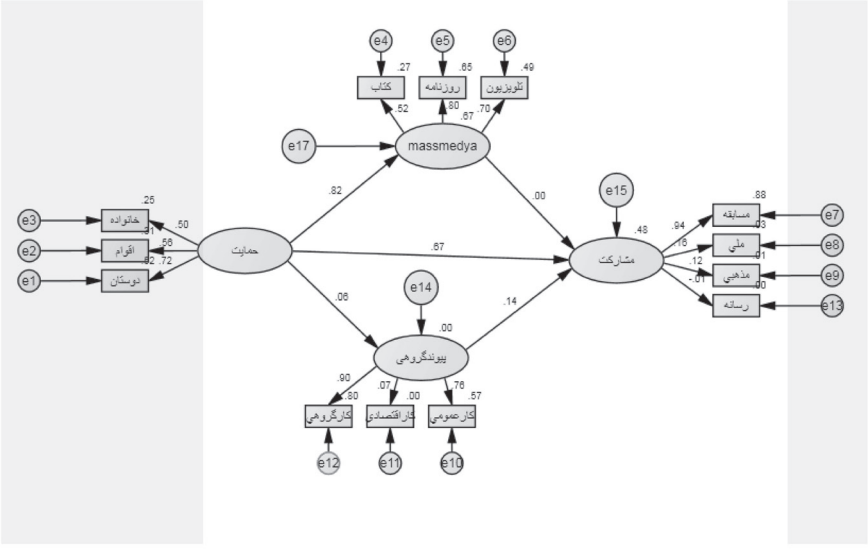

جدول ۸: نتایج به دست آمده از خروجی نرم افزار Amos

DF	P	Chi-square	AGFI	RMSEA	IFI	NFI	TLI	CMIN/DF
۱۰۳	۰/۰۰۰	٤۲۱/۷۵۸	۰/۹۱٤	۰/۰۷٤	۰/۹۲۵	۰/۹۱٦	۰/۹۲۱	٤/۱۸۷

بحث و نتیجه گیری

مشارکـــت مفهومـــی است چند بعدی و پیچیده که هر جامعه ای نسبت به قوام خود، از سطوح مختلفی از آن در ابعـــاد مختلف برخـــوردار است. بر همین اساس، جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت فرهنگی جوانان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند. با توجه به اینکه انسان‌ها به خودی خود پتانسیل مشارکت را با هدف دستیابی به خواسته‌های فردی، جمعی، عدل، همبستگی، امنیت، کنترل محیط خود و.. دارا هستند، احساس تعلق و درگیر شدن در ساخت و ساز امور جامعه، یک «هویت جمعی» را در جامعه شکل می‌دهد که به عنوان عامل انگیزش اصلی برای مشارکت است. احساس تعلق افراد به اجتماعشان بیشتر در جوامعی مدنظر است که همبستگـــی ارگانیکی در آن‌ها کمتـــر است و در نتیجه نیاز به جوشش احساسات عاطفی و واکنش‌های «هویت جمعی» برای پیشبرد برنامه ریزی‌ها در ابعاد مختلف آن وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول، بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. نظریه دورکیم نتیجه این فرضیه را تایید می‌کند. بنا به اعتقاد دورکیم، وقتی حـــس تعلق به جامعه در افراد وجود داشته باشـــد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل مشغولی‌ها و منافع مشترک افراد را به هم پیوند می دهد که نتیجه آن، افزایش و تشدید تماس های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است و این مهمترین ابزار برای یک مدیریت خوب به ویژه در کشورهای جهان سوم است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل قرار گرفتن در دوران گذار، بسترها و عوامل ایجاد احساس تعلق اجتماعی، دچار تغییر می شود، چراکه در دوران گذار بنا به نظر دورکیم، هنجارهای موجود در جامعه در معرض تغییر و تحول قرار خواهند گرفت که در نتیجه آن احتمال کم رنگ شدن تعلقات اجتماعی افراد به جامعه و به تبع آن تغییر الگوهای همکاری در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ..قوت خواهد یافت (محسنی وجارالهی،۱۳۸۲: ۱۱).

نتایج فرضیه دوم نشان داد که بین میزان احساس شهروندی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. نظریه ساموئل هانتینگتون و نلسون، نتیجه این فرضیه را تایید می‌کند. هانتینگتون و نلسون مدعی اند که مشارکت سیاسی و فرهنگی بیشتر متأثر از مداخله و همکاری فرد در فعالیت ها، تشکل‌ها و سازمان هاست؛ یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن ها، جماعت‌ها و نهادهای مردمی و احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسئولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می کند. ازاین رو، تداوم همکاری و مشارکت برای او ضرورت یا حتی وظیفه و تکلیف انسانی قلمداد می شود (سبکتگین ریزی و روهنده،۱۳۹٤: ۷۱).

نتایج فرضیه سوم نشان داد که بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه معنی داری وجـــود دارد. نظریه لیک و هاچفلد، نتیجه این فرضیـــه را تایید می‌کند. لیک و هاچفلد دریافتند که فعالیت‌های فرهنگی، محصول تعاملات اجتماعی در داخل یک شبکه اجتماعی می‌باشد. آنها همچنین گزارش می‌دهند که تولید سرمایه اجتماعی، تابع سه امر مهم است: (۱) میزان تخصص اجتماعی آن شبکه، (۲) فرکانس تعاملات در داخل شبکه، و (۳) اندازه یا گستردگی شبکه (لیک و هاچفلد، ۱۹۹۸: ٥٦٧).

نتایج فرضیه چهارم نشان داد که بین میزان پیوند گروهی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. نظریه دورکیم، نتیجه این فرضیه را تایید می‌کند. بنا به اعتقاد دورکیم، وقتی حس تعلق به جامعه در افراد

وجود داشته باشد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل مشغولی‌ها و منافع مشترک افراد را به هم پیوند می دهد که نتیجه آن افزایش و تشدید تماس های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است و این مهمترین ابزار برای یک مدیریت خوب بویژه در کشورهای جهان سوم است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل قرار گرفتن در دوران گذار، بسترها و عوامل ایجاد احساس تعلق اجتماعی، دچار تغییر می شود، چراکه در دوران گذار بنا به نظر دورکیم، هنجارهای موجود در جامعه در معرض تغییر و تحول قرار خواهند گرفت که در نتیجه آن احتمال کم رنگ شدن تعلقات اجتماعی افراد به جامعه و به تبع آن تغییر الگوهای همکاری در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ..قوت خواهد یافت (محسنی وجارالهی،۱۳۸۲ :۱۱).

نتایــج فرضیه پنجم نشان داد که بین میزان استفاده آنــان از رسانه‌ها و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه معنــی داری وجود دارد. نظریه ژان بودریار، نتیجه این فرضیه را تایید می‌کند. از اندیشمندان علوم اجتماعی که بر نقش رسانه در نهادینه شدن ارزش‌های مشارکت جو تأکید می‌کند، ژان بودریار است. بودریار در خلق دنیای «وانموده» تاکید ویژه ای بر رسانه‌ها دارد و انتقادات تندی بر رسانه‌ها وارد می‌کند. وی معتقد است: «این رسانه هستند که نقش اصلی را در مخدوش کردن واقعیات بازی می‌کنند. وی ریشه وانموده‌ها را در صحنه پردازی و تبلیغات رسانه تشخیص می‌دهد» (ریتزر: ۱۳۸٦: ٤١٦). فراواقعیت در نظر بودریار نوعی توهم گسترده است که به یاری مکانیسم‌های پیشرفته جهان مدرن یعنی رسانه‌های الکترونیک و همچنین تمامی امکانات تکنولوژیک تغییر واقعیت ساخته می‌شود (فکوهی ، ۱۳۸٦ : ۳۲۱).

پیشنهادها

۱. باتوجه به نتایج پژوهش، بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت فرهنگی رابطه وجود دارد. بنابراین، رسانه‌های جمعی باید خود را وکیل و قیم زنان و جوانان روشن بین بدانند، موضوعات و مقولات را بی طرفانه انتخــاب کنند و در جهــت پذیرای دغدغه‌ها و پیشنهادهای آنها باشند. ازآنجا که علت اصلی مشارکت اندک شهرونــدان در ادارهٔ امور جامعه، قبل از هرچیز، مسئله ای فرهنگــی است، قبل از هر اقدامی، ضروری است فرهنــگ مشارکت ترویــج شود. به این منظور، بی تردید رسانه‌های داخلی می توانند بیشترین تأثیر ممکن را داشته باشند.

۲. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای میزان اعتماد اجتماعی با مشارکت فرهنگی رابطه وجود دارد. بدیهی است که فعال کردن و انگیزه دادن به جوانان برای مشارکت نیازمند فضای سیاسی شفاف، قوانین و مقررات مناســب، برخورداری نسبی از امکانات معیشتی و رفاهی است. در این حالت مشارکت در جهت حمایت از موجودیت، اقتدار و تقویت حاکمیت نظام خواهد بود. اگر مخالفت و مبارزه ای هم باشد در چهارچوب نظام و نه بر ضد موجودیت نظام است.

۳. بــا توجه به یافته‌های پژوهش بین میزان احساس شهروندی و مشارکت فرهنگی رابطه وجود دارد. همچنین آشنایــی افــراد از حقوق شهروندی دارای اهمیت زیادی است. بنابرایــن توجه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصــی به رشد و توسعــه افکار و آگاهی افــراد از حقوق شهروندی از طریق التفــات به امر تبلیغات و آموزش‌هــای غیررسمی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این صــورت، نقش سازمان‌هایی همانند صدا و سیما، آمــوزش و پرورش، شهرداری، شورای شهر، خانواده، مؤسسات غیردولتی (NGO) در توجه به آموزش‌های

غیررسمی از طریق روش‌های مختلف تبلیغاتی و توجه دادن جوانان به حقوق اساسی‌شان در ابعاد مدنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

٤. با توجه به یافته‌های پژوهش بین میزان پیوند گروهی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد. بنابراین تکوین مدیریت محله ای در امور و فعالیت های مختلف به منظور افزایش تعلق به محله و افزایش انگیزهٔ مشارکت در امور محله منجر به افزایش مشارکت فرهنگی جوانان خواهد شد.

۵. با توجه به یافته‌های پژوهش بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد. با عنایت به گستردگی و قوی بودن میزان حمایت‌های اجتماعی در جامعه، بهره گیری از محرک های مشوق و آمرانه در برنامه‌ها و فعالیت های مختلف نیز می تواند زمینه‌های مشارکت فرهنگی جوانان را فراهم آورد.

منابع

- آوریده، سولماز و علمی، محمود. (۱۳۸۹). «**بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور (بررسی موردی: پیام نور مرکز رشت)**». زن و مطالعات خانواده. دوره ۳، شماره ۹، ۵۵-۳۷.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). **جامعه شناسی توسعه.** چاپ نهم، تهران: کیهان
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۳). «**گزارش تحلیلی از سریال های تلویزیونی**». پژوهش و سنجش. دوره ۱۱، شماره ۳۷.
- بابایی فرد، اسداله. (۱۳۸۹). «**توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران**». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال دهم، شماره ۳۷.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). **درباره تقسیم کار اجتماعی.** باقر پرهام. تهران: نشر مرکز
- دهقان، علیرضا و غفاری، غلام رضا. (۱۳۸٤). «**تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران**». مقاله ٤، دوره ٦، شماره ۱، ٦۷-۹۸.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸٦). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر.** محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- زاهد، سید سعید و رجبی، ماهرخ. (۱۳۸۷). «**عوامل موثر بر مشارکت فرهنگی زنان در استان فارس**». مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳)، ۷۵-۵۵.
- سبکتگین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ بساطیان، سید محمد و جعفری، احمد. (۱۳۹٤). «**رضایتمندی و مشارکت سیاسی- اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج**». جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و هفتم، شماره پیاپی (۳٦)، شماره سوم.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۷). «**تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان**». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم، شماره ۳، ٦۰-۸۰.
- کوثری. (۱۳۷۹). **مشارکت فرهنگی.** تهران: انتشارات آن
- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران. (۱۳۸۸). «**تقدیرگرایی و عوامل مؤثر بر آن**». فصلنامه علمی پژوهش علوم اجتماعی. سال دوم، شماره هفتم.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳٦۹). **بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی.** تهران
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۳). «**بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی؛ بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی- سیاسی**». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ طباطبایی، قاضی و مرجائی، هادی. (۱۳۸۱). **مشارکت سیاسی بانوان در ۱۲۸ استان کشور.** وزارت کشور. موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷٦). **بررسی رابطه بیگانگی سیاسی- اجتماعی و مشارکت سیاسی- اجتماعی در میان سرپرستان خانوارهای شهر تهران.** معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- Lars Olov, Bygren; Gösta, Weissglas; Britt-Maj, Wikström; Boinkum Benson, Konlaan; Andrej; Grjibovski; Ann-Brith, Karlsson; Sven-Olof, Andersson; Michael, Sjöström. (2015). **"Cultural Participation and Health: A Randomized Controlled Trial Among Medical Care Staff".** Communication Research,18-42.

۱۳

بررسی رابطه رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های نوجوانان و جوانان شهر شیراز

علی روحانی[۱]
سمیه‌هاشمی[۲]
مسعود انبارلو[۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۱/۲۵

نوجوانان و جوانان در بیشتر نقاط جهان، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین گروه جمعیتی هر کشوری محسوب می‌شوند. در کنار توسعه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی، بسیاری از حوزه‌های رفتاری و اجتماعی آنها تغییر یافته است و در همین راستا بسیاری از ارزش‌ها، هنجارها، عادات، منش، سبک‌های زندگی و ویژگی‌های آنان دگرگون شده است. بر این اساس، در این پژوهش سعی شد رابطه بین رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان شهر شیراز با استفاده از رویکرد کمی و پیمایش اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد. در این پژوهش از نظریه‌های اینگلهارت، گربنر و بودریار استفاده شد. در مسیر پژوهش ۳۸۹ نفر از نوجوانان و جوانان شهر شیراز بـــر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به سوالات پرسش‌نامه محقق‌ساخته پاسخ دادند که یافته‌ها با استفاده از رگرسیون تک متغیره مورد تحلیل قرار گرفتند. متغیر وابسته تحقیق، دسته‌های متفاوت و گسترده‌ای از ارزش‌ها شامل هشت دسته از ارزش‌های بومی، ملی، جهانی، دینی، اقتصادی، علمی، اجتماعی/ فرهنگی و خانوادگی را دربر می‌گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین رسانه‌های دیداری خارجی با هر هشت

۱. استادیار، جامعه شناسی، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران
E-mail: Aliruhani@yazd.ac.ir
۲. دکترا، جامعه شناسی تغییرات احتماعی، مدرس دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۳. دانشجوی دکتری، برنامه ریزی توسعه روستایی، دانشگاه تهران، نهران

دسته ارزش (بومی، ملی، جهانی، دینی، اقتصادی، علمی، اجتماعی/ فرهنگی و خانوادگی) رابطه معناداری برقرار است؛ به طوری که میزان ضریب بتای مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی با ارزش‌های ملی (Beta: -۰/۲۷٦)، دینی (Beta: -۰/٤١٤)، خانوادگی (Beta: -۰/۱۰٤)، فرهنگی/ اجتماعی (Beta: -۰/۲۵۱) و علمی (Beta: -۰/۱۰٤) نشان می‌دهد که با افزایش استفاده از رسانه‌های دیداری خارجی، ارزش‌های ذکر شده ضعیف‌تر می‌شوند. در مقابل، میزان ضریب بتای مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی با ارزش‌های بومی (Beta: ۰/۱۵۷)، جهانی (Beta: ۰/۱۲۷) و اقتصادی (Beta: ۰/۱۳۰) نشان می‌دهد که با افزایش استفاده از رسانه‌های دیداری خارجی، این ارزش‌های تقویت می‌یابند. نتایج در پایان مورد بحث قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: رسانه‌های دیداری خارجی، تغییرات تکنولوژیک و نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان

مقدمه

در جهان امروز، سرعت تغییرات بسیار بالا رفته است تا حدی که بسیاری از جامعه‌شناسان ویژگی اصلی جهان جدید را تغییرات شتابان و غیرقابل پیش‌بینی آن می‌دانند. به همین دلیل، دگرگون شدن و تغییر یافتن، پایدارترین فرایندی است که در عین حال از ناپایداری اجزای زندگی و جهان خبر می‌دهد (پیران، ۱۳۸۳، ۱۳، گیدنز[1]، ۱۳۸٦: ٦٢٤). آنچه که در این میان نقش برجسته‌ای در بروز این تغییرات داشته است، توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بوده است (کاستلز، ۱۳۸۰، ۳۲۷). در واقع، در مسیر توسعه این‌گونه فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی[2]، بسیاری از حوزه‌های رفتاری و اجتماعی افراد تغییر یافته است؛ بدین معنا که توسعه تکنولوژیکی به ویژه در عرصه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، بسیاری از ارزش‌ها، هنجارها، عادات، منش، سبک‌های زندگی[3] و ویژگی‌های افراد را تغییر داده است (منتظرقائم، ۱۳۸۲: ۱۵۲؛ خواجه‌نوری، ۱۳۸٤؛ خواجه نوری، ۱۳۸۸). در این میان، جهانی‌شدن[4] با از میان رفتن دو مانع بزرگ فنی و ایدئولوژیک، از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به گسترده‌ترین شکل خود در سرتاسر جهان گسترش یافت (پیران، ۱۳۸۳: ١٦).

به بیان دیگر، امروزه هویت اجتماعی و فرهنگی افراد به طور گسترده‌ای در حال بازبینی و بازاندیشی است، زیرا افراد از حوزه‌های اطلاعاتی و ارتباطی فراوانی استفاده می‌کنند که موجب تغییرپذیری بسیار سریع آنان می‌شود. در این میان، به جرأت می‌توان ادعا کرد که نوجوانان و جوانان، مخاطبان اصلی این رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید هستند. در چنین بستری به ویژه بعد از دهه نود میلادی، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره، اینترنت و گسترش شبکه‌های ارتباطی در جهان نظیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، فرهنگ جدید در جهان گسترش پیدا کرد. با کمک فرایند جهانی‌شدن، شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها در پی ارائه فرهنگی واحد و جهانی برآمدند که سعی در یکسان‌سازی فرهنگ تمامی افراد جهان بر اساس معیارهای فرهنگ غربی داشت، اما همین رسانه‌های جهانی، تمایزهای گوناگونی را در میان مردم خلق نمودند یا تمایزهای متفاوت موجود در میان مردم را تقویت و برجسته نمودند (خواجه‌نوری، ۱۳۸۹: ۱۳۲؛ خواجه‌نوری، ۱۳۹۰: ۸٤). در هر صورت این تغییرات گسترده که اغلب در جهان غرب اتفاق افتاده بود، نظام ارزشی افراد را با چالش بسیاری مواجه کرده بود، اما نهادهای مدنی، سیاسی و فرهنگی موجود در غرب به سرعت توانستند این چالش‌های نظام ارزشی/ فرهنگی/ اجتماعی جدید را مدیریت کنند. در دهه‌های اخیر به ویژه با آغاز قرن بیست و یکم که فناوری‌های ارتباطی نوین به سرعت وارد کشورهای در حال توسعه گشت، انتقال ارزش‌های جدید را به این کشورها بسیار سرعت بخشید. این امور باعث شد که الگوهای فرهنگی مدرن و فرهنگ و ارزش‌های کشورهای غربی در سراسر جهان گسترش یابد و ارزش‌های حاکم بر کشورهای در حال توسعه متزلزل شود؛ بدان معنا که گسترش و محبوبیت نسبی این فرهنگ غربی در میان اقشار متفاوت جوامع در حال توسعه – به ویژه نوجوانان و جوانان– بدون بسترسازی، بومی‌سازی و هماهنگ‌سازی این ارزش‌های جدید با توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود آن کشورها بوده است. در واقع، این فناوری‌های ارتباطی نوین بر طولانی شدن دورهٔ جوانی، رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی برای پرکردن فضای زندگی، فردی‌شدن، اهمیت یافتن سیاست زندگی برای جوانان و غیره تأثیر گذاشته است. در

1. Giddens
2. ICT (Information Communication Technology)
3. Life Style
4. Globalization

نتیجــه، تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی علاوه بر تأثیر بــر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی افراد، گذراندن اوقات فراغت، نگرش به خود و جامعه، هویت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها و به طور کلی ارزش‌های افراد را تحت‌تأثیــر قرار داده است؛ به طوری که دو فرایند رسانه‌ای شدن و خانگی‌شدن، توصیف‌کننده گذران بخش عمده‌ای از فراغت افراد به خصوص جوانان در جوامع مدرن شده است. جوانان و نوجوانان فراغت خود را بیش از پیش در خلوت سپری می‌کنند و برای سرگرم شدن به طور فزاینده‌ای به رسانه‌های جدید متکی هستند و از اجتماع و جامعه دوری می‌گزینند (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲۹). به طور کلی در چنین فضایی، رسانه‌های ارتباطی نوین، موجب تغییر در منابع هویتی و هویت‌گزینی و نظام ارزشی و معنایی افراد می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۱؛ آسلاما[1] و پانتی[2]، ۲۰۰۷: ۵۳؛ بیدن[3] و بروئین[4]، ۲۰۱۰: ۷؛ خطیب[5]، ۲۰۰۳: ۳۹۲، داها[6]، ۲۰۱۱: ۵۴۹).

همچنان‌کــه ذکر گردید، این تغییر منابع هویتی و هویت‌گزینی افراد توسط رسانه‌های ارتباطی نوین صورت پذیرفت. این امر به گونه‌ای بود که با توسعه هر چه بیشتر رسانه‌های نوین، تأکید و توجه از محور جامعه‌پذیری خانوادگی به سوی جامعه‌پذیری رسانه‌ای سوق یافته است؛ یعنی رسانه‌های نوین جایگزین بسیاری از کارکردهای خانواده شدند و از دوران کودکی، هدایت افکار جوانان را تا حد زیادی بر عهده گرفتند تا جایی که مارگارت مید معتقــد است جامعه‌پذیری معکوس رخ می‌دهد؛ بدین شکل که چون نوجوانان و جوانان به وسیله رسانه‌ها هر روزه جامعه‌پذیر می‌شوند، این جوانان و نوجوانان هستند که والدین و بزرگ‌ترهای خود را جامعه‌پذیر می‌کنند و آنهــا را با فناوری‌های روز آشنا می‌سازنــد- در دوران نوجوانی و جوانی، بخش عمده‌ای از زمان افراد صرف این رسانه‌ها می‌شود. به همین دلیل نهاد خانواده در این مسیر تحولات گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را تجربــه نمــوده است و بسیاری از کارکردهای قدیمی خود را از دست داده است و سازمان‌های مدرن مسئول برآورده کردن آن کارکردها شده‌اند؛ سازمان‌هایی نظیر مهدکودک‌ها، رسانه‌های جمعی و غیره (تافلر،۱۳۷۰: ۸۶؛ وثوقی،۱۳۷۸: ۹۳؛ آزادارمکی و همکاران،۱۳۷۹: ۸؛ عنایت و موحد، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

کشور ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه و در مسیر پیشرفت، چنین شرایطی را تجربه می‌نماید. در این مسیر می‌توان به نوسازی‌ای اشاره کرد که ابتدا توسط رضا شاه و سپس توسط محمدرضا شاه دنبال شد. نوسازی قهری توسط این دو به ویژه محمدرضا شاه نشان‌دهنده اوج ورود ارزش‌های جدید به کشور توسط رسانه‌های اجتماعی جدید مانند تلویزیون و مجلات متفاوت بود، اما این ارزش‌های جدید بدون اینکه در زندگی ایرانیان درونی و نهادینه شود، همراه با ارزش‌های سنتی به حیات خود ادامه دادند. بعد از انقلاب اسلامی ایران، در مبانی ارزشی کشور تجدید نظر شد و ارزش‌های اسلامی و سنتی پررنگ‌تر شدند و در کنار ارزش‌های جدید و مدرن قرار گرفتند. اما مسئله اساسی تقریباً در دو دهه اخیر رخ داد. توسعه فناوری‌های نوین به حدی بود که جوانان و نوجوانان را به شدت درگیر خود نمود. ورود فناوری‌هایی نظیر تلفن همراه، فیلم‌ها، سریال‌های ماهواره‌ای، فضای مجــازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی همانند فیس‌بوک، توییتر، اینستاگرام، تلگرام، وایبر، واتس‌آپ و غیره به شدت زندگی اجتماعی جوانان ایرانی را تحت تأثیر قرار داد. این امر همچنان‌که گفته شد، مشکلات زیادی را بر

1. Aslama
2. Pantti
3. Beeden
4. Bruin
5. Khatib
6. Daha

جامعه تحمیل کرد که از جمله آنها می‌توان به تغییر در ذائقه، سبک زندگی و منش، طولانی شدن دوره جوانی، مصرف‌گرایی شدید، گسیخته شدن پیوندهای عاطفی، تزلزل اصول اخلاقی، ظهور پدیده‌های ناهنجار اخلاقی و اجتماعی، از خودبیگانگی و تنهایی انسان، اختلافات نسلی و غیره اشاره کرد (کوششی و قربانی، ۱۳۹۱: ۱۲٤).

در ایـــن میـــان، فرایند جهانی‌شدن نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. این فراینـــد که به طور عمده تحت هدایت کشورهای غربی است، نوع خاصی از فرهنگ را با خود همراه کرده است که اندیشمندان گوناگون از آن با عنوان آمریکایی‌شـــدن[1]، مک‌دونالیزه شدن[2]، کوکاکولاییزه‌شدن[3]، غربی‌شدن[4] و غیـــره یاد کرده‌اند. در چنین فضایی که رسانه‌های متفاوت و گوناگون به آسانی در دسترس افراد قرار می‌گیرند، این پرسش مطرح می‌شود که مصارف رسانه‌ای رسانه‌های دیداری خارجی متفاوت چه تأثیری بر روی نظام ارزشی جوانان و نوجوانان می‌گذارد؟ بدین معنا که مصرف رسانه‌های دیداری خارجی چه تأثیری بر نظام ارزشی نوجوانان و جوانان داشته است. پژوهش حاضر به دنبال آن است که رابطه بین مصرف رسانه‌های دیداری خارجی را با نظام ارزشی نوجوانان و جوانان به طور تجربی مورد بررسی قرار دهد.

بنابر آنچه گفته شد رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای می‌توانند از طریق فیلم‌ها و سریال‌ها، موسیقی، تصاویر، خبـــر و غیـــره، پدیده‌های غربی را از طریق تبدیل نمودن آن به هنجار در جامعه تبدیل به یک ارزش کنند. تغییر ارزش‌ها در جامعه امری بسیار غامض است، زیرا این رسانه‌ها و شبکه‌ها با قدرت نفوذ و گسترش روزافزونی که دارنـــد به راحتی می‌توانند ارزش‌های غربی را وارد و یا حتی جایگزین ارزش‌ها و فرهنگ ملی و مذهبی ایرانی کنند. در واکنش به این مسئله سه گزینه برای جامعه وجود دارد: اول آنکه خود را در وضعیتی منفعل قرار دهد، تسلیم شود و ارزش‌های غربی را بپذیرد؛ دوم آنکه خود را از جهان و مناسبات جهانی جدا کند و گزینه سوم آن اســـت کـــه به صورت فعال در مناسبات جهانی قرار گیرد، با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و با حفظ تمایلات، استقلال کشور و ویژگی‌های دینی و ملی خود راه عزت و اقتدار را در جهان معاصر طی کند و نقش مثبت و موثر خـــود را در مناسبات جهانی ایفا نماید (لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۳۷). بدیهی است که انتخاب گزینه دوم غیرممکن است. بنابراین افراد جامعه از بین گزینه‌های اول و سوم، یکی را انتخاب می‌کنند. اگر راه اول انتخاب شود، نتیجه‌ای جز اضمحلال جامعه نخواهد داشت. اما اگر راه سوم دنبال شود، می‌توان به صورت فعال در فضای جهانـــی حضور داشت. انتخاب این رویکرد ضـــرورت این تحقیق را به ما نشان می‌دهد، زیرا با شناخت علمی و مناسب بستر موجود در جامعه در زمینه تاثیر رسانه‌های دیداری خارجی بر نظام ارزشی جوانان و نوجوانان، می‌توان به شیوه علمی نیز راهکارهای عملی برای تحقق راه‌حل سوم ارائه داد. بنابراین شناخت و بررسی علمی ایـــن رابطـــه می‌تواند به متصدیان و متولیان فرهنگی کشور در جهت بـــرون رفت از وضعیت موجود در عرصه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک کند.

در این میان می‌توان به اهمیت و موقعیت کلان‌شهر شیراز اشاره داشت. شهر شیراز با قدمتی تاریخی به‌نوعی پایتخت فرهنگی ایران محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در میان عموم مردم از آن شهر به‌عنوان پایتخت فرهنگ و هنر ایران‌زمین یاد می‌شود. ازجانب دیگر، در سال‌های اخیر تاکید زیادی بر ابعاد مذهبی این شهر صورت گرفته

1. Americanization
2. McDonaldization
3. Cocacolonization
4. Westernization

است و آن را به‌عنوان «سومین حرم اهل‌بیت» نامگذاری کرده‌اند. به همین دلایل تاریخی و مذهبی، بحث ارزش‌ها همیشـــه در این شهر در کانون مباحثات اجتماعـــی و سیاسی بوده است. در همین بستر، ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوانـــان و جوانـــان در این شهر در کانون گفت‌وگوها قرار دارد و هدف اصلی برنامه‌ریزان اجتماعی این گروه اجتماعی است. از جانب دیگر، این شهر به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای اصلی کشور، با شرایط خاصی روبروست که پیمایش حاضر را مسئله‌مند کرده است که از جمله آنها می‌توان مهاجرپذیری بالای این شهر، جمعیت بالای نوجوان و جوان آن، روابط بالای مردم این شهر با کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، بالاترین میزان ارزش‌ها و نگرش‌های سکولار (رستگارخالد و محمدی، ۱۳۹٤: ۱۷۱) و.. نام برد. درنتیجه، بررسی علمی انواع ارزش‌های نوجوانان و جوانان این شهر و رابطه آن با مصرف رسانه‌های خارجی که این روزها ساعات و زمان زیادی را از آنها می‌گیرد، در درجه اول برای اهداف بنیادی علمی و سپس برای شناسایی بستر اجتماعی زندگـــی نوجوانان و جوانان اهمیـــت دارد. برهمین اساس می‌توان گفت که این پژوهش می‌تواند راه‌گشای فهم برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی از بستر جامعه نوجوانان و جوانان باشد تا بدین‌طریق براساس واقعیات جامعه برنامه‌ریزی انجام دهند.

در نهایـــت پژوهش‌هـــای اجتماعی همواره حداقل یکی از اهداف زیـــر را دنبال می‌کنند: اول، هدف‌هایی که معمـــولا در جهت بالا بـــردن سطح دانش، سطوح گسترش تفکر و استدلال و پیش‌بینی پدیده‌ها و دگرگونی در محیط و ایجاد محیط بهتر و پیدا کردن تبیین‌ها و تفاسیر رضایت‌بخش برای پدیده‌های محتاج تفسیر قرار دارند؛ دوم، هدف هایی که در جهت نظریه‌های موجود بررسی می‌شوند تا از یک سو به کمک آن‌ها ابعاد مسئله روشن‌تر شود و از سوی دیگر، با آن بنیان اثباتی و تجربی نظریه تقویت شود (مرادی، ۱۳۸۵: ۹). این پژوهش به دنبال دست یازیـــدن به هر دو هدف بالاست؛ به این شکل که ضمن بررسی برخی نظریه‌های مرتبط با مسئله مورد بررسی، دنبال کنکاش و پاسخگویی به یکی از موضوعات جدی و اساسی در حوزه نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان اســـت. به طور کلی نیز هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی رابطه رسانه‌های دیداری خارجی با نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان شهر شیراز است. در این میان علاوه بر هدف اصلی، اهداف جزئی‌تری نیز دنبال می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به ارائه اطلاعات توصیفی دقیق از نظام ارزش‌های (نظام ارزش‌های هشت‌گانه) نوجوانان و جوانان و میزان استفاده از رسانه‌های خارجی در بین نوجوانان و جوانان اشاره کرد.

پیشینه پژوهش

هـــر چند مطالعات زیـــادی درباره عنوان تحقیق در سطـــح و حجم وسیعی صورت پذیرفتـــه است، اما اکثر پژوهش‌های انجام شده در مورد گروه‌های متفاوت سنی صورت پذیرفته‌اند و کمتر جوانان و به ویژه نوجوانان به طور اختصاصی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این امر بدان معنا است که آزمون نظری دقیقی در این تحقیقات صـــورت نپذیرفتـــه است و چارچوب نظری دقیقی برای بررسی طراحی نگردیده اســـت. در ادامه به تعدادی از تحقیقات صورت گرفته اشاره می‌شود:

نیک ملکی و مجیدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و هویت ملی و اسلامی جوانان (مطالعه موردی شهرستان اراک – ۱۳۹۰)» سعی کرده‌اند به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر هویت جوانان و نیز اثرات برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان بر باورهای دینی و ملی جوانان شهرستان اراک بپردازند. نتایج

ضریب همبستگی شاخص نقش ماهواره در کاهش گرایش جوانان به ارزش‌های دینی و فرهنگ ملی در سطح یک درصد، رابطه معناداری نشان می‌دهد مبنی بر این که هر چه مدت تماشای ماهواره از سوی جوانان افزایش می‌یابد، ارزش‌های دینی جوانان سست‌تر و از گرایش آنان به فرهنگ ملی کاسته می‌شود.

موســوی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشــی با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های مد بر دانشجویان دختر: مطالعه موردی دانشگاه تهران"سعی نموده اند تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای مد بر روی دختران تحصیل کرده ایرانی را مورد بررسی قرار دهند. نتایج تحقیق آنان با استفاده از روش پیمایشی و استخراج و تحلیل داده‌ها نشان داد که شبکه‌های مدی که به تبلیغ لباس‌های مبتنی بر طراحی‌های غربی می‌پردازند، بر روی دختران تحصیل‌کرده جامعه ما تأثیر داشته‌اند، اما این تأثیرات اغلب آگاهی‌مدارانه بوده است تا این که رفتارگرایانه باشد. این مطالعه نشان می‌دهد این تأثیرات بیش از آنکه منجر به بروز رفتار و کنش آشکار اجتماعی جدید شود، بر شناخت استفاده‌کنندگان از این شبکه‌ها تأثیر گذاشته است.

نعیمــی(۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق»، با هدف شناخت چگونگی تأثیر جامعه‌پذیری بر طلاق، به تأثیر دو کارگزار جامعه‌پذیری یعنی خانواده و ماهواره می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده تأثیر ماهواره در ایجاد ارزش‌های مدرن در زوجین و تأثیر خانواده در پیدایی ارزش‌های سنتی در بین زوجین بوده است.

گــودرزی (۱۳۸۹) در مطالعــه‌ای با عنوان «تغییر ارزش‌های جوانــان و عوامل مرتبط بر آن»، به بررسی تغییر ارزش‌هــای جوانــان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. نتایج وی نشــان می‌دهد که ۲۱/۳۲ درصد پاسخ‌گویان تــا حدودی ارزش‌های‌شان تغییر کرده است. این در حالی است کــه ۲۹/۲۱ درصد پاسخ‌گویان ارزش‌های‌شان خیلی کم، ۳۲/۳۷ درصد کم و ۷/۸۹ درصد زیاد تغییر کرده است. همچنین، ۹/۲۱ درصد پاسخ‌گویان هیچ‌گونه تغییری در ارزش‌های‌شان به وجود نیامده است. در ضمن نتایج نشان می‌دهند که ۷٦/۳۲ درصد پاسخ‌گویان در زمــان گذشته التقاطی، ۷/۱۱ درصد فرامادی و ۱٦/۵۸ درصد مادی بوده‌اند. این در حالی است که در زمان حال ۵۵/۷۹ درصد التقاطی، ۳/٦۸ درصد فرامادی و ٤۰/۵۳ درصد مادی هستند. بنابراین می‌توان گفت که سنخ ارزشی پاسخگویان از فرامادی به مادی تغییر کرده است.

محمدپور و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران؛ بررسی مــوردی دانشجویــان کرد دانشگاه‌های سنندج» سعی کرده‌اند رابطه بین میــزان استفاده از شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و هویت فرهنگی بومی ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه کردستان را بررسی کنند. نتایج آنها نشان داد که بین میزان استفاده از ماهواره با هویت فرهنگی بومی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. به این ترتیب که افرادی که زمان بیشتری را صرف استفاده از ماهواره کرده‌اند، به نسبت، نمره کمتری از سازه هویت فرهنگی محلی دریافت کرده‌اند که به نوبه خود نشان‌گر تغییر رفتار به سمت الگوهای جدید است.

لاریجانــی و ملکی‌تبار (۱۳۸٦) در تحقیقی با عنوان «بررسی راهبردی- امنیتــی تأثیرات ماهواره بر باورهای جوانان» تلاش کرده اند تا وضعیت باورهای دینی و عقیدتی، پایبندی به ارزش‌های دینی و عقیدتی و ملی‌گرایی دو گروه از جوانان را بشناسند: ۱) آنهایی که بیننده برنامه‌های ماهواره‌اند؛ ۲) آنهایی که بیننده برنامه‌های ماهواره نیستنــد. نتایج تحقیق آنها از ۱۰۲۲ نفر از جوانان شهر تهران، نشان می‌دهد: ۱) میزان باورهای دینی، پایبندی به ارزش‌هــای دینی و ملی‌گرایی کسانی که برنامه‌های ماهواره را تماشا می‌کنند متفاوت از کسانی است که بیننده

برنامه‌های ماهواره‌ای نیستند؛ ۲) در میان کسانی که بیننده برنامه‌های ماهواره هستند، در کنار عامل ماهواره، عوامل دیگری وجود دارند که تأثیرپذیری از ماهواره را شدت و یا ضعف می‌بخشند.

اسمیت و روی[1] (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه بین تلویزیون دیدن، ارزش‌ها و رفاه: یک دیدگاه جهانی» سعی نموده‌اند رابطه بین تلویزیون دیدن، ارزش‌ها و رفاه را به صورت تجربی در میان مناطقی مانند اروپا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و غیره مورد بررسی قرار دهند. نتایج آنها نشان می‌دهد که مادی‌گرایی رابطه معنادار مثبتی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی در مناطق توسعه‌یافته غربی و اروپای شمالی داشته است و رابطه معناداری بین مادی‌گرایی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی در خاورمیانه وجود نداشته است. علی‌رغم این، مادی‌گرایی در تمام مناطق جهان رابطه منفی‌ای با رضایت از زندگی داشته است. از جانب دیگر، میزان تماشای تلویزیون بر روی مادی‌گرایی در خاورمیانه و آسیای جنوب‌شرقی و جنوبی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. تماشای تلویزیون در آمریکای لاتین و خاورمیانه رابطه معنادار منفی‌ای با رضایت از زندگی داشته است، در حالی که در سایر نقاط جهان عکس این روند حاکم بوده است.

گالاند و لمل[2] (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «سنت در مقابل مدرنیته: دوگانگی ارزش‌ها در جوامع اروپایی»، در پی بررسی نظریه‌های نوگراشدن[3] بوده‌اند. این نظریه‌ها معتقدند که نوگرایی در نهایت ارزش‌های سنتی را پس می‌زند و ارزش‌های جدید را جایگزین آنها می‌نماید. بدین جهت آنها برای بررسی تجربی این فرضیه از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی در سراسر اروپا استفاده نمودند. نتایج آنها حاکی از آن است که نظریه‌های نوگراشدن مورد تأیید قرار نمی‌گیرند، زیرا حتی در کشورهای بسیار پیشرفته و صنعتی نیز ارزش‌های سنتی در کنار ارزش‌های جدید همزیستی دارند. در واقع، نوگرایی ارزش‌های جدید را همراه خود به ارمغان می‌آورد، اما به طور همزمان ارزش‌های سنتی را از بین نمی‌برد، بلکه ارزش‌های سنتی هم در کنار ارزش‌های جدید به حیات خود ادامه می‌دهند و گاهی اوقات با ارزش‌های جدید ترکیب می‌شوند.

بسلی[4] (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «مصرف رسانه‌ای و ارزش‌های انسان»، سعی نموده است رابطه بین استفاده از رسانه‌های جمعی و تغییر ارزشی در افراد را مطالعه نماید. نتایج وی نشان داده است که تماشای تلویزیون ارزش‌های سنتی را تقویت می‌کند و موجب حفظ ساختارهای موجود و ارزش‌های محافظه‌کارانه می‌شود. اما در مقابل تلویزیون، استفاده از اینترنت موجب بروز ارزش‌های آزادی‌خواهانه در افراد می‌شود.

به طور کلی در جمع‌بندی این بخش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که گروهی از پژوهش‌ها این واقعیت را نشان دادند که فرایند جهانی‌شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مرتبط با آن (مانند اینترنت، ماهواره و...) با هویت سنتی افراد به خصوص هویت ملی آنها رابطه منفی دارد و به تضعیف ارزش‌های ملی و گرایش به ارزش‌های فراملی می‌انجامد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵). اما برخی معتقدند که فرآیند جهانی‌شدن با ارائه فناوری‌های نوین و ارزان به فرهنگ‌های محلی کمک نموده است که در مقابل هویت‌های جهانی دوام آورند و به تقویت ارزش‌های ملی یا مذهبی بپردازند (امرسون و همکاران[5]، ۲۰۱۱؛ کریستیانو و همکاران[6]، ۲۰۰۸؛ احمدی، ۱۳۸۱؛ آسلاما و

1. Smith & Roy
2. Galland & Lemel
3. Modernisation
4. Besley
5. Emerson et al.
6. Christiano and et al.

پانتی، ۲۰۰۷؛ بیدن و بروین، ۲۰۱۰؛ خطیب، ۲۰۰۳؛ داها، ۲۰۱۱).

با این توصیفات، رابطه بین مصرف رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های چندگانه و کلی نوجوانان و جوانان به صورت یک مجموعه، مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است؛ بدین معنی که بیشتر تحقیقات به یک یا چند جنبه پرداخته‌اند و نتوانسته‌اند نمایی کلی و کلان از مصرف رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزشی کامل و کلی نوجوانان و جوانان ارائه دهند. به همین منظور تحقیق حاضر سعی می‌نماید این هدف را به طور علمی بررسی کند.

مبانی نظری پژوهش

در پژوهش حاضر در دو بعد متفاوت به بررسی نظریه‌های موجود پرداخته می‌شود. در نخستین گام تبیین‌های ساختاری و فرهنگی مربوط به ارزش‌ها و سپس تبیین‌های مربوط به رسانه‌های اجتماعی ارائه خواهند شد.

مدرنیته[1] به معنی تجدد و نوگرایی است و نو[2] به عنوان شیوه تفکر و اندیشه و به معنای آنچه جدید، نو، امروزی و معاصر قلمداد می‌شود. در این میان، مدرنیسم[3] اصالت دادن به آنچه جدید و مدرن است، می‌باشد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸٤: ٤۳-٤۲). تحولات در عرصه صنعت، تجارت، فناوری، ارتباطات و امکانات، پلیس، ظهور و گسترش سرمایه‌داری، حمل و نقل، تسخیر جو، ماهواره و کنترل دقیق حیات فردی و اجتماعی از جمله پیامدهای سخت افزاری و صنعتی- فنی نوگرایی بوده است. از جانب دیگر، تحولات عظیمی در عرصه جهان‌بینی، حیات فکری و اندیشه، باورها، عقاید، نگرش‌های فلسفی، سیاسی و مذهبی و غیره رخ داده است. در این عرصه اشکال جدید دموکراسی، ایدئولوژی‌های انسان‌گرایانه[4]، کمونیستی[5]، فاشیستی[6] و لیبرالیستی[7] نیز ظهور نموده‌اند. (همان: ۵۷-۵۵).

در واقع، با ظهور کارخانه مدرن، نیروهای تولیدی و مادی به طور همزمان در یک مکان جمع شده و با تکنیک‌های تقسیم کار امکان تولید انبوه میسر گشت. بدین ترتیب، توسعه اقتصادی در اغلب کشورهای اروپایی در قرن‌های آتی شکل گرفت. اما بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم و استقلال بیشتر کشورهای مستعمره، مفاهیمی مانند هویت ملی و قومی، همبستگی ملی، پیشرفت ملی و غیره مطرح شد (گریتز[8]، ۲۰۰۰: ۲۳٤؛ ازکیریملی[9]، ۲۰۰۰: ٤۸ نقل شده در جهانگیری و معینی، ۱۳۹۰: ۳۸) و اغلب کشورهای مستعمره و توسعه‌نیافته در پی توسعه اقتصادی برآمدند. در این میان، نهاد خانواده بیشترین تغییرات را متحمل شد، زیرا بسیاری از کارکردهای خانواده به نهادهای مدرن تفویض شد. شکل خانواده تغییر یافت و خانواده هسته‌ای در بیشتر نقاط جهان جایگزین خانواده گسترده شد. ساختار قدرت در خانواده تا حد زیادی تغییر یافت و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده از اقتدارگرایی پدرسالارانه به سمت تصمیم‌های گروهی و مشورتی تغییر جهت داد. زنان از استقلال بیشتری برخوردار شدند

1. Modernity
2. Modern
3. Modernism
4. Humanistic
5. Communistic
6. Fascistic
7. Liberalistic
8. Geertz
9. Ozkirimli

و نسبت به گذشته، نقش‌های پررنگ‌تری یافتند. نوجوانان و جوانان دیگر تابع صرف تقسیم کار جنسی و سنی عمل نمی‌کردند، بلکه خود عامل تغییر شده بودند. با تغییر ساختارهای مدرن و گسترش نظام دیوان‌سالاری در بیشتر کشورها، آموزش نیز از خانواده و نهادهای سنتی گرفته و به نهاد مدرسه واگذار شد. جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان تا حد زیادی در گروه همسالان در نظام مدرسه صورت می‌پذیرفت که با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، رسانه‌های اجتماعی نیز قسمتی از این امر را بر عهده گرفتند. به طور کلی شهرنشینی، توسعه سیاسی، تغییر جمیعتی، مهاجرت، گسترش رسانه‌های دیداری و شنیداری و غیره همگی موجب تغییر ساختارهای سنتی گردید. این تغییرات ساختاری که به واسطه نوسازی و توسعه روی داد، منجر به تغییر در تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی شد و الگوهای سنتی جای خود را به الگوهای جدید دادند و بدین‌ترتیب، ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های سنتی گشتند (اعزازی،۱۳۸۹: ٤٧-٤٣؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ٥٩-٤٥).

نظریه‌پردازی این فرایندها چه در دوران کلاسیک و چه در دوران جدید به وسیله گروه‌های متفاوتی از اندیشمندان صورت پذیرفته است که به طور اجمالی به معرفی این نظریه‌ها پرداخته می‌شود.

• نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت

یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که در زمینه دگرگونی ارزش‌ها در سال‌های اخیر مطرح شده است، نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت[1] است. اینگلهارت معتقد است که در کشورهای پیشرفته صنعتی به واسطه توسعه اقتصادی، تحول عظیمی در ارزش‌های مادی انسان‌ها رخ داده است. این امر به گونه‌ای بوده است که ارزش‌های افراد از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی در حال تغییر و تحول است- البته او این روند را روندی تقریباً جهانی قلمداد می‌کند. بر همین اساس وی معتقد بود که تحولی در ارزش‌های نسل جدید جوانان اروپایی رخ داده است و برای تبیین این تحول دو فرضیه را مطرح می‌نماید (اینگلهارت و آبرامسون[2]، ۱۹۹٤: ۳۳۷-۳۳٦؛ آبرامسون و اینگلهارت، ۱۹۸٦: ۲-۱).

۱- فرضیه کمیابی که درآن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی- اقتصادی‌اش است؛ به طوری که شخص بیشترین ارزش ذهنی را برای آن چیزهایی قائل است که عرضه آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه جامعه‌پذیری که در آن ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است.

این دو فرضیه نشان می‌دهد که در نتیجه رونق اقتصادی و ظهور دولت رفاه بعد از دهه پنجاه میلادی در کشورهای غربی، جوانانی که بعد از این دوره به دنیا آمده‌اند، نگرانی‌های اندکی نسبت به امنیت جانی و مالی نسبت به نسل‌های والدین خود داشته‌اند. همین مسئله منجر شده بود که جوانان اولویت‌های ارزشی خود را به امور غیرمادی تخصیص دهند. بر همین اساس اینگلهارت، فرضیه کمیابی را به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و فرضیه جامعه‌پذیری را به آثار بلندمدت نسلی ارجاع می‌دهد. در مجموع، این دو فرضیه مجموعه‌ای را شکل می‌دهند که می‌تواند دگرگونی‌های ارزشی در افراد را پیش‌بینی کند. در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن نشان‌دهنده این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه به طور کلی به سادگی و در کوتاه‌مدت تغییر نمی‌کند، بلکه دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرزی نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید

1. Roland Inglehart
2. Abramson

کــه یــک نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسالان یک جامعه می‌شود. همچنین پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی انتظار می‌رود بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌هــای محسوسی حاصل شود. در واقع، فرضیــه جامعه‌پذیری مربوط به تغییرات نسلی و فرضیه کمیابی مربوط به تغییرات کوتاه مدت است (اینگلهارت، ۱۹۸٤: ٥۲٦-٥۲٥؛ آبرامسون و دیگران، ۱۹۹۷: ٤۱؛ اینگلهارت، ۱۹۸۱: ۸۸۰؛ اینگلهارت و آبرامسون، ۱۹۹۹: ٦٦٥؛ آبرامسون و اینگلهارت، ۱۹۸۷: ۲۳۲-۲۳۱).

● نظریه کاشت جرج گربنر

نظریــه کاشت که توسط جرج گربنــر طرح و گسترش یافته است، برای تشریــح تأثیر رسانه‌های جمعی به خصــوص تلویزیــون روی ادراک ما از جهان واقعی به کار گرفته شده است. برخلاف نظریه‌های سنتی که تأثیر رسانه‌ها را مستقیم و فوری فرض می‌کردند، تحلیل کاشت چند فرض اصلی برای شکل‌گیری کاشت ارائه کرد: کاشت جمع‌شونده و افزاینده است؛ تماشای تلویزیون عادت‌گونه و غیر انتخابی است؛ روند کاشت چندبعدی است و اعتقاد به غالب‌سازی یک روند می‌باشد. این دیدگاه معتقد است که تلویزیون مجموعه نسبتاً محدودی از انتخاب‌هــا را برای علایق محدودتر مخاطبان فراهم می‌کند (رضــوی‌زاده، ۱۳۸٦: ۸٥). از نظر گربنر، اهمیت رسانه در خلق راه‌های مشترک انتخاب و نگریستن به رویدادهاست که با استفاده از نظام‌های محتوایی مبتنی بر تکنولــوژی عملی می‌شود و به راه‌های مشترک نگریستن و فهم جهان می‌انجامد (همان: ۱٤۱). جورج گربنر با دو مفهوم کلیدی متداول‌سازی و تشدید، نتیجه می‌گیرد که تماشای بیش از حد تلویزیون می‌تواند سبب نزدیکی نظــرات و عقاید افراد به یکدیگر گردد (متداول‌ســازی)، در صورتی که عامل کاشت در طول زمان می‌تواند در گروه خاصی (به عنوان مثال زنان) باعث تشدید نگرشی خاص نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی گردد (مک‌کوایل، ۱۳۸٥: ۳٦۰).

● نظریه ژان بودریار

ژان بودریار[1] در تحلیل جامعه معاصر معتقد است که این جامعه دیگر تحت سلطه تولید نیست، بلکه رسانه‌ها، الگوهای سایبرنتیک و نظام‌های هدایت‌کننده، فن‌آوری اطلاعات، سرگرمی و صنعت دانش و نظایر آن بر جامعه چیرگی یافته‌اند. نتیجه ناشی از این نظام‌ها، انفجار نشانه‌ها است. به نظر بودریار می‌توان گفت ما از جامعه تحت تسلط شیوه تولید بیرون آمده و وارد جامعه‌ای شده‌ایم که تحت نظارت رمز تولید است. هدف دیگر استثمار و سود نیست، بلکه تسلط بر نشانه‌ها و نظام‌هایی است که این نشانه‌ها را تولید می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸٤: ۸۱٦-۸۲۹). بودریــار تأثیــر رسانه‌های گروهی مدرن را بسیار متفاوت و ژرف‌تر از هر فن‌آوری دیگر قلمداد می‌کند. به زعم بودریار، وسایل ارتباط جمعی مانند تلویزیون موجب دگرگونی ماهیت و سرشت زندگی ما شده است. او نتیجه می‌گیرد که تلویزیون دنیای ما را فقط بازنمایی نمی‌کند، بلکه چیستی دنیایی را که ما در آن در حال زندگی کردن هستیــم برای ما تعریف می‌کند. بنابرایــن او استدلال می‌کند که در جهان رسانه‌ای واقعیت تازه‌ای (فراواقعیت[2]) آفریده می‌شود که از رفتارهای مردم و تصاویر رسانه‌ای تشکیل شده است (گیدنز، ۱۳۸٦: ٦۷۰-٦٦۹).

در عرصه تاثیر رسانه‌ها بر روی ابعاد متفاوت زندگی انسان‌ها، صاحب‌نظران بسیاری به گونه مستقیم و یا غیر مستقیم اظهار نظر کرده‌اند. در ابتدا نظریه‌پردازان، مخاطبان را به مثابه توده‌هایی تصور می‌کردند که فرهنگ توده تولید شده توسط رسانه‌ها را جذب می‌کنند. بر پایه همین فرض، دیدگاه گلوله جادویی یا سوزن تزریقی تا دهه

1. Jean Baudrillard
2. Hyperreality

۵۰، دیدگاهی غالب بود. این نظریه معتقد بود که می‌توان رفتار مخاطبان را کنترل کرد و تغییر داد؛ چراکه مخاطب، موجـودی منفعـل به‌شمار می‌رود (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۷۶). دیدگاه سلطه نیـز به قدرت شدید رسانه‌ها و ضعف مخاطبان اعتقاد دارد و مخاطب را موجودی منفعل برمی‌شمرد (دادگران، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۴۱).

همچنین، نوئل نئومان[1] مخاطب را دنباله‌روی رسانه‌ها می‌داند و معتقد است که رسانه‌های جمعی، عقیده خود را بـه صـورت غالب بیان می‌کنند، اما مخاطبانی که عقایدشان با نظرات حاکم متفاوت است به ناچار و از روی تـرس سکوت می‌کنند و این امر موجب مارپیچ سکوت می‌شود (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۷۶). اما مک کامبز[2] و شاو[3] معتقدند که رسانه‌ها به مردم نمی‌گویند چه فکر کنند، بلکه می‌گویند راجع به چه فکر کنند. آنها نشان دادند که تاثیر رسانه‌ها برای همه افراد به یک اندازه و یک شیوه نیست و دو عامل «ارتباطات اطلاعات» (به فرد) و «درجه بی‌خبری از موضوع»، در برجسته شدن معانی انتقال یافته توسط رسانه‌ها موثر هستند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

چارچـوب نظری تحقیق حاضر بـا توجه به مباحث نظری انجام شده، برگرفته از نظریه اینگلهارت، گربنر و بودریار است. از دید اینگلهارت وجه تمایز مردم در جوامع متفاوت، نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است. به بیان دیگر، فرهنگ آن‌ها با هم تفاوت دارد. به زعم وی، در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی و سیاسی فرهنگ‌های جوامع پیشرفته را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. به نظر اینگلهارت، در حال حاضر دگرگونی‌های فرهنگی هستند که مسیر جامعه پیشرفته صنعتی را هدایت می‌کنند. به عقیده وی، تغییر ارزشی روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد و نه به طور مداوم از سالی به سالی دیگر. به طور کلی، رهیافت نظریه‌پردازی اینگلهارت، دو سطح نظام (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مد نظر قرار می‌دهد. (خسروانی، ۱۳۹۱: ۵).

در این میان، نظریه اینگلهارت در مورد دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. بررسی اینگلهارت در کشورهای غربی میان گروه‌های سنی مختلف بیانگر آن است که گروه‌های سنی جوان‌تر نسبت به گروه‌های سنی مسن‌تر سطوح بالاتری از فرامادی‌گری دارند. وی با اشاره به مطالعات خود که به صورت طولی انجام شده است، نتیجه‌گیری می‌کند که جایگزینی نسل جدید و جوان موجب تحول اساسی ارزش‌ها خواهد شد. البته وی معتقد است که اندازه‌گیری مستقیم ارزش‌ها مشکل است، لیکن وجودشان را از الگوی پیوسته تأکید بر انواع معینی از اهداف می‌توان استنباط کرد (اینگلهارت، ۱۹۸٤: ٥٢٦-٥٢٥؛ آبرامسون و دیگران، ۱۹۹۷: ٤١؛ اینگلهارت، ۱۹۸۱: ۸۸۰؛ اینگلهارت و آبرامسون، ۱۹۹۹: ٦٦٥؛ آبرامسون و اینگلهارت، ۱۹۸۷: ۲۳۲-۲۳۱).

همان‌طـور که بیان شد، اینگلهارت معتقد است که علاوه بر تغییرات ساختاری و بنیادین جوامع، ارزش‌های هر جامعه‌ای نیز عامل تغییر در جوامع است. به باور وی، تغییرات ارزشی در جوامع می‌تواند تغییرات بنیادین و ساختاری در آینده ایجاد کند. در این میان، گربنر معتقد است که تلویزیون به متداول‌سازی بعضی از ارزش‌ها روی می‌آورد و همچنان‌که بودریار نشان می‌دهد، دیگر خبری از سلطه فیزیکی نیست، بلکه سلطه فرهنگی و تسلط بـر نظام‌های نشانه و رمز موجب تغییـر ارزشی می‌شود. در چنین فضایی، می‌توان چارچوب نظری پژوهش را به‌طور ترکیبی پرداخت؛ به‌گونه‌ای که سعی نمود ارزش‌های مختلف را به‌عنوان عامل‌هایی که تغییرات گسترده‌ای

1. Elisabeth Noelle-Neumann
2. McCombs
3. Shaw

در جامعــه ایجاد می‌کنند انتخاب نمــود. در اینجا سعی شد، دسته‌بندی ارزشی نه به صورت ارزش‌های مادی و فرامــادی، بلکه به صورت هشت دسته ارزش کلی تنظیم شود. دلیل این امر نیز ویژگی‌های خاص جامعه ایران است که هنوز همانند جوامع توسعه‌یافته نمی‌توان ارزش‌ها را محدود به ارزش‌های مادی و فرامادی کرد. در واقع، بــرای رسیدن به اشباع نظری و تجربی هنوز نیازمند بررسی‌های تجربی زیادی در ابعاد مختلف هستیم تا نقش ارزش‌هــای مختلــف دیده شود. از دیگر سو، همانند تاکیدات گربنر و بودریار، رسانه‌ها و تلویزیون نقش بسیار بزرگی در شکل‌دهی ارزش‌ها دارند. در این میان، در کشور ایران، به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی و تفاوت ماهوی برنامه‌های صداوسیمای رسمی با برنامه‌های ماهواره‌ای و با توجه به دسترسی نزدیک به هفتاد درصدی مردم شهری به ماهواره، سعی شد تا رسانه‌های دیداری خارجی مورد بررسی و تاکید قرار گیرد- این رسانه‌ها، ارزش‌هــا و نگرش‌ها و سیاست‌های رسانه‌ای را دنبال می‌کنند کــه اغلب با ارزش‌ها و نگرش‌های حاکمیتی و رسمی تفاوت دارد. درنتیجه، این بررسی بهتر می‌تواند تغییرات موجود در نظام ارزشی را نشان دهد. در همین مسیــر مدل نظری و تجربی تحقیق بر اســاس این چارچوب نظری استخراج و فرضیه‌های تحقیق بر اساس آن تنظیم شد.

مدل مفهومی تحقیق

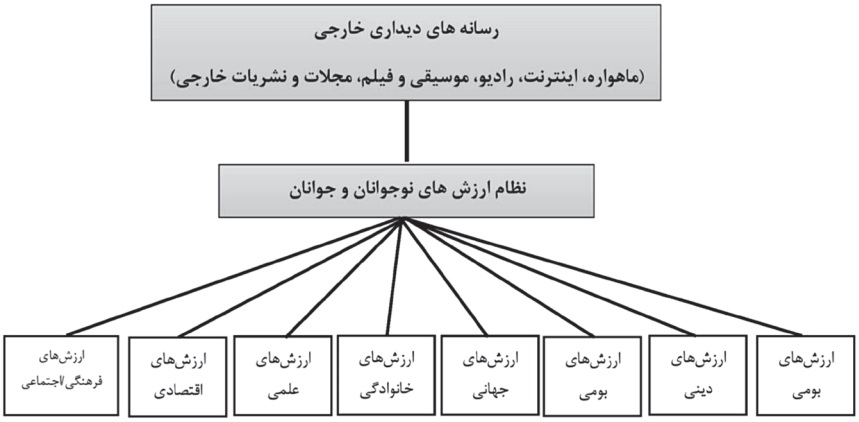

بر اساس مدل تجربی تحقیق، فرضیه‌های آن صورت‌بندی شدند:

فرضیه اصلی

بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های بومی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های ملی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های دینی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های جهانی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های خانوادگی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های علمی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های اقتصادی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های فرهنگی/اجتماعی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

بر اساس پارادایم و معرفت علمی تحقیق، روش کمی برای سنجش متغیرهای مورد بررسی انتخاب گردید و با روش پیمایش اجتماعی به اجرا در آمد. در این روش، محقق بر این باور است که برای یافتن راه‌حل مسئله مورد بررسی، باید اطلاعاتی گردآوری کرد و سپس آنها را مورد بررسی قرار داد. در این مسیر اطلاعات از زمان حال جمع‌آوری می‌شود تا شناخت کاملی از شرایط وضعیت حال در مورد موضوع تحقیق به دست آید (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۹٤). ابزاری که در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت، پرسشنامه محقق ساخته بود.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه نوجوانان و جوانان ساکن در شهر شیراز می‌شود. نمونه‌گیری از جامعه به روش‌های منظم انتخاب اطلاق می‌شود و در تحقیقات اجتماعی برای انتخاب افراد یا موردهای تحقیق به کار مـی‌رود. در پیمایش، نمونه‌گیری روشی است برای انتخاب پاسخ‌گویان که برای تحلیل برگزیده می‌شوند. دلیل نمونه‌گیری هم بسط معرف بودن موردهای تحقیق است (بیکر، ۱۳۸٦: ۱٦۲). با استفاده از فرمول کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۸۳: ۳۸۳) حجم نمونه گزینشی ۳۸٤ نفر برآورد شد. شایان ذکر است که جمعیت آماری شهر شیراز بر اساس سرشمـــاری سراســری سال ۱۳۹۰ مورد محاسبه قرار گرفته است. جمعیت کل شهر شیراز در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱٤٦۰٦٦٥ بوده است که از این تعداد، ٤٦۸۲۰٦ نفر در سنین ۱۵–۲۹ سال در مناطق نه‌گانه شهرداری شهر شیراز ساکن بوده‌اند. بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه مورد بررسی مورد محاسبه قرار گردید که برابر با ۳۸٤ نفر بود.

جدول ۱: جمعیت مناطق، جمعیت جوانان مناطق و تعداد نمونه‌های هر منطقه بر حسب دختر و پسر

منطقه	جمعیت منطقه	جمعیت ۲۹–۱۵ سال	جمعیت نمونه	تعداد دختر	تعداد پسر
۱	۲۲۰۵۱۹	۷۱۲۷٤	۵۸	۲۹	۲۹
۲	۱۸۰۹۳۱	۵۷۲۳۹	٤۷	۲۳	۲٤
۳	۱۸۹۱۹۰	٦۰۰۹۳	٤۹	۲۵	۲٤
٤	۲۳۳۱۸۰	٦۹۰٦۲	۵۷	۲۹	۲۸
۵	۱٤۷۸۵۳	٤۷۸۹٦	٤۰	۲۰	۲۰
٦	۱٦۰۵۸۸	۵۲۰۲۰	٤۲	۲۱	۲۱
۷	۱۸۳۳٤٦	۵۹۷۰۲	٤۹	۲٤	۲۵
۸	٤٤۳۹۷	۱۳٦۳٤	۱۲	٦	٦
۹	۱۱۰٦٦۱	۳۷۲۸۷	۳۰	۱۵	۱۵

بعد از مشخص کردن جمعیت هر منطقه، جمعیت نوجوانان و جوانان هر منطقه و تعداد نمونه مورد نیاز در هر منطقه، نمونه‌گیری صورت پذیرفت. در مرحله پرسشگری در خانه‌هایی که جوان داشته باشند مصاحبه صورت می‌گیرد. نوع نمونه‌گیری نیز بر اساس شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای خواهد بود. لذا، بر اساس مناطـق منتخب، ابتدا نواحی و سپس بلوک‌های شهری به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند و بر اساس نسبت نمونه‌گیری، پرسشنامه‌ها در میان نوجوانان و جوانان توزیع خواهد گردید. ابزاری که برای سنجش متغیرها به کار مـی‌رود در مرحله اول باید اعتبار و سپس پایایی لازم را داشته باشد. تحقیق حاضر از میان روش‌های گوناگون موجود برای سنجش اعتبار و روایی تحقیق، از روش اعتبار صوری[1] برای اعتباریابی تحقیق و از ضریب آلفای کرونباخ[2] برای پایایی تحقیق استفاده کرده است. به طور کلی برای دست‌یابی به اعتبار و روایی تحقیق به صورت زیر عمل شده است.

بـرای دست‌یابی به اعتبار صوری فرایند زیر انجام گردیـد؛ در مرحله اول، گویه‌های اولیه ابزار پرسشنامه بر اساس تحقیق‌های صورت گرفته پیشین و چارچوب نظری منتخب طراحی شدند و در اختیار اساتید مجرب و کارشناسانی که در این عرصه توانایی‌های لازم علمی را برخوردار بودند قرار گرفت. اصلاحات و تجدید نظرهای ارائه شده از جانب اساتید و کارشناسان در چند مرحله صورت گرفت و سرانجام پرسشنامه طراحی شده به توافق نهایی برای اجرا رسید. پایایی طیف‌های نگرشی تحقیق از طریق آزمون پایایی آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که در جدول ۱ نشان داده شده است.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

رسانه‌های دیداری خارجی

رسانه‌های خارجی در سه بخش نوشتـاری- چاپی، دیداری- شنیداری و الکترونیک (اینترنت) مورد بررسی قرار گرفت (هرسیج و همکاران، ۱۳۹۱: ۸٤). این متغیر به صورت سوالاتی در قالب طیف لیکرت از میزان استفاده از رسانه‌های خارجی نظیر ماهواره، سریال‌ها، فیلم‌ها، موسیقی، میزان استفاده از اینترنت (به صورت‌های متفاوت مانند وبلاگ‌نویسی، خبرخوانی، گشت و گذارو غیره) و غیره خواهد بود. لازم به ذکر است که این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای مورد سنجش قرار خواهد گرفت.

نظام ارزشی

نظـام ارزشـی در این تحقیق بر اساس مقیاس نظری لطف‌آبادی و نـوروزی طراحی و عملیاتی خواهد شد. این مقیاس شامل ارزش‌های فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی، دینی، ملی و جهانی می‌شود. این مقیاس در سطح سنجش فاصله‌ای خواهد بود.

در این پژوهش، یک فرضیه اصلی وجود دارد:

بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

در اینجـا، نظـام ارزش‌های نوجوانان و جوانـان شامل ارزش‌های بومی، ارزش‌های ملـی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های جهانی، ارزش‌های علمی، ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی، ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های خانوادگی و رسانه‌های دیداری خارجی است.

1. Face Validity
2. Cronbach Alpha

جدول ۲: میزان پایایی (آلفای کرونباخ) گویه‌های طیف‌های نگرشی پرسشنامه

طیف‌های تحقیق	تعداد گویه‌های هر طیف	میزان ضریب آلفای کرونباخ	طیف‌های تحقیق	تعداد گویه‌های هر طیف	میزان ضریب آلفای کرونباخ
ارزش‌های بومی	٦	۰/۸۸	ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی	۷	۰/۸٦
ارزش‌های ملی	٦	۰/۷۹	ارزش‌های اقتصادی	۵	۰/۷۸
ارزش‌های دینی	۵	۰/۸۵	ارزش‌های خانوادگی	۵	۰/۸۲
ارزش‌های جهانی	۵	۰/٦۰	رسانه‌های دیداری خارجی	۷	۰/۹۰
ارزش‌های علمی	۵	۰/۸۲	آلفای کل هشت دسته نظام ارزشی	٤٤	۰/۸٤۸

بـــرای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارSPSS))[1] تحت وینـــدوز استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو قسمت یافته‌های توصیفی (توصیف) و یافته‌های استنباطی (تبیین) ارائه شد. در بخش داده‌های توصیفی، سعی شده است تا توزیع فراوانی متغیرها در قالب جداول فراوانی و اندازه‌های میانگین طیف‌های پرسشنامه ارائه شود. از جانب دیگر، بر اساس ماهیت متغیرها و سطح سنجش آنها، آزمون فرضیات تحقیق ارائه گردید. در این مسیر از آماره‌های تحلیل پراکنش، تحلیل همبستگی، آزمونF، آزمونT، ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. برای بررسی رابطه چندمتغیر با متغیر وابسته (تحلیل چندمتغیره) رگرسیون چندمتغیره مورد استفاده قرارگرفت.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و همچنین توزیع پاسخ‌ها درباره متغیرمستقل (رسانه‌های دیداری خارجی) و وابسته (نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان) پرداخته شده است. ۳۸۹ پاسخگو در این پیمایش مورد بررسی قرار گرفتند.

حداقل سن پاسخگویان ۱۵ سال و حداکثر آن ۲۹ سال ثبت شده است. میانگین سن این پاسخگویان برابر با ۱۹/۵۵ و انحراف معیار آن نیز برابر با ٤/۲٦۳ می‌باشد بیشتر پاسخگویان ۱۵ ساله بوده‌اند. همچنین از کل نمونه مـــورد بررسی، ٤۷/۸ درصـــد زن و ۵۱/۷ درصد نیز مرد بودند- ۰/۵ درصد نیز پاسخی به این سؤال نداده‌اند. بر اســـاس اطلاعات به دست آمده در کل نمونه مورد بررسی، تحصیلات ۳٦/۸ درصد از پاسخ‌گویان مورد مطالعه زیردیپلم، ۳۲/٦ درصد دیپلم، ۲٦/۵ درصد لیسانس و ۳/۳ درصد فوق‌لیسانس بوده است- ۳ نفر نیز پاسخی به این پرسش نداده‌اند و بیشتر پاسخگویان زیردیپلم هستند. بر اساس اطلاعات به دست آمده در کل نمونه مورد بررســـی، ۹۰/۷ درصـــد از پاسخ‌گویان مورد مطالعه مجرد، ۸/۲ درصد متأهل و ۰/۳ درصد بدون همسر به دلیل طلاق بوده است.

1. Statistical Package for Social Science

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	میزان
رسانه‌های دیداری خارجی	۷	کم
ارزش‌های بومی، ملی و دینی	۱۷	بالا
ارزش‌های جهانی و علمی	۱۱	بالا
ارزش‌های خانوادگی و اقتصادی	۱۰	بالا
ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی	۷	بالا

داده‌های تحقیق از توزیع نرمال برخوردارند. لذا از آزمون‌های پارامتری استفاده شد. آزمون تک‌متغیره فرضیات تحقیق با استفاده از رگرسیون تک متغیره[1] انجام گرفت. متغیر وابسته در این تحقیق نظام ارزشی جوانان می‌باشد که هشت بعد دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در ایـــن پژوهش برای اثبات فرضیه‌ها بین رسانه‌های دیداری خارجی و هشت دسته ارزش، نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

فرضیه ۱: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های بومی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و هشت دسته ارزش از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است (جدول۳). بر اساس نتایج حاصله از رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های بومی، همبستگی (R= ۰/۱۵۷) بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های بومی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R^2=۰/۰۲۵ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیر کمی در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های بومـــی آنهـــا داشته است. ضریب بتا Beta= ۰/۱۵۷ جهت مثبـــت و رابطه مستقیم بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B= ۰/۱۳۰ حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجـــی)، ۰/۱۳۰ واحد به متغیر ملاک (ارزش‌های بومی) افزوده می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر T = ۳/۱۳۷، F = ۹/۸۳۹ و Sig = ۰/۰۰۲ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۲: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های ملی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های ملی، نشان داد که همبستگی (R=۰/۲۷۶) بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های ملی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R^2=۰/۰۷۶ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیری کم در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های ملی آنها داشته

1. Regression

است. ضریب بتا ۰/۲۷٦ -=Beta جهت منفی و رابطه معکوس بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب ۰/۱۹٤ -=B حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۱۹٤ واحد از متغیر ملاک (ارزش‌های ملی) کم می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر ۵/٦٤۳ -=T، ۳۱/۸٤٤ =F و ۰/۰۰۰ =Sig رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

فرضیه ۳: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های دینی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های دینی نشان داد که همبستگی (R= ۰/٤۱٤) بیـــن مشاهده رسانه‌های دیداری خارجـــی و ارزش‌های دینی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R2= ۰/۱۷۱ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیری در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های دینی آنها داشته است. ضریب بتا ۰/٤۱٤ -=Beta جهت منفی و رابطه معکوس بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب ۰/۲۵۰ -=B حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۲۵۰ واحد از متغیر ملاک (ارزش‌های دینی) کم می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر ۸/۹ -=T، ۷۹/۲۱۳ =F و ۰/۰۰۰ =Sig رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ٤: بین مشـــاهده رســـانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های جهانی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های جهانی، همبستگی (R= ۰/۱۲۷) بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های جهانی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R2= ۰ /۰۱٦ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیری کم در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های جهانی آنها داشته است. ضریب بتا ۰/۱۲۷ =Beta جهت مثبت و رابطه مستقیمی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B= ۰/۰٦۲ حاکـــی از ایـــن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بیـــن (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۰٦۲ واحد به متغیر ملاک (ارزش‌های جهانی) افزوده می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر ۲/٤۹۷ =T، ٦/۲۳٦ =F و ۰/۰۱۳ =Sig رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۵: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های خانوادگی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایـــج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های خانوادگی نشان داد که همبستگی (R = ۰/۱۰٤) بیـــن مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های خانوادگی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R2= ۰ /۰۱۱ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیری کم در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های خانوادگی آنها داشته است. ضریب بتا ۰/۱۰٤ -=Beta جهت منفی و رابطه معکوسی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب ۰/۰۵۷ -=B حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۰۵۷ واحد از متغیر ملاک (ارزش‌های خانوادگی) کم می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر ۲/۰٦٤ -=T، ٤/۲٦۱ =F و ۰/۰٤۰ =Sig رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ٦: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های علمی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های علمی، همبستگی (R= ۰/۱۰٤) بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های علمی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R2= ۰/۰۱۱ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیری کم در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های علمی آنها داشته است. ضریب بتا Beta=- ۰/۱۰٤ جهت منفی و رابطه معکوسی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B=- ۰/۰٦۳ حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۰٦۳ واحد از متغیر ملاک (ارزش‌های علمی) کم می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر T= -۲/۰٤٦، F = ٤/۱۸٦ و Sig = ۰/۰٤۱ رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۷: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های اقتصادی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های اقتصادی نشان داد که همبستگی (R = ۰/۱۳۰) بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های اقتصادی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R2= ۰/۰۱۷ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیر کمی در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های اقتصادی آنها داشته است. ضریب بتا Beta= ۰/۱۳۰ جهت مثبت و رابطه مستقیمی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B= ۰/۰۷٤ حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۰۷٤ واحد به متغیر ملاک (ارزش‌های اقتصادی) افزوده می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر T= ۲/۵۷۲، F = ٦/٦۱۵ و Sig = ۰/۰۱۰ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

فرضیه ۸: بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزش‌های فرهنگی/اجتماعی نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس نتایج حاصله رابطه بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های فرهنگی/اجتماعی، همبستگی (R = ۰/۲۵۱) بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های فرهنگی/اجتماعی پاسخگویان وجود دارد. مقدار R2 ۰/۰٦۳ = نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین تأثیر کمی در تبیین تغییرات مشاهده شده در جمعیت نمونه از نظر ارزش‌های فرهنگی/اجتماعی آنها داشته است. ضریب بتا Beta=- ۰/۲۵۱ جهت منفی و رابطه معکوسی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B=- ۰/۱۷۱ حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی)، ۰/۱۷۱ واحد از متغیر ملاک (ارزش‌های فرهنگی/اجتماعی) کم می‌شود. در مورد معنی‌دار بودن رابطه فوق با توجه به مقادیر T= -۵/۰۷۹، F = ۲۵/۷۹٤ و Sig = ۰/۰۰۰ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

به طور کلی بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و همه ابعاد نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ٤: آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون تک متغیره مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی و ارزش‌های مختلف

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R^2	R^2 Ad (تعدیل شده)	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار F	سطح معنی‌داری
مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی	ارزش‌های بومی	۰/۱۵۷	۰/۰۲۵	۰/۰۲۲	٦/۱۲٤	۰/۱۳۰	۰/۱۵۷	۹/۸۳۹	۰/۰۰۲
	ارزش‌های ملی	۰/۲۷٦	۰/۰۷٦	۰/۰۷٤	۵/۰۵٤	-۰/۱۹٤	-۰/۲۷٦	۳۱/۸٤٤	۰/۰۰۰
	ارزش‌های دینی	۰/٤۱٤	۰/۱۷۱	۰/۱٦۹	٤/۱۲۱	-۰/۲۵۰	-۰/٤۱٤	۷۹/۲۱۳	۰/۰۰۰
	ارزش‌های جهانی	۰/۱۲۷	۰/۰۱٦	۰/۰۱٤	۳/٦۳۹	۰/۰٦۲	۰/۱۲۷	٦/۲۳٦	۰/۰۱۳
	ارزش‌های خانوادگی	۰/۱۰٤	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	٤/۰۳۹	-۰/۰۵۷	-۰/۱۰٤	٤/۲٦۱	۰/۰٤۰
	ارزش‌های علمی	۰/۱۰٤	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	٤/۵۰٦	-۰/۰٦۳	-۰/۱۰٤	٤/۱۸٦	۰/۰٤۱
	ارزش‌های اقتصادی	۰/۱۳۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱٤	٤/۲٤۵	۰/۰۷٤	۰/۱۳۰	٦/٦۱۵	۰/۰۱۰
	ارزش‌های فرهنگی/ اجتماعی	۰/۲۵۱	۰/۰٦۳	۰/۰٦۰	٤/۹۵٤	-۰/۱۷۱	-۰/۲۵۱	۲۵/۷۹٤	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، بسیاری از حوزه‌های رفتاری و اجتماعی افراد تغییر یافته است و در همین راستا بسیاری از ارزش‌ها، هنجارها، عادات، منش، سبک‌های زندگی و ویژگی‌های افراد نیز دگرگون شـده است. از طرفی، در طی فرایند جهانی شـدن هویت اجتماعی و فرهنگی افراد به طور گسترده‌ای در حال بازبینـی و بازاندیشـی است، زیرا افـراد از حوزه‌های اطلاعاتی و ارتباطی فراوانـی استفاده می‌کنند که موجب تغییرپذیـری بسیار سریع آنان می‌شود. جهانی شدن و رسانه‌های جهانی جدید تمایزهای گوناگونی را در میان مردم خلق نمودند یا تمایزهای متفاوت موجود در میان مردم را تقویت و برجسته نمودند. این امر بدان معنا است که ارزش‌ها و نظام ارزشی و معنایی افراد نیز نسبت به گذشته به مراتب بیشتر در معرض تغییر قرار گرفت. در نتیجـه، تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی علاوه بر تأثیر بـر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی افراد، گذراندن اوقات فراغت، نگرش به خود و جامعه، هویت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها و به طور کلی ارزش‌های افراد را تحـت تأثیر قرار داده است. به همین دلیل می‌توان گفت که در بستر فرایند جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌های ارتباطـی و اطلاعاتی، ارزش‌های افراد، بـه ویژه جوانان و نوجوانان تغییر می‌یابد و ارزش‌های مدرنی برای آنها به ارمغان می‌آید. این ارزش‌های جدید بیشتر در تقابل با ارزش‌های سنتی قرار می‌گیرند و به همین دلیل گاهی اوقـات موجـب بروز درگیری و تنش بین افراد جـوان و بزرگ‌ترها می‌شود. بدیهی است که این امر مشکلات زیادی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد که از جمله آنها می‌توان به تغییر در ذائقه، سبک زندگی و منش، طولانی شدن دوره جوانی، مصرف‌گرایی شدید، گسیخته شدن پیوندهای عاطفی، تزلزل اصول اخلاقی، ظهور پدیده‌های ناهنجار اخلاقی و اجتماعی، از خودبیگانگی و تنهایی انسان، اختلافات نسلی و غیره اشاره کرد. در چنین فضایی کـه رسانه‌های متفاوت و گوناگون به آسانی در دسترس افراد قرار می‌گیرند، این پرسش مطرح شد که مصرف

رسانه‌هـــای دیـــداری خارجی متفاوت چه تأثیری بر روی نظام ارزشی جوانـــان و نوجوانان می‌گذارد؟ در واقع، پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین مصرف رسانه‌های دیداری خارجی و نظام ارزشی نوجوانان و جوانان بود. در فرضیات این تحقیق، متغیرهای مستقل در رابطه با ابعاد هشت‌گانه ارزش‌ها به صورت جداگانه از طریق تحلیل رگرسیون تک متغیره مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد که بین مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی با تمامی ابعاد هشت‌گانه ارزش‌ها رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که مشاهده رسانه‌های دیداری خارجی با ارزش‌های بومی، ارزش‌های جهانی و ارزش‌های اقتصـــادی رابطـــه ای مثبت و مستقیم و در مقابل، بـــا ارزش‌های ملی، ارزش‌های دینـــی، ارزش‌های خانوادگی ارزش‌های علمی و همچنین ارزش‌های فرهنگی/ اجتماعی رابطه ای منفی و معکوس داشت. همچنین یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نتایج به دست آمده با یا فته‌های پژوهش نیک ملکی و مجیدی (۱۳۹۲)، نعیمی (۱۳۹۰)، محمدپـــور و همکـــاران (۱۳۸۹)، لاریجانی و ملکی‌تبار (۱۳۸٦) و اسمیـــت و روی (۲۰۰۸) هم‌سویی داشت. همان‌طورکه نظریه‌های اینگلهارت، بودریار و گربنر نشان داده است، رسانه‌ها در عصر امروز نقش چندانی در تغییر ارزش‌ها دارند و در سوی دیگر، تغییرات ارزشی خود رسانه‌های خاصی را برجسته می‌کنند.

فارغ از این همسویی تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین، نکته بسیار حائز اهمیت در وجود تغییرات محسوس در نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان است. در واقع می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که بر خلاف پژوهش‌های دو دهه پیش که نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان اغلب تحت تاثیر دو دسته عامل اصلی نظام ارزش‌های اسلامی/ملی قرار می‌گرفت، امروزه نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان بسیار دستخوش تغییر شده و ارزش‌های دیگری در میان جوانان برجستگی یافته اند که در بسیاری از موارد با ارزش‌های رسمی جامعه همخوانی چندانی ندارند. در توضیـــح بیشتـــر این امر می‌توان به این واقعیت پی برد که در کنار ارزش‌های ملی و اسلامی، ارزش‌های دیگری نیز به نسبت وارد حوزه نظام معنایی نوجوانان و جوانان شده‌اند که از جمله آنها به ارزش‌های فراملی و فروملی مانند ارزش‌های جهانی (عمدتا غربی) و ارزش‌های محلی می‌توان اشاره کرد. در واقع، ترکیب عوامل شکل‌دهنده نظام ارزشی نوجوانان و جوانان در حال تغییر است و این امر نیازمند برنامه‌ریزی‌های جدیدی است. به‌بیان دیگر، برنامه‌ریزان اجتماعی بر اساس واقعیت‌های جدید باید برنامه‌های لازم را برای این قشر از جامعه تدارک ببینند و با شیوه‌های قدیمی برای مسائل جدید راه‌حل ارائه ندهند و راهکارهای ارائه شده آنها بر اساس واقعیت‌های عینی این قشر ارائه شوند، نه بر اساس آرمان‌هایی که بیشتر به‌صورت کلیشه‌ای دنبال می‌شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، رسانه ملی باید به سرعت به تغییرات، تحول و تنوع نیازهای نوجوانان و جوانان و همچنین ارائه جایگزین‌های فرهنگی وارداتی توجه کند. همچنین، سطح و کیفیت رسانه‌های داخلی باید در راستـــای تغییـــرات جهانی به طور مرتب به روز گردد. یکی از راهکارهای اصلی برای کنترل ارزشی نوجوانان و جوانان، احیا و یادآوری فرهنگ داخلی (آداب و رسوم، فرهنگ عامه، بازی‌ها، جشن‌ها، موسیقی و غیره ایرانی) از طریق رسانه‌های مختلف و جذاب است. یکی از عملیاتی‌ترین راهکارها برای نیل به این هدف، تعریف و ایجاد فراغت متناسب با نیاز نوجوانان و جوانان با محتوای فرهنگی داخلی و با استفاده از فناوری‌های پیشرفته جهانی است. به عنوان مثال، یکی از این فناوری‌ها، فناوری واقعیت مجازی و واقعیت افزوده است که می‌توان با تولید محتـــوای فکری و فرهنگی ملی و محلی از این تکنیک‌ها استفاده کرد و شاخصه‌ها و تاریخ فرهنگی ایران را به جوانان انتقال داد.

منابع

- احمدی، حبیب؛ هاشمی، سمیه و روحانی، علی. (۱۳۸۹). «**بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان شهر شیراز**». فصلنامه علمی –پژوهشی زن و جامعه. سال اول، شماره ٤، ٦٠-٣٣.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۱). «**جهانی‌شـــدن؛ هویت قومی یا هویت ملی**». فصلنامه مطالعات ملی. سال سوم، شماره‌ی ۱۱.
- آزاد ارمکی، تقی، زند، مهناز و خزایی، طاهره. (۱۳۷۹). «**بررســی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی**». نامه علوم اجتماعی. سال چهارم، شماره ۱٦، صص: ۲۹-۳.
- ازکیا، مصطفی و دربان‌آستانه، غلامرضـــا. (۱۳۸۲). **روش‌های کاربردی تحقیق**.جلد اول، تهران: انتشارات کیهان
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- بیکر، ترز. (۱۳۸٦). **نحوه انجام تحقیقات اجتماعی**. هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی
- پیران، پرویز. (۱۳۸۳). «**جهانی‌شدن: سیر تاریخی و ابعاد آن**». فصل‌نامه مجلس و پژوهش. سال یازدهم، شماره ٤۳، صص: ۳٤-۱۱.
- تافلر، آلوین. (۱۳۷۰). **موج سوم**. شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر نو
- جهانگیری، جهانگیر و معینی، مهدی. (۱۳۹۰). «**بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی،نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز**». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال هفتم، شماره دوم، صص: ۷٤-۳۷.
- خسروانی، عباس. (۱۳۹۱). «**رونالد اینگلهارت و نظریه دگرگونی ارزشی**». مجله اینترنتی باشگاه اندیشه.
- خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸٤). «**بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان. مطالعه موردی تهران، شـــیراز و اســـتهبان**». پایان‌نامه دکتـــری جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصـــاد، مدیریت و علوم اجتماعی، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ هاشمی، سمیه و روحانی، علی. (۱۳۸۹). «**سبک زندگی و هویت ملی: مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز**». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ٤٤، صص: ۱۵۲-۱۲۷.
- خواجه‌نـــوری، بیژن و روحانـــی، علی و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۰). «**رابطه ســـبک زندگی و تصور از بدن: مطالعه موردی: زنان شهر شیراز**». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال چهارم، شماره ۱، صص: ۱۰۳-۷۹.
- خواجه‌نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۸). «**جهانی شـــدن و ســـرمایه اجتماعی زنان**». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علون انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال پنجم، شماره ۲، صص: ۱۵٤-۱۳۱.
- ذکایـــی، سعید. (۱۳۸۳). «**جوانان و فراغت مجازی**». فصلنامه مطالعـــات جوانان. سال دوم، شماره ششم، صص: ۲٦-٤۵.
- ربانی‌گلپایگانی، علی. (۱۳۸٤). «**اسلام و مدرنیته**». مجله تخصصی کلام اسلامی. سال دوازدهم، شماره ٤٦، صص: ۵۷-٤۲.
- رضوی‌زاده، نورالدین. (۱۳۸٦). **بررســـی تاثیر مصرف رســـانه‌ها بر ســـبک زندگی ساکنان تهران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۰). **کندوکاوها و پنداشـــته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات**

اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار
- ریتزر، جورج. (۱۳۸٤). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. محسن ثلاثی. تهران: علمی
- عنایت، حلیمه و موحد، مجید. (۱۳۸۳). «**زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن**». پژوهش زنان. سال دوم، شماره دوم. صص: ۱٦٦-۱۵۳.
- کوششی، مجید و قربانی، زهرا. (۱۳۹۱). «**مطالعه جمعیت‌شناختی تاثیر جوان همسری بر ازدواج دختران**». فصلنامه مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان. سال دهم، شماره دوم، صص: ۱۳٤-۱۰۹.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)**. احمد علیقلیان و افشین خاکباز. جلد اول، تهران : طرح نو
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت**. حسن چاوشیان. جلد دوم، تهران : طرح نو
- گیدنز، آنتونیو. (۱۳۸٦). **جامعه‌شناسی**. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸٦). **سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی**. منوچهر صبوری. تهران: نی
- لطف آبادی، حسین و نوروزی، وحیده. (۱۳۸۳). «**نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی به منظور بررسی تاثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایرانی**». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۷، ۳۳- ۵۸.
- مک کوایل، دنیس. (۱۳۸۵). **نظریه ارتباطات جمعی**. پرویز اجلالی. چاپ دوم، تهران: دفترمطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- منتظرقائم، مهدی. (۱۳۸۳). «**نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اشتغال جوانان: مروری بر تجربه‌های جهانی و رهیافت‌هایی برای ایران**». مجموعه مقالات همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر نوجوانان. شیراز: دانشگاه شیراز.

- Abramson, Paul & Ronald Inglehart. (1986). **"Generational Replacement and Value Change in Six West European Societies".** American Journal of Political Science, Vol. 30, No. 1, pp. 1-25.
- Abramson, Paul & Ronald Inglehart. (1987). **"Generational Replacement and the Future of Post-Materialist Values".** Journal of Politics, Vol. 49, No. 1, pp. 231-241.
- Abramson, Paul, Susan Ellis & Ronald Inglehart. (1997). **"Research in Context: Measuring Value Change".** Political Behavior, Vol. 19, No. 1, pp. 41-59.
- Aslama, M. and M. Pantti. (2007). **"Flagging Finnishness: Reproducing National Identity in Reality Television"**. Television New Media, Vol. 8, No. 1, pp. 49-67.
- Beeden, A. and J. De Bruin. (2010). **"The Office, Articulations of National Identity in Television Format Adaptation".** Television New Media, Vol. 11, No. 1, pp. 3-19.
- Besley, John. (2008). **"Media Use and Human Values".** Journalism & Mass Communication Quarterly, Vol. 85, No. 2, pp. 311-330.
- Daha, M. (2001). **"Contextual Factors Contributing to Ethnic Identity Development of**

Second-Generation Iranian American Adolescents". Journal of Adolescent Research, Vol. 26, No. 5, pp. 543-569.

- Galland, Olivier & Yannick Lemel. (2008). **"Tradition vs. Modernity: The Continuing Dichotomy of Values in European Society".** Revue française de sociologie, Supplement: An Annual English Selection, Vol. 49, No. 1, pp. 153-186.
- Geertz, Clifford. (2000). The **Interpretatio of Cultures.** New York: Basic Books
- Inglehart, Ronald & Paul Abramson. (1994). **"Economic Security and Value Change".** The American Political Science Review, Vol. 88, Issue 2. pp. 336-354.
- Inglehart, Ronald & Paul Abramson. (1999). **"Measuring Postmaterialism".** The American Political Science Review, Vol. 93, No. 3, pp. 665-677.
- Inglehart, Ronald. (1981). **"Post-Materialism in an Environment of Insecurity".** The American Political Science Review, Vol. 75, No. 4, pp. 880-900.
- Inglehart, Ronald. (1984). **"Generational Change and the Future of the Atlantic Alliance".** Political Science, Vol. 17, No. 3, pp. 525-535.
- Khatib, L. (2003). **"Communicating Islamic Fundamentalism as Global Citizenship".** Journal of Communication Inquiry, Vol. 27, No. 4, pp. 389-409.
- Ozkirimli, Umut. (2000). **Theories of Nationalism: A Critical Introduction**. London: Macmillan Press Ltd.

۱۴

بررسی تطبیقی انطباق با زندگی شهری در بین جوانان و سالمندان شهر تهران

محمد احمدی زیدکندی [۱]
عالیه شکر بیگی [۲]
امیدعلی احمدی [۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۱/۲۵

هدف مقاله حاضر، مطالعه جامعه شناختی جوانان و سالمندان شهر تهران و میزان انطباق آنان با زندگی شهری می‌باشد. در مبانی نظری از نظریه‌های آوئن، فوریه، ریچاردسون، واتسون، کوین لینچ، فیلیبس، لاوتن و پاتنام در دو بعـد ساختاری و تعاملاتی استفاده شده و در پایان، مدل نظری تحقیق طراحی گردیده است. این پژوهش با توجـه به ماهیت خود از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد و جامعه آماری آن را کلیه جوانان و سالمندان شهر تهـران تشکیل می‌دهد کـه با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۹۱ نفر نمونه آماری در مناطق ۲، ٤، ۲۲، ۲۰و ۷ به روش خوشه ای و سپس تصادفی ساده تعیین شدند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفتـه و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساختـه بوده است. روایی سازه پرسشنامه با توجه به دیدگاه متخصصان و اساتید سنجیده شد و پایایی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای تمامی ابعاد پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که قابل قبول می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار spss، داده‌ها مورد تجزیه وتحلیل قرارگرفته‌اند. نتیجه فرضیه با آزمون تی تست نشان می‌دهد که در بعد انسانی کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی و در بعد ساختاری، وضعیت مسکن، فضای عمومی و حمل و نقل با میزان انطباق با زندگی شهری رابطه معناداری وجود دارد. جوانان از نظر ابعاد سرمایه اجتماعی با میانگین(۳/۳٦)،

---

۱. دانشجوی دکتری، جامعه شناسی (گروه‌های اجتماعی)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استاد، گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: Ashekarbeugister@gmail.com
۳. استادیار، گروه جامعه شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.

کیفیت مسکن(۳/۲۲)، حمل و نقل(٤/۱۳)، نسبت به سالمندان از وضعیت موجود رضایت بیشتری دارند. از نظر انطباق با زندگی شهری در بعد کیفیت زندگی(٤/۰٦) و مکان‌های عمومی(۳/۲۲)، سالمندان رضایتمندی بیشتری نسبت به جوانان دارند.

واژگان کلیدی: جوانان، سالمندی، کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی و انطباق با زندگی شهری

مقدمه

تغییر ساختاری جمعیتی، یکی از چالش‌های امروز جوامع است و در حوزه علوم انسانی و اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم و قابل توجه جهت پژوهش در مطالعات اجتماعی و جمعیت شناسی است. در کشور ایران، وجود جمعیت جوان، سبب بروز فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی در جامعه شده است. بدیهی است که با گذر زمان، جوانان امروز جمعیت سالمند کشور را در چند دهه دیگر تشکیل می‌دهند.

تغییر و شهرنشینی به شیوه‌های مختلف به روندهای اجتماعی غالب در سده بیست و یکم تبدیل شده اند و تعامل آنها سبب افزایش مسائل مربوط به تمام جوامع شده است؛ از جوامع بسیار منزوی[1] تا جوامعی با جمعیت متراکم[2]. تا سال ۲۰۳۰، دو سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد و نواحی عمده شهری در جهان توسعه یافته دارای ۲۵ درصد یا بیشتر جمعیت بالای ۶۰ سال خواهند بود. شهرها و کلانشهرها هم تغییر خواهند کرد و شهرها مزایایی برای شهروندان خواهند داشت؛ از جمله دسترسی آسان به خدمات پزشکی، فراهم کردن تسهیلات فرهنگی و تفریحی، خرید کردن و الزامات کلی زندگی روزانه (کاتز و همکاران، ۲۰۰۸)- اگرچه به نظر می‌رسد که شهرها تهدید کننده هستند و اغلب سبب ایجاد ناامنی و احساس آسیب پذیری بر اثرتغییر در محلات و جوامع می‌شوند. با رشد سالخوردگی و پیرتر شدن هرم سنی در دنیا و تعداد سالمندانی که در شهرها زندگی می‌کنند، ایجاد محیط‌های شهری مناسب برای فعالیت سالمندان از ضروریات اجتناب ناپذیر است(Beard JournalPetito,Charies.2010). در حال حاضر، در کشورهای توسعه یافته نظیر کانادا، اسپانیا، برزیل و استرالیا و نیز بعضی از کشورهای در حال توسعه شهر هایی منطبق با نیازها و وضعیت گروه‌های مختلف سنی با رویکرد سیستماتیک برای مشارکت فعالانه شهروندان و در نتیجه افزایش طول عمر و سلامت آنان ایجاد شده است. از آنجا که ایران اکنون با جمعیت جوان مواجه است و با شتاب تندتری نسبت به سایر کشورها در حال سالمند شدن است، نباید توجه به زندگی حال و زمان جوانی و میانسالی در طرح توسعه شهرها، برنامه ریزی‌ها و سیاستگزاری‌ها برای ایجاد محیطی قابل دسترسی و فراگیر که در آن همه شهروندان از جمله سالمندان بتوانند با سلامت، امنیت و لذت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشند، مورد غفلت قرار دهد. به بیان دیگر، توسعه آنچه شهرهای منطبق با نیازها و وضعیت جامعه لازم دارند، امر مهمی برای برنامه ریزی‌ها و سیاست‌های اجتماعی است که مسائل مربوط به محیط‌های شهری تا محیط‌های روستایی را در بر می‌گیرد.

افراد در صورتی از هر مرحله از سن خود لذت می‌برند که بتوانند خود را با محیط و شرایطی که در آن هستند، انطباق دهند – در غیر این صورت آرامش لازم را برای یک زندگی رضایت بخش نخواهند داشت. به طور کلی عدم انطباق با زندگی شهری، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در مسیر تحولات اجتماعی، بر سر راه توسعه، یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، سدی ایجاد می‌کنند و مانع تحقق هدف‌ها و تهدید کننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌ها می‌شوند. با این وصف، سهمی که جوانان و سالمندان از زندگی شهری دارند، تبدیل شهر به یک محیط لذت بخش را الزام آور می‌سازد. اگرچه جوانان با چالش‌های روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراوان و فزاینده ای روبرو می‌باشند، اما سطح انطباق آنها با محیط زندگی باعث کاهش اثرات سوء مشکلات زندگی شهری می‌شود. از سوی دیگر، «هرچند پدیده سالمندی از نتایج توسعه است، ولی بی توجهی به ابعاد

1. Most isolated
2. Most densely population

مختلف آن و نیازهای سالمندان خود می‌تواند مانعی جدی در برابر توسعه قلمداد شود». (سیدمیرزایی و رشتیانی، ۱۳۹٤: ۳۵)

تهـــران به عنوان مرکز سیاســـی، اداری و اقتصادی ایران، طی چند دهه اخیر بـــه سرعت رشد کرده و درصد چشمگیری از جمعیت شهری کشور را در خود جای داده است. ازدحام و تراکم زیاد و مهاجرت مداوم جمعیت، مشکـــلات و مسائـــل عدیده ای را در شهرها بـــه وجود آورده است. جمعیت جوان(۱۸تـــا ۲۹سال) شهر تهران ۳۰۹۷٦۰٦ نفر و جمعیت سالمند بالای٦۵ سال آن ۸٦٦۲۲۰ نفر می‌باشد. توجه به نیاز شهروندان ساکن در شهر تهران و اولویت دادن به سهم هر یک از اقشار اجتماعی از کودک و نوجوان تا جوان، میانسال و سالمند و کهنسال اجتنـــاب ناپذیر اســـت. توجه به دگرگونی زندگی ساکنان شهری، انطباق و احساس راحتی و آرامش شهروندان در شهر تهران، یکی از موضوعات مهم اجتماعی- شهری این شهر محسوب می‌شود و باید به این نیاز به عنوان سرمایه‌هـــای انسانـــی و اجتماعی و زمینه تحقق عدالت اجتماعی به عنوان شاخص اصلی کیفیت زندگی و رفاه شهروندی توجه ویژه ای داشت و در تحقیقات علمی بیشتر به این موضوع اهتمام نمود. مهمترین هدف تحقیق حاضر، بررسی تطبیقی جوانان و سالمندان از نظر انطباق با زندگی شهری است.

پیشینه پژوهش

عباســـی، سام و امیریان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنـــوان «شکاف نسلی در ارزش ها: بررسی مقایسه جوانان و سالمندان» به مطالعه میزان شکاف موجود بین ارزش های جوانان و سالمندان شهر بابل بر روی ۲٤۰ نفر از جوانان و سالمندان شهر بابل (۱۲۰ نفر جوانان ۳۰-۱۸ و ۱۲۰ نفر سالمندان بالای سال٦۰) پرداختند. یافته‌ها نشان داد که این دو گروه سنی از نظر ارزش های فردی تفاوت معناداری با هم دارند. گفتنی است که در تمامی موارد مطرح شده، جوانان و سالمندان به اهمیت موضوع اذعان داشته اند، اما میزان اهمیت و اولویت بندی آنها متفاوت بوده است. نگاه توصیفی- تحلیلی و حتی مشاهده مستقیم یا تجربی، حاکی از تغییر فضای فرهنگی- فکری دو نسل حاضر می باشد که نیازمند تعمق بیشتری است.

کاوه فیروز (۱۳۹۱) در تحقیقی در شهر تهران با عنوان «بررسی وضعیت سطح کیفیت زندگی سالمندان در زمینه سلامت سالمندان با تاکید بر حیطه‌های کیفیت زندگی»، کیفیت زندگی شامل ابعاد چهارگانه سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی، سلامت محیطی سالمندان را مورد سنجش قرار داد. براساس نتیجه این تحقیق، میانگیـــن سلامت جسمانی، سلامت روانی و سلامـــت اجتماعی مردان بیشتر از زنان است، در سلامت محیطی تقریبا برابر هستند و سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی و سلامت محیطی سالمندان همسردار بهتر از سالمندان بی همسر است. در تمام حیطه‌های کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، به جز چند مورد وضعیت مردان بهتراز زنان است.

شیخـــی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه شناختی کیفیت زندگی جوانان در شهر تهران»، کیفیت زندگـــی جوانان را متغیری نسبی می‌داند که به پویایی آنها بستگـــی دارد و راهکارهایی را نیز بطور ضمنی ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه چگونه جامعه آماری مورد نظر در شهر تهران کیفیت زندگی خود را می‌تواند ارتقا بخشد. عناصری چون فرصت‌ها یا شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، سرگرمی ها، گذران اوقات فراغت، امکانات مالی و... هر یک به نوبه خود در چگونگی کیفیت زندگی دانشجویان نقش دارند. سرانجام نتیجه می‌گیرد که بهبود کیفیت

زندگی، دانشجویان نسل آینده را با عطف ویژه به دختران، تا جایی که به تحصیلات عالی آنها مربوط می‌گردد، تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ضابطیان و تقوایی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص‌های مناسب سازی فضاهای شهری دوستدار سالمند با استفاده از رویکرد مشارکتی»، با توجه به ویژگی‌های خاص تردد و استفاده سالمندان از فضاهای شهری و همچنین بررسی نمونه موفق از تجارب جهانی با رویکرد مشارکتی، به بیان شاخص‌های لازم برای مناسب سازی فضاهای شهری سالمندان پرداخته اند.

انریکو سیسیل و النا مولتنی(۲۰۱۶) طی تحقیقی با عنوان «طراحی فضای عمومی و اجتماعی شهری برای سالمندان» اشاره می‌کنند که ساختارها و بسترهای شهری برای زندگی سالمندان بسیار مهم هستند و باید مطابق با نیازهای آنها طراحی گردند. آنها اشاره می‌کنند که شاید فضای طراحی شده بومی و خاص آن منطقه باشد. لذا باید هم طراحی کلان و هم طراحی خرد برای مناطق ویژه با در نظر گرفتن شرایط محیطی و اجتماعی ارائه شود.

وای و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «فشارها و موانع زندگی شهری بر سالمندان» اشاره می‌کنند که دلایل خوبی وجود دارد تا انتظار داشته باشیم با افزایش سن، آسیب پذیری «فشار» در محیط‌های محلی هم افزایش پیدا کند. آنها چهار سازوکار را پیشنهاد می‌دهند: قرار گرفتن طولانی تر در معرض فشار، افزایش آسیب‌پذیری زیست شناختی، روانشناختی و تشخیصی، تغییر الگوهای کاربرد سه بعدی و استناد به منابع ادغام شده جامعه. با در نظر گرفتن اهمیت محیط‌های فیزیکی در حفظ هویت و به دلیل زمان طولانی که افراد پیر در منزل سپری می‌کنند- بنا به تحقیقات، ۸۰ درصد زمان افراد ۷۰ ساله و بیشتر در داخل منزل سپری می‌شود- این افراد نسبت به تغییر محیط‌های فیزیکی حساس تر هستند.

سویج و همکاران (۲۰۰۳) و رادوین،گاسمانو و باتلر(۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «آیا ساخت یک شهر مدرن یا پست مدرن به عنوان مکانی برای مصرف گرایی جدید دارای تاثیر است؟» به این نکات اشاره می‌کنند که وقتی شهرهای جهان فرصت‌های فرهنگی و سرگرم کننده گسترده ای را ارائه می‌کنند، تبدیل به شهرهای گران قیمت برای زندگی می‌شوند. آنها با اشاره به تحقیقاتی که در شهر نیویورک انجام شد، این دیدگاه را به تصویر می‌کشند که فقط یک نفر از هر ۲۰ نفر فرد مسن، پول کافی برای بهره مندی کامل از کیفیت زندگی ارائه شده در شهرها را در اختیار دارد. این مسئله با تحلیل شهرهای مختلف جهان مطابقت دارد که بر افزایش واگرایی شیوه‌های زندگی و ارائه فرصت هایی برای شهروندان ثروتمند و فقیر تاکید می‌کند و خود نشان دهنده نابرابری روزافزون در ارتباط با طبقه اجتماعی، قومیت و از برخی جهات سن است.

در مجموع، مطالعات و تحقیقات مورد بررسی در زمینه انطباق جوانان و سالمندان با زندگی شهری نشان می‌دهد که فضای شهر و محیط شهری، بستر و زمینه‌های مناسبی برای زندگی امروزه جوانان و سالمندان است. به نظر برخی محققان فضاهای شهری امروزه باید دارای سه ویژگی مهم باشند: نخست آن که مطابق با نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی طراحی شوند؛ دوم، معیارهای یک شهر و فضای عمومی باید مورد نیاز این گروه‌ها باشد و مشخص شود و سوم آن که این شهرها و فضاها در همه جا باید قابل ارائه باشد. طراحان شهری باید این سه ویزگی را در طراحی شهری در نظر بگیرند. برخی دیگر از تحقیقات اشاره می‌نمایند که زندگی در شهرهای امروزی برای زندگی سالمندان و جوانان مناسب نیست. فضاهای کوچک مسکونی و نبود فضای باز شهری موجب انزوا و تنهایی سالمندان در شهرهای بزگ جهان شده است و از طرفی متناسب با نیازهای جوانان نیز

نیستند. این تحقیق با نگاهی جامع تر انطباق دو گروه اجتماعی جوانان و سالمندان را با زندگی شهری در شهر تهران مورد بررسی علمی قرار داده است.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

از منظر رویکردهای گوناگون به پدیده انطباق شهروندان به زندگی شهری نگریسته می‌شود. با توجه به اهداف تحقیق، با مراجعه به نظریه‌های علمی، نظریه‌های کلان و نظریه‌های میانه سعی می‌شود پاسخ‌های نظری و عقلانی گوناگـــون ارائـــه گردد و بر اساس پیش بینی هایی که در محدوده نظری خواهد آمد، مقدمات رجوع به واقعیات سامان یابد. با توجه به رویکردهای موجود در مورد موضوعات و مبانی نظری جامعه شناسی شهری، جامعه‌شناسی جوانان و سالمندان و میزان انطباق با زندگی شهری می‌توان به دو دسته عمده از رویکردها اشاره نمود:

الف) رویکردهایی است که بیشتر به ساختار و توسعه اقتصادی اشاره دارند:

۱-مکان‌های عمومی

۲- حمل و نقل

۳- عرضه و کیفیت مسکن

ب) رویکردهایی که به سطح روابط و کنش‌های متقابل انسانی(تعاملاتی) اشاره می‌کنند:

۱-کیفیت زندگی

۲- سرمایه اجتماعی

الـــف) دسته نخست شامل رویکردهایی است که بیشتر به ساختار اشاره دارند و تاکید آنان بر کنترل از سطح بالاست. در این رویکردها، مفهوم توسعه مد نظر است و بیشتر توسعه اقتصادی مورد توجه قرار دارد. در توسعه اقتصادی بر سرمایه‌های اقتصادی و توسعه و تجهیز زیر ساخت‌های اجتماعی- شهری، تاکید می‌شود:

مکان‌های عمومی: مقوله‌های طراحی شهری نظیر تعبیه صندلی‌های متناسب با رده‌های سنی گوناگون در معابر شهری، ایجاد امکانات مناسب نظیر سرویس بهداشتی، ایجاد امنیت در محله‌ها، بوستان ها، پارک‌ها و معابر شهری، ایجـــاد سطوح شیب دار در کنار پله‌ها در معابر شهری، عریض سازی پیاده روها برای عبور و مرور ایمن، تعبیه امکانات ورزشی خاص در بوستان‌های سطح شهر، افزایش سرانه فضاهای سبز و پیاده روها به صورت محله ای مدنظر است.

این نوع مداخله متاثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم نظیر آوئن، فوریه، ریچاردسون، کابه و پرودون است. هدف از این نوع دخالت، ارتقای سطح بهداشت و سلامت، افزایش کارایی و بالابردن زیبایی در سطح شهر است. مداخلات نوگرایانه برای حل مسائل و مشکلات و مواجهه با آن، انقطاع فرهنگی را مطرح می‌کنند و رو به آینده دارند و با اعتقاد برآن برای از بین بردن آشفتگی‌ها در فعالیت های شهری، اصل مهم عملکرد را مطرح می‌نمایند و با منطقه بندی فعالیت‌ها براساس چهارکاربری اصلی، سکونت، رفت و آمد، اوقات فراغت و کار به دنبال نظم بخشیدن به شهر می‌باشند. (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱: ۱۷۲) این رویکرد، تلاشی برای ارتقای شهرسازی سنتی برای انطباق با زندگی مدرن امروز برای همه گروه‌های اجتماعی است. (واتسون، ۱۳۸۹: ۲۷۵).

حمل و نقل عمومی: تجهیز کردن زیرساخت‌ها و کف پوش پیاده روهای معابر شهری جهت سهولت در امر رفت و آمد، اختصاص کابین‌های خاص و مجهز در اتوبوس‌ها و قطارهای شهری(مترو) و... را شامل می‌شود

«شهـــر سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی مـــی تواند با سطوح پایین محرومیّت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیهٔ جمعی و غرور مدنی، دامنهٔ وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و جامعه شهری با طراوت توصیف گردد. شهر زیست پذیر، فضای اجتماعی زندگی و فعالیت انسان هاست که از یک سو، زاده کنش اجتماعی مردم است و از سوی دیگر، بر زندگی انسان‌ها حاکم می‌گردد. این نوع فضا به واسطه کیفیت متعالی و مجردی که حاصل همه روابط است خصلتی، کلی، کیفی و ادراکی دارد». (خادمی و جوکار سرهنگی، ۱۳۹۳: ۵۵) نظریه پردازان مکتب انسانگرایی از جمله: «کوین لینچ»، «پاتریک گدس»، "لوئیس مامفورد " و.. طی سال های (۱۹۳۲-۱۸۵٤)، برانجام بهسازی و نوسازی بر اساس بافت ارگانیک و سلسله مراتب عملکـــردی شهر قدیم و انطباق مکان و زمان در بنا یا مجموعه‌های شهری برای گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله کودکان، جوانان، سالمندان، معلولین و.. تاکید می ورزند. (برک پور و اسدی،۱۳۸۷: ۷۰)

عرضـــه و کیفیت مسکن: ماریسون ، [1]کالیستر [2]و ریگبـــی [3](۲۰۰۲) نشان می‌دهند که جدایی گزینی مسکونی، نابرابـــری اجتماعـــی – اقتصادی را منعکس می‌کند. به نظر بدکوک، زمین های شهـــری و بازارهای مسکن نیز در تقویـــت و انباشت نابرابری های آغازین ناشی از بازار کار تأثیرگذار است. به نظر وی، زندگی در منطقهٔ خوب به معنای دسترسی آسان به تسهیلات و امکانات با کیفیت بسیار بالاست که از لحاظ جغرافیایی به طور نابرابر توزیع شده است(ساج و وارد،۱۳۸۷ :۱۰٦). از سویی، جدایی گزینی که ناشی از نابرابری های اجتماعی- اقتصادی است، می‌تواند از سیاست های دولت‌ها متاثر شده باشد و دولت‌ها می‌توانند شرایط جدایی گزینی را بدتر کنند(Kaplan et al,2005:168). رکس و مور [4]منشا اساسی برخوردهای اجتماعی و ستیزه جویی‌های شهری را در رقابت برای دستیابی به منابع کمیاب شهری و انواع نیازهای شهروندان می‌دانند؛ چنان که الگوی نابرابری توزیع مسکن، پایه ای است برای ستیز بین گروه‌های متفاوتی که متقاضی دستیابی به منابع یکسان اند(افروغ،۱۳۷۷ :۱۲۳).

ب) دسته دوم رویکردها که در دو دهه اخیر بیشتر مورد توجه اندیشمندان و محققان قرارگرفته است، به آن مفاهیم و متغیرهایی اشاره دارد که به سطح روابط و کنش هایی متقابل انسانی(عاملین) مربوط می‌شود:

کیفیت زندگی: یکی از اولین چارچوب‌های نظام مند است که با تمرکز بر کیفیت زندگی و در زمینه‌ای اجتماعی، مفهومی فراگیر از کیفیت زندگی را پوشش می‌داد و در سال ۱۹۹۰ در کانادا مطرح گردید. این چارچوب بر دو فرض اساسی استوار بود: کیفیت زندگی فراتر از مفهوم نیازها، در ارتباط با فرآیندها و دستاوردهای خودمختاری و تحقق فردی قابل طرح است و نمی تواند مستقل از مناسبات روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابـــل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، باشد.

در میـــان رویکردهـــای ساختاری به کیفیت زندگی، برخی بر شرایط زندگی و کیفیت زندگی تمرکز دارند که کمال شرایط عینی و ذهنی متکی بر منابع و فرصت‌ها می‌شود و برخی نیز بر نسبیت فرهنگی کیفیت زندگی تأکید دارند. این دسته از رویکردها چند بعدی هستند و به طور جدی بر فرآیندهای علی و برهم کنشی اجتماعی و به ویژه بر نقش اساسی پویش‌های اقتصادی – اجتماعی و روابط اجتماعی تمرکز دارند «آنها در سطح فردی میان

1. Marrison
2. callister
3. Rigby
4. Rex & More

جنبه‌های شناختی و عاطفی رفاه ذهنی و میان ابزار (منابع و ظرفیت ها) و اهداف یا دستاوردهای (شرایط زندگی) رفاه عینی تمایز قائل می‌شوند. همچنین در سطح اجتماعی، دو سازه اصلی کیفیت زندگی را همبستگی اجتماعی و تداوم پذیری[1] می‌دانند». (فیلیبس[2]، ۲۰۰۶: ۱۶۷)

لاوتن (۱۹۸۳) بهزیستی و رفاه، در گرو توانایی‌ها و شایستگی‌های رفتاری و اجتماعی، کیفیت زندگی دریافت شـده، رفـاه و بهزیستی روان و محیط فیزیکی عینی و خارج از منزل را منعکس می‌داند و یک مفهوم چهارجانبه از زندگـی مطلـوب شهروندان را توسعه داد و بعدها آن را به عنوان تعریفی از کیفیت زندگی مطرح کرد. از نظر وی، کیفیـت زندگـی به وسیله ابعاد ذهنی (ارزیابی ذهنی فرد از هر بعـد زندگی)، روانی (شاخص‌های سلامت ذهنی، داوری شناختی از رضایت زندگی، تصورات مثبت و منفی)، بیرونی و عینی (فیزیکی) و در نهایت، محیطی (شاخص‌های منزل و اقتصاد) اندازه‌گیری می‌شود. او ابتدا مفهوم «زندگی خوب» را برای سالمندان به کار برد و بعدهـا ایـن مفهوم را به «کیفیت زندگی» برای محاسبه همه ابعاد زندگی تغییر داد (کاوه فیروز، ۱۳۹۱: ٤٦). بنا به تعریف سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی درک افراد از موقعیت خود در زندگی وابسته به فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می کنند، اهداف، انتظارات، استاندارد و اولویت هایشان است (Castel and at al,2007). بر این اساس، تغییر در الگوی بیماری‌ها که کاهش میزان بیماری‌های عفونی و افزایش طول عمر را به همراه داشته، منجر به افزایش توجه به مفاهیم سلامتی و کیفیت زندگی طی دهه‌های اخیر گردیده است (لند و یانگ ۲۰۰٦: ٤٠).

سرمایه اجتماعی: برخی از تئوری پردازان سرمایه اجتماعی آن را دارای دو بعد کیفی و کمی می‌دانند. از نقطه نظـر این افراد، بعد کمی به بحـث درگیری‌های مدنی و بعد کیفی آن به اعتماد اجتماعی می‌پردازد. از این نظر، سرمایـه اجتماعی کمیتی است که با لحاظ آن امکان ترمیـم و به گشت اجتماعی در عرصه اجتماعی به وجود آمده و بحث مشارکت را در زمینه‌های مختلف تقویت می‌نماید. از نظر بعد کیفی نیز اعتماد و ابعاد آن، انسجام و همبستگـی و ایجـاد حس همدلی و یگانگی مثبت بین عناصر شبکه‌های اجتماعـی امکان پذیر خواهد بود. (روسنفیلد و دیگران[3]، ۲۰۰۱: ۲۸۵).

در زمینه تبیین سرمایه اجتماعی به نظریات برخی از صاحب نظران آن می‌پردازیم. از نظر کلمن، بوردیو، پوتنام، فوکویاما، پاکستون، و.. اعتماد اجتماعی، مهمترین مولفه سرمایه اجتماعی است. اعتماد، احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیمی با میزان روابط اجتماعی دارد؛ بدین صورت که هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به جامعه بیشتر باشند به همان میزان، روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۲۱). هر کنش متقابل اجتماعی که در آن افراد به صورت آگاهانه، داوطلبانـه و کـم و بیش سازمان یافته با کمک متقابل به هم می‌آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد را مشارکت اجتماعی است. به طور کلی هدف از مشارکت، هم فکری و همکاری افراد جامعه در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و مولفه کلیدی برای تحقق و شکوفایی شخصیت انسانـی، توسعه متوازن اجتماعـی و جامعه مدنی می‌باشد. سرمایه اجتماعی از طریـق افزایش هزینه‌های بالقوه جداشدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده بستان، تسهیل جریان اطلاعات، از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۷۳).

1. Sustainability
2. Phillips
3. Rosenfild and others

بنا بر نظریه پیوستگی[1]، سالمندی یعنی آخرین مرحله زندگی، دنبالهٔ مراحل قبلی است. شرایطی که افراد دارند می‌توانند کاملاً با هم متفاوت باشند، اما سازگاری و روش زندگی معمولاً از طریق سبک ها، عادات و ذوق هایی که در تمام طول زندگی کسب شده است تعیین می‌شود. بنا براین نظریه، عادات، سلیقه‌ها و سبک های شخصی که در جریان زندگی کسب و فراهم شده است تا زمان پیری باقی می‌ماند. بهترین نشانه برای پیش بینی رفتارهای فرد در یک موقعیت معین همواره رفتار قبلی اوست. (Maddox,G. l:1996).

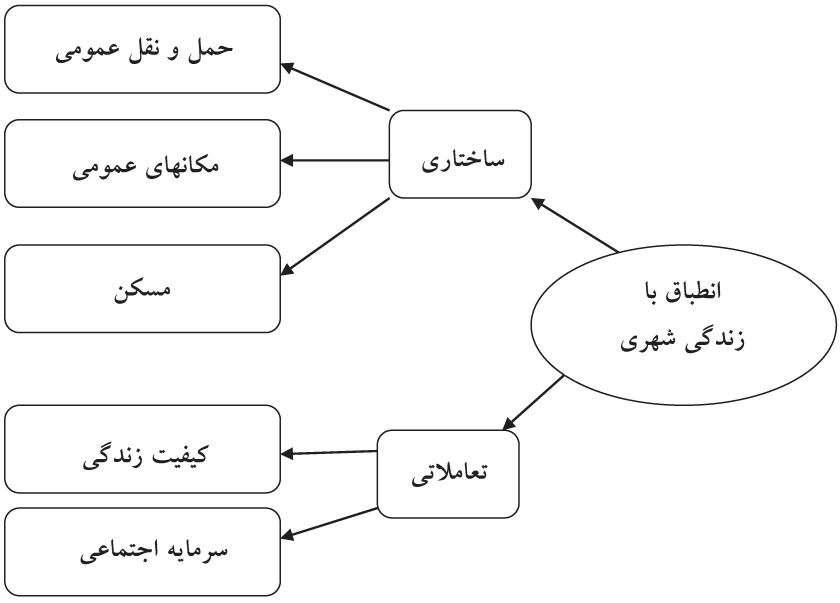

فرضیه‌های پژوهش

- سرمایه اجتماعی بر انطباق جوانان و سالمندان با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه سرمایه اجتماعی جوانان و سالمندان در شهر بیشتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.
- کیفیت زندگی بر انطباق جوانان و سالمندان با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه کیفیت زندگی جوانان و سالمندان در شهر بیشتر باشد میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.
- حمل و نقل بر انطباق گونه‌های جوانان و سالمندان با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه حمل و نقل در شهر بهتر باشد میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.
- عرضه و کیفیت مسکن بر انطباق جوانان و سالمندان با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه عرضه و کیفیت مسکن در شهر بهتر باشد میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.
- مکان‌های عمومی بر انطباق گونه‌های جوانان و سالمندان با زندگی شهری تاثیرگذار است؛ به طوری که هرچه مکان‌های عمومی در شهر بهتر باشد میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

1. Continuty theory

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

انطباق یا سازگاری با زندگی شهری

تعریف نظری: طبق تعریف انجمن روان پزشکان آمریکا (۱۹۹٤) هماهنگ ساختن رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی که اغلب مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجان‌ها یا نگرش هاست (نقل از حجاری، ۱۳۸٤).

تعریف عملیاتی: برای تعریف عملیاتی انطباق اجتماعی، گویه‌هایی برای چهار شاخص زیر ساخته شدند: احساس مسئولیت به مجتمع، تمایل به ادامه سکونت در مجتمع، تلاش برای پیشرفت محله و علاقه به شهر.

کیفیت زندگی

تعریف مفهومی: طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، «درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان می‌باشد. پس کاملاً فردی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و به درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی‌شان استوار است.» (نصیری، ۱۳۸۵: ۱۷)

تعریف عملیاتی: به اعتقاد سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی افراد را باید با توجه به ٤ بعد مورد سنجش و ارزیابی قرار داد که عبارت اند از: سلامت فیزیکی، سلامت روانی، روابط و ارتباطات اجتماعی و سلامت محیط.

سرمایه اجتماعی

تعریف نظری: به نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد – شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد – اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب منافع متقابل را تسهیل می‌کند(پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۹).

تعرف عملیاتی: در این پژوهش سرمایه اجتماعی بر مبنای شاخص‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی سنجیده شده است.

حمل و نقل عمومی

تعریف نظری: عبارت است از: «خدمات حمل و نقل که در دسترس عموم قرار دارد. حمل‌ونقل عمومی بین‌شهری بیشتر توسط خطوط هواپیمایی، اتوبوس‌های بین‌شهری و خطوط ریلی بین‌شهری انجام می‌شود. شبکه‌های قطارهای پرسرعت نیز در بسیاری از مناطق جهان توسعه‌یافته است».(سایت حمل و نقل عمومی شهری، ۱۳۹٤)

تعریف عملیاتی: جهت سنجش این متغیر، سوالاتی در نظر گرفته شده است. تعداد باجه‌های موجود برای رفت و آمد، راحتی دسترسی به اتوبوس ها، نحوه دسترسی به مترو، دسترسی به تاکسی، نحوه دسترسی به خیابان (نفوذپذیری) و ایجاد محل پارک در محل سکونت خود، کیفیت و کمیت عرض معابر محل سکونت، میزان خوانایی و روان بودن علائم راهنمایی و رانندگی، میزان خوانایی و شناسایی ورودی‌های محله و میزان احساس امنیت از تردد و رفت و آمد در محله.

مکان‌های عمومی و خدمات شهری

تعریف نظری: فضاهایی که جنبه همگانی دارند. شناخت و طبقه بندی فعالیت‌ها در مورد خدمات شهری، وابستگی شدیدی به نحوه مدیریت شهری دارد، چرا که تعیین حوزه عملی فعالیت‌ها در زمینه خدمات شهری نیازمند تعیین نحوه مدیریت شهری و تعیین روابط بخشی– منطقه ای است.

تعریف عملیاتی: با توجه به شاخص‌های هر کدام از انواع خدمات شهری، سوالاتی با طیف لیکرت ساخته

شد: آثار و ابنیه تاریخی، هنری، مذهبی، فرهنگی در سطح منطقه زندگی خود، بهسازی و زیبا سازی فضای پیاده منطقه سکونت خود، وجود مراکز خرید، رستوران‌ها و... در سطح منطقه سکونت خود، مدیریت سیستم دفع زباله و پاکیزگی فضاهای عمومی شهری منطقه سکونت خود، پاکیزگی و زیبایی محیط شهری منطقه سکونت، کیفیت فضاهای عمومی در محله، میزان تناسب فضاهای عمومی با نیازهای محله، زیبایی و نشاط فضاهای عمومی در محله، انسجام و پیوستگی بلوک‌های ساختمانی در محله، وضعیت نورپردازی فضاهای عمومی در محله و وجود فضایی برای گذراندان اوقات فراغت در محله.

کیفیت و عرضه مسکن

تعریف نظری: مسکن به مکانی با امکانات مکفی برای اقامت گفته می‌شود که یک یا چند خانوار به عنوان خانمان از آن استفاده کنند. خانه، آپارتمان، خانه سیار و خانه شناور انواع مسکن هستند.

تعریف عملیاتی: برای سنجش کیفیت و عرضه مسکن از گویه‌های زیر استفاده شده است: تنوع و زیبایی ظاهری ساختمان‌های محله از نظر شکلی، مناسب بودن رفت و آمد در محوطه ساختمان، کیفیت غالب و مقاومت ساختمان، سطح زیر بنای واحد مسکونی، میزان رضایت از محله، هماهنگی و نظم مجتمع یا همسایگان و امنیت محله و مجتمع.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش مراحل انجام کار براساس الگوی روش علمی تنظیم شده است؛ به این ترتیب که پس از طرح پرسش آغازین، مطالعات اکتشافی و مقدماتی توسط محقق صورت گرفت، سپس، متون نظری مربوط با موضوع مورد مطالعه گردآوری و بعد از آن، روش شناخت موضوع پژوهش متناسب با موضوع پژوهش و داده‌ها تعیین شد. روش تحقیق در این پژوهش، شیوه پیمایشی است و اطلاعات آن براساس پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه جوانان و سالمندان شهر تهران است که جمعیت جوان(۱۸تا ۲۹سال) ۳۰۹۷۶۰۶ و جمعیت سالمند بالای ٦٥ سال ۸٦٦۲۲۰ می‌باشد. بنابراین سهم جوانان بیشتر است و سعی شده در نمونه گیری درصد بالاتری به جوانان اختصاص یابد.

با استفاده از فرمول کوکران ۳۸٤ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید که برای جلوگیری از ریزش احتمالی حاصل از پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۳۸۸ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شد. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ آمار جوانان و سالمندان تهران به شرح زیر است:

جمعیت جوان(۱۸تا ۲۹سال) ۳۰۹۷٦۰٦+جمعیت سالمند بالای٦٥ سال ۸٦٦۲۲۰= ۳۹٦۳۸۲٦

$$n = \frac{N\,t^2\,p(1-p)}{N\,d^2 + t^2 p(1-p)} = \frac{3963826 * 1/96^2 * 0/5\,(1-0/5)}{3963826 * 0/06^2 + 1/96^2 * 0/5\,(1-0/5)} \simeq 384$$

روش نمونه گیری خوشه ای است. یک نمونه خوشه ای، نمونه ای احتمالی است که در آن هر واحد نمونه گیری، مجموعه یا گروهی از اعضاست. در تحقیق حاضر از مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران هر کدام یک منطقه را جهت مراجعه و ارائه پرسش نامه‌ها انتخاب شدند: منطقه ۲، ٤، ۲۲، ۲۰و ۷.

برای جمع آوری داده‌های این تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. سوالات پرسشنامه شامل

طیف‌های مدرج، بسته و چند گزینه ای بوده است. برای این منظور پس از تهیه پرسشنامه و بررسی روایی آن، پرسشنامه به تعداد ۳۰ مورد تکثیر و آزمون مقدماتی تهیه گردید. پس از اصلاحات، پرسشنامه نهایی آماده و کار جمع آوری داده‌ها انجام شد. برای آزمون پایایی، از آلفای کرونباخ استفاده گردید که میزان آلفای کل ۰/۷۷ بود و چون آلفای همه متغیرها بالای ۰/۷ است، بنابراین قابل قبول می‌باشد.

جدول۱: میزان آلفای به دست آمده در بررسی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه اولیه	تعداد گویه نهایی	ضریب همبستگی(آلفا)
سرمایه اجتماعی	۳۲	۳۰	۰/۷۱
کیفیت زندگی	۲۷	۲٦	۰/۷۳
حمل و نقل	۹	۹	۰/۸۷
مکان‌های عمومی	۱۰	۱۰	۰/۸۵
عرضه خدمات شهری	۱۳	۱۰	۰/۷۱
کل	۹۱	۸۵	۰/۷۷

پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه، داده‌های کمی با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

مشخصات پاسخگویان

حجم نمونه ۳۸٤ نفر است، اما برای کاهش احتمال خطا از ۳۸۷ جوانان و سالمندان شهر تهران خواسته شد که به سوالات پرسشنامه پاسخ دهند. در این قسمت به خلاصه نتایج پرداخته می‌شود:

بیشتر پاسخگویان، جوان هستند(٥٤/٤ درصد) و٤٥/٦ درصد از آنان را سالمندان تشکیل می‌دهند.

بیشتر پاسخگویان، زن هستند (٥٢ درصد) و ٤٨ درصد از آنان را مردان تشکیل می‌دهند.

از نظر منطقه سکونت، ۱۷ درصد در منطقه ٤ ، ۲۱/۳ درصد در منطقه ۲ ، ۲۱/۷ در منطقه ۷، ٦/ ۱۹درصد در منطقه ۲۰ و ۱۸/۱ درصد در منطقه ۲۲ تهران زندگی می‌کنند.

از نظر وضعیت تاهل، ۳٤/۸ درصد مجرد، ٥۸/۸ درصد متاهل، ٤/۱ درصد همسر فوت شده و ۲/۳ درصد مطلقه هستند.

توصیف گونه‌های جوانان از نظر انطباق با زندگی شهری

جدول فراوانی زیر، گونه‌های جوانان را از نظر انطباق با زندگی شهری را نشان می‌دهد. ۲۳/۲ درصد از پاسخگویان با زندگی شهری انطباق پیدا نکرده اند. ٦۳ درصد بصورت نسبی منطبق هستند و ۱۳/۸ درصد هم کامل با زندگی شهری انطباق پیدا کرده اند. میانگین ۱/۹۰٦ و انحراف معیار ۰/۳۰۷ می‌باشد. بنابراین بیشتر جوانان با زندگی شهری انطباق نسبی یافته اند.

جدول۲: توزیع فراوانی و درصدی برحسب جوانان از نظر انطباق با زندگی شهری

جوانان از نظر انطباق با زندگی شهری	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی	میانگین	انحراف معیار
عدم مطابقت	٤٥	٢٣/٢	٢٣/٢	١/٩٠٦	٠/٣٠٧
انطباق نسبی	١٢٢	٦٣	٨٦/٢		
انطباق کامل	٢٦	١٣/٨	١٠٠		
جمع	١٩٣	١٠٠			

توصیف گونه‌های سالمندی از نظر انطباق با زندگی شهری

جدول فراوانی زیر، گونه‌های سالمندان را از نظر انطباق با زندگی شهری پاسخگویان را نشان می‌دهد. ۵۰/۳ درصد از پاسخگویان با زندگی شهری انطباق پیدا نکرده اند،۳۸/٦ درصد به صورت نسبی منطبق هستند و ۱۱/۱ درصد هم کامل با زندگی شهری انطباق یافته اند. میانگین ۱/۹۰٦ و انحراف معیار ۰/۳۰۷ می‌باشد. بنابراین بیشتر سالمندان نتوانسته اند با زندگی شهری انطباق بیابند.

جدول۳: توزیع فراوانی و درصدی برحسب گونه‌های سالمندی از نظر انطباق با زندگی شهری

سالمندان از نظر انطباق با زندگی شهری	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی	میانگین	انحراف معیار
عدم مطابقت	٩٧	٥٠/٣	٥٠/٣	١/٦٠٨	٠/٣٤٦
انطباق نسبی	٧٦	٣٨/٦	٨٨/٩		
انطباق کامل	٢١	١١/١	١٠٠		
جمع	١٩٤	١٠٠			

آزمون فرضیه‌های پژوهش

۱. کیفیت زندگی بر انطباق با زندگی شـــهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه کیفیت زندگی افراد در شهر بیشتر باشد میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

بـــرای انطبـــاق متغیر کیفیت زندگی جوانان و سالمندان شهر تهران با انطباق با زندگی شهری از آزمون T تک نمونه ای استفاده شد. جدول زیر نتیجه حاصل از این بررسی را نشان می‌دهد.

مقدار میانگین به دست آمده ۲/۸۵۳ می‌باشد که با میانگین فرضی انطباق با زندگی شهری (٤)، ١/١٤٦-اختلاف دارد. درجه آزادی ۳۸۲ می‌باشد. به عبارتی، بین کیفیت زندگی و انطباق با زندگی شهری تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معناداری آزمون تی تک نمونه ای، می‌توان دریافت که رابطه معناداری بین مقدار آزمون و میانگین مشاهده شده وجود دارد.

جدول٤: آزمون تی تک نمونه ای برای متغیر کیفیت زندگی

آزمون تی تک نمونه‌ای	Test Value	سطح معناداری	T	درجه آزادی	میانگین	تفاوت میانگین	تعداد
کیفیت زندگی	٤	۰/۰۰۰	۲۱/۹۲٦	۳۸۲	۲/۸۵۳	-۱/۱٤٦	۳۸۳

۲. سرمایه اجتماعی بر انطباق با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه سرمایه اجتماعی جوانان و سالمندان در شهر بیشتر باشد میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

مقدار میانگین به دست آمده ۲/۷۹۷ می‌باشد که با میانگین فرضی انطباق با زندگی شهری(٤)، ۱/۲۰۳-اختلاف دارد و درجه آزادی ۳۸۷ می‌باشد. پس می توان نتیجه گرفت بین سرمایه اجتماعی و انطباق با زندگی شهری تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که هرچه سرمایه اجتماعی افراد در شهر بیشتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

جدول۵: آزمون تی تک نمونه ای برای متغیر سرمایه اجتماعی

آزمون تی تک نمونه‌ای	Test Value	سطح معناداری	T	درجه آزادی	میانگین	تفاوت میانگین	تعداد
سرمایه اجتماعی	٤	۰/۰۰۰	۲۲/۰۱۳	۳۸۷	۲/۷۹۷	-۱/۲۰۷	۳۸۷

۳. عرضه و کیفیت مسکن بر انطباق با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه عرضه و کیفیت مسکن در شهر بهتر باشد میزان انطباق افراد با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

مقدار میانگین به دست آمده ۲/٦٤۸ می‌باشد که با میانگین فرضی انطباق با زندگی شهری(٤)، ۱/۳۵۱-اختلاف دارد و درجه آزادی ۳۸٦ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری آزمون تی تک نمونه ای، می‌توان گفت که رابطه معناداری بین مقدار آزمون و میانگین مشاهده شده وجود دارد. همچنین، عرضه و کیفیت مسکن بر انطباق با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه عرضه و کیفیت مسکن در شهر بهتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد.

جدول٦: آزمون تی تک نمونه ای برای متغیر عرضه و کیفیت مسکن

آزمون تی تک نمونه ای	Test Value	سطح معناداری	T	درجه آزادی	میانگین	تفاوت میانگین	تعداد
عرضه و کیفیت مسکن	٤	۰/۰۰۰	۲۵/٤۲۰	۳۸٦	۲/٦٤۸	-۱/۳۵۱	۳۸۷

٤. حمل و نقل بر انطباق با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه حمل و نقل در شهر بهتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

مقدار میانگین به دست آمده ۲/۷۹۲ می‌باشد که با میانگین فرضی انطباق با زندگی شهری(٤)، ۱/۲۰۷- اختلاف دارد و درجه آزادی ۳۸۵ می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مقدار آزمون و میانگین مشاهده شده وجود دارد. حمل و نقل بر انطباق افراد با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه حمل و نقل در شهر بهتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد.

جدول۷: آزمون تی تک نمونه ای برای متغیر حمل و نقل

آزمون تی تک نمونه‌ای	Test Value	سطح معناداری	T	درجه آزادی	میانگین	تفاوت میانگین	تعداد
حمل و نقل	٤	۰/۰۰۰	۲۳/٤۰٤	۳۸۵	۲/۷۹۲	-۱/۵۸۵	۳۸٦

۵. مکان‌های عمومی بر انطباق با زندگی شـهری تاثیرگذار اسـت؛ به طوری که هرچه مکان‌های عمومی در شهر بهتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد.

مقدار میانگین به دست آمده ۲/٤۱٤ می‌باشد که با میانگین فرضی انطباق با زندگی شهری(٤)، ۱/۵۸۵- اختلاف دارد و درجه آزادی ۳۸۵ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری آزمون تی تک نمونه ای، می‌توان گفت که مکان‌های عمومی بر انطباق با زندگی شهری تاثیرگذار است؛ به طوری که هرچه مکان‌های عمومی در شهر بهتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد.

جدول۸: آزمون تی تک نمونه ای برای متغیر مکان‌های عمومی

آزمون تی تک نمونه‌ای	Test Value	سطح معناداری	T	درجه آزادی	میانگین	تفاوت میانگین	تعداد
مکان‌های عمومی	٤	۰/۰۰۰	۳۲/۵۰۰	۳۸۷	۲/٤۱٤	-۱/۵۸۵	۳۸۸

بررسی متغیرها بر اساس گروه اجتماعی پاسخ دهندگان(آزمون مقایسه میانگین دو جامعه)

جدول زیر نتایج به دست آمده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل را برای متغیرهای پژوهش بر اساس گروه اجتماعی پاسخ دهندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۹: بررسی میانگین متغیرهای پژوهش بر اساس گروه اجتماعی (جوانان و سالمندان)

متغیر	گروه اجتماعی	میانگین	انحراف معیار
سرمایه اجتماعی	جوانان	۳/۶۳۷۸	۰/۹۰۵۶۲
	سالمندان	۳/۶۲۶۵	۰/۸۵۱۲۷
کیفیت مسکن	جوانان	۳/۲۲۰۵	۰/۹۰۷۷۶
	سالمندان	۲/۸۹۱۶	۰/۹۸۷۸۸
کیفیت زندگی	جوانان	٤/۰٦۳۰	۱/۰۲۹۳۲
	سالمندان	٤/۲۰٤۸	۰/۸۲۲۸۳
حمل و نقل	جوانان	٤/۱۳۳۹	۰/۸۰۰٤۲
	سالمندان	۳/۸۷۹۵	۰/۹۱۵۹۵
مکان‌های عمومی	جوانان	۳/۲۲۰۵	۱/۱٦۷۷۸
	سالمندان	۳/۳۷۳۵	۱/۰۷۸۷٤

طبــق جدول بالا، جوانان از نظر ابعاد سرمایه اجتماعی با میانگیــن(۳/۳٦)، کیفیت مسکن(۳/۲۲) و حمل و نقل(٤/۱۳)، نسبت به سالمندان از وضعیت رضایت بیشتری دارند. از نظر انطباق با زندگی شهری در بعد کیفیت زندگی(٤/۰٦) و مکان‌های عمومی(۳/۲۲)، سالمندان رضایتمندی بیشتری نسبت به جوانان دارند.

جدول ۱۰: بررسی تفاوت بین متغیرهای تحقیق

متغیر	Z	معنی داری	نتیجه
سرمایه اجتماعی	-۰/۲۸٤	۰/۷۷٦	عدم وجود تفاوت معنی دار
کیفیت مسکن	-۲/۱۷۹	۰/۰۲۹	وجود تفاوت معنی دار
کیفیت زندگی	-۰/۵۸۹	۰/۵۵٦	عدم وجود تفاوت معنی دار
حمل و نقل	-۱/۹۹۷	۰/۰٤٦	وجود تفاوت معنی دار
مکان‌های عمومی	-۱/۰٦۵	۰/۲۸٦	عدم وجود تفاوت معنی دار

بــا توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که بین متغیــر گروه‌های جوانان و سالمندان و حمل و نقل و کیفیت مسکــن تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که گروه جوانان بیشتر از کیفیت و نوع مسکن رضایت دارند و درجــه انطباق آن‌هــا با این متغیر بیشتر از سالمندان است. همچنین جوانان از نظر انطباق با حمل و نقل شهری انطباق یافته تر هستند، اما برای سایر متغیرهای پژوهش اختلاف معنی داری (معنی داری کمتر از ۰/۰۵) بین دو گروه جوانان و سالمندان وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

تغییـــرات در زندگی شهری روز به روز محســـوس تر می‌شود. آنچه اهمیت دارد، انطباق گروه‌های اجتماعی از قبیل جوانان و سالمندان با زندگی شهری است. نقش جوانان در ساختار جامعه مهم و ارزنده تلقی می‌گردد و یکـــی از راه‌هـــای پیشرفت و ترقی کشور ها، سرمایه گذاری بر روی جوانان و نسل آینده شان می باشد که به عنوان نیروی فعال و متحرک، پرتلاش و با احساس می توانند نقش مهمی در پیشرفت جامعه داشته باشند. لذا این سرمایه گذاری باید به سمتی پیش برود که آرامش ذهنی آنان در جامعه پرتلاطم شهری تا حد زیادی تامین شـــود؛ یعنی آنـــان در شهر احساس تعلق اجتماعی را داشته باشند و خود را با زندگی شهری تا حدی که امکان دارد، انطباق دهند.

در حال حاضر شهر تهران نیز مانند بسیاری از شهرهای کشور مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت از جوانی بـــه سالخوردگی را تجربه می‌کند، زیرا تهران به عنـــوان بزرگ ترین و پرجمعیت ترین کلانشهر کشور، شرایط اقتصادی، اجتماعی و ساختار جمعیتی متفاوتی از سایر مناطق شهری کشور را دارد. اگرچه شهروندان هنوز از امکانات و فضای مناسب برخوردار نیستند و تا رسیدن به شرایط زندگی مطلوب شهری فاصله بسیاری دارد؛ به طوری که سهم مناسبی از فضاهای عمومی، رسانه‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی اختصاص نیافته و بسیاری از فضاهـــای عمومی و خصوصی شهر برای استفاده افراد جامعه، سالم‌سازی نشده است و ممکن است به دلیل مناسب نبودن فضای شهری برای آن‌ها مشکلاتی به وجود می‌آید. این موضوع می‌تواند موجب عدم انطباق میان آنها با فضای شهری شود و تعاملات و ارتباطات آنها را تحت تاثیر قرار دهد.

در این تحقیق جوانان و سالمندان از نظر لحاظ زندگی شهری، گونه شناسی شده اند که جوانان در سه دسته اصلـــی قرار می‌گیرند: ۲۳/۲ درصد از پاسخگویان با زندگی شهری انطباق پیدا نکرده اند. ٦۳ درصد به صورت نسبی منطبق هستند و ۱۳/۸ درصد هم کامل با زندگی شهری انطباق پیدا کرده اند. بنابراین بیشتر جوانان با زندگی شهری انطباق نسبی یافته اند.

گونه‌های سالمندی از نظر انطباق با زندگی شهری به این صورت است: ۵۰/۳ درصد از پاسخگویان با زندگی شهری انطباق پیدا نکرده اند. ۳۸/٦ درصد بصورت نسبی منطبق هستند و ۱۱/۱ درصد هم کامل با زندگی شهری انطبـــاق پیدا کرده اند. میانگین ۱/۹۰٦ و انحراف معیـــار ۰/۳۰۷ می‌باشد. بنابراین بیشتر سالمندان نتوانسته اند با زندگی شهری انطباق بیابند.

بررسی فرضیه اول پژوهش نشان داد که کیفیت زندگی بر انطباق با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری کـــه هرچه کیفیت زندگی افراد در شهر بیشتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد شد. نتیجه آزمـــون ایـــن فرضیه با نتیجه تحقیقات انریکو سیسیل و النا مولتنی(۲۰۱٦)، وای و همکـــاران درسال (۲۰۰۹) و شیخی(۱۳۸۹)همراستاست.

در فرضیـــه دوم تعاملاتی، سرمایه اجتماعی بر انطباق با زندگی شهـــری تاثیرگذار است؛ به طوری که هرچه سرمایه اجتماعی افراد در شهر بیشتر باشد، میزان انطباق آنها با زندگی شهری بیشتر خواهد بود. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات سرمایه اجتماعی ضابطیان و تقوایی(۱۳۸۸) همخوانی دارد.

در بحـــث فرضیه‌هـــای ساختاری می‌توان نشـــان داد که عرضه و کیفیت مسکن بر انطبـــاق با زندگی شهری تاثیـــر گـــذار است؛ به گونه ای که هرچه عرضه و کیفیت مسکن در شهر بهتر باشد، میزان انطباق افراد با زندگی

شهـــری بیشتر خواهد. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات واکوانت (۲۰۰۸)، سویج و همکاران(۲۰۰۳)، رادوین،گاسمانو و باتلر(۲۰۰۶) و زینب کاوه فیروز(۱۳۹۱) همراستاست.

این پژوهش نشان داد که حمل و نقل بر انطباق با زندگی شهری تاثیر گذار است؛ به طوری که هرچه حمل و نقل در شهر بهتر باشد، میزان انطباق افراد با زندگی شهری بیشتر خواهد بود. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات انریکو سیسیل و النا مولتنی(۲۰۱٦) و وای و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد.

آخریـــن فرضیه ساختاری مویـــد تاثیرگذاری مکان‌های عمومی بر انطباق با زندگـــی شهری است؛ به طوری کـــه هرچـــه مکان‌های عمومی در شهر بهتر باشد، میزان انطباق افـــراد با زندگی شهری بیشتر خواهد بود. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیقات انریکو سیسیل و النا مولتنی(۲۰۱٦)، وای و همکاران (۲۰۰۹) و ضابطیان و تقوایی(۱۳۸۸) همراستاست.

بنابراین آنچه که در این مقاله مد نظر قرار گرفته است، اشاره به مقوله‌های اجتماعی و شهری با عنوان متغیرهای ساختاری و تعاملاتی نظیر توجه به ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی–شهری، توجه به لزوم نظارت اجتماعی غیر رسمی در شهر، توجه به رضایت افراد جامعه از خدمات رسانی و برنامه ریزی توسط مدیریت شهری، توجه سیاستگذاران کلان شهری به خدمت گرفتن گروه‌های اجتماعی جوانان و سالمندان و جذب آنان به مشارکت در تصمیمات و برنامه‌های شهری، فرهنگ سازی چگونگی برخورد مناسب از سوی شهروندان با رده‌های مختلف سنی در سطح شهر از طریق برنامه‌ها و آموزش رسانه ای و حمایت‌های مالی، بهداشتی و ورزشی می‌باشد. در زمینه انطباق شهری باید گفت که اجتماعات انسانی و انطباق اجتماعی انسان‌ها دو مقوله مرتبط به هم هستند. اعضـــای هر جامعه ای نه تنهـــا ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را از دیگران می‌آموزنـــد و رفتارهای خود را با دیگران تطبیق می‌دهند، بلکه به لحاظ شخصیتی که دارند تمایلات، نیازها و آرزوهای خود را نیز با این کنش‌ها همسو و همنوا می‌کنند. همانطور که نشان داده شد جوانان از نظر ابعاد سرمایه اجتماعی با میانگین(۳/۳٦)، کیفیت مسکن(۳/۲۲)، حمل و نقل(٤/۱۳)، نسبت به سالمندان از وضعیت رضایت بیشتری دارند. از نظر انطباق با زندگی شهری در بعد کیفیت زندگی(٤/۰٦) و مکان‌های عمومی(۳/۲۲)، سالمندان رضایتمندی بیشتری نسبت به جوانان دارند.

پیشنهادها

در نهایت پیشنهاد می‌شود:

- همانطور که در این تحقیق نشان داده شد سرمایه اجتماعی بر انطباق با زندگی شهری تاثیرگذار است. بنابراین باید نهادهای عمومی دولتی و NGOهای حوزه سالمندان و جوانان از سوی دولت تقویت شوند و تشویق برای عضویت و فعالیت بیشتر در آنها در جهت افزایش انطباق با زندگی شهری تداوم یابد.
- فیلم و سریال های تلویزیونی پیرامون زندگی شهری و امکانات و پتانسیل‌های آن و آگاه نمودن هر چه بیشتر خانواده‌هـــا از مراحل زندگـــی، ارزش نهادن و مراقبت از گروه سنی سالمندان و کمک به بهره مندی بیشتر از امکانات زندگی شهری تولید شوند.
- این تحقیق نشان داد که از جمله عوامل انطباق، حمل و نقل و امکانات شهری هستند. بنابراین آموزش سبک زندگـــی سالم به کودکان، جوانان و میانســـالان در راستای مواجه شدن با یک زندگی سالمندی سالم و موفق

و بهره گیری بیشتر از امکانات شهری مثل وسایل حمل و نقل عمومی و مکان‌های عمومی در شهر پیشنهاد می‌شود.

- دریافتیم که کیفیت زندگی از جمله متغیرهای تاثیر گذار در انطباق با زندگی شهری است. پس فراهم نمودن شرایطی که جوانان و سالمندان بتوانند نیازهای روانی و عاطفی خود را به راحتی برآورده کنند، مانند ایجاد مراکز روزانه فعال مثل فضاهای ورزشی، گفتگو و.. که امکان گذران و انجام فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و حتی درآمدزایی در آنجا وجود داشته باشد تا کیفیت زندگی آنها بالا رود و احساس تعلق آنها به شهر افزوده شود، پیشنهاد می‌شود.

منابع

- افـروغ، عمـاد. (۱۳۷۷). «**فضا و نابرابری اجتماعی؛ ارائه الگویی بـرای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن**». پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- برک پور، ناصر و اسدی، ایرج. (۱۳۸۷). «**نظریه‌های مدیریت و حکمروایی شـهری**». طرح پژوهشی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدرن**. محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات سلام
- توحیدی، مریم. (۱۳۹۰). **بررسی وضعیت سالمندی در شهر تهران**. فلاح
- جعفری، طاهره. (۱۳۹۵). «**بررسـی جایگاه اجتماعی سالمندان در خانواده با تاکید بر نقش رسانه (تلویزیون) در این جایگاه**». پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خادمی، امیرحسین و جوکار سرهنگی، عیسی. (۱۳۹۳). «**ارزیابی کیفیت زندگی شهری**». فصلنامه برنامه ریزی شهری. سال دوم، شماره ۳، صص ٦۱-٤۷.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۹۳). **جامعه شناسی جوانان ایران**. تهران: نشرآگه
- سید میرزایی، سید محمد و رشتیانی، آذر. (۱۳۹٤). **مقاله گزارشـی «نگاهی به پدیده سـالمندی در ایران»**. طرح ارزیابی وضعیت اجتماعی کشور، وزارت کشور.
- شفرز برنهارد. (۱۳۹۵). **مبانی جامعه شناسی جوانان**. کرامت الله راسخ. چاپ دهم، نشر: نی
- ضابطیان، الهام و علی اکبر، تقوایی. (۱۳۸۸). **شـاخص‌های مناسب سازی فضاهای شهری دوستدار سالمندان با استفاده از رویکرد مشارکت مسکن و محیط روستا**.
- عباسی اسفجیر، علی اصغر؛ سام، شیما و امیریان، ریحانه. (۱۳۹۲). «**شکاف نسلی در ارزش ها: بررسی مقایسه جوانان و سالمندان**». مطالعات علوم اجتماعی ایران. پاییز ۱۳۹۲, دوره ۱۰، شماره ۳۸ ، از صفحه ۱٦۲ تا صفحه ۱۸۵.
- علی وند، علی نور و همکاران. (۱۳۹٤). **جامعه شناسی شهری**. جلد دوم، تهران، انتشارات جامعه شناسان
- کاوه فیروز، زینب. (۱۳۹۱). «**بررسـی کیفیت زندگی سـالمندان شـهر تهران بـا تاکید بر عوامل جمعیتی، اجتماعی**». پایان نامه دکتری جمعیت شناسی.
- Andrea e. willson. (2006). **"The sociology of aging".** University of Western Ontario
- Balfour, J.L. & Kaplan, G.A. (2002). **"Neighborhood environment and loss of physical function in older adults: evidence from the Alameda County Study".** American Journal of Epidemiology,NO.6.
- House of lords. (2012). **"House of lords. Ready for Ageing? Authority of the House of Lords".** London: The Stationery Office Limited
- Kalache, Alexandre. (2002). **"Compression of morbidity and active ageing: key priorities for public health policy in the 21st century".**
- Kaplan, H. I., & Sadock. B. J. (2005). **Synopsis Psychaiatry Behavioral Science/ Clinical Psychaiatry(9)Baltimor:** Williams&Wikins,685-699.
- Kinsella, K, Phillips D.R. (2006). **"Epidemiology in Old Age".** P. 33, London, BMJ.
- Lunenfeld, B. (2003). **"Androgen therapy in the aging male".** World Journal of Urology.

- Stuart-Hamilton, I.(2006). **The Psychology of Ageing: Introduction**. London, Jessica Kingsley Publishers.
- Department of Economic and Social Affairs. (2013). **World Population Ageing.** United Nations, New York.

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

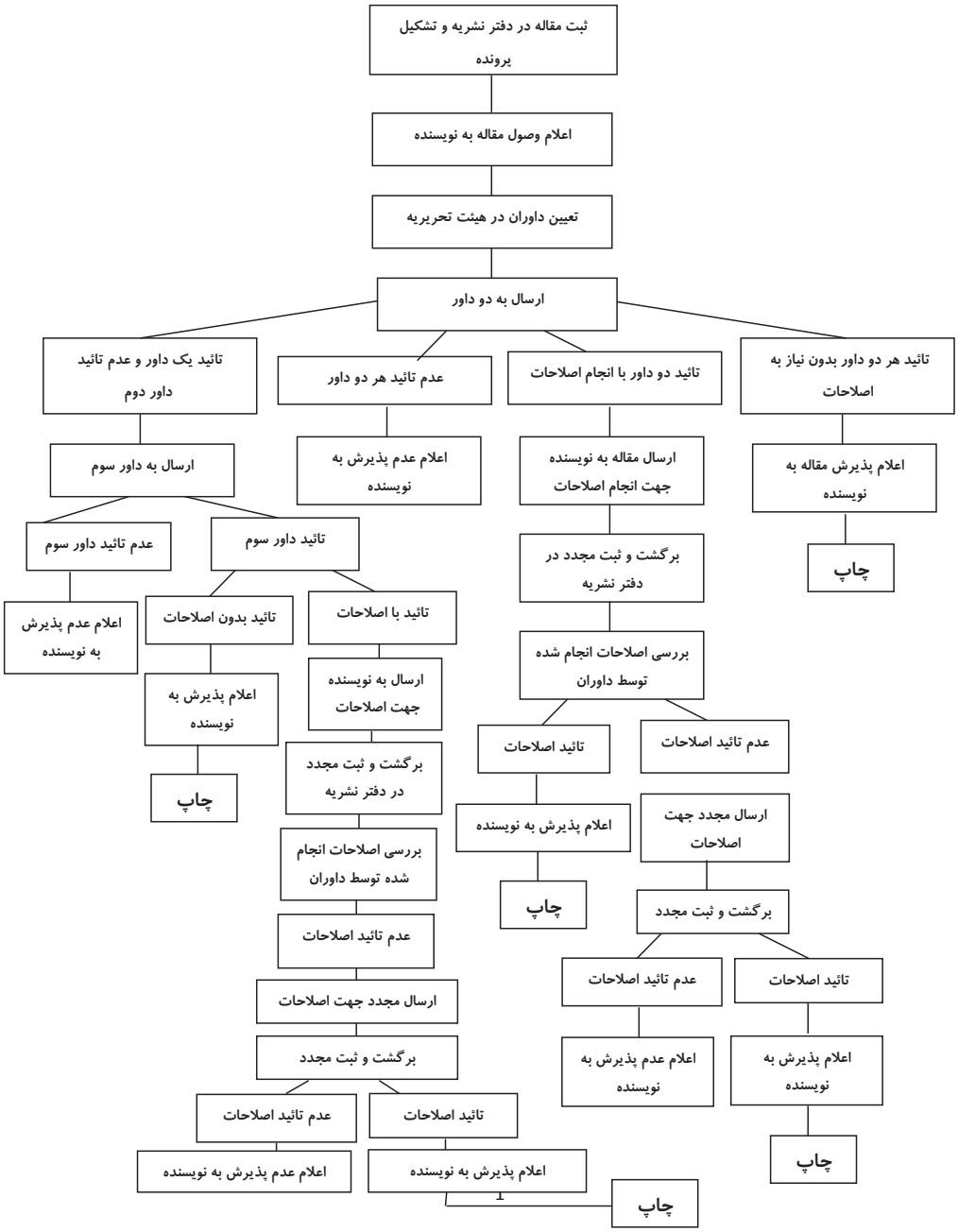

A Sociological Study on Youth and Aging in Tehran and its Degree of Adaptation to Urban Life

Mohammad Ahmadi Zeydkandi

Ph.D. Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Alieh Shekar Beygi

Ph.D., Full Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Omid Ali Ahmadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Received:15 Jan. 2018

Accepted:14 Apr. 2018

The article is a **"**Sociological study of youth and aging in Tehran and its degree of adaptation to urban life». In theoretical foundations, theories of Owen, Fourier, Richardson, Watson, Kevin Lynch, Fylybs, Lavtn and Putnam are used in two structural and interactive dimensions and at the end of the research theoretical model is designed. The statistical population is all the youth and aging in Tehran. According to the Cochran formula, the sample size was 388 in the 2,4,22, 7 and 20 regions. Sampling was done by cluster and then by simple random sampling. This research was conducted using a survey method. The data gathering tool was a researcher-made questionnaire. The Validity of the questionnaire was measured according to the views of experts and professors and reliability of the questionnaire was obtained by Cronbach›s alpha for all dimensions of the questionnaire higher than 0/7, which is acceptable. After data collection, data were analyzed based on descriptive and inferential statistics and using SPSS software. The result of the hypothesis with t-test showed that there is a significant relationship between the quality of life and social capital in the human dimension, and in the structural dimension of housing situation, public space, and transportation with the degree of adaptation to urban life. Young people are more satisfied with the situation in terms of social capital with an average of 3.36, quality of housing (3/22), and transportation (4/13). In terms of adaptation to urban life in terms of quality of life (4/06) and public places (22/3), elderly have more satisfaction than youth.

Key words: Youth, Aging, Quality of Life, Social Capital and Adaptation to Urban Life

Relationship between Foreign Visual Media and Value System of Youth and Teenagers in Shiraz City

Ali Rouhani
Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
Somayyeh Hashemi
Ph.D. in Social Changes Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran
Masoud Anbarloo
Ph.D. Student in Rural Development Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received:13 Jan. 2018
Accepted:14 Apr. 2018

In today's world, the speed of changes has been increased as many sociologists believe that the main feature of the new world is its rapid and unpredictable changes. These rapid changes have occurred not only in the modern technologies but also in the social and cultural fields. With development of information and communication technologies, many behavioral and social fields of people have been changed too. In this regard, many values, norms, habits, manners, life styles and characteristics of people have been changed accordingly. Therefore, the study is an attempt to analyze the relationship between foreign visual media and value system of Shiraz's youth and teenagers. For this purpose, 400 young people of Shiraz—youth and teenagers—were selected based on multi-stage cluster sampling and were asked to answer the questions of a researcher-made questionnaire. The dependent variable of the research included different clusters and a range of values including eight clusters of native, national, global, religious, economic, scientific, social/cultural and familial values. Foreign visual media were also studied extensively. The findings of the study show that there is a meaningful relationship between foreign visual media and all eight value clusters (native, national, global, religious, economic, scientific, social/cultural and familial). Finally, the proposals of study have been presented at the end of article.

Key words: Foreign Visual Media, Technological Changes and Value System of Youth and Teenagers

A Sociological Study on Youth Cultural Participation and its Related Social Factors (Case Study: Youth in Khalkhal City)

Eghbale Azizkhani

Ph.D., Assistant Professor, Social Sciences Department, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Received:21 Nov. 2017

Accepted:5 Feb. 2018

The study is to explain the sociological contribution of cultural participation among Khalkhal youth and its related social factors. In this research, what is important is the importance of cultural participation. The theoretical framework and theoretical model were presented using the theories of Jean-Baudrillard, Lick and Hachfeld, Durkheim and Huntington and Nelson. This research was conducted through a survey method. Face and structural validity was used and reliability was obtained using Cronbach's alpha coefficient. The statistical population of the study consists of young people aged 15-29 in Khalkhal, the number of which is according to the registry office. Using Cochran formula, 380 people were selected by multi-stage cluster sampling. To analyze the data, two methods of descriptive and inferential statistics were used and analyzed using spss software. After preparing the matrix table, the information is arranged in the form of one-dimensional and two-dimensional tables. Findings indicate that independent variables of social support, sense of citizenship, social trust, group association and mass media have a significant relationship with the dependent variable of cultural participation.

Key words: Cultural Participation, Social Support, Sense of Citizenship, Trust and Group Engagement

A Study on Attitude toward Two Kinds of Proposal Ceremony: Traditional and Modern (Case Study: Young Girls in Refah University)

Tahereh Jafari
Ph.D. in Sociology, Cultural Studies Department, Refah University, Tehran, Iran
Maryam Kouhestani
Master Degree in Cultural Studies, Refah University, Tehran, Iran

Received:13 May 2018
Accepted:1 Aug. 2018

The proposal ceremony is an introduction to wedding ceremony and starting a family. In the past, the proposal ceremony was held in a traditional way. Over the time, with the communities becoming more sophisticated, the traditional proposal has taken a modern form. The study is to find out the attitude of the young girls toward the two kinds of proposal ceremony: traditional and modern. For this purpose, 150 subjects were selected randomly from the Refah University students. The study has been performed by a descriptive-explanatory method. An author-made questionnaire was used to collect the data. Descriptive and inferential statistics, including Chi-Square tests and Pearson correlation coefficient, were used to analyze the data. The results showed that the girls are willing to be proposed for in the modern way.

Key words: Proposal Culture, Traditional Proposal Ceremony, Modern proposal, Refah University and Girls' Attitude

An Analysis on the "Youth Right to Employment" in the Constitution and Upstream Regulations of National Development Plans

Jafar Satvati
Ph.D. Student in Public Law, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran
Ali Akbar Gorji
Ph.D., Associate Professor in Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received:10 Jun. 2018
Accepted:18 Jul. 2018

The youth right to employment is one of the youth rights, which belongs to the category of economic and social rights and emphasized in some of international law document such as the Universal Declaration of Human Rights, International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights, the World Plan of Action for Youth to the Year 2000 and beyond and the other international law instruments, relating to the youth and development issues. This right also has been considered in the main internal law documents such as the Constitution, macro policies, the laws adopted by the Parliament (Majlis) and approvals of legal legitimated sources.

In this article which is an applied research and conducted by documentary method, the issue of youth right to employment has been studied and analyzed in particularly in the Constitution and upstream regulations of national development. It also aims at knowing the situation of this right in this part of the domestic legal system and recommending the suggestions for achieving the proper legal model.

The research has some founds such as the followings: 1- The youth right to employment has been recognized properly in Iran's Constitution and clarified more complete in comparison to the Constitution of other countries 2- The youth employment right also has been recognized in the Development Macro Policies, in which there is no legal vacuum in the policies.3- The youth employment right has been clarified in the **"**Act of National 6th Development Plan**"** in the compliance with the Development Macro Policies. However, offering the legal solutions, in which helps to realizing this right has been neglected in this Act; the solutions regarding the **"**employability**"** and supporting the **"**Venture Capital", which was better to be clarified in later Act.

Key words: Youth, Right to Employment, Constitution and Upstream Regulations of National Development

Impact of Social Capital on Good Governance (Case Study: Students of Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch)

Fatemeh Doleh

Ph.D. Student in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyfollah Seyfollahi

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Habibolah Zanjani

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:22 May 2018

Accepted:31 Jul. 2018

This paper is to investigate the impact of social capital on the good governance of young people. The statistical population of the study consisted of all students of Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch that 280 students were selected as statistical sample. In theoretical foundations, theories related to this field were used and the research theoretical model was designed. In terms of target type, an applied study and scope, is micro and temporal, is a cross-sectional study. In terms of quantitative methodology and correlation, this study was carried out using a standard questionnaire which was distributed among respondents after validation and validity. The collected data were analyzed using Spss18 software in two levels of descriptive statistics and inferential statistics. The results indicate that the hypothesis of the impact of social capital on good governance (with a coefficient of $\beta = 0/931$ and R2 = 866 = 0 and Sig = 0/000) is confirmed and indicates the 86 percent power of social capital in prediction Good governance; all the assumptions of the research were confirmed.

Key Words: Good Governance, Social Capital, Accountability, Structural Capital and Effectiveness of Roles

Relationship between Intra-Organizational Factors and Political Behavior Based on Moderating Role of Political Skill and Political Will in Sport Industry

Robab Mokhtari

Ph.D. Student in Sport Management and Planning, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Mohammad Safania

Ph.D., Full Professor in Sport Management, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hossein Pour Soltan Zarandi

Ph.D., Assistant Professor, Payam-e-Noor University, Karaj, Iran

Received:8 Jan. 2017

Accepted:9 Apr. 2017

The study is to investigate the relationship between intra-organizational factors and political behavior based on moderating role of political skills and political will in the sports industry. The research method is a descriptive co relational design. The statistical population includes all employees of the Ministry of Sport and federations, which is over 1500. Of the federations, four team sports federations and four individual sports federations were selected based on popularity among federations. The sample consists of 350 people who were selected by available non-random sampling method. A questionnaire was used to measure the variables studied. In order to study the proposed model, structural equation method was used using SPSS-19 and PLS software. The findings indicated that the relationship between intra-organizational factors, political skill and political will was not significant with political behavior. The relationship between intra-organizational factors with political skill and political will were significant. Also, the findings showed that the political skill and political will moderated the relationship between intra-organizational factors and political behavior. According to the results of this research, it is suggested to managers and authorities of the organizations to consider the role of intra-organizational factors, political skill and political will on different aspects of organizational politics.

Keywords: Intra-Organizational Factors, Political Behavior, Political Skill and Political Will

Editing Communication Model of Psychological Capital and Work Engagement with Job Self-Efficacy as A Mediation among Sports and Youth Administration Employees in Ardebil Province

Nasrin Azizian Kohan

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Mahrokh Dehghani

Ph.D., Assistant Professor in Motor behaior, Physical Education Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Ayoub Behtaj

Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Pysical Education, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Ghaffar Karimian Pour

Ph.D. Student in Sport Management, Educational Sciences Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Received:20 Dec. 2017

Accepted:20 Jan. 2018

The study is to edit a communication model of psychological capital and work engagement with job self-efficacy as a mediation among sports and youth administration employees in Ardebil province. The study is an applied one and the research method was descriptive correlational (SEM). Statistical population of this study comprised all of Ardabil Youth and Sports Department personnels. From among this population, 145 employer were selected by using random sampling method. For data collection, psychological capital questionnaire, work engagement questionnaire and Job self-efficacy questionnaire were used. The content validity of the questionnaire was approved and realability of questionnaires Respectively 0/78, 0/88 and 0/72 is obtained. To analyze the data, spss softwar (mean, Standard Deviation, person correlation coefficient and k-s test) and LISREL saftwar were used. The results showed that direct effect of the psychological capital Job self-efficacy (0/39) on work engagement (0/36) is significant. Also, Job self-efficacy had a diredt effect on work engagement (0/25). The mediator role of Job self-efficacy in the relationship between psychological capital and work engagement was significant (0/09). Therefore, it can be concluded that psychological capital and Job self-efficacy may be taken into account as one of the important factors in work engagement

Key words: Psychological Capital, Job Self-Efficacy and Work Engagement

Relationship between Social Support and Self-Regulation with Leisure Time Physical Activities (LTPA) of Iranian Workers

Mahdieh Irom

Ph.D. in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Zarei

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farshad Tojari

Ph.D., Full Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:16 Apr. 2016

Accepted:1 Jun. 2016

The study is to investigate the relationship between social support and self-regulation and its relationship with leisure time physical activities (LTPA) of Iranian workers. This is a descriptive and survey research method study with sample population of Iranian workers from 15 provinces, including 388 workers. Data collection had been through a demographic questionnaire, participation in leisure-time physical activities, social support and self-regulation (Kaigang Li, 2010). In order to describe the data, descriptive statistics and multiple regression were used to test the research hypotheses ($P<0/05$). Findings of the research showed that there is a positive and significant relationship between social support and self-regulation. So, social support and help from friends and family members will have a significant impact on increasing self-regulation. Also, there is a positive and significant relationship between self-regulation and leisure-time physical activities which means if people want to do more activities at their leisure time, they must manage and organize their goals. Therefore, to enjoy the benefits of participation in physical activity leisure time and to increase physical health, it is recommended that the whole community should emphasize the highlights of planning.

Keywords: Social Support, Self-Regulation, Leisure Time, Physical Activity and Iranian Workers

A Systematic Review on the Workaholism Researches

Beranoosh Nikbin
Ph.D. Student in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran
Akbar Hassan Pour
Ph.D., Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran
Said Jafari Niya
Ph.D., Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran
Hossein Abbasiyan
Ph.D., Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received:27 Jun. 2018
Accepted:3 Jul. 2018

Given the importance of work in todays' life and consequences of work like workaholism and on the other hand the lack of the lack of agreement among different researchers on the concept of workaholism in terms of the nature, affective and consequencies of this concept, the study is to present a systhematic review on researches about workaholism. In this regard, based on the Prism method, after identifying 122 articles and screening 67 articles, 55 papers were selected to be reviewed. Accourding to the results of this review through prizma method, theories such as spillover-cross-over theory, the mood as input approach, Passion, Self-determination theory and Regulatory focus theory were determined as the theories explaining the relationship between workaholism and other variables. Also the results demonstrated that the categoris such as the Scott et al (1997), Spence and Robbins (1992) and researchers such as burke and schoufeli are as the most prominent scholars and researchers of workaholism research area. Finally, a process model is presented based on the affective and consequence variables of workaholism.

Keywords: Workaholism, Systematic Review and Prisma

A Review of Ad Hoc Division of CAS Development and Operation of AHD at Rio Olympic Games (2016)

Ali Dadgar
Ph.D. in International Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
Mehdi Zahedi
Ph.D., Associate Professor, Faculty of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
Seyyed Ghasem Zamani
Ph.D., Associate Professor, Faculty of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
Aramesh Shahbazi
Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Received:19 Feb. 2017
Accepted:7 Mar. 2017

Sport is an international issue. Today, development of information technologies and importance of economic aspect of sport has caused to develop sport related disputes. To resolve these conflicts, sport governors established a fair and expert judgment system called, Court of Arbitration for Sport (CAS). Gradually due to many conflicts arose in this area since 1996 during The Atlanta Olympic Games, a new division called Ad Hoc Division started to work. This division of CAS resolves disputes during Olympic Games and International sport events. The study is to review the role of AHD in resolving sport related disputes in Olympic Games and CAS as a role model for international law in resolving conflicts and developing Lex Sportiva, with special attention to Rio -2016 Olympic Games and new division called Anti– Doping Division which started to work for the first time in this international event.

Key words: Sport Law, CAS, Ad Hoc Division (CAS) and Anti– Doping Division (CAS)

A Study on Influential Factors to Success and Wane of Talented Sports in Golestan Province during Last Decade

Saied Ghorbani
Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran
Bahman Tayyebi
Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Golestan University, Gorgan, Iran
Gholam Hassan Rahman Nia
Golestan Administration, MSY, Gorgan, Iran
Kianoosh Deylami
Ph.D. Student in Sport Management, Allameh TabatabaiUniversity, Tehran, Iran

Received:22 Jan. 2018
Accepted:23 Jun. 2018

The study is to identify factors influencing success and wane of talented sports in Golestan province during last decade. Statistical population consisted of all managers and experts of sport and youth office of Golestan province (including 180 individuals selected according to the Morgan table and filled both success and failure questionnaires) as well as officials of boards, trainers and athletes of to-be-investigated sports (48 for the success and 28 for wane part, all completed related questionnaires). So, statistical sample included 166 individuals for success and 146 individuals for wane part. Two questionnaires were used to identify factors influencing success and decline. These questionnaires included eight components of coaching and human resources development, motivation and support of human resources, athlete's talent identification and education, sports competitions and camps, management, hardware, budget and finance, and coordination and communication. Validity of these questionnaires was confirmed by experts and their reliability was evaluated by the Cronbach's alpha formula and their coefficient was higher than 0/80. The results showed that budget and finance, and coordination and communications were the most important factors affecting success of talented sports. Moreover, development of coaches and human resources, and athlete's talent identification and education were the most important factors influencing wane of talented sports. Beside the essential technical and task-oriented areas, factors such as budget and finance, human resources, and talent identification could be introduced as most important factors influencing success and wane of sports.

Keywords: Success, Wane, Talented Sports and Golestan Province

Determining Motives and Motivation Factors among Iranian Elders of Male and Female to Participate in Physical Activities

Parvaneh Kholousi

Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farshad Tojari

Ph.D., Full Professor, Physical Education Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Reza Esmaeili Shazandi

Ph.D., Associate Professor, Physical Education Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:30 Apr. 2017

Accepted:5 Jul. 2017

This study is to provide a basis at the country level for previous research by determining and analyzing motives among Iranian elders of males and females to participate in physical activities. This study is a descriptive-analytical research conducted as a field study. 1028 elderly (506 females and 522 males) were selected from 15 different cities by single-stage cluster sampling. Sharkey personal data questionnaire (1997) and Kirkby et.al standard questionnaire (PMQOA) were used to measure sport activity and determine elders' motives. T-test was used to compare the groups. Data was analyzed by SPSS software version 16 and data were analyzed at significant level of $p < 0/05$. Collected data determining elders' physical activity of males and females have shown significance. Also involvement and Medical motives have shown significant difference. The elderly females made these factors more important than elderly males. Involvement and Medical motives are more important for females than males and the amount of participation of the elderly men were higher in physical activities than in the elderly women. Based on PMQOA questioner, elders stated maintaining health and fitness, keeping calm, back pain prevention, being outdoor and learning new skills as the most important factors motivating them to participate in physical activities.

Keywords: Physical Activity, Elder, Involvement, Motive, Iranian, Women and Men

Strategies and Programs for Development of Sport for All in Iran

Mohammad Javadi Pour
Ph.D., Associate Professor, Curriculum Studies and Instruction Department, University of Tehran, Tehran, Iran
Somayyeh Rahbari
Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:3 Sep. 2017
Accepted:27 Jan. 2018

The paper is to study the strategies and programs for development of sport for all in Iran. Research method in terms of the purpose was practical and in view of the nature of the research data was exploratory mixed design. For qualitative section, 16 executives and experts of sport for all were considered as statistical population and based on the targeted sampling were collected. Data were gathered through interviews and coded and analyzed by Streubert and Carpenter's method (2011). The statistical populations in the quantitative section were the sport for all federation managers, the heads of the federation committees, the heads of federation-sponsored associations and the heads of the sport for all departments of the provinces (200 people). Samples were selected randomly. The researcher-made questionnaire was a tool for collecting research data at this stage. The items of this questionnaire were extracted from the systematic interviews with the managers and executives of sport for all. The face and content validity of the questionnaire was approved by the professors, structural validity was confirmed by exploratory factor analysis and its reliability was calculated by Cronbach's alpha ($\alpha = 0.83$).Data analysis in this section was done by SPSS software with Wilcoxon Test. In qualitative section the results showed that the strategies and programs for the development of sport for all in Iran including organizational strategies, create culture, economic solutions and based on research. According to the results in the quantitative section there was significant difference between the current and desired status in methods of providing solutions and strategies programs for the development of sport for all in Iran.

Keywords: Sport for All, Strategy, Sports Development Program and Iran

Fatemeh Doleh: Ph.D. Student in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Seyfollah Seyfollahi:** Ph.D., Associate Professor in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Habibolah Zanjani:** Ph.D., Associate Professor in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran 16

An Analysis on the "Youth Right to Employment" in the Constitution and Upstream Regulations of National Development Plans
Jafar Satvati: Ph.D. Student in Public Law, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran / **Ali Akbar Gorji:** Ph.D., Associate Professor in Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran 17

A Study on Attitude toward Two Kinds of Proposal Ceremony: Traditional and Modern (Case Study: Young Girls in Refah University)
Tahereh Jafari: Ph.D. in Sociology, Cultural Studies Department, Refah University, Tehran, Iran / **Maryam Kouhestani:** Master Degree in Cultural Studies, Refah University, Tehran, Iran 18

A Sociological Study on Youth Cultural Participation and its Related Social Factors (Case Study: Youth in Khalkhal City)
Eghbale Azizkhani: Ph.D., Assistant Professor, Social Sciences Department, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran 19

Relationship between Foreign Visual Media and Value System of Youth and Teenagers in Shiraz City
Ali Rouhani: Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran / **Somayyeh Hashemi:** Ph.D. in Social Changes Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran / **Masoud Anbarloo:** Ph.D. Student in Rural Development Planning, University of Tehran, Tehran, Iran 20

A Sociological Study on Youth and Aging in Tehran and its Degree of Adaptation to Urban Life
Mohammad Ahmadi Zeydkandi: Ph.D. Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Alieh Shekar Beygi:** Ph.D., Full Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Omid Ali Ahmadi:** Ph.D., Assistant Professor, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran 21

A Systematic Review on the Workaholism Researches
Beranoosh Nikbin: Ph.D. Student in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran / **Akbar Hassan Pour:** Ph.D., Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran/ **Said Jafari Niya:** Ph.D., Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran / **Hossein Abbasiyan:** Ph.D., Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran 12

Relationship between Social Support and Self-Regulation with Leisure Time Physical Activities (LTPA) of Iranian Workers
Mahdieh Irom: Ph.D. in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Ali Zarei:** Ph.D., Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Farshad Tojari:** Ph.D., Full Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran 13

Editing Communication Model of Psychological Capital and Work Engagement with Job Self-Efficacy as A Mediation among Sports and Youth Administration Employees in Ardebil Province
Nasrin Azizian Kohan: Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran / **Mahrokh Dehghani:** Ph.D., Assistant Professor in Motor behaior, Physical Education Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran / **Ayoub Behtaj:** Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Pysical Education, University of Tabriz, Tabriz, Iran / **Ghaffar Karimian Pour:** Ph.D. Student in Sport Management, Educational Sciences Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran 14

Relationship between Intra-Organizational Factors and Political Behavior Based on Moderating Role of Political Skill and Political Will in Sport Industry
Robab Mokhtari: Ph.D. Student in Sport Management and Planning, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Ali Mohammad Safania:** Ph.D., Full Professor in Sport Management, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Hossein Pour Soltan Zarandi:** Ph.D., Assistant Professor, Payam-e-Noor University, Karaj, Iran 15

Impact of Social Capital on Good Governance (Case Study: Students of Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch)

CONTENTS

Strategies and Programs for Development of Sport for All in Iran
Mohammad Javadi Pour: Ph.D., Associate Professor, Curriculum Studies and Instruction Department, University of Tehran, Tehran, Iran **/ Somayyeh Rahbari:** Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran 8

Determining Motives and Motivation Factors among Iranian Elders of Male and Female to Participate in Physical Activities
Parvaneh Kholousi: Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **/ Farshad Tojari:** Ph.D., Full Professor, Physical Education Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **/ Mohammad Reza Esmaeili Shazandi:** Ph.D., Associate Professor, Physical Education Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran 9

A Study on Influential Factors to Success and Wane of Talented Sports in Golestan Province during Last Decade
Saied Ghorbani: Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran **/ Bahman Tayyebi:** Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Golestan University, Gorgan, Iran **/ Gholam Hassan Rahman Nia:** Golestan Administration, MSY, Gorgan, Iran **/ Kianoosh Deylami:**Ph.D. Student in Sport Management, Allameh TabatabaiUniversity, Tehran, Iran 10

A Review of Ad Hoc Division of CAS Development and Operation of AHD at Rio Olympic Games (2016)
Ali Dadgar: Ph.D. in International Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran **/ Mehdi Zahedi:** Ph.D., Associate Professor, Faculty of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran **/ Seyyed Ghasem Zamani:** Ph.D., Associate Professor, Faculty of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran **/ Aramesh Shahbazi:** Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran 11

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian
Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour
Associate Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi
Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour
Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi
Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri
Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar
Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari
Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki
Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari
Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

QUARTERLY OF
STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

No.40 **Summer 2018**

Concessionaire: Ministry Of Sports and Youth

Director: Mohammad Reza Fazli

Editor-in-Chief: Seyyed Nasrollah Sadjadi

Office Manager: Zahra Kamalian

Typist: Jafar Khodady

Publication: Iranian Student Book Agency

MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel:+98(21)22662369

Fax: +98(21)22662260

http://faslname.msy.gov.ir

In The Name Of Allah

The Beneficent and the

Merciful